



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اقتصاد و توسعه سالم در اسلام

پیشگامان توسعه

فکر و حرکت

دکتر علی بابایی خورشیدی



دکتر محمدعلی بابایی خورشیدی
مؤلف

گروه فرهنگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقتصاد و توسعه سالم در اسلام جلد سي و چهارم: فریاد خاموش درون

نویسنده:

علي بابايي خورزوقي

ناشر چاپي:

دارخوين

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	اقتصاد و توسعه سالم در اسلام جلد سی و چهارم: فریاد خاموش درون
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۱	فهرست
۱۴	اشاره
۱۷	طلیعه
۱۸	منظوم کسب و کار برای اقتصاد سالم
۲۲	مقدمه
۲۷	بحران معرفتی غرب نسبت به بحث توسعه و اقتصاد:
۴۴	راه کارهای کاربردی و مسائل مربوط به اقتصاد سالم کدام است؟
۴۴	اشاره
۵۵	(۱) مبانی فلسفی و اعتقادی اقتصاد سالم:
۸۱	(۲) اهمیت اقتصاد سالم در جامعه:
۸۶	(۳) اهداف نظام اقتصادی در اسلام:
۹۲	(۴) چگونگی نقش حکومت در تحقق اقتصاد سالم:
۱۰۰	(۵) اهمیت مال و ثروت و کم و کیف سرمایه داری:
۱۰۹	(۶) رعایت قسط در مبادلات اقتصاد سالم:
۱۱۷	(۷) منشأ حق و عقل در اقتصاد سالم:
۱۲۵	(۸) نقش علم و دانش در ایجاد اقتصاد سالم:
۱۳۶	(۹) جایگاه و اهمیت عدالت در اقتصاد سالم:
۱۴۹	(۱۰) راهکارهای تحقق عدالت (توازن اقتصادی و تکافل عمومی):
۱۷۴	(۱۱) مدیریت اقتصادی، نظم و برنامه ریزی:
۱۸۳	(۱۲) اقتصاد رقابتی از دیدگاه اسلام:

- ۱۸۶ (۱۳) توجه به کسب عزت و سربلندی:
- ۱۹۱ (۱۴) کم و کیف اقتصاد مقاومتی:
- ۲۰۴ (۱۶) خوداتکایی و وابسته نبودن به غیر:
- ۲۰۵ (۱۷) جهاد و پیشرفت اقتصادی در قرآن:
- ۲۲۳ (۱۹) مدار و گستره آزادی اقتصادی در اسلام:
- ۲۳۰ (۲۰) نقش ارزش های معنوی در توسعه اقتصادی:
- ۲۴۵ (۲۱) تاثیر توسعه اقتصادی در تعالی معنوی:
- ۲۵۳ (۲۲) نقش ایمان به معاد در اصلاح رفتارهای اقتصادی:
- ۲۵۷ (۲۳) ادای حقوق مالی در اقتصاد سالم:
- ۲۶۳ (۲۴) سخت کوشی و جایگاه و ارزش کار و تلاش:
- ۲۹۰ (۲۵) وجود محدودیت ها شغلی و پرهیز از کار حرام:
- ۲۹۹ (۲۶) کم و کیف توکل در کسب و کار:
- ۳۰۵ (۲۷) کم و کیف حق مالکیت فردی و خصوصی:
- ۳۱۲ (۲۸) کم و کیف بانکداری اسلامی و دلایل برتری آن:
- ۳۲۴ (۲۹) تقویت تولید و طبقه تولید کننده:
- ۳۲۹ (۳۰) طبقه بازاری و کم و کیف فعالیت های بازار:
- ۳۳۱ (۳۱) نهادینه شدن الگوی صحیح مصرف در جامعه:
- ۳۳۷ (۳۲) آفات اقتصاد سالم و راههای مبارزه با آنها:
- ۳۳۷ اشاره
- ۳۴۲ (الف) مبارزه با فقر، تبعیض و فاصله طبقاتی:
- ۳۴۷ (ب) مبارزه با تورم و گران فروشی:
- ۳۵۰ (ج) برخورد با محتکران و مال اندوزان:
- ۳۵۵ (د) مبارزه با رانت و ویژه خواری:
- ۳۵۶ (ر) غش در معامله و پوشاندن عیب های تولید:
- ۳۵۶ (م) مبارزه با ربا و رباخواری:
- ۳۵۹ (م) مبارزه با رشوه و رشوه خواری:

- ۳۶۱ (و) انباشت ثروت های راکد:
- ۳۶۲ (ن) برخورد با اسراف و اسراف فکری:
- ۳۶۵ (ی) مبارزه با اختلاس کارگزاران:
- ۳۶۵ اشاره
- ۳۷۱ (۱) رتبه های تکان دهنده علمی کشور:
- ۳۷۲ (۲) رشد بی نظیر کشور در قدرت نظامی:
- ۳۷۴ (۳) آموزش و پرورش کودکان:
- ۳۷۵ (۴) رتبه های کم نظیر جهانی در «اندازه بازار»:
- ۳۷۶ (۵) رشد در شاخص توسعه انسانی (ایران بالاترین کشور):
- ۳۷۸ (۶) تولید ناخالص ملی «مقام هجدهم اقتصاد قدرتمند جهان»:
- ۳۷۹ (۷) توسعه های خیره کننده در صنایع دانش بنیان:
- ۳۸۱ (۸) شاخص جینی «توزیع ثروت عادلانه بهتر از آمریکا، روسیه و...:
- ۳۸۲ (۹) رشد عجیب در شاخص انرژی:
- ۳۸۳ (۱۰) رتبه های بی سابقه و استثنایی در صنعت و معدن:
- ۳۸۵ (۱۱) رتبه های باور نکردنی در صنعت خودرو:
- ۳۸۶ (۱۲) ارتقاء خیره کننده در فناوری ارتباطات:
- ۳۸۷ (۱۳) سلامت عمومی «امید به زندگی از ۵۷ سال به ۷۶ سال»:
- ۳۸۹ (۱۴) کولاک و دگرگونی در حمل و نقل شهری مخصوصا مترو:
- ۳۹۱ (۱۵) رتبه های ارزشمند در حمل و نقل:
- ۳۹۳ (۱۶) شاخص های بسیار عالی در کشاورزی:
- ۳۹۴ (۱۷) رشد قابل توجه آموزش عالی و پرورش نخبگان:
- ۳۹۶ (۱۸) فرهنگ و رسانه:
- ۳۹۸ (۱۹) قدرت شگفت انگیز جهانی ایران از زبان دشمن:
- ۴۰۶ نتیجه گیری
- ۴۰۹ منابع:
- ۴۱۵ کتابهای زیر تا کنون از این شاعر و مولف چاپ و منتشر شده است:

اقتصاد و توسعه سالم در اسلام جلد سی و چهارم: فریاد خاموش درون

مشخصات کتاب

سرشناسه: بابایی خورزوقی، علی، 1342-

عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد و توسعه سالم در اسلام جلد سی و چهارم: فریاد خاموش درون/ مولف و شاعر علی بابایی خورزوقی؛ با همکاری مجتبی بابایی، اکرم ترک.

مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، 1399.

مشخصات ظاهری: 580ص.؛ 14/5×21/5 س م.

شابک: 7-380969-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. 575 - 579؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: اسلام و اقتصاد

موضوع: Islam -- Economic aspects

موضوع: پیشرفت -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Progress -- Religious aspects -- Islam

موضوع: شعر فارسی -- قرن 14

موضوع: Persian poetry -- 20th century

شناسه افزوده: بابایی خورزوقی، مجتبی، 1365-

شناسه افزوده: ترک، اکرم، 1367 -

رده بندی کنگره: BP230/2

رده بندی دیویی: 297/4833

شماره کتابشناسی ملی: 6167307

ص: 1

اشاره

همراهانی که به دنبال گمشده فطرت یعنی اقتصاد سالم برای رسیدن به آرامش و سعادت حقیقی در دنیا و آخرت می باشند حتما این کتاب را بخوانند

«چرا که این کتاب به دنبال نیازهای واقعی فطرت بشری بوده و به بیانی می خواهد به فریاد خاموش درون انسان پاسخ مثبت دهد؛ لذا مولف معتقد است اقتصاد سالم همانی است که فطرت بشریت و ضمیرهای حق جو و حق پذیر در تمام اعصار و ازمه طالب و مشتاق آن است... بدین جهت آثار آن تا ابدیت ماندگار خواهد بود...»

(کلیه اشعار موجود در کتاب توسط مولف سروده شده است)

ص: 1

فهرست:

۵	اشاره:
۷	طلیعه
۸	منظوم کسب و کار برای اقتصاد سالم
۱۲	مقدمه
۱۷	بحران معرفتی غرب نسبت به بحث توسعه و اقتصاد:
۳۴	راه کارهای کاربردی و مسائل مربوط به اقتصاد سالم کدام است؟
۴۵	(۱) مبانی فلسفی و اعتقادی اقتصاد سالم:
۷۱	(۲) اهمیت اقتصاد سالم در جامعه:
۷۶	(۳) اهداف نظام اقتصادی در اسلام:
۸۲	(۴) چگونگی نقش حکومت در تحقق اقتصاد سالم:
۹۰	(۵) اهمیت مال و ثروت و کم و کیف سرمایه داری:
۹۹	(۶) رعایت قسط در مبادلات اقتصاد سالم:
۱۰۷	(۷) منشأ حق و عقل در اقتصاد سالم:
۱۱۵	(۸) نقش علم و دانش در ایجاد اقتصاد سالم:
۱۲۶	(۹) جایگاه و اهمیت عدالت در اقتصاد سالم:
۱۳۹	(۱۰) راهکارهای تحقق عدالت (توازن اقتصادی و تکافل عمومی):
۱۶۴	(۱۱) مدیریت اقتصادی، نظم و برنامه ریزی:
۱۷۳	(۱۲) اقتصاد رقابتی از دیدگاه اسلام:
۱۷۶	(۱۳) توجه به کسب عزت و سربلندی:
۱۸۱	(۱۴) کم و کیف اقتصاد مقاومتی:
۱۹۴	(۱۶) خودانکایی و وابسته نبودن به غیر:
۱۹۵	(۱۷) جهاد و پیشرفت اقتصادی در قرآن:
۲۰۳	(۱۸) کم و کیف مقررات و معاهدات اقتصادی و ...
۲۱۳	(۱۹) مدار و گستره آزادی اقتصادی در اسلام:
۲۲۰	(۲۰) نقش ارزش‌های معنوی در توسعه اقتصادی:

===== سالمترین روش در توسعه و اقتصاد =====

- ۲۳۵ (۲۱) تاثیر توسعه اقتصادی در تعالی معنوی:
- ۲۴۳ (۲۲) نقش ایمان به معاد در اصلاح رفتارهای اقتصادی:
- ۲۴۷ (۲۳) ادای حقوق مالی در اقتصاد سالم:
- ۲۵۳ (۲۴) سخت کوشی و جایگاه و ارزش کار و تلاش:
- ۲۸۰ (۲۵) وجود محدودیت ها شغلی و پرهیز از کار حرام:
- ۲۸۹ (۲۶) کم و کیف توکل در کسب و کار:
- ۲۹۵ (۲۷) کم و کیف حق مالکیت فردی و خصوصی:
- ۳۰۲ (۲۸) کم و کیف بانکداری اسلامی و دلایل برتری آن:
- ۳۱۴ (۲۹) تقویت تولید و طبقه تولید کننده:
- ۳۱۹ (۳۰) طبقه بازاری و کم و کیف فعالیت های بازار:
- ۳۲۱ (۳۱) نهادینه شدن الگوی صحیح مصرف در جامعه:
- ۳۲۷ (۳۲) آفات اقتصاد سالم و راههای مبارزه با آنها:
- ۳۳۲ الف) مبارزه با فقر، تبعیض و فاصله طبقاتی:
- ۳۳۷ ب) مبارزه با تورم و گران فروشی:
- ۳۴۰ ج) برخورد با محتکران و مال اندوزان:
- ۳۴۵ د) مبارزه با رانت و ویژه خواری:
- ۳۴۶ ر) غش در معامله و پوشاندن عیب های تولید:
- ۳۴۶ م) مبارزه با ربا و ربا خواری:
- ۳۴۹ م) مبارزه با رشوه و رشوه خواری:
- ۳۵۱ و) انباشت ثروت های راکد:
- ۳۵۲ ن) برخورد با اسراف و اسراف فکری:
- ۳۵۳ ه) برخورد با اشرافی گری:
- ۳۵۵ ی) مبارزه با اختلاس کارگزاران:
- ۳۵۸ (۳۲) دستاوردهای کم نظیر مدیریت جهادی در عرصه های انقلاب:
- ۳۶۱ (۱) رتبه های تکان دهنده علمی کشور:
- ۳۶۲ (۲) رشد بی نظیر کشور در قدرت نظامی:
- ۳۶۴ (۳) آموزش و پرورش کودکان:



- ۴) رتبه‌های کم نظیر جهانی در «اندازه بازار»: ۳۶۵
- ۵) ایران بالاترین کشور در شاخص توسعه انسانی: ۳۶۶
- ۶) تولید ناخالص ملی «مقام هجدهم اقتصاد قدرتمند جهان»: ۳۶۸
- ۷) توسعه‌های خیره‌کننده در صنایع دانش‌بنیان: ۳۶۹
- ۸) شاخص جینی «توزیع ثروت عادلانه بهتر از آمریکا، روسیه و...»: ۳۷۱
- ۹) رشد عجیب در شاخص انرژی: ۳۷۲
- ۱۰) رتبه‌های بی‌سابقه و استثنایی در صنعت و معدن: ۳۷۳
- ۱۱) رتبه‌های باور نکردنی در صنعت خودرو: ۳۷۵
- ۱۲) ارتقاء خیره‌کننده در فناوری ارتباطات: ۳۷۶
- ۱۳) سلامت عمومی «امید به زندگی از ۵۷ سال به ۷۶ سال»: ۳۷۷
- ۱۴) کولاک و دگرگونی در حمل و نقل شهری مخصوصاً مترو: ۳۷۹
- ۱۵) رتبه‌های ارزشمند در حمل و نقل: ۳۸۱
- ۱۶) شاخص‌های بسیار عالی در کشاورزی: ۳۸۳
- ۱۷) رشد قابل توجه آموزش عالی و پرورش نخبگان: ۳۸۴
- ۱۸) فرهنگ و رسانه: ۳۸۶
- ۱۹) قدرت شگفت‌انگیز جهانی ایران از زبان دشمن: ۳۸۸
- نتیجه‌گیری ۳۹۶

در آغاز جا دارد نظر جنابعالی به جمع بندی خبری در خصوص رونمایی ده اثر از آثار مولف که در برخی از رسانه ها منتشر شده؛ معطوف گردد:

حوزه: اخبار منتخب، فرهنگ و تاریخ، مجموع اخبارها 25 بهمن، 1397 :: 11:15 کد خبر: 18005

رونمایی کم نظیر از 3413 صفحه در ده اثر شاعر و مولف انقلابی دکتر علی بابایی خورزوقی در دانشگاه...



به گزارش پایگاه خبری صدای جویا از اصفهان، ظهر امروز در چهلمین فجر انقلاب اسلامی طی آیینی در واحد دولت آباد دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان و با حضور مسئولین استان اصفهان از ده اثر ارزشمند شاعر و مؤلف انقلابی دکتر علی بابایی خورزوقی رونمایی به عمل آمد.

این آثار به همراه چندین جلد دیگر حاصل حدود چهل سال از عمر این مولف است که صرف تحقیق و تفحص در جهت خنثی سازی اندیشه های روانشناسان و فلاسفه معاصر و آراء تربیتی غرب که متأسفانه بر خلاف فطرت بشری و فریاد خاموش آدمی در قالب ایسم های مختلف از جمله لیبرالیسم، سکولاریسم و اومانیسم بوده و به نوعی با دین ستیزی و معنویت زدایی؛ مسیر انسانیت و رستگاری را به

انحراف کشیده اند؛ با

ص: 5

رویکرد معنوی با استفاده از آیات و روایات می باشد... در این روز جمعا از سه هزار و چهارصد و سیزده (3413) صفحه از آثار این شاعر و مولف رونمایی شد؛ که در نوع خود واقعا در سطح کشور کم نظیر بوده است. یاد آور می شود که کلیه در آمد حاصل از فروش کتب این شاعر و مولف وفق وصیت ایشان فقط و فقط صرف نشر و ترویج معارف قرآن و اهل بیت (ع) شده و انشا... برای همیشه خواهد شد. همچنین امتیاز همه کتابها و مقالات ایشان در این است که به مناسبت موضوع همراه با اشعاری از مولف؛ تدوین شده که در نوع خود کم نظیر است. و نیز همانند پدر بزرگوارشان با خدا عهد بسته اند تا زمانی که قدرت و توان دارند برای رضای یار، در محافل و مجالس مذهبی و علمی که دعوت می شوند بدون هر گونه انتظار و منت سخنرانی نموده و بابت آن هیچ گونه مبلغ، هدیه و... دریافت نکنند. در این راستا یکی از ائمه جمعه در همایشی فرموده اند: که خداوند متعال در سخنرانی و بیان نعمت را بر ایشان تمام کرده است.

عناوین و مطالب کتب مولف که تا کنون سی و دو جلد آنها به حول و قوه الهی در مجموعه ای تحت عنوان "فرباد خاموش درون" بصورت نظم و نثر منتشر شده و اسامی تعدادی از آنها در انتهای همین کتاب آمده است؛ معمولا از بین سوالات مستمعین در جلسات آموزش خانواده، کارگاه های آموزشی، مجامع هم اندیشی و بحث و انتقاد که بصورت پرسش و پاسخ، توسط مولف پاسخ داده، استخراج و با استفاده از منابع مختلف، به لطف الهی تدوین گردید.

در خاتمه یاد آور می شود که مولف از نظر علمی در کلاسهای خارج فقه (معادل دکترا) در حوزه شرکت و از درس خارج علمایی همچون حضرت آیت ا... خزعلی از فقهای شورای نگهبان استفاده کرده و در دو رشته متفاوت دانشگاهی تحصیل و در مقطع دکترای تخصصی phd در رشته فلسفه تعلیم و تربیت به تحصیل ادامه داده است...

مجتبی بابایی

ص: 6

*سوره تکاثر

مکی 8 سوره 102 صفحه 600

1- گر شود افزون، شمار مال و جاه * می کند غافل، قلوب را در نگاه

2- چون که رفتید، دیدن اهل قبور * 3- یا که می فهمید، به زودی گنج گور

4-5- در چنین حالی، شوید آگه ز حق * با یقین بینید، حقیقت را چو خلق

6- شاهدید، بر دوزخ و روز حساب * 7- چون که، تردیدی نباشد در عقاب

8- از تمام نعمتش، گردد سوال * در سرایی که بُود، بی شک جمال

* قسمتی از سوره متففین

مکی 36 آیه سوره 83 صفحه 587

1- وای و بر آنها ؛ که هستند کم فروش * در زمان کسب و کار و جنب و جوش

2- چون ستانند، کیل و وزنی از عوام * از همه گیرند، تمام اندر تمام

ص: 7

3- چون دهند، پیمانۀ و وزنی به خلق * کم گذارند، بهر مردم نا به حق

4- شاید آنها می کنند فکری دگر * بهر پاسخ بر نمی گردند به حشر

5- در همان روز بزرگ و هم عظیم * 6- می شوند حاضر، حضور آن کریم

7- با همان اعمال زشت و ناپسند * می روند در قعر سجین تا ابد(1)

منظوم کسب و کار برای اقتصاد سالم

وفق سنت با تو گویم این ندا * اقتصاد خوب و بد باشد جدا

بهر هر یک در درون این فضا * بوده اوصاف جدا ای با صفا

اقتصاد خوب و سالم در سرا * همچو گل خوشبو کند کاشانه را

چون که با عدل و عدالت در قفا * می کند حق را فراگیر هر کجا

بهر هر کس گر چه باشد وی گدا * بوده یکسان تا کند حق را ادا

در توازن یا که توزیع چون دوا * می دهد روح و روانها را شفا

ص: 8

1-7 یا که پندارند نباشد هیچ حساب در همان سجین روند بهر عقاب

کار و کوشش همچو ذکر است و دعا * بهر وی باشد جهاد تا منتها

علم و دانش همره نظمی بجا * از اصول اقتصاد است در بنا

دان حلال و رزق خوب همچون طلا * می کند از وی برون صدها بلا

راه خوب هموار کند بی هر ادا * راه پاکی و همان راه خدا

می شود بی شک همی اهل سخا * اهل معنا و همی ذکر و دعا

این چنین گردد رها از هر خطا * چون شود پاک از عیوب و افترا

در تمام سختی های هر بنا * با عمل بر آن شود اهل صفا

یا که باشد برتر از صدها عصا * از همان گام نخست تا انتها

حرف و بحثی را نگوید ناروا * بهر کسب خود همی گوید ثنا

از خیانت می کند خود را جدا * چون که قلبش سالم است از ماسوا

واجبات حق کند هر یک ادا * با همان انفاق و خمس بی هر صدا

وفق آن گردد بسی حاجت روا * با چنین کاری صفا گردد به پا

کاسب مومن در این دار فنا * می رود در راه حق با مقتدا

بر جمالش گر کنی ای با وفا * یک نظر از عمق جان در هر کجا

یاد حق و آخرت بی هر صدا * می شود با روح و جانت آشنا
دون تردید می شود اهل نوا * ذات حق گردد برایش پر بها
با همان ایمان به آن دار بقا * می کند خود را محیا با ولا
کسب سالم در حریم کبریا * جان وی بالا برد تا ماورا
بعد آن گویم نکاتی را به جا * بهر کسب بد درون هر فضا
دان گرانی و توژم با ربا * یا که پنهان کاری و غش در خفا
اختلاس و رابطه با هر ادا * یا که با رشوه کند صدها خطا
یا که اسراف در خوراک و هم قبا * یا که اشرافی گری در هر ردا
احتکار هم بوده کاری ناسزا * یا کند انباشت پول با صد ادا
هر یک از اوصاف مزبور بی صدا * بوده از آفات حق در ماجرا
این چنین فرد لعین در ماورا * دشمن است بر اقتصاد و ماسوا
گر که همراهش شود در این سرا * بی شک و شبهه چو فردی بی نوا
می کند هر دم خیانت یا جفا * بر اصول اقتصاد اندر خفا
از حرام و شبهه کی دارد ابا * چون که ایمانی ندارد در قفا

می زند کید و کند حق را فدا* در مسیر نفس دون با صد هوا

همچو مار و کژدم و موج وبا* اقتصاد را می کند همچون عزا

نیش وی آرد هزار و یک بلا* بوده بدتر از زبان اژدها

کار او باشد خطا اندر خطا* چون که غافل بوده از بحث قضا

می شود بی شک عزیز من فنا* مال و ثروتهای وی در این سرا

آنچه ماند از برایش در قفا* بوده آتش با عذاب های رسا

عاقبت گردد پشیمان از خطا* این پشیمانی ندارد هیچ بها

پس خطا را کن رها بی هر چرا* تا که فرصت داری کن بر خود دعا

این حقیر گوید که ای اهل بقا* اقتصاد خوب دهد جان را شفا

«ای عزیز بزرگوار کل مطالب این کتاب با بهره مندی از آیات و روایات شرحی است بر ابیات فوق؛ جهت تحقق اقتصادی که فطرت بشریت و فریاد خاموش درون آدمی در طول تاریخ طالب و مشتاق آن بوده و خواهد بود»

به نام او که فریاد درون است * به جز او را همه خوار و زبون است

بگو که اقتصاد همچون ستون است * وجودش تار و پود اندر برون است

ای عزیز بزرگوار، بدان و آگاه باش که در نهایت تاسف مکاتب مادی مخصوصاً لیبرالیسم با مبانی اومانیستی و سکولار بر خلاف نیاز واقعی فطرت؛ فقط احکام حقوقی و مصالح دنیایی و جنبه مادی انسان را می بینند. و با این دید ناقص مسیر بشریت را برای رسیدن به اقتصاد سالم به انحراف کشنده و درد آوری کشانده اند. بدون تردید باید روزی پاسخگوی این جفا و جنایت بزرگ و غیر قابل بخشش خود که در حق فطرت پاک انسانی و فریاد خاموش درون بشری روا داشته اند؛ باشند. چرا که بنابر ادله عقلی و نقلی طبق حقایق موجود بدون هر گونه تعصب باید پذیرفت که، تنها اقتصاد سالم است که می تواند در همه ی زمان ها و در تمامی اعصار کارکردهای مثبت در عرصه های مختلف مادی و معنوی داشته باشد؛ و تنها اعتقادی که می تواند بستر و زمینه ظهور و بروز اقتصاد سالم را فراهم نماید اسلام ناب محمدی (ص) است. زیرا اسلام دین خاتم و کامل ترین دین الهی است. از این رو، باید در تمامی زمان ها و در همه ی حوزه های فردی و اجتماعی زندگی انسان، دارای نظر و برنامه باشد. لذا با پیش رفت تکنولوژی دامنه ی برنامه ریزی و قانون گذاری دین گسترش می یابد و از طریق اجتهاد و استنباط از منابع غنی فقه، احکام موضوعات جدید در مباحث اقتصادی روشن می گردد به گونه ای که برای همه افراد بشر جهت تحقق مبانی اقتصاد سالم از گهواره تا گور برنامه دارد و پاسخ گوی تمام نیازهای مادی و معنوی بشر از طریق شیوه ای که اهل بیت (ع) پایه گذاری کرده اند و از آن به اجتهاد نام برده می شود، می باشد. به بیانی اسلام به تمام نیازهای بشر و به آنچه فریاد خاموش درون جهت رسیدن به اقتصاد سالم تشنه و طالب آن است؛

پاسخ مثبت داده و با بنای اقتصاد سالم در هیچ جایی انسان را با بن بست و مشکل روبرو نکرده و نخواهد کرد و بدین وسیله آرامش و سعادت حقیقی را برای انسان در دنیا و آخرت به ارمغان خواهد آورد. همه مطالب این کتاب در راستای تبیین این حقیقت انکار ناپذیر است...

جریان یک اقتصاد سالم در پیکر اجتماع همچون جریان خون سالم در کالبد یک انسان است. انسانی که اگر فطرت پاک و ضمیر روشن و حق جویی داشته باشد ذره ذره وجودش و فریاد خاموش درونش با تمام وجود طالب و خواستار آن است. این ساده ترین و در عین حال گویاترین تفسیری است که می توان برای بیان نقش اقتصاد در جوامع انسانی ذکر کرد. اساساً هر نظام اقتصادی در هر مکتبی بر بینش ها و مفاهیمی استوار است که از طرز تلقی و برداشت آن مکتب نسبت به جهان آفرینش و انسان سرچشمه می گیرد. بر این اساس، نظام اقتصادی که جزئی از کل نظام اجتماعی یک مکتب است نسبت به نظام های دیگر تفاوت اصولی و زیربنایی خواهد داشت.

شهید صدر معتقد است مقصود از اقتصاد اسلامی، مکتب یا مذهب اقتصادی اسلام(1) است. ایشان می نویسد: مذهب اقتصادی عبارت است از اسلوب و روشی که جامعه ترجیح می دهد در عرصه اقتصادی و گشایش معضلات علمی خویش از آن پیروی نماید. هر جامعه ای به جهت آن که با تولید و توزیع امکانات اقتصادی مواجه است، ناگزیر از انتخاب اسلوبي برای تنظیم فعالیت های اقتصادی وی است. چنین اسلوب و روشی، تعیین کننده مذهب اقتصادی است.(2) ایشان همه مشکلات اقتصادی را ناشی از فقدان عدالت اجتماعی دانسته و می نویسد: مذهب اقتصادی در حقیقت ایجاد اسلوبي جهت تنظیم فعالیت های اقتصادی و بر طرف نمودن تنگناهای معیشتی مردم، منطبق با ایده عدالت است.(3)

ص: 13

1- برخی در برگردان فارسی، «المذهب الاقتصادي» را مکتب اقتصادی یا سیستم اقتصادی یا نظام اقتصادی ذکر کرده اند.

2- سید محمدباقر صدر، اقتصادنا، ص 29؛ المدرسه الاسلامیه، مکتبه اعتماد الکاظمی، تهران، 1401 ق، ص 157.

3- المدرسه الاسلامیه، پیشین، ص 151.

بنابراین، مذهب اقتصادی عبارت است از هر نظریه اساسی در زندگی اقتصادی که در ارتباط با ایده عدالت اجتماعی می باشد. البته مفهوم عدالت، یک برداشت اخلاقی است و با ملاک مادی و علمی مورد ارزیابی قرار نمی گیرد. بررسی مالکیت خصوصی، آزادی اقتصادی، الغای نرخ بهره در روابط اقتصادی که با ایده عدالت ارتباط دارند، در قلمرو مباحث مذهب اقتصادی قرار می گیرند. (1) از طرفی از آنجا که اسلام برای کوچکترین مشکلات؛ قانون ارائه نموده است، معقول نیست که در مورد مشکلات عظیم اقتصادی برنامه نداشته باشد؟ چگونه ممکن است اسلام حق انسانی را که زمینی را آباد یا معدنی استخراج می کند، مشخص نکرده باشد. اسلام همانگونه که برای تنظیم روابط فردی برنامه دارد، برای روابط اجتماعی و کلان جامعه طرح و برنامه دارد، پس باید نظام کامل اقتصادی را نیز باورداشته باشیم. (2)

اقتصاد اسلامی بر قناعت و اعتدال در مصرف گرایی تأکید دارد. اقتصاد در اندیشه غرب نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می داند؛ ولی در اسلام منابع و امکانات نامحدود معرفی شده اند. «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا» (3) «و اگر بخواهید نعمت های خداوند را در شمار بیاورید نمی توانید نعمت های خداوند را به حد و حصری محدود کنید.» اسلام مسئله اقتصاد را به عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود که تنها می تواند قسمتی از نواحی حیات انسانی را تنظیم کند، مورد توجه قرار داده و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم می داند. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (4) و اگر مردم ایمان آورده و پرهیزگار بودند، ما ابواب برکات زمین و آسمان را بر آن ها گشوده بودیم. اسلام اقتصاد را در جهت اهداف عالی بشر دانسته و بر این اساس، نگرش سوسیالیستی یا سرمایه داری که اقتصاد را

ص: 14

1- همان، صص 381 - 384.

2- ر.ک.: همان، صص 145، 182، 187، 195 و 198.

3- سوره ابراهیم، آیه 34

4- قرآن مجید، آیه 96

مبنای قرار می دهند، بنابراین برخی از شاخص های قرآنی (1) رد می کند. اصول روش اسلام در توزیع ثروت، در درجه اول، صیانت از عدالت اجتماعی، حفظ حقوق مردم، تقسیم مالکیت به سه بخش (ملی، خصوصی و دولتی) است. در این راستا، به تحریم راه های نامشروع مانند ربا، احتکار... می پردازد و حل مشکلات اقتصادی را در چهارچوب قوانینی مانند استفاده از عقود اسلامی می داند. برخی از این قوانین در ابواب مضاربه، مزارعه، مساقات، بیع، اجاره، جعاله، زکات، خمس و امثال آن بیان گردیده است.

توضیح اینکه بشر در هزاره سوم با انبوهی از تجارب اقتصادی و اجتماعی و یافته های شگرف علمی به دنبال دست یابی به سعادت و خوشبختی (زندگی سالم توأم با رفاه، امنیت، و آرامش) است. اما به نظر می رسد در جوامع سرمایه داری پیشرفته این هدف نتوانسته است آن چنان که باید تحقق یابد. بررسی آمارها و شاخص های مرتبط با رفاه، امنیت، و آرامش مانند میزان خودکشی، طلاق، روابط غیراخلاقی، افسردگی، و اعتیاد به روان گردان ها در کشورهای سرمایه داری غربی نشان می دهد؛ خلأهایی جدی در زندگی بشر مدرن و دارای رفاه مادی امروز وجود دارد. آن چه امروز انسان را با همه توانایی ها و تلاش های

ص: 15

1- شاخصه های مدیریتی اقتصاد اسلامی: عدالت (بقره، آیه 279؛ انعام، آیه 152؛ حدید، آیه 25)، گردش سالم ثروت در تمام سطوح و اقشار جامعه و عدم انحصارگرایی (حشر، آیه 7)، ممنوعیت خروج نقدینگی از چرخه اقتصادی و لزوم گردش آن در کار و تولید (توبه، آیه 34)، مالکیت های چندگانه از خصوصی تا مالکیت عمومی و دولتی (انفال، آیات 1 و 41؛ حشر، آیه 7؛ نساء، آیه 29؛ بقره، آیات 188 و 279)، کار و کسب و تلاش (هود، آیه 61؛ نحل، آیه 14؛ مزمل، آیه 20 و آیات دیگر)، اعتدال در مصرف و پرهیز از هر گونه اسراف و تبذیر (انعام، آیه 141؛ اعراف، آیه 31؛ اسراء، آیه 26) و تامین نیازهای محرومان و نیازمندان و سائلان (بقره، آیات 177، 215 و 273؛ انعام، آیه 141 و آیات دیگر) در اقتصاد اسلامی هر گونه رفتاری که موجب شود تا هدف اصلی و حکمت آفرینش به دست نیاید ممنوع بوده و از سوی دولت بر اصلاح و تصحیح رفتار اقتصادی انجام می گیرد تا کسی یا گروه یا شرکتی بر خلاف اهداف عالی اسلام یا مصلحت مسلمین اقتصاد را سامان ندهد و به کار نگیرد. از این روست که از رباخواری (بقره، آیه 275) و بی عدالتی (ابراهیم، آیات 34 و آیات دیگر) و حتی سلطه نابخردان و سفیهان (نساء، آیه 5) کم فروشی (اعراف، آیه 85)، کنزاندوزی و گردش ناسالم اقتصادی باز داشته است. (حشر، آیه 7 و آیات دیگر) بازداشته و به عنوان گناه با آن مخالفت شده است و برخی از موارد را به عنوان اعلان جنگ با خداوند ارزیابی کرده است. (بقره، آیه 279)

صورت گرفته از مسیر سعادت منحرف کرده، ایدئولوژی حاکم بر رفتارها و تصمیم گیری های اوست. به عبارت دیگر، مکاتب انسان ساز رایج در کشورهای غربی، در قالب ایسم های مختلف به دلیل نداشتن شناخت کامل و صحیح از ابعاد وجودی انسان و پیچیدن نسخه های رفتاری و هنجاری ناقص برای او، انسان را از رسیدن به سعادت و خوشبختی واقعی دور کرده اند. و این ظلم و ستمی جبران ناپذیر بر فطرت و پیکربشریت است.

آن چه از آیات قرآن کریم بر خلاف نظر ایسم های مادی استفاده می شود این است که دست یابی به زندگی شایسته و سالم در گرو بهره گیری از معارف آسمانی با بهره گیری از تفکر و تعقل است. لذا مقتضی است خطوط کلی و شاه راه های هدایت را از وحی گرفته و در چارچوب اصول آن با کمک از لطف و مواهب الهی و قوای ادراکی، اندوخته های تجربی خود را افزایش دهند. به کمک معلوم ها، مجهول ها را یکی پس از دیگری کشف، ابهام های فراروی بشر در زندگی را حل، تاریکی ها را روشن و مشکلات را رفع کنند. و در پرتو آن امور اقتصادی که بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده است را جهت دهی و سامان بخشی نمایند. بنابراین برای یافتن اصول اساسی در مسائل اقتصادی باید به آنچه خالق انسان و زندگی نازل کرده، مراجعه کرد. حیات طیبه ای که او معرفی کرده، شناسایی، مسیرهای منتهی به او را از طریق وحی، کشف، و راه کارهای لازم را با تفقه و تعقل در چارچوب وحی، چاره کرد. اختلاف اساسی بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد کلاسیک، همین جا بروز می کند که اقتصاد اسلامی مبتنی بر وحی، و اقتصاد کلاسیک بر اندیشه ی بشری استوار است؛ در نتیجه بر اساس آزمون و خطا پیش می رود و در مواجهه با بحران ها، مرتب خود را تعدیل می کند و از اصول پذیرفته ی خویش دست می کشد.

در ضمن برای شکوفایی استعدادهای فطری؛ امنیت در تمامی ابعاد آن، به عنوان یکی از اساسی ترین و ضروری ترین نیازهای انسان ها مورد توجه دین مبین اسلام قرار دارد. یکی از ابعاد امنیت، امنیت اقتصادی است. توسعه و پیشرفت اقتصادی و عمران و آبادانی

سرزمین، نیازمند ایجاد و ارتقاء امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی، حاصل شناخت عوامل و موانع، تهدیدها، روش تحصیل و راهکارها و آثار آن است. حکومت هر چند کوتاه امیرمؤمنان و تأکید ایشان بر ایجاد فضای اقتصادی سالم و به تعبیر امروزی امنیت اقتصادی، می تواند الگویی کامل و نیکو از ایجاد و ثبات امنیت اقتصادی را به تصویر و به منصفه ظهور رساند.

بحران معرفتی غرب نسبت به بحث توسعه و اقتصاد:

توسعه باشد نیازت ای بشر * تا شوی احیا ز هر دید و نظر

اقتصاد سالم و پر شور و حال * خواست روح است و درون بی هر ملال

کن محیا جسم و جان با آن کتاب * در مسیر اقتصاد خوب و ناب

در چنین حالی کنی از خود گذر * تا که رشد جان ز آن گیرد اثر

گر کند قلب تو آهن-گ سفر * می رود با پای دل سوی ظفر

تا کند جان را مهیا بهر دوست * با همان عزمی که عزم کوی اوست

از خطا و لغزش و پستی به دور * در ره مولا کن-د از خود عبور

سوی واجب می رود با جان و دل * از حرام گردد جدا در آب و گل

عزم او دارد، درون هر بشر * داد خاموش برون، گوید به سر

فطرت خواند تو را هر دم صدا * در سرایی که بود ماتم سرا

اقتصاد خوب بود لطف خدا * می برد جان تو را در آن فضا

در چنین وضعی تو کن آهن-گ او * در مسیری که بود شیطان ع-دو

عزم خوبی ها بود شرط قبول * این بود آهن-گ عقل و هم و رسول

با تفکر کن ه-دف را انتخ-اب * تا شوی با اقتصادت ی-ار ناب

عهد و پیم-ان در مسیر این نهاد * می کند محکم ستون اقتصاد

بهترین توشه برای این سفر * عزم و ایمان قویست از هر نظر

هر که آهنکش رود سوی دگر * می شود خوار و ذلیل و خون جگر

اضطراب و دلهره در این سفر * می کن-د آهن-گ او را پر خطر

از جهالت می شود قلبش علیل * در فضایی که شود هر دم ذلیل

گر شود مانع مشخص بر بشر * دل کند آهنگ او را در بصر

ای عزیز همسفر با عزم ناب * اقتصاد خوب همی کن انتخاب

تا شوی فارغ زهر نوع اضطراب * در جهانی که رود با آن شت-اب

با همین آهنگ شود جانت چو نور * می رود سوی سع-ادت با شعور

یکی از بارزترین امتیازهای جوامع ایده آل، توسعه مناسب و داشتن اقتصادی سالم، پویا و وجود مجریان فعال، متعهد و کاردان در عرصه

های اقتصادی است. پیامبران الهی نیز

برای ایجاد قسط و عدالت در سطح وسیع آن در میان اقشار مختلف جامعه و تأمین نیازهای مادی مردم و آبادانی و آسایش آنان به وسیله توسعه مناسب، توزیع عادلانه امکانات، سرمایه ها، ایجاد زمینه های مناسب، اطلاع رسانی همگانی و بالاخره ترویج احسان، نیکوکاری و خدمت رسانی کوشیده اند تا مردم را به سوی سعادت و نیک بختی سوق دهند. این تلاش ها که در جهت تحقق بخشیدن به مقاصد الهی و اهداف آسمانی ادیان توحیدی و پیامبران و فرستادگان از سوی خداوند متعال انجام می گیرد، به منظور فراهم کردن زمینه های عبودیت و قرب الهی برای عموم انسانهای سعادت طلب و حقیقت خواه می باشد. در این راستا اشعار مزبور در مثنوی فوق به دنبال اقتصاد و توسعه ای است که بستر را برای رشد و تعالی بشر به گونه ای فراهم کند که آهنگ سفری که فطرت و فریاد خاموش درون، جهت خوشبختی و سعادت طالب آن است؛ محقق شود. به بیانی توسعه ای ارزشمند است که زمینه سعادت را در پرتو اقتصاد سالم در دنیا و آخرت برای بشریت محیا نماید. از دهه چهل میلادی به این سو، «توسعه» به صورت اصطلاحی در اقتصاد رواج یافته است. در آغاز، توسعه را مترادف «رشد تولید ناخالص داخلی» می دانستند؛⁽¹⁾ اما با گذشت یک دهه، تجربه کشورهایی که برای تحقق توسعه، راه افزایش تولید ناخالص داخلی را پیموده بودند، نشان داد که توسعه تنها پدیده ای اقتصادی نیست، بلکه حالتی است که ابعاد دیگر نیز دارد؛ ابعادی همچون توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، و مانند آن ها.⁽²⁾

با گذشت زمان، مفهوم توسعه دارای ابعاد گوناگون و گسترده دیگری نیز شد، به گونه ای که امروزه شامل توسعه محیط و توسعه انسانی نیز می شود. به موازات این تحوّل مفهومی، معیارهای توسعه نیز شاهد تحوّل و تکامل شد، به حدّی که در عصر حاضر تا

ص: 19

-
- 1- ولفگانگ زاکس: نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرحی و وحید بزرگی، ص 22.
 - 2- در یکی از گزارش های سازمان ملل متحد، توسعه به این صورت تعریف شده است: «توسعه عبارت است از رشد، افزون بر تغییر. تغییر تنها شامل جنبه اقتصادی و عددی نیست، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، و کیفی را نیز شامل می شود. نکته اساسی در این میان، آن است که کیفیت زندگی انسانی بهبود یابد (همان، ص 24).

دویست شاخصه برای آن برشمرده اند که مهم تر آن ها عبارت است از: نرخ درآمد ناخالص داخلی، سرانه آموزش، نسبت اشتغال، امیدواری به زندگی، توزیع درآمد، تعداد پزشکان و پرستاران و مجموعه های درمانی و خدمات بهداشتی برای هر نفر، امکان دستیابی به آب آشامیدنی سالم، و عواملی از این قبیل. البته "توسعه" از مفاهیمی است که اندیشمندان درباره آن اتفاق نظر ندارند و هر کس آن را متناسب با دیدگاه ها، باورها و اعتقادات خود تعریف می کند. برخی آن را معادل "رشد اقتصادی" (1) و بعضی "پیشرفت اقتصادی از جهات گوناگون" (2) می دانند. صاحب نظران دیگری این مفهوم را کمی گسترده تر دیده اند و توسعه را دارای ابعاد اجتماعی و انسانی نیز می دانند. (3) به هر حال، در جامعه علمی، اختلاف و سردرگمی درباره تعریف "توسعه" فراگیر است. اما سؤالی که به ذهن متبادر می شود این است: به راستی توسعه چیست؟ در جواب این سؤال، عده ای برای تعریف "توسعه" به دنبال علت ها و عوامل توسعه هستند. اینها فرهنگ، انباشت سرمایه، ثبات سیاسی و آموزش های تخصصی و مانند آن را علت توسعه می دانند. (4) عده ای دیگر نیز به دنبال اهداف توسعه هستند. این عده آزادی، دموکراسی و استقلال را جزو اهداف توسعه می دانند. بعضی ها نیز به دنبال آثار و نتایج توسعه هستند. این دسته به دنبال نتایجی هستند که منجر به حذف فقر، رفع بیکاری و کاهش نابرابری شود. (5) دانشمندان علم توسعه، که به تعریف "توسعه" پرداخته اند، همگی آنها در این تعریف اتفاق نظر دارند که توسعه "فرایند حرکت جوامع از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب" است، اگرچه در روش و عوامل دست یابی به توسعه و رابطه توسعه با دیگر عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اختلاف نظر دارند.

ص: 20

-
- 1- ناصر جهانیان، اهداف توسعه با نگرش سیستمی تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، 1382، ص 19.
 - 2- محمدنقی نظریور، ارزش ها و توسعه تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، 1378، ص 33.
 - 3- همان، ص 23
 - 4- همان، ص 32
 - 5- محمدرضا طالبیان، "معضل تعریف توسعه"، حوزه و دانشگاه 25، 24 پاییز و زمستان 1379، ص 194.

و اما توسعه و پیشرفت بدون قید اسلامی به معنای عام، یعنی فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب یا حرکت به جلو می‌باشد. حال هر مقوله ای چه متعلقش پیشرفت انسان یا پیشرفت در یک رشته یا در یک جامعه باشد را شامل می‌شود. به هر حال وقتی در مسائل اجتماعی، آن را بررسی فرمایی در یک معنای عامش فرایند حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. این یک تعریف عامی است که مورد قبول همه مکاتب می‌باشد. منتهی تفاوت مکتبها و بینشها در ترسیم وضعیت مطلوب و در چگونگی حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب است، البته خود وضعیت مطلوب هم فرق می‌کند، آسیب شناسی وضعیت موجود هم با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کند. بنابراین ارزشها و بینشها در هر سه بخش تأثیر می‌گذارد؛ هم در ترسیم وضعیت مطلوب، هم در آسیب شناسی وضعیت موجود و هم در کیفیت حرکت از وضعیت موجود به مطلوب.

وقتی که بخواهی از مفهوم پیشرفت اسلامی صحبت و آنرا از دید مبانی ارزشی و بینشی اسلام در چارچوب حقوق و فقه اسلامی ترسیم کنی؛ قطعاً تعریف فرق خواهد داشت، یعنی وضعیت مطلوبی را که در نظر می‌گیری یا شناخت هستها و یا راهبردهای تغییر وضعیت موجود به مطلوب با گونه های دیگر پیشرفت متمایز خواهد بود. پیشرفت اسلامی در یک جمله عبارت خواهد بود «از فرآیند حرکت از وضعیت موجود جامعه به وضعیت مطلوب اسلامی مبتنی بر مبانی بینشی و ارزشی در چارچوب فقه و اخلاق اسلامی»

در یک نگاه کلان به مقوله پیشرفت اسلامی در مقابل توسعه غربی چند تفاوت اساسی وجود دارد که در اینجا به دو مورد اشاره می‌شود: یک تفاوت اساسی در بحث معنویت است. در پیشرفت اسلامی به ابعاد معنوی هم توجه و در آنها پیشرفت حاصل می‌شود ولی در پیشرفت غربی به این مقوله پرداخته نمی‌شود. ویژگی اساسی دیگر در بحث عدالت است. اسلام عدالت را در مقایسه با رشدهای مختلف مادی از جمله رفاه و ثروت....، هدف اول و برتر می‌داند ولی غرب اینگونه به عدالت نگاه نمی‌کند.

به نوعی ای عزیز بزرگوار، هرگاه توسعه را در چهارچوب تعریف متداول ارزیابی فرمایی، درمی یابی که هدف اسلام از توسعه اقتصادی با هدف توسعه در نگرش مادی متفاوت است. در منظومه تمدن مادی، توسعه مادی الگویی است ایده آل و نهایی مطلوب که انسان در جست و جوی آن است. بر پایه این تصور و با بهره گیری از دستگاه های عظیم تبلیغاتی، کشورهای پیشرفته از رهگذر توسعه اقتصادی، توانسته اند این گونه وانمود کنند که الگوی زندگی و شیوه انسانی آنان، از دیگر ملت ها برتر و با معیارهای بشری سازگارتر است. آری وقتی همه امور در یک چیز به نام هدف تمرکز می یابد، طبیعی است که آن هدف مرکز ثقل همه ارزش ها و آرمان ها گردد و مرکزی شود برای جذب همه تلاش ها و رویکردها. این، همان جایگاهی است که توسعه اقتصادی در عصر جدید یافته است.

در سال های پس از جنگ دوم جهانی که گفت و گوی جدی درباره دو مقوله پیشرفت و واپس ماندگی پیش آمد، مجموعه کشورهای جهان سوم به سوی توسعه اقتصادی جهان غرب به مثابه الگوی عالی و چهارچوب نمونه و مطلوب روی آوردند، در آن مرحله، این رویکرد به قالبی فکری تبدیل شد که افکار بسیاری از متفکران جهان سوم را به محور توسعه اقتصادی و ضرورت ایجاد تحول در دوزمین فرهنگی و اجتماعی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی، سوق داد. (1)

اما در تمدن اسلامی، توسعه اقتصادی هدف برتر نیست. در این تمدن، هدف آن است که همه استعدادهای انسانی شکوفا گردد و نهفته های او هویدا شود تا به سوی کمال مطلق راه رود و به سعادت ابدی و پایدار دست یابد. توسعه اقتصادی، تنها مقدمه ای برای رسیدن به همین هدف است. با همین رویکرد است که اسلام، جامعه انسانی را نیازمند تحقق رفاه فراگیر و ارتقا یافتن به کمال مطلق می داند تا در کنار شاخصه های مادی و دنیایی، همچون درآمد ناخالص ملی، سرانه آموزش، دستیابی به امکانات گوناگون زندگی،

ص: 22

1- البته بر خلاف تصور مورد نظر؛ بسیاری از متفکران کشورهای پیشرفته دریافته اند که این فرهنگ با مشکلات عدیده ای روبرو است، زیرا زیان های عظیم انسانی و محیطی را که نتیجه فرهنگ مادی و غلبه رشد اقتصادی است، لمس کرده اند.

آزادی انتخاب، مشارکت سیاسی، و همانند آن‌ها، به ضرورت‌های دیگر که در رشد و ارتقای شاخصه‌های معنوی، همچون ایمان و اخلاق و اعمال صالح متجلی می‌شوند، نیز عنایت ورزد.

در هر حال آغاز راه توسعه غربی بر مبنای سود (utility) و لذت بوده و این نحوه جهت‌گیری در توسعه، متأثر از دیدگاه غرب درباره خود انسان است. این گونه توسعه با تعریف خاصی که از انسان دارد، در هر وجهی که رخ بنماید، تجلی خواست و اراده انسان است. در وجه اقتصادی، خواست انسان فراهم بودن امکانات بیشتر برای تمتع افزون‌تر است. از این رو، توسعه اقتصادی غرب دقیقاً در همین مسیر به پیش می‌رود. در وجه سیاسی، خواست انسان صاحب اختیار بودن و جلب قدرت هرچه بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها به هر میزان که ممکن باشد از حق رأی معمولی تا عالی‌ترین مراجع تصمیم‌گیری سیاسی یک جامعه است. بنابراین، توسعه غربی در سیر طبیعی خودش، در وجه اقتصادی به سرمایه‌داری، و در وجه سیاسی، به لیبرال - دموکراسی می‌انجامد. بیشتر ایسمها که هدف اصلی را رشد اقتصادی دانسته و توسعه اقتصادی را مهم‌ترین جزء توسعه تلقی می‌کردند، از عدالت، انسانیت، ارزش‌های متعالی، مشارکت سیاسی و محیط زیست غفلت نمودند و بدین سان، از اواخر دهه هفتاد تاکنون، بحران فکری همگن و شایعی در حوزه‌های نظری مرتبط با مسائل توسعه اتفاق افتاده که بیشتر ناشی از ناتوانی در ارائه تعریفی قابل قبول از مفهوم "توسعه" است.

از جمله میوه‌های تلخ توسعه غرب که نشات گرفته از منش و اندیشه‌های ایسم‌های مختلف بوده را می‌توان در افزایش شکاف‌های طبقاتی، از خودبیگانگی انسان در اثر بت‌وارگی و شیئی شدن روابط انسانی، قدرت بی‌مهار شرکت‌های بزرگ و احزاب و دستگاه‌های دولتی، عقلانیت ابزاری و تسلط افسانه‌ای فناوری بر انسان، افزایش هزینه‌های اجتماعی ناشی از خودمحوری و نفع‌طلبی و مهم‌تر از همه، تخلیه نظام محتوایی جوامع غربی از فلسفه زندگی و مرگ... خلاصه کرد. همچنین گرایش به مصرف روزافزون، مردم را به سوی فقر ناخواسته کشانده و در میان سرمایه‌داران و شرکت‌ها،

رقابتی سخت و بی رحمانه پدید آورد. در این میان، شرکت های کوچکی که توان رقابت با شرکت های بزرگ نداشتند از بین رفتند، و این روند به طور طبیعی به قدرتمندتر شدن شرکت های بزرگ انجامید. این وضعیت روز به روز، سطح زندگی و چشم داشت های مردم را افزایش می داد. در مقابل، محدودیت سرمایه ها سبب می شد گروه بیشتری از مردم در فقر و بدبختی فرو روند. از این رو، گرچه گاه رشد اقتصادی و ثروت ملی و سرانه کشورهای صنعتی، بسیار بالا بود، اما این ثروت به گونه ای ناعادلانه توزیع می شد و در اختیار شمار اندکی سرمایه دار بود. در حقیقت، هر روز بر شکاف طبقاتی میان فقیر و غنی افزوده شد و به بیانی ایسم های مختلف در جهان مدرن هرگز نتوانستند این مشکل را برطرف کنند.

همانگونه که مستحضر هستی نظام های توسعه در جهان معاصر و راهبردهای آن ها، به دو طرز تفکر سرمایه داری و سوسیالیسم باز می گردند. مکتب سرمایه داری بر آن است که برقراری نظام بازار، برترین طریق دستیابی به این هدف است، در حالی که سوسیالیسم تصمیمات خود در این زمینه را بر مبنای شیوه برنامه ریزی مرکزی پایه نهاده و از این رو، نظام اقتصاد دولتی را ترجیح داده است. بدین گونه، نمی توان از اجماع دانشوران و کارشناسان اقتصادی در زمینه نظام های توسعه اقتصادی و راهبردهای آن ها سخن گفت.

مسئله است که اسلام دستاوردهای فکری اقتصاددانان معاصر را که مبتنی بر یکی از دو طرز تفکر حاکم، سرمایه داری و سوسیالیسم، است، نه به طور مطلق رد می کند و نه مطلقاً می پذیرد. هرگز چنین نیست؛ کارشناسان اقتصاد اسلامی وظیفه دارند نکات مثبت هر یک از این دو نظام را اقتباس کنند و عناصر منفی آن ها را کنار نهند تا به برنامه ای رسند که نظام اسلامی برای توسعه و راهبردهای آن را نشان دهد، مشروط به این که برنامه ریزی مذکور در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام و برخاسته از رویکرد اقتصادی در اسلام باشد. البته بدیهی است "توسعه" به مفهوم غربی، هیچ نسبتی با معنای توسعه و تکامل در اندیشه دینی ندارد. از این رو، ممکن است در غرب، تورم امکانات مادی و رفاه به وجود بیاید، اما عدالت و انسانیت وجود نداشته باشد. روشن است که اگر غرب به دنبال

عدالت و انسانیت بود، هرگز به این شکل از توسعه که به برخی از آثار شومش اشاره شد؛ منتهی نمی گشت.

توضیح بیشتر اینکه می توان گفت: توسعه در غرب، تنها یک بُعد از انسان را دربرداشته، آن هم بعد مادی و پیشرفت در ابزار بوده است. آنچه در کشورهای غربی اتفاق افتاده، صرفاً رشد و توسعه اقتصادی بوده است، نه توسعه انسانی همه جانبه و پایدار؛ زیرا در ابعاد انسانی، نه تنها توسعه ای صورت نگرفته، بلکه به نوعی انهدام ارزش های انسانی را به همراه داشته است. اگر چه در این بعد هم همانگونه که اشاره شد، نتوانسته توسعه و پیشرفت یکسانی را برای همه انسانها فراهم کند!!!

نظام سرمایه داری عالی ترین شکل نظام اقتصادی - سیاسی، که مطابق فطرت و عقل بشر باشد، نیست و در درون خود دارای تضادهایی است. امروزه مشکلاتی به تدریج، در این نظام ها جلوه گر می شوند که برخاسته از نوع این نظام هستند. انواع مشکلات روانی همچون پوچ و بیهوده جلوه نمودن زندگی، حاکمیت اقتصاد بر مغزها و اندیشه ها در سود و رشد سرمایه و کنار زدن همه ارزش های والای انسانی از جمله تراوش های سمّی این نظام هستند که پیش بینی می شود روزی به فروپاشی آن بینجامند. نظامی که در آن، ثروت حدّ و مرز نمی شناسد نمی تواند با فطرت بشر سازگار باشد. این نظام کمال مطلوب انسان را دارا نیست تا بتواند آینده روشنی برای وی نوید دهد و از چنان قدرت سیاسی - اقتصادی برخوردار گردد که از هرگونه حرکت توسعه ای مستقل، جلوگیری کند.

علاقه به رفاه مادی در این نظام، به گونه ای رسوخ نموده است که هر چیزی را با دلار می توان معامله کرد. شخصیت های سیاسی و علمی، فرمول های سرّی نظام تجهیزات علوم و فناوری، همه می توانند خریداری شوند. شواهد تاریخی ثابت کرده اند که اتحاد جهان سرمایه داری نیز از استحکام کافی و ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیست و تنها می تواند جنبه ظاهری داشته باشد. (1)

ص: 25

1- جمعی از نویسندگان، پدیده شناسی فقر و توسعه، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان قم، بوستان کتاب، 1380، ص 110.

علاوه بر آنچه ذکر شد، توضیح بیشتر پیامدهای توسعه در غرب اینگونه است:

- گسترش و افزایش شکاف های طبقاتی و فقر فزاینده طبقات پایین.

- بت وارگی کالاها و شیئی شدن روابط انسانی که به از خودیگانگی انسان انجامیده اند.

- دستگاه های دولتی، شرکت های بزرگ و احزاب توده ای قفس های آهنینی به شمار می روند که آرمان های آزادی و برابری را محدود می کنند.

- تنوع گرایی و لذت طلبی و نسبی گرایی اخلاق موجب شیوع بسیاری از بیماری ها، استعمال مواد مخدر، تحلیل روابط عاطفی و سست شدن بنیان خانواده در این گونه جوامع است.

- عقلانیت ابزاری، عقلانیتی است که به عدم عقلانیت در مقیاسی بزرگ می انجامد. جهان افسون زدایی و اسطوره زدایی می شود، ولی ابزارها و فناوری به جای افسانه ها، بر انسان تسلط می یابند.

- افزایش هزینه های اجتماعی ناشی از خردگرایی ذره ای و اخلاقی که موجب افزایش آلودگی محیط زیست، و اسراف و تبذیر در مصرف شده و آثار مثبت رشد اقتصادی را در معرض خطر قرار داده است.

- تهی شدن جامعه از نظام های عمیق معنایی. (1) در جوامع نوین، افراد به دنبال کالاهای مادی در مسابقه ای دشوار برای کسب مشاغل یا موقعیت های اجتماعی بالاتر گرفتار می شوند.

با توجه به این پیامدهای منفی که در توسعه غربی ایجاد شده و نیز با توجه به احیای بنیادگرایی در خاورمیانه، مفهوم مصطلح "توسعه غرب" مورد انتقادات شدیدی قرار گرفته است، به گونه ای که لوئیس ئیک می گوید: با احیای بنیادگرایی در خاورمیانه، فرض نظریه غالب توسعه در مورد لزوم دنیوی کردن امور شدیداً مورد حمله قرار گرفته است. به قدرت

ص: 26

1- حسین بشیریه، "بحران و تحوّل در تجدّد"، نقد و نظر 4 تابستان 1374، ص 435-439.

رسیدن روحانیون شیعه در ایران، مبانی اخلاقی توسعه را به عنوان مهم ترین موضوع در معرض بحث و گفت و گو قرار داده است. (1)

البته برخی از اندیشمندان غربی اقرار دارند: هدف از آفرینش انسان این نبوده است که موجودی درون تهی باشد تا در نتیجه، به صورت ارقامی بی معنا و بی هدف، در فهرست حقوق قرار بگیرد و هر روز در رنگی و نقشی ظاهر شده، مواد اولیه اقتصاد را تشکیل دهد. اگر قرار باشد انسان این گونه باشد، توسعه اقتصادی وعده ای پوچ و بی محتواست. به نظر این دسته از اندیشمندان غربی، مشکل اصلی در این است که ما در انتخاب عناصر اصلی توسعه دچار اشتباه شده ایم و چنین می پنداریم که افزایش راندمان و رشد اقتصادی از لوازم توسعه و پیشرفت هستند. از این رو، برای رسیدن به این اهداف، خود را فدا کرده، فراموش می کنیم که ما خود باید معیار و شاخص همه چیز باشیم. (2)

و اما بدیهی است که در دید ایسم های مادی عنصر اصلی توسعه "رشد اقتصادی" است، ولی بر خلاف نظر آنها امروزه چهار موضوع رشد اقتصادی، عدالت در توزیع، مشارکت سیاسی، و ارزش های متعالی عناصر اصلی توسعه به شمار می آیند. به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران و ابطال نظریه "افیون بودن دین برای توده ها" و تضاد جدی دین با سکولاریسم، ابعاد دیگر توسعه نیز مورد اقبال قرار گرفته که مهم ترین آنها نقش دین و معنویات در توسعه است. از مبانی اختلاف میان توسعه در غرب و اسلام، می توان عنصر "معنویات" را ذکر کرد. به عبارت دیگر، رشد و توسعه از دیدگاه اسلامی، مفهوم وسیع تر و عمیق تری دارد و تمام زوایای مادی و معنوی جامعه و انسان ها را شامل می شود و معنایی گسترده تر از حیات مادی و اقتصادی را دربر می گیرد.

آری ای عزیز بزرگوار، بنابر آنچه مطرح شد؛ توسعه دیگری را نیز می توان تصور کرد که آغاز و انجامش متفاوت با توسعه غربی باشد و آن "توسعه" در مفهوم دینی است که

ص: 27

1- لوئیس نیک، "دگرگونی در مفاهیم و هدف های توسعه"، ترجمه حسین قاضیان، فرهنگ 22 و 23 تابستان و پاییز 1376، ص 78.

2- چارلز بی. هندی، عصر تضاد و تناقض، ترجمه محمود طلوع تهران، رسا، 1375، ص 36.

مترادف با معنای تکامل است. مبنای توسعه دینی همراه بودن توجه به ماده و معنا و به تعبیر دیگر، دنیا و آخرت است. توسعه دینی بر مدار مفهوم تکامل معنا می یابد. در این زمینه، برای تقریب به ذهن، انسان کامل را در نظر بگیرید. او مجموعه ای است از نیازهای مادی و معنوی مؤثر در یکدیگر و متأثر از یکدیگر، اما به صورتی متعادل. او هرگز در مسیر تأمین نیازهای مادی خویش، افراط نمی کند؛ چراکه افراط در تأمین نیازهای مادی، خود نیازهای کاذبی به وجود می آورد و همین طور ادامه می یابد تا جایی که مفهوم "اسراف" در زندگی او به یک ضرورت تبدیل می گردد. در دایره توسعه اسلامی، توزیع امکانات مادی نه تنها بر مدار حقوق (علم حقوق و قضاوت)، بلکه در بسیاری موارد، بر اساس ایثار و از خودگذشتگی است. از این رو، در توسعه اقتصادی دینی، مفاهیم "مالیات" و "انفاق" در یک مسیر، برای توزیع عادلانه امکانات مادی، سازمان دهی می شوند. در هر حال تفاوت‌های مبنایی بین توسعه از دیدگاه غرب و اسلام وجود دارد که در اینجا نظر حضرت‌عالی به برخی از آنها معطوف می گردد:

مبنای توسعه غربی تفکیک ماده از معنا و دنیا از آخرت است. در توسعه سیاسی دینی، قدرت هرچه بیشتر شود، باید با تزکیه ای عمیق تر همراه باشد. اما در توسعه سیاسی غربی، قدرت و تلاش در به دست گرفتن قدرت هیچ ارتباطی با تهذیب و تزکیه نفس ندارند. توسعه اقتصادی دینی افزایش ثروت را در غیر وجه لیاقت معنوی و در صرف کردن آن در غیر راه‌هایی که آرمان دینی بر آن صحه می گذارد، ویال و موجب شقاوت و بدبختی می داند و البته تلاش برای فراهم ساختن امکانات مادی در مسیر آرمان‌های دینی را در حکم جهاد در راه خدا می‌شمارد؛ اما در توسعه اقتصادی به مفهوم غربی، افزایش سرمایه به هر طریق ممکن، ممدوح است و در هر جهت و مسیری که مورد استفاده قرار گیرد، سعادت تلقی می شود.

در توسعه غربی، همواره ثروت و قدرت دو طرف یک معادله را تشکیل می دهند؛ اما در توسعه دینی، معادله توسعه غربی وجود ندارد و در حقیقت، یک نامعادله است. در "توسعه" به مفهوم غربی، توسعه سیاسی و اقتصادی هر یک دیگری را هدف قرار می دهد؛ یعنی

گاهی هدف از توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و ثروت اندوزی است و گاهی نیز هدف از توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و قدرت طلبی. اما در اندیشه دینی، توسعه اقتصادی و سیاسی هر دو، یک چیز را نشانه می روند و آن سعادتِ جامعه دینی است، چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی.

توسعه دینی درختی است که میوه های متنوعی دارد، اما توسعه غربی تک محصولی و تنها ثمره آن رفاه مادی است. پس نظام سرمایه داری، که تحقق عینی اندیشه لیبرال است، تمام قواش به سرمایه داری و سرمایه داران است. از این رو، هر توسعه ای که در غرب اتفاق افتد، بر مسئله توسعه اقتصادی سرمایه داران مبتنی است، حتی توسعه علمی نیز در غرب چنین است. بنابراین، در توسعه غربی، فقط چیزهایی رشد می کنند که بتوانند به نوعی در خدمت توسعه اقتصادی قرار گیرند، اما در توسعه دینی، اصل الاصول عدالت و حقیقت است که منجر به رشد، تعالی و الهی گونه شدن انسان ها می شود.

در کتاب انتظار بشر از دین آمده است: چون مبنای همه کارها خداست و اوست که همه چیز را می آفریند و نازل می کند و سود و زیان انسان هم به دست خدایی است که این جهان را آفریده است و آینده و حشر انسان نیز به لقای خداوند است. لذا باید همه کارهای انسان در بُعد اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و... ناشی از دستور خدا و در مسیر رضای او باشد. دین از جهت اخلاقی و فرهنگی جامعه بشری را به گستره قسط و عدل دعوت کرده و از تعدی و تجاوز به حقوق دیگران باز داشته است و از طرفی او را به فراگیری علم و تعلیم و تعلّم کاربردی و بهره برداری صحیح از آن توصیه نموده است به طوری که هیچ امر اخلاقی یا علم ضروری یا سودمندی نیست، مگر این که دین فراگیری آن و عمل بر طبق آن را واجب یا مستحب دانسته است.⁽¹⁾ از طرفی دین اسلام، دین جهانی است و چنین دینی می گوید: با کسانی که با دین مخالفت و محاربتی ندارند می توانید زندگی مسالمت آمیز داشته باشید. خدا نهی نمی کند که شما با

کسانی که در صدد محاربه

ص: 29

1- جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، ص 210 و 212-213.

و براندازی نظام اسلامی یا در فکر تضعیف یا تبعید شما نیستند زندگی مسالمت آمیز داشته باشید. (1)

در هر حال توسعه از نظر اسلام بر دو قسم است: مذموم و ممدوح، توسعه مذموم مانند اسراف و اتراف و رفاه زدگی و نظایر آن است؛ زیرا قرآن همه اینها را مذموم می داند و مسرفین و مترفین و مرفهین را نکوهش کرده است و کسانی را که فقط به فکر توسعه شخصی اند چنین معرفی می کند: «گروهی در فکر خودشانند. 1 و می خورند همچنان که چهارپایان می خورند. 2 و نیز قرآن کسانی را که به فکر زراندوزی اند، نکوهش کرده است. 3 و همین طور سُخَّ و بُخْل شدید در نهان بشر لانه دارد و دشمن خانگی اوست. 4 و هر کس از بُخْل نفس خود مصون ماند، رستگار است. 5» (2) بنابراین، توسعه به معنای رفاه طلبی و مسرفانه زندگی کردن نکوهیده است. اما توسعه، ممدوح آن است که هر چه در تولید پر تلاش تر باشیم، موفق تر و هر چه در مصرف قانع تر باشیم راحت تریم. از این منظر، اگر انسان برای رفع نیاز خود و جامعه تلاش کند، این نوع تلاش، کوثر است و پسندیده، در حالی که توسعه مذموم؛ یعنی توسعه ای که به منظور افزایش ثروت و تفاخر باشد و این نوع توسعه، تکاثر و مذموم است. (3)

توضیح اینکه از دیگر پیامدها و نتایج مهم توسعه دینی، تعالی و الهی گونه شدن انسان هاست. از دیدگاه اسلام، هدف و رسالت دین همان هدف خلقت انسان است. دین آمده است تا این هدف را متحقق سازد. خداوند در آیه 30 سوره بقره درباره خلقت آدم علیه السلام خطاب به ملائکه می فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (4) به یاد آور) آن زمان را که خداوند به ملائکه فرمود: می خواهم در زمین خلیفه ای

ص: 30

1- ممتحنه، 8.

2- «1- آل عمران، 154-2- محمد، 12. 3- توبه، 34-4- نساء، 128. 5- حشر، 9.»

3- انتظار بشر از دین، ص 219-220 و 222

4- بقره: 30

قرار دهم. در جایی دیگر می فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (1) جنّ و انس را جز برای عبادت کردن نیافریدم. از این آیه و آیات دیگری که در این زمینه نازل شده است، می توان استفاده کرد که انسان برای این منظور آفریده شده است که خداگونه شود و متخلّق به اخلاق الهی گردد؛ زیرا پرستش و عبادت معشوق و معبود است که آدمی را به رنگ معبود درمی آورد و او را به معبود خویش مقرب می سازد و شایستگی مقام خلافت از جانب خداوند را به او ارزانی می دارد. پس هدف نهایی خلقت انسان، که دست رسی به آن، موجب سعادت اخروی وی می گردد، عبارت است از: تقرب به خدا.

اما رسیدن به این هدف، بدون وجود مقدمات لازم ممکن نیست، و از جمله مقدمات لازم برای این منظور، وجود جامعه ای صالح است؛ زیرا طبیعی است که در یک جامعه موحد، صالح و درست کار، امکان رشد و تکامل انسان، چه از بعد مادی و چه از بعد معنوی بهتر و بیشتر فراهم می گردد تا در جامعه ای پر از شرک و ظلم و بی عدالتی. از دیگر مقدمات، امکان رشد و توسعه در جامعه اسلامی است. از این رو، خداوند هدف از بعثت انبیا را اقامه عدالت اجتماعی معرفی می نماید. (2) بنابراین، رسالت دین از نظر اسلام عبارت است از: کمک به انسان برای برپا داشتن جامعه ای مبتنی بر توحید، تقوا و عدالت اجتماعی، به گونه ای که محصولات این جامعه افراد صالح و پرهیزگار و مقرب درگاه الهی باشند که این امر به مدد توسعه امکان پذیر است. (3) آری اقتصاد اسلامی، بخشی از نظام ارزشی اسلام است. از سوی دیگر اقتصاد اسلامی و مدل های اقتصادی باید دربرگیرنده شریعت و اخلاق اسلامی بوده و باید در راستای مصلحت و دولت اسلامی عمل کنند. نظام ارزشی اسلام، با نظام ارزشی غرب، همانگونه که اشاره شد سازگار نیست و بر همین اساس، اقتصاد اسلامی نیز باید متفاوت از اقتصاد غربی باشد.

ص: 31

1- ذاریات: 56

2- سوره حدید: 25.

3- علی اخترشهر، توسعه در غرب و اسلام، نتایج و پیامدها (با تغییرات عمده)

به بیانی ارزیابی تعریف رایج توسعه نشان می دهد که این تعریف مبتنی بر نگرش مادی به حیات است. آن چه انسان معاصر از توسعه می فهمد، از پیشرفت و رفاه مادی و از مرزهای این دنیا فراتر نمی رود. بر پایه این نگرش و جهان بینی، توسعه با همه شاخصه هایش، از دایره رفاه مادی در نمی گذرد. اما در جهان بینی اسلامی، وضع فرق می کند. در چهارچوب بینش اسلامی، انسان موجودی است که از جسم و روح ترکیب یافته و افزون بر نیازهای مادی، خواست های معنوی نیز دارد؛ پس زندگی وی در میان دیوارهای این دنیا محدود نمی شود، بلکه او موجودی است ابدی که مراحل حیاتش متفاوت هستند. اسلام، ذاتا، شیوه ای برای توسعه و تکامل؛ برنامه ای برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان؛ و طرحنامه ای جهت برآوردن خواسته های دنیایی و آخرتی او است، به گونه ای که از رهگذر آن، انسانیت بتواند به جایگاه نمونه و سعادت‌مندانه حیات بشری ارتقا یابد، همان سان که امام امیرالمؤمنین علیه السلام آفاق آن را رسم فرموده و در این چشم انداز به تصویر کشیده است:

« ای بندگان خدا! بدانید که تقوایندگان هم در این دنیای زودگذر و هم در جهان آینده آخرت سود برند. با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند، در حالی که اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند. در دنیا در بهترین مسکن ها سکنا گزیدند و از بهترین خوراکی ها تناول کردند. از دنیا بهره بردند آن سان که اهل ناز و نعمت بهره مند شدند؛ و از آن کامیاب گشتند، آن چنان که گردنکشان خودکامه کام گرفتند. آن گاه، با رهتوشه ای که آنان را به مقصد رساند و با تجارتی سودبخش، از این دنیا گذشتند»⁽¹⁾.

در نگاه اسلام، جهان بینی مادی نمی تواند به نیازهای واقعی انسان پاسخ گوید، هر چند که صدها شاخص دیگر را به شاخص های توسعه بیفزاید؛ این نوع نگرش قادر نیست جامعه انسانی را به قلّه مطلوبش رهنمون گردد. بشریت برای دستیابی به توسعه همه جانبه، راهی ندارد جز آن که شیوه خدایی دین را پی گیرد که بر پایه شناخت واقعی انسان

ص: 32

و درک نیازهای فطری او استوار است. در پرتو این نگرش، ویژگی نخست توسعه اسلامی، فراگیری و شمول آن در دایره همه ابعاد حیات انسان است. دیگر اجزای این بنا نیز بر همین پایه استوارند و بازگشت دیگر ویژگی های توسعه اسلامی نیز به همین ویژگی است. به همان اندازه که در ادبیات اقتصادی معاصر، توسعه دارای مفهومی محدود است و میان دیوارهای نیازهای مادی انسان جای می گیرد، در جهان بینی اسلامی، افقی گسترده دارد و با نیازهای فراگیر و نامحدود انسان سازگار است.

بدون شک، اقتصاد اسلامی، از نوع هنجاری است، در حالی که اقتصاد غربی از نوع اثباتی بوده و بنیان های اخلاقی خود را از دست داده است. از این رو، اقتصاد غربی، فارغ از ارزش است، در حالی که، اقتصاد اسلامی، توسط ارزش های اسلامی، هدایت می شود. اقتصاد کلاسیک غرب، بر ایده نیازهای نامحدود افرادی بنا شده است که با منابع محدود مواجه است و انسان اقتصادی، الگوی رفتار اقتصادی را نشان می دهد.

انسان اقتصادی کلاسیک، فردی عقلانی و حسابگر است که در پی به حداکثر رساندن خوشبختی (سود) خود است. جستجوی افراد برای خوشبختی، با یک تحلیل هزینه - منفعت تصمیمات، نشان داده می شود. علاوه بر این، به خاطر کمبود منابع، افراد به خاطر تامین خوشبختی شان، باید با یکدیگر رقابت کنند، از این رو، انسان اقتصادی، فردی زیاده طلب و رقابت جو بوده که تنها به منافع شخصی خود علاقه مند است. علاوه بر این، به خاطر جدایی اقتصاد از فلسفه اخلاق، رفتار انسان اقتصادی عقلانی و مادی گرا، به محاسبه ای فارغ از ارزش، تبدیل شده است.

انسان اسلامی، برخلاف انسان اقتصادی، باید مظهري از تجلی ارزش ها باشد. اسلام به عنوان شیوه ای جامع و فراگیر برای زندگی، تمامی اعمال انسانی از جمله فعالیت های اقتصادی وی را در بر می گیرد. همچنین آزادی فرد مسلمان، همیشه مقید به مسئولیت های اجتماعی و دینی وی است. مسلمانان آزاد هستند، ولی در عین حال، در قبال کردارشان، در برابر خداوند و دیگر انسانها، مسئولند. از این جهت در اسلام، آزادی و

مسئولیت، دوروی یک سکه هستند. مسئولیت های دینی و اجتماعی، محدودیت هایی هستند که بر رفتار مسلمانان و از جمله رفتار اقتصادی شان، اعمال می شوند. هنجارهای رفتار اسلامی، قیدهایی هستند که می خواهند طبع ذاتا خودخواه انسان را به رفتار اقتصادی ایثارگرایانه و نوع دوستانه، مبدل سازند، البته باید در نظر داشت که اسلام به هیچ وجه، ریاضت کشی را برای انسانها تجویز نمی کند. مسلمانان می توانند با رعایت حرام و حلال در راستای رعایت قوانین و انجام تکالیف الهی؛ از یک زندگی کاملاً شایسته و عالی برخوردار و از تمامی نعمات و موهبت های الهی، بهره مند شوند. (1)

راه کارهای کاربردی و مسائل مربوط به اقتصاد سالم کدام است؟

اشاره

آنچه مفقود است درون اقتصاد در این زمان * دوری از روح است و معنای حقیقی بی گمان

هر یک از ایسم های غرب با دید محدود بشر * کرده تعریفی ضعیف از داد خاموش نهران

چون تصور بوده ناقص بهر درک اقتصاد * دون شک تصدیق آن گمره کند خرد و کلان

فهم ناقص می کند هر لحظه ی ناب را تباه * چون کند دور آدمی را از مسیر کهکشانشان

تا تصور ناقص است و نقص درک باشد همان * عزم جدی خواهد و رفعش بود درّ گران

گر تصورها شود اصلاح در این عصر و زمان * ذات پاک اقتصاد گردد هویدا و عیان

داد خاموش درون گشته فدای فکر خام * با همان دیدی که غرب در اقتصاد کرده بیان

اقتصاد با این نگاه دانی که دوراست از روان * چون که معنا را نمی داند که چون است در جهان

ص: 34

از اصول اقتصاد و داد خاموش نهان * غافل است افکار غرب اندر زمین و آسمان
در خصوص اقتصاد و ذات آدم چند سوال * مانده مجهول ندارند پاسخی را بهر آن
اینکه روح چیست و عدالت بهر چه آمد پدید * یا که مبدا و معاد چون است برای جسم و جان
هر کدام ایسم ها به زعم خود همی دادند جواب * آن جوابی که کند روح و روانها را خزان
با تو گویم اندکی از آنچه گفتند بر زبان * تا کنی آن را قیاس با گفته پیغمبران
آدمی اصل است و معیار تمام نیک و بد * ماده و دنیای دون گویند همی آرد امان
از معاد و معنویت غافل و نسبی بود اخلاق ناب * آنچه را فطرت بود بی زار ز آن تا آن کران
دان که ادیان بشر اندر فضای ماورا * ظلم وافر کرده بر آن اقتصاد پر توان
چون تفکر از علوم و حسّ و ماده شد عیان * اقتصاد خوب و سالم گشت فدای این و آن
دان تفکرهای نو و هم مدرن با صد توان * داد حقّ اقتصاد را همی کردند نهان
آن که تاریخی گری را می کند اصل و اساس * می شود غافل ز تطبیق گذشته بی گمان
چون گذشته با خودش دارد هزار و یک نشان * بهر هر نوع اقتصاد خوب ز عمق روح و جان
یا که از ظاهر اگر بالا رود عقل و حواس * باطن حق را پدیدار و رود راه مغان
دان که اعراض از امور اقتصاد ناب و خاص * می کند گمراه درون پیروانش را بدان

چون دگرگون کرده ارزشها و باید گفت چنان * هر کدام باشد نشانی از نشانه‌های همان

با چنین فکری سعادت می شود از جان جدا * راه حق و رستگاری کی شود راه روان

گر بشر خواهد شود آزاد از این ظلم تمام * اقتصاد ناب و سالم را کند احیا ز جان

آری ای عزیز بزرگوار، بدان و آگاه باش که بر خلاف ایات این غزل؛ در نهایت تاسف مکاتب مادی مخصوصا لیبرالیسم با مبانی اومانستی و سکولار فقط احکام حقوقی و مصالح دنیایی و جنبه مادی انسان را می بینند. و با این دید ناقص مسیر بشریت را برای رسیدن به اقتصاد سالم به انحراف کشنده و درد آوری کشانده اند. بدون تردید باید روزی پاسخگویی این جفا و جنایت بزرگ و غیر قابل بخشش خود که در حق فطرت پاک انسانی و فریاد خاموش درون بشری روا داشته اند؛ باشند. چرا که بنابر ادله عقلی و نقلی طبق حقایق موجود بدون هر گونه تعصب باید پذیرفت که، تنها اقتصاد سالم است که می تواند در همه ی زمان ها و در تمامی اعصار کارکردهای مثبت داشته باشد؛ و تنها اعتقادی که می تواند بستر و زمینه ظهور و بروز اقتصاد سالم را فراهم نماید اسلام ناب محمدی (ص) است. زیرا اسلام دین خاتم و کامل ترین دین الهی است. از این رو، باید در تمامی زمان ها و در همه ی حوزه های فردی و اجتماعی زندگی انسان، دارای نظر و برنامه باشد. لذا با پیش رفت تکنولوژی دامنه ی برنامه ریزی و قانون گذاری دین گسترش می یابد و از طریق اجتهاد و استنباط از منابع غنی فقه، احکام موضوعات جدید در مباحث اقتصادی روشن می گردد به گونه ای که برای همه افراد بشر جهت تحقق مبانی اقتصاد سالم از گهواره تا گور برنامه دارد و پاسخ گوی تمام نیازهای مادی و معنوی بشر از طریق شیوه ای که اهل بیت (ع) پایه گذاری کرده اند و از آن به اجتهاد نام برده می شود، می باشد. به بیانی اسلام به تمام نیازهای بشر و به آنچه فریاد خاموش درون جهت رسیدن به اقتصاد سالم تشنه و طالب آن است؛ پاسخ مثبت داده و با بنای اقتصاد سالم در هیچ جایی انسان را با بن بست و مشکل روبرو نکرده و نخواهد کرد و بدین

وسیله آرامش و سعادت حقیقی را برای انسان در دنیا و آخرت به ارمغان خواهد آورد. همه مطالب این کتاب در راستای تبیین این حقیقت انکار ناپذیر است...

توضیح اینکه جامعه پویا، پرتلاش و سالم مرهون رسیدگی و توجه به تمام ابعاد و زوایای زندگی افراد آن است. اقتصاد نیز یکی از شالوده های اساسی اجتماع و یکی از بنیان های اساسی شکل گیری یک جامعه است؛ اگر اقتصاد جامعه ای بر اساس ضوابط سالم و مبتنی بر اصول صحیح و درست پایه ریزی شده باشد، این امر موجب آن می گردد که توسعه و پیشرفت اقتصادی شکل گیرد و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه صورت پذیرد؛ بالعکس اگر اقتصاد ناسالم در جامعه ای حکم فرما شود، ثروتهای موجود در دست افرادی محدود انباشته شده و این امر باعث ایجاد ناامنی و اختلاف میان افراد طبقه فقیر و غنی در جامعه خواهد شد. مطالعه زندگی بشر در ادوار گوناگون تاریخ، گویای این حقیقت است که یافتن شیوه های مناسب برای بقای بهتر و بیش تر (سعادت)، از مهم ترین دغدغه های خاطر تمامی انسان هاست و همواره برای نیل به این هدف، تلاش های فراوانی صورت گرفته و رنج های طاقت فرسایی تحمل شده است.

بر خلاف نظر ایسم های مختلف که بر اساس شناخت جزئی از انسان مباحث و مسائل اقتصادی را ترسیم و تفسیر می نمایند باید گفت: گستردگی، ظرافت و در هم تنیدگی شوون گوناگون وجودی انسان از یک سو، و پیوندهای او با دیگر کاینات از سوی دیگر، آن چنان پیچیده و اعجاب انگیز است که تمامی جستجوگران با فراست را به اظهار عجز از شناخت همه جانبه و دقیق انسان واداشته، و طنین فریاد «انسان موجود ناشناخته» را در زمین و زمان پراکنده است. در این میان، انبوه عظیمی از نظریات از سوی صاحب نظران در زمینه های گوناگون علوم انسانی، از جمله اقتصاد (که در آن ارائه راه های دست یابی به تولید، توزیع و مصرف بهینه کالاها و خدمات مورد توجه است)، ابراز و در بوته نقد قرار گرفته است. در کنار دنیای بزرگ و در خور مطالعه وجود انسانی، عالم با عظمت، ژرف و قابل ملاحظه قرآن کریم، اعجاب هر اندیشمندی را سخت بر می انگیزاند؛ و به راستی که

عالم قرآن کریم بسی گسترده تر و دارای افقی فراتر و اعماقی ژرف تر از گستره و عمق وجودی انسان و دیگر مظاهر طبیعی است.

اهمیت بررسی متفکرانه آیات قرآن کریم همراه با بهره گیری از حاصل تدبیرات اندیشمندان در آن، و به ویژه استفاده از افادات اهل بیت وحی (ع) در این خصوص، بر نظریه پردازان اسلام شناس و بصیر در علوم انسانی پوشیده نیست. البته اقتصاد سالم در سایه تفکر اقتصاددانان اسلامی همیشه آماج حملات دشمنان بوده است. در واقع، یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم، سگان هدایت یک جامعه را در دست می گیرد، اقتصاد آن جامعه است و هرگونه قدم برداشتن برای اصلاح و بهبود آن می تواند به منزله گام هایی در جهت تعالی دیگر بخش های جامعه و رفاه حال عمومی باشد.

در هر حال ای عزیز بزرگوار، موضوعی به نام اقتصاد و بویژه علم اقتصاد از آغاز زندگی بشر با او همراه بوده است. رفتارهای اقتصادی انسان ریشه در نیازهای او دارد. با گذشت زمان، افزایش جمعیت، محدودیت منابع و نیز با افزایش و تنوع نیازها در فرایند تحولات جهانی و توسعه تمدن بشری، مسئله اقتصاد و تامین معاش و نیازمندی های رو به تزاید انسان دائما متحول و پیچیده تر شده است. به لحاظ اهمیت، مسئله اقتصاد در مکاتب مختلف بادیگاههای متفاوت مبتنی بر جهان بینی های آنها تفسیرهای متعددی شده است. این موضوع در مکاتب مادی به هدف زندگی فردی و اجتماعی تبدیل شده است. به طوری که همه چیز را برای اقتصاد و تامین معاش و رفاه مادی و دنیوی پیگیری می کنند. در تاریخ تکامل علم اقتصاد مکاتب مختلفی از این نگرش ها برای تبیین رفتارهای اقتصادی بشر ظهور یافته اند و پس از مدتی با پیدایش دیدگاههای مکاتب جدیدتر حذف و یا به حاشیه رفته اند.

در کنار این دیدگاه های مادی نگر، مکاتب الهی و آخرت نگر هستند که اقتصاد را نه هدف زندگی بشر بلکه وسیله ای برای حیات بشر می دانند تا بدین وسیله به هدف های متعالی دست یابند. در این دو دیدگاه مبانی دوناگاه به اقتصاد کاملا متفاوت است. ولذا صاحبان اندیشه در این دو دیدگاه براحتمی نمی توانند همدیگر را درک کنند و به ماهیت و

وظیفه اقتصاد که علی القاعده باید در تمام جوامع یکسان باشد، برسند. این اختلاف زمانی تشدید می شود که اندیشمندان دودیدگاه در منتهالیه افراطی این نظریات قرار می گیرند. نفی آنچه که مادی نیست و ختم تمام راهها به حیات دنیوی از یک سو و پذیرفتن اقتصاد و تامین رفاه به عنوان یک اصل در زندگی بشر از سوی دیگر، منشاء عدم تفاهم ها و تبعاً عدم استفاده از جنبه های مثبت هر دیدگاهی خواهد شد. در این میان موضوع اصلی این است که واقعا مسئله اقتصاد چیست و در کجای زندگی بشر است و وظیفه آن چیست. با تنگناها و بحران های اقتصادی ناشی از عوامل اقتصادی و سیاسی چگونه برخورد می شود. بخصوص اینکه گاهی اقتصاد به عامل فشار کشورهای معارض و رقیب تبدیل می شود. قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در آیات فراوانی شیوه های عملی بهره گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع پیش روی آنان نهاده است. مروری گذرا بر سیره ی عملی معصومین (علیهم السلام) به ویژه دوره حکومتی حضرت علی (علیه السلام) راهکارهای اساسی و تأثیرگذار بر زندگی فردی و اجتماعی است. هشدارهای آن حضرت که در قالب نامه به کارگزاران صادر شده است، برای تحقق جامعه ی سالم، زنده و متحرک که شریانهای اقتصاد آن موجب رونق لازم است؛ توجه فرد فرد جامعه را به مضامین بلند آن می طلبد تا با عمل نمودن به آنها، در تحقق جامعه سالم قدمها برداشته شود. یکی از مسایل مهم هر کشور، اقتصاد آن است. به دنبال اقتصاد ناسالم فقر عده بی شماری از افراد اجتماع و انباشته شدن ثروت نزد عده قلیل را باید انتظار داشت که زمینه ای برای ایجاد ناامنی های بسیار در جامعه است. از نظر اسلام ثروت و مال در حیات مادی و معنوی انسانها، نقش اساسی دارد و در برخی روایات، از تنگدستی به روسیاهی در دنیا و آخرت (1) و مرگ بزرگ (2) تعبیر شده است.

ص: 39

1- بحار الانوار، ج 2، ماده-ی فقر.

2- نهج البلاغه، حکمت 163.

از طرفی حُسن عدالت به جهت فطری بودن آن، همیشه مورد توجه مردم و مکاتب الاهی و بشری بوده است. اسلام در جایگاه دین کامل و خاتم، این آموزه را در همه ابعاد زندگی بشری مورد تأکید فراوان قرار داده است. عدالت اقتصادی، به معنای مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است. این امر به صورت هدف اقتصادی، هنگامی به طور کامل محقق می شود که هر یک از افراد جامعه، به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند. از دیدگاه اسلام، منشأ حق برای انسان ها دو امر است: کار و نیاز. براساس میزان کار و تلاش، حق انسان نسبت به ثروت و دارایی جامعه بالفعل می شود. همچنین انسان های نیازمند که توان کار ندارند، نیازشان حق آن ها را درباره ثروت ها و دارایی جامعه بالفعل می کند؛ و بر حکومت و ثروتمندان لازم است که نیاز آن ها را در حد متعارف برطرف کنند. همه انسان ها در بهره مندی از نعمت های الاهی باید دارای فرصت و شرایط مساوی باشند؛ گرچه بعد از تقسیم فرصت ها به نحو مساوی، اگر گروهی به دلیل استعداد و تلاش زیادتر، از نعمت ها بیشتر بهره مند شود، این امر خلاف عدالت نیست.

اندیشه و تفکر اسلام به عنوان یک جهان بینی برای اداره جامعه و راهنمای انسان بسوی کمال و سعادت واقعی، قوانین و طرح های ضروری منطبق بر نیازهای مادی و معنوی بشر، در اختیار جامعه قرار می دهد تا همه نهادهای فرهنگی - سیاسی و اقتصادی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و تبعیض و تحقق عدالت اجتماعی فعال شوند. غیبت طولانی فقه از صحنه حاکمیت و جامعه و تغییرات وسیع در روابط و مناسبات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی موجب ایجاد مشکلات و بحرانهای مختلف شده که فقه در همه دورانهای گذشته و معاصر آماده پاسخگویی به همه نیازها و حوادث واقعه متناسب با شرایط و مقتضیات زمان می باشد.

به طور کلی نظام معیشت بر مبنای دواصل استوار است. 1- تولید کافی 2- توزیع عادلانه. پیامبر اسلام به گواهی آیات قرآنی و آثار نبوی در مدینه به این دواصل توجه شایسته ای مبذول داشت. در آن روزگار وبا توجه به امکانات محدود زمان، چیزی که میتوانست به

طور طبیعی بر ثروت عمومی بیافزاید، توسعه کشاورزی و دامداری بود و سپس مبادله کالا و بازرگانی و نیز آن چه که می‌توانست در تقسیم عادلانه ثروت موثرافتد، مبارزه با گنجینه ساختن اموال و مفت خواری - به شکل‌های گوناگون آن - بود و همچنین کوشش در انتقال اموال مالیاتی از ثروتمندان طبقات محروم جامعه. پیامبر اسلام (ص) برای هربخش از آن چه گفته شد، دستورات لازم را صادر فرموده و از اقدامات جدی در اجرای امور نیز فروگذار نکرده و وظیفه خود را که از طریق وحی و الهامات روحانی به ایشان می‌رسید؛ دقیقاً اداء نموده و با اینکه بدون تجربه پیشین، جامعه‌ای را اداره می‌کردند چنان نظامی پدید آوردند و اهرمی از قدرت ساختند که در رویا رویی با ابر قدرتهای زمان - یعنی

روم و ایران و مصر - همه را درهم شکستند.

در مجموع با نگاه توحیدی، عالم دارای یک نظام واحد و هماهنگ است. این نظام زیر مجموعه‌هایی دارد "نظام اقتصادی" یکی از این زیرمجموعه هاست. در اینجا منظور از نظام اقتصادی، نظامی است که با بکارگیری قواعد اقتصادی نظام الهی، در ارتباط با سایر نظامها و استفاده از ابزارهای اقتصادی وظیفه تأمین، توزیع و مصرف نیازهای جامعه را بر عهده دارد. یک نظام اقتصادی با این تعریف شامل سه بخش عمده "مکتب اقتصادی"، "نهادهای مرتبط با اقتصاد" و "علم اقتصاد" می‌شود. با ترکیب این سه عنصر "اقتصاد ملی" که به نوعی در یک نظام اسلامی همان "نظام اقتصاد اسلامی" است، شکل می‌گیرد و اقتصاد اسلامی هم در قالب یک "حکومت اسلامی" تحقق می‌یابد. هدف نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان افزایش ثروت جامعه و "رفاه عمومی" است.

در مجموع در حدود نهمصد آیه از قرآن، مباحث و مسائل اقتصادی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است. در قرآن، اهداف اقتصادی (مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره) مبانی اقتصاد (پایان ناپذیری منابع)، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان، و اصالت آخرت، اصول اقتصادی (میانه روی تعاون، همراهی اقتصاد با ارزش‌های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره) و نیز نظریه پردازی

با توجه به آیات قرآن، اقتصاد و جمع آوری ثروت و ویژه خواری، هدف نیست، بلکه مقدمه رسیدن به اهداف عالی است. «ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل می خورند و همواره [مردم را] از راه خدا باز می دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذاب دردناکی مژده ده» (2) از دیدگاه قرآن، سرمایه وسیله تولید و کار است. از این رو نباید به صورت گنج ذخیره سازی شود یا وسیله رباخواری شود که مانع رشد اقتصادی است. «ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید» (3) مقام معظم رهبری به بحث اقتصاد سالم در تمدن نوین اسلامی عنایت دارند و از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری و ربا و تکاثر که آفت رشد اقتصادی است، به شدت نهی می کنند و پیوسته به قوه قضاییه درباره مقابله با ویژه خواری و رانت بازی، و به دولت ها در خصوص پیگیری اجرای سیاست های اقتصاد سالم تذکر می دهند. دلیل توجه بسیار به مبانی اقتصاد و مسائل پیرامون آن به منابع اسلام باز می گردد. به اعتقاد معظم له دو پایه اقتصاد اسلامی عبارت اند از: «افزایش ثروت ملی» که کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد و اهداف والای خودش را در سطح بین المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در جامعه اسلامی» است» (4) تز اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب و تحمل آن توسط مردم ایران یکی از پارامترهای گسترش تمدن نوین اسلامی است.

در هر حال ای عزیز بزرگوار مکتب اسلام در شعب مختلف و متعدد، دستوراتی دارد که همه در کنترل وضع مالی و جلوگیری از مفاسد سرمایه داری همانند تورم ثروت و تمرکز سرمایه، نقش بزرگ و حساسی را ایفا می کنند. عوامل تعدیل کننده اوضاع اقتصادی، مالی

ص: 42

1- رضایی، 1390: 11

2- توبه، 34

3- بقره، 278-279

4- بیانات مقام معظم رهبری، 13/11/1385

وتوزیع ثروت در نظام اسلامی به طور اختصار عبارتند از: منع از ربا خواری، نکوهش از سرمایه اندوزی، نهی از مشاغل و کسب هایی که موجب جمع ثروت می شود، مانند شراب فروشی و قمار. دعوت به انصاف در معاملات و اکتفا به سود کم و ترک غش و خیانت در معامله، اداء کردن مالیاتهای اسلامی مانند، خمس و زکات و نهی از اسراف و تبذیر، همگی از عوامل کنترل کننده و تعادل بخش است. به بیانی دین مبین اسلام با نگرش همه جانبه و فراگیر به مسائل مربوط به انسان و توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی، قواعد و ضوابط جامع و دقیقی را فرا روی انسانها قرار می دهد و بر ارزشهایی اهتمام دارد که فرد و جامعه را قادر می سازد زمینه ها و شرایط مناسب برای حرکت در مسیر توسعه مطلوب را فراهم نمایند. بر این اساس فرهنگ اسلامی با تأکید بر عناصری همچون؛ اهتمام نسبت به کسب علم و دانش، اهتمام ویژه به عقلانیت، کارشناسی و استفاده از دستاوردهای مثبت بشری، توجه به مقتضیات زمان و مکان، تأکید بر کار و تلاش، انجام صحیح و استوار کارها و اهتمام به نظم و انضباط و کسب عزت و سربلندی جامعه اسلامی و...، زمینه های لازم و مناسب را برای پیمودن مسیر توسعه به وجود آورده و این مفاهیم و برنامه ها از مفاهیم و برنامه های سازنده توسعه در اسلام است.

البته آنچه لازم است یادآوری شود اینست که رویکرد و الگوی اقتصاد سالم، بایستی در همه سطوح ترویج و گفتمان سازی شود تا اقشار مختلف مخصوصاً صاحب نظران ضمن شناخت آن، در حد توان و جایگاه در این حوزه اثرگذاری داشته باشند. لذا بحث های این کتاب بیانگر این است که حرفهای ناگفته در اقتصاد اسلامی بسیار است. مع الوصف امید است که موضوعات مورد نظر؛ مقدمه حرکت جدیدی به سوی پژوهشهای جدی تر و عمیق تر در زمینه کاربردی نمودن و عملیاتی کردن ابعاد مختلف اقتصاد اسلامی شود. آری اسلام برای توزیع ثروت و دارایی جامعه به نحوی که همه مردم به حقوق مالی خود دست یابند و فقر ریشه کن شود، تدابیری اندیشیده است که به حول و قوه الهی در ادامه با عنایت به آیات و روایات؛ توجه جنابعالی به قسمتهایی از آنها در قالب بسترها و زمینه های لازم برای رسیدن به توسعه و رشد اقتصاد سالم معطوف می گردد:

وفق سنّت با تو گویم این ندا * اقتصاد خوب و بد باشد جدا
بهر هر یک در درون این فضا * بوده اوصاف جدا ای با صفا
اقتصاد خوب و سالم در سرا * همچو گل خوشبو کند کاشانه را
چون که با عدل و عدالت در قفا * می کند حق را فراگیر هر کجا
بهر هر کس گر چه باشد وی گدا * بوده یکسان تا کند حق را ادا
در توازن یا که توزیع چون دوا * می دهد روح و روانها را شفا
کار و کوشش همچو ذکر است و دعا * بهر وی باشد جهاد تا منتها
علم و دانش همره نظمی بجا * از اصول اقتصاد است در بنا
دان حلال و رزق خوب همچون طلا * می کند از وی برون صدها بلا
راه خوب هموار کند بی هر ادا * راه پاکی و همان راه خدا
می شود بی شک همی اهل سخا * اهل معنا و همی ذکر و دعا
این چنین گردد رها از هر خطا * چون شود پاک از عیوب و افترا
در تمام سختی های هر بنا * با عمل بر آن شود اهل صفا
یا که باشد برتر از صدها عصا * از همان گام نخست تا انتها

حرف و بحثی را نگوید ناروا * بهر کسب خود همی گوید ثنا
از خیانت می کند خود را جدا * چون که قلبش سالم است از ماسوا
واجبات حق کند هر یک ادا * با همان انفاق و خمس بی هر صدا
وفاق آن گردد بسی حاجت روا * با چنین کاری صفا گردد به پا
کاسب مومن در این دار فنا * می رود در راه حق با مقتدا
بر جمالش گر کنی ای با وفا * یک نظر از عمق جان در هر کجا
یاد حق و آخرت بی هر صدا * می شود با روح و جانت آشنا
دون تردید می شود اهل نوا * ذات حق گردد برایش پر بها
با همان ایمان به آن دار بقا * می کند خود را محیا با ولا
کسب سالم در حریم کبریا * جان وی بالا برد تا ماورا

(1) مبانی فلسفی و اعتقادی اقتصاد سالم:

اقتصاد و فلسفه با هم روند در راه حق * با اصول اعتقادی که خدا گفته به خلق (1)
در مسیر اقتصاد باشد هزار و یک سوال * سنت معصوم دهد پاسخ به هر یک در فلق

ص: 45

1- با اصولی که خدا گفته برای فهم خلق

مضمون و مفهوم رباعی مزبور بیانگر این است که در مسیر تحقق اقتصاد سالم سوالات مختلفی وجود دارد که باید از مبانی فلسفی و اعتقادی که توسط خالق عالم هستی ترسیم و به وسیله ائمه معصومین (ع) تبیین و تشریح شده کمک گرفت و با تمام وجود بهره مند شد. چرا که فطرت و فریاد خاموش درون به دنبال آن است. توضیح اینکه بر خلاف افکار مادی ای که توسط ایسم های مختلف در جهان غرب بر بشریت حاکم شده؛ در بینش اسلامی، انسان موجودی است آگاه، صاحب اراده و اختیار، هدفمند، کمال جو و مسؤولیت پذیر، که محور اصلی و شکل دهنده تلاش های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و... قرار دارد. از آیات قرآن کریم مستفاد می شود که دست یابی به زندگی شایسته و سالم در گرو بهره گیری از معارف آسمانی و تفکر و تعقل است و باید خطوط کلی، اصول و شاهره های هدایت را از وحی گرفت و در چارچوب آن ها و با کمک قوای ادراکی، اندوخته های تجربی را افزایش داد و از این طریق، سوالات، ابهامات و مشکلات فراروی بشر در زندگی را برطرف کرد. امور اقتصادی بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده است. جهت دهی و سامان بخشی اقتصاد از این قضیه مستثنی نیست. از سوی دیگر، قرآن کریم بر فهم دقیق و عمیق معارف و حیانی با عنوان «تفقه در دین» تأکید کرده است. «مراد از تفقه، تفهم جمیع معارف دینی از اصول و فروع است.» بر این اساس، اهتمام به تفقه در دین، از جمله در قلمرو مبان و احکام اقتصادی، لازم و ضروری است.

بنابراین، برای یافتن اصول و خطوط کلی در مسائل اقتصادی باید به آنچه خالق انسان و زندگی نازل کرده است، مراجعه نمود، حیات طیبه اقتصادی و معنوی ای را که او معرفی کرده، شناسایی و مسیرهای منتهی به آن را از طریق وحی کشف نمود و به وسیله تفقه و تعقل و راه کارهای لازم آن را به کار بست. در آیات متعددی خاطر نشان شده است که رهاوردهای وحی انسان را به حقایق هستی واقف و راه های نیل به سعادت و فلاح را به او می نمایانند، مسیر را برای او روشن ساخته، او را هدایت می کنند: «و نزلنا علیک الكتاب

تبیاناً لِكُلِّ شَیْءٍ وَ هِدًیً وَ رَحْمَةً وَ بُشْرًی لِّلْمُسْلِمِیْنَ»(1) و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِیِّنٌ یَهْدِی بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ یَهْدِیهِم إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ»(2) از سوی خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پی روی کنند، به راه های سلامت، هدایت می کند و به فرمان خود، از تاریکی ها به سوی روشنایی می برد و آن ها را به سوی راه راست رهبری می نماید.

با نگاه توحیدی عالم دارای یک نظام واحد و هماهنگ است. در حالیکه ایسم های مختلف از جمله لیبرالیسم با تفکر مزبور یعنی با تفکر الهی اسلام مخالفند... به خاطر پیامدهای ضد الهی و مال اندوزی است که در ادیان و بویژه در اسلام، با خصلت های سرمایه دارانه مبارزه شده است؛ زیرا که این روحیه تعالی طلبی و سلطه جویی، با ماهیت تفکر الهی اسلام ناسازگار است: «تلك الدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لافسادا و العاقبه للمتقین»؛(3) این سرای آخرت را از آن کسانی ساخته ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است.» و بی تردید این روحیه در رابطه با انسان ها، از داشتن های افراطی و قدرت اقتصادی ریشه گرفته است. «الذی جمع مالا و عدده. یحسب ان ماله اخلده»؛(4) آنکه مالی گرد آورد و به شمارش آن پرداخت، می پندارد که دارایی اش جاویدانش گرداند.»

امام علی (ع) می فرماید: «توانگران مترف هر امت (و جامعه)، نسبت به موقعیت خود در برخورداری از نعمت های الهی، تعصب ورزیدند (و آن را از خویشتن دانستند و بس مهم

ص: 47

1- نحل: 89

2- مائده: 15-16

3- قصص/سوره 28، آیه 83.

4- همزه/سوره 104، آیه 2 و 3.

شمردند)، و گفتند: «ما اموال و فرزندان بیشتری داریم، و ما عذاب نخواهیم شد»⁽¹⁾ حتی رویارویی سرمایه داران با آیین های الهی و با هر اندیشه و هدایتی، برای همین حس خودبرتربینی است: «و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها: انا بما ارسلتم به کافرون و قالوا: نحن اکره اموالا و اولادا، و ما نحن بمعذبین»⁽²⁾ در هیچ شهری بیم دهنده ای (پیامبری) را به رسالت نفرستادیم مگر اینکه مترفین آن گفتند: ما به این دین که برای ابلاغ آن آمده اید اعتقاد نداریم.» و گفتند: ما اموال و فرزندان بیشتری داریم و ما عذاب نخواهیم شد. «مترفوها در این آیه به معنای جباران و توانگران و مرفهان است»⁽³⁾

استکبار و طغیان سرمایه داری بدانجا می رسد که همه ارزش ها را در ثروت می داند و به همه فضیلت ها و نیکی ها به دیده کاستی می نگرد: «لقد سمع الله قول الذین قالوا: ان الله فقیر و نحن اغنیاء...»⁽⁴⁾ خداوند گفته کسانی را شنید که گفتند: خدا فقیر است و ما سرمایه دار و ثروتمندیم...» و این اوج استکبار و خودبزرگ بینی است که نسبت به خالق کاینات چنین بیندیشند و چنین سخنی بر زبان آورند. پیامبران الهی را نیز چون از طبقات محروم بودند، به هیچ می گرفتند و اندیشه ها و گفتار آنان را بی ارزش می پنداشتند: «و قالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم؛⁽⁵⁾ گفتند چرا این قرآن بر مردی از بزرگ مردان آن دو قریه نازل نشده است.» «و قال لهم نبیهم: ان الله قد بعث لکم طالوت ملکا قالوا: انی له الملك علینا؟ و نحن احق بالملک منه و لم یؤت سعه من المال...»⁽⁶⁾ پیامبر ایشان (بنی اسرائیل) به آنان گفت: خداوند طالوت را پادشاه شما قرار داد، گفتند: چگونه

ص: 48

- 1- نهج البلاغه، ص 199.
- 2- سبا/سوره 34، آیه 34 35.
- 3- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج 8، ص 614.
- 4- آل عمران/سوره 3، آیه 181.
- 5- زخرف/سوره 43، آیه 31.
- 6- بقره/سوره 2، آیه 247.

می تواند به پادشاهی برسد، در صورتی که ما برای پادشاهی از او شایسته تریم، او که مال فراوانی ندارد...»

در اندیشه لیبرال سرمایه داری، معیار و محور برای هر کار و هر چیز، سود بیشتر و مال است؛ حتی پست ها و مسئولیت های دشوار اجتماعی با این معیار داده یا گرفته می شود. لذا از طرفی در اقتصاد غرب به دلیل تمرکز بر مبانی اومانیستی و انسان محوری و حذف خدا از صحنه زندگی، انسان طماع و تابع شهوات و نفسانیات است. اگر تاریخ اقتصاد غرب را بررسی کنی، در می یابی اقتصاد کلاسیک بر این اساس بود که انسان ها آزادند تا هر فعالیتی را انجام دهند و دولت حداقل را از اینها می گیرد و وظیفه دولت تامین بهداشت، آموزش و امنیت است و شخص ثروتمند هر چه دارد مال خودش است!، وقتی این تفکر اقتصاد لیبرال و مبتنی بر اصالت فرد در عمل اجرا شد، سبب گشت متمکنین روز به روز متمکن تر و توده های فقیر، فقیرتر و بیچاره تر شوند و همین باعث ایجاد بحران شد به گونه ای که فقرا اعتراض و اعتصاب کردند و وقتی که بحران به پایه های نظام سرمایه داری رسید، تئوریسین ها به این نتیجه رسیدند که باید مالیات هایی وضع شود تا بخشی از درآمد اغنیاء را به طبقات فرودست اختصاص دهد و اینچنین مسئله دخالت دولت در اقتصاد با ابزاری مثل مالیات مطرح شد.

از این رو، مالیات کنونی در نظام لیبرال سرمایه داری از ابتدا وجود نداشت؛ بلکه بعدها برای حفظ نظام سرمایه داری وضع شد تا فقرا هم در زمره یکی از مصارف آن قرار بگیرند؛ لذا این مالیات تابع چنین تفرکی است که در آن انسان به ماهو انسان ارزشمند نیست و راه را برای کسب ثروت هرچه بیشتر متمکنان هموار می کند بدون آنکه مسئولیتی در قبال فقرا داشته باشند.

برای همین امروزه هم وقتی سیاست ریاضت های اقتصادی مطرح می شود باز هم این فقرا هستند که تحت فشار قرار می گیرند. چراکه اقتصاد ریاضتی به معنای فشار بیشتر بر فقرا است و این باعث آسیب بیشتر آنها می شود؛ این در حالی است که در اسلام از ابتدا به اصالت فرد اعتقادی وجود نداشته و بر عدالت توجه و تمرکز دارد، رفع

فقر را مد نظر قرار داده است چنان که در بیشتر سخنان پیامبر(ص) از انفاق و احسان مالی به فقرا سخن به میان آمده است، چیزی که در نظام متعارف اقتصادی یعنی غرب جایی ندارد! به عبارت بهتر، اسلام به انسان نگاه ارزشی و انسانی دارد و همه بشر را دارای حق برخورداری از منابع می داند و تامین نیازهای همه آنها را مد نظر قرار داده نه گروهی خاص چراکه اصلاً چنین رویکردی از ابتدا در اسلام مطرود و منفور بوده و است.

از طرفی تعالی طلبی سرمایه داران بدانجا می رسد که دین شان و خدای شان را اموال شان می دانند: پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: « شگفتا از مردمی که معبودهای ایشان مال های شان است.» در این راستا ابرقدرت های لیبرال_سرمایه داری، دریافتند که با قدرت نظامی و جنگ نمی توان بر کشورها، بازارها و منابع ثروت مسلط شد؛ بلکه نیاز به سلاح جدیدی است که به ظاهر، صورت اسلحه ندارد و موجب جبهه گیری توده ها نمی گردد. این سلاح، سلاح اقتصادی است که با این ابزار می توان به جنگی نامرئی و به ظاهر صلح جویانه و خیرخواهانه دست یازید و همه ارض مسکون را زیر نفوذ و سلطه درآورد.

دستیابی به این سلطه و به کارگیری این ابزار، در محیط های آرام و قانونمند و با فرهنگ هایی پیشرفته و انسانی، امکان ندارد؛ چه در اینگونه اجتماعات، مردمان آگاهی دارند و به بررسی پدیده های اجتماعی و تحلیل علل رخدادها می پردازند و دشمنان خلق را در همه چهره ها و رنگ ها شناسایی می کنند و پوشش ها و ماسک ها را یک سو می زنند و ویرانگری ها و تباه سازی های پنهانی را برملا می کنند و نقشه ها و راه کارهای فریبکارانه را مانع می گردند. از اینرو، سرمایه داری برای ایجاد زمینه مناسب، با روش های گوناگون، آرامش و تعادل و همبستگی جامعه ها را برهم می زند و به نشر اکاذیب و شایعه سازی می پردازد، مبانی فرهنگ های خودی را به باد تمسخر می گیرد، معیارهای اصولی و باورهای بنیادین جامعه را زیر سؤال می برد، و نسل ها را به آنچه خود دارند بدبین می کند و اصالت های خودی و بومی را متزلزل می سازد. بالاتر از این، به تحریف مبانی دینی جامعه ها نیز می پردازد و مرز میان خوب و بد و نیک و زشت و انسانی و غیر انسانی و الهی و شیطانی و عدل و ظلم و حق و باطل و... برمی دارد؛ بدان پایه که از نادرست درست، و

از نانسانی، انسانی، و از ظلم، عدل، و از ضد ارزش ها، ارزش ها فهمیده شود و از این رهگذر، سفسطه های بزرگ یونان و افکار گرگیاس، تحقق می پذیرد و توده های مردم درسرگردانی و سردرگمی فرو می افتند، و زمینه های تجاوزگری و ترک تازی صاحبان زر و زور آماده می شود.

و این ها همه در سایه فتنه گری ها و شیوه های تبلیغاتی ویژه ای صورت می گیرد که کارشناسان طبق هر جامعه و منطقه ای تهیه می کنند و از طریق رسانه های گروهی بویژه مطبوعات، بر سر توده های ساده دل انسانی می ریزند. تاثیرگذاری و نفوذفکری، با شگردهایی چون: تکرار، مبالغه، دروغ، ارائه نظر به عنوان حقیقت، تجاهل عمدی و... (1) صورت می گیرد و فتنه ها و تحریف ها از مسائل فکری و فرهنگی آغاز می گردد و به درگیری های درونی و بیرونی و راه اندازی دسته بندی های سیاسی، اجتماعی و سرانجام آشوب ها و درگیری های بزرگ می انجامد. هدف اصلی از این فتنه گری ها، وابستگی روزافزون جامعه ها و غفلت از مسائل اصلی و از دست دادن قدرت سیاسی و اقتصادی کشورها است. در قرآن کریم آمده است: «فما آمن بموسی الا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملاهم ان یقتنهم، و ان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المترفین؛ (2) به موسی نگرویدند جز اندکی از قوم وی، به سبب ترس از فتنه و ستم فرعون و سران قوم او، و فرعون در زمین برتری طلب بود و از زمره مسرفان.» فتنه ها و آشوب های ملاء و سران قوم نیز در بازسازی قوم حضرت موسی (ع). چون فتنه انگیزی های فرعون بوده است. پیامبراکرم (ص) در سخنی جامع و عمیق، فتنه انگیزی های سرمایه داران را چنین تبیین می کنند: «پس از من اقوامی خواهند آمد که خوراک های پاکیزه و رنگارنگ می خورند، و از وسایل سواری استفاده می کنند و خانه ها می سازند و کوشک ها می افزایند... فتنه از ایشان است و کار ایشان.» (3)

ص: 51

1- العوینی، محمد، امپریالیسم تبلیغی، ص 77_79، ترجمه محمد سپهری 1369. (با کمی تغییر)

2- یونس/سوره 10، آیه 83.

3- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ج 1، ص 449.

باری این خاصیت سرمایه داری مهارگسیخته و اقتصاد آزاد و پیامدهای جدایی ناپذیر افزون طلبی است که به فساد و فتنه و قانون شکنی، روی آورد و در قلمرو گسترده تر ناامنی و ناآرامی و جنگ و درگیری راه انداخت، آنگاه که به نفع اقطاب سرمایه داری باشد. امام علی (ع) «مال سبب برپا شدن فتنه ها (آشوبها) است.»⁽¹⁾ با توجه به زیان های بنیادین و خانمان سوز فتنه گری است که آن را چه بسا از قتل و جنگ زیانبارتر ساخته است. قرآن می گوید: «الفتنه اشد من القتل؛⁽²⁾ فتنه از قتل، بدتر است.» بدین جهت در تعالیم اسلامی، به دور از هر نوع فتنه و فتنه گری "غناهی کفافی"، زندگی آرمانی و اسلامی شمرده شده است، یعنی زیستی که از حد فقر و کمبودداری بگذرد و به حد بسندگی و کفاف برسد، و به مرز تکاثر و زیاده داری از نوع منفی آن نزدیک نگردد و گرفتار فتنه ها و عوارض و معایب سرمایه داری نشود، و این بهترین زندگی شناخته شده است که فطرت بشری و فریاد خاموش درون آدمی همواره طالب و خواستار آن بوده و خواهد بود. البته همانطور که در جای جای این کتاب آمده سرمایه مشروع و

حلال و استفاده بهینه و درست از آن نه تنها از نظر اسلام اشکال ندارد بلکه می تواند مایه خوشبختی در دنیا و سعادت مندی در آخرت گردد. لذا اموال از نظر راهنمایان الهی ابزار و وسیله ای برای تامین زندگی شرافتمندانه همه انسان هاست، و وسیله اثبات هیچ ارزشی از آن دست ارزش هایی کاذب و منفی در تفکر سرمایه داران نیست.

اسلام به معنی وسیع کلمه برای حاکم کردن این نظام بر عالم از جانب خداوند متعال بوسیله پیامبران بزرگ یعنی همان راهنمایان الهی عرضه شده است. این نظام الهی زیرمجموعه هایی دارد. از جمله این نظام ها، نظام اجتماعی، نظام سیاسی، نظام طبیعی، نظام اقتصادی و... هستند که این نظام ها با هم مرتبط اند و بر هم اثر متقابل دارند. پیرامون اقتصاد اسلامی دیدگاههای مختلفی وجود دارد شاید بتوان در توضیح بهترین تعریف از نظام اقتصادی اسلام گفت: «نظام اقتصادی اسلام مجموعه ای از الگوهای

ص: 52

1- فضل الله لبنانی، سیدمحمدحسین، الحیاه، ج4، ص110.

2- بقره/سوره2، آیه191.

رفتاری و روابط اقتصادی است که در حوزه تولید و توزیع و مصرف از آیات و روایات به کمک تحلیلهای عقلی استنباط می شود. این الگوها و رفتارها بین افراد یک نظام در جهت اهداف مورد نظر، پیوندی ایجاد می کند که مبتنی بر مبانی بینشی و مکتبی خاص آن نظام است» در یک نگاه جامع تر می توان اقتصاد اسلامی را اقتصادی واقع گرا، اخلاق گرا و دانش مدار دانست. البته در زمینه نظام اقتصادی اسلام دیدگاههای متعددی وجود دارد؛ برخی می گویند اسلام در باب اقتصاد چیزی جز یک دسته احکام وضعی و تکلیفی ندارد، یعنی می گویند فقه اسلام، همان اقتصاد اسلامی است. دسته ای می گویند: قواعدی تحت عنوان اصول کلی در اقتصاد اسلامی وجود دارد و ما نظام اقتصادی را در این چارچوب و اصول برنامه ریزی می کنیم. شبیه این بحث را شهید صدر نیز مطرح کرده است. او در این باره می گوید: اسلام علاوه بر فقه، مکتب اقتصادی دارد، و مکتب اقتصادی آن روشی است که اسلام برای حل مشکلات اقتصادی برگزیده، منتها این روش را منحصر کردند به اصول کلی و زیر بنایی، مثلاً اینکه آیا دولت باید در اقتصاد نقش داشته باشد یا نه؛ لیبرالیست می گوید که دولت کمترین دخالت را دارد. سوسیالیست می گوید دولت بیشترین دخالت را دارد. اسلام هم اصولی را در رابطه با دخالت دولت در اقتصاد بیان کرده است. دسته ای دیگر معتقدند اسلام علاوه بر بیان یک دسته از اصول، دارای نظام اقتصادی است، حتی در حال حاضر برخی معتقدند که ما علم اقتصاد اسلامی هم داریم. (1) در ادامه در خصوص نظام های اقتصادی لیبرالیسم و سوسیالیسم به تناسب بحث؛ بیشتر صحبت خواهد شد. به بیانی در یک تعریف، نظام به معنای سامانه، سیستم و یا مجموعه ای هماهنگ از پدیده ها و قواعد حاکم بر آنهاست. حال سؤال این است که نظام اقتصادی چیست؟ تعریف زیر از جمله تعاریفی هستند که برای نظام اقتصادی بیان شده اند.

ص: 53

1- نظام اقتصاد اسلامی، هست ها و بایدها، حجت الاسلام والمسلمین میر معزّی، پایگاه اطلاع رسانی رسا نیوز

الف: نظام اقتصادی عبارتست از مجموعه مرتبط و منظم عناصری که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می کند. (1)

ب: نظام اقتصادی یک الگوی عملی اقتصادی متشکل از ابعاد مختلف و نهادهای متفاوت است که برای رسیدن به هدف مشخص با یکدیگر هماهنگ باشند. (2)

ج: نظام اقتصادی مجموعه ای هماهنگ از پدیده های اقتصادی و قواعد حاکم بر آنهاست.

در تبیین دقیق تر اقتصاد اسلامی و رابطه آن با اقتصاد سرمایه داری بصورت کلی و گذرا معروض می دارد که جهان، دو اقتصاد لیبرالیستی و اقتصاد سوسیالیستی را در یکی - دو قرن گذشته تجربه کرده است. این دو اقتصاد از نظر مبانی و اهداف در دو سوی مقابل هستند و ابعادشان کاملاً مشخص و شناخته شده است. اسلام قطعاً نه با لیبرالیسم و نه با سوسیالیسم سازگاری ندارد. دقت در مبانی دینی اسلام نشان می دهد که در هر یک از مسایلی که این دو نظام اقتصادی مطرح کرده اند، اسلام دارای دیدگاه های متفاوتی است. در اقتصاد سرمایه داری انسان محور است و به جای خدا نشسته است. این گروه به دئیسم معتقدند؛ یعنی اندیشه ای که در آن خدا نقش معمار بازنشسته را دارد و جهان را آفریده و دیگر کاری به آن ندارد و انسان هم موجودی است که به خودش واگذار شده است و به نوعی انسان مقیاس همه چیز است. اما سوسیالیسم مارکس اصلاً با نفی خدا شروع می شود و تقابلی جدی با مبانی معرفت دینی دارد. اسلام معتقد به محوریت خداوند هست و انسان، اگرچه موجود برتر آفرینش است، اما به جای خدا نمی نشیند و در هیچ لحظه و هیچ جا؛ مدیریت ربوبی و احاطه و ساماندهی از دست خدا خارج نیست. اقتصاد لیبرالیستی معتقد به آزادی فعالیت های اقتصادی فردی است و فرد در اقتصاد لیبرالیستی اصالت دارد؛ جامعه چیزی جز محصول گرد هم آمدن افراد نیست. نقطه مقابل این اندیشه،

ص: 54

1- نمازی، 29، 1382

2- لطفعلی پور، 94، 1383

تفکر سوسیالیستی است که در آن، جامعه اصالت دارد و فرد در جامعه ذوب شده است و نقش مستقیمی ایفا نمی کند. دیدگاه اسلام نه این است و نه آن، بلکه هم برای فرد اصالت قائل است و هم برای جامعه. شهید مطهری در کتاب «جامعه و تاریخ» به خوبی این مسأله را بیان کرده است. آزادی فردی به طور مطلق پذیرفته نیست و در اثر ارتباط با جامعه محدود می شود. علاوه بر این، یکی از مبانی انسان شناسی اسلامی، که در بحث اقتصاد هم جلوه دارد، این نکته است که انسان فقط برای دنیا ساخته نشده است، بلکه دنیا مقدمه ای است برای رسیدن به کمال نهایی که در آخرت تحقق پیدا می کند. از نظر اسلام حضور اخلاق در اقتصاد بسیار مهم است. اقتصاد لیبرالیسم به نفی اخلاق می پردازد و فرض را بر این گذاشته است که انسان اقتصادی در فعالیت های تولیدی صرفاً در پی منفعت حد اکثری و همان سود هرچه بیشتر، و در مصرف هم در پی لذت مادی بیشتر و رفاه حد اکثری است. البته اسلام فراتر از آنها منفعت و لذت حداکثری فقط در دنیا خلاصه نمی کند؛ چرا که انسان مومن با عمل به اصول اقتصادی اسلام تا ابدیت از منافع و لذت آنها بهره مند خواهد شد. به نوعی اقتصاد اسلامی در اهداف هم با اقتصاد سوسیالیستی و لیبرالیستی متفاوت است. لذا اسلام، علاوه بر پی گیری تحقق رفاه، توزیع عادلانه رفاه را هم پی گیری می کند. بنابراین اقتصاد اسلامی در ضمن اینکه از امتیازات بسیار بیشتری نسبت به سایر مکاتب اقتصادی جهان برخوردار می باشد از جنبه های منفی آن ها نیز مبرا می باشد. بعلاوه همین طور که ملاحظه شد در دین اسلام به عناصر و شاخصه هایی توجه شده است که بر اساس آن می توان به جامعه ای اسلامی، پیشرفته و توسعه یافته در تمام زمینه ها از جمله زمینه های اقتصادی دست یافت و تعالیم نورانی و حیات بخش اسلام ظرفیت ترسیم جامعه اسلامی توسعه یافته و پیشرفته را داراست و مسلمانان و دولت اسلامی باید با استفاده از این ظرفیت، زمینه تحقق چنین جامعه مطلوبی را فراهم نمایند.

وظیفه هر نظام ایجاد هماهنگی و توازن میان نهادهای مختلف برای حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب است. در راستای چنین بینش و باوری، اعتقادهای یک

مسلمان که برخاسته از جهان بینی توحیدی است، نقش بسزایی در رفتارهای اقتصادی و فعالیت های تولیدی می یابد؛ زیرا نه تنها در برابر خویش بلکه در برابر خداوند و مخلوقات او نیز خود را مسؤول و امانتدار الهی بر روی زمین می داند. از این رو، خود را موظف به تلاش و کوشش برای اصلاح و آبادانی جهان می شمارد. «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»⁽¹⁾ یعنی: اوست خدایی که شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست تا به آبادانی آن پردازید. از طرفی، باورمندی انسان به اصول اعتقادی اسلام، زمینه ساز برپایی اقتصادی سالم اسلامی در عرصه اجتماع است. متفکر شهید، اسلوب مبانی اقتصادی را اینگونه ترسیم می کند:

1- عقیده: قاعده ای اساسی در تفکر اسلامی است که دیدگاه اصلی مسلمان را درباره عالم و جهان مشخص می سازد.

2- مفاهیم: دیدگاه اسلام درباره تفسیر اشیاء را منعکس می سازد و این انعکاس در پرتو عقیده اسلامی صورت می پذیرد.

3- عواطف و احساسات: زاینده مفاهیم اسلامی هستند؛ زیرا مفهوم، یک ایده و نظریه درباره واقعیتی است که هم روح انسان، فهم و شعور خاصی را نمایان می سازد و هم جهات انسان را در برابر آن واقع مشخص می کند. بنابراین، عواطف اسلامی، برگرفته از مفاهیم و مفاهیم نیز حاصل عقاید اسلامی است. آنگاه شهید صدر(ره) ارتباط هر یک از عناصر سه گانه فوق را با اقتصاد اسلامی(مذهب اقتصادی) بیان می کند:

الف) ارتباط اقتصاد اسلامی با عقیده: عقیده به اسلام، هر مسلمانی را وادار می کند که در چارچوب مذهب اقتصادی اسلام، فعالیت اقتصادی خود را سامان بدهد. مذهب اقتصادی اسلام نیز به نوبه خود از عقیده اسلامی سرچشمه گرفته است و همین امر باعث می شود که مذهب اقتصادی اسلام، نمود اعتقادی و ارزشی بیابد.⁽²⁾

ص: 56

1- هود / 61.

2- اقتصادنا، ص 311.

ب) اقتصاد اسلامی با مفاهیم اسلامی درباره عالم هستی و زندگی، در ارتباط است؛ برای نمونه، اسلام مالکیت را به عنوان حقی که در بردارنده رسالت است می شناسد؛ نه به عنوان یک تسلط مطلق. چنین تفسیری از مالکیت، نقش بسزایی در چگونگی بهره مندشدن از حق مالکیت خصوصی و تعین آن دارد. بنابراین، لازم است که اقتصاد اسلامی از خلال مفاهیم اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. (1)

ج) اقتصاد اسلامی با عواطف و احساساتی که بر اساس مفاهیم اسلامی پی ریزی شده است، ارتباط دارد؛ برای مثال عاطفه برادری و اخوت همگانی در قلب هر مسلمانی موجب دوستی دیگران و مشارکت در غم و شادیهای آنان می شود. شکی نیست که این علاقه برادری در قلوب مسلمانان، نقش ارزشمندی در چگونگی حیات اقتصادی جامعه و وصول به اهداف آن خواهد داشت. (2)

مع الوصف اسلام نیامده تنها به همین انگیزه ها و بینش های فلسفی و اخلاقی و اعتقادی اکتفا کند و بخواهد جامعه را تنها و تنها براساس این مفاهیم اداره کند. اسلام با آنکه انسان را از طریق این جهان بینی ها و مفاهیم مبنایی تربیت می کند و باورهای مخصوصی به او می دهد که در سیر و سلوک معنوی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی او نقش دارد، در عین حال برای فعالیت اقتصادی چارچوب حقوقی و ضوابط قانونی وضع کرده است و یک نظام اقتصادی مشخصی را از نظر حقوق اقتصادی مطرح می کند. مشخص می کند مالکیت ها بر چه اساسی درست و بر چه اساسی نادرست است، تا چه اندازه آزادی اقتصادی برای فرد وجود دارد، تا چه اندازه حق جامعه و طبقات محروم جامعه است؟ این معنای واقع گرا بودن اقتصاد اسلامی است، یعنی اسلام فقط واعظ اخلاقی، معنوی و الهی نیست که به عنوان اندرز بگوید این کار را نکنید و آن کار را نکنید، بلکه چارچوب و ضوابط حقوقی را هم مشخص کرده است. ارزشی بودن اقتصاد اسلامی نیز بسیار مشخص است. یکی از هدف های مهم نظام اقتصاد اسلامی، برپایی عدل و قسط و

ص: 57

1- همان، ص 312.

2- همان

به تعبیری عدالت اجتماعی است. بخش وسیعی از مسائل اقتصادی اسلام را بحث عدالت اجتماعی و تامین های اجتماعی می گیرد. عدالت یک اصل است و یک هدف اقتصادی است و هرگاه روش و سیاست های اقتصادی جامعه در تضاد با عدالت قرار گرفت، عدالت مقدم است. ارزش ها تنها عدالت و قسط نیست. ارزش های اسلامی دیگری نیز مطرح است که آنها هم باید به عنوان اساس مسائل اقتصادی مورد نظر قرار بگیرد.

به طور کلی سیاست های اقتصادی باید ذیل ارزش های معنوی قرار گیرد. اقتصاد اسلامی به امور اقتصادی، نگاه اخلاقی دارد، اسلام وقتی می خواهد برای افراد وظایف اقتصادی قرار بدهد، وظیفه ای که نقش اقتصادی در جامعه در تولید یا توزیع ثروت دارد، سعی می کند این وظیفه را با یک ارزش اخلاقی و عبادی بیامیزد. مثلاً انفاق که کاملاً کاربرد اقتصادی دارد و در توزیع مجدد ثروت و در تامین اجتماعی و برقراری عدالت بسیار مؤثر است، آنقدر با مسائل عبادی و معنوی آمیخته شده که صبغه اقتصادی آن را تحت الشعاع قرار داده است. در انفاق شرط است که مانند زکات و خمس با قصد قربت و عبادت و بدون منت داده شود. اسلام، تمام صدقات و زکوات و دیگر مقولات اقتصادی را با رنگ عبادی و معنوی و ارزشی آمیخته و سعی کرده افراد این اعمال را زیر پوشش معنوی و اخلاقی انجام دهند و این اعمال دارای بعد مادی و اقتصادی محض نباشند. این مسئله از دو نظر اهمیت دارد: یکی این که اسلام سعی کرده در زندگی انسان ابعاد مادی و معنوی را با هم پیوند دهد. در دیدگاه اسلام، ماده و معنا از هم جدا نیست، دنیا و آخرت دو تا نیست، در دیدگاه اسلام فرد و خدا جدا نیست، اینها در حقیقت همه در یک راستا قرار دارند. پوشش اخلاقی و ارزشی رفتارهای اقتصادی، اثرات فوق العاده ای در حفظ هدف های اقتصادی و توزیع بهتر ثروت ها در جامعه دارد.

دیگر، آن که اسلام در خلال این آموزه ها، انگیزه های مخصوصی را شکوفا می کند. انگیزه اخوت، تعاون، همکاری، ایثار، محاببات در معامله، اینها نکات ریزی است که ممکن است به سادگی از کنار آنها گذشت و پنداشت که اثری ندارند، در صورتی که آثار اجتماعی فراوان دارند. از لابلای همین نکات ریز، مکانیزم های معنوی اقتصاد اسلامی کشف

می شود. این مکانیسم های معنوی، خیلی از پیش فرض ها و شاخص هایی که در اقتصادهای دیگر به عنوان اصول و شاخص ها و پیش فرض های مسلم مطرح می شود، عوض می کند. یعنی به جای رقابت های آنچنانی که منجر به ورشکستگی ها و درگیری ها و بروز تفرقه ها و دشمنی و عداوت می شود، تعاون و ایثار و احسان را در روابط اقتصادی افراد، جایگزین می کند. در تاریخ اسلام و بازارهای اسلامی نمونه های فراوانی از تاثیر این عوامل معنوی در روابط اقتصادی جامعه قابل مشاهده است که جهان بینی الهی چه نقش فوق العاده و ظرفی در حیات اقتصادی افراد داشته و چگونه انگیزه ها و روحیات و اخلاقیات افراد را عوض کرده و سود طلبی های آنچنانی را که در جهان سرمایه داری وجود دارد به حس تعاون و ایثار و محابات در معامله و برادری و ... تبدیل کرده است.

از آموزه های مهم دینی - اقتصادی اسلام، لزوم نگهداری، اصلاح و بهره برداری صحیح از سرمایه های مادی به سود فرد و جامعه است. در اهمیت این موضوع، روایات متعددی نقل شده است که آن را جزء ایمان و عامل توانگری و بی نیازی شمرده است. (1) از آموزه های مهم دینی - اقتصادی اسلام، لزوم نگهداری، اصلاح و بهره برداری صحیح از سرمایه های مادی به سود فرد و جامعه است. در اهمیت این موضوع، روایات متعددی نقل شده است که آن را جزء ایمان و عامل توانگری و بی نیازی شمرده است. (2)

اسلام به عنوان یک دین جامع و فراگیر توجه ویژه ای به مقوله اقتصاد دارد، اقتصاد اسلامی به عنوان اقتصادی دانش مدار و پویا، توان بالقوه ای برای پیشرفت در بین مسلمین و جهان به شمار می آید. تجربه چهار قرن نخستین تمدن اسلامی نشان می دهد که اسلام افزون بر این که طرفدار رشد و تمدن است توانایی این کار را هم دارد به طوری که ویل دورانت می گوید: « تمدنی شگفت انگیزتر از تمدن اسلامی وجود ندارد، اگر اسلام طرفدار ثبات و جمود و یک نواختی می بود باید جامعه را در همان حد اول جامعه عرب نگاه می داشت. » در زمان کنونی نیز بخش هایی از اقتصاد اسلامی به صورت

ص: 59

1- کلینی، ج 5، ص 88-87

2- همان، ص 88-87

بالفعل در جهان واقع تحقق پیدا کرده است، اولاً از نظر تاریخی در صدر اسلام، در زمان پیامبر و جانشینان او، جهان با تجربه اقتصادی اسلام مواجه است که تجربه موفق بوده است؛ علاوه بر این، بخش هایی از اقتصاد اسلامی در حال حاضر در کشورهای مختلف اجرا می شود؛ مثلاً در بعضی از کشورها حدود پنجاه سال تجربه بانکداری اسلامی وجود دارد که از جهت نظری خوب رشد کرده است و از جهت عملی هم موفقیت خود را اثبات کرده است. صندوق بین المللی پول در مجله رسمی اش به موفقیت این نوع بانکداری اشاره کرده است و به کشورهای سرمایه داری توصیه کرده است که از این نوع بانکداری استفاده کنند.

اقتصاد اسلامی بر سه اصل مهم استوار است و به کمک همین اصول از اقتصاد سرمایه داری و سوسیالیستی متمایز می گردد: الف: اعتقاد به مالکیت خصوصی و عمومی: بر خلاف نظام اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیستی در اسلام انواع مختلف مالکیت همزمان و با هم قابل قبول است. زیرا از دیدگاه اسلام مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی قابل پذیرش و معتبر است. نظریه اقتصادی اسلام از زیربنای فکری و عقیدتی این مکتب سرچشمه می گیرد. ب: آزادی اقتصادی در محدوده ای مشخص: آزادی اقتصادی از نظر اسلام در چهارچوب ارزشهای اخلاقی و معنوی محترم است لذا اسلام مانند نظام اشتراکی آزادی را نفی نمی کند و مانند نظام سرمایه داری آن را نامحدود نمی داند. بلکه به مردم اجازه می دهد تا در راستای آرمان های بلند الهی از آزادی اقتصادی به عنوان وسیله ای برای پیشرفت و تکامل استفاده کنند. ج: عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی از نظر اقتصاد اسلامی با تامین زندگی متوسط اجتماعی برای فقرا و جلوگیری از انباشته شدن بیش از حد ثروت در دست اغنیاء تحقق می یابد. نظام توزیع ثروت در اسلام به نحوی پی ریزی شده است که قادر است عدالت اجتماعی را در جامعه پیاده نماید. در یک

نگاه جامع تر می توان اقتصاد اسلامی را اقتصادی واقع گرا، اخلاق گرا و دانش مدار دانست. (1) بحث و بررسی پیرامون موارد مزبور در همین کتاب مطرح شده است.

آری ای عزیز بزرگوار، اقتصاد اسلامی، برخاسته از آموزه های خاصی است که از سرچشمه وحی الهی نشأت گرفته است و معیار اصلی و محور اساسی آن را عدالت تشکیل می دهد؛ چنان که شهید صدر می گوید: اقتصاد اسلامی نمایانگر عدالت اسلامی و ارائه دهنده روشی عادلانه جهت تنظیم زندگی اقتصادی است. (2) اسلام برای تحقق این هدف والا- برنامه های خود را از درون روح و جان انسان ها آغاز کرده و با اولین اصل از اصول اعتقادی و اخلاقی نو خود توانسته است، خودپرستی و حب نفسی را که سرچشمه همه ظلمت ها و تجاوزهاست به خداپرستی مبدل سازد. مسلماً کسی که خدا را معبود خود ساخت و بندگان خدا را مخلوق او دانست و لطف و عنایت حق را نسبت به آفریدگانش دید، خود را متخلق به اخلاق الهی نموده از هرگونه ظلم و تعدی نسبت به حقوق آنها اجتناب خواهد ورزید و در راه خدمت به آنان گام بر خواهد داشت.

اصل توحید در جهان بینی الهی به انسان می آموزد که انسان ها مخلوق یک آفریدگارند و همه با هم برابر و از یک حقوق برخوردارند و به همین جهت، جایی برای استعمار و استثمار نخواهد ماند. از دیدگاه قرآن کریم، تمامی کاینات از جمله انسان، منابع، و ابزارهای تولید مخلوق خداوند علیم و حکیم هستند. همچنین هرگونه فعالیتی از جمله فعالیت های تولیدی و فرایند شکل گیری آن نیز مخلوق خداوند می باشد و مستقل از اراده او جلّ و علی نمی تواند تحقق یابد. قرآن کریم اصرار دارد به انسان بیاموزد و به این نکته توجه دهد که از عوامل زمینه ساز گرفته تا عوامل مباشر در تولید، همه مخلوق اویند: «رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ» (3) پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی آورد تا از نعمت او بهره مند شوید. «سَخَّرَ لَكُمْ

ص: 61

1- اقتصاد اسلامی، بر مبنای دانش، محمد روحانی مقدم و مریم آقایی

2- المدرسه الاسلامیه، پیشین، صص 151-179.

3- اسراء: 66

ما فی السموات و الارض جمعاً منه»(1) او آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، همه را از سوی خود مسخر شما ساخته. «والله خلقکم و ما تعملون»(2) و خداوند، هم شما را آفرید و هم آنچه را می سازید.

هرچند انسان با اراده خود کار می کند، ولی اراده خداوند نیز به آن تعلق گرفته است؛ او نمی تواند مستقل و بی نیاز از خداوند متعال منشأ اثر باشد و بنابراین، فعالیت های او مستند به خداوند متعال هستند. «توحید» نه تنها در «تولید» تجلی می کند، که قرآن کریم در «توزیع» نیز می گوید: «لله مقالید السموات و الارض یسط الرزق لمن یشاء و یقدر، انه بکل شیء علیم»(3) کلیدهای

آسمان ها و زمین از آن اوست. روزی را برای هر که بخواهد گسترش می دهد یا محدود می سازد. او به همه چیز داناست. بر این اساس، تسهیم محصول ملی بین افراد جامعه نیز نمی تواند مستقل از خواست الهی تحقق پذیرد. موحدان در عرصه فعالیت های اقتصادی همواره دستی غیبی احساس می کنند که هدایتگر فعالیت ها و رخدادهای اقتصادی است؛ همانند آنچه آدام اسمیت تحت عنوان «دست نامرئی» مطرح می کرد، اما تفاوت بین این دو بسیار است. بر اساس بینش توحیدی، مردم در سخت ترین شرایط اقتصادی، دچار یأس نمی شوند و در بهترین شرایط اقتصادی، از یاد خدا و اطاعت و عبودیت او غافل نمی گردند؛ زیرا مؤثر حقیقی را خداوند متعال می دانند. در زمان رکود یا بحران، چشم امید به رحمت و وسعت او و گشایش در امور دارند و در هنگام رونق، احساس بی نیازی نکرده، طغیان نمی کنند؛ چرا که اگر او نخواهد، فراوانی محصول دوام نخواهد یافت. آری ای عزیز بزرگوار:

اقتصاد و رونقش در هر مکان * از اصول حق کمک خواهد بدان

ص: 62

1- جاثیه: 13

2- صافات: 96

3- شوری: 12

در مسیر اقتصاد و غیر آن * از خدا خواهد کمک روح و روان

پس نما گوش ای عزیز من چنان * آنچه را فطرت همی گوید ز جان

داد خاموش درون بی هر گمان * از تو می خواهد خدا را هر زمان

ذره ذره گوشت و خون و پوست و جان * دادشان باشد خدای مهربان

گر دهی تو پاسخش را از نهان * می شوی شاد و همی دور از فغان

غیر از این پاسخ بود دردی گران * حزن و اندوهش بود فوق بیان

ظلم وافر می کند بر نفس و جان * آن که دور است از خداوند جهان

دان که ذکرش در قلوب و هم زبان * می کند غوغا به پا اندر روان

چون که با یاد خدا در هر مکان * می شوی آرام و شاد و پر توان

گر چه خواست فطرت پیر و جوان * بوده عشق خالق هفت آسمان

پس حقیر گوید به هر خرد و کلان * با خدا باش و خدایی شو چنان

اصل عدل که بیانگر عدالت خداوند است، عدالت را در تمام شؤون اجتماعی محور اصلی قرار می دهد و از بندگان خدا می خواهد که برای برقراری عدالت، تلاش و کوشش خود را به کار گیرند و از هر گونه ظلم و بی عدالتی در جامعه جلوگیری کنند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» (1) از اهم وظایف دولت اسلامی، می توان

ص: 63

اهتمام به برقراری عدالت را ذکر کرد. قرآن کریم به صراحت مأموریت یافتن پیامبر اکرم (ص)، بزرگ رهبر جامعه اسلامی، برای برقراری عدالت در بین مردم را در آیه 15 سوره مبارک «شوری» خاطرنشان ساخته است: «أَتَىٰ أَمْرٌ لِّأَعْدَلَ بَيْنَكُمْ»؛ من مأمورم در میان شما عدالت کنم (به عدل و داد رفتار کنم). (1) ترمیم کاستی ها و نارسایی های عملکرد بازار آزاد، ممانعت از اجحاف به عرضه کنندگان و تقاضاکنندگان کالاها و خدمات، تأمین اجتماعی، اتخاذ تدبیر صحیح و کارآمد برای گردش سالم پول در بخش حقیقی اقتصاد و وضع مقررات مالیاتی عادلانه، مصادیق شاخصی برای اجرای عدالت در

قلمرو اقتصاد توسط دولت اسلامی به شمار می آیند. معلوم است که اجرای عدالت، هم نیازمند وضع مقررات عادلانه متناسب با شرایط و مقتضیات است و هم نیازمند اجرای صحیح قوانین مزبور. در ادامه بصورت مستقل در خصوص نقش عدالت در ایجاد اقتصاد سالم بحث خواهد شد.

اصل نبوت نیز پیام آور آن است که یکی از اهداف مهم ارسال رسل و انزال کتب، ایجاد زمینه قسط و عدل در جهان است تا هر یک از انسان ها بتواند به سهم خود از نعمات الهی و برکات آن استفاده کند: «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (2) در خصوص نقش نبوت در ایجاد اقتصاد سالم در جای جای این کتاب مطالبی مطرح شده است. در ضمن مولف در یکی از جلد های مجموعه "فریاد خاموش درون" تحت عنوان "سالمترین پیام" بصورت مفصل در این خصوص بحث کرده است. مع الوصف ای عزیز بزرگوار:

دان پیامبر (ص) بوده اسوه بهرکل انس و جان * خلق وی در کسب و کار از بهترین است در جهان

آنچه فطرت طالب است باشد عجبین در خلق آن * داد خاموش درون دادش بود بی شک همان

ص: 64

1- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1364، ج 2، ص 387.

2- انبیاء/ 47.

گرسعادت خواهی و آرامشی فوق بیان* کن عمل بر خلق خاتم تا شود روح جوان

در امور اقتصادی و همه سرّ و عیان* یا که در تولید و کسب و کار و همّ دیگران

همچنین در کسب مال و ثروت با صد نشان* یا که آنچه کار نیک است و همی آرد امان

آنچه باشد ارزش و خواهد ز توروح و روان* بهر عقبایی که با آن توروی باغ جنان

لحظه لحظه گو تو بر خود در درون هر مکان* با همان لطف خدا بهرش نما کوشش چنان(1)

همّت راکن دو چندان در همه دور و زمان* تا روی از خود برون و زیر و رو گردد روان

وفق سنّت کن عمل ای جان من با هر توان* در فضایی که روان خواهان آن است بی گمان

خلق خوب در کسب و کار، خلق رسول(ص) باشد چنان* این همان داد درون است در زمین و آسمان

پس حقیر گوید در این دوران به هر خرد و کلان* خواست فطرت باشد آن خلق رسول(ص) مهربان

اصل امامت که از اصول اعتقادی و از ارکان مهم نظام اسلامی است، یکی از وظایف مهم امام و رهبر را در جامعه مبارزه با شکمبارگی و رفع محرومیت و فقرزدایی از ستمدیدگان و پابرهنگان و در یک کلمه ایجاد عدالت می داند. اصل «امامت در زمان حضور معصوم و ولایت مطلقه فقیه در زمان غیبت» ناظر به مسأله حکومت و رهبری در جامعه است. در جهت اصل «توحید»، که حق حاکمیت را از آن خداوند متعال می داند، افرادی که از جانب خالق هستی؛ مأذون به عهده داری امر حکومت هستند، مسؤولیت اجرای احکام ثابت الهی را از جانبی و تدبیر امور اجتماعی، از جمله سیاست گذاری ها و تنظیم امور اقتصادی در سطح کلان متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان را از

ص: 65

1- با توانی پر توان کوشش نما تو همچنان

جانبی دیگر، به عهده می گیرند و در این راستا به هر سوال و ابهامی پاسخ می دهند. پس ای اهل ولایت:

بشنو از معصوم جواب هر سوال * تا شوی فارغ ز انواع ملال

چون که واقف بوده اندر این جهان * بر همه سرّ و عیوب و هم کمال

هرچه می خواهی بپرس با هر بیان * از اصول و هم فروع با شور و حال

آنچه فطرت طالب است از عمق جان * بر تو گوید از حرام و هم حلال

کن سوال از آنچه بوده در نهان * از امور اقتصاد و هم عیال

می نماید راه حق بر تو عیان * تا روی در راه فطرت چون نهال

دان که حرف وی بود بی هر گمان * حرف خالق دون هر نوع قیل و قال

پس عزیزم گر تو خواهی یک نشان * تابع حق باش و گیر از آن مجال

راه عصمت باشد آن راه امان * غیر آن باشد سرابی تا شمال(1)

گر که تو خواهی روی سوی جنان * در عمل شورهر و تا گیری مدال

فطرت...التی خواهد چنان * راه قرآن و رسول بی هر جدال

ص: 66

1- سمت چپ ضد یمین و نیز به معنی شوم، نامبارک، بد یمین و به تعبیر قرآن بدکادان و دوزخیان که نامه عملشان به دست چپشان داده می شود "اصحاب شمال" (فرهنگ عمید ص 177 و 1321)

در چنین حالی به تو گوید همان * می روم راهی که هست راه جمال

احتکار و اختلاس و مثل آن * همچو رشوه یا ربا در هر مثال

آفت است بر اقتصاد اندر جهان * وفق حرف معصوم (ع) اندر این مقال

از گناه و معصیت با صد نشان * باز و می دارد تو را همچون پدال

گر روی در راه آن صاحب زمان * می شوی شاد و همی نیکو خصال

این حقیر گوید عزیز این را بدان * غیر راه حق کند جان را زوال

مردم نیز موظف به اطاعت از ولیّ امر مسلمین می باشند: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (1) اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را. همچنین حرکت در جهت سیاست ها و برنامه های دولت اسلامی و بذل مساعدت و همکاری های لازم، بخصوص پرداخت مالیات های مقرر، از دیگر وظایف آنان محسوب می شود: «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكّیهم بها» (2) از اموال آن ها صدقه ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آن ها را پاک سازی و پرورش دهی. در هر حال یکی از وظایف مهم امام و رهبر در جامعه همانطور که اشاره شد، مبارزه با شکمبارگی و رفع محرومیت از ستمدیدگان و در یک کلمه ایجاد عدالت است. از این رو، امیرالمؤمنین علی (ع) در بیان علت پذیرش حکومت می فرمایند: «... و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی كظه ظالم و لا سغب مظلوم، لالقیة حبلها علی غاربها» (3) یعنی: اگر نبود که خدای سبحان از علما پیمان گرفته است که در برابر سیری و پرخوری ستمگران و گرسنگی و محرومیت

ص: 67

1- نساء: 59

2- توبه: 103 - ر.ک: المیزان، ج 9، ص 377.

3- نهج البلاغه، خطبه شقشقیه.

محرومان ساکت نشینند، هر آینه ریسمان خلافت را برگردن و کوهان شتر خلافت می انداختم و از آن چشم می پوشیدم. مولف در یکی از جلد‌های مجموعه "فریاد خاموش درون" تحت عنوان "تنها راه سعادت در پرتو بهترین نوع ولایت و مدیریت" که در دهه 80 به چاپ رسیده، بصورت مفصل در این خصوص بحث کرده است. البته در زمان غیبت باید اینگونه زمزمه کرد:

چرا عدل و عدالت، بهر این سامان نمی آید * مگر منجی ی حق، از جانب یزدان نمی آید

چرا بازار عطّاران، ز رونق وانی نمی افتد * مگر بوی خوش یوسف، ز آن کاشان نمی آید

چرا آن اقتصاد خوب چو مجنون گشته است پنهان * مگر زیبا تر از مجنون، دل جانان نمی آید

چرا ساقی مرا خواند، به می و هم به میخانه * مگر آن دلبر خوبان، می مستان نمی آید

چرا پیراهن یوسف، شمیمی بر مشام دارد * مگر عطر رخ مهدی (عج)، ز آن کنعان نمی آید

چرا مطرب همی گوید، ز چنگ و نی و هم آهنگ * مگر آن نی نواز حق، در این دوران نمی آید

چرا تاریک و غمدار است، قلوب آدمی هر دم * مگر نور خداوندی، مه تابان نمی آید

چرا مشق شب سردم، ندای حجت حق است * مگر گرمای آن یارم، در این داستان نمی آید

چرا عشق درون اینک، خموش و بی فروغ باشد * مگر شور و شعف دائم، ز آن شعبان نمی آید

چرا عیبم کند غافل، به جرم انتظار دائم * مگر روزی در این عالم، شه شاهان نمی آید

چرا آن غیر بیگانه، درون من کند خانه * مگر لطف خداوندی، به آن یاران نمی آید

چرا این انقلاب بی شک، پیام و حرف مولا است * مگر حرف خمینی ها، ز آن کاروان نمی آید

چرا مستکبران هر دم، دهند پیغام ویرانی * مگر این باغبان هرگز سوی ریحان نمی آید (1)

چرا آن اقتصاد خوب شده معیوب و پرنیرنگ * مگر فریاد پاکی ها، چنان باران نمی آید

چرا در پرده باشد گوهر و دردانه زهرا(س) * مگر محبوب قلب ما، ز آن پنهان نمی آید

چرا جاهل کند تکفیر، چو من دیوانه اش هستم * مگر دیوانه کویش، به آن میدان نمی آید

چرا دست پلید و زشت، بود اسرائیل ملعون * مگر روح مسیحایی، به جسم و جان نمی آید

چرا محروم و محرومین همی محروم تر از قبل اند * مگر فریاد دادخواهی، ز مظلومان نمی آید

چرا ذات سکولاریسم، همه پوچ است و دنیایی * مگر معنا ترین معنا، ز آن بوستان نمی آید

چرا افکار لیبرال، نوای گرم شیطانی است * مگر جان جهان، روزی ز نخلستان نمی آید

چرا غرب و همان شیطان، جهان داری بود دادش * مگر اوج جهانداری، به این کیهان نمی آید

چرا ایسم ها همی گویند که کسب و کار فقط مادّیست * مگر فریاد فطرتها، ز آن قرآن نمی آید

چرا داد خموش من، بود یک اقتصاد نیک * مگر آن اقتصاد نیک، ز آن انسان نمی آید

چرا پیغام هر مرسل، نوید عدل و هم داداست * مگر آن دادگر خوبان، چنان لقمان نمی آید

چرا عشق شهید حق، تنفر از همه ظلم است * مگر ظلم و ستم آخر، به قبرستان نمی آید

چرا شوق حقیر هر دم، امید دیدن یار است * مگر این انتظار روزی، ز حق پایان نمی آید

ص: 69

همچنین اصل معاد و باور به عالم برزخ و قیامت و بازپس دادن حساب، به انسان این وسعت دید و دوراندیشی را می دهد که زندگانی خود را منحصر در این چند روز دنیا نکند و در ورای این عالم زودگذر، حیات جاویدان و ابدی خود را ببیند و برای آسایش خود در آن جهان، زاد و توشه مورد نیاز را فراهم کند؛ در نتیجه از بسیاری ظلم ها و کوتاه نظری هایی که انسان های مادی دارند و سرانجام آنها را به تباهی و زیان می کشاند، محفوظ بماند. (1) «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ» (2) یعنی: در قیامت میزان سنجش را قرار خواهیم داد که امور را بر اساس قسط و عدل بسنجد و کسی مورد ظلم قرار نخواهد گرفت و اگر عملی به اندازه خردلی هم باشد آن را به حساب آورده، مورد محاسبه قرار خواهیم داد. در ادامه در خصوص نقش ایمان به آخرت در اقتصاد سالم به عنوان یک موضوع مستقل مطالبی مطرح خواهد شد. در ضمن مولف در یکی از جلد های مجموعه "فریاد خاموش درون" تحت عنوان "مفصل نهایی بشر" بصورت مفصل در این خصوص بحث کرده است. ترجمه سوره زلزله بصورت منظوم تقدیم حضور می گردد:

1- گرزمین، لرزد به لرزه در نهان * 2- می کند، بیرون همه سر و عیان

3- آدمی گوید، چه شد بر این زمین * 4- از درون خویش، خبر آرد ببین

5- ربّ تو، الهام کند، بر او یقین * 6- در همان روزی، که مردم اینچنین

می روند بیرون، ز قبر و گور خویش * تا شود روشن، همه اعمال پیش

7- هر که کرده، ذره ای کار درست * نیک و می بیند، همه خرد و درشت

ص: 70

1- نظام اقتصادی اسلامی در عصر پیامبر، ص 75.

2- انبیاء/ 47.

2) اهمیت اقتصاد سالم در جامعه:

اقتصاد خوب و سالم می شود همچون ستون * بهر حفظ این ستون باشد عزیز صدها فنون

گرکنی هریک رعایت می شوی دوراز جنون * چون قوام زندگی با آن شود محکم کنون

بنابر مضمون و مفهوم رباعی مذکور مهم ترین عاملی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می دارد، اقتصاد سالم است که خداوند آن را مایه قوام جامعه قرار داده است. قرآن کریم با صراحت، دعوت خود را دعوت به سوی احیا (زنده کردن) اعلام می کند: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَّ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یَحِیْیْکُمْ» (1) ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد... علاوه بر آیات متعدد از جمله آیه مزبور که بر هدایت انسان به صورت کلی تأکید دارند، در آیات بسیاری نیز رهنمودهای جزئی و مشخص در مسائل گوناگون اقتصادی موجود می باشد که بر اهمیت اقتصاد سالم در جامعه تأکید دارند: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (2) خدا بیع را حلال کرده است و ربا را حرام. «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (3) به پیمان ها (و قراردادهای) وفا کنید. «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْکُمْ.» (4) ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این که تجارتي با رضایت شما انجام گیرد. «أَوْفُوا الْکَیْلَ

ص: 71

1- انفال: 26

2- بقره: 275

3- مائده: 1

4- نساء: 29

اذا کلتم و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیرٌ و احسنُ تأویلاً» (1) و هنگامی که پیمانہ می کنید، حق پیمانہ را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است. ...

آری ای عزیز بزرگوار در حدود نهمصد آیه از قرآن، مباحث و مسائل اقتصادی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مطرح نموده است. در قرآن، اهداف اقتصادی (مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره) مبانی اقتصاد (پایان ناپذیری منابع)، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان، و اصالت آخرت، اصول اقتصادی (میانه روی تعاون، همراهی اقتصاد با ارزش های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره) و نیز نظریه پردازی اقتصادی (تأثیر امور معنوی در رشد اقتصادی و غیره) مطرح شده است. (2) مسائل اقتصادی علاوه بر قرآن در تمام عصرها و در میان همه نسل ها مطرح بوده و مورد توجه ادیان آسمانی قرار گرفته است. اسلام با مسائل اقتصادی دو نوع رابطه دارد:

1. پیوند مستقیم: همانند پیوندی که با عقود و معاملات شرعی دارد، بدین بیان که انواع تجارت بازرگانی را آزاد گذاشته و در مورد قراردادها و عقدهایی چون شرکت، اجاره، جعاله، رهن، مساقات، کفارات، دیات، موقوفات احکام مستقلی جعل کرده است. و همچنین در مورد منابع طبیعی، احیای اراضی، حیات، منابع آبی، زراعی و دامی بطور مستقیم و بدون واسطه نظر داده و مسائل مربوط به هر کدام را عنوان نموده است.

2. پیوند غیر مستقیم: پیوند غیر مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است، مکتب اسلام مردم را به امانت، عفت، عدالت، احسان و ایثار فرا می خواند و از خیانت، رشوه خواری، غصب و سرقت بر حذر می دارد.

روابط اقتصادی جوامع ناشی از دو مقوله تولید و توزیع است؛ یعنی از یک جهت ثروت باید تولید شود و در تولید، روابطی چون استخدام، اشتراک در کار و سرمایه، کار و کارگر مطرح می شود. از سوی دیگر ثروت تولید شده باید در میان افراد توزیع شود. اهمیت مسائل

ص: 72

1- اسراء: 35

2- رضایی، 1390: 11

اقتصادی تنها از این نظر نیست که تأمین آزادی و استقلال و حیات مادی امت ها، بدون آن امکان ندارد، بلکه از این نظر نیز هست که پیوند نزدیکی با مسائل زیربنائی جامعه حتی با مسائل «اخلاقی» دارد. نه فقط آنها که با دید یک بعدی شان، اقتصاد را همه چیز و همه چیز را اقتصاد می بینند، در اشتباهند، آنها هم که نقش حساس مسائل اقتصادی را در سرنوشت ملت ها، در حیات و مرگشان، و در پیروزی و شکستشان نادیده می گیرند نیز سخت در اشتباهند. نقش ثروت در زندگی فردی و اجتماعی، همچون نقش آب در زندگی جانداران است؛ یعنی همچنان که زندگی جانداران بدون آب ممکن نیست و حیات همه موجودات زنده به آن بسته است، در زندگی فردی و اجتماعی نیز حیات افراد به مال و ثروت بستگی دارد و بدون آن، ادامه حیات ممکن نیست.

به بیانی جریان یک اقتصاد سالم در پیکر اجتماع همچون جریان خون سالم در کالبد یک انسان است. این ساده ترین و در عین حال گویاترین تفسیری است که می توان برای بیان نقش اقتصاد در جوامع انسانی ذکر کرد. ممکن است در حال عادی توجه به نقش گردش خون، در حیات یک انسان نداشته باشی، اما به هنگامی که مجرای یکی از شاهرگها به خاطر اختلال سیستم ضد انعقاد، با لخته ای خون بسته می شود؛ بلافاصله عکس العمل شدید آن ظاهر می گردد، عضوی که مجرای خونس بسته شده فوراً فلج می شود، و اگر این عضو از اعضای فعالی همانند «قلب» یا «مغز» باشد، مرگ ناگهانی را حتماً با خود همراه داشت. حتی «فقر اقتصادی» عوارضی در پیکر اجتماع درست همانند «کم خونی» و «فقر الدم» همراه دارد. در بیماری فقرالدم چشم درست نمی بیند، گوش قدرت شنوائی را از دست می دهد، زبان به لکنت می افتد، دست و پاها می لرزد، و مغز هم قدرت اندیشیدن را ندارد.

یک اجتماع که با فقر اقتصادی، یا یک سیستم ناسالم، دست به گریبان است، هر گونه توانائی و مهارت را از دست می دهد، و گرفتار نارسائی های مرگباری در همه زمینه ها می شود. نیز همچنان که جریان یافتن خون در بدن، موجب حیات همه بافت های بدن شده، جسم انسان را شاداب نگه می دارد، جریان داشتن پول، ثروت و مواهب طبیعی در

رگ های اجتماع، موجب زنده ماندن همه طبقات اجتماع و شاداب ماندن جامعه انسانی می شود. از همین روی، قرآن کریم ثروت را عامل پایایی و قیام فرد و جامعه می داند: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...: اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید...»⁽¹⁾ در واقع، از آن روی که مال سبب قیام و استقلال است، آن را بنا بر اطلاق مسبب بر سبب برای مبالغه به قیام نامیده است.⁽²⁾

پس یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم، سگان هدایت جامعه را در دست می گیرد، اقتصاد آن کشور است و هر گونه قدم برداشتن برای اصلاح و بهبود آن می تواند به منزله گام هایی در جهت تعالی دیگر بخش های جامعه و رفاه حال عمومی و فعالیت در اعتلای پایه نظام و کشور باشد. در نظام اقتصاد اسلامی، تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و نیز رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است. استقلال اقتصادی و شکوفایی آن را می توان از آیات قرآن دریافت. از اطلاق برخی آیات و لازمه برخی دیگر، لزوم استقلال و شکوفایی آن فهمیده می شود؛ برای مثال می فرماید: «...وَلَكِنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است»⁽³⁾ که غالب فقهای بزرگ اسلام، برای نفی هر گونه سلطه کافران بر مسلمانان بدین آیه استناد کرده اند و مفاد آن را محکم دانسته اند؛ یعنی مسلمانان می باید کاری کنند که کفار به آنان مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه کفار شود، نامشروع است و از جمله راه های سلطه کفار بر مؤمنین، سلطه اقتصادی است. متأسفانه در این روزگار سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته است و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان و مهجور گزاردن قرآن می باشد. مطابق مستفاد این آیه، مؤمنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی ها، از جمله وابستگی اقتصادی، رهایی دهند. در آیه دیگری آمده است: «وَلَا تَهِنُوا

ص: 74

1- نساء/5

2- ر.ک؛ حقی بروسوی، 1421ق.، ج 2: 202

3- نساء/ 141

وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: اگر مؤمن هستید، سُستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید»(1) از این آیه استفاده می شود که از لوازم ایمان، بی نیازی اقتصادی از کفار و خودکفایی مسلمین است؛ زیرا نیاز همیشه ملازم با ذلت و اسارت است و امتی که بخوهد عزیز و سربلند زندگی کند، باید خود را از یوغ کفار آزاد کند.

همچنین خداوند می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسَّةٌ تَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجَبُ الزَّرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا: محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی، در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را خواهانند. نشانه آنها در چهره ایشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آنان در تورات و انجیل هست، همانند کشته ای که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که کشاورزان را به شگفتی وامی دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد (، ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و پاداش بزرگی داده است»(2)

در این آیه مبارک، در توصیف امت اسلام، با جمله (فَاسَّةٌ تَغْلُظُ فَاسَّةٌ تَوَى عَلَى سَوْقِهِ) روبه رو می شوی. مسلماً تا چنین هدفی در عملیات اقتصادی منظور نگردد و مسلمانان خود را از دنباله روی کردن خلاص نکنند، نه تنها در اقتصاد، پیوسته شکست می خورند، بلکه در اخلاق و فرهنگ که منشأ هر گونه شکست مادی و معنوی دیگر است، شاهد سقوط قطعی خود خواهند بود. از این رو، مسلمین باید اقتصادی خودکفا و غیر متکی به غیر

ص: 75

1- آل عمران/139

2- فتح/29

داشته باشند. (1) در سوره انفال نیز آمده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسَّ تَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ

اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ: و هر چه در توان دارید، از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما آنان را نمی شناسید و [تنها] خدا آنان را می شناسد - بترسانید، و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت» (2)

«قوه» در برخی روایات به «شمشیر، سپر و تیر» معنی شده است. (3) ولی «قوه» کلمه کوچک و پرمعنایی است و نه تنها وسایل جنگی و سلاح های مدرن هر عصری را در بر می گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی» (4) از قدرت های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... که در مفهوم «قوه» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارند، نباید غفلت کرد. بنابراین، نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت بسزایی برخوردار است، به ویژه در جنگ های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ، در سرنوشت آن نقش بسزایی دارد.

3) اهداف نظام اقتصادی در اسلام:

دان که اهداف نظام اقتصادی بی گمان * با اصول اعتقادی می شود حاصل همان

رشدانسان در مسیر فطرت و روح و روان * از هدفهای اساسی بوده است در هر زمان

ص: 76

1- ر.ک؛ موسوی اصفهانی، 1368: 137

2- انفال/60

3- ر.ک؛ عیاشی، 1421ق.، ج 2: 204، 1754 و 1755

4- ر.ک؛ مکارم شیرازی، 1374، ج 7: 222

از جمله اهداف مهم و اساسی در نظام اقتصادی سالم؛ وفق مصرع سوم رباعی مزبور رشد همه جانبه انسان در مسیر فطرت و روح و روان برای رسیدن به آنچه فریاد خاموش درویش در تمام اعصار به دنبال بوده است؛ می باشد. توضیح اینکه اهداف اقتصاد اسلامی، مقاصدی هستند که نظام اقتصادی اسلام با مبانی، الگوها و ساختار خاص خود، برای دستیابی به آنها سامان داده است. هدف عالی یا اصلی نظام اقتصاد اسلامی در سطح کلان افزایش ثروت جامعه و به تبع آن ثروت افراد جامعه و "رفاه عمومی" در چارچوب تعالیم دینی است. در این موضوع که افزایش ثروت و رفاه هدف همه نظام های اقتصادی است تردیدی نیست. البته ابزار تحقق این هدف علم و تکنیک های اقتصادی است. تفاوت نظام ها در امور اقتصادی به هدف غائی آنها مربوط می شود. هدف غائی هم در چارچوب مکتب اقتصادی تعیین می گردد. همه مکاتب هم علاوه بر هدف اصلی افزایش رفاه، هدف غایی دارند. حتی مکاتب مادی برخلاف آنچه تصور می شود اقتصاد را وسیله ای برای توسعه و سلطه اندیشه های خود در سطح جهان قرار می دهند. شهید آیت ا... محمد باقر صدر در توضیح هدف اقتصاد و این که چرا تولید می کنیم، می گوید: اختلاف بین مکاتب یکی هدف نهایی افزایش ثروت و دیگری نقش آن در حیات جامعه است. بنا بر این هرکدام از سیستم های اجتماعی به دو سؤال، چرا تولید می کنیم و نقش ثروت چیست، طبق مبانی خاص پاسخ می گویند. از این رو در بررسی مکتب اقتصادی اسلام یا هر سیستم دیگر، تنها درک اصل رشد و افزایش ثروت کافی نیست بلکه باید مفهوم و هدف از افزایش قدرت مادی را نیز دریافت. برای تبیین مبانی فکری و نظری رشد بایستی مکتب اقتصاد را نه به عنوان یک موضوع مجزا و مطلق بلکه به عنوان جزئی از کل یک تمدن و سیستم بزرگ در نظر بگیریم. (1)

مسئلاً اهداف مورد نظر اسلام ناب محمدی(ص) از جهان بینی حاکم بر اقتصاد اسلامی به طور غیر مستقیم نتیجه گیری می شود. این اهداف از سویی، در مسیر هدف غایی انسان و از طرفی متناسب با اهداف سایر نظام های اسلامی قابل تعریف است. در

ص: 77

اسلام، مباحث اقتصادی با مباحث اعتقادی، سیاسی و اخلاقی درهم آمیخته و الگوی رفتاری روابط اقتصادی، بر اساس آنها تعریف می شود؛ به گونه ای که جدانگاری نظام اقتصادی اسلام، از نظام های دیگر موجب فهم نادرست آن می گردد. در زمینه اهداف نظام اقتصادی اسلام، اظهار نظرهای متفاوتی شده است. برخی صاحب نظران، اهداف نظام اقتصادی اسلام را در هفت چیز خلاصه نموده اند: 1- حاکمیت سیاسی اسلام؛ 2- تحکیم ارزش های معنوی و اخلاقی؛ 3- عدم وابستگی اقتصادی؛ 4- برپایی عدالت اجتماعی؛ 5- خودکفایی و اقتدار اقتصادی؛ 6- توسعه و رشد؛ 7- رفاه عمومی. (1) بعضی دیگر این اهداف را در دو محور قرارداده اند که عبارتند از: 1- عدالت اقتصادی (نسبت به درون جامعه اسلامی) 2- قدرت اقتصادی (نسبت به بیرون جامعه اسلامی) (2) بر طبق بیانات امام خمینی رحمه الله اهداف نظام اقتصادی اسلام در پنج محور قرار می گیرد:

1- اعتلای معنوی انسانها؛ 2- استقلال اقتصادی؛ 3- عدالت اقتصادی؛ 4- رفاه عمومی؛ 5- رشد اقتصادی. (3) بر اساس محورهای پنج گانه یاد شده، اهداف نظام اقتصادی در اسلام را می توان در دو بخش خلاصه کرد:

الف - تقویت و تحکیم ارزش های والای الهی و انسانی؛

ب - ایجاد و تثبیت بنیان های اقتصادی.

از آنجا که در فرهنگ و بینش اسلامی، کمال و اعتلای معنوی انسان ها، اصل اساسی است نه تنها ثروت و دارایی، بلکه حتی جان نیز وسیله و ابزاری است برای راهیابی انسان به سوی قله کمال که همان سیر الی الله باشد: «إِنَّ اللَّهَ تَرَى مِنْ أَلَمِّهِ وَءَمْنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ» (4) در این مسیر است که مال وسیله تقرب الی الله و سلام و درود بر رسول الله می گردد: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ

ص: 78

1- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص 193

2- مهدی هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصاد اسلامی، ص 55

3- سید حسین میر معزی، ترسیم نظام اقتصادی اسلام بر اساس مکتب اقتصادی آن، نامه مفید، ش 14، ص 189.

4- توبه/ 111.

صَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا - إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (1) یعنی: گروهی از اعراب، به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را که انفاق می کنند برای نزدیک شدن به خدا و برای دعای پیامبر هزینه می کنند. بدانید که همین سبب نزدیکیشان به خدا خواهد شد و خدا به رحمت خویش داخلشان خواهد کرد؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. نیز در این میدان است که مال وسیله تزکیه و پاکی روح و جان انسان می شود و انسان را به مرتبه ای از کمال می رساند که پیامبر خدا مأمور فرستادن درود و صلوات بر او می گردد و بدین وسیله انسان به آرامش و سکونی که نیاز مبرم حیات اوست می رسد. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (2) یعنی: از اموال آنها صدقه بگیر، تا آنان را پاک و منزّه سازی و برایشان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامش آنهاست و خدا شنوا و داناست. در راستای این باور، اسلام برای توزیع عادلانه ثروت به جای متوسل شدن به زور و سلب مالکیت افراد، با پیوند دادن مسائل اقتصادی با مسائل اعتقادی و بالابردن سطح ایمان و اخلاق در جامعه اسلامی، تمامی روابط اقتصادی، اجتماعی مخصوصاً روابط توزیعی را مربوط به خود انسان ها می داند و او را مسؤل آنها می شمارد. از این رو، می بینیم که در اسلام پیوند بین اقتصاد و باورهای اعتقادی به اندازه ای قوی است که تفکیک بین آنها در بعضی موارد امکان پذیر نیست؛ به عنوان مثال، هرچند بعضی از واجبات مالی مانند خمس و زکات و بعضی از انفاقات، بظاهر در زمره مباحث اقتصادی قرار می گیرند، ولی در واقع، جزء مسائل عبادی به شمار می آیند و به همین جهت قصد قربت، شرط اولیه برای قبولی آنهاست.

اسلام، با باور داشتن انسان و ارزش نهادن به او زمینه تکامل و رشد و ترقی اش را در تمام بخش ها از جمله اقتصاد فراهم ساخته است، تا جایی که آزادی مانعی بر سر راه مال او نشود و او را از مسیر اصلی و هدف نهایی باز ندارد. اسلام، اقتصاد را ابزاری برای ارتقای

ص: 79

1- همان/ 99.

2- همان/ 103

معنوی انسان قرار داده است و دستیابی به کمال نیز جز با اراده و اختیار خود او میسر نیست. از این رو، در بعد اقتصادی نیز اگر انسان آزادی و اختیار نداشته باشد، بخش عظیم و وسیعی از سرمایه ها و امکانات مادی که می تواند در راستای هدف متعالی انسان قرار بگیرد از دست خواهد رفت. آیات بسیاری در قرآن نسبت به میل افراطی به مال، سخت هشدار داده است مانند: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (1) «نَمَا أَمْوَالِكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (2) «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (3) در روایات اسلامی نیز آمده است: «فرزند آدم می گوید: مال من، مال من! ای آدم آیا مال تو جز آن چیزی است که خوردی و تباه کردی، پوشیدی و کهنه کردی، یا آن است که صدقه دادی و جاری و باقی اش ساختی؟» (4) «به خدا سوگند! از فقر بر شما بیم ندارم، بلکه می ترسم دنیا بر شما سایه گستر شود؛ آن گونه که بر پیشینیان شما شد و در طلب آن به جنگ برخیزید، همانسان که آنان برخاستند

و شما را هلاک کند، همانگونه که آنان را هلاک کرد.» (5) از سوی دیگر، اسلام بر ضرورت تلاش برای تأمین معاش تاکید کرده و از مال، به خیر تعبیر می کند، همچنین مردم را به تلاش برای کسب مال تشویق می نماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (6) امام کاظم علیه السلام به مصادف فرمودند: «صبح زود به سوی عزت خویش یعنی بازار روانه شو.» (7) امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «خداوند از پرخواهی و فراغت و بیکاری متنفر است» (8) در فعالیت های اقتصادی اسلام، به

ص: 80

1- تکاثر/ 2-1.

2- تغابن/ 15.

3- توبه/ 34.

4- ریاض الصالحین، ص 481.

5- مجموعه وژام، ج 1، ص 128.

6- نجم/ 39.

7- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 12، باب اول از ابواب مقدمات تجارت.

8- همان، باب 17، ح 1.

مال پاک اکتفا می شود، از بهره های ناپاک دوری جسته و این همه در سایه مراقبت نفسانی و درونی انجام می شود.

خلاصه و نتیجه اینکه حداکثر کردن رفاه عمومی از طریق رشد و توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت، در سایه عدالت و امنیت امکان پذیر خواهد بود. دستیابی به این هدف بزرگ و ارزشمند با ویژگی ها و موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده در پرتو برنامه ریزی های مناسب در چارچوب قواعد مکتب و با استفاده از تکنیک علم قابل احصاء خواهد بود. در راستای اهداف مزبور هرچند انقلاب اسلامی، انقلابی صرفاً اقتصادی نبوده و به هیچ وجه با نظریه هایی که از منظر اقتصادی به آن می نگرند - نظیر الگوهای لیبرالیستی، مارکسیستی - قابل تفسیر نمی باشد، در عین حال، آرمان های آن شامل ابعاد اقتصادی ذیل نیز هستند:

1. جلوگیری از غارت بیت المال توسط طاغوت و وابستگان آن؛

2. حفظ ذخایر زیرزمینی؛

3. تلاش در راه پیشرفت صنعتی کشور از طریق برنامه ریزی اقتصادی، استفاده از علوم و فنون، تربیت افراد ماهر و...؛

4. استقلال و خودکفایی اقتصادی؛

5. تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی؛

6. پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه؛

7. ریشه کن کردن فقر و محرومیت؛

8. تأمین نیازهای اساسی، شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده؛

9. تأمین شرایط برای اشتغال کامل؛

10. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در اداره کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛
11. عدم اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛
12. منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا؛
13. منع اسراف و تبذیر؛
14. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛
15. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛
16. عدالت اقتصادی و کم کردن فاصله طبقاتی؛
17. رسیدگی به روستاهای کشور و محرومیت زدایی از آن‌ها.

4) چگونگی نقش حکومت در تحقق اقتصاد سالم:

دان که نقش دولت و ارکان آن در اقتصاد * بوده کارساز گر کنند بر آن همیشه اعتماد رونق تولید و کسب و کار و خواست هر روان * با نظارت‌های دولت می شوند هم امتداد

مضمون و مفهوم رباعی مزبور بیانگر این است که در مسیر تحقق اقتصاد سالم نقش حکومت خیلی مهم و کارساز بوده است به شرط آنکه وفق مبانی فلسفی و اعتقادی که توسط خالق عالم هستی ترسیم و به وسیله ائمه معصومین (ع) تبیین و تشریح شده عمل نماید. چرا که رونق تولید و کسب و کار و آنچه فطرت و فریاد خاموش درون به دنبال آن است با نظارت‌های صحیح و اصولی دولت محقق خواهد شد. توضیح اینکه یکی از مسائل مهم که مکاتب مختلف اقتصادی در قالب ایسم‌های مختلف از جمله لیبرالیسم و سوسیالیسم به آن پرداخته‌اند، نقش دولت در اقتصاد است. در حالت حداکثری، اندیشه‌های اقتصادی نقش برنامه ریزی و مدیریت متمرکز اقتصاد را برای دولت قائل شده‌اند؛ در حالت حداقلی نیز دولت باید از اقتصاد خارج شده و هیچگونه دخالتی در امور اقتصادی

نداشته باشد. به تناسب وظایف دولت در اقتصاد، هزینه‌ها و درآمدهایی نیز برای دولت‌ها وجود دارد که بایستی به بهترین شکل مدیریت شود تا دولت و اقتصاد را به اهداف خود برساند. توضیح اینکه در دنیای امروز که ابزار تولید و توزیع پیشرفت کرده، روابط اقتصادی به شدت پیچیده شده است و هر کشور و حکومتی برای بهبود وضع اقتصادی خود تلاش می‌کند، به طوری که هر روز عرصه را برای رقیبان خود تنگ‌تر می‌سازد و اهمیت این امر وقتی مشخص می‌شود که تأثیرهای اقتصاد بر سیاست و فرهنگ مشاهده شود. در جامعه جهانی امروز حکومت و کشوری که اقتصاد آن ضعیف باشد، ناچار در مواردی مجبور است زیر بار تهاجم سیاسی و فرهنگی صاحبان اقتصاد باشد. در این مورد، حکومت‌هایی که اقتصاد ضعیف دارند، دو کار اساسی باید انجام دهند و آن، تقویت تولید و استحکام بنیه‌های اقتصادی و نیز مقاومت در برابر فشارهای سیاسی و فرهنگی رقیبان برای حفظ هویت خود است. در این راستا اقتصاد سالم و عدالت زمانی تحقق می‌یابد که وسیله و ابزار آن یعنی حکومت عدالت شکل گیرد. در اندیشه دینی و در منطق نبوی، حکومت، فی‌نفسه هیچ ارزش و اعتباری ندارد. از لنگه کفش پاره بی ارزش نیز بی ارزش‌تر است، مگر آن که به وسیله آن حقی برپا گردد یا باطلی زدوده شود. تلاش و مبارزه حق در تشکیل حکومت برای کسب قدرت و رسیدن به مکتب نیست.

آنان حکومت را برای آن می‌خواهند که دست چپا و لگران را به جان و مال مردمان قطع کنند و حیثیت و حرمت آدمیان را پاس دارند و با اصلاح امور و ایجاد امنیت همه جانبه راه رفتن به سوی کمال مطلق را هموار نمایند. حکومت در برپایی عدالت، مفهومی و رای آن دارد که در طول تاریخ داشته است. حکومت در نظر پیشوایان عدالت به مفهوم تسلط، تملک، تحکم بر خورداری حاکم یا طبقه حاکمه از امتیازات ویژه نیست، بلکه حکومت در مفهوم عدالتمند آن، خدمتگزاری مردمان، پاسداری از حقوق و حرمت آنان و امانتداری امور ایشان است چنان که پیام آور آزادی و عدالت، حضرت ختمی مرتبت فرمود: «سید القوم خادمهم» پیشوا و بزرگ قوم، خدمتگزار آنان است.

آن چه حکومت را ارزش می بخشید و بدانها جایگاه مردمی می دهد، عدالت است که حکومت با عدالت در مجرای درست قرار گیرد و خدمتگزار واقعی مردمان می شود و در قلب آنان جای می یابد. امکانات موجود در جامعه و بیت المال مسلمین هم مربوط به همه مسلمانان است و هیچ تبعیضی در آن پذیرفتنی نیست. پیامبر اعظم(ص) در تقسیم غنائم هم به شیوه ای کاملاً عادلانه رفتار می نمود و حتی حاضر نشد سهمی از آن را به زنان خود که خواستار آن بودند، بدهد و پس از اصرار آنان حالت کناره گیری به خود گرفت تا جایی که آیات سوره احزاب نازل شد و زنان پیامبر(ص) را بین پذیرش اصل برابری با دیگران یا جدا شدن از پیامبر(ص) مخیر ساخت. از دیگر مصداق عدالت مداری اسلام رعایت عدالت در تقسیم مسئولیتهای کلیدی جامعه است. برای تحقق این امر باید از انتصابهای سلیقه ای و غیر شایسته سالاری پرهیز شود. نظارت جدی بر امر مسئولان اعمال گردد تا از سوء استفاده و رانت خواریها و ویژه خواریها جلوگیری شود. رسول خدا(ص) می فرماید: به خدا سوگند ما کسی که متقاضی این کار باشد یا بر آن حرص بورزد به کار نمی گماریم ملاک شایستگی در اعطای مسئولیتها تقوا، ایمان، جهاد، علم و لیاقت در انجام امور است و مقام طلبان در آن جایگاهی ندارند.

مسئولیت های اصلی در ایجاد و تقویت مراکز پژوهشی علمی؛ پدید آوری مدیریت های توانمند اقتصادی؛ فراهم آوردن کار؛ تنظیم فعالیت های بازار؛ گسترش الگوی سالم مصرف و تنظیم نظام مالی بر دوش دولت است. در خصوص نظام مالی دولت معروض می دارد که نظام مالی از بانک، بورس، بیمه، صندوق های اعتباری و ضمانتی و نهادهای سیاستگذار و حاکمیتی در این حوزه تشکیل می شود. این نظام یکی از مهمترین نقش ها را در اقتصاد بر عهده دارد چرا که تعامل میان بازار پول و بازار کالا را در اقتصاد مدیریت می کند. هر چه این نظام هماهنگ تر کار کند و کارآمدتر باشد، منابع مالی به نحو بهتری به تولید و فضای حقیقی اقتصاد تخصیص یافته و در نتیجه، اقتصاد با سرعت بیشتری رو به جلو حرکت می کند.

همچنین دولت باید از رهگذر وضع و اجرای قانون های مناسب، نظارت دقیق بر کار بخش خصوصی، و دخالت مستقیم در موارد ضرور، زمینه مناسب برای رشد اقتصادی را فراهم سازد؛ همان گونه که مردم نیز وظیفه دارند در همه این موارد، یار و پشتیبان دولت باشند. در ضمن حدیثی طولانی از امام رضا علیه السلام به جمله ای نغز و پر محتوا برمی خوریم که در عین اختصار اهمیت رکن دولت را میرساند، ایشان می فرمایند: «...از گروه ها و ملت هایی که پایداری و زندگانی داشته اند، هیچ یک را نمی یابیم که کارگزار و پیشوایی نداشته باشد.»⁽¹⁾ توجه به دولت به مثابه یکی از ارکان عملی توسعه اقتصادی، به معنای نادیده گرفتن نقش مردم نیست؛ بلکه از بررسی متون دینی و روایی درباره پنج رکن دیگر توسعه، روشن می شود که اسلام، برای مردم، و به طور خاص «بخش خصوصی»، نقش اساسی در توسعه اقتصادی قائل است. در کنار این، اسلام بر آن است که تحقق اهداف رشد اقتصادی، از طریق شکوفایی استعدادهای فطری انسان و بروز توانمندی های درونی او حاصل می گردد. از این رو، اسلام همه فعالیت های اقتصادی مطلوب بخش خصوصی را به خود مردم واگذار کرده، مشروط به این که منجر به زیان هایی نشود که ناشی از انحصار این فعالیت ها در دست بخش خصوصی است.

در اینجا مناسب است اقتصاد آزاد و اقتصاد دولتی مورد ارزیابی قرار گیرد و چالشهایی که هر کدام از این نظام ها با آن روبرو شده اند به طور گذرا بررسی شود:

الف) اقتصاد آزاد: اقتصاد آزاد یا غیر متمرکز بر اصل آزادی افراد در فعالیتهای اقتصادی و محدود ساختن مداخله دولت در امور اقتصادی استوار است. در این نظام اقتصادی مالکیت خصوصی منابع طبیعی و کالاهای سرمایه ای پذیرفته شده و برای هر فرد آزادی اقتصادی وجود دارد. در نگرش افراطی به نظام اقتصادی آزاد، اعتقاد بر این بود که هر چه فعالیت های اقتصادی بیشتر به عهده بخش خصوصی و نظام طبیعی بازار باشد، اقتصاد شکوفاتر خواهد شد و نقش دولت را نقشی اخلاکگر می دانستند که جریان صحیح و طبیعی و سالم بازار را به هم می زند بنابراین فعالیت دولت باید به حداقل خود کاهش یابد.

ص: 85

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام: 2/100/1، علل الشرایع: 253/9، بحار الأنوار: 6/60/1 وج 23/32/2.

به عبارت دیگر مجموع فعالیت های اقتصادی در این نظام بر اساس عکس العمل های متقابل عرضه و تقاضا شکل گرفته و مکانیزم قیمت ها در بازار تعیین می گردد و نظام طبیعی بازار برنامه های مختلف اقتصادی را هماهنگ و تعدیل می کند و تنها وظیفه دولت این است که چارچوب حقوقی مشخص کند تا اینکه در قلمرو آن تمام افراد جامعه با آزادی به فعالیت پردازند و هیچ فردی نتواند آزادی دیگران را سلب کند. این دیدگاه افراطی نسبت به آزادی موجب شد تا نظام سرمایه داری و دولت های لیبرال کلاسیک اروپا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با بحرانها و نابسامانیهایی مواجه شوند.

این مشکلات و نابسامانیها عبارت بود از: 1. نابرابری شدید و غیرعادلانه در توزیع درآمد ملی و لزوم چاره اندیشی برای این وضع. در واقع این نابرابری یکی از علت های مهمی بود که دولت ها را وادار ساخت تا در برابر فعالیت های اقتصادی مردم بی توجه نباشند. 2. افراط در آزادی اقتصادی: که در حقیقت عامل سلب آزادی اقتصادی شد زیرا به جای اینکه بازار طبق الگوی رقابت کامل عمل کند بر عکس انحصارها و بنگاههای متمرکز شبه انحصاری پدیدار شدند که اراده خود را به دیگران تحمیل و از اعمال آزادی دیگران جلوگیری کردند این وضعیت موجب تدوین و تصویب قوانینی گردید که براساس آنها دولت در مواردی اداره مستقیم فعالیتهای اقتصادی را بر عهده گرفت و یا درباره آنها نظارت شدید به عمل آورد بر این اساس دولت های رفاه شکل گرفت امروزه کالاهای عمومی (امنیت، فعالیتهای بهداشتی، آموزشی و ...) عوارض خارجی (محیط زیست و ...) توزیع درآمد، توسعه نیافتگی و ... از دلایل دخالت دولت در اقتصاد است. و به جرأت می توان ادعا کرد که تمامی اقتصاددانان از نقش دولت در اقتصاد حمایت می کنند اما بحث آنها در حد و اندازه دخالت دولت است. (1)

به بیانی اقتصاد آزاد و غیر انحصاری به نوبه خود مفاسدی دارد. «یکی از مشخصات نامطلوب اقتصاد آزاد نادیده گرفتن ارزشهای انسانی و توجه صرف به ثروت و سودجویی

ص: 86

است؛ این چنین شیوه ای اصولاً مورد قبول نوع دوستان نیست [زیرا] که هدف اقتصاد باید بهزیستی و رفاه افراد جامعه و در خدمت انسان باشد، در حالیکه اقتصاد آزاد به هیچ وجه قادر نیست خوشبختی و سعادت کل جامعه را تامین کند. [اقتصاد باید طوری باشد] که حیثیت مادی و معنوی عموم افراد مورد احترام قرار گیرد. (1) دولت در انجام مأموریت‌های خود، همواره منافع عمومی را در نظر دارد و بدین منظور برای خود حق مداخله در بسیاری از امور اجتماعی [و اقتصادی] را قائل است.... در این دخالت‌ها منظور اصلی در نظر گرفتن مصالح کلی دولت و منافع جمعی ملت است، هرچند که در آن منفعت اقتصادی قابل توجهی در مقایسه با منفعت طلبی اقتصاد فردی حاصل نشود. [به همین منظور دولت] «برخی از واحد‌های عمده اقتصادی را تحت انحصار خود در می‌آورد و حتی اگر این واحدها در اختیار اشخاص خصوصی باشد، از طریق ملی کردن، آنها را تصرف می‌کند... بدون آنکه مالکیت اشخاص خصوصی سلب و یا از فعالیت‌ها آنها جلوگیری شود.» (2)

به نظر می‌رسد برخی از افراد این نوع مداخله دولت را به فعالیت اقتصادی بسته و انحصاری تعبیر نموده و آن را موجب گسترش فساد.. و عدم توسعه پایدار می‌دانند. باید این نکته مهم را در نظر داشت که «فعالیت‌های بزرگ اقتصادی، به دلیل نیاز به سرمایه کلان و دیر باز دهی آن، باید در اختیار دولت باشد. زیرا بخش خصوصی با سرمایه ناکافی و پراکنده و منفعت طلبی آنی، از اداره آنها اصولاً ناتوان است. بفرص امکان تجمع سرمایه‌های خصوصی و احراز مالکیت توسط سرمایه داران غیر دولتی تمرکز و تداول ثروت در دست عده معدود، نابرابری‌های اقتصادی فاحشی را به دنبال خود می‌آورد. فلذا، دولت به عنوان نماینده و خدمتگذار جامعه و عهده دار حمایت از منافع ملی و تعدیل روابط اجتماعی، این امر را دنبال می‌کند. (3) و این به معنای انحصار اقتصاد بسته کردن آن نمی‌باشد تا موجب گسترش فساد باشد.

ص: 87

1- اقتباس از هاشمی، سید محمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران،، ص 351

2- همان ص 353

3- همان، ص 355 (با کمی تغییر)

دولت در نظام اقتصادی مبتنی بر رقابت، رشد و نمو استعدادها و ابتکارات فعالیتهای افراد را مد نظر داشته وظیفه نظارت و هدایت دارد. مهم ترین استدلال اقتصادی برای توجیه نقش اقتصادی فعال دولت، چه به صورت مداخله در ساز و کارهای بازار و کنترل قیمت ها و چه به شکل مالکیت و مدیریت دارایی های تولیدی، این است که تصمیم گیری ها در نظام بازار آزاد اساسا مبتنی بر منافع فردی و خصوصی است و منافع یا مصلحت جمعی یا عمومی جایی در آن ندارد. این ادعای اقتصاددانان که جست و جوی نفع فردی در چارچوب نظام آزاد رقابتی به تامین منافع جمعی می انجامد و یک هماهنگی خودکار و ناخواسته، افراد را در جهت تامین منافع جمعی سوق می دهد(1)

ظاهرا در همه موارد صدق نمی کند. فرد یا بنگاهی ممکن است برای حداکثر کردن منافع خود زیان هایی را به اشخاص ثالث وارد کند بدون اینکه هزینه آن را پردازد.

ب) اقتصاد دولتی: اقتصاد دولتی یا متمرکز نظام اقتصادی است که فعالیت های اقتصادی در کنترل و اختیار دولت قرار دارد. در نگرش افراطی به این نوع نظام اقتصادی، مالکیت خصوصی نادیده گرفته شده و فعالیت بخش خصوصی مواجه با محدودیتهای بسیار زیادی است و فرض بر این است که مالکیت ابزار تولید، عمومی است و فعالیتهای اقتصادی توسط دولت رهبری می شود. در واقع در نظام اقتصادی دولتی مالکیت ابزار تولید در انحصار دولت نیست بلکه عوامل و منابع تولید و شبکه های توزیع نیز در اختیار دولت است.(2) این دیدگاه افراطی به نقش دولت و ندیده گرفتن مالکیت خصوصی، این نظام اقتصادی را با چالشها و مشکلات زیادی روبرو ساخت که مهمترین آن عدم کارایی و کارآمدی این نظام و بهره نگرستن از سرمایه بخش خصوصی و دخالت ندادن آنها در جهت رشد و رونق اقتصادی بود و همین امر موجب شد تا اصلاحاتی در این نوع نظام اقتصادی صورت بگیرد و نقش افراطی دولت تا حدودی تعدیل شود و عمده این اصلاحات

ص: 88

1- (نظریه دست نامریی بازار)

2- همان، ص 507

و تعدیلات در جهت اعطای آزادی اقتصادی به بخش خصوصی و تجدید نظر در تمرکز از جانب دولت بود.

ج) اقتصاد مختلط: بنابراین هر دو نظام اقتصادی به سمت تعدیل جایگاه دولت و مالکیت خصوصی پیش رفته و از حالت تمرکز و غیر متمرکز صرف خارج شده اند به گونه ای که در خود آمریکا که در سیطره اقتصاد بازار است 16 درصد نیروی کار در استخدام دولت است، 35 درصد تولید ناخالص ملی کشور را بودجه دولت تشکیل می دهد و حدود 80 هزار واحد دولتی در آن کشور فعالیت می کنند. (1) و امروزه بسیاری از کشورها به سمت اقتصاد مختلط گرایش پیدا نموده اند. به هر حال در مجموع سیر تاریخی و مطالعه وضعیت اقتصاد کشورها گویای این نکته است که اقتصاد آزاد نسبت به اقتصاد دولتی توفیق بیشتری داشته و از کارایی بهتری برخوردار است اما در عین حال این نوع نظام اقتصادی نیز نتوانسته است وضعیت مطلوبی را برای کشورها ایجاد کند و با چالشهای زیادی روبرو است که از جمله می توان به توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، ایجاد فاصله زیاد طبقاتی و نادیده گرفتن اخلاق و ... اشاره نمود.

ج) اقتصاد اسلامی: در مقابل دو نگرش و دیدگاه عمده فوق در اقتصاد، اقتصاد اسلامی قرار دارد که بر پایه عدالت و اخلاق استوار است و علاوه بر پذیرش مالکیت عمومی و خصوصی، عدالت، مساوات و اخلاق را محور فعالیت خویش قرار داده است که در صورت اجرای کامل آن سعادت مادی و معنوی افراد و جوامع تأمین شده و پیشرفت مادی و معنوی آنان تضمین خواهد شد. لذا بصورت حتم و بدون هر گونه تعصب باید پذیرفت که اقتصاد اسلامی جایگزین مناسبی برای این نظام های اقتصادی است و می تواند الگوی فعالیت کشورها قرار بگیرد. (2)

ص: 89

1- مبانی و کلیات علم اقتصاد، دادگر ص 71

2- برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه شود: - مبانی و کلیات علم اقتصاد، دادگر - مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت، 1371 - نظام اقتصاد اسلام، حسن سبحانی، سازمان تبلیغات اسلامی، 1373 - مقایسه ای بین سیستم اقتصادی، حسین مظاهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی - نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات)، سعید فراهانی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر 1380

خلاصه اینکه اسلام، ضمن باور داشتن این ارکان برای توسعه اقتصادی، به آن‌ها اکتفا نمی‌ورزد و در جهان بینی خاص خود و تعریف ویژه اش برای توسعه و اهداف آن، ارکان دیگری را نیز به آن‌ها می‌افزاید و تحقق پایه‌های دیگری را هم ضروری می‌شمارد. در عین حال، آنچه مهم‌تر است، لزوم برطرف کردن موانع و درمان آفت‌های دستیابی به توسعه اقتصاد سالم است.

5) اهمیت مال و ثروت و کم و کیف سرمایه داری:

دان که مال و ثروت باشد عزیز و پر بها* چون که با آن زندگی گیرد قوام در این سرا

گر که با آن تو کنی کاری موثر در جهان* می‌شود هر ذره اش با ارزش و آرد صفا

توضیح رباعی مزبور اینکه در قرآن کریم، «اموال»، عامل قوام و امداد الهی شمرده شده است: «ولا توء تواء السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً...» (1) اموال خود را، که خداوند سبب برپایی زندگی شما قرار داده است، به دست سفیهان (ناواردان و غیرمتخصصان) مسپارید...» و نیز آمده: «و امدد ناکم باموال و بنین...» (2) از طریق اموال و فرزندان به شما کمک رساندیم. مال و ثروت در احادیث نیز عامل پایداری اسلام و مسلمانان و ابزار سامان‌یابی کار اجتماع دانسته شده است: امام باقر (ع) به روایت امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «... درهم و دینار، مهر (سکه) خدا است در زمین، خداوند آن را برای سامان‌یابی کار خلق قرار داده است، تا بدان وسیله، امور زندگانی مردمان بگذرد و نیازهای آنان برآورده شود.» (3) مقصود از این تعبیر، اینست که خدای متعال چنین

ص: 90

1- نساء/سوره 4، آیه 5.

2- اسراء/سوره 17، آیه 6.

3- شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، ج 1، ص 520. و نیز در همان، ج 2، ص 292.

به فکر و نظر آدمیان داده است که این ابزار و وسیله (درهم، دینار، تومان و هر پولی) را پدید آورند و برای آن، اعتبار مالی قرار دهند، تا از تعویض کالا- با کالا- که کاری دشوار و در اکثر موارد، غیرعملی است- آسوده گردند و زندگی و امور آنان به آسانی برگزار شود. همچنین امام صادق (ع) می فرماید: «از اموال مراقبت کن که مایه پایداری دین تو است.»⁽¹⁾

اسلام بر دستیابی به رشد اقتصادی و آبادی مزارع و سرزمین ها و بهره برداری از منابع و سرمایه های طبیعی آن نیز تاکید کرده است: در قرآن کریم آمده است: «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها»؛⁽²⁾ خداوند شما را از زمین پدید آورد و آباد کردن آن را به شما سپرد...» امام صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: «ای مفضل! درباره این معادن بیندیش، و درباره مواد گوناگونی که از آنها بیرون آورده می شود، همچون گچ و آهک و سنگ گچ و زرنیخ و مردار سنگ و توتیا و سیماب و مس و سرب و سیم و زر... و یاقوت و اقسام سنگ ها نیز قیر و مومیائی و گوگرد و نفت و جز اینها، که مردمان برای رفع نیازمندی های خود به کار می برند؛ آیا ممکن است بر شخص خردمند این مطلب پوشیده بماند که همه اینها چیزهایی است که (برطبق حکمت) برای انسان در این زمین ذخیره شده است، تا آنها را از زمین بیرون آورد و هنگام نیاز به کار برد؟...»⁽³⁾

سرمایه گذاری تولیدی و پرهیز از راکد گذاردن اموال و کنز و گنج کردن آنها، نیز مطرح گردیده است: «... و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم»؛⁽⁴⁾ و کسانی که طلا و نقره گنج می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند به کیفری دردناک نویدشان ده.» اندوختن طلا و نقره (که در دوران گذشته، وسیله مبادله بوده و واحد پول را تشکیل می داده است) و اموال فراوان و متراکم، «کنز»

ص: 91

1- همان، ج 2، ص 292. و ص 133.

2- هود/سوره 11، آیه 61.

3- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 6، ص 183.

4- توبه/سوره 9، آیه 34.

است و هرگونه استفاده عمومی و سرمایه گذاری اموال، انفاق و خدمت به خلق است. امام علی (ع): «در مال راکد، زیاده ورشدی نیست.» (1)

همچنین امام صادق (ع) فرموده اند: «آدمی، ثروتی ناخوشایندتر از سرمایه های راکد پس از خویش باقی نمی گذارد. سؤال شد پس باینگونه اموال چه کند؟ امام فرمودند: آن را در خانه سازی و احداث باغ، سرمایه گذاری کند.» (2) همچنین

استفاده بهینه از سرمایه ها و منابع نیز مطرح شده است: و نیز امام علی (ع) فرموده اند: «آنکس که از سرمایه اش درست استفاده نکند در حقیقت، مالی به دست نیاورده است.» (3)

بنابر تعالیم مزبور که نمونه ای بسیار اندک درباره مسائل مالی بوده روشن می گردد که به سرمایه ها و اموال در اسلام با نگرشی بسیار اصولی و مثبت نگریسته شده و ثروت در جامعه اسلامی، جایگاهی ویژه دارد. پس چگونه است که اسلام در عین حال، با سرمایه داری در قلمرو گسترده آن مبارزه کرده و مال پرستی و افزون خواهی را به شدت محکوم کرده است؟ این محکومیت بر می گردد به سرمایه داری با دید مادی صرف که به نوعی در عصر حاضر در اقتصاد لیبرالیسم مطرح می باشد. «سرمایه داری»، به معنای اصطلاحی آن منظور است که پدیده ای استثنای با عملکرد و راهکارهایی ویژه می باشد نه سرمایه داری به معنای لغوی آن که معطوف به هرگونه در اختیار داشتن مال و سرمایه است. نگرش اسلام به اصل اموال و سرمایه، همانطور که اشاره شد بسیار مثبت است. اموال و هرگونه کالا که بگونه ای نیازهای بشری را برآورد، در نظر اسلام، امری حیاتی و عامل بقاء و برپایی جامعه، و راه تداوم حیات انسانی، و رشد دین و دین باوری است. این موضوع را، در سراسر تعالیم اسلامی به روشنی می بینی که با تعبیرهایی گونه گون، از ضرورت تمتعات زندگی، و حیاتی بودن اموال و کالاها سخن گفته و سهم اصولی «اموال» را در جامعه انسانی، تبیین کردند.

ص: 92

1- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 73، ص 128.

2- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 12، ص 44.

3- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 204. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، ص 259.

توضیح بیشتر اینکه پدیده سرمایه داری مصطلح، به این معنا و در بعد منفی آن، از ناهنجارترین، ویران‌گرترین و شوم‌ترین پدیده‌هایی است که در اجتماعات بشری رخ نموده است. از آغاز پیدایش این پدیده تاکنون، پدیده دیگری به این شومی و ویران‌گری نبوده است؛ زیرا که یا خود به تجاوز و نابودی انسان‌ها دست یازیده است، و یا دستیار نزدیک همه تجاوزکاران و دژخیمان تاریخ بوده است. اگر

قدرت‌های بدنی و خانوادگی یا قبیله‌ای در گذشته‌های دور، یکه‌تازی کردند، و یا قدرت‌های نظامی و خودکامه سیاسی، در دوران‌های بعد، ره‌بیداد پوئیدند، و یا قدرت‌های صنعتی و نظامی در این دوران، خاستگاه اصلی بسیاری از تجاوزگری‌ها و بیدادگری‌ها و پایمال‌شده حقوق انسان‌ها گردیدند، ریشه اصلی همه این‌ها در سرمایه داری منفی و تمکن بی حساب مالی نهفته است.

خصلت «سرمایه داری»، در تبیین کلی و فشرده، خاستگاه اصلی خودخواهی‌ها و سودجویی‌ها، و سرچشمه نابسامانی‌ها و نابودی‌ها و تبعیض‌ها و محرومیت‌ها و ستیزها و آشوب‌ها بوده است. تراکم سرمایه در بخشی و مال‌اندوزی گروهی، همواره ره‌آوردهایی ویرانگر داشته است و افراد و اجتماعات و حتی طبیعت و محیط زیست را نیز به تباهی کشیده است. «اقتصاد سرمایه داری» و جامعه مدنی به این معنا و در قرائت سکولار، نظامی ضد الهی و بستر اقتصادی طاغوتی است، لگام‌گیسخته، عدالت‌گریز و قانون‌ستیز، که جز به خود و قانون خود و آزادی در راه کارهای خود، به هیچ قانون، و آزادی و شیوه و روشی حرمت نمی‌نهد، و جانب هیچ حق و عدلی رارعايت نمی‌کند.

سرمایه داری با معیارهای لیبرالیسم اقتصادی، دارای ویژگی‌های همه‌تجاوزگران و طاغوتیان در طول تاریخ است، بلکه امروزه با تکامل ابزاری که پدید آمده است، این تجاوزگری‌ها بسیار پیچیده‌تر، سهمگین‌تر و ضدانسانی‌تر از همه مستکبران تاریخ گذشته، عمل می‌کند. تجاوزگری که از حد منطقه و کشورهای خاص گذشته و فرامنطقه‌ای و جهانی شده است، از حریم انسان‌ها هم گذشته و به حریم طبیعت و منابع آن نیز پنجه افکنده، حتی کمر بند امنیتی کره زمین، یعنی لایه اوزن نیز از عملکرد آن در امان نمانده است. و شگفت‌انگیز است که در عین حال، داعیه اصلاح‌گری و قانون‌مداری نیز دارد و از

حقوق انسانی و آزادی و آزادگی نیز دم می زنند؟ چه نیک و شگرف، قرآن کریم، کارنامه اینان را ترسیم فرموده است: «و اذا قيل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون؛(1) چون به آنان گفته شود که در زمین، فساد مکنید، می گویند: ما مصلحانیم.» قرآن کریم، مسرفان را مفسد معرفی می کند. اکنون پاره ای از دیدگاه های اسلام درباره سرمایه داری جهت استحضار حضرتعالی تبیین می گردد:

در سوره تکاثر آمده است، که احوال زیاده داران را ترسیم می کند، و پیامدهای منفی افزون داری را به تصویر می کشد: «الهیکم التکاثر. حتی زرتم المقابیر. کلا سوف تعلمون. ثم کلا سوف تعلمون!»(2) نازیدن به فزونداری (و فزون خواهی)، شمایان را سرگرم ساخت. (و در دنیا غرق کرد) تا (مرگ فرا رسید و) به دیدار گورها شتافتید. نه آن است (که می پندارید)، به همین زودی خواهید دانست. نیز نه آن است (که می پندارید)، به همین زودی خواهید دانست.» ترجمه منظوم سوره تکاثر:

1- گر شود افزون، شمار مال و جاه * می کند غافل، قلوب را در نگاه

2- چون که رفتید، دیدن اهل قبور * 3- یا که می فهمید، به زودی گنج گور

5-4- در چنین حالی، شوید آگه ز حق * با یقین بینید، حقیقت را چو خلق

6- شاهدید، بر دوزخ و روز حساب * 7- چون که، تردیدی نباشد در عقاب

ص: 94

1- بقره/سوره 2، آیه 11.

2- تکاثر/سوره 102، آیه 1-4.

8- از تمام نعمتش، گردد سوال * در سرایی که بُود، بی شک جمال

در این آیه کریمه، زیاده داری و افتخار به آن، از عوامل بازدارنده انسان، به حساب آمده است. «الهاء» به معنای بازدارندگی از یاد خدا و گردن نهادن به قوانین الاهی و به "لهو" افکندن است. امین الاسلام طبرسی می گوید: الهاء، به معنای سرگرم کردن کسی به لهو و لعب است؛ و «الهیکم التکاثر»، یعنی نازیدن (و پز دادن) به فزونی مال و فرزند شما را از فرمانبرداری خدا، و به یاد آخرت بودن باز داشت و غافل ساخت و به قولی یعنی: مباحثات کردن به فزونی مال و افراد، شما را از تدبیر در کار خدا (حکمت های تکوینی آفرینش، و حکمت های تشریحی احکام)، باز داشت. (1)

تعبیرهای دیگری نیز در قرآن آمده است، که گر چه از این ریشه و ماده نیست؛ لیکن در ژرفای معنا، به همین حقیقت نظر دارد، یعنی بعد منفی و تباه گر مال اندوزی و بازدارندگی سرمایه داری را تبیین می کند چون: «... و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور...»؛ (2) .. زندگی دنیا جز کالایی گول زننده نیست.» با دل بستن به سود و سرمایه و کالاهای دنیایی، حالت غرور و خودمحوری در نفس آدمی پدید می گردد، و انسانی را از هر فکر و اندیشه درست و راه گشای دیگری باز می دارد.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «... تکاثر، لهو است و لعب و مشغولیت، و گرفتن چیزی که پست تر است در برابر دادن چیزی بهتر.» (3) همچنین تعبیر «فتنه» در آیه کریمه: «انما اموالکم و اولادکم فتنه...»؛ (4) جز این نیست که دارایی و فرزندان شما برای آزموندن اموال و فرزندان از عوامل آزمایش و آزمون انسان ها شمرده شده است، و بسیاری از صاحبان سرمایه ها در آزمونی شرکت می کنند که از آن، مردود بیرون می آیند. زیرا که ثروت زیاد،

ص: 95

1- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج 10، ص 612.

2- حدید/سوره 57، آیه 20.

3- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 3، ص 394.

4- تغابن/سوره 64، آیه 15.

موجب بازدارندگی آنان از سعادت و معنویت است. تعبیرهای دیگری نیز چون: مترف، مسرف، مستکبر و تهلکه که درباره سرمایه داران است، همه به نوعی بیانگر الهاء و بازدارندگی زیاده داری از عمل به حق و تن دادن به ارزش هاست. و مترف و مسرف نیز که به معنای مصرف های شاد خوارانه و زیاده از حد است، انسان را از راه های درست باز می داد، و تعبیر «استکبار» نیز به همین سرکشی از گردن نهادن به حق و حقیقت نظر دارد، و «تهلکه» و نابودی، پیامد انکارناپذیر این دست گرایش های سرمایه داری است. تعبیر «موتی» در قرآن نیز با نظر به همین معیار، به مال اندوزان، تفسیر شده است: «انک لا تسمع الموتی؛ (1) .. تو نمی توانی مردگان را شنوا سازی...» از پیامبر بزرگوار اسلام پرسیدند... مردگان چه کسانیند؟ فرمود: «هر غنی مترف» یعنی هر ثروتمند زراندوز (سرمایه دار مصطلح). (2)

آری سرمایه داران در چنین جامعه و مدنیت استکباری، از خود و تعالی معنوی خویش باز می مانند، و راه رشد و سعادت خویش گم می کنند، و تمامی عمر و نیروی حیات در بیراهه روی می گذارند. آنان برآستی از خود بیگانه و از خود وامانده اند، به خود فراموشی گرفتار شده اند و تمامی هوش و استعدادهای بدنی و روانی خویش را در راهی سرمایه گذاری کرده اند که گوهر اصلی انسانی را شکوفا نمی سازد؛ بلکه آن را در غبارها و لایه های تیره مادیات می پوشانند. بنابراین علاوه بر سوره «تکاثر» که از پیامدهای شوم افزون خواهی سخن گفته است، در سراسر قرآن، تعبیرهای فراوانی است که در جوهر و ماهیت از همین دنیا دوستی ها و دنیاطلبی های افراطی و آثار آن پرده برداشته است.

خلق و خوی زشت سرمایه داری، زمینه های اصلی بسیاری از خوی های غیرالاهی و سرشت های غیرانسانی است. استکبار اقتصادی، بستر مناسب استکبار اخلاقی و طغیانگری های روانی است، چنانکه استضعاف اقتصادی، زمینه استضعاف اخلاقی و فکری می باشد. مال اندوزی و زیاده خواهی، انسانی را به خصیلت هایی شیطانی چون: آزمندی،

ص: 96

1- نمل /سوره 27، آیه 80.

2- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 394.

حرص سیری ناپذیر، بخل، خودخواهی، خود برتر بینی، طغیان و سرکشی، لذت پرستی، شادخواری و شکم بارگی، شهوت پرستی، تن آسایی، بی احساسی و سنگ دلی می کشاند و عامل اصلی این اخلاق های ضد انسانی، همان داشتن های افراطی و مال اندوزی های افرون خواهانه است. از اینرو در تعالیم اسلامی با این خصلت های خوی لیبرالیسم مبارزه شده است. لذا امام سجاد (ع) در دعایی از خداوند مسئلت می کنند که به او چندان ثروت بدهد که از حد نیاز داری بگذرد اما به سرمایه داری نرسد و این همان زندگی بسنده و کفاف است تا به مشکلات فقر و اخلاق غیر انسانی سرمایه داری گرفتار نیاید. آن امام همام می فرمایند: «.. خدایا از تو معیشتی نیک خواهانم: معیشتی که با آن، همه نیاز مندیهایم را برآورم، و در زندگی این دنیا و در آخرتم با آن به قرب تو برسم، بی آنکه مرا غرق در نعمت سازی تا به طغیان افتم...» (1)

آری حرص و آزمندی سیری ناپذیر، از ارکان اخلاق لیبرال_سرمایه داری است، و این حالت چنان گریبان گیر آنان می گردد که هر چه به سود و سرمایه و گستره ثروت خویش می افزایند، سیر نمی شوند، و به سراغ بیشتر و بیشترها می روند. این روند بگونه ای وحشتناک دنبال می شود، و در نقطه ای باز نمی ایستد و احساس بی نیازی و سیری پیش نمی آید. پیامبر رحمت (ص) می فرمایند: «ای ابن مسعود! بدن ها (شکم ها) شان سیر نمی شود، و دل هاشان خشوع پیدا نمی کند...» (2) در این سخن نبوی به تاثیر متقابل جسم و جان، در حالت مال اندوزی اشاره شده و آمده است که سیری ناپذیری فزونخواهانه مال پرستان، با فقدان خشوع و خضوع قلب و روح (تفرعن و گردنفرازی) همراه است. و اصولاً این حالت در مسائل مادی هست که اگر انسان با احساس بسندگی با آنها روبرو گشت، و به بهره برداری به اندازه لازم و مفید دست یازید، پس از برخورداری از زیستی معقول و بسنده و مرفه، احساس بی نیازی می کند، و از زیاده خواهیهای باز دارنده، روی بر می تابد و گر نه هیچگاه احساس بی نیازی نمی کند. امام علی (ع) می فرمایند: «آن کسی که

ص: 97

1- شیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، ص 201.

2- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 77، ص 99.

به اندازه کفاف، از دنیا راضی شود، کمترین چیز دنیا برای او بسنده است؛ و آن کس که به اندازه کفاف راضی نشود، چیزی نیست که بتواند او را بسنده باشد.»⁽¹⁾

بنابر این گرفتاری جامعه بشری بر سر همین ماهیت افزون خواهی و زیاده طلبی است که در پهنه اقتصاد جهانی، هر چه در بازارها و مبادلات، ارزش آفرین و سودآور باشد، باید به چنگ آورد و سلطه خویش را بر آن تثبیت کند، و در هیچ حد و مرزی درنگ نکند و چون جهنمی، همه چیز را بلعد. و به تعبیر قرآن کریم هر چه به او بدهند زیاده بر آن را طلب کند: «و جعلت له مالا ممدودا... ثم یطمع ان ازید؛⁽²⁾» او مالی فزاینده دادم باز طمع آن دارد که آن را افزونتر کنم.» سرمایه داران، چون به هیچ حد و اندازه ای قانع نیستند و احساسی سیرناپذیر دارند، هیچگاه به بی نیازی دست نمی یابند: امام کاظم (ع) در این خصوص فرموده اند: «هر کس به آنچه او را بسنده است قناعت کند، بی نیاز است، و هر کس چنین نباشد، هرگز به بی نیازی نرسد.»⁽³⁾

از این رو در تعالیم اسلامی، با زیر بناهای روحی و دمنشی درونی سرمایه داری مبارزه شده است؛ چنانکه با عملکرد بیرونی و اجتماعی آن؛ تراکم مال پرستی در نظر اسلام یک پدیده ساده مادی یا اجتماعی محض و یا سیاسی صرف نیست؛ بلکه پدیده ایست که بر مجموع زمینه های فرهنگی و فکری و تربیتی افراد بنا شده است. بدین جهت اسلام به ویران کردن زمینه ها و پایگاه های درونی و روحی مال اندوزی نیز توجهی شایان کرده است. (چنانکه اشاره شد؛ منظور از اینگونه تعالیم، ترویج زندگی صوفیانه و ترک دنیا و پرهیز از رفاه و بهبود وضع معیشت جامعه و مردم و نادیده گرفتن ارزش توسعه اقتصادی نیست؛ بلکه هدف چنانکه روشن است، ویژه سازی امکانات رفاهی، و سلطه افکنی بر کل

ص: 98

1- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص 99.

2- مدثر/سوره 74، آیه 12، 15.

3- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 286.

منابع و سرمایه ها و بازارها، توسط گروه های اندک و سودپرست است، چنانکه در نظام سرمایه داری کنونی جهان معمول است. (1)

در مجموع اسلام در برابر اموال، از عوارض منفی آن نیز سخن می گوید و سرمایه داری را با شیوه و اخلاقیات و عملکردهای ناهنجار آن معرفی می کند. اگر اموال و سرمایه ها در جهتی درست و انسانی هدایت نشود، و در خدمت کل جامعه بشری قرار نگیرد، و از صورت ابزاری و آلی درآمده و به صورت هدف و اصل در نزد گروهی خاص ذخیره گردد، مردود است بعبارت دیگر، بعد منفی سرمایه داری، مردود است زیرا عملکردهایی ناعادلانه و راه کارهای ظالمانه و ضدانسانی دارد و اقتصاد بازار آزاد که رکن قرائت لیبرال سرمایه داری از جامعه مدنی غربی است، دقیقاً بر همین عملکردها و راهکارها مبتنی شده است.

6) رعایت قسط در مبادلات اقتصاد سالم:

کن اصولی را رعایت در همه داد و ستد * تا که قسط اندر فضای اقتصاد بر حق شود

آن اصول باشد نیاز فطرت و خواست برون * گر کنی تو این چنین حق سوی هر حق دار رود

همان گونه که مستحضر هستی رباعی مزبور بیانگر این است که جامعه هنگامی به هدف عدالت اقتصادی دست می یابد که هر یک از افراد جامعه با رعایت قسط در مبادلات اقتصادی؛ به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند. براساس آموزه های اسلامی اگر عدالت در جامعه مراعات شود، فقر از بین می رود و همه مردم از سطح زندگی در حد کفاف بهره مند خواهند شد. نگاهی گذرا به شدت فقر و بیچارگی در جوامع انسانی حاکی از

ص: 99

1- برای توضیح بیشتر به این کتاب ها مراجعه شود: 1. دیکتاتورهای کارتلها، 2. مفهوم امپریالیسم اقتصادی، 3. چگونه نیمی دیگر می میرند، 4. مشکلات اقتصادی جهان سوم، 5. گرسنگی، ارمغان استثمار، 6. جغرافیای کم رشدی، 7. سیطره جهانی، 8. کمربند فقر، 9. موانع توسعه در جهان سوم، 10. غولهای غلات، 11. درون جهان سوم، 12. امپریالیسم و کشورهای توسعه نیافته، 13. بشریت و تهدید گرسنگی، 14. تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران، 15. فاصله عقب ماندگی، 16. غارت جهان سوم، 17. بیست کشور آمریکای لاتین.

دوری آن‌ها از تعالیم اسلامی و در عین حال نیازمندی آن‌ها به این تعالیم است. در مورد «قسط در مبادلات» چند نکته مهم قابل ملاحظه اند:

1. در آیه 39 سوره «اسرا» یادآوری شده است که برقراری قسط در مبادلات، که پیش‌تر ذکر گردیده، از احکام حکیمانه خداست: «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبِّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» این احکام از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده است. بنابراین، اصل «عدالت» در اقتصاد یک اصل حکیمانه و واقع‌گرایانه به شمار می‌رود که سلامت و رشد اقتصاد رهین آن است.

2. همچنان‌که ناقص تحویل ندادن کالایی که فروخته می‌شود مورد تأکید است، عیب نگذاشتن روی کالایی که خریداری می‌شود و ناقص پرداخت نکردن ثمن آن نیز مورد تأکید است.

3. توزین کامل و اجتناب از کم‌فروشی، عاقبتی خوش به دنبال دارد (ذَلِكَ خَيْرٌ وَ احْسَنُ تَأْوِيلًا). شاید بتوان گفت شخصی که با کم‌فروشی در صدد است در کوتاه مدت ثروت بادآورده‌ای انباشته کند، نباید از این نکته غافل باشد که رواج کم‌فروشی در جامعه در درازمدت پیامدهای سوء فراوانی به همراه خواهد داشت؛ از جمله این که خود او نیز کالاها و خدمات را به طور ناقص (و گران) دریافت خواهد کرد و بنابراین، ثروت او همواره در حال کاهش و زوال خواهد بود. افزون بر این، «کم‌فروشی»، که نوعی سرقت است، یک انحطاط اخلاقی و آفت شخصیتی برای افراد جامعه به بار می‌آورد. همچنین امنیت خاطر مردم در مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی دچار آسیب گشته، سطح رضایت خاطر آنان از حاصل تلاش‌های اقتصادی یکدیگر کاهش می‌یابد.

قطعاً یکی از مظاهر حضور قرآن در صحنه زندگی، جلوه‌گری عدالت در زمینه‌های گوناگون آن است و همان‌گونه که از آیاتی که ذکر شدند برمی‌آید، اجرای عدالت تنها وظیفه منیع رهبری و دولت اسلامی نیست، بلکه مردم نیز به نوبه خود، موظف به انجام این مهم می‌باشند. البته مسئولیت دولت بسیار سنگین‌تر است؛ چرا که با ابزارها و قدرت‌های منحصر به فردی که در اختیار دارد، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در سوق دادن جامعه

به سوی انجام امور بر مبنای عدالت دارد. مسلماً در رأس برنامه اجرای عدالت، وضع مقررات عادلانه از سوی قوه مقننه است و بدون تردید، آغاز بسیاری از بی عدالتی ها، وضع مقررات نابحق و تبعیض آلود است. همچنین نهادها، سازمان ها، تشکل ها و افراد صاحب نفوذ در فرهنگ و افکار مردم و کسانی که ابزارهای اطلاع رسانی را در دست دارند، نقش حساس و تعیین کننده ای در شکل دهی ذهنیات، تمایلات و مطالبات مردم بر اساس حق و عدل دارند.

در ضمن خاطرنشان می گردد که منادیان و آمران به عدالت باید بدانند که تلاش برای برقراری عدالت در جامعه، کاری بس مقدس و پیامبرگونه است و بنا به گفته قرآن کریم، چنین افرادی در معرض آسیب دیدن و از دست دادن جان خود می باشند (چرا که اجرای عدالت منافع نامشروع تبه کاران را به خطر می اندازد و آنان را به واکنش های ایذایی وادار می کند.) خداوند متعال می فرماید: «انّ الذین یکفرونّ بآیات اللّهِ و یقتلونّ النّبیین بغیر حق و یقتلونّ الذّین یأمرونّ بالقسطِ من النّاسِ فبشّرهم بعذاب الیم»⁽¹⁾ کسانی را که به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را به ناحق می کشند و (نیز) مردمی را به قتل می رسانند که امر به عدالت می کنند، به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده!

از طرفی ای عزیز بزرگوار، در یک نگاهی گذرا به فقر و نابرابری در جهان متوجه خواهی شد که غیر از دوران کوتاه حکومت سوسیالیست ها بر بخشی از جهان در چند دهه اخیر، تفکر سرمایه داری لیبرال، تفکر غالب در اقتصاد کشورهای جهان بوده است. این تفکر با توجه به مبانی و راهبردهای خاص خود، مدعی نجات بشریت از فقر و بی عدالتی است؛ اما نگاهی به واقعیت ها حکایت از شدت نابرابر درآمدها و فقر گسترده دارد؛ برای مثال در امریکا در سال 1973 م سهم درآمد یک پنجم خانواده های پایین جدول، 5/5 درصد کل درآمد و سهم درآمد یک پنجم بالای جدول، 1/41 درصد کل درآمد بود و در سال 1991 سهم دسته اول به 5/4 و دسته دوم به 2/44 رسید و این روند با اندک تغییراتی همچنان ادامه دارد.

ص: 101

همچنین بر پایه برخی آمارها، بین ده تا پانزده درصد جمعیت امریکا (حدود 37 میلیون نفر) زیر خط فقر قرار دارند. براساس آمار دیگری در سال 1989 در امریکا، حدوداً 1٪ از ثروتمندترین خانواده ها، 1/14 درصد درآمدها را به دست آوردند و صاحب 3/38 درصد از کل ثروت های خالص و 2/50 درصد از دارایی های مالی خالص شدند. توزیع ثروت در طول زمان نابرابرتر شد.

حال چرا چنین بی عدالتی به وقوع پیوسته است. به نظر می رسد که مهم ترین و بنیانی ترین عامل، مبانی اعتقادی و اخلاقی و انگیزه افراد در فعالیت های اقتصادی در نظام سرمایه داری لیبرال است. بر پایه آموزه های نظام سرمایه داری لیبرال، تمام نگاه انسان در فعالیت های اقتصادی محدود به همین جهان مادی است. لذت و سعادت نیز به لذت و سعادت مادی دنیوی تفسیر می شود؛ بنابراین به همه توصیه می شود برای حداکثر کردن سود مادی فعالیت کنند. سازوکار رقابت آزاد برای حداکثر کردن سود مادی در شمار تعالیم این نظام است. این گونه آموزه ها و سازوکارها ممکن است تاحدی مشکل رشد اقتصادی جوامع را برطرف کند، اما هرگز در برطرف کردن بی عدالتی و توزیع نامناسب و نیز رفع فقر توانایی ندارد؛ بلکه برعکس، با ایجاد انحصارات در تولید و فروش، روز به روز بر توزیع ناعادلانه ثروت و دارایی در سطح بین المللی می افزاید. بر پایه همین آموزه ها، تجویز بهره و بهره مرکب موجب شده است سهم بهره مندی عامل سرمایه از تولید به مراتب از سهم بهره مندی نیروی کار از تولید بیشتر شود. پیگیری این قبیل آموزه ها باعث شده است نظام دستمزد و اجاره بین کارگران و کارفرمایان حاکم شود و با محرومیت نیروی کار از مشارکت در سود تولیدات، سهم اندکی از سود نصیب کارگران شود و در بحران های اقتصادی، دستمزدها پایین بیاید و بر خیل بیکاران افزوده شود؛ بنابراین در دوران رونق اقتصادی نیز از سود سرشار آن محروم هستند.

از طرفی سودهای نامحدود در مبادلات و آزادی در نرخ گذاری با روش های انحصاراتی و واسطه گری های اقتصادی، از مشکلات اصولی اقتصاد امروز جامعه بشری و از راه کارهای سرمایه داری است. سرمایه داران با هزینه کردن نقدینه های سرگردان و فراوان

خویش، یا به واسطه گری می پردازند و یا با نرخ گذاری آزاد و سودهای ناعادلانه، ثروت های کلانی به جیب می زنند. نرخ گذاری آزاد و بی کنترل که در نظام های سرمایه داری، معمول است و یا واسطه گری های گسترده میان صاحبان کالا و مصرف کنندگان، در گرانی قیمت ها تاثیر زیاد دارد و بیشتر رشد قیمت و نرخ های روزافزون، از این دو جریان فاسد پدید می آید، یعنی نبود کنترل و محدودیت، و تحمیل نرخ های دلخواه بر توده های مصرف کننده. این شیوه نوعی تحکم و زورگویی است. چنانکه امام علی (علیه السلام) فرموده اند: « بدانکه بسیاری از آنان (بازرگانان و کاسبان) دست به احتکار اجناس سودمند و مورد نیاز می زنند، و در معامله و داد و ستد زورگو و خودسرند؛ و این رفتار به همه مردم زیان می رساند...»⁽¹⁾ این خودسری و تحمیل ها از آزمندی و حس مال پرستی بیشتر در بازرگانی آزاد و لیبرال، ریشه می گیرد. امام سجاد (ع) می فرمایند: «...گرم بازرگانان شمایند، که چون خریدار باشند از کالا عیب می جویند، و چون فروشنده باشند به ستایش آن می پردازند...»⁽²⁾ «این تعلیم سجادی به آن اشاره دارد که رابطه میان واردکنندگان کالا و مردم، همچون رابطه گرم و گوسفند است. همین تعبیر، یک جنبه از جنبه های بهره کشی و استثمار اقتصادی را برای ما آشکار می سازد، یعنی نکوهش اجناس و کالاها در هنگام خرید برای پایین آوردن بها، و ستایش آنها در هنگام فروش برای بالا بردن نرخ...»⁽³⁾

«این همان شیوه های تبلیغی برای بازاریابی است، که امروز به صورتی گسترده در جریان است و شیوه های امپریالیسم تبلیغی را تشکیل می دهد، و هزینه های بسیار کلانی برای آن پرداخته می شود. تنها در سال 1964، 150 میلیارد دلار صرف تبلیغات شده است و در سال های بعد نیز روندی صعودی داشته است.» شهید آیت الله دکتر سید محمدحسین حسینی بهشتی می گوید: «... آن چیزی که دزدی است و منجر می شود به اینکه عده ای بتوانند رگ های نامرئی برای جذب ارزش های تولیدی دسترنج کار مغزی و یدی دیگران،

ص: 103

1- نهج البلاغه، ص 298.

2- شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج 1، ص 339.

3- فضل الله لبنانی، سیدمحمدحسین، الحیاه، ج 3، ص 526.

ایجاد و انبار کنند، همین سود سرمایه بازرگانی است. در این سود خرید و فروش ها، آن مقدار که در برابر حق الزحمه خریدار و فروشنده، منشی و حسابدار، و کارگر و هزینه تلفن، و امثال آن است جای اشکال نیست، اما کسی که می گوید بدین حساب که او هزار تن، خرید و فروش کرده است، فلان مقدار می خواهد، و اگر صد تن، بود با همان مقدار کار 10% آن سود را می خواهد، صحیح نیست. این همان سود سرمایه ظالمانه ای است که مردود است... از تتبع قسمت مهم روایاتی که از عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه (سلام الله علیها) اجمعین در زمینه آداب تجارت داریم، به خوبی درمی یابیم که سودی که در کسب برای خود در نظر می گیرد معادل حق الزحمه ای است که عادلانه باشد... و بیش از این از نظر ماهیت اقتصادی، نوعی ظلم است، و هیچگونه تفاوتی با ربا ندارد...»(1)

دستیابی به اینگونه سودهای ظالمانه، با سیستم مبادلات انحصاری، ممکن می شود که شرکت ها و مؤسساتی بر کل بازارها سیطره یابند، و با اتحاد درباره قیمت ها و قیمت گذاری ها به توافق برسند و رقابت ها و رقیبان را از میان ببرند، رقابت هایی که ممکن است در تنزل نرخ ها یا تصاعد نرخ مواد خام تاثیر داشته باشد و رفاه حال مصرف کنندگان و یا فروشندگان مواد خام (مثلا نفت) را موجب گردد.

«... امروزه به خوبی می توان نشان داد که شرکت های چند ملیتی در کشورهای خود، قدرت اصلی و تعیین کننده در امور اقتصادی و سیاسی اند، و با حرکت به سوی وحدت استراتژیک و شراکت با یکدیگر در سرمایه و تولید، به قدرت اصلی و تعیین کننده در امور اقتصادی جهان و به این سبب در امور سیاسی و نظامی دنیا در آمده اند... و این در حالی است که مقاومت های محلی و ملی در درون مرزهای ملی در برابر موج تمرکز سرمایه، روز به روز ضعیف تر می شود...»(2)

ص: 104

1- شهید بهشتی، اقتصاد اسلامی، ص 60-62.

2- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص 28، 1391_1392.

در نظام سرمایه داری، حتی برای از میان برداشتن دیگران، گاه کالای خود را با قیمتی بسیار نازل می فروشند و از این طریق، تولید کننده محلی را که رقابت با این کالا را از دست می دهد، از میدان بیرون می کنند. (راپینگ) این شیوه ها و راه کارها با سراسر تعالیم اسلامی در تضاد است؛ زیرا اینگونه امور، مبادله و بازرگانی سالم نیست؛ بلکه مکیدن خون انسان ها و قتل و کشتار عمومی است، کشتاری با سلاح های نامرئی کشتار جمعی، و بسیار کشنده تر از سلاح های شیمیایی و میکروبی.

قرآن کریم، تعبیر بسیار گویایی در این زمینه ها دارد، که برآستی اعجاز است. قرآن، در آیه "تجارت و تجویز سود تجاری، نخست از ستمکاری و ظلم و بیراهه روی در مبادلات، سخن می گوید و کلمه جامع «باطل» را به کار می برد: «لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل(1) اموالتان

را در میان خود بناحق (راههای باطل) مخورید». مراد از خوردن، همین گردش کالا و پول ها و انواع داد و ستدهاست. پس از این «اکل باطل» مبادله منطقی و انسانی و اسلامی را مطرح می کند: «الا ان تکون تجاره عن تراض منکم؛(2) مگر دادوستدی باشد با رضایت شما (خریدار و فروشنده). در این فراز، شرط اصلی مبادله اسلامی، رضایت طرفین معامله شمرده شده است که به ضرورت، سودهای عادلانه را در بر می گیرد و سودهای بی حساب و انحصاری شرکت های سرمایه داری را مردود می شمارد؛ زیرا در اینگونه سودها (که برآستی قدرت و اختیار را از خریدار، سلب می کند و او را بخاطر نبود "آزادی" در رقابت و عرضه کالاهای متنوع و متفاوت از نظر قیمت) خریدار مجبور می شود که کالای خاصی را با نرخ ویژه ای بخرد و در این صورت، هیچگاه رضایت طرفین تحقق نمی یابد. این، «تراضی» نیست؛ بلکه تنها رضایت فروشنده قوی است و خریداری ضعیف که کالایی را به چند برابر قیمت خریده است، چگونه می تواند از نتیجه این داد و ستد، راضی و خشنود باشد؟

ص: 105

1- نساء/سوره 4، آیه 45.

2- همان

پس از این دو فراز، فراز سومی در آیه کریمه آمده است که ماهیت و جوهر اینگونه مبادلات را روشن می سازد: «و لا تقتلوا انفسکم؛ و خودهاتان (یکدیگر) را مکشید» در اینجا براساس رابطه بندها و فرازهای آیات، این قتل نفس و کشتن افراد یکدیگر، با نظام مبادلاتی که در دو فراز نخست این آیه، مطرح گردیده است، ارتباط دارد. این قتل، بی تردید، قتل اقتصادی و با سلاح اقتصادی است. یعنی آنگاه که مبادله بصورت های ظالمانه و باطل، صورت گرفت و نرخ گذارها آزاد بود، توده های مردم به تدریج تهیدست می گردند و تنها اقلیت سرمایه دار است که سودهای بی حساب می برند و اموال که طبق تعبیر پیامبر بزرگوار اسلام (ص)، در حکم خون است: «احترام مال مؤمن چون احترام خون اوست»⁽¹⁾

آری ای عزیز بزرگوار با توزیع و مبادلات اقتصاد لیبرالیسم سرمایه داری؛ سود ناحق این عامل حیاتی از دست اکثریت ربوده می شود و به جیب اقلیت روانه می گردد و اکثریت را دچار کمبود و کم خونی می سازد و تعادل جامعه بدینسان برهم می خورد و حیات همگانی، آسیب های جدی می بیند. این است که قتل نفوس پس از مبادله و بازرگانی قرار گرفته است، و به تعبیر آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، عامل حیاتی در جامعه (داد و ستد) به عامل تباهی و ویرانگری تبدیل می شود: «... ظلم انسان طبق تعبیر قرآن کریم که توده ها را از برکات زندگی و خیرات آن، محروم ساخته است، در مبادله نیز سرایت کرده، تا آنجا که مبادله را دگرگون ساخته و تغییر شکل داده است، و آن را وسیله بهره کشی و پیچیدگی کرده است... مبادله دیگر وسیله ای نیست که نیازهای توده ها را برآورده سازد و به جای اینکه واسطه بین تولید و مصرف باشد واسطه بین تولید و اندوختن شده است. از این رهگذر وضع ظالمانه مبادله موجب فجایع و انواع بهره کشی ها (استثمار) گردید، بسان همان فجایع و بهره کشی هایی که اوضاع ظالمانه توزیع در جوامع برده داری و فئودالی، یا در جوامع سرمایه داری و کمونیستی پدید آورد»⁽²⁾.

ص: 106

1- شیخ مفید، محمد بن نعمان، اختصاص، ص 343.

2- صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، ص 364_365.

این بیدادگری‌ها همه در سایه آزادی اقتصادی لیبرالیستی پدید می‌آید و توده‌ها را مجبور می‌کند که به نرخ‌های ساختگی (نه طبیعی) آنان تن دهند و به مغاک فقر و محرومیت کشیده شوند. نیز شهید صدر می‌گوید: «... این منع قاطع امام (علیه السلام) (در عهدنامه مالک اشتر) از "احتکار"، به معنای خواست شدید اسلام نسبت به از میان بردن سودهایی است که براساس قیمت‌های ساختگی استوار است، و در جریان احتکار سرمایه‌داری پدید می‌آید. سود پاک (مشروع)، سودی است که از راه بهای واقعی مبادله کالا به دست می‌آید و این قیمتی است که براساس سود کالا و مقدار قدرت طبیعی و خارجی آن به دست می‌آید، با دور افکندن جریان کمیابی ساختگی که سرمایه‌داران و بازرگانان محتکر با تسلط بر جریان عرضه و تقاضا آن را ایجاد می‌کنند.»⁽¹⁾ این شیوه‌های انحصاراتی را، آیت‌الله شهید مرتضی مطهری نیز مردود و نامشروع می‌شمارد: «از نظر اسلام، تشکیل «تراست» قطعاً ممنوع است و تشکیل «کارتل» چون به منظور ایجاد تضییق و بازار سیاه از لحاظ فروشنده است، ممنوع است.»⁽²⁾

در مجموع نظام سرمایه‌داری لیبرال از طرفی به ظاهر با پدیده فقر و بی‌عدالتی مبارزه می‌کند؛ اما همان‌گونه که آمارها نشان می‌دهد، فقر و بی‌عدالتی در حال رشد و گسترش است. این امر بدان علت است که ماهیت نظام سرمایه‌داری لیبرال از جهات مختلف از جمله توزیع و مبادلات ناعادلانه؛ بیکاری، فقر و بی‌عدالتی را تولید می‌کند... اما نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای توزیع و مبادلات را در فعالیت‌های اقتصادی سامان می‌دهد که مانع ایجاد بیکاری، فقر و بی‌عدالتی می‌شود. در نتیجه همه مردم از سطح کفاف زندگی بهره‌مند می‌شوند و توازن ثروت و دارایی در جامعه محقق می‌شود.

7) منشأ حق و عقل در اقتصاد سالم:

در ره حق شوربود یک حساب* وفق عقول من و تو و کتاب

ص: 107

1- صدر، سیدمحمدباقر، الاسلام یقود الحیاه، ص 49_50، وزاره الارشاد اسلامی.

2- مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، ص 359.

آنچه که اصل است به هر اقتصاد * منشا حق است به صد اعتماد

عقل وفا پیشه که از دیر باز * داشت به حق رمز و رموز دوراز

لیک به نفس جرات گفتن نداشت * چاره به جز راز نهفتن نداشت

چون ز حق، وعده وصلش شنید * با سر و هم جان به سویش دوید

گفت دو صد جان به فدایش کنم * هر چه که دارم از آتش کنم

نفس چو دید این همه جانبازی اش * رو به خدا رفتن و بی باکی اش

کرد یقین کین همه از بهر اوست * قطع امید کرد و مغلوب اوست

حق و تعقل مورد عنایت ویژه قرآن کریم است. از منظر قرآنی، استفاده از «عقل جمعی» و مشورت با صاحب نظران برای تدبیر امور اجتماعی و رسیدن به حق یک اصل مهم در جامعه توحیدی است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»⁽¹⁾ و کارهایشان به صورت مشورت در میان آن هاست. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، یادآور شده که از ویژگی های مؤمنان آن است که ایشان اهل رشد و رسیدن به واقع هستند و برای دست یابی به نظر صحیح، اهتمام به مراجعه به عقول دارند.⁽²⁾ همچنین آیه الله جوادی آملی اظهار داشته که در اموری که از قبیل «امرالله» نمی باشند و بلکه «امرالمسلمین» محسوب می شوند (لزوماً) دستورالعمل خاصی از ناحیه شریعت نمی رسد، بلکه مسلمانان از راه مشورت با یکدیگر و استفاده از حاصل تأملات و تعقلات، به تدبیر امور خود می پردازند؛ مثلاً، در

ص: 108

1- شوری: 38

2- محمدحسین طباطبائی، المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، 1391 هـ.ق، ج 18، ص 63

مورد این که در چه جایی از کشور لازم است سد ساخته شود و این که نوع آن چگونه باشد (خاکی باشد یا غیر آن) باید از تجارب و نظرات افراد صاحب نظر استفاده کرد.⁽¹⁾

در قرآن کریم، علاوه بر طرح مسأله «شورا» به عنوان یکی از ویژگی های مؤمنان و اشاره به لزوم بهره گیری از «تعقل» برای تدبیر امور (اقتصادی، سیاسی و...)، در مواردی نیز تلویحاً کاربرد تجارب بشری یادآوری شده است. در آیه 17 از سوره مبارکه «رعد» در مقام مَثَل زدن برای حق و باطل و بقای حق و زوال باطل، «کف آب» و «کف حاصل از ذوب فلزات» را مطرح کرده، می فرماید: «وَمَا يُوقِدْنَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيهِ وَهُوَ مَتَاعٌ زَبَدٌ مِثْلَهُ...»؛ و از آنچه (در کوره ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کف هایی مانند آن (کف آب) به وجود می آید. این آیه مبارکه به این مطلب اشعار دارد که امثال عملیات ساخت کوره، ذوب فلزات و زدودن ناخالصی آن ها و به کارگیری فلزات در امور زندگی، که حاصل تجربه و تعقل انسان هاست، یک روش جاری در جامعه اسلامی است و از همین قبیل است: «وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَاتِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.»⁽²⁾ و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت که در دشت هایش، قصرها برای خود بنا می کنید و در کوه ها، برای خود خانه ها می تراشید. بنابراین، نعمت های خدا را متذکر شوید و در زمین، به فساد نکوشید. در این آیه مبارکه نیز تصرّف در منابع طبیعی برای تدارک امور معیشتی، که مستلزم به کارگیری دانش و تجربه بشری است (مانند ابداع ابزارها و شیوه های مناسب برای ساختمان سازی)، خاطر نشان شده، و اشعار دارد بر این که این عمل، یک روش جاری در جامعه است.

مجموعه این آیات انسان را به این مطلب رهنمون می سازد که در جامعه اسلامی، شیوه های عقلایی لازم برای رسیدن به حق و بهره گیری از امکانات و قابلیت های به

ص: 109

1- برگرفته از درس تفسیر معظم له در سال تحصیلی 78-79.

2- اعراف: 74

ودیعه نهاده شده در طبیعت از یک سو، و استفاده از عقل جمعی و تدبیر عقلایی امور امت اسلامی از سوی دیگر، در کنار تقه در دین و التزام عملی به معارف و حیانی، مورد پذیرش و تأکید قرآن کریم است. مع الوصف براساس برداشت های گوناگون از جهان هستی و تفسیر های مختلف از مقوله های اساسی هستی همانند ربوبیت خدای متعال، جامعه، تاریخ و انسان، آرای گوناگونی درباره منشأ ایجاد حق بین صاحبان اندیشه و مکاتب مختلف ارائه شده است. از نظر حقوقدانان مسلمان، این امر نیز با تفسیر خاصی مواجه است. نویسندگان کتاب «درآمدی بر حقوق اسلامی» می نویسند: «از آنجا که قانون گذاری در اسلام مخصوص خدا است، به همین دلیل از هر جهت کامل بوده می تواند جوامع بشری را اداره نماید. حقوقدانان مسلمان، با شناختی که از عدالت داشته اند: اعطاء کل ذی حق حقه، و حقوق افراد را نیز منحصر می دانسته اند به آنچه شریعت مقدس اسلام برای هر فرد قائل شده که عین عدالت است، درباره معیار عدالت و اینکه در موارد مختلف چگونه می توان حق افراد را مشخص نمود، بحث نکرده و خود را بی نیاز دیده اند؛ به همین جهت تمامی کوشش حقوقدانان مسلمان صرف تفسیر قوانین شریعت مقدس اسلام از کتاب و سنت گردیده است و چیزی به عنوان فلسفه حقوق نیز کمتر در میان علمای اسلام مطرح شده؛ بنابراین کتابی مستقل در این زمینه تألیف نکرده اند.»

درواقع این ها معتقدند که آن چه در زمین و آسمان ها هست، از آن خدا است و نیز انسان خلیفه خدا در زمین و در برابر خدای متعالی مسئول و پاسخگو است. هنگامی که انسان در برابر نحوه استفاده از اموال پاسخگو و مسئول است و اموال به صورت امانت در اختیار او قرار داده شده است، پس فقط در مسیری که خدای متعالی تعیین کرده، حق استفاده دارد؛ بنابراین فقط خداوند حق دارد که چگونگی و حق همه افراد را درباره اموال و ثروت های جامعه تعیین کند؛ چراکه او به همه مصالح انسان ها و جوامع بشری عالم است. او حکیم مطلق است و همچنین در تعیین حق سهم بری از دارایی ها هیچ گونه هوا، طمع، ترس و ... در او راه ندارد و فقط براساس مصالح انسان ها و جوامع، حقوق انسان را در اموال و دارایی ها تعیین کرده است. امام کاظم به همین مطلب اشاره دارند: «همانا خدای

متعالی هیچ یک از اصناف اموال را وانگذاشته، مگر آن که آن را تقسیم و حق هر صاحب حقی را عطا کرده است. حق خاصه، عامه، بیچارگان، مسکینان و تمام گروه های مردم را داده است؛ آن گاه فرمودند: اگر بین مردم عدالت اجرا شود، همه مردم بی نیاز می شوند؛ سپس فرمود: عدالت، شیرین تر از عسل است و فقط کسی که عدالت را نیکو می شمارد، به عدالت رفتار می کند.»

استاد شهید مرتضی مطهری درباره معیار عدالت (حق) و منشأ ایجاد حق می فرماید: «چگونه بین انسان و شیء رابطه خاصی پیدا می شود که نام آن حق است؟ سبب، یا فاعلی است یا غایی. براساس جهان بینی اسلامی، بین مواهب و نعمت های خدادادی عالم و انسان، رابطه غایی وجود دارد؛ یعنی یک نوع شعور کلی بر نوامیس عالم حاکم است که چیزی را برای چیزی دیگر به وجود می آورد و اگر دومی نبود، اولی به وجود نمی آمد. در قرآن کریم مکرر تصریح می شود که براساس ناموس خلقت، نعمت های عالم برای انسان آفریده شده است. این مواهب مال انسان و حق او است. قرآن می فرماید: «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً»؛ کما این که تفکر فلسفی، ما را به سمت رابطه غایی خلقت انسان و مواهب الاهی هدایت می کند؛ یعنی مواد غذایی و انسان برای یکدیگر آفریده شده اند؛ بنابراین این حق را قانون خلقت و آفرینش، مقدم بر قانون شرع قرار داده است. هم قانون خلقت و هم قانون شرع از جانب خداوند است و خداوند قانون شرع را هماهنگ با قوانین فطرت و خلقت مقرر فرموده است و معنای فطری بودن دین نیز همین است. رابطه غایی یک رابطه کلی و عمومی است. از این نظر، هیچ کس بالفعل حق اختصاصی ندارد. همه مردم چون مخلوق خدا هستند، حق در زمین دارند و کسی نمی تواند مانع استیفای دیگری بشود و همه چیز را به خود اختصاص دهد.»

حضرت امیر(ع) نیز در سخنان فراوانی به این رابطه غایی تصریح می کنند که به یک نمونه آن اشاره می شود: «بدانید زمینی که شما را بر پشت خود حمل می کند و آسمانی که بر سرتان سایه گسترده است، فرمانبردار پروردگار شما هستند. ... خداوند آن دو را فرمان داده که به شما سود رسانند و آن دو هم اطاعت کرده اند. زمین و آسمان را برای مصالح

شما بر پای داشته و آن دو نیز بر پای ایستاده اند.» هنگامی که علت غایی آفرینش نعمت های الهی، بهره مندی مردم از آن ها و تامین رفاه عمومی باشد، اگر نعمت ها به گونه ای توزیع شود که بسیاری از انسان ها از مواهب فراوانی بی نصیب شوند، نقض غرض از آفرینش نعمت ها خواهد بود و این خود دلیل روشنی بر انحراف مسیر توزیع است؛ اما انسان ها با چه شرایطی حق استیفا از حقوق و نعمت های الهی را می یابند؟ این جا تکلیف و حق به هم گره می خورد و فعلیت حق استیفا بر اثر انجام وظیفه و تکلیف تحقق می یابد و پای رابطه فاعلی به میدان کشیده می شود. رابطه فاعلی ذی حق با حق بدین نحو است که ذی حق مورد حق را خودش برای خودش به وجود می آورد؛ برای مثال کسی درختی را روی زمین می کارد و از آن مراقبت می کند تا میوه دهد. رابطه این شخص و آن میوه، رابطه فعل و فاعل است؛ یعنی فاعلیت او سبب شده که این میوه پدید آید؛ بنابراین حق او است که از ثمره کار خودش استفاده کند؛ پس کار، منشأ ایجاد حق برای بهره مندی از نعمت های الهی است؛ یعنی حق بهره مندی از مواهب الهی با تکلیف کار گره خورده است و حق استیفا و انجام تکلیف با هم تلازم دارد. رابطه غایی انسان با مواهب الهی سبب حق بالقوه انسان با مواهب الهی است که با انجام تکلیف و وظیفه (کار) فعلیت یافته، می تواند بهره مند شود.

امام علی(ع) درباره تلازم تکلیف و حق می فرماید: «خداوند بر عهده شما در برابر وظیفه حکمرانی من بر شما، برای من حقی قرار داد و برای شما نیز بر من در برابر اطاعت شما حقی است، همانند آن چه برای من است بر شما؛ بنابراین حق، وسیع ترین اشیا در توصیف و بیان است و در عمل مجال آن تنگ و سخت. حقی برای کسی نیست، مگر آن که بر عهده اش هم حقی هست و به عهده کسی حقی نیست، مگر آن که برای او و به نفع او هم حقی هست و اگر کسی برایش حقی است، ولی بر عهده اش حقی نیست، تنها خدای سبحان است، نه دیگری از آفریدگانش.» آیات فراوانی دلالت دارد که کار، منشأ حق برای انسان در اقتصاد، ثروت و دارایی جامعه می شود: «... للرجال نصیب مما اكتسبوا»

و للنساء نصيب مما اكتسبن...» مردان از آن چه به دست می آورند، بهره ای دارند و زنان نیز از آن چه به دست می آورند، بهره ای دارند...

شایسته توجه است که در شریعت اسلامی، هنگامی کار منشأ حق و مالکیت افراد می شود که در چارچوب ضوابط تعیین شده از طرف شریعت انجام گیرد؛ از باب مثال، معامله ربوی حرام است؛ اما این معامله افزون بر حرام و گناه بودن، منشأ حق و مالکیت برای هیچ یک از دو طرف معامله نمی شود؛ بنابراین هرانسانی براساس رابطه غایی با نعمت های الهی، بالقوه حق استیفا از نعمت های الهی را دارا است. این حق استیفای بالقوه براساس رابطه فاعلی انسان با نعمت های الهی و با انجام کار و تکلیف به فعلیت می رسد و منشأ حق استیفا، بالفعل می شود.

از دیدگاه اسلام، افزون بر کار، نیاز نیز عامل دیگری است که منشأ ایجاد حق برای نیازمندان می شود و حق استیفا از نعمت های الهی را برای آنان بالفعل می کند. نیازمندان دو گونه اند: یک دسته کسانی هستند که به هیچ وجه امکان کارکردن ندارند، همانند اطفال بی سرپرست، معلولان جسمی و فکری، سالخوردهگان و بیماران. دسته دیگر از نیازمندان توان کار و تلاش دارند و کار هم می کنند، اما محصول دسترنج آن ها برای تأمین نیازهای آن ها کافی نیست. هریک از این دو دسته سهم خود را از ثروت های جامعه از طریق سهم بری از بیت المال و اموال ثروتمندان استیفا می کنند. خمس، زکات، انفال، فی و مالیات های دیگر، از بیت المال به شمار می رود و نیازمندان جامعه حق دارند از آن استیفا کنند و حاکم و دولت اسلامی باید حق آن ها را از بیت المال ادا کند. امیر مؤمنان در نامه خود به مالک اشتر دستور می دهد تا از بیت المال به افراد طبقه پایین جامعه از جمله مسکینان، نیازمندان، بینوایان و زمینگیران بدهد و نیازهای آن ها را برطرف کند و تصریح می کند این افراد در بیت المال حق دارند و به مالک دستور می دهد افراد امینی را برگزیند تا نیازمندان را شناسایی و آن ها را از بیت المال بی نیاز سازد و نیز، خداوند متعالی در قرآن می فرماید: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ...» آن چه را خداوند از اهل

این آبادی-ها به رسولش باز گرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا [این اموال عظیم] میان ثروتمندان شما دست به دست نشود....

همچنین آیات و روایات فراوانی بویژه از امیر مؤمنان(ع) وجود دارد که نیازمندان جامعه در اموال ثروتمندان حق دارند. حضرت در روایتی می فرماید: «به درستی که خداوند متعالی بر ثروتمندان واجب کرده است تا از اموالشان به قدری که فقیران را بی نیاز کند، به آن ها پردازند؛ بنابراین اگر فقیران تلف شوند یا به مشقت بیفتند یا برهنه بمانند، به سبب آن است که اغنیا از پرداخت اموال خود به آن ها خودداری می کنند؛ پس خداوند به همین جهت، روز قیامت از آن ها حساب می کشد و آن ها را به عذابی دردناک گرفتار می کند.»

شایان ذکر است که اگر ثروتمندان جامعه حقوق واجب مالی خود همانند خمس، زکات و ... را ادا کنند، اما فقیران جامعه تأمین نشوند، حکم و جوب تأمین نیازمندان جامعه به صورت یک واجب کفایی از عهده ثروتمندان ساقط نمی شود و باید از اموال خود افزون بر حقوق واجب مالی آن، مقداری به فقیران بدهند تا آن ها نیز بی نیاز شوند. امام صادق فرمودند: «همانا خداوند عزوجل برای فقیران در دارایی ثروتمندان به مقداری که آنان را بی نیاز کند، سهمی قرار داد. اگر این مقدار برای فقیران کافی نبود، سهم آنان را زیادتر می کرد. به درستی که گرفتاری فقیران بدان سبب است که حق آنان را نپرداخته اند.»

از طرفی تفکر سرمایه داری و راه کارهای آن، از موانع شکوفایی خرد ناب انسانی است، که داده های عقل آدمی را در زیر لایه های سنگین و تیره حب مال و آمال، مدفون می سازد و روشنگیری های او را فرو می پوشاند و بدین سانند همه دلبستگی های افراطی و حب و عشق های سرکش که در راه عقل و بررسی ها و روشنگری های او مانعی عظیم پدید می آورد. منظور از عقل، عقل انسانی است. عقلی که برای انسان ها ارزش قائل است، و جانداران و گیاهان و حتی مواد بیجان را حرمت می نهند. عقلی که خوب و بد و زشت و زیبا را می شناسد، و به ارزش های اخلاقی و اصول نوع دوستی و دیگر خواهی فرا می خواند، عقلی که از درد و رنج دیگران رنج می کشد و به اندوه اندوهگینان، غمگین

می‌گردد. عقلی که خودخواهی و خودپرستی را محکوم و مردود می‌شناسد و فراخوان به دیگر دوستی‌ها و انسانگرایی‌ها است.

این عقل، منظور است که با عشق‌های مادی و دلبستگی‌های مال‌اندوزی بتدریج کم‌فروغ می‌شود تا بکلی از کار بیفتد؛ نه عقل‌ابزاری استوار بر محور سودپرستی و خودخواهی. بنابراین، نیرنگ‌بازیها و زیرکی‌های سودجویانه و نقشه‌کشی‌های برخاسته از خودخواهی و خودمحوری، منظور نیست، که با همه بی‌تعهدا و مسئولیت‌شناسی‌ها و قانون‌شکنی‌ها نیز سازگار می‌افتد و همه ارزش‌های اخلاقی و معیارهای انسانی را در راه جلب منافع، زیر پا می‌نهد و با ترفندها و حيله‌گری‌ها، هر مرز و حریمی را می‌شکند و بر هر فضیلتی گام می‌گذارد، و آن را پیروزی به حساب می‌آورد. این حسابگری‌های مادی در منطق دین، نیرنگ و سالوس و شیطنت است.

تفکر سرمایه‌داری لیبرال، با این عقل انسانی، ناسازگار است. چون تلاش‌های اقتصادی آنگاه که از اهداف تامین نیازهای انسانی و رفاه همگانی دور گردد و مال‌اندوزی، هدف شود و آزمندی پدید آید، فرصت فکر کردن درباره همه چیز جز افزایش سود و سرمایه را از انسان می‌گیرد و از همدمی با خرد و دریافت فروغ آن باز می‌دارد، و دیگر نمی‌تواند از این فروغ، برای بازسازی خود از تلاش دایم در طلب مال، و بیرون آوردن آن از چنگ دیگران، بهره‌مند گردد. و بدینگونه خرد انسانی از روشنگری حق و ارائه نیک و بد و انسانی و ضدانسانی، باز می‌ماند و در چاله حساب‌گری‌های مادی مدفون می‌شود. در هر صورت بر خلاف نظر لیبرالیسم به سبب رابطه غایی آفرینش نعمت‌های الهی که در آیات و روایات فراوان تصریح شده است و درک عقلی و فهم عرفی نیز آن را به حق می‌پذیرد، باید فقیران جامعه از اموال جامعه که در اختیار ثروتمندان قرار دارد، بهره‌مند شوند.

(8) نقش علم و دانش در ایجاد اقتصاد سالم:

ص: 115

دان که نقش علم و دانش در فنون کار و نان * می کند غوغا به پا در اقتصاد این جهان

این علوم بوده ز آن روز ازل با صد نشان * چون که دون علم نباشد اقتصادی بی گمان

مضمون رباعی مزبور بیانگر این است که طول عمر اقتصاد، به میزان طول عمر آفرینش انسان بوده است؛ چرا که کم و کیف مسائل اقتصادی هر چند بصورت کاملا اولیه و ابتدایی از روز اول خلقت برای بشر قابل فهم و درک بوده است. لذا بشریت از همان ابتدا با افکار و دانش اولیه خود در جهت استفاده از طبیعت حرکت نموده است و مرحله به مرحله بر علم و دانش خود افزوده است. و اما جدای از این بحث؛ در ابتدا و به عنوان مقدمه به جرات باید گفت که قسمت عمده ای از مشکلات جهان اسلام ناشی از حاکمیت علوم انسانی غربی است و تا وقتی این اصلاح نشود اوضاع آنها درست نمی شود. مقام معظم رهبری به حق فرمودند: مبانی علوم انسانی غربی بر الحاد مبتنی است، که این جمله ای بحق و تاریخی است؛ وقتی سیستم آموزشی؛ علوم تربیتی، اقتصاد، روانشناسی، جامعه شناسی و .. همه غربی و الحادی اند نمی توان توقع داشت که دولتمردان و متصدیان امر که از درون چنین سیستم آموزشی ای بیرون می آیند بتوانند مجری احکام الهی در جامعه باشند! به عبارت بهتر، مشکل این است که حتی علوم فنی مبتنی بر مبانی انسان شناسی الحادی است. مثل انواع مهندسی ها که پیش فرض هایشان انسان شناختی و ریشه در علوم انسانی غربی و الحادی دارد و در دانشگاههای ممالک اسلامی تدریس می شود.

باید توجه داشت که علوم انسانی غربی نگاه انسان به علم را تغییر داد و امثال فرانسیس بیکن ها تفسیر از اصل علم را تغییر دادند، چرا که نگاه سنتی به علم در جوامع انسانی عبارت بود از اینکه عالم برای آنکه می داند علم ارزشمند است، آن را فرا می گیرد. یعنی دانستن و پی بردن به حقایق عالم ارزش دارد؛ اما بعد از رنسانس، ارزش علم مشروط شد به قدرتی که به انسان می بخشد و این نیست جز نگاه ابزاری به علم در حالی که نظرگاه اسلام در این باره کاملا متفاوت است و علم را برای تعالی و کمال می خواهد.

از این رو، تلاشی که برای رفع مفاسد مختلف در برخی خواص می شود تا زمانی که علوم انسانی متحول نشود راه به جایی نمی برد. مع الوصف در اقتصاد هم همین طور است و اساس اقتصاد غربی نگاه ابزاری به انسان دارد و بر حاکمیت تمایلات و شهوات نفسانی پای می فشارد. وقتی اینها حل نشود تحولی رخ نمی دهد.

در هر حال اهتمام و توجه ویژه به فراگیری علم و دانش در همه عرصه ها از جمله اقتصاد بر کسی پوشیده نیست و حدیث مشهور «طلب العلم فریضه علی کل مسلم، طلب علم و دانش بر هر مسلمانی لازم است.»⁽¹⁾ بر همگان آشکار است و گویای توجه ویژه اسلام به آموختن علم و دانش است. حضرت علی علیه السلام نیز در حدیثی فرمودند: «ایها الناس اعلموا ان کمال الدین طلب العلم و العمل به الا و ان طلب العلم اوجب علیکم من طلب المال؛ ای مردم بدانید که کمال دین طلب علم و عمل بدان است، آگاه باشید برآستی طلب علم از طلب مال بر شما واجب تر است.»⁽²⁾ روشن است که کسب علم و دانش یکی از عناصر محوری پیشرفت و توسعه هر کشور در زمینه های مختلف از جمله زمینه های اقتصادی است. - «علم اقتصاد نوعی مطالعه و بررسی است که با آن می توان از منابع کمیاب و محدود برای تأمین نیازهای رقیب (و نامحدود) حداکثر استفاده را به عمل آورد.» علم اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع محدود برای برآورده کردن هرچه بیشتر نیازهای زیاد بشر است. علم اقتصاد علم کشف رابطه بین پدیده های اقتصادی است. نیازهای بشر یا علاقه به توسعه و رفاه باعث پیدایش و رشد علوم بخصوص علم اقتصاد شده است. "تدبیر منزل" یا تدبیر معاش تعریف درستی بوده که ابتدا برای علم اقتصاد گفته اند. امروز تخصیص بهینه منابع می گویند که همان مفهوم است. اقتصاد علم مطالعه رفتار اقتصادی افراد (حقیقی و حقوقی) است. مصرف کننده اغلب بدنبال افزایش مطلوبیت خویش است. تولید کننده با هدف کسب درآمد و سود به تولید همت می گمارد .

ص: 117

1- اصول کافی، ج 1، ص 82

2- همان، ص 84

علم اقتصاد شیوه بهینه تولید، توزیع و مصرف را تبیین می کند، چگونه تولید شود که با کمترین هزینه بیشترین محصول حاصل شود. چگونه توزیع شود تا رفاه جامعه حداکثر شود. تحلیل مصرف بر این اساس که چگونه تقاضای بهینه مصرف کننده تحت تاثیر عوامل مختلف شکل می گیرد نیز در حوزه علم اقتصاد قرار دارد. علم اقتصاد ابزار بهینه سازی وضعیت اقتصادی (فرد و جامعه) است که در چارچوب قیدها و محدودیت های مکتب اقتصادی و با در نظر گرفتن ملاحظات نهادی عمل می کند. به عبارت دیگر رعایت قوانین مکتب و قواعد نهادهای اجتماعی حیطه تبیینی علم اقتصاد در هر جامعه است.

علم اقتصاد مثل هر علم دیگری سیر تکاملی دارد. این علم مبتنی بر شرایط زمان و مکان و نیازها و تجربیات بشر است. براساس فرضیاتی نظریاتی داده می شود که گاهی درست است یا لاقبل در مقطعی درست عمل می کند و گاهی هم نیست. در هر صورت این علم در فرایند زمان و تجربیات بشر تغییر می یابد و کامل می شود. علم اقتصاد نمی تواند مبنای قضاوت های ارزشی قرار گیرد، زیرا خواستگاه مسائل ارزشی مکتب است و علم اقتصاد صرفاً به روابط علت و معلولی بین پدیده ها می پردازد. (1)

به بیانی «علم اقتصاد»، بیانگر اصول و قواعد کلی حاکم بر رفتار اقتصادی انسان ها است و در واقع ماهیت کشفی دارد؛ نه هنجارگذاری. به عبارت دیگر، علم اقتصاد ماهیت توصیفی (Descriptive) دارد، نه هنجاری (Normative)؛ مثلاً علم اقتصاد می آموزد که ارزش (Value) اضافی، تابعی از نظام عرضه و تقاضا (Supply Demand) است. به موجب این قاعده، فزونی عرضه بر تقاضا، موجب کاهش قیمت و زیادهای تقاضا بر عرضه، موجب بالا رفتن قیمت ها می شود. این انگاره به عنوان یک واقعیت، در تفسیر چگونگی تعیین قیمت ها در مناسبات اقتصادی، در دانش اقتصاد بیان می شود. اما اینکه آیا ما مجاز هستیم، برای بالابردن قیمت ها از عرضه کالاها مورد نیاز مردم، خودداری نموده و آنها را احتکار کنیم یا نه، پاسخی در علم اقتصاد ندارد؛ بلکه این مکتب اقتصادی است که

ص: 118

تعیین کننده است. لیبرالیسم اقتصادی، بر اساس آرمان های مرکانتلیستی و سوداگرایانه و بر اساس آموزه «لسه فر» (Laissez Fair) آن را تجویز می کند و مکتب اقتصادی دیگری بر اساس آرمان عدالت گرایانه، آن را نفی می کند. بنابراین حکومت دینی - مانند هر حکومت دیگری - می تواند از علم اقتصاد در برنامه ریزی های اقتصادی بهره مند شود؛ اما روش های برگزیده را با هنجارهای دینی، هماهنگ می سازد و روش های همساز با ارزش های دینی را توصیه و تجویز می کند.

به بیانی اقتصاد از علوم انسانی است و رفتار انسانها را در زمینه تولید، توزیع، مبادله و مصرف مطالعه می کند. رفتار انسانها برخاسته از فرهنگ و هنجارهای آنهاست. انسانها موجودات فرهنگی هستند و موجودات فرهنگی آنچنان رفتار می کنند که می اندیشند و پشتوانه اندیشه های آنها و یا در پس اندیشه شان دنیایی نهفته است. نکته اینکه ماهیت داده های علوم انسانی با داده های علوم طبیعی، تفاوت جوهری دارند. ماهیت داده های علوم انسانی اختیاری است؛ حاصل اختیار انسانهاست. همراه با اراده انسانها تحقق پیدا کرده است. ماهیت داده های علوم انسانی از جمله اقتصاد این است که هدفدار است و هدفی را تعقیب می کند و بر خلاف داده های علوم طبیعی که با اراده تحقق پیدا نمی کند، اراده ای از ناحیه خود آنها نیست و تحت تأثیر فرهنگها شکل نمی گیرند؛ مثلاً ترکیب آب از یک مولکول اکسیژن و دو مولکول هیدروژن است، اینطور نیست که تحت تأثیر فرهنگها و ارزشها و هنجارها متحول بشود؛ مثل به جوش آمدن آب در صددرجه حرارت یا تأثیرپذیری فلزات از حرارت. آنچه که قواعد و قوانین علوم طبیعی نامیده می شوند تحت تأثیر هنجارها و ارزشها و تفاوت جوامع بشری و تفاوت عصرها و نسل ها متفاوت نمی شوند. در علوم طبیعی، ماهیت قوانین علوم انسانی نیز با ماهیت قوانین علوم طبیعی تفاوت جوهری دارند. در حالیکه علوم انسانی در پی کشف رابطه علی و معلولی می باشد. رابطه بین دو پدیده را به عنوان یک رابطه ای که میان آنها ضروری است. دنبال می کند. گرچه بعضی تصور کرده اند در علوم انسانی، رابطه ها از همین جنس است و به دنبال پیدایش مکانیزم رفتار به عنوان روابط ضروری علی و معلولی هستند، اما واقعیت

چنین نیست. چون هر اقدامی از ناحیه هر انسان، منبعث از اراده اوست و همه رفتارهای بشری از اراده آنها سرچشمه می‌گیرد، پس این رابطه ضروری در رفتار انسانها، یک واسطه دارد و آن واسطه، اعمال اراده انسانهاست و این سنخ قوانین علوم انسانی را با سنخ قوانین علوم طبیعی متفاوت می‌کند، به تعبیر دیگر قوانین علوم طبیعی، کشف شده از یک رابطه ضروری حاکم بر پدیده‌ها هستند، ولی قوانین علوم انسانی، کشف شده از روابطی هستند که در پدیده‌های علوم انسانی، انسانها با اعمال اراده خود برقرار کرده‌اند و هیچ‌گونه رابطه ضروری در اینجا وجود ندارد.

البته این رابطه با اینکه ضروری نیست، وقتی حالت اجتماعی پیدا می‌کند، قانونمند می‌شود و به عنوان قانون، قابل عرضه است. نکته دیگر این است که روش تحقیق و مطالعه در علوم انسانی، متفاوت از روش تحقیق و مطالعه در علوم طبیعی است. در علوم طبیعی بطور معمول از آزمایشگاه استفاده می‌شود و عنصری را، یا رابطه‌ای را در آزمایشگاه مورد مطالعه قرار می‌دهند. محقق، شرایط آزمایشگاه را به گونه‌ای برقرار می‌کند که عاملی را بتواند حذف کند و اثر حذف این عامل را مشاهده کند، یا عاملی را بتواند بیفزاید و اثر افزودن این عامل را مشاهده کند. همچنین در کوتاه مدت می‌توان آزمایش را تکرار کرد، اما در علوم انسانی و از جمله اقتصاد؛ با یک جامعه سیال بشری روبرو می‌گردد، به عنوان مثال در مطالعات اقتصادی، آزمایشگاه در اختیار محقق نیست؛ گرچه بعضی از محققین خواسته‌اند نمونه‌های جوامع کوچکی را ایجاد نمایند و آنها را محل آزمایشگاه خودشان قرار بدهند، ولی اصولاً چون اینجا یک عنصر آزاد به نام اراده بشری وجود دارد آن آزمایشگاه، آزمایشگاهی شبیه آزمایشگاههای علوم طبیعی و تجربی به آن معنا نیست. پس روش تحقیق در علوم انسانی ناگزیر با روش تحقیق در علوم طبیعی متفاوت خواهد بود، گرچه در اینجا از تجربه استفاده می‌شود، اما این تجربه، به کلی با تجربه در علوم طبیعی متفاوت است. یک نکته دیگر هم اینکه مبانی اقتصاد لیبرالی با مبانی اقتصاد اسلامی متفاوت است. از جمله مبانی اقتصاد لیبرالی دئیسم است، نفی ربوبیت خدا. «دترمینسیم» است یعنی جبرگرایی. بر پایه همین مبنای فلسفی برخی

معتقدند، قوانین طبیعی و جبری بر رفتار انسانها حاکم است. این باور در تفکر کلاسیکی، در تفکر فیزیوکراتی و تاحدودی در تفکر نئوکلاسیکی هم حاکم است، گرچه پاره ای از اقتصاددانان جدید به صورت جدی این را مورد انتقاد قرار داده اند. یکی از مبانی اقتصاد لیبرالی، «اومانیزم» است. در این دیدگاه انسان به خود واگذار شده و رها شده است، فردگرایی Individualism مبناست، جامعه هویتی ندارد، تنها مجموعه ای است از افراد به هم پیوسته، هویت جمعی در تفکر اقتصاد غربی وجود ندارد. فرد است که آزاد است، فرد است که تصمیم می گیرد و دنبال منافع خودش است، فرد است که در پی حداکثر ساختن نفع یا لذت خودش است. اگوست کُنت هرگونه شیئی را که قابل حس نیست، قابل معرفت ندانست و تفکرات او تا زمانی نیز مبنای اقتصاد غرب بوده است. البته در یکی دو دهه اخیر تفکرات متفاوتی از این مقوله در غرب پیدا شده است. و از دیگر مبانی تفکر تجربه گرایی (پوزیتیویسم) یعنی تکیه مطلق بر تجربه است و این که چاره ای برای علمی شدن یک علم به جز تجربه نیست. و تجربه، آن را یا ابطال و یا اثبات می کند. بالا-خره آنچه غیر تجربی است، غیر علمی است و از جمله مبانی تفکر آنها رشنالیسم (Rationalism) است. رشنالیسم در تفکر غربی به معنای استفاده از عقل ابزاری است برای دست یافتن اهدافی که آن اهداف را علم و عقل تعریف نمی کند. آفقط این عقل می گوید چگونه به آن هدف می شود دست یافت. عقل کلی نیست؛ عقل مدرک حجیت وجود خداوند نیست. اقتصاد لیبرالی متکی بر سیانتیسم (Scientism) است، البته این خود، وجه دیگری از پوزیتیویسم است و مبتنی است بر سکولاریسم یعنی نفی ارزشها و زدودن ارزشها. آقای فریدمن گفته است که ما در علم اقتصاد بر حذف هرگونه هنجار و ارزش تعمد داریم. بسیار خوب، این جداکردن علم از ارزش است، همچنانکه در صحنه جامعه، تلاش برای جدا کردن دین از دنیا و جداکردن حکومت از هرگونه هنجار است، اما مبانی اقتصاد اسلامی ربوبیت الهی، اختیار انسان و محوربودن خداست. جمع بین فرد و جمع است. تکیه بر حس - عقل - و الهام است. تکیه بر تجربه و تعقل است، جمع بین عقل و وحی است، جمع بین علم

تجربی و ارزشی است، جمع بین دنیاگرایی و آخرت گرایی است و این دو مبانی، کاملاً متفاوت است.

از طرفی در ادبیات توسعه اقتصادی، مرسوم است که ارتباط میان دانش و توسعه اقتصادی، در چهارچوب عناوینی همچون «بهره وری از منابع انسانی» و یا در محدوده «آموزش و رشد اقتصادی» بررسی گردد. از لحاظ تاریخی، ریشه این بحث را در نیمه دوم قرن بیستم می توان یافت که خود، ناشی از مباحث مربوط به «منابع تولید» و «عوامل رشد درآمد ملی» بوده است. در نظر اقتصاددانان، عامل آموزش در این روزگار، نه فقط از این جهت که ارزشی اخلاقی است، اهمیت دارد، بلکه به آن دلیل نیز مهم است که از ارکان توسعه اقتصادی است. این نظریه تقریباً به حد اجماع رسیده است و کتابی را در زمینه توسعه اقتصادی نمی توان یافت که با عناوین گوناگون، همچون «به کارگیری نیروها در زمینه آموزش و بهره وری از منابع انسانی» به این مسأله پرداخته باشد. از جنبه عملی هم پیشینه کشورهای جهان، نظام آموزش رایگان و اجباری را در سطح ابتدایی، و گاه سطوح بالاتر، جاری ساخته اند.

از این گذشته، کشورهای پیشرفته صنعتی، پای را از مرحله آموزش رسمی فراتر نهاده و سالانه بودجه های سنگینی را به پژوهش ها و بررسی های جدید علمی اختصاص داده اند.

در مجموع می توان گفت: «از تجربه کشورهای پیشرفته، می توان به این حقیقت پی برد که جوامعی که به کیفیت نیروی انسانی توجه کرده و افرادی سالم، متخصص، و با مهارت تربیت نموده اند، از جنبه های مختلف به پیشرفت دست یافته اند و از آن میان، جوامعی که به پژوهش های علمی و بررسی های کاربردی، به طور عام، و تحقیقات در علوم پایه، به شکل خاص، اهتمام ورزیده اند، در عرصه برابری نیروهای سیاسی و اقتصادی جهان، از جایگاهی برجسته و نقشی ممتاز برخوردار گشته اند»⁽¹⁾

ص: 122

امروز، بیش از هر زمان دیگر، آشکار شده که علم نقش اول را در رشد اقتصادی ایفا می کند. در این حقیقت هرگز نمی توان تردید کرد، حال آن که اسلام پیش از چهارده قرن قبل، آن را اعلان کرده بود. پیامبر مکرم اسلام (ص) می فرمایند: « خیر دنیا و آخرت، با علم تأمین می شود و شر دنیا و آخرت، آمیخته با جهل است »⁽¹⁾ و در حدیث گرانقدر دیگری می فرمایند: « هر کس بر پایه ای جز دانش رفتار کند، بیش از آن که اصلاح کند، فساد به بار می آورد. »⁽²⁾ تازه در غرب از علم و دانش و همچنین آموزش نیروهای کار آمد نه به عنوان یک ارزش انسانی؛ بلکه برای بهره وری بیشتر و سود بالاتر برای سرمایه داران استفاده می کنند...

مع الوصف ای عزیز بزرگوار، هیچ کس نمی تواند درباره پیوند مثبت و سازنده میان علم و پیشرفت اقتصادی تردید به خود راه دهد؛ اما با این حال، نمی توان این حقیقت مهم را انکار کرد که چنین پیوندی کاملاً پیچیده و بسیار سخت است.⁽³⁾ برای سهولت بخشیدن به این کار بس دشوار و هموار کردن راه سخت آن، باید این نکات را در نظر گرفت:

1) ضرورت ارتباط میان ذخیره علمی و سرمایه فنی: ذخیره علمی و معرفتی آن گاه می تواند در رشد اقتصادی سهم داشته باشد که به سرمایه فنی تبدیل گردد. در غیر این صورت، رشد علمی به تنهایی ارزش ندارد و نمی تواند در این زمینه به دستاوردی نایل گردد. در کشورهای پیشرفته، مؤسسات پژوهشی و علمی متکفل ایجاد این پیوند هستند؛ زیرا هم به نیازهای علمی واقفند و هم به تازه ترین دستاوردهای دانش جدید آگاهی دارند و می توانند رشد منسجم برخاسته از پیوند علم و صنعت را تأمین سازند.

2) ضرورت توازن میان ذخایر علمی و مادی: به ویژه در کشورهایی که با تنگنای مالی مواجه هستند، ذخیره سازی علمی کاری ساده و کم بها نیست. بنا براین، هر گونه به

ص: 123

1- مشکاه الأنوار: 691/239، روضه الواعظین: 17، بحار الأنوار: 23/204/1.

2- الکافی: 3/44/1، تحف العقول: 47، المحاسن: 314/621/1 بحار الأنوار: 77/150/87؛ من لا یحضره الفقیه والمتفقّه: 1/19

3- سرمایه گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی، ص 243.

کارگیری نیرو در زمینه آموزش و پیشرفت علمی، هم نیازمند سرمایه گذاری مادّی است و هم متوقّف به کند کردن جریان ذخیره سازی مادّی، در حالی که سیر رشد اقتصادی، علاوه بر نیروی انسانی، نیازمند ذخایر و سرمایه های مادّی نیز هست. از این رو، باید جریان سرمایه گذاری در زمینه آموزش، بر خطّی همسو و متوازن با سرمایه گذاری مالی حرکت کند، به گونه ای که هر دو به شیوه ای منسجم پیش روند.

3) هماهنگ سازی دانش و فن با نیازهای ملّی: کشورهایی که سهمی پایین از رشد علمی دارند، می کوشند تا علوم و فنون را از کشورهای پیشرفته به سرزمین خود انتقال دهند تا به پیشرفت علمی دست یابند. باید در نظر داشت که این انتقال به هدف اصلی خویش، یعنی رشد اقتصادی پایدار، دست نخواهد یافت، مگر آن که با تحوّل در بنیه علمی داخلی همراه گردد و پدیده تولید علم را با نیازهای داخلی هماهنگ سازد و آن را به رنگ و نشان وطنی درآورد، به گونه ای که تولید علم، پدیده ای داخلی و متناسب با وضع همان سرزمین شود؛ وگرنه، صرف انتقال و ذخیره سازی بخشی از معلومات بدون همراهی با تحوّل در بنیه علمی، نمی تواند به رشد اقتصادی کمک کند. در صورتی که این هماهنگی حاصل نشود، دانشمندان آن سرزمین نمی توانند آن چه را آموخته اند در عرصه عمل به کار گیرند و بدین سان، شکافی میان آموزش و رشد پدید می آید و ارتباط لازم بین این دو حاصل نمی گردد. به عکس، این گونه آموزش می تواند ذاتاً ضدّ رشد باشد. یکی از بارزترین زیان های این شیوه آموزشی، فرار مغزها و ذخیره های ارزشمند انسانی به خارج است؛ ذخیره هایی که با اموال و سرمایه محرومان و مستضعفان حاصل شده اند!

در این جا مناسب است به موضوعی که بعضاً مطرح می شود اشاره شود و آن این که آیا علم اقتصاد و مکتب اقتصادی در تعارض اند؟ در پاسخ به این مطلب باید گفت که اسلام دین علم و معرفت است. چه علم دین و چه علوم متعارف که به عنوان ابزار می توانند در خدمت اهداف و آرمان های دینی باشند. هیچ عاقلی با علم منطقی و متعارف (که حداقل بوسیله دین امضا شده باشد) مخالفت نمی کند. البته عده ای بدون استدلال و منطق درست فقط علم و بویژه علم اقتصاد متعارف موجود را مورد حمله قرار می دهند. اینها بعضاً نه علم

اقتصاد را درست فهمیده اند و نه در دین ریشه یابی درستی دارند. عده ای دیگر افراد عالم اند که صادقانه و عالمانه نقد می کنند و با غور در متون و منابع اسلامی، مفاهیم را ریشه یابی و در واقع دستورات و قواعد دینی را استخراج و ارائه می کنند که این کار بسیار شده است. یافته های این نوع از تحقیقات در حوزه مکتب اقتصادی اسلام و در حیطه فلسفه اقتصاد دینی است.

و اما از مهم ترین توصیه های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بحث علم و پژوهش است که در آن اشاره به این شده که اقتدار و عزت یک کشور در گرو بحث و مسائل علمی است. قطعاً زمانی که بتوان به این باور در جامعه رسید که امروز مهم ترین سرمایه هر کشوری، سرمایه نیروی انسانی است، بسیاری از موضوعات حل خواهد شد؛ بالاخص اینکه این نیروی انسانی به سلاح علم و دانش مسلح شده باشد و از تکنولوژی های روز دنیا آگاهی داشته باشد، طبیعتاً می تواند تمام گره ها و مشکلات کشور را در حوزه های مختلف با اتخاذ راه حل های مناسب مرتفع کند. از سوی دیگر همین نیروی انسانی امکان این را دارد که بتواند علم را به ثروت و سرمایه مالی تبدیل کرده و به طور کلی یک اقتصاد دانش بنیان را برای کشور به ارمغان بیاورد.

خودباوری حاصل از انقلاب اسلامی از بُعد سیاسی و اجتماعی یک شخصیت و هویت جدیدی به ملت داد و همین خودباوری در دانشگاه ها منجر به یک حرکت شجاعانه شده و باعث شد جسارتی صورت بگیرد که در زمینه های علوم جدید و تحقیقات و فناوری ورود پیدا کند. دانایی و توانایی دوروی یک سکه هستند. به عبارتی اگر در کشور دانایی افزایش پیدا کند، توانایی را نیز به دنبال خود خواهد داشت. قطعاً حوزه ها می توانند در این توسعه نقش بسزایی داشته باشند.

اساساً ساختار علمی کشور باید ساختار پژوهش محور باشد؛ یعنی نباید ساختار مدرک محوری باشد که صرفاً بخواهد به تعدادی مدرک کارشناسی، ارشد و دکتری محدود باشد اما تحول علمی و تحول اجتماعی ایجاد نکند. یقیناً این ظرفیت وجود دارد که بتوان در

برخی حوزه های علمی حتماً به مرجعیت علمی در جهان تبدیل شد؛ زیرا هم توان لازم برای بهره گیری از فناوری و صادرات آنها و اقتصاد دانش بنیان وجود دارد و هم می توان به سوی مرجعیت علمی حرکت کرد. دیدگاه رهبر انقلاب در دراز مدت این است که ایران باید به مرجعیت علمی در دنیا برسد و در زمره ی کشورهای پیشرفته در زمینه های علمی باشد. اگر بخواهیم در تجاری سازی هم مانند رشد علمی ارتقا یابیم باید از ظرفیت های جوانان استفاده کنیم. (1)

به عنوان حسن ختام این موضوع جدای از بحث خاص اقتصاد؛ بصورت کلی در خصوص پیشرفتهای علمی با عنایت به سخنان مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در پراکنش باید گفت: انقلاب اسلامی با میدان دادن به جوانان و دانشمندان این استعدادها را شکوفا ساخت و از حالت رکود و عقب افتاده و وابسته به کشوری مستقل و در حال پیشرفت و برخوردار از موفقیت ها تبدیل کرد. مقایسه پیشرفت های علمی دانشگاه ها در چهل سال اخیر با قبل از انقلاب، حیرت آور است، نخبگان ایرانی در این زمینه «رستاخیز علمی» ایجاد کرده اند. معظم له فرموده اند:

«بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه شگفتی ناظران جهانی شد»

9) جایگاه و اهمیت عدالت در اقتصاد سالم:

دان عدالت می کند غوغا به پا در اقتصاد * چون که با آن اقتصاد گیرد قوام و امتداد

جایگاه اقتصاد اندر زمین و آسمان * می شود محکم همیشه با ندای عدل و داد

ص: 126

1- اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (ره)

در خصوص مضمون این رباعی پیرامون جایگاه و اهمیت عدالت در اقتصاد سالم معروض می دارد که اولاً طول عمر عدالت، به میزان طول عمر آفرینش انسان است؛ چرا که حسن ذاتی عدالت از روز اول خلقت برای بشر قابل درک بوده و از همان ابتدا از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. ثانیاً همه نخبگان فکری، صاحبان اندیشه و ادیان الهی به ویژه دین اسلام، بر تحقق عدالت در همه ابعاد زندگی مخصوصاً اقتصاد تأکید فراوان دارند؛ اما هیچگاه بین نخبگان و مکاتب فکری در مفهوم عدالت، روشها و راههای تحقق آن، توافقی حاصل نشده است. یکی از مهمترین آموزه های اسلام در همه ابعاد زندگی که در متون دینی فراوان از آن سخن به میان آمده است، عدل و عدالت است. توضیح اینکه عدل به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود و مبنای همه امور است و خداوند همه چیز را بر عدل استوار کرده است برپایی همه ی امور به عدل و استواری همه چیز به آن است و همه چیز با عدل سنجیده می شود. عدالت یکی از اصول پنج گانه منابع شیعیان به شمار می آید. عدالت همواره مطلوب همه انسانهای کره خاکی بوده و است. بدین جهت اصل «عدالت» یکی از بنیانی ترین معارف قرآن کریم است؛ و رعایت عدالت و برقراری قسط در شؤون فردی و اجتماعی انسان ها، از جمله فعالیت های اقتصادی، یکی از اهداف بسیار بلند اقتصاد اسلامی محسوب می شود: «لقد ارسلنا رُسُلنا بِالْبَيِّنَاتِ وَ انزلنا معهم الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ انزلنا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ»⁽¹⁾ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است. نحوه بیان اهمیت فراوان «قسط» در این آیه شریفه از لطافت و عنایت شایانی برخوردار است؛ هم فرو فرستادن «میزان» (که ابزار و شاخص برقراری قسط است) در کنار فرو فرستادن «کتاب» (که دارای جلالت و عظمت بسیار زیاد است)، و هم برشمردن برقراری عدالت از اهداف ارسال رسولان الهی، نشانگر اهمیت زایدالوصف اصل عدالت از دیدگاه قرآن کریم است.

ص: 127

و نیز در آیه 15 سوره «شوری» به صراحت، مأموریت یافتن پیامبر اکرم(ص) برای برقراری عدالت در بین مردم مطرح شده است: «اَنِّي اُمْرٌ لِّاعْدَلْ بَيْنَكُمْ» (من مأمورم در میان شما عدالت کنم (به عدل و داد رفتار کنم).) و در آیه 135 سوره مبارکه «نساء» نیز مؤمنان مؤکداً مأمور به برپایی قسط شده اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملاً به عدالت قیام کنید. و در آیه 90 سوره «نحل» هم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»؛ خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد. همچنین قرآن کریم در خصوص داد و ستد بر مبنای عدالت و قسط با تأکید فراوان، یادآور شده است: «... وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ الْأَتَّظَعُوا فِي الْمِيزَانِ وَاقِيمُوا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَخْسِرُوا الْمِيزَانَ»⁽¹⁾ و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (... و از مسیر عدالت منحرف نشوید) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان

را کم نگذارید. «اَوْفُوا الْكَيْلَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ احْسِنُ تَأْوِيلًا»⁽²⁾

هنگامی که پیمانۀ می کنید، حق پیمانۀ را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است. «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»⁽³⁾ و بر اشیا (و اجناس مردم) عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید.

مع الوصف ای عزیز بزرگوار بنا بر آیات مزبور آنچه که موجب پیشرفت و تعالی همه انسانها می باشد عدالت خواهی و عدالت ورزی است. در این راستا بدون هر گونه تعصب باید اذعان و اعتراف کرد که نظام اسلامی برای رسیدن به اهداف روشن خود در ابعاد گوناگون اقتصادی و با موفقیت به آرمانهای بلند خود دست خواهد یافت. چرا که نظام اسلامی قانون مند است و معتقد است که با استفاده از عقل و وحی بر مبنای اخلاق اسلامی و بر اساس "حکم به العقل حکم به الشرع و یا حکم به الشرع حکم به العقل" می توان اقتصاد سالم را با محوریت عدالت محقق کرد.

ص: 128

1- الرحمن: 1-9

2- اسراء: 35

3- هود: 85

توضیح اینکه عقل در کشف حقیقت برای برپایی عدالت مشوق انسان است و اگر این مشوق عملکرد مثبتی نداشته باشد؛ عدالت رنگ واقعی خود را نشان نمی دهد و بی عدالتی حاصل جهل انسان می شود. جهل ویروسی است که اگر در وجود انسان رشد یابد حق و حقیقت را محو و به دنبال آن خسارت جبران ناپذیری ایجاد می کند. «و اذا جاءك الذین یؤمنون بایا تنا فقل سلام علیکم کتب ربکم علی نفسه الرّحمة انه من عمل منکم سوءا بجهاله ثم تاب من بعده و اصلح فانه غفور رحیم» (1) زمانی که مؤمنین به آیات ما نزدیک شدند و مفهوم آیات را درست و بجا در عمل پیاده کردند ما بر آنان درود می فرستیم ولی اگر از روی جهالت عمل زشتی را انجام دادند و سپس توبه کردند و از زشتی عمل خود را دور ساختند و عقل را به جای جهل بکار گرفتند باید بدانند که خداوند آمرزنده است.

واژگان ظلمت و نور، حق و باطل، کوری و بینایی، فقر و ثروت، مرگ و حیات، متضاد یکدیگرند که حسن و قبح عقلی مرز تشخیص این واژه هاست. تضاد این واژگان محلّ آزمون الهی است و باید برای رسیدن به کمال انسانی عقل را که حجت الهی است شاخص قرارداد و از افراط و تفریط جلوگیری کرد تا عدالت که رنگ خدایی است جامه عمل به خود گیرد. اگر هدف شناسایی حسن و قبح عقلی باشد مطمئناً انسان بسوی جهاد اقتصادی با موفقیت حرکت می کند. به تشخیص عقل عملی حسن حق و قبح ظلم مشخص می گردد. عقل حجت شرعی دارد و حکم عقل عادلانه است و آنجا که عقل سالم حکم دهد محال است که شرع نهی از عدالت کند. رسول باطنی عقول انسانهاست که راهنمای بشریت بسوی شریعت است، و شریعت برگرفته از حاکمیت خدا و قانون خدا بر جهان است، و آنچه که خداوند دوست دارد اقامه عدل و قسط است.

خداوند می تواند تمام جهان را بدور از فساد و ظلم، بصورت یکنواخت نگه دارد؛ بگونه ای که بشر سرگردان نباشد و هرچیز و هر کس در مسیر عدالت باشد. ولی حکمت الهی اقتضاء می کند که خیر و شر در عرض و طول بندگی بشر حرکت کند تا حق جویان و

کمال خواهان راستین راه درستی و عدالت را بیابند. «تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ»⁽¹⁾ آفرینش خداوند تعالی و کلام زیبای او بدون نقص و بدون هر شک و شبهه است. اگر به آیه مورد نظر توجه داشته باشی متوجه می شوی که خداوند تعالی عدل را بعد از صدق عنوان می فرماید که صدق راهی است بسوی رستگاری بشر و دور ماندن از خیانتها و ظلمها و چپاولگری ها و انسان در این صفت باطنی و ظاهری تبلوری از نور خداوندی و امامت و ولایت است که حجب های زمانه حاکم بر انسان را دور می سازد تا عدالت در مفهوم واقعی خود پرتو افشانی کند. زیرا بعد از راستگویی و بابرپایی عدالت دیگر جای نگرانی نیست و باید مطمئن بود که کلمات الهی که بیان کننده حق و حقیقت است جا بجا نخواهد شد و انسان با اصلاح نفس خود می تواند خود را آماده پذیرش دستوره های الهی نماید.

آری ای عزیز بزرگوار، قرآن کریم در آیات مختلف اجرای عدالت را چه در این دنیا و چه در آخرت از اصول دین الهی یادآور شده و همگان را به عدالت ورزی فرا خوانده است. به سبب اهمیت رفتار عادلانه در سعادت فرد و جامعه است که خدای متعالی می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...» ای کسانی که ایمان آوردید! عدالت را بپا دارید. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» خداوند به عمل به عدالت و نیکی کردن فرمان داده است. در سوره ی نحل آیه 90 آمده است: «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان امر می کند و از فحشا و منکر و ظلم و ستم نهی می کند. خداوند به شما اندرز می دهد شاید متذکر شوید» و در سوره یونس آیه 4 آمده است: «بازگشت همه شما به سوی اوست. خداوند وعده حقی فرمود: او آفرینش را آغاز می کند. سپس آن را باز می گرداند، تا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند به عدالت جزا دهد، و برای کسانی که کافر شوند، نوشیدنی از ماقع سوزان است و عذابی دردناک، به خاطر آنکه کفر می ورزیدند.»

ص: 130

و نیز در آیه 25 سوره حدید آمده است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط» براسی پیامبران را با دلایل روشن روانه کردیم و با آنان کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردمان به دادگری برخیزند. میزان به معنی وسیله وزن کردن و سنجش است یعنی چیزی که تمام اعمال انسانها را می توان با آن سنجید و آن احکام و قوانین الهی است که معیار سنجش نیکبها و بدبها، ارزشها و ضد ارزشها است. نکته ای در جمله «لیقوم الناس بالقسط» می باشد و آن این است که از خود جوشی مردم می گوید، نمی فرماید هدف این بوده که انبیا انسانها را وادار به اقامه قسط کنند؛ بلکه می گوید هدف این بود که مردم مجری قسط و عدل باشند. لذا اصل عدالت یکی از مقیاس های اسلام است. کلمه قسط که به معنای عدالت است، به معنای میانه روی و اعتدال در امور و از افراط و تفریط دور بودن است. قسط به معنای نصف و انصاف آمده است که بهره عادلانه را گویند و این است که سهم و بهره هر صاحب حقی داده شود و هرکس به حق خویش برسد. همه ارزشها درگرو عدالت است.

مع الوصف یکی از تدابیر مهم برای رسیدن به اقتصاد آرمانی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت، پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر اساس ضوابط اسلامی است. در این راستا یکی از شیوه های مدیریت علوی که زبانزد خاص و عام بوده است، توجه به اجرای عدالت در تقسیم اموال بیت المال است، به گونه ای که ایشان میان افراد جامعه هیچ تمایزی قائل نبودند؛ بنابراین حکومت اسلامی، باید برنامه های اقتصادی خود را با توجه به عدالت و دادگستری در جامعه اجرا نماید تا حقی تضییع نگردد و از هرگونه ظلم و ستم در حق افراد ممانعت شود. (1) امام با اجرای عدالت در تقسیم بیت المال، خطاب به مردم فرمودند: «به خدا قسم من از بیت المال شما در همی برای خود برنخواهم گرفت....» (2)

ص: 131

1- حسینی نسب، ب یتا: 29 / 1

2- کلینی، 1407 ق: 182 / 8

آن حضرت در اولین اقدام پس از رسیدن به حکومت، فرمودند: به خدا سوگند اموالی را که عثمان از بیت المال به خویشاوندانش بخشیده را در هرکجا که بیابم، به صاحبان اصلی آن بازخواهم گرداند؛ گرچه با آن ازدواج کرده یا متفرق شده باشند؛ زیرا در عدالت گشایشی برای عموم مردم است و آن کس که عدالت به او گران آید، ستم برای او سخت تر است. (1) از این رو از نظر امام، بهترین کار فرمانروایان، برپایی عدالت در آبادی ها است. (2)

این تقسیم مساوی بیت المال در حالی صورت م یگرفت که در دوره قبل از حکومت امام علی (ع)، به دلیل بی عدالتی هایی که صورت گرفته بود قشرهای ضعیف جامعه آسیب پذیرتر از قبل شده بودند. به همین دلیل امام خطاب به مالک اشتر می فرمایند: «برای اینان در بیت المال خود حقی مقرر دار و نیز بخشی از غلات اراضی خالصه اسلام را در هر شهری، به آنان اختصاص ده، زیرا برای دورترین آنها همان حقی است که نزدیک ترینشان از آن برخوردارند» (3) از این جهت است که عدالت امام علی باعث شده است تا جرج جرداق مسیحی هم به این امر اذعان کند و کتاب خود را «امام علی صدای عدالت انسانی» نام گذاری نماید.

به بیانی از منظر حضرت علی (ع) مدیریت کردن این امر در وهله نخست، بر عهده حکومت اسلامی است. امام این حق را فقط مخصوص مسلمانان نمی دانستند بلکه در طول دوره حکومتشان برای غیرمسلمانان نیز اجرا می کردند. نمونه بارز این مسئله را می توان در نامه امیرالمومنین به مالک اشتر که به آن اشاره شد، مشاهده کرد. اگر نگاهی به سیره امام علی (ع) بیفکنی خواهی دید که ایشان همواره به دنبال برقراری اقتصاد صحیح و عادلانه بر اساس ضوابط اسلامی و مبارزه با فقر بودند؛ به طوریکه می فرمایند: در کوفه همه زندگی مناسبی دارند؛ حتی صاحبان پایین ترین شغلها، نان گندم می خورند و سرپناه

ص: 132

1- مسعودی، 1384 : 149 ؛ ابن حیون، 1409 ق: 373 / 1

2- بروجردی، 1386 : 648/22

3- سید رضی، 1414 ق: 438 و 439

(خانه) دارند و از آب فرات می نوشند. (1) بنابراین از خلال سیره عملی آن امام همام در برقراری اقتصاد صحیح و عادلانه، مشاهده می گردد که آن حضرت، اصلی ترین عامل فقر را، نداشتن برنامه ریزی صحیح برای بخش اقتصادی دانسته اند؛ زیرا این امر موجب اختلاف طبقاتی و افزایش فقر می شود. از این رو ایشان برای حل معضل فقر، دو راه درمان ارائه داده اند:

الف) راه درمان کوتاه مدت: کمک های مقطعی به نیازمندان و مستمندان.

ب) راه درمان بلندمدت: پرداخت مستمری از بیت المال به کسانی که توان کار ندارند و ایجاد کار برای افرادی که توانایی کار دارند. از این رو امام به مالک اشتر چنین دستور می دهند: افرادی که توان کار ندارند یا مشکلی دارند، دولت باید برای همیشه از آنان حمایت کند و به آنها مستمری پرداخت نماید و اگر توان کار کردن هم دارند حکومت باید برای کار و شغل آنها برنامه ریزی نماید تا از این مشکلات رهایی یابند. (2)

در هر حال اگر عدالت در جامعه رنگ ببازد همه ارزشها رنگ می بازد. عدالت مایه بقا و سلامت ارزشهای انسانی در جامعه است. عدالت خواهی و بیان سخن حق طلبانه و دادگرانه آنقدر ارزشمند است که چیزی را با آن مقیاس نتوان کرد. امام علی (ع) می فرماید: من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می فرمودند: هرگز پاک و ارزشمند نخواهد شد جامعه ای که در میان آن جامعه بی آنکه در گفتار در مانند، حق ناتوان را از توانا نستانند. بنابر این از اموری که در منابع اسلامی و سخنان معصومان فراوان یافت می شود، اهمیت عمل به عدالت است. خداوند به صراحت پیامبر اکرم (ص) را مامور برپایی عدالت معرفی کرده است. آن حضرت در عمل، به تمام معنا برپا دارنده قسط و عدالت بوده و از همین روست که پیام آور عدالت و رسول هدایت (ص) در خصوص اهمیت عدالت فرموده اند: «ساعتی اجرای عدالت از هفتاد سال عبادت که شبهایش به نماز شب و روزهایش به روزه بگذرد، بهتر است.»

ص: 133

1- ابن شهر آشوب، 1379 ق: 2/99؛ حکیمی، 1380: 4/300 و 5/251

2- سید رضی، 1414 ق: 438؛ هاشمی خویی، 1400 ق: 20/275

آری ای عزیز بزرگوار، رسول خدا(ص) چون به هدایت مردمان برانگیخته شد، به عدالت برخاست و زمینه برپایی مردمان به قسط را فراهم ساخت. باطل را در هم کوبید و زدود و دین حق را که عدالتش فراگیر بود؛ آشکار فرمودند. چنان که علی(ع) در وصف ایشان می فرماید: آشکار کننده حق یا برهان، فرو نشاننده طغیان و درهم کوبنده شوکت گمراهان است. امام علی(ع) می فرماید: بیست و سه سال رسالت پیامبر در این جهت گذشت که عدالت در همه وجوهش آشکار شود. سیره همه پیشوایان حق از خاتم(ص) تا قائم(ع) بر مبنای برپایی عدالت و حق و نیز محو همه آثار ستم و باطل بنا شده است. به عنوان نمونه همانگونه که مطرح شد، سیره امام علی(ع) در حکومت و بویژه در آغاز پذیرش حکومت، گویای اهمیت فراوان عدالت و جایگاه والای آن در اقتصاد اسلامی است. که علاوه بر آنچه مطرح شد، به ذکر برخی دیگر از سخنان ایشان در این باب بسنده می شود: «العدل حیا» عدل سبب حیات است (مایه رفاه و نشاط جوامع است). «العدل قوام الرعیه و جمال الولاه» عدالت مایه استحکام زندگی مردم و زینت حاکمان است. «ان العدل میزان الله سبحانه الذی وضعه فی الخلق و نصبه لاقامه الحق فلا تُخالفه فی میزانه و لا تُعارضه فی سلطانه» به درستی که عدل، معیار و میزان خدای سبحان است که آن را میان مردم قرار داد تا حق را براساس آن بپا دارند؛ بنابراین با خدای متعالی در معیارش مخالفت و با قدرتش معارضه نکن. «بالعدل تتضاعف البرکات» به سبب عدالت، برکتها چند برابر می شود. «بالعدل تَصْلَح الرعیه» به سبب عدالت، زندگی مردم سامان می یابد. «فی العدل الاقتداء بسنه الله و ثبات الدول» در عدالت، پیروی از سنت و روش الهی و استحکام و پایداری دولتها است. «ما عَمِرَتِ البلادُ بمثل العدل» هیچ چیز همانند عدالت سبب آبادانی شهرها نشد.

همچنین گفتار در باب اهمیت عدالت از دیگر معصومان(ع) فراوان است که علاوه بر آنچه مطرح گردید، به چند نمونه آن بسنده می شود؛ امام صادق می فرماید: «العدل احلی من الماء یصیبه الظمان» عدالت از آبی که انسان تشنه به آن دست می یابد، شیرین تر است. العدل احلی من الشهد و البین من الزبد و اطیب ریحاً من المسک : عدالت از عسل

شیرین تر، از مسک نرم تر و از مشک خوشبوتر است. همچنین فاطمه زهراء می فرمایند: «فرض الله العدل تسكيناً للقلوب» خداوند برای آرامش دلها عدالت را واجب کرد. این مختصر سخنان معصومان درباره عدالت، حاوی نکات ارزشمندی است که در ادامه بحث از آن ها استفاده خواهد شد.

هنگامی که مفهوم واژه عدالت را در دو حوزه دانش بشری (فلسفه و کلام) و علوم اجتماعی مورد توجه قرار دهی، دو معنای متفاوت از آن برداشت می شود؛ ولی با این حال در یک بُعد، مفهوم مشترکی دارند؛ یعنی در هر دو حوزه، عدالت صفت فعل و رفتار است. در حوزه فلسفه و کلام، صفت فعل خدای متعالی است. شهید مطهری معنای عدالت را در حوزه فلسفه و کلام چنین بیان می کند: «رعایت استحقاقها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت و به آن چه امکان وجود یا کمال وجود دارد» در حوزه دانش اجتماعی، عدالت، صفت رفتارها، روابط و قوانین بشر است. تمام سخنانی که از معصومان پیش تر درباره اهمیت و جایگاه عدالت بیان کردید، در معنای دوم بوده و در این خصوص، سخن از امام علی (ع) فراوان است؛ بنابراین عدالت اجتماعی آنگاه در جامعه تحقق می یابد که رفتار و روابط اجتماعی بر میزان عدالت تنظیم شده باشد و در حوزه اقتصاد آنگاه می توان گفت اقتصادی عادلانه وجود دارد که رفتارها و روابط اقتصادی عادلانه تنظیم شده باشد.

مفهوم واژه عدالت در سخنان و سیره معصومان (ع) با واژه حق گره خورده است. به نظر می رسد هر جا حقی از کسی ضایع شده که امامان معصوم (ع) در دفاع از آن برمی خیزند یا با صراحت از واژه عدالت استفاده می کنند، به نوعی به معنای واژه حق نظر دارند. در گفتار امامان عدالت در معانی وضع بایسته، رعایت شایستگی ها، رعایت حقوق، رفع تبعیض و بهره مندی به گونه مساوی به کار برده شده است؛ اما در همه اینها به مفهوم واژه حق و درحقیقت رعایت حق و حقوق افراد براساس موازین الهی اسلام نظر دارند. حضرت علی (ع) در نامه ای به اسود بن قتیبه حاکم حلوان می نویسند: « هواها و تمایلات نفسانی حاکم مختلف است. این امر، او را بسیار از دادگری باز می دارد؛ پس باید کار مردم در رعایت حق، نزد تو یکسان باشد؛ چراکه ستم نمی تواند عوض و جایگزین عدل و رعایت

حق باشد.» حضرت در این گفتار، رفتار تبعیض آمیز را مخالف عدالت معرفی می کند؛ ولی رعایت حقوق مساوی افراد را عدل می داند. در نامه 70 نیز می فرماید: «عدالت را شناختند، دیدند و شنیدند، به خاطر سپردند و دانستند که مردم براساس معیار عدالت، در حق یکسانند؛ اما گریختند تا تنها خود را به نوایی برسانند. دور بُوَد، دور از رحمت خدا.» روشن است که حضرت، رعایت یکسان حق را عدالت معرفی می کند.

امام علی(ع) در خطبه دیگری حق مردم را در برابر حاکم و حق حاکم را در برابر مردم اعلام می فرماید و اظهار می دارند که با رعایت این حقوق دو جانبه عدالت نمایان می شود: « هنگامی که مردم حق حاکم را ادا کنند و نیز حاکم حق مردم را بجای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود و راههای دین پدیدار و نشانه های عدالت آشکار و سنت چنانکه شایسته است، اجرا می شود... و اگر مردم بر حاکم چیره شوند یا حاکم بر مردم ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار می گردد و نشانه های ستم آشکار می شود.» محور عدالت و ظلم در روابط مردم و حکومت در این گفتار، رعایت و عدم رعایت حقوق دو طرف شمرده شده است؛ به عبارت دیگر مراعات حقوق، مساوی با عدالت است و عدم رعایت حقوق، ستم شمرده می شود.

نمونه مطالبی که از امام علی(ع) نقل شده است، در سخنان معصومان دیگر نیز وجود دارد. در روایتی از امام باقر آمده است: «همانا خداوند متعالی هیچ بخشی از اموال را وانگذاشت، مگر آنکه آن را تقسیم کرده و حق هر صاحب حقی را عطا کرده است؛ حق خاص افراد، حق عموم، فقیران، مسکینان و حق هر گروهی از گروه های مردم را داده است؛ آنگاه فرمود: اگر عدالت میان مردم برقرار شود، مردم بی نیاز می شوند.» به خاطر آن چه از ظاهر این روایت برمی آید که اگر عدالت بین مردم برقرار شود، مردم بی نیاز می شوند و نیز به سبب آن چه در آغاز روایت آمده که مقصود از عدالت آن است که هر صاحب حقی به حق خود برسد، این سخن بین اندیشه واران اسلامی معروف شده است: «العدل اعطاء کل ذی حق حقه.» این دسته از روایات و تعبیر پیشین که گرفته از روایات است، کاملاً شاهد روشنی است بر اینکه مفهوم عدالت با مفهوم حق گره خورده است. با

توجه به آن چه گذشت، می توان اظهار داشت که مفهوم عدالت، رعایت حقوق است. رفتار و روابط عادلانه، رفتار و روابطی است که براساس حق باشد؛ بنابراین عدالت اقتصادی، یعنی مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی. این امر به صورت هدف اقتصادی، هنگامی کامل محقق می شود که هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند؛ ولی عدالت به معنای رفتار و روابط حق مدارانه در سطح کلان، وصف نظام اقتصادی عادل است که کارکردهای آن به سمت تحقق هدف عدالت اقتصادی است.

در بررسی کوتاه مفهوم واژه عدالت می توان به این نتیجه رسید که اگر رفتار افراد و کارکرد نظام بر محور حق باشد، چنین وضعیتی را عدالت گویند و اگر در جامعه ای، هر یک از افراد به حق خود دست یابند، آن جامعه عدالت مدار است و در حوزه اقتصاد اگر هر یک از افراد به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند، آن جامعه به هدف عدالت اقتصادی دست یافته است. مسأله بسیار مهم و با پیامدهای فراوان، منشأ ایجاد حق اقتصادی برای افراد و جامعه است. و بر عکس هر نوع استعمار و استثمار از مصادیق ظلم است. اگرچه بررسی این بحث مخصوصاً پرهیز از ظلم به کارگر و رعایت عدالت در حق و حقوق وی براساس دیدگاههای گوناگون از جمله لیبرالیسم قابل تامل است.

توضیح اینکه استثمار، در همه اشکال آن، از مصادیق بسیار روشن ظلم و بی عدالتی است و چون ادیان الهی در ماهیت و ذات، فراخوان عدالت و ظلم ستیزند، با استثمار، ستیزی آشتی ناپذیر دارند. این موضوع از اصولی ترین تعالیم پیامبران است که در آغاز دعوت خویش به آن پرداختند، و همراه با دعوت به توحید و مبارزه با کفر و شرک، با استثمار و ظلم و انواع خیانت های مالی، مبارزه کردند: «و یا قوم او فوا المکیال و المیزان بالقسط و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین»⁽¹⁾ ای قوم! پیمانان و ترازو را تمام و به عدل دهید و چیزهای (کار و کالای) مردمان را کم بها مکنید، و همچون تبهکاران در زمین به تبهکاری مپردازید. « پیامبران پس از دعوت به توحید، از سالم سازی

ص: 137

روابط اقتصادی در جامعه سخن گفتند و با ظلم و استثمار حق مردمان، مبارزه کردند. در آیه دیگری این موضوع حیاتی چنین مطرح گردیده است: «یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم فافوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تقسدا فی الارض بعد اصلاحها..» (1) ای مردم! خدای را پرستید شما را خدایی جز او نیست دلیل آشکاری از پروردگارتان به سوی شما آمد، پیمانۀ و ترازو را به تمام دهید، و به چیزهای مردم بهای کم مدهید، و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید.»

امین الاسلام طبرسی درباره این آیه می گوید: «و لا تبخسوا الناس اشیاءهم، ای "لا تقصوا الناس حقوقهم"...؛ حق مردم را کم مکنید، و ایشان را از حقوق شان محروم مسازید» (2) بخص اشیاء ناس، همان کم گرفتن و کم بها دادن به اشیاء مردم است و همه گونه بهره کشی را شامل می شود. چون روشن است که «جمع مضاف» (اشیاء)، مانند کلمه دارای «ال تعریف»، معنای عموم دارد. بنابراین شاید "اشیاءهم"، به حسب مناط، کار همه کارگران و مزد آنان را نیز شامل شود.

بنابراین، بخص و کم بهادادن، چنانکه شامل کالاها و موارد می گردد، شامل کار کارگران و کشاورزان نیز می شود، و در هر دو زمینه، یکی از شیوه های سرمایه داری و ظالمان اقتصادی را با محرومان و مستضعفان، روشن می سازد؛ زیرا چنانکه می شود به کار کارگر، بهای لازم را نداد و از مزد او کاست، همچنین می شود به مواد خام و کالاهایی که محصول کار کارگران و کشاورزان است، نیز بهای لازم را نداد و آن را به قیمت واقعی نخرید. و این «بخص» و کم بها دادن به کار و کالای مردمان است که پیامبران همواره از آن نهی می کردند.

سرمایه داری با تشکیل شرکتهای بزرگ و فرا منطقه ای، و سلطه بر بازارهای جهانی، و خرید و فروش مواد و کالاها، و اعمال شیوه های انحصاری، از ارزش واقعی کالاها می کاهد و به دلخواه، قیمت گذاری می کند. همچنین سرمایه داری با اتحاد و همبستگی

ص: 138

1- اعراف/سوره 7، آیه 85.

2- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج 7، ص 317.

صاحبان صنایع، مزد کارگران را به حق و عدل نمی پردازند و با تباری و دلخواه، سطح دستمزدها را تعیین می کنند، و بدینگونه به کار آنان بهای واقعی پرداخته نمی شود و این استثمار و غصب حقوق و بخش اشیاء ناس است.

همواره در طول تاریخ، این شیوه رفتار مستکبران و توانمندان است که به انواع حق کشی ها دست می یازند و براسستی رابطه اقتصادی در جامعه، رابطه آکل و ماکول اقتصادی است: پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «... من به هر حاکم مسلمان یادآوری می کنم که خدا را فراموش نکند و جانب ضعیفان را بگیرد و همواره در خانه اش به روی مردم باز باشد و گرنه ضعیفان، ماکول قرار خواهند گرفت و خورده خواهند شد.» امام علی (علیه السلام) «... نیرومند آنان فرومایه را می خورد...»⁽¹⁾ موضوع استثمار با تعبیر کلی «ظلم» نیز مطرح گردیده که از مصادیق آن استثمار و بها ندادن به کار انسان هاست. استثمار کار و کارگر و بی عدالتی در حق آنها بطور خاص در احادیث نیز مطرح گردیده و تعبیرهایی کوبنده در آن باره رسیده است. پیامبر رحمت(ص) می فرماید: « هرکس درباره مزد کارگری، ستم کند (به کم دادن، یا دیر پرداختن)، خدا عمل او را باطل می کند، و بهشت را براو حرام می سازد...»⁽²⁾ امام صادق (ع) نیز می فرماید: « پیامبر خدا در هنگام وفات به علی (ع) چنین سفارش کردند: ای علی مبادا در قلمروی تو به کشاورزان، ستم رود...»⁽³⁾

10) راهکارهای تحقق عدالت (توازن اقتصادی و تکافل عمومی)

گر کنی حق را رعایت با توازن در جهان * کار تو باشد مساوات در عدالت بی گمان

در چنین حالی همه بهره برند بی کم و کاست * چون عدالت وفق حق گردید به پا در این زمان

ص: 139

1- نهج البلاغه، ص 272.

2- شیخ صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال، ج 1، ص 281.

3- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 5، ص 284.

توضیح رباعی مذکور اینکه یکی از اصول برقراری اقتصاد سالم در جامعه، بهره برداری عادلانه از منابع و ثروتهای عمومی و بیت المال، برای همه مردم است. این اصل هنگامی تحقق می یابد که امکانات و مواد اولیه طبیعی میان همه افراد جامعه به طور متعادل تقسیم شود. از این جهت در اسلام یکی از معیارهای اقتصاد سالم، آن است که منابع و ثروتهای عمومی در کمال مساوات، در اختیار تمام مردم قرار گیرد. حضرت علی(ع) در این زمینه می فرماید: اگر این اموال از ملک شخصی خودم بود به طور یکسان تقسیم می کردم تا چه رسد به اینکه اینها، مال خدا و مربوط به همه مردم است. (1) در جای دیگر، به مالک اشتر توصیه می کنند: پرهیز از اینکه چیزی را به خود اختصاص دهی که بهره همه مردم در آن یکسان است. (2) از این نامه معلوم می شود که امام ایجاد امکانات مساوی برای همه را مدنظر خود قرار داده بود و در این مسئله به کارگزاران خود هم فرمان می داد که تبعیضی بین افراد نگذارند. همچنین در سیره عملی آن امام همام نیز نقل شده: زمانی دوزن، یکی از اعراب و دیگری از عجم، برای دریافت سهم خود خدمت حضرت رسیدند. حضرت به هر کدام بیست و پنج درهم و یک پیمانه غذا داد. زن عرب اعتراض کرد که: ای امیر مؤمنان! من از عرب هستم و او کنیزی از عجم. آیا هر دو باید مساوی دریافت کنیم؟ حضرت فرمودند: در تقسیم این اموال ترجیحی بین فرزندان اسماعیل و اسحاق نیست. (3)

چنین برخوردهایی را به کرات می توان در سیره امام مشاهده نمود؛ برای مثال، آنجا که آن حضرت هنگام تقسیم بیت المال به کاتب خود، عبیدالله بن ابی رافع فرمودند: نخست مهاجران را یک یک صدا بزن و به هرکس که حاضر شد، سه دینار بده و سپس انصار را صدا کن و به آنان نیز همین اندازه پرداخت کن و با هر یک از مردم نیز، از سرخ و سیاه همین گونه عمل کن. در این هنگام سهل بن حنیف گفت: ای امیر مؤمنان! این

ص: 140

1- سید رضی، 1414 ق: 183؛ مجلسی، 1403 ق: 32 / 48

2- ابن شعبه حرانی، 1404 ق: 147؛ ابن ابی الحدید، 1404 ق: 17 / 113

3- ثقفی کوفی، 1410 ق: 1 / 46 و 70؛ حر عاملی، 1409 ق: 15 / 107

مرد دیروز غلام من بود و امروز آزادش کردم. امام فرمودند: به او هم به اندازه تو می دهیم. (1) از این نمونه های تاریخی، چنین برداشت می شود که امام، میان عرب و عجم فرقی نمی گذاشت و سهم بیت المال هر دو طرف را مساوی عطا می کرد. در مجموع در نظام اقتصادی اسلام با رعایت معیار توزیع - کار و نیاز - راهکارهایی برای تحقق عدالت ارائه شده است. این راهکارها عبارتند از: توازن اقتصادی و تکافل عمومی.

توازن اقتصادی: برای تبیین توازن اقتصادی لازم است که منشأ تفاوت های اقتصادی، دلایل توازن اقتصادی، مفهوم توازن اقتصادی و روش ها و ابزارهای توازن اقتصادی تحلیل و بررسی شود.

الف) منشأ تفاوت های اقتصادی: علاوه بر تبعیض و بی عدالتی ها، منشأ تفاوت ها را باید در ویژگی ها و حالات انسان ها جست و جو کرد. همه انسان ها به لحاظ جسمی و فکری و روحی یکسان نیستند، هرکس از توازن جسمی، فکری و روحی بالاتری برخوردار باشد، به یقین می تواند تلاش اقتصادی بیشتری داشته و از امکانات اقتصادی بیشتری بهره مند گردد. این تفاوت های تکوینی را امیرمؤمنان علی (ع) باعث قوام و استواری زندگی می داند؛ ایشان با اشاره به آیه 32 زخرف می فرمایند: «چون خداوند متعالی براساس حکمت خود بین همت ها و اراده های مردم و سایر حالاتشان تفاوت گذاشت و این تفاوت ها را موجب برپایی زندگی قرار داد ...» خدای متعالی با تفاوت گذاشتن بین همت های مردم تدبیرش را استحکام بخشید.

افزون بر این تفاوت انسان ها در ویژگی های جسمی، فکری و روحی، عوامل دیگری از قبیل حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و ... منشأ تفاوت های اقتصادی افراد جامعه می شود. به سبب تفاوت های بیان شده، تفاوت ثروت و دارایی افراد در جامعه فراوان خواهد بود و بخشی از جامعه در فقر و بیچارگی به سر خواهند برد و از سوی دیگر تعداد اندکی از مردم حجم عظیمی از ثروت و دارایی جامعه را در اختیار خواهند گرفت. این وضعیت هم انواع مفسدات را سبب می شود و هم باعث غایبی آفرینش نعمت های الهی منافات دارد. در ادامه

ص: 141

روشن خواهد شد که اسلام برای از بین بردن این قبیل تفاوت‌ها نیز راهکارهایی ارائه داده است.

ب) دلایل توازن اقتصادی: برای لزوم توازن اقتصادی، ادله فراوان می‌توان ارائه کرد. این ادله، هم فلسفی، هم اقتصادی و هم اخلاقی است؛ همچنین از ظهور برخی آیات و روایات می‌توان لزوم توازن اقتصادی را بهره جست:

1- تمرکز ثروت و دارایی جامعه در دست عده محدودی از افراد جامعه و ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه اسلامی باعث ناهنجاری‌های فراوان اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود؛ به گونه‌ای که کینه‌ها و حسادت‌ها رشد می‌یابد، اخوت اسلامی صدمه می‌بیند و وحدت جامعه اسلامی مورد خدشه واقع می‌شود. حرص، طمع، فخرفروشی مالی و درنهایت غفلت از یاد خدای متعالی در جامعه کاهش می‌یابد؛ همچنین رشوه خواری، دزدی، کلاهبرداری در روابط اقتصادی فراوان خواهد شد.

2- در بحث «عدالت اقتصادی» به عنوان هدف نظام اقتصادی اسلام بیان شد که تفکر فلسفی درباره آفرینش نعمت‌های مادی و رابطه این نعمت‌ها با انسان‌ها این حقیقت را آشکار می‌کند که علت غایی آفرینش نعمت‌های مادی، انسان‌ها هستند؛ یعنی نعمت‌های مادی الهی و انسان‌ها برای هم آفریده شده‌اند. این رابطه غایی یک رابطه کلی و عمومی است. همه مردم مخلوق خدا هستند و نسبت به نعمت‌های مادی الهی حق دارند و افراد نمی‌توانند این نعمت‌ها را به نحوی به خود اختصاص دهند که مانع استیفای دیگران از آن‌ها شوند. پیش‌تر گذشت که این قانون خلقت و فطری را آیات و روایات فراوانی تأیید می‌کند.

3- امیرمؤمنان علی (ع) درباره آیه «فیء» و همچنین توزیع بیت‌المال در خطبه مفصلی می‌فرمایند: خداوند فیء را این‌گونه تقسیم کرد تا این اموال بین اغنیا دست به دست نشود و بقیه مردم از آن محروم نمانند و نیز در خصوص تقسیم بیت‌المال به نحو تساوی بین مردم و عدم ترجیح فردی بر فرد دیگر فرمود: این اقدام را رسول‌الله (ص) انجام داد و من نیز به او اقتدا کردم تا اموال بین اغنیا دست به دست نشود.

حضرت(ع) در این خطبه بسیاری از سنت های رسول الله(ص) را که خلفای پیش از ایشان تغییر داده بودند، نام می برند و می فرمایند که همه آن ها را به جای خود برگرداندم و در خصوص بیت المال فرمودند: «دیوان های بخشش را از بین بردم و من نیز مانند رسول الله (ص) بیت المال را به طور مساوی تقسیم کردم و بیت المال را به نحوی قرار ندادم تا در بین اغنیا دست به دست شود.»

عمر برخلاف رسول الله(ص) در توزیع بیت المال افرادی را بر دیگران ترجیح داد و براساس معیارهایی، به برخی ها خیلی بیشتر از توده مردم پرداخت می کرد و عثمان نیز در دادن بیت المال از هیچ معیاری پیروی نمی کرد و حتی تمام خمس و غنایم افریقا را به یکی از بستگان خود بخشید و این روش ها باعث شده بود ثروت و دارایی جامعه در دست اندکی تمرکز یابد و منشأ فساد اجتماعی در جامعه شود. حضرت(ع) جلو این روش های ناصحیح را بسته و به نحو مساوی تمام بیت المال را بین توده مردم تقسیم کردند و جمله «لم اجعلها دوله بین الاغنیاء» مشعر به علت این اقدام است؛ یعنی برای این که ثروت و بیت المال جامعه بین اغنیا دست به دست نشود و همه مردم از ثروت و دارایی جامعه و بیت المال بهره مند شوند، بین همه به طور مساوی تقسیم کردم. امیر مؤمنان(ع) در ادامه همین خطبه اعلام می فرمایند که ما اهل بیت، مصداق ذی القربی در آیه «فیء» هستیم و این آیه را بیان می کند: «به خدا قسم ما اهل بیت، صاحبان قرابت و خویشاوندی موردنظر قرآن هستیم که خدای متعالی ما را همراه نام خود و پیامبرش در آیه قرآن آورد» و فرمودند: «این دارایی ها از آن خدا و رسولش و اقربای نزدیک او و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان است. این تقسیم(فیء) بدان خاطر است که این اموال بین اغنیا دست به دست نشود و آن چه را رسول خدا به شما داد، دریافت کنید و از آن چه شما را نهی کرد، پرهیز کنید و تقوای خدا را در پیش گیرید که خدای متعالی سخت کیفر است.»

علت حکم در خصوص تقسیم «فیء» و نیز علت در بیان امیر مؤمنان در تقسیم بیت المال که انواعی از درآمدهای دولت اسلامی را شامل می شود، مشعر به این معنا است که از دیدگاه اسلام عدم تمرکز همه ثروت و دارایی جامعه مطلوب می باشد، نه فقط

«فیء»؛ چراکه بیت المال انواعی از دارایی ها را شامل می شود و حضرت امیر(ع) در توزیع بیت المال به طور مساوی می فرمایند: برای این که این اموال بین اغنیاء دست به دست نشود و «فیء» را به هر معنایی بگیریم بیت المال اعم از «فیء» است.

4. به لحاظ اقتصادی، اغنیای جوامع در حال توسعه، ثروت و دارایی خود را به جای پس انداز، غالباً برای خرید کالاها و لوازم لوکس وارداتی و نیز برای تفریح و تفرج در کشورهای سرمایه داری پیشرفته مصرف می کنند؛ در حالی که اگر توازن اقتصادی در این کشورها اتفاق افتد و مردم فقیر نیز از ثروت و دارایی جامعه بهره مند گردند، وضعیت سواد و بهداشت آن ها بهبود یافته و کارآیی نیروی کار افزایش می یابد و تولید رشد می کند؛ همچنین با تحقق توازن اقتصادی، درآمد بخش عظیمی از مردم جامعه فزونی می یابد. با افزایش درآمد مردم، تقاضا برای کالاهای اساسی و ضروری بالا می رود، برای پاسخ گویی به حجم تقاضای ایجاد شده، صنایع پیشرفت کرده و تولیدات افزایش می یابد و در نتیجه تولید ملی رو به رشد خواهد رفت.

ج) مفهوم توازن اقتصادی: واژه توازن اقتصادی در زبان آیات و روایات یا در گفتار فقیهان نیست، اما به ادبیات اقتصادی راه یافته است و برپایه مبانی مختلف، تفاسیر گوناگونی از آن می شود و نیز حد توازن نیز براساس دیدگاه های متفاوت، یکسان نیست. از مجموع آموزه های اسلامی می توان مفهوم توازن اقتصادی مطلوب اسلام را دریافت. از سیره امیر مؤمنان درباره تعجیل و تساوی در تقسیم بیت المال، تأکید حضرت(ع) برای ریشه کن کردن فقر و ایجاد رفاه نسبی و از آموزه های حقوقی مالی الزامی و استحقابی افراد جامعه اسلامی می توان استنباط کرد که مقصود از توازن اقتصادی وضعیتی است که ثروت و دارایی جامعه به گونه ای بین همه مردم توزیع گردد که تفاوت درآمدها باعث شکاف طبقاتی ای که موجب فساد شود، در جامعه موجود اتفاق نیفتد.

باید توجه داشت که اگر اغنیای جامعه تمام دین های مالی شرعی خود را ادا کنند، ولی برخی مصالح عمومی همانند پل سازی یا ساختن آموزشگاه، راه و پارک وجود داشته باشد، در این صورت دولت اسلامی با لحاظ حد این مصالح عمومی می تواند مالیات بر اموال

اغنيا وضع کند و اغنيا نيز به عنوان یک واجب مالی باید آن را پرداخت کنند. مسأله شایان توجه در آموزه های اسلامی این است که اسلام علاوه بر الزامات و تکالیف فردی و نیز افزون بر واجبات مالی حکومتی به خاطر مصالح جامعه، از طریق آموزه های تشویقی، مردم را به خیرات و نیکی های مالی دعوت می کند. افراد را به تجارت پرسود و پایدار دعوت می کند، مرتب به مؤمنان هشدار می دهد که زندگی در این سرای فانی به پایان نمی رسد، بلکه سرای پایدار و جاویدان اُخروی ادامه زندگی ناپایدار دنیایی است. هر مؤمنی باید بکوشد در پی سود گسترده و پایدار باشد و مجموع سود مادی و معنوی خود را به حداکثر رساند. اسلام برای تحقق این امر، مؤمنان را تشویق به انفاق، وقف، قرض، عاریه و... در راه خدا کرده است. بنابراین در نظام اقتصادی اسلام با اعمال سیاست های تکلیفی حداقل و با پیگیری سیاست های تشویقی، توازن اقتصادی محقق خواهد شد. در ادامه تدابیری که در نظام اقتصادی اسلام برای تحقق توازن اقتصادی در توزیع قبل از تولید، توزیع بعد از تولید و توزیع مجدد مشخص شده است، تبیین می شود.

د) توازن اقتصادی و توزیع قبل از تولید: در این بحث، چگونگی توزیع ثروت های طبیعی مورد توجه است. ثروت های طبیعی به ثروت هایی گفته می شود که در تولید آن ها هیچ گونه کار و تلاشی از ناحیه بشر انجام نگرفته و خدای متعالی آن ها را برای بهره مندی بشر و قوام زندگی او آفریده است. منابع طبیعی عبارتند از: زمین که اعم از زمین موات و آباد، کوه ها و دره ها، سواحل دریاها و رودخانه ها، جنگل و صحراها؛ معادن: شامل معادن ظاهری و باطنی؛ آب های طبیعی: شامل آب های جاری در سطح زمین همانند آب دریاها، رودخانه ها، چشمه ها و نیز آب هایی که در عمق زمین بوده و دسترسی به آن ها نیازمند کار و تلاش است؛ مباحات عمومی: شامل حیوانات وحشی اعم از پرندگان و غیر پرندگان و همچنین ثروت های دریاها و اقیانوس ها.

نظام های اقتصادی در توزیع این ثروت ها بین افراد جامعه با توجه به اختلاف مبانی فلسفی و اعتقادی، دیدگاه های گوناگونی دارند. نظام سرمایه داری لیبرال بر پایه اصالت فرد، تفسیر مادی از مفهوم سعادت فرد و جامعه، تشویق مردم به حداکثر کردن سود مادی

شخصی از طریق مکانیسم رقابت آزاد، دور نگه داشتن مردم از ارزش های اخلاقی، روش خاصی در مالکیت و توزیع ثروت های طبیعی ارائه داده است. همان گونه که افراد می توانند با به چنگ آوردن محصولات تولیدی، مالک آن ها شوند، در خصوص ثروت های طبیعی همین قاعده قابل تعمیم است. برپایه نظام بازار رقابت، افراد در تصاحب منابع طبیعی می توانند با هم رقابت کنند و مالک منابع طبیعی شوند. در این تصاحب هرکس از توان جسمی، استعداد و سایر امتیازات تصاحب، بیشتر برخوردار باشد، ثروت های طبیعی را بیشتر به خود اختصاص خواهد داد. نتیجه چنین سیستمی، شکاف طبقاتی عمیق و ایجاد نابرابری و عدم توازن در ثروت و دارایی است. برپایه آموزه های نظام اقتصادی اسلام، انسان موجودی است که خدای متعالی او را خلق کرد و جانشین خود در زمین قرار داد: «هو الذی جعلکم خلایف فی الارض...» او [خدای متعالی] شما را در زمین جانشین خود قرار داد...

انسان به مقتضای جانشینی خود باید روی زمین رفتار داشته باشد. او در منابع طبیعی باید به نحوی تصرف کند که خدای متعال دستور داده است. مالک حقیقی منابع طبیعی خدا است. این منابع امانتی است که در اختیار انسان قرار داده شده است. اگر در تصرفاتش از چارچوب امانت خارج شود، با خسارت مواجه خواهد شد. این اموال برای بهره برداری همه انسان ها آفریده شده است: «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً...» او [خدای متعال] کسی است که تمام آن چه را در زمین است، برای شما خلق کرده است... همچنین خدای متعالی می خواهد انسان به گونه ای از این منابع بهره مند گردد تا مایه قوام زندگی همه مردم شود: «... اموالکم الّتی جعل الله لکم قیاماً... اموالتان را که خدای متعالی مایه قوام و پایداری شما قرار داده است... پس انسان در تصرف منابع طبیعی مسئولیت دارد. این منابع باید به گونه ای بهره برداری شود که همه انسان ها از آن بهره مند شوند و علاوه بر آن، این بهره مندی مایه قوام زندگی جامعه اسلامی شود.

برپایه این آموزه ها نوع تصرف و مالکیت منابع طبیعی در اسلام با نظام سرمایه داری لیبرال متفاوت است. گرچه نظرات فقیهان در این باب کاملاً هماهنگ نیست، اما آن چه

شهید صدر(ره) از منابع دینی و با استفاده از دیدگاه های فقیهان ارائه داده است، به طور خلاصه درباره هر یک از منابع طبیعی بیان می شود و سرانجام اشاره خواهد شد که اسلام چگونه به توازن اقتصادی در توزیع منابع توجه دارد.

1. زمین: زمین به صورت کلی ملک خصوصی احدی نیست، بلکه ملک ولی امر مسلمانان یا تحت اختیار او است و دیگران تنها با اجازه او می توانند در آن تصرف کنند. با اجازه ولی امر به وسیله احیای زمین های موات یا تغییر زمین های آباد، افراد می توانند در زمین ها تصرف کنند. این تصرف تنها به عنوان حق اولویت پذیرفته است. ولی امر مسلمین حق دارد در ازای بهره برداری از زمین، مالیات دریافت کند و برای اموری که صلاح می داند مصرف شود.

بیان شد که ولی امر مسلمین اگر صلاح بدانند، به افرادی اجازه می دهد تا با کار مفید اقتصادی از زمین ها بهره برداری کنند. شایسته توجه است که مهم ترین مصلحت در اجازه بهره برداری از زمین همان اموری است که در آغاز بحث مطرح شد. خداوند متعالی این منابع طبیعی را برای همه انسان ها آفریده است و این اموال مایه قوام زندگی و حیات اجتماعی مردم است؛ بنابراین ولی امر مسلمین به گونه ای این اجازه را اعمال می کند تا هدف غایی آفرینش این نعمت های الهی محقق شود. به عبارت دیگر مهم ترین ضابطه عمومی مصلحت اجازه ولی امر مسلمین، بهره مندی عمومی و قوام زندگی مردم است. ولی امر مسلمین با این حق قانونی می تواند از تمرکز ثروت طبیعی زمین در دست افراد اندک جلوگیری کند و همگان، بویژه نیازمندان را از این ثروت طبیعی بهره مند سازد.

2. معادن: معادن به دو دسته تقسیم می شوند: الف) معادن ظاهری: معادنی هستند که برای استفاده از مواد آن ها تنها عملیات استخراج نیاز است و موادی که از این معادن استخراج می شود، بدون تغییر شکل قابل استفاده است؛ مانند معدن نفت، نمک، گوگرد. این قبیل معادن ثروت عمومی محسوب می شود و هیچ کس حق مالکیت در آن ها را ندارد و تنها با اجازه دولت اسلامی یا خود دولت اسلامی از آن ها بهره برداری می کند و درآمد حاصله را برای اموری که مصلحت می داند، به مصرف می رساند. ب) معادن باطنی: معادنی

است که برای دسترسی به مواد معدنی، کاوش و حفاری نیاز است. افزون بر آن، مواد ناخالص باید تغییر شکل داده شود. در مالکیت این معادن بین فقیهان اختلاف است که ملک امام است یا در زمره مشترکات عمومی است. اما قدر مسلم این است که چنین سرمایه‌هایی موضوع مالکیت خصوصی قرار نمی‌گیرد و در شمار مالکیت عمومی است؛ گرچه در خصوص حق تملک فردی در محدوده اکتشاف یا حق تملک فردی نسبت به مواد استخراجی نیز بین فقیهان اتفاق نظر نیست. با توجه به وضعیت تملک معادن ظاهری و باطنی و اختیارات حاکم اسلامی نسبت به معادن، تحلیلی که درباره تحقق توازن اقتصادی نسبت به زمین بیان شد، درباره معادن نیز مصداق دارد و از تکرار آن پرهیز می‌شود.

3. آب‌های طبیعی: آب‌های طبیعی نیز دو قسم هستند: یک قسم آب‌هایی هستند که در سطح زمین جریان دارند؛ مانند چشمه‌ها، رودخانه‌ها و دریاها و قسم دیگر آب‌هایی است که در عمق زمین قرار دارند و تنها با کار و حفر چاه قابل دسترسی هستند. قسم اول آب‌ها در شمار مشترکات عمومی است و احدی حق تملک فردی آن‌ها را ندارد و تنها با اجازه دولت اسلامی افراد حق انتفاع از آن‌ها را پیدا می‌کنند. قسم دوم نیز به احدی اختصاص ندارد و فرد تنها با کار و حفاری نسبت به سایرین در بهره‌برداری و انتفاع از آنها اولویت پیدا می‌کند؛ اما آب‌هایی را که استخراج می‌کند، مالک آن‌ها می‌شود. حق اولویت او در انتفاع از آب‌ها تا زمان بهره‌برداری باقی است و به محض این که نیازش برطرف شد، حق اولویت انتفاع وی نیز منتفی می‌شود.

4. مباحات عمومی: ثروت‌هایی هستند که افراد با کار متناسب می‌توانند مالک آن‌ها شوند؛ مثلاً کار متناسب برای حیازت و تملک پرندگان و ماهیان «صید» است. این ثروت‌ها بدون کار متناسب با حیازیشان تحت تملک انسان در نمی‌آید.

در یک نگاه کلی به ثروت‌های طبیعی به نتایج ذیل می‌توان رسید:

- ثروت‌های طبیعی به طور طبیعی ملک فردی نیست و افراد با اجازه حاکم اسلامی و با کار مفید اقتصادی، نسبت به آن‌ها حق انتفاع یا مالک آن‌ها می‌شوند.

- مهم ترین معیار مصلحت، هدف غایی این ثروت ها - برای انتفاع همه مردم و مایه قوام زندگی آن ها - است.

- اجازه حاکم براساس مصلحت است و بهره برداری از ثروت های طبیعی در اسلام به نحوی است که مانع تمرکز این ثروت ها در دست افراد خاصی می شود، بلکه باعث توازن در توزیع این ثروت ها در جامعه می گردد.

حضرت علی(ع) درباره زمین و منابع طبیعی در راستای مطالب قبل می فرمایند: « زمین از آن خدا است. خدای متعالی زمین را برای هر یک از بندگان بخواهد به ارث می گذارد. سرانجام [زمین] را به ارث می بریم و ماییم اهل تقوا و همه زمین مال ما است. پس هر یک از مسلمانان اگر زمین را احیا کرد، باید آن را آباد کند و خراج آن را به امامی از اهل بیت من بپردازد. آن گاه حق دارد از محصول آن زمین بهره برداری کند. اگر آن فرد زمین را رها یا بایر کند و مسلمان دیگری آن زمین را بگیرد، می تواند آن را آباد و احیا کند، در این هنگام مسلمان بعدی، نسبت به فرد اولی که زمین را ترک کرد اولویت دارد؛ اما باید خراج زمین را به امامی از اهل بیت من بپردازد و او حق دارد تا قیام قائم اهل بیت من از آن زمین بهره برداری کند. هنگامی که قائم از اهل بیت من با شمشیر قیام کند، آن زمین را می گیرد و مانع از آنان می شود و آن ها را از زمین بیرون می کند، کما این که رسول الله(ص) چنین کرد، مگر آن زمین هایی که در اختیار شیعیان ما قرار دارد که قائم اهل بیت من آن زمین ها را به گونه مقاطعه در اختیارشان قرار می دهد و زمین در اختیارشان قرار می گیرد.» نکات فراوانی در این گفتار حضرت(ع) وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود:

1. زمین مال خدا است که خدای متعالی آن را برای اهل تقوا قرار می دهد.

2. اهل تقوا، امیر مؤمنان(ع) و اهل بیتش هستند؛ در نتیجه تمام زمین برای امیر مؤمنان(ع) و اهل بیتش است.

3.

هر مسلمانی حق دارد زمین را احیا و آباد کرده و خراج آن را پرداخت و از محصول زمین بهره برداری کند.

4. در صورتی که فرد مسلمان زمین آباد و احیا شده را رها یا آن را بایر کند، حق بهره برداری او از زمین ساقط می شود و فردی که آن را مجدداً احیا و آباد کند، حق اولویت پیدا کرده، ولی باید خراج آن را به امام پرداخت کند.

در این روایت منظور از زمین تنها خاک نیست، بلکه آب، معادن و جنگل ها را نیز شامل می شود. خداوند مالک حقیقی زمین است و آن را برای جانشینان خود که انسان های باتقوا هستند، به ارث گذاشته و آن ها مالک اعتباری زمین می باشند. اهل تقوا، پیامبر(ص) و اهل بیت او هستند؛ بنابراین تنها آنان مالک اعتباری زمین هستند. سایر مردم تنها با اذن امام از اهل بیت، حق بهره برداری از زمین را دارند. در زمان غیبت قائم آل محمد(ص) جانشینان عام آن حضرت(عج) که فقیهان شیعه باشند، مالک زمین هستند. در صورتی که حکومت اسلامی باشد، حاکم اسلامی - به اعتبار شخص یا منصب - مالک زمین است و به گونه ای که مصلحت اقتضا کند، اجازه بهره برداری از زمین و منابع طبیعی را به دیگران می دهد.

پ) توازن اقتصادی و توزیع بعد از تولید: تولید کالاها و خدمات در اقتصاد در نتیجه ترکیب عواملی است. این عوامل عبارتند از: نیروی کار و سرمایه. به تعبیر دیگر، تولید تابعی از نیروی کار و سرمایه است که در رابطه مقابل نشان داده می شود: $F = Q + L$ و K در این تابع، Q مقدار تولید و K سرمایه و L نیروی کار است. معمولاً نیروی کار شامل نیروی کار ساده و متخصص و نیز کارفرما می شود و سرمایه نیز اعم از سرمایه فیزیکی و نقدی است؛ بنابراین با دقت در رابطه پیشین عوامل تولید

به چهار دسته تقسیم می شوند که عبارتند از: نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه نقدی و کارفرما.

همانطور که مستحضر هستی در اقتصاد اسلامی همه مردم با دو معیار کار و نیاز نسبت به امکانات اقتصادی جامعه حق پیدا می کنند؛ اما در توزیع بعد از تولید، عوامل تولید با معیار کار، صاحب حق می شوند. نیروی کار، به میزان کاری که برای تولید کالاها و خدمات ارائه می دهد، پاداش دریافت می کند؛ سرمایه نیز نوعی کار منفصل است، چون سرمایه با صرف کار، تحصیل شده است؛ پس با ورود در جریان تولید، پاداش دریافت

می کند. اما پرسش مهم این است که با چه مکانیسمی پاداش هر یک از عوامل تولید تعیین می شود؟

مکانیسم تعیین مقدار پاداش عوامل تولید: بیان شد که کار معیار پاداش به عوامل تولید است؛ اما میزان پاداش به میزان کار است یا تابع امور دیگری نیز می باشد؟ پاسخ این پرسش ها با مشخص شدن ارزش مبادله ای و عواملی که در تعیین ارزش مبادله ای دخیل هستند، مشخص می شود.

درباره میزان ارزش مبادله ای اشیا و عوامل تولید، تحقیقات گسترده ای در کتاب «ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن» انجام شد، نظریه های مختلف بررسی گردید، و این امر از دیدگاه های اقتصادی، حقوقی و فقهی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بحث این است که عرضه و تقاضای اشیا و عوامل تولید، تعیین کننده مالیت و ارزش مبادله ای آن ها است؛ مقدار آن نیز تابع میزان عرضه و تقاضای آن ها است؛ بنابراین مکانیسم تعیین پاداش و توزیع درآمد بین عوامل تولید عرضه و تقاضای بازار است. عرضه و تقاضا در بازار کار، دستمزد و سود ناشی از کار را مشخص می کند؛ چنان عرضه و تقاضای سرمایه نیز تعیین کننده سهم آن از درآمد عوامل تولید است. به نظر می رسد تا این مرحله بر پایه مطالب بیان شده تفاوتی بین نظام سرمایه داری لیبرال و نظام اقتصاد اسلامی وجود ندارد؛ اما در دو جهت تفاوت هایی بین این دو نظام وجود دارد که این تفاوت ها در حرکت اقتصادی به سمت عدالت بسیار تعیین کننده است: یکی تفاوت در روش های پرداخت به عوامل تولید و دیگری، تفاوت در ویژگی ها و شرایط نظام بازار در دو نظام است. این تفاوت ها و نتایج آن ها در دو نظام در ادامه توضیح داده می شود.

روش های پرداخت به عوامل تولید: در بازار، بر پایه مکانیسم عرضه و تقاضا، عقود معاملی برای تقاضای عوامل تولید و کالاها و خدمات مطابق با نیازهای عرف و عقلا شکل می گیرد. عقودی که عوامل تولید بر پایه آن ها عرضه و تقاضا می شوند، عبارتند از: اجاره، شرکت، مساقات، مضاربه، جعاله، مزارعه و ... براساس این عقود، صاحبان عوامل تولید به دو روش می توانند پاداش تولید را دریافت کنند. یکی به نحو پاداش ثابت و

دیگری به نحو مشارکت در سود. نیروی کار ساده و کارفرمایان می توانند در ازای سهم خود در تولید، هم به نحو دستمزد ثابت و هم به نحو مشارکت در سود تولیدات، پاداش خود را دریافت کنند؛ همچنین صاحبان سرمایه های نقدی و غیرنقدی با شرکت خود در تولید می توانند پاداش خود را به صورت بهره و اجاره ثابت یا به گونه مشارکت در سود دریافت کنند.

نکته حائز اهمیت در این گونه معاملات، امضایی بودن معاملات در فقه اسلام است. اسلام معامله ای را تأسیس نکرد، بلکه تمام معاملات در زندگی و رفتارهای مالی عرف و عقلا برای پاسخگویی به نیازهای مالی آن ها شکل می گیرد. خدای متعال خواهان سعادت دنیایی و آخرتی بندگان خود است؛ برای آن که بندگان در رفتارهای معاملاتی به گونه ای عمل کنند تا به سعادت دنیایی و آخرتی برسند، معاملاتی را که موجب دوری انسان ها از سعادت دنیوی و آخروی می شود غیرمجاز دانسته؛ یا با برخی اصلاحات و قیود، مجاز شمرده است. همین امر سبب تفاوت اساسی در روش تعیین پاداش به عوامل تولید در دو نظام سرمایه داری و نظام اقتصاد اسلامی شده است. در نظام سرمایه داری، سرمایه نقدی به عنوان یک عامل تولید، با شرکت در تولید می تواند پاداش ثابت (بهره) پول یا به تعبیر فقهی ربا دریافت کند؛ اما در نظام اسلامی، ربا و بهره حرام قطعی است و سرمایه نقدی با شرکت در تولید نمی تواند پاداش ثابت دریافت کند. به طور کلی تمام معاملات و داد و ستدهای ربوی حرام و غیرمجاز است.

ربا چنان در تار و پود نظام سرمایه داری تنیده است که در برابر حرمت ربا در نظام اسلامی، واژه نظام ربوی و غیرربوی در ادبیات اقتصاد اسلامی رایج شده است. تحقیقات علمی فراوان و نیز آیات و روایات بسیاری بر ظالمانه بودن ربا تأکید دارد. بنابراین نظام اقتصادی ای که بر پایه پاداش ثابت به سرمایه هایی نقدی بنیان نهاده شده است، نظام ظالمانه است. اما نظام اقتصاد اسلامی که به سرمایه های نقدی به ازای شرکت در تولید، پاداش ثابت (بهره) پرداخت نمی کند، از این ظلم بزرگ به دور است و پاداش سرمایه های نقدی را به گونه عادلانه تعیین می کند. سرمایه های نقدی تنها با مشارکت در سود

تولیدات، پاداش دریافت می کنند. براساس توافق صاحب سرمایه نقدی و کارفرما، درصدی از سود تولیدات، سهم صاحب سرمایه نقدی است؛ بنابراین صاحب سرمایه نقدی در دوران رونق اقتصادی همانند کارفرما می تواند از سود سرشاری برخوردار شود و در هنگام رکود اقتصادی تنها کارفرما از سود کم بهره مند نیست، بلکه صاحب سرمایه نقدی نیز واجد سود اندکی خواهد شد. اما در نظام سرمایه داری هنگامی که اقتصاد در اوج رونق قرار گیرد، صاحبان سرمایه نقدی تنها پاداش ثابت (بهره) خود را دریافت می کنند و سهم آن ها از سود سرشار دوران رونق، اندک است و در دوران رکود اقتصادی کارفرمایان از سود اندک برخوردارند و چه بسا ممکن است مواجه با ضرر و ورشکستگی شوند؛ اما صاحبان سرمایه های نقدی بدون هیچ گونه مشارکت در زیان کارفرمایان، بهره خود را دریافت می کنند.

در نظام سرمایه داری، به جهت منافع سرشار برای کارفرمایان، روش پرداخت پاداش ثابت به نیروی کار نیز تثبیت شد؛ به گونه ای که کارگران غالباً از دستمزد ثابت برخوردارند. گرچه سهم شدن کارگران در سود تولیدات منع قانونی ندارد، اما منافع سرشاری که روش دستمزد ثابت نصیب کارفرمایان و صاحبان سرمایه های پولی و غیر پولی می کند، نظام دستمزد ثابت گسترش و تثبیت گردید و کارگران از سود سرشار دوران رونق اقتصادی غالباً بی نصیب هستند. در آموزه های اسلامی یکی از معاملات که مکروه شمرده شده است، اجیر شدن انسان است. انسان اگر اجیر شود کاری را برای دیگری انجام دهد و مابه ازای آن کار مزدی دریافت کند، مکروه است. روایات فراوانی درباره این موضوع در مجامع روایی وارد شده است. در یکی از این روایات امام صادق (ع) می فرمایند: « مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ نَفْسَهُ الرَّزْقَ » هرکس خود را اجیر کند، روزی را بر خود منع کرده است. در گفتار دیگری، امام صادق (ع) دلیل اقتصادی کراهت اجیر شدن را بیان می فرمایند: « هرانسانی خود را اجیر در کاری کند، روزی را بر خود ممنوع کرده است. چگونه چنین انسانی روزی را بر خود ممنوع نکرده است در حالی که نتیجه زحمتش مال کسی است که او را اجیر کرده است.»

بیان بسیار زیبایی امام صادق(ع) حاکی از آن است که انسان در فعالیت های اقتصادی خود نباید به نحوی عمل کند تا از محصول کار او دیگران بهره مند گردند. روش دستمزد ثابت دقیقاً همان روشی است که امام صادق(ع) آن را تقبیح می فرمایند و دلیل تقبیح را نیز چنین بیان می فرمایند که در چنین روشی محصول کار دستمزد بگیران نصیب دیگران می شود. در چنین روشی توزیع درآمدها بر معیار کار انجام نمی شود و موجب شکاف طبقاتی و توزیع نامناسب ثروت ها خواهد شد. برپایه آموزه های اسلامی به جای روش اجاره و پاداش ثابت باید روش مشارکت در سود را تشویق و ترویج کرد. در روش مشارکت در سود، نیروی کار و هریک از عوامل دیگر تولید سهم واقعی خود را بر معیار کار از محصول نهایی می برند. در این روش در هنگام رونق و رکود اقتصادی همه عوامل تولید از جمله نیروی کار، سهم واقعی خود را بر معیار کار خواهند گرفت. توزیع درآمدها عادلانه خواهد بود، شکاف طبقاتی کاهش خواهد یافت، فقر نیز از بین می رود و هرکس به حق واقعی خود دست می یابد.

توازن اقتصادی و توزیع مجدد(تکافل عمومی) معیار کار، عامل تعیین سهم افراد از منابع طبیعی و درآمدهای عوامل تولید است. اما به رغم آن، ممکن است افرادی در جامعه از رفاه مادی لازم برخوردار نباشند؛ چراکه افراد جامعه در زمینه سهم خود ناشی از معیار کار، به چند دسته ذیل تقسیم می شوند:

1. دسته ای که بیش از حد کفاف خود از منابع طبیعی و درآمدها سهم می برند.

2. دسته ای که در حد کفاف خود از منابع طبیعی و درآمدها سهم می برند.

3. دسته دیگر سهمشان از منابع طبیعی و درآمدها کمتر از حد کفاف است.

4. دسته ای که هیچ گونه توان کاری ندارند و هیچ گونه سهمی هم از منابع طبیعی و درآمدها نخواهند داشت.

تفاوت سهم افراد بر معیار کار با توجه به تفاوت در توان جسمی، فکری یا شرایط طبیعی و اقلیمی در اسلام پذیرفته است؛ اما دسته سوم و چهارم نیز حق دارند از حد کفاف زندگی مادی برخوردار باشند. این حق آن ها ناشی از نیازشان است؛ به عبارت دیگر معیار

نیاز، عامل سهم بری دسته سوم و چهارم از ثروت های طبیعی و درآمدهای جامعه تا حد کفاف زندگی است. بنابراین از سهم مازاد حد کفاف دسته اول و منابعی که در اختیار حاکمیت اسلامی است، راهکارها و تدابیری در اسلام، برای برطرف کردن نیازهای دسته سوم و چهارم اندیشیده شده است؛ به عبارت دیگر نیاز دسته سوم و چهارم یک نوع مسئولیت را متوجه اغنیا و حاکمیت اسلامی می کند؛ به همین خاطر این بحث به نام تکافل عمومی نام گذاری و برای روشن شدن ابعاد مسأله، مباحث ذیل سامان دهی می شود:

الف - مبانی نظری توزیع مجدد: نظام های اقتصادی درباره توزیع ثروت ها و درآمدهای جامعه، دیدگاه های متفاوتی ارائه می دهند. این دیدگاه ها ناشی از مبانی اعتقادی و ارزشی آن ها است. مارکسیسم برپایه اعتقادات خاص خود درباره بهره مندی افراد از ثروت ها و درآمدهای جامعه معتقد است: «همه مردم باید به قدر توان خود کار کنند و به مقدار نیازشان بهره مند گردند.» بنابراین برپایه این دیدگاه، توزیع مجدد اصلاً معنا ندارد. مکتب سرمایه داری لیبرال براساس مبانی اعتقادی، روشی متمایز ارائه می دهد. این مکتب با اعتقاد به اصالت فرد می گوید: همه انسان ها باید برای حداکثر کردن سود مادی دنیایی تلاش کنند. در این تلاش، از هیچ نهاد دینی و دنیایی فرمان نمی برند. مکانیزم بازار آزاد رقابتی را تنها مکانیزم سهم بری عادلانه انسان ها معرفی می کند؛ بنابراین براساس مبانی اعتقادی مکتب سرمایه داری لیبرال، توزیع مجدد درآمدها از پشتوانه فلسفی برخوردار نیست. آموزه های نظام سرمایه داری باعث فقر گسترده و شکاف طبقاتی شدید و در نتیجه اعتصاب و شورش علیه اغنیا و نظام

سرمایه داری لیبرال شد. این نظام برای حفظ خود ناچار به تعدیلات روینایی با حفظ همان مبانی شد. وضع قوانینی به نفع کارگران، برقراری بیمه های بیکاری، تأمین اجتماعی و تشکیل اتحادیه های کارگری از آن قبیل اقدامات است. آموزه های اسلامی، هم بر توزیع مجدد تأکید دارد و هم برای توزیع مجدد، مبانی محکم اعتقادی و ارزشی ارائه می دهد. این مبانی در ادامه تبیین می شود:

1. خدای متعالی نعمت های مادی جهان را برای بهره مندی همه مردم آفریده است. در بحث عدالت اقتصادی گذشت که تفکر فلسفی و آیات و روایات فراوان دلالت دارند که علت غایی آفرینش نعمت های جهان، بهره مندی همه انسان ها از آن ها است. آیات و روایات فراوانی با اشاره به نعمت های گسترده زمین و آسمان ها، انسان ها را مورد خطاب قرار داده و اعلام می دارد که خداوند این همه نعمت را برای شما آفریده است. امیرمؤمنان (ع) نیز در گفتاری با اشاره به زمین و آسمان و خطاب به انسان ها می فرماید: « أُمِرْتَا بِمَنَافِعِكُمْ فَأَطَاعْتَا وَ أَقِيمْتَا عَلَى حُدُودِ مَصَالِحِكُمْ فَقَامْتَا » خدای بلندمرتبه به آن دو - زمین و آسمان - فرمان داده که به شما سود برسانند و آن ها هم اطاعت کردند، زمین و آسمان را برای مصالح شما برپای داشته و آن دو نیز برپای ایستادند.

ظاهر این قبیل آیات و روایات مانع از هرگونه تخصیص است و نمی توان پذیرفت که تعداد اندکی از انسان ها نعمت های الهی را در اختیار بگیرند و بخش عظیمی از مردم جامعه نیازمند باقی بمانند. اگر این امر در جامعه اتفاق افتد، نقض غرض از آفرینش نعمت های الهی است؛ بنابراین اگر کسانی توانایی کارکردن ندارند یا با تلاش خود نمی توانند از رفاه مادی در حد کفاف برخوردار شوند، حق دارند از نعمت های الهی برای رفع نیازهای خود بهره مند شوند.

2. تمام ثروت ها و دارایی های زمین و آسمان و آن چه مردم به دست می آورند، برای خداوند است: « وَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ » آن چه در آسمان ها و زمین است، ملک خدا است. همچنین تمام اموالی که انسان به دست می آورد، نزد او به امانت نهاده شده و او باید اموال را تنها در مسیری که مالک تعیین کرده است مصرف کند. امام صادق (ع) می فرماید: « مال برای خدا است که نزد انسان به امانت نهاده است و به او اجازه داده است تا در حد متعارف و میانه بخورند، بنوشند، بپوشند، ازدواج کنند و وسیله سواری تهیه کنند و با مازاد آن ها از فقرای مؤمنین دستگیری کنند و وضع آشفته آنان را سامان دهند. هرکس چنین کند، آن چه می خورد، می آشامد، سوار می شود و ازدواج می کند حلال است و هرکس از این حد تجاوز کند، فعل حرام انجام داده است. » در این روایت، هم امانت بودن

مال نزد انسان تصریح شده است و هم مالک بودن خدای متعال و همچنین راه هایی که انسان باید از مال در اختیارش بهره مند شود.

3. فقرا در اموال اغنیا شریک هستند. آیات و روایات فراوانی از امیر مؤمنان(ع) و سایر معصومان(ع) بر این امر دلالت دارد که به چند نمونه آن اشاره می شود. امیر مؤمنان(ع) در گفتار کوتاهی می فرماید: «خدای سبحان در اموال توانگران غذاهای فقیران را واجب کرده است؛ بنابراین هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر آن که توانگران از ادای واجب خودداری کنند. خدای متعالی از توانگران در این باره بازخواست خواهد کرد.» در روایت دیگری امام صادق(ع) نیز بر این امر تصریح دارند: «إِخْدَائِ تَعَالَى بَيْنَ اغْنِيَاءِ وَفُقِيرَانِ فِي أَمْوَالِ شِرَاكَةِ قَرَارٌ دَادَهُ اسْتِ؛ بِنَابِرَائِنِ اغْنِيَاءِ حَقِّ نَدَارِنْدِ اَمْوَالِ رَا بَرَايَ غَيْرِ شِرْكَائِ خَوْذِ(فُقَيْرَانِ) مَصْرَفِ كِنْنِد.» به یقین این حق شراکت، ناشی از نیاز و فقر بیچارگان است، نه این که ناشی از کار و معامله و قراردادی باشد. با مراجعه به این آموزه ها جای هیچ گونه تردید باقی نمی ماند که فقیرانی که توان کارکردن ندارند یا درآمدهای ناشی از کارشان، نیازهای آن ها را برطرف نمی کند، به خاطر نیازشان در اموال اغنیا حق پیدا می کنند و واجب است اغنیا حق آن ها را ادا کنند.

4. فقیران در بیت المال حق دارند. درآمدهای ناشی از ثروت های طبیعی و مالیات شرعی در شمار بیت المال است. شاید بتوان اظهار کرد که تا زمانی که فقیری در جامعه وجود دارد، اغنیا نمی توانند از بیت المال استفاده کنند. چون اگر فرض کنیم با وجود فقیر در جامعه، اغنیا در بیت المال حقی ندارند، مطلب پیشین واضح است و بیت المال باید برای رفع فقر در جامعه یا در اموری که اهمیت آن ها از رفع فقر کمتر نیست، مصرف شود. اگر فرض کنیم با وجود فقیر در جامعه اغنیا در بیت المال حق دارند، باز هم نمی توانند از بیت المال استفاده کنند؛ چون بر پایه آموزه های اسلامی، رفع فقر از جامعه بر اغنیای جامعه واجب است و حکومت حق دارد برای فراغ ذمه اغنیا، از حقی که اغنیا در بیت المال دارند؛ به فقیران پردازد. بنابراین تا زمانی که فقیر در جامعه وجود دارد؛ اغنیا نمی توانند حق خود را از بیت المال مطالبه کنند. بعد از رفع فقر از جامعه در صورتی که فرض کنیم همه در

بیت المال حق دارند و موارد دیگر مصرف بیت المال از اهمیت بیشتری برخوردار نیست، باید همه بتوانند از حق خود در بیت المال بهره مند گردند.

ب - منابع توزیع مجدد: منابع توزیع مجدد عبارتند از: مالیات های ثابت، درآمدهای حاصله از ثروت های طبیعی، انفاقات و صدقات و مالیات های حکومتی. در ادامه درباره هر یک توضیح مختصری ارائه می شود.

- مالیات های ثابت: مالیات های ثابت شامل اقسامی است که بر مسلمانان واجب است با شرایطی آن را پرداخت کنند. اقسام مالیات های ثابت عبارت است از: خمس، زکات، انفاق.... در این خصوص در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد.

- درآمدهای حاصل از منابع طبیعی: در بحث توازن اقتصادی و توزیع قبل از تولید بیان شد که ثروت های طبیعی ملک نیستند و با اذن حکومت اسلامی افراد می توانند با کار مفید اقتصادی حق انتفاع نسبت به آن ها پیدا کنند یا حتی نسبت به برخی از آن ها حق مالکیت برای افراد حاصل شود. حکومت اسلامی با چنین اذنی می تواند از افراد بهره مند مبالغی را دریافت کند. حکومت اسلامی خود نیز می تواند از منابع طبیعی بهره برداری کند و منافع حاصل از آن را در شمار درآمدهای بیت المال قرار دهد. حکومت اسلامی با در اختیار داشتن چنین منابعی قادر خواهد بود درآمد حاصل از آن ها را برای رفع فقر و توازن اقتصادی به کار گیرد.

- مالیات های حکومتی: در بسیاری از روایات وارد شده است که خدای متعالی در اموال اغنیا به مقداری که برای رفع فقر فقیران کافی باشد، حقی واجب کرده است و پیش تر نیز بیان شد که امام(ع) فرمود: اگر زکات کفایت نکرد، وجوب رسیدگی به فقیران تا حدی که نیازهای ضروری آن ها برطرف شود، بر عهده اغنیا است. بنابراین اگر مالیات های منصوص برای رفع فقر و نیازهای ضروری اجتماع کفایت نکند، حکومت اسلامی حق دارد بر اموال اغنیای جامعه مالیات وضع کند و بر اغنیا نیز واجب است آن را پرداخت کنند.

حکومت اسلامی حق دارد به ازای خدماتی که به مردم ارائه می دهد، از آن ها مالیات دریافت کند. تأمین آب، برق، گاز، تلفن، آسفالت، پارک، امنیت و ... نیازمند هزینه است. همان طوری که وقتی انسان، گرسنه است و برای تهیه نان باید هزینه کند، همین انسان هنگامی که از خدمات پیشگفته بخواهد استفاده کند، باید بهای آن ها را پرداخت نماید. برخی از هزینه ها مستقیماً و براساس میزان مصرف اخذ می شود؛ همانند هزینه مصرف آب، برق، گاز؛ اما هزینه هایی از قبیل شهرسازی و تأمین امنیت به طور سرانه از مردم دریافت می شود. بنابراین مالیات، مابه ازای خدماتی است که دولت به مردم ارائه می دهد و اخذ آن هیچ اشکالی ندارد. حکومت می تواند برای حمایت از فقیران و افراد کم درآمد، هزینه های این خدمات را از آن ها دریافت نکند و تنها اغنیا موظف به پرداخت مالیات باشند. (1)

گروهی از افراد جامعه از توان فکری و جسمی لازم برای کار کردن برخوردار هستند و با انجام کار می توانند به رفاه مادی متعارف و مطلوب دسترسی پیدا کنند که ملاک توزیع ثروت برای این گروه از افراد جامعه کار و تلاش است. گروه دوم، توان کار و تلاش دارند، اما توان فکری و جسمی لازم برای کار و کسب و درآمد کافی برای حد کفاف زندگی را ندارند. ملاک های توزیع ثروت و دارایی نسبت به این دسته از افراد، هم کار و هم نیاز است. این افراد باید در حد توان فکری و جسمی خود بکوشند و درآمد کسب کنند و نیازهای متعارف خود را پوشش دهند. گروه سوم، هیچ گونه توانایی برای کار و تولید ندارند، ملاک توزیع ثروت و دارایی جامعه برای این دسته از افراد تنها نیاز است و تمام نیاز آن ها از طریق باز توزیع ثروت و دارایی ها برطرف می شود.

شایسته توجه است که سیستم تربیتی و بهداشتی جامعه باید به نحوی ساماندهی شود تا از گروه های دوم و سوم کاسته و به گروه اول افزوده شود تا همه یا اکثر قریب به اتفاق افراد جامعه با ملاک کار و تلاش از ثروت و دارایی جامعه بهره مند شوند. در پاسخ به سوال مزبور مناسب است در قالب دو پرسش پاسخ داده شود: 1. ملاک توزیع صحیح در

ص: 159

اسلام چیست؟ به عبارت دیگر در هر زمان اگر بخواهی بدانی که آن چه در جامعه اتفاق می افتد آیا توزیع صحیح و مورد نظر اسلام است یا نه، چگونه می توان به این پرسش پاسخ داد؟ 2. توزیع مجدد ممکن است هم روی انگیزه تولید کننده برای تولید و هم روی انگیزه مصرف کننده برای کار و تلاش بیشتر تأثیر منفی داشته باشد. تولید کننده از بخشی از محصول تولید خود بی بهره است و در عوض دیگران از آن بهره می برند که این امر باعث کاهش انگیزه تولید می شود و از سوی دیگر اگر افراد نیازمند بدانند همیشه در جامعه افرادی هستند که به آن ها کمک می رسانند یا دولت از منابعی که در اختیارش قرار دارد به این افراد یاری می دهد، انگیزه کار و تلاش این افراد کاسته می شود. آیا نتیجه این وضعیت کاهش تولید و در نتیجه کاهش رفاه اجتماعی است؟

ج) ارزیابی سیاست های توزیعی: آن چه در بحث توزیع احصاء می شود این است که برپایه آموزه های اسلامی، هم باید فقر در جامعه ریشه کن شود و هم توازن اقتصادی محقق شود. سیاست ها و تدابیر اقتصادی نسبت به فقر و توازن اقتصادی را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

1- برخی تدابیر اقتصادی در صدد کاهش نابرابری هستند و چندان توجهی به رفع فقر ندارند. تدابیر اقتصادی ای که بر مبنای «کار در حد توان و بهره مندی در حد نیاز» در سیستم سوسیالیستی اتخاذ می شود، شدیداً باعث کاهش انگیزه های تولید می گردد؛ در نتیجه تولید کل کاهش می یابد. تولید کل به طور مساوی بین همه مردم توزیع می شود. به دنبال آن فقر و تنگدستی گسترده شده ولی اختلاف درآمدی کاهش نمی یابد. چنین تدابیر اقتصادی ای هرگز مورد تأیید اسلام نیست.

2- تدابیر اقتصادی ای که درآمد فقیران را افزایش می دهد، اما افزایش درآمد اغنیا از این تدابیر به مراتب بیشتر از افزایش درآمد فقرا است. سیاست هایی که به هدف رشد اقتصادی در نظام سرمایه داری لیبرال دنبال می شود، چنین نتیجه ای را در پی دارند. پیش تر در بحث های مختلفی به این تفاوت درآمدی شدید و قدرتمندتر شدن اغنیا با پیگیری این سیاست ها و تأثیرگذاری اغنیا بر همه تصمیم گیری های جامعه اشاره شد.

3- تدابیر اقتصادی ای که هم فقر و هم اختلاف درآمد را تشدید می کند. این قبیل تدابیر، ظالمانه ترین تدابیر اقتصادی است. سیاست هایی که باعث تورم در جامعه شود، از این قبیل تدابیر اقتصادی است؛ چراکه تورم از یک سو باعث وخامت بیشتر درآمد فقرا می شود و از سوی دیگر درآمد اغنیا در شرایط تورمی - در مجموع - بهبود خواهد یافت. نمونه دیگر این قبیل سیاست ها، اخذ مالیات از طبقات کم درآمد، بلکه از فقرا و استفاده آن برای اغنیا است. اخذ مالیات از کارگران و کارمندانی که درآمد آن ها نشان می دهد زیر خط فقر هستند و مصرف آن برای احداث پارک، استخر، شهرسازی و سایر امکانات رفاهی مناطق اغنیا. این قبیل تدابیر اقتصادی هم فقر را تشدید می کند و هم باعث تشدید فاصله طبقاتی در جامعه خواهد شد.

4- سیاست های اقتصادی ای که هم فقر را کاهش می دهد و هم توازن اقتصادی را محقق می کند. این قبیل تدابیر، ثروت ها را از ثروتمندان به فقیران منتقل می کند که خمس چنین ویژگی ای دارد. کسانی که در طول سال، مازاد درآمد دارند، باید بیست درصد آن را به فقیران اختصاص دهند. اگر بپذیریم که اسلام تدابیری اندیشیده است که انگیزه تولید و کار افراد با تحقق این گونه مالیات کاهش پیدا نمی کند، این سیاست ها، هم موجب توازن اقتصادی و هم باعث رفع فقر می شود و در نتیجه رفاه عمومی را افزایش می دهد.

بنابراین در ارزیابی سیاست های توزیعی اگر دیدیم هم به توازن اقتصادی کمک می کند و هم باعث رفع فقر می شود، آموزه های اسلامی آن را تأیید می کند. (1)

از طرفی اگر در جامعه ای بنا باشد عدالت اقتصادی حکمفرما باشد نیازمند یک قانونی است که به تمام اقشار جامعه توجه ویژه داشته باشد. خدای متعال چنانچه در مورد انفاق و کمک کردن به دیگران ترغیب می کند از افراط و زیاده روی در انفاق به گونه ای که خودش نیازمند شود نهی می کند. از سوی دیگر قرآن مجید، راکد گذاشتن مال و گنجینه ساختن آن را حرام شمرده است. «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلًّا

ص: 161

الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» (1) هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی! آری ای عزیز بزرگوار، یکی از راه های اسلام برای کنترل گردش سرمایه، انفاق است. واژه انفاق، از ریشه «نفق» مشتق شده و به معنای کم شدن و هزینه کردن است. (2) به اعتقاد راغب اصفهانی، نفق به معنی گذشتن هر چیزی و از بین رفتن آن با تمام شدن آن چیز است. (3) اسلام در جهت کنترل سرمایه های جامعه، انفاق نمودن را راهکاری اساسی در جهت تقسیم مساوی اموال و راهی به سوی سعادت‌مندی در آخرت ذکر کرده و حضرت علی (ع) در این خصوص چنین سفارش فرموده اند: «اگر مستمندی را دیدی که توشه ات را تا قیامت می برد و فردا که به آن نیاز داری به تو بازمی گرداند کمک او را غنیمت بشمار و زاد و توشه را بر دوش او بگذار و اگر قدرت مالی داری بیشتر انفاق کن و همراه او بفرست. زیرا ممکن است روزی در رستاخیز در جستجوی چنین فردی باشی و او را نیابی؛ و به هنگام بی نیازی اگر کسی از تو وام خواهد غنیمت بشمار تا در روز سختی و تنگدستی به تو بازگرداند. (4)

به بیانی اگر اغنیاء و سایر طبقات به وظایف خود عمل می کردند فقری در جامعه باقی نمی ماند؛ اما چون مردم فقط منافع شخصی خود را می بینند و شیطان نیز به آنان وعده فقر می دهد؛ بذل و بخشش نمی کنند. «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (5) شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می دهد و به فحشا (وزشتیها) امر می کند ولی خداوند وعده «آمرزش» و

ص: 162

1- الاسراء، آیه 29

2- ابن فارس، بی تا: 454 / 8؛ ابن منظور، 1408 ق: 14 / 422

3- راغب اصفهانی، 1412 ق: 504

4- ابن شعبه حرانی، 1404 ق: 74؛ ابن طاووس، 227: 1375

5- بقره، آیه 268

«فزونی» به شما می دهد و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده های خود، وفا می کند).

بنابراین همیشه در جامعه گروهی هستند که بر اثر کژاندیشی دیگران دچار فقر هستند قرآن برای فقراء و محرومان در اموال اغنیاء سهمی مقرر داشته و میفرماید: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (1) و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود! و نیز میفرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» و آنها که در اموالشان حق معلومی است ... برای تقاضاکننده و محروم، رسول اکرم (ص) از قمار و رباخواری و کم فروشی و رشوه گیری و باده فروشی و دیگر راههای نامشروع که به ثروت اندوزی بیانجامد بکلی نهی فرموده و بر ثروتمندان مالیاتهای عادلانه مقرر داشته تا بوسیله مأمورانش گردآوری شود و میان نیازمندان و فقرا عادلانه تقسیم گردد. (2)

«إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» آری خدای عز و جل آنچه از دین که تشریح کرد به منظور اصلاح اعمال بندگان بوده، تا با عمل صالح روزمره و تمرین مستمر، ملکات فاضله را در نفوس آنان پدید آورد، و اختلافشان را اصلاح کند، و در نتیجه حال انسانیت و جامعه بشریت حالی معتدل شود، در این هنگام است که زندگیشان هم در دنیا و هم در آخرت عین سعادت می شود، و میشود مصداق آیه (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً)

به بیانی بررسی واجبات و احکام اقتصادی اسلام نشان از نگاهی متعالی به زندگی بشر و زمینه سازی برای رعایت عدالت در تنعم و برخورداری از مواهب دارد. چنان که تشریح واجباتی همچون خمس و زکات و موارد مصارف آنها از همین مهم حکایت می کند که اسلام نمی خواهد و اجازه نمی دهد که انسان نسبت به دست و پنجه نرم کردن ممنوع

ص: 163

1- الذاریات، آیه 19

2- سوره توبه آیه 60

خویش با فقر بی تفاوت باشد. در خصوص واجباتی همچون خمس و زکات... بصورت مستقل مطالبی مطرح خواهد شد.

(11) مدیریت اقتصادی، نظم و برنامه ریزی:

با مدیریت همی گیری زمام * گر که باشی متقی و با نظام

اقتصاد باشد عزیزم چون قطار * هر کسی در جای خود گیرد سهام

دان که با تقوی و نظمت چون بهار * می دهی صدها شکوفه سبزه فام

گر که با تقوی روی در کار و زار * روح و جان می شود آرام و رام

با دم تقوی دمام زنده دار * حس کار و خدمت را تام تام

دان که با تقوی شوی محبوب یار * جن و انس گویند همی بر تو سلام

چون مدیر متقی بی گیر و دار * می شود همراه حق هر روز و شام

جز رضای حق نخواهد در دیار * غیر حق در نزد وی باشد حرام

نظم و دقت در سرای ماندگار * در مدیریت بود نوعی طعام

دان که نظم آرد برایت اقتدار * چون که باشد آن اساس هر قوام

اقتدار باشد عزیزم چون ستار * می کند آرام تو را با انتظام

نظم در کار بوده چون ریل قطار * بهر هر نوع اقتصاد در چاه و بام
چون قطار با ریل درون شوره زار * می برد مقصد تو را در دهر و جام
بهر هر کاری نما خود را سوار * وفق برنامه همی کن اهتمام
کار بی برنامه باشد چون چنار * میوه ای در بر ندارد ای حمام
یا که با برخورد خوب و استوار * می شوی راحت ز شرّ بد مرام
در روابط دون هر نوع انتظار * با تعامل کن تمام کارت مدام
مثبت اندیشی بود یک افتخار * در اصول و هم فروع بر هر مقام
با زبان لین اندر هر قرار * بر قلوب آری هزار و یک پیام
خشم و لجبازی چو سدّی پر فشار * جام آسایش فروریزد ز بام
در زمانی جدّی با افراد زار * خوب و بد یکسان نباشند در سهام
دوست نادان در مدیریت چو مار * می زند بر جان و دل و هم مرام
دشمن دانا ز فرصتهای تار * می برد بهره که خود گیرد قوام
کن ز چاپلوسان حذر با هر شعار * تا شناسی عیب خود هر صبح و شام
مشورت باشد چو یاری با وقار * بهر تصمیم صحیح و با دوام

از تحکم شو جدا در کار و بار * گو که با هم می کنیم کار را تمام
با رفاقت دشمنی را ده فرار * چون رفیق آرد خوشی ها را به کام
لحظه ها را با درایت کن شکار * تا بری از ذره هایش سود تام
در چنین حالی چو خطی در نوار * کن زمان در بند و گیر از آن لگام
چون که آن باشد وزین و زرنگار * می کند کار تو را فارغ ز دام
وقت کاری چون رسد در هر مدار * با درایت کن عزیز آن را تمام
با شتاب و دون فکر چون نا بکار * کی کنی کار درستی را ختام
گر که می خواهی رسی به اوج کار * ده به افکار درونت انسجام
علم و تهذیب در وجود هر نگار * راه و رسم هر مدیر است نه عوام
دان تعهد با تخصص در عیار * بال پرواز مدیر است گام به گام
با عمل گردی قوی نه با شعار * چون عمل باشد فراتر از کلام
این حقیر گوید همی تو بر شمار * با عمل هر ویژگی را چون امام

آری ای عزیز بزرگوار، بدان و آگاه باش که بر خلاف ایات قصیده مزبور؛ در نهایت تاسف مکاتب مادی مخصوصا لیبرالیستی و فمینیستی
با مبانی اومانیستی و سکولار فقط احکام حقوقی و مصالح دنیایی و جنبه مادی انسان را در بحث مدیریت در نظر دارند؛

بصورتی که حتی اگر در تئوریهای مدیریت بالاخره در بحث مدیریت به روابط انسانی توجه نموده اند؛ نه بخاطر نفس انسان و ارزشهای الهی وی؛ بلکه از آن فقط برای تولید بالاتر و در نهایت سود بیشتر استفاده کرده و می کنند... لذا با این دید ناقص مسیر مدیریت سالم و الهی را برای رسیدن به اقتصاد سالم به انحراف غیر قابل جبرانی کشانده اند. و اما در خصوص مدیریت اقتصادی بصورت خاص معروض می دارد که در ادبیات مدیریت، تعاریف متعددی برای مفهوم مدیریت اقتصادی ارائه شده است. با این حال به طور ساده می توان گفت که مدیریت، تخصیص منابع یک سازمان اعم از سرمایه انسانی، مالی، تجهیزات و... به کارهای متفاوت جهت رسیدن به اهداف است برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و کنترل، از وظایف اصلی مدیریت است که در ادبیات علمی این حوزه بیان می شود و عمده صاحب نظران این حوزه در آن اتفاق نظر دارند. با این تعاریف، اقتصاد نیز از بعد کلان نیازمند مدیریت است؛ به این معنا که منابع اقتصادی اعم از پولی و غیرپولی و به ویژه سرمایه های انسانی، به مهمترین کارها تخصیص یافته تا اهداف نظام مدنظر برآورده شود. در واقع برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و کنترل اقتصاد، وظایفی هستند که در مدیریت اقتصادی مطرح بوده و بایستی به آن پرداخته شود. این که اطلاعات به چه شکل تامین شود، سازماندهی فعالان اقتصادی کلان و خرد چگونه انجام شود، ارتباطات با داخل و خارج نظام اقتصادی چگونه باشد و خروجی های این نظام با چه شاخصی سنجیده شود، از مسائلی است که در حوزه مدیریت مدنظر است.

و اما برنامه ریزی هم وفق قصیده صدر الاشاره فرایندی است که هر فردی با آن به نحوی سر و کار دارد. لازم است هر مدیری برنامه ای مدون و اولویت بندی شده برای خود طراحی کند. این برنامه ها شامل مجموعه اهداف برای آینده دور یا نزدیک است. در صورت نبود برنامه آشفستگی، بی نظمی و بی هدفی به وجود خواهد آمد و فرصت ها و امکانات از دست خواهند رفت. کشور های در حال توسعه دریافته اند که رمز موفقیت کشور های توسعه یافته داشتن برنامه برای تمام متغیر های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

است. آن‌ها می‌دانند که برای غلبه بر مشکلات و سامان دادن به وضعیت کشور و برای قرار گرفتن در مسیر رشد و توسعه نیازمند برنامه ریزی اقتصادی هستند. در این میان برنامه ریزی سیستم‌های اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا با پرداختن به مشکلات پیچیده اقتصادی و سازمان‌های بزرگ و با مدل‌سازی و تجزیه و تحلیل مشکلات آن‌ها، می‌شود به راه‌حلی کارا و بهینه دست یافت.

لذا اسلام افزون بر دانش، بر برنامه ریزی و نقش برجسته آن در رشد اقتصادی تأکید ورزیده است. از نظرگاه اسلام، مدیریت توانمند اگر با برنامه ریزی و طراحی صحیح همراه گردد، می‌تواند فقر را از جامعه ریشه کن سازد. امام علی علیه السلام: «اگر تدبیر نیکو باشد، فقر وجود نخواهد داشت»⁽¹⁾. چهره مقابل این حقیقت نیز صادق است؛ یعنی با برنامه ریزی نادرست، نمی‌توان توسعه اقتصادی را انتظار داشت؛ زیرا برنامه ریزی نادرست اقتصادی پیشاپیش عوامل اصلی بروز واپس ماندگی اقتصادی خودنمایی می‌کند. امام علی علیه السلام: «برنامه ریزی نادرست، کلید فقر است»⁽²⁾. از طرفی نظم در امور برنامه ریزی در مباحث اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مراد از انضباط؛ جدیت، سازمان‌پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب و پرهیز از هرگونه سستی و بی‌سامانی در امور است، در نتیجه یک سازمان و جامعه منضبط از هماهنگی کامل برخوردار است و چنین جامعه‌ای در همه زمینه‌ها به ویژه در زمینه‌های اقتصادی به رشد و تعالی خواهد رسید.

مثلاً یک برنامه ریزی درازمدت، به طور عام در زمینه‌های باثبات انجام می‌گیرد؛ زمینه‌هایی که در آن، هدف و چارچوب‌های کلی تعیین شده باشد. در غیر اینصورت نمی‌توان به تدوین برنامه‌های درازمدت نائل شد. از سوی دیگر، بسیاری از برنامه‌های عمرانی و آبادانی اگر به صورت روزمره انجام گیرد، حاصل و ثمره چندانی ندارد. برنامه ریزی‌های بزرگ در سطح یک جامعه بر روشن بودن چارچوب و اصول و اهداف اقتصادی

ص: 168

1- غرر الحکم: 10920.

2- همان، 5572.

نظام حاکم مبتنی است. اگر چنین نباشد، دست برنامه ریزان بسته است و اگر تحرکی نیز مشاهده شود، در چارچوب روزمرگی ها و ندانم کاریها پوشیده می ماند.

در ضمن تجربه کاری هر انسانی، او را در برنامه ریزی های آینده اش مدد می کند و هر قدر تجربه های زندگی بیشتر باشد و انسان آنها را در زندگی اش به کار گیرد، مسلم است که توفیقات بیشتری در این زمینه خواهد داشت. امیر مؤمنان فرمود: « از نشانه های خرد، نگهداری تجربه هاست...» (1) و در این زمینه مسعود سعد زیبا گفته: امام صادق(ع) در این زمینه رهنمود راهگشایی را به رهروان حقیقت طلب ارائه می دهند و تأکید می کنند که « مؤمن در یاری کردن زیباست (به زیباترین صورت دیگران را یاری می کند)، کم تکلف است (برای دیگران تکلف ساز نیست) و زندگی اش را خوب اداره می کند و از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود (تجربه بار اول برایش کافی است)...» (2)

در هر حال تأثیر ژرف نظم و انضباط در پیشبرد اهداف و حاصل شدن نتیجه مطلوب بر هیچ کس پوشیده نیست. امیر مؤمنان(ع) بعد از سفارش به تقوای الهی، مردم را به نظم در کارها توصیه فرموده اند. مهمتر از همه، نظام آفرینش بر نظم استوار است، اگر منظومه شمسی برقرار است و سیارات دور آن می گردند و کوچکترین خللی در طی میلیونها سال در آنها رخ نداده، از این نظر است که بنیاد آفرینش آن را نظم و محاسبه تشکیل داده است. در تمام مظاهر هستی، از بزرگترین موجودات تا کوچکترین آنها که اتم است، نظم و دقت به کار رفته است. جهان آفرینش و نظام شب و روز و ماه و سال، بهترین راهنمای شما در ترسیم نقشه زندگی و عمل بدان می باشد. تدوین برنامه کاری منظم و تقسیم اوقات روزانه، هفتگی، ماهانه و به صورت کلان و عمل به آن، چشم انداز روشن و واضحی را پیش روی فرد ترسیم خواهد کرد. یک مدیر و یا هر عامل دیگری باید برای ظرف زمانی مشخص، کار و فعالیت معینی را برنامه ریزی کند و برای عقب نماندن از آن، در مقاطع مختلف نتایج را بررسی کند و تست بگیرد و در مراحل بعدی نقاط ضعف را به

ص: 169

1- نهج البلاغه، نامه 31.

2- وسائل الشیعه، ج 15، ص 193.

طور کلی برطرف و نقاط قوت خود را شناسایی و از آن استفاده بهینه نماید. کار و فعالیت اقتصادی برنامه ریزی شده و مخصوص یک زمان خاص را به زمان دیگر محول نکرده و از عجله و شتاب در گرفتن نتیجه بپرهیزد؛ زیرا در صورت اول، کارها تراکم یافته و در اثر عدم توان انجام آن در مواقع مقرر دلسرد شده و از هدف باز می ماند و در صورت دوم، در اثر عجله، کار صحیح و استوار صورت نگرفته و نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

امیر مؤمنان (ع) می فرمایند: «هر روز کار همان روز را انجام بده (و کار امروز را به فردا مینداز)؛ زیرا هر روزی کاری برای خود دارد.» (1) از ابومسلم خراسانی پرسیدند: راز کامیابی شما چه بوده است؟ گفت: هرگز کار امروز را به فردا نیفکنم. (2) چه بسا نیرویی که برای به تأخیر انداختن کار مصرف می شود، برای انجام خود آن کار کافی باشد.

توصیه اسلام به تقسیم اوقات شبانه روز به سه قسمت، و سفارش اکید پیشوایان دین به انجام عبادات، خصوصاً نمازهای روزانه در اول وقت از همین مقوله است، برای مؤمنان این مطلب کاملاً به تجربه رسیده است که انجام نماز اول وقت، در پیشرفت و سرعت کارها چه تأثیر بسزایی دارد. پس ای عزیز بزرگوار:

کن شتاب بهر نماز اندر جهان * تا شوی آرام و گیری صد امان

داد خاموش درون بی هر گمان * از تو می خواهد نماز در وقت آن

وقت خاص هر نماز را قدر بدان * چون که اسرارش بود فوق بیان

می کند فارغ تو را از هر فغان * سود آن برتر بود با صد نشان

استرس و اضطراب و مثل آن * می کند دور از تو تا باغ جنان

ص: 170

1- نهج البلاغه، نامه 53

2- تقیان، 1389ش، ص 157

ذکر و افعالش شفاست بر روح و جان * می دهد آرامش اندر هر زمان

پس ادا کن روز و شب در هر مکان * با خلوص خاصی در سرّ و عیان

هر که محروم گردد از وقت اذان * ظلم وافر کرده بر روح و روان

آنچه خواهی ای عزیز پر توان * در نماز است و به وقت آن را بخوان

فطرت و ذات بشر با هر زبان * از نماز گیرد امان اندر نهان

این حقیر گوید به هر پیر و جوان * با نماز بالا روی تا آن کران

با عنایت به ابیات غزل مزبور تصمیم بگیر که در هر شرایطی نماز را در اول وقت اقامه فرمایی. یقین بدان این عمل در رفع آفات مختلف اقتصادی که در ادامه به هر یک از آنها بصورت مستقل اشاره خواهد شد؛ برای تحقق اقتصاد سالم موثر و مفید خواهد بود... در ادامه بحث نظم در برنامه ریزی حضرت امیر(ع) فرموده اند: «دنیا در حال گردش و دست به دست شدن است (و انسان باید با نظم و برنامه دقیق و استوار) بهره خود را از آن به زیباترین شکل ممکن طلب نموده و به دست آورد.»⁽¹⁾

آن حضرت امور زندگی را به گونه ای تنظیم فرموده بودند که بخشی از روز را به عبادت و نیایش می پرداختند، اما وقت قابل توجه خود را به امور اجتماعی و سیاسی اختصاص می دادند. کار و تلاش و تأمین نیازهای شخصی و فراهم ساختن نیازهای خانواده و مستمندان و مساکین جامعه در رأس امور بود. احداث باغ، زراعت، آبیاری و حفر قنات از جمله فعالیت‌های امیرالمؤمنین(ع) به شمار می آید. یک روز بار هسته های خرما را به دوش گرفته و راهی صحرا شدند. از او سؤال کردند: یا امیرالمؤمنین! این بار چیست؟ فرمودند: انشاءالله درختانی است. آنگاه هسته ها را در زمین کاشتند و همگی سبز شد و به

ص: 171

بار نشست، (1) سامان دهی امور کلان و کلیدی مملکت و در دست داشتن پروژههای عظیم، توجیه منطقی و اصولی برای نادیده گرفتن موارد خرد و جزئی ندارد. همچنان که حضرت علی (ع) به مالک اشتر در این زمینه چنین سفارش فرمودند: «... هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسؤولیتهای کوچکتر نخواهد بود.» (2) و این درس مهمی برای همه مردم جامعه به ویژه مسؤولین و سیاستمداران نظام است که هر امری در جای خود مهم و دارای ارزش است و باید به آن پرداخته شود.

همچنین در زندگی گاهی فرصت هایی به دست می آید که شخص می تواند از آن فرصت به نحو شایسته ای برای بهبودی دین و دنیای خویش بهره گیرد. تیزبینی و آینده نگری افراد موجب می شود که این فرصتهای طلایی عاملی برای ارتقای جایگاه معنوی و اجتماعی آنان گردد. بدون شک از دست دادن چنین فرصت هایی موجب غم و اندوه و پشیمانی خواهد بود. امام صادق (ع) در این زمینه می فرمودند: «روزها سه گونه اند: یا روزی است که گذشته و دیگر به دست نمی آید و یا روزی است که مردم در آن به سر می برند و شایسته است که آن را غنیمت بشمارند و یا آینده ای است که آرزوی رسیدن به آن را دارند.» (3) پیشوای ششم در سخن دیگری ضرورت بهره گیری از فرصت ها را یادآور شده، می فرماید: «هرکس فرصتی را به دست آورد و با این حال منتظر فرصت بهتری باشد، روزگار، آن فرصت به دست آمده را از دستش خواهد گرفت؛ زیرا عادت روزگار سلب فرصتها و رسم زمانه از بین بردن موقعیت هاست.» (4) آری ای عزیز بزرگوار:

اقتصاد را کن همیشه پر توان * استفاده بر زهر وقت و زمان

در چنین حالی شوی دور از خزان * گر موانع را شناسی از نهران

ص: 172

1- فروع کافی، ج 5، ص 75، ح 6.

2- نهج البلاغه، نامه 53.

3- تحف العقول، ص 322.

4- همان، ص 381.

دان موانع یک به یک اندر جهان * می کنند روح و روانت را فغان
گر شوی تسلیم هر یک بی گمان * می شوی خوار و ذلیل و ناتوان
دار دنیا با هوسهای نهان * بهر عمر باشند چو سم شوکران
سستی و جهل با هزار و یک نشان * مانع اند بر رشد تو در هر زمان
خواب و غفلت دان که بی شک همچنان * هر کدام مانع رشدند در عیان
امروز و فردا نمودن ای جوان * آفت فرصت بود تا بی کران
غفلت از یاد خدا در هر مکان * می کند ویران همه روح و روان
مرگ و عقبا گر شود مغفول بدان * از حقیقت می شوی دور ای فلان
لحظه ها باشد چو لطفی در فشان * بهر روحت با هزار و یک نشان
فکر و ذهن را گر کنی با هر توان * وقف خوبیها چو ذکر و هم اذان
لحظه ها را کن شکار اندر جهان * تا شوی فارغ ز شرّ این و آن
این بود خواست همه خرد و کلان * از حقیر گیر و برو تا دیگران

(12) اقتصاد رقابتی از دیدگاه اسلام:

اقتصاد گر با رقابت طی شود آرد امان * چون که رغبت در وجودش می شود هی پر توان
در چنین حالی تحرک می شود پر شور و حال * تا کند تولید بهتر با هزار و یک نشان

بصورت دقیق مضمون رباعی مزبور بیانگر کم و کیف اهمیت اقتصاد رقابتی است. چرا که از طرفی اقتصاد رقابتی از این جهت که در آن نوعی رغبت برای کوشش مجدانه، و انگیزه ویژه برای تحرک بیشتر افراد جهت بروز و ظهور خلاقیتها وجود دارد؛ مهم و حائز اهمیت است. از طرفی چون در آن نوعی ساز و کارهای دورنی وجود دارد که افراد بیشتر در مقابل رفتارهای خود احساس مسئولیت می کنند؛ می تواند نقش مثبت در تولید بهتر داشته باشد. این نوع رقابت مورد تایید قرآن کریم، سنت اهل بیت و به تبع آن مورد پذیرش فطرت و فریاد خاموش بشریت می باشد. لذا در ادامه توجه جنابعالی به برخی از دلایل قرآنی و روایی آن معطوف می گردد:

الف) دلیل قرآنی: مفسرین بزرگ در تفسیر آیه « وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ »⁽¹⁾ باید راغبان بر یکدیگر پیشی گیرند، تنافس را به بار معنای مثبت تفسیر و تبیین نموده اند؛ به عنوان نمونه مفسر بزرگ طبرسی در مجمع البیان می گوید: تنافس به معنی تمنی (و تلاش) دو انسان است که هر کدام می خواهد شیء نفیسی که برای دیگری است در اختیار او نیز باشد... و در مجمع البحرین آمده است تنافس به معنی سبقت و پیشی گرفتن بزرگوارانه بر دیگری است (رقابت و مسابقه سالم)... راغب در مفردات نیز می گوید: منافسه به معنی تلاش انسان است برای شباهت به افراد برجسته، و ملحق شدن به آنها، بی آنکه ضرری به دیگری وارد شود. به هر حال تعبیری که در آیه آمده است زیباترین تعبیری است که برای تشویق انسانها برای وصول به این نعمتهای بی مانند از طریق ایمان و عمل صالح تصور می شود.⁽²⁾

ص: 174

1- سوره مطففین، آیه 26

2- آیه المکارم، تفسیر نمونه، ج 26، ص 277

2. دلایل روایی: به دلیل آنکه اهل بیت علیهم السلام مفسر و مبین آیات می باشند، آنها نیز شیوه رقابت سالم اقتصادی را امضاء نموده اند، همانطور که رسول مکرم اسلام (ص) می فرمایند: مؤمن رقابت می کند.. [همانطور که] خدای تعالی می فرماید: «وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَفَّسْ الْمُتَنَفِّسُونَ» (1) همچنین امام صادق «ع» می فرمایند: در کار نیک برای برادرانتان با یک دیگر رقابت کنید، و اهل نیک (و خیر رسانی) باشید. (2) از پندهای [خداوند] به عیسی بن مریم .. ای عیسی! تا توانی در کار خیر رقابت کن تا به هر کجا روی آوری اهل خیرت شناسند. (3)

خداوند به .. رقابت در کارهای نیک و پرهیز از بدیها امر کرده است... (4) از این رو فعالیتهای اقتصادی سالم و رقابت در آن می تواند یکی از مصادیق کارهای خیر باشد که اگر در آن هم رقابت و مسابقه برای رسیدن به مال و اموال بیشتر، با رعایت دستورات و فرامین الهی، مبنی بر پرداخت حقوق شرعی (خمس و زکات و حق فقرا و مساکین، پایمال نکردن حقوق دیگران) بوده باشد، مورد موافقت شرع مقدس خواهد بود. اما اگر افراد به گونه ای در رقابتهای اقتصادی سرگرم شوند که فقط به منافع خصوصی خود بیندیشند، بطور مسلم موجب بروز مفاسد اخلاقی و مفاسد اجتماعی از قبیل بروز نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی، پدیداری چهره فقر و اختلاف طبقاتی شدید خواهد بود. از این رو دخالت دولت در این گونه اقتصادهای رقابتی و احیانا مخالفت با آن، بخاطر جلوگیری از بوجود آمدن گولهای اقتصادی انحصار طلب و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص، می باشد. نه آنکه آنها را از صحنه رقابت حذف کند. (5)

ج) دلیل قانونی: از آنجا که قانون اساسی، (مخصوصا نظام اقتصادی) جمهوری اسلامی ایران نیز متأثر از قرآن کریم و سنت اهل بیت می باشد، در آن نیز ضمن مراعات

ص: 175

- 1- جباران، محمد رضا ترجمه اخلاق ص 257
- 2- اخوان حکیمی- احمد آرام ترجمه، ج 5 ص 150
- 3- آذیر، حمید رضا بهشت کافی- ترجمه روضه کافی ص 173
- 4- عارف، سید محمد صادق؛ راه روشن، جلد 8، ص: 120
- 5- اقتباس از هاشمی، سید محمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص 351

همه جانبه حقوق افراد، جهت توسعه کشور عزیز اسلامی ایران، قوانینی را جهت تشویق افراد در جهت پیشبرد اهداف عالیه انقلاب اسلامی تعبیه کرده است. قانون اساسی بوسیله «حمایت از حیثیت، جان و مال، مسکن، حقوق و شغل افراد، منع هتک حیثیت و تعرض، آزادی کار و شغل .. حامی آزادیهای سیاسی و اجتماعی افراد در حدود قانون بوده و با استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی آنها جلوگیری می کند.»⁽¹⁾ همچنین دولت با قرارداد و وسایل کار در اختیار افراد نیازمند، در آنها ایجاد انگیزش نموده و خلاقیت آنها را از قوه به فعل می رساند.⁽²⁾

خلاصه آنکه؛ اگر اقتصاد رقابتی که بیشتر تمایل به خصوصی کردن فعالیتهای اقتصادی و عدم مداخله دولت در آن می باشد، مبتنی بر رعایت اصول اخلاقی و ارزشی و حقوق شهروندان و رعایت نیازهای اساسی جامعه و.. باشد می تواند مورد قبول باشد؛ اما اگر در آن فقط منافع خصوصی افراد و بنگاهها مد نظر باشد؛ آثار سوء فردی و اجتماعی خواهد داشت و نمی تواند مورد قبول باشد. و همچنین مداخله دولت در نظام اسلامی به عنوان ناظر و حامی منافع عمومی ملت، تعدیل روابط اجتماعی و جلوگیری از تجمع ثروت در دست عده ای خاص از افراد و گروههای اجتماعی می باشد. و به معنای مسدود کردن و انحصار کردن فعالیتهای اقتصادی نیست.⁽³⁾

13) توجه به کسب عزت و سربلندی:

ص: 176

1- اقتباس از همان ص 222-224

2- همان ص 350

3- (منابع: 1. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ اول، 1374 ش. 2. اخوان حکیمی - احمد آرام، ترجمه الحیاه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران، چاپ: مکرر، 1380 ش. 3. آذیر، حمید رضا؛ بهشت کافی - ترجمه روضه کافی، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، 1381 ش. 4. جباران محمدرضا (مترجم)، الأخلاق، انتشارات هجرت، چاپ چهارم، 1378 ش. 5. عارف، سید محمد صادق؛ راه روشن (ترجمه المحججه البیضاء)، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1372 ش. 6. هاشمی، سید محمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، نشر دادگستر، ج 1 سال 1378)

عزّت ار خواهی بروراه خدا * غیر از آن باشد تباهی و فنا
چون که عزّت در حصول کسب و نان * یا که در کلّ وجود این سرا
بوده باشد از خدای مهربان * بهر خوبان جهان در دو فضا
هر که غیر از حق بخواهد در جهان * خوار و گردد در عیان و هم خفا
ذات حق باشد عزیز بی هر گمان * عزّت باقی دهد با صد نوا
چون غنی است در همه کون و مکان (1) * دون منت می دهد عزّت به ما
مال و ثروت کی کند دل را جوان * یا مقام و پست بود نوعی جفا
قدرت و زیبایی و دنیا بدان * هر کدام روزی شوند از تو جدا
پس نبند هر گز به هر یک قلب و جان * چون شوند بی شک فنا اندر فنا
کن تو خالص یتت را در نهان * بهر حقّ و اقتصاد با صفا
تا که گیری عزّتی فوق بیان * در تمام این جهان و آن سرا
داد خاموش درون با صد توان * این بخواهد از تو با صدها صدا

ص: 177

گر ز غیر حق بخواهی تو امان * کار تو باشد خطا اندر خطا

این حقیر گوید که اندر هر زمان * عزّت ار خواهی بر و راه خدا

با عنایت به ابیات غزل فوق بر خلاف نظر ایسم های مختلف عزت واقعی و سربلندی حقیقی در عرصه های مختلف از جمله بسترهای متفاوت اقتصادی؛ تنها با تکیه بر قدرت لایزال الهی حاصل می شود... توضیح اینکه یکی از مفاهیم و عناوینی که تأکید و اهتمام بر آن، بستر مناسبی را برای رشد و توسعه مطلوب جامعه فراهم می آورد ضرورت کسب عزت و سربلندی برای جامعه اسلامی است. زیرا جامعه باید در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی فرهنگی و نظامی به شکوفایی و اقتدار لازم برسد، بلکه با کسب برتری در تمام زمینه ها به رشد و توسعه مورد نظر دست یابد و نیازی به بیگانگان نداشته، از وابستگی و سلطه پذیری در امان بماند تا بتواند به عزت و سربلندی برسد.

خداوند از مسلمانان می خواهد که تمام نیروهای نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود را برای مقابله با توطئه و تجاوزات دشمنان اسلام بسیج و آماده نماید: « وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ »⁽¹⁾ و کلمه «قوه» چه کلمه کوچک و پر معنایی است، نه تنها وسایل جنگی و سلاح های مدرن هر عصری را دربر می گیرد بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی بنا بر این عقیده اگر این دستور بزرگ اسلامی به عنوان یک شعار همگانی در همه جا تبلیغ شود و مسلمانان از کوچک و بزرگ، عالم و غیرعالم نویسنده و گوینده و ... برای جبران عقب ماندگیشان کافی است ولی افسوس که مسلمانان با داشتن یک چنین دستور صریح و روشنی گویا همه چیز را به دست فراموشی سپرده اند نه از فراهم ساختن نیروهای معنوی و روانی برای مقابله دشمن در میان آنها خبری هست و نه از نیروهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و عجب این است که با این فراموشکاری بزرگ و

ص: 178

پشت سرافکندن چنین دستور صریح باز خود را مسلمان می دانند و گناه عقب افتادگی خود را به گردن اسلام می افکنند و می گویند اگر اسلام آیین پیشرفت و پیروزی است پس چرا مسلمانها عقب افتاده ایم؟» (1)

در حالیکه در اقتصاد لیبرالیسم عزت دیگران در روابط اصلا مدّ نظر نمی باشد. توضیح اینکه روابط سلطه جویانه نخستین ره آورد دکتترین لیبرال سرمایه داری است و در راستای آن، تاثیری است که بر نوع روابط اجتماعی می گذرد و روابط برادرانه و همسان انسانی را به روابطی برتری طلبانه و خودکامه تبدیل می کند، از نوع روابطی که میان دو طبقه "اقلیت فرادست" و "اکثریت فرودست" وجود دارد. براساس تاثیرهای فکری، فرهنگی و اخلاقی که نظام سرمایه داری در انسان ها می گذارد و روحیه طغیان و خودکامگی که بر مال اندوزان سایه می گسترد، پایگاه اصلی روابط اجتماعی را ویران می کند. یعنی باور انسان ها و ایمان به عزّت و کرامت انسانی، یا کم رنگ می شود و یا بکلی رنگ می بازد. این ایمان با ملاک های سرمایه داری، مفهومی نمی تواند داشته باشد. براساس همین تفکر و احساس ها در جامعه سرمایه داری، روابطی غیرانسانی و روابطی صرفاً اقتصادی و براصل "سودآوری و سود بیشتر" حاکم است.

بی گمان سلامت جامعه، نخست در نوع روابط اجتماعی نهفته است. نوع روابط اگر براساس باور انسان ها و پذیرش ارزش واقعی همه مردم، استوار گردد و در چهارچوب قانون (به عنوان مدافع حقوق همگان) صورت گیرد، و بالاتر نیز صعود کند و بالاتر از قانون، حتی مبانی ارزشی و اخلاقی، معیار قرار گیرد، سلامت و عزّت فرد و جامعه بطور بنیادی، تضمین شده است. اینگونه روابط، از هر گونه ستم بارگی میان افراد جلوگیری می کند، از تحمیل اندیشه و استبداد فکری مانع می گردد، ریشه هر گونه

سلطه جویی و تعالی طلبی را می سوزاند، فاصله طبقاتی براساس تبعیض های ناروا پدید نمی آید و اهرم های قدرت اقتصادی و سیاسی، به صورت ابزاری در دست ثروتمندان قرار نمی گیرد.

ص: 179

متأسفانه در نظام های سرمایه داری، سرمایه داران به اهرم اصلی قدرت یعنی سرمایه، مجهز می شوند و به هیچیک از معیارهای محدود کننده قدرت، تن نمی دهند. نه قانون را می پذیرند (آنگاه که برخلاف منافع آنان باشد) و نه اخلاق انسانی را پذیرا هستند؛ زیرا که اخلاق انسانی و الهی، با اخلاق سرمایه داری، تضاد ماهوی دارد. از اینرو ماهیت روابط را قدرت مداری و سلطه جویی تشکیل می دهد.

بنابراین می توان گفت که بالاترین و شوم ترین ره آورد اجتماعی سرمایه داری، طاغوت گری و بعد استکباری آنست. همین خوی و خصالتی که در همه خودکامان و حاکمان غیر الهی و مستبدان تاریخ وجود داشته و بشریت را از عزت انسانی دور و به بردگی کشیده است. پیامد حتمی این نگرش، تقسیم جامعه به دو طبقه "سلطه طلب" و "تحت سلطه" و پیدایش جامعه طبقاتی با روابطی ظالمانه است. در این خصوص در قرآن آمده است: «ان الانسان لیطغی ان راه استغنی؛ (1) خیر، آدمی طغیان می کند. همینکه خود را توانگر (و ثروتمند) بیند.»

«... قدرت، روش را در روابط عمومی و خصوصی و در طبیعت ارتباط کاری، تعیین می کند. ارتباطی که حرکت زندگی را به حرکت قدرتمندان، تفسیر می نماید و ضعیفان را جز پژواک بیچاره و ناچیزی نمی داند که همه چیز خود را از قدرتمندان الهام می گیرند، و جز با اراده ای پایمال و مقهور اراده طاغیان حرکتی نمی کنند... و گاه کار تنها به اینجا تمام نمی شود که مستضعفان در برابر اراده قهار مستکبران، احساس ناچیزی و حقارت کنند، بلکه در اینجا باوری سرکش در ذهن قدرتمندان وجود دارد که می گوید: ضعیفان توان تعیین سرنوشت خویش، و انتخاب باورها (اصول پذیرفتنی)، و پوییش در زندگی را خود بخود ندارند، و باید درباره امور مربوط به عقیده و زندگی و سرنوشت، اختیار خود را در بست به دست آنان بدهند...» (2)

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص موضوع مذکور می فرمایند:

ص: 180

1- علق/سوره 96، آیه 6-7.

2- فضل الله لبنانی، سید محمد حسین، الحیاه، ج 3، ص 551.

عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزّت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقّت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزّت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصوّر نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت. (1)

14) کم و کیف اقتصاد مقاومتی:

گر مقاومت گردی اندر اقتصاد در هر زمان * می‌کنی غوغا به پا در رزم خود با صد توان

دان که این نوع اقتصاد دارد پیامی پریشان * بهر هر نوع دشمنی با دید حق اندر جهان (2)

توضیح اینکه اقتصاد مقاومتی بصورت خاص یک نوع الگوی اقتصادی است که برگرفته از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی است و خصلت بارز آن توانمندی

ص: 181

1- بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری، 22 بهمن ماه 1397

2- بهر فطرت‌های پاک با دید حق در هر مکان

اقتصاد کشور در مقابله با تهدیدهای دشمن و تبدیل آن‌ها به فرصتی برای پیشرفت بیشتر است. اقتصاد مقاومتی الگویی اقتصادی است که در آن سازوکارها و سیاست‌های اقتصادی باید به نحوی طراحی و اجرا شود که در برخورد با تکانه‌های داخلی و خارجی، سیستم اقتصادی انعطاف پذیر عمل کرده و بتواند به اهداف خود اعم از رشد اقتصادی پایدار، برقراری عدالت اقتصادی، کاهش وابستگی اقتصادی و افزایش توان رقابت پذیری جهانی برسد. برای توضیح بیشتر می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی واژه‌ای ترکیبی از دو کلمه اقتصاد و مقاومت است. کلمه اقتصاد در لغت به معنای میانه روی است ولی در اینجا معنای اصطلاحی آن موردنظر است که یک نوع دانش و یا نظامی است که به رفتارهای انسان و وضعیت‌های بهینه زندگی او در زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات و امکانات رفاهی می‌پردازد. بنابراین استعمال صفت مقاومتی برای اقتصاد، دلالت بر حالتی از اقتصاد می‌کند که اولاً: در ساخت درونی خودش از قوام و استحکام لازم برخوردار باشد و ثانیاً در مواجهه با عوامل تهدیدزای خارجی نیز بتواند قوام و پایداری خود را حفظ نماید. بر این اساس یکی از محققان اقتصاد اسلامی در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌گوید: اقتصاد مقاومتی «گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم شکنی با رویکرد عقب راندن نظام سلطه را داشته باشد و درعین حال پیشرو، فرصت ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا باشد».

به بیانی مقصود از اقتصاد مقاومتی، مدیریت امور اقتصادی است، به گونه‌ای که از سرمایه ملی و مردمی به بهترین شکل استفاده شده و ملت از نظر اقتصادی خودکفا گردیده و به مقاومت در مقابل دشمنان ادامه دهد و توطئه‌های تحریم و محاصره اقتصادی دشمن را خنثی و بی‌اثر کند. به نوعی اقتصاد مقاومتی یعنی برخورداری از مزایای اقتصادی با ادامه مقاومت و مبارزه در مقابل دشمنان مستکبر و متجاوز. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و از الزامات چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها

و تأکید بر مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی را می توان مترادف با سرفصل مجموعه سیاست هایی دانست که باهدف رسیدن به اقتصادی مقاوم در مقابل بحران ها و افزایش ضریب امنیت اقتصادی و نیز افزایش امکان مانور اقتصاد ملی طراحی و به اجرا گذاشته می شود. این نوع اقتصاد معمولاً در تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده کشوری قرار می گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی کرده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بر اساس جهان بینی و اهداف دارد.

به بیانی دیگر در خصوص اقتصاد مقاومتی در شرایط فعلی و بصورت خاص معروض می دارد که «دفاع» بر دو نوع است: الف) «دفاع مسلحانه یا عامل» ب) «دفاع غیر مسلحانه یا غیر عامل». از رهگذر تشریح این مسئله، این نتیجه حاصل شده است که به جز «دفاع عامل» که مفهومی نظامی دارد، هر نوع اقدام پیشگیرانه ای را می توان به «دفاع غیر عامل» تعبیر کرد، در این راستا هر اقدام پیشگیرانه برای کاهش آسیب پذیری از مصادیق «دفاع غیر عامل» است. از این رو، اقتصاد مقاومتی را می توان «دفاع غیر عامل اقتصادی» تعریف کرد. این واژه، اولین بار توسط مقام معظم رهبری در شهریور سال 1389 در دیدار با کارآفرینان که از بتن اقتصاد اسلامی اقتباس فرموده بودند؛ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند. برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه ای به این موضوع نگاه کرده اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند: «اقتصاد مقاومتی، یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.»⁽¹⁾ میرمعزی⁽²⁾

در مقاله خود، با استناد به

ص: 183

1- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان (16/05/1391)

2- میرمعزی، سید حسن (1391). اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری). اقتصاد اسلامی، ش 47، صص 49-76.

سخنان مقام معظم رهبری و مطالبی که ایشان از سال 1388 درباره اقتصاد بیان کرده اند، درصدد ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی برآمده است. به نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می اندازد، پدید می آید. در نظام اقتصادی اسلام، در این وضعیت، با تغییر در اولویت هدف ها و به تبع آن، در اصول راهبردی و سیاست های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده، موجب رشد جهشی می شود. (1)

مقاومت، عمل یا عکس العمل مناسب مقابله در شرایط بروز ناملازمات و حوادث و بحران و یا تحمل سختی ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف است. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط بروز ناملازمات و حوادث و بحران ها و یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. اقتصاد مقاومتی ریشه در جهان بینی توحیدی دارد و مقوله های مادی معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال می کند. اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست. زیرا از طرفی اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت ها و قابلیت های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را توأم دارد. علم اقتصاد حاصل مطالعات بشر و نیز تجربیات او در طول تاریخ است که تاریخ شامل حوادث و بحران ها هم بوده است. علم اقتصاد با تغییر شرایط بخصوص در شرایط بحران ها و شداید قابلیت انعطاف دارد. و با تغییر الگوها و سیاست ها و... می تواند در مقابل بحران ها و حوادث و مشکلات اقتصادی تغییر روش داده و اصلاح برنامه کند و یا برنامه ریزی جدید نماید. در خود "علم اقتصاد" و "برنامه ریزی اقتصادی" مفهوم و عمل مقاومت به معنی بهینه یابی در هر شرایطی نهفته است. به این معنی که در اقتصادها این قابلیت وجود دارد تا

ص: 184

آسیب های وارده بر اقتصاد ناشی از شوک ها را ترمیم و تا حدودی به حالت قبل برگرداند. حتی برخی این قابلیت را مورد سنجش قراردادده و اندازه گیری کرده اند. (1)

بخشی از این قابلیت و ظرفیت هم به اقدام و عمل برنامه ریزان و مدیران مربوط می شود که با برنامه ریزی و اصلاحات مداوم در آنها، می توانند آثار شرایط خاص را تعدیل نمایند. از طرفی هم نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر مکتب اقتصادی است که خود برگرفته از مکتب الهی و ویژگی های آن است که مقاومت و استقامت برای دستیابی به اهداف بویژه درشاید و بحران ها از دستورات و توصیه های موکد مکتبی است. گفته شد که در مکتب اقتصادی اسلام، فلسفه هست، فلسفه خلقت تا فلسفه حیات و آخرت... در مکتب اخلاق هم هست، سیاست، فقه، فرهنگ هست، و در یک کلام اینکه دین به عنوان برنامه زندگی (از جمله صبر و مقاومت) از جانب خداوند است.

کسی که فلسفه حیات را بداند و پیرسد که ز کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود و اعتقاد داشته باشد که انالله و انا الیه راجعون، و بالاخره کسی که دستورات زندگی خود را از منابع وحیانی بگیرد، انسان مکتبی است. مکتب الهی، انسان را در جهت خدا می سازد. انسان را تکلیف گرا می سازد. این مسئله خاص اقتصاد هم نیست انسان مکتبی در تمام جوانب زندگی خویش برای رضای خدا عمل می کند. حال اگر این انسان به ابزار تکنیک و صنعت هم دست یافت و بهره گرفت، آن را در جهت اهداف مکتبی خویش بکار خواهد گرفت. علم اقتصاد یکی از این ابزارهاست. انسان الهی موظف است دنبال ابزارها برود. این انسان دیگر مأمور به نتیجه نیست بلکه مأمور به وظیفه و تکلیف است. البته برکات خداوند بر عمل صالحان (اگر به صلاحشان باشد) نازل می شود که اینک ناسپاسی و طغیان و معصیت هم برکت را می زداید. آری ای عزیز بزرگوار:

در مسیر اقتصاد افکار ناب هر جوان* می رود در راه کسب خوب وهم خواست روان

با خودش دارد هزار و یک سوال با صد نشان* بهر آنچه می کند وی را قوی اندر جهان

ص: 185

شک و تردیدی که می سازد درونش را همان * در چنین حالی به نفس خود همی گوید چنان
گر تو دانی ز کجا آمده ای سوی جهان * یا که دانی به کجا می روی در کون و مکان
بهر چه آمده ای در این جهان پر بلا * آمدی تا که کنی فسق و فجوری بی امان
یا شوی غافل از احوال دل و جان و سرت * یا روی در ره نفس و ندهی پاسخ جان
در چنین حالی شوی بدتر ز هر حیوان دون * چون که با عقل و رسول رفتی رهی پست و فغان
یا شوی همچو نبی و بدهی پاسخ سر * یا که در بی خبری، مانی در این عصر و زمان
گر تو دانی که دلت، جای خدای احدست * جای پاکی و صفاست، نه جای حبّ دگران
گر تو دانی که پیام انبیاء، بهر تو است * یا که حرف عقل و دل، حجّت در سرّ و عیان
بی گمان می روی در خطّ ولّی و انبیاء * می دهی پاسخ ناب، به فطرت با صد توان
در چنین حالی شوی برتر ز هر نوعی ملک * این بود فریاد خاموش درون هر جوان
در جوانی گر شوی پاک می روی راه فلاح * راه پاکی و سعادت راهی که آرد امان
گر کنی چنین مرام، تو انتخاب و اختیار * می نهی منتّ خاص، بر تو خدای مهربان
چون که توفیق بزرگ؛ همره هر کس نشود * پاکی جان طلبد، منتّ مولای نهان
گر که دنیا همه اش، نعمتی بر آدمی است * بهر آن نعمت فانی، نهد منتّی دان

چون که دنیا به فناست و لحظه ها در گذر است * آخرت باقی و مرجعی بود بر همگان

هر که و هر چه تو باشی، چو حقیری مثل من * آخر الامر روی، پیش خدای انس و جان

اگرچه واژه اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدید و دارای یک بار ارزشی در فرهنگ دینی است، لیکن مفاهیم در این زمینه و اعمال و اقداماتی برای مقاومت در حوزه های گوناگون بویژه در حوزه اقتصاد در دنیا بی سابقه نیست. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل "اقتصاد مقاومت" (1) و یا "قدرت اقتصادی" (2)، فراوان

وجود دارد. از طرفی هم تمام کشورهای که به نوعی جنگ و یا بحران های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده اند و یا برای توسعه سریع اقدام کرده اند، برای عبور از شرایط سخت، اقتصاد خود را بر مبنای مقاومت برنامه ریزی کرده اند. برنامه ریزی اقتصادی دوران جنگ آلمان، روسیه، انگلستان، ژاپن و... در دوران جنگهای جهانی اول و دوم اقتصادهای مقاومتی بوده است. در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران، با تمام اشکالات موجود و عدم درگیری کل توانمندی های اقتصادی و غیر اقتصادی، اولویت بندی های برنامه های اقتصادی جمهوری اسلامی برای مقاومت تنظیم می شد.

بنا بر این تفاوت اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف در تفاوت شکل مقاومت در مکتب ها و فرهنگ ها و تفاوت اهداف آنهاست. اقتصاد مادی نگر فقط با ابزارهای اقتصادی و تدابیری نظیر تغییر اولویت های اقتصادی برنامه مقاومت را طراحی می کند. در مکتب الهی و توحیدی در کنار استفاده از ابزارهای علمی برنامه ریزی اقتصادی، استفاده از ظرفیت های اعتقادی و ارزشی، نواقص برنامه ریزی های تخصصی را پوشش می دهند. اقتصاد مقاومتی به جامعه اسلامی کمک می کند تا ضمن تأمین مهم ترین مؤلفه جامعه، یعنی آسایش و اقتصاد، اجازه ندهد دشمن از این ضعف جامعه استفاده و با تیرهای

ص: 187

Economic Resilience -1

Resistance Economic -2

زهرآگین تحریم و فشار، جامعه را فلج کند. در این میان، باید به بسترها و زمینه های تحقیق و باید‌ها و نبایدهای آن توجه کرد.

الف) بسترها و زمینه ها: بسترها و زمینه های تحقق اقتصاد مقاومتی عبارت اند از: 1. فرماندهی متمرکز؛ 2. دیده بانی اقتصادی و آمارهای دقیق؛ 3. سبک زندگی جهادی؛ 4. اصلاح نظام آموزشی؛ 5. اصلاح نظام تبلیغاتی؛ 6. واکنش سریع نظام اقتصادی به حملات دشمن؛ 7. تحقق اقتصاد مردمی؛ 8. حمایت از فعالان اقتصادی؛ 9. تحرک دستگاه دیپلماسی؛ 10. گفتمان سازی.

ب) باید‌ها و نبایدها: باید‌ها و نبایدهای اقتصاد مقاومتی عبارت اند از: 1. ضرورت تشکیل نهادهای مبارزه با اشرافی گری؛ 2. ساده زیستی، تراشیدن هزینه و کم خرج بودن مدیران؛ 3. مشارکت مردمی، 4. نهادینه کردن حمایت از تولید ملی و استفاده از همه ظرفیت های کشور؛ 5. عقلانیت اقتصادی؛ 6. نگاه مولد به درون، خوداتکایی و خودکفایی.

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی ترمیم ساختارها نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط چنین موضوعی است. (1)

اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. گفته شد که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. اگر اقتصاد اسلامی باشد لزوماً قابلیت ها و ویژگی های یک اقتصاد مقاومتی را در خود خواهد داشت. یک نظام اقتصاد اسلامی نظامی علمی و مکتبی است که باید براساس این دو پایه نهاد سازی نماید. شکل گیری چنین اقتصادی الزاماتی هم دارد که به برخی از ویژگی های لازم برای تحقق اقتصادی اسلامی و به تبع آن مقاومتی در زیر اشاره می شود. در ادامه توجه جنابعالی به مسائلی مربوط به الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان محصول نظام اقتصادی اسلام معطوف می گردد.

ص: 188

الف: علمی اداره کردن اقتصاد علم: منظور، علم و شیوه های اجرایی بومی شده ای است که متناسب با ویژگی های اقتصاد ملی باشد. چه عمل صالحی بهتر از عمل عالمانه است. اقتصاد یک کشور برنامه ریزی اقتصادی علمی لازم دارد و این نوع برنامه ریزی هم اولویت بندی نیاز دارد. حضرت یوسف پیامبر (ع) به حاکم مصر گفت "مرا بر اداره خزانه کشور بگمار، چرا که من امین و عالم این کار هستم" (1)

بنا بر این اقتصاد یک کشور در کنار مسئولین درستکار و امین، عالم و کارشناس متخصص نیاز دارد تا در قالب برنامه های کلان و ملی به تخصیص بهینه منابع در چارچوب قوانین و ضوابط نظام اسلامی برای تولید، توزیع و مصرف اقدام کنند. یک برنامه جامع اقتصادی، منابع و نیازها را به هم ربط می دهد، تکلیف منابع و عواملان اقتصادی و وظیفه نهادهای اجتماعی (دولت، مردم، شرکت ها و ...) را معلوم می کند. یک برنامه مصوب، قانون است و اجرا و نظارت و کنترل (احتمالا اصلاح در عمل) و پاسخگویی لازم دارد.

ب) توجه به حوزه عمل اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی در جای خود: علم به عنوان ابزار وظیفه ای دارد و مکتب حوزه عمل دیگری دارد که بر علم هم احاطه دارد. ارزش ها، آداب و رسوم و سنت ها در حوزه اقتصاد دستوری است. تمام نظامها در حوزه قلمرو علم اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) یکسانند و تفاوتی ندارند. اقتصاد مقاومتی از این حیث که دارای روح ارزشی است و آنهم برگرفته از غایت مداری مکتبی است، حتماً فرا تر از "اقتصاد ریاضتی" است. اما برخلاف آنچه که بعضاً اصرار می شود که این دو مفهوم کاملاً متفاوت اند، اقتصاد ریاضتی بخشی از اقتصاد مقاومتی و لازمه آن است که منطبق و علم اقتصاد به آن توصیه می کنند. مقاومت حاکی از یک شرایط سخت و غیر عادی است که یا بدلیل کمبودها- به هر دلیل- و یا تصمیم برای توسعه ملی، پیش روی یک جامعه است. در چنین شرایطی جامعه نمی تواند در مصرف و تخصیص منابع دست و دل بازانه عمل کند. و لذا در این شرایط ریاضت اجتناب ناپذیر است

ص: 189

1- قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم. (قرآن کریم، سوره یوسف، آیه 55)

ج) تقلیل بحران‌ها به حد اقل ممکن: گفته شد که مقاومت و اقتصاد مقاومتی اغلب مربوط به شرایط غیر عادی و بحران است. برای مقابله با یک بحران باید ابتدا تا جایی که ممکن است از بروز آن جلوگیری کرد و با پیش‌بینی‌هایی از شدت آن کاست. اگر بحران و فشارهای آن به حداقل ممکن برسد مقاومت در برابر آن با کمترین هزینه صورت می‌گیرد. مسئله مقاومت و تصمیم برای مقاومت یک امر صرفاً اقتصادی نیست ولی از یک طرف تبعات اقتصادی دارد و از طرفی هم اقتصاد هزینه‌های مقاومت را اندازه‌گیری می‌کند تا تصمیم‌گیران براساس اطلاعات درست و یک تحلیل هزینه - فایده علمی اولاً هزینه‌های تصمیم‌گیری را بدانند و ثانیاً کم‌هزینه‌ترین راه ممکن برای مقاومت را برگزینند.

د) توجه به تولید ملی پایدار: تولید ملی مهمترین شاخص و متغیر در هر اقتصاد ملی است. اگر چه عوامل دیگری مثل توزیع عادلانه تولید و درآمد حاصل از آن در جامعه درکنار متغیرهای دیگری ملاک توسعه یک کشور محسوب می‌شوند، اما تولید ملی رکن اصلی و ستون فقرات یک اقتصاد است. تولید پویا نه تنها نیازهای جامعه را به کالاها و خدمات برآورده می‌کند، بلکه اساس اقتدار و پایداری یک ملت محسوب می‌شود. تولید فعال در یک کشور می‌تواند بسیاری از معضلات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی در جامعه را کنترل کند. بیکاری و تورم در یک جامعه که باعث و علت بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی هستند، خود می‌توانند معلول ضعف و ناکارآمدی تولید ملی باشند.

تولید ملی به عنوان اساس و پایه مقاومت یک ملت است. ملتی می‌تواند در مقابل ناملایمات و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی مقاومت کند که بتواند نیازهای مصرفی خانوارها و مواد اولیه و واسطه‌ای تولید را برآورده کند. البته تولید ملی و اقتصاد خوب و کارآمد لزوماً به معنی خودکفایی کامل در تمام زمینه‌های اقتصادی نیست. چه بسا بسیاری از تولیدات غیر اقتصادی و فاقد مزیت‌های لازم باشند. اقتصادی کارآمد است که ضمن برنامه‌ریزی و اقدام برای تولید نیازهای اولیه و اساسی و راهبردی جامعه، با بازاریابی - های مناسب به تولید بیشتر کالاها و خدماتی برای صادرات اقدام

نماید تا از محل درآمدهای آن بتواند کالاهایی را وارد نماید که در تولید آنها مزیت لازم را ندارد. هوشیاری و درایت در برنامه ریزی ها ایجاب می کند که خطوط تولید بویژه در محصولات که از خارج وارد می شوند، به گونه ای دیده شوند، که در شرایط لازم برای تولید نیازهای داخلی قابلیت تبدیل و باز تبدیل داشته باشند.

ه) مردمی شدن اقتصاد و مقاومت: اقتصاد دولتی کارآمدی زیادی ندارد. اگرچه برنامه ریزی، هدایت و نظارت دولتی بر اقتصاد اجتناب ناپذیر است. مردم زمانی وارد عرصه اقتصاد سالم می شوند که شرایط لازم فراهم و الزات آن رعایت شده باشد. در رفتارهای عرفی افراد بهینه کردن مصرف در جهت حداکثر سازی مطلوبیت و رفاه خویش را دنبال می کنند. در سمت تولید نیز فعالان اقتصادی برای افزایش تولید و کاهش هزینه ها و مآلا برای کسب سود بیشتر تلاش می کنند. اقتصاد ملی زمانی می تواند به توفیقاتی دست یابد که مورد قبول و حمایت آحاد جامعه قرار گرفته باشد. این اتفاق هم زمانی روی خواهد داد که مردم اقتصاد ملی را در جهت منافع و لااقل در جهت کاهش مشکلات خویش ارزیابی کنند. لازمه این دو حالت وضعیتی است که مردم در اقتصاد بطور موثر ایفای نقش کنند. این شرایط حداقل شرایط لازم در جهت ایجاد انگیزه برای مقاومت در برابر ناملایمات و سختی هاست. تعلق خاطر و احساس منافع در کنار ایمان قوی می تواند بزرگترین عامل مقاومت در برابر بحران ها و حمایت از اقتصاد ملی به عنوان ابزاری برای مقاومت ملی باشد. ثبات قوانین، حقوق مالکیت، وجود قوانین شفاف، اجرای عدالت در توزیع امکانات اقتصادی، سیاست گذاریهای مناسب و... مشارکت مردم در اقتصاد را تقویت می کند. درستی راه سبب مقبولیت آن است و مقبولیت و ایمان به درستی راه هم لازمه مقاومت و پایداری در شداید و بحران هاست. به هر حال افراد وقتی منافع خود را از مسیر منافع ملی ببینند تک روی نمی کنند و یکپارچه برای اداره اقتصاد ملی همت می گمارند.

و) مقاومت و لزوم کار فرهنگی: فرهنگی بسیار غنی برای ایجاد انگیزه مقاومت در اسلام وجود دارد. در نظام اقتصاد اسلامی و بویژه در نظام اقتصادی اسلام، مکتب و اندیشه های مکتبی پایه و اساس رفتارهای اقتصادی و برنامه ریزی ها در حیطه اقتصاد است.

قلمرو و جولانگاه علم اقتصاد و کاربردهای آن نیز در حیطه مکتب اقتصادی برگرفته از فلسفه اقتصادی و فلسفه حیات و آفرینش است. در فرهنگ اسلامی اقتصاد هدف نیست ولی اقتصاد وسیله و ابزاری ضروری برای بقا و ادامه حیات دنیوی است. انسان باید زنده باشد و نیازهایش تامین شده باشد تا بسوی هدف متعالی اطاعت پروردگار خویش برود. انسان باید زنده باشد و زندگی کند تا مقاومتی مطرح باشد. برای یک جامعه فقیر و ضعیف در حال نابودی مقاومت مفهومی واقعی خود را از دست می دهد.

به هر حال کار فرهنگی انسانی می سازد که در تمامی ابعاد "مقاومت" تکلیف اومی شود. این موضوع صرفاً مسئله اقتصادی هم نیست. کار فرهنگی به معنی یادآوری تکلیف و انجام وظیفه است. انسان وظیفه گرا در جنگ، دفاع، و در تمام شتادید و سختی ها از جمله در بحران های اقتصادی و کمبودها و نیازمندی های ملی مثل رشد و توسعه اقتصادی هم مقاومت می کند و امیدوارانه و صبورانه تلاش می کند. در مکتب اسلام انگیزه های زیادی برای ساختن انسان های مقاوم وجود دارد. اینکه دنیا مزرعه آخرت است، حیات واقعی و ابدی در جهان آخرت است و بالاخره جلب رضایت خدای متعال به عنوان بزرگترین پاداش بندگی و صبر و پایداری است، همگی می توانند محرک های واقعی بسمت مقاومت باشند. نظام آموزشی در کشور می تواند مهمترین مسیر فرهنگ سازی باشد. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای هر برهه تربیت کند. البته وقتی مقاومت مثل سایر اعمال عبادت تلقی می شود و نتیجه می دهد که راه درست باشد و درستی آن به باور افراد و اکثریت جامعه تبدیل شده باشد. (1)

به بیانی ای عزیز بزرگوار، اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می باشد. با توجه به بررسی همه عوامل مؤثر

ص: 192

1- اسدی، علی، نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا / سرویس صفحات فرهنگی. (قسمتی از مقاله مزبور با تغییرات لازم)

و زیرسیستم در اقتصاد مقاومتی باید گفت که تحریم ها نمی توانند خلل مهمی برای کشوری با قدرت جمهوری اسلامی ایران و با این مرزهای گسترده و منابع خدادادی ایجاد کنند، کشوری که با رهبریهای ولایت فقیه به خدای متعال اتکا دارد و ملتی استوار و هوشمند دارد؛ حتماً پیروز این میدان خواهد بود. نظام اسلامی قادر است با برنامه ریزی، تلاش، تدوین استراتژی ها و اقدامات لازم با محوریت اقتصاد مقاومتی، بخش عمده ای از تهدیدهای امروزی و هر زمان دیگر را نیز به فرصت تبدیل کند. راهکارهای ذیل جهت رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی ضروری است:

1. نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می دهد و این دو در کنار هم، جهت سرمایه گذاری را مشخص می کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان تر می شود. البته باید به گونه ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

2. افزایش بهره وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک.

3. کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه های فقر و آسیب های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه.

4. فعال سازی سیستم های حمایتی پولی و مالی و بیمه ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی.

5. افزایش واردات دانش فنی، خطوط تولید و ماشین آلات درازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات، همزمان با تولید علم و تولید دانش فنی و حمایت از شرکت های دانش بنیان.

6. توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیشگیری سیاست های بهینه در این فرآیند.
7. تبدیل تهدیدها به فرصت ها در روند تأمین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد خودکفایی کامل یا حداقل خوداتکایی در تولید و تأمین این اقلام.
8. برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک های منطقه ای و گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچک تر.
9. شکل گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمیت ایرانی. ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی، «دیپلماسی اقتصاد مقاومتی» نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص های روزمره اقتصادی وارد می شود، ولی دستاوردهای مقاومت کشور، دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند، همچون خودکفایی در تکنولوژی ها و فناوری های برتر (هسته ای)، استقلال در سیاست خارجی و...
10. خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارهای کوچک و هدایت شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تأمین امنیت غذایی مردم. (1)

16) خوداتکایی و وابسته نبودن به غیر:

دان که استقلال درون اقتصاد وفق کتاب * با همان خود اتکایی می رود راه ثواب

در چنین حالی شود وابستگی ها تار و مار * چون ستون هر نوع استثمار شود با آن خراب

ص: 194

1- اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل، پیشین (با کمی تغییر)

مضمون رباعی مزبور بیانگر این است که خوداتکایی و وابسته نبودن به غیر، از جمله راهکارهای عملی تحقق اقتصاد آرمانی در جامعه اسلامی است و از این روست که در قرآن کریم، بر این امر تأکید شده است؛ زیرا راه های سلطه کفار و اجانب را بر مسلمانان قطع می نماید و این امر میسر نخواهد شد مگر اینکه جوامع اسلامی استقلال اقتصادی و برتری اقتصادی جامعه اسلامی را برای خود به رسمیت بشناسند؛ زیرا هدف استثمار و استعمار، تقویت و توسعه روزافزون وابستگی هاست.

درواقع بهترین خطی که به مسلمانان توان زندگی مستقل و آزاد می دهد تا زیر سلطه هیچ ابرقدرتی نباشند و آن خطی که جامعه را به سوی خودکفایی در تمام زمینه ها پیش می برد، همانا خط اقتصاد اسلام است. (1) از این رو استفاده از کالاهای بیگانگان و وابستگی به آنان، می تواند به تولید داخلی ضربه وارد کند و در نتیجه فشارهای سنگین اقتصادی بر اقشار ضعیف و آسیب پذیر جامعه وارد سازد. امام علی (ع) می فرماید: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی کرد که به مؤمنان بگو: آنان که در خوراک، پوشاک و شکل ظاهری می کوشند از غذاها، لباس ها و الگوهای بیگانه تقلید کنند، مانند کافران، دشمنان خدا هستند. (2) از این روایت می توان استنباط کرد که یکی از شاخصه های اقتصاد سالم و آرمانی، خوداتکایی و وابسته نبودن به غیر است که افزایش تولید داخلی و برکت و عافیت را به دنبال دارد.

17) جهاد و پیشرفت اقتصادی در قرآن:

دان جهاد و اقتصاد با هم کنند غوغا به پا * در مسیر جسم و جان گردند مقدّس پا به پا

چون جهاد اقتصادی بوده از لطف خدا * گر شود بهر ولا دانی نلرزد دست و پا

ص: 195

1- مکارم شیرازی، بی تا: 10

2- طوسی، 1407 ق: 6/172؛ طبرسی، 1385 ق: 325

توضیح اینکه واژه اقتصاد از ماده "ق-ص-د" تصمیم گیری و اراده به انجام کاری است. آنجا که قصد و اراده در ضمیر انسانی حرکت فرد را شکل می دهد، عدل، سایه سار واژه قصد، میانه روی (بدون افراط و تفریط) واستقامت و پایداری را در مسیر سازندگی گوشزد می کند. زیرا انسانها تلاش را می شناسند و با واژه قصد بیگانه نیستند. ولی در این بین آنچه که با آن نا مانوس هستند "عدالت" است. آنجا که واژه "جهاد" در مسیر تلاش و سازندگی شیوه خاص خود را ارائه می دهد آیا می تواند معنا دهنده واژه جهاد باشد؟ آیا می توان واژه جهاد و اقتصاد را در کنار یکدیگر قرار داد و به تلاشی مقدس رسید؟ آیا می توان فرمول مقدس جهاد اقتصادی را در عرصه خدمات گوناگون، صنعتی، کشاورزی، فرهنگی، هنری و علمی پیاده کرد؟

به بیانی از دیگر شاخصه های اقتصاد آرمانی، جهاد اقتصادی است. این موضوع در دنیای امروز از چنان اهمیتی برخوردار است که رهبر معظم انقلاب، بارها بر آن تأکید ورزیده و دستورالعمل هایی برای آن بیان فرموده اند. در یکی از این موارد، امام خامنه ای (مدظله العالی) می گویند: جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست، بلکه جهاد، یک بار معنایی ویژه ای دارد. هر تلاشی را نمی شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. بدین معنا که جهادگران عرصه اقتصاد، همواره خود را در حال مبارزه با دشمنان اقتصادی جبهه استکبار ببینند و راهی را که در پیش دارند، با عزت و سربلندی ادامه دهند. (1) در واقع می توان گفت جهاد اقتصادی، فعالیتی بادوام و مستمر، همراه با سرعت و شتاب و تحول آفرین و فرایندی است مبتنی بر ارزش های دینی و اسلامی. از این رو علی (ع) که به عنوان حاکم اسلامی، حق استفاده از بیت المال را داشت، هرگز از آن بهره نمی برد و خود به تلاش و فعالیت تولیدی در زمینه کاشت درختان خرما و حفر قنات برای آبیاری باغات مدینه و کوفه می پرداخت و وقتی از ایشان علت این اقدام حضرت را سؤال کردند؛ چنین فرمودند: خداوند به داود پیامبر وحی فرستاد

ص: 196

که تو بنده خوبی هستی اما تنها اشکال کارت این است که از بیت المال استفاده می کنی و با دست خود کار نمی کنی! (1) آن حضرت در فرمان خود به مالک اشتر می فرماید: نسبت به صنعتگران اهتمام داشته باش و آنان را زیر نظر بگیر و امکانات لازم را برایشان فراهم آور. (2) قرآن کریم مجاهدانی را که از مال و جان خود می گذرند، می ستاید و از آنان به نیکی یاد می کند. در زیر به صورت خلاصه به چندی از این موارد پرداخته شده است.

1- انجام جهاد و تلاش اقتصادی از ویژگی های پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان است و مجاهدان اقتصادی بر قاعدان اقتصادی برتری و ترجیح دارند: «...فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ...» (3)

2- مجاهدان اقتصادی مقام والایی در نزد خداوند متعال دارند: «...أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ...» (4)

3- جهاد و تلاش اقتصادی موجب خیر «لَهُمُ الْخَيْرَاتُ» و رستگاری «هُمُ الْفَائِزُونَ» و پاداش فراوان «أَجْرًا عَظِيمًا» از آن مؤمنان است.

4- مجاهدان اقتصادی، در ادعای ایمان و مجاهدت خود، صادق و راستگو هستند: «...أَوْلَيْكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (5)

5- بدیهی است جهاد اقتصادی در صورتی دارای ارزش های پیشین است که در راه خدا و با انگیزه الهی باشد: «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (6)

با توجه به اهمیت جهاد و تلاش اقتصادی، قرآن مأموریت انسان را در بُعد مادی زندگی، عمارت و آبادانی زمین، و در بُعد معنوی، عبادت و عبودیت دانسته است و انسان را به انجام این مهم تشویق فرموده است، چنان که می خوانیم: «وَالِئِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ

ص: 197

1- کلینی، 1407 ق: 74/5؛ طوسی، 1407 ق: 326/6؛ عروسی حویزی، 1415 ق: 446/3

2- ابن شعبه حرانی، 1404 ق: 131 و 140؛ سید رضی، 1414 ق: 432

3- نساء/ 95

4- توبه/ 20

5- حشر/ 8 (ر.ک؛ ثعلبی، 1422 ق.، ج 9: 278)

6- مزمل/ 20

يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ... و به سوی قوم ثمود، برادرشان، صالح را (فرستادیم). گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت...» (1)

3- راهکارهای قرآن برای پیشرفت اقتصادی: قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در آیات فراوانی شیوه های عملی بهره گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع، پیش روی آنان نهاده است. از جمله این شیوه ها می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) استفاده از آب های گوناگون: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ... و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم و آن را در زمین (در جایگاهی ویژه) ساکن نمودیم...» (2) «...وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ... و از آسمان، آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد...» (3) باید به این نکته توجه کرد که باران از عوامل مهم تولید است. (4) بنابراین، باید مناطق پرباران را شناسایی کرد. قطره قطره باران روزی است که خداوند بخشنده برای انسان می فرستد. باید از هدر رفتن آن خودداری کرد و از روش های جدید آبیاری برای بهره برداری بهینه استفاده کرد.

ب) بهره برداری از دانه های روغنی: «فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَيْبُغٍ لِّلَّاءِ كَلِيلِينَ: سپس به وسیله آن باغ هایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغ هایی که در آن میوه های بسیار است و از آن می خورید. * و (نیز) درختی را که از طور سینا می روید [= درخت زیتون] و از آن روغن و نان خورش برای خورندگان فراهم می گردد.»

ص: 198

1- هود/61

2- مؤمنون/18

3- بقره/22 و مشابه آن در انعام/99، اعراف/57 و نوح/11-12

4- فاطر/9 و غافر/13

آفریدیم» (1) از روغن زیتون هم می توان برای غذا بهره برد و هم از آن انواع داروها را ساخت. این درخت با اقسام مختلف خود معمولاً در سرزمین ایران اسلامی هم می روید. با بهره برداری از این درخت و تولید انبوه آن می توان به رونق اقتصادی کشور کمک کرد. در این راستا نیز می توان برای کاشت و برداشت درخت زیتون برنامه ریزی جامع کرد و تولید آن را گسترش داد و از این طریق برای کشور ارزآوری داشت.

ج) بهره برداری از منابع دریایی: در سوره اسراء آمده است: «رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ...» پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی آورد تا از نعمت او بهره مند شوید...» (2) که مراد از این آیه، راه انداختن کشتی ها در دریا به وسیله باد و امثال آن است. در سوره نحل نیز آمده است: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَآخِرَ فِيهِ وَلِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ:» و اوست که دریا را مسخّر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید، و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید، و کشتی ها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر نعمت های او را به جا آورید!» § حل / 14

1- مؤمنین/20-19

2- اسراء/66

شفا برای مردم است»(1) در واقع، با استفاده بهینه و روشمند و علمی از داروها و غذاهای سنتی می توان از مصرف بی رویه داروهای شیمیایی کاست.

پ) چهارپایان: در اقتصاد بُحرانی، مهم ترین درآمدهای انسان می تواند از چهارپایان باشد و گوشت، شیر، پارچه، سوخت و... که قرآن در این باره می فرماید: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْتَفِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَدًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ: و در وجود چهارپایان برای شما (درس های) عبرتی است. از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می نوشانیم»(2) هم اکنون می توان از دامداری برای رشد اقتصادی و خودکفایی در آن بهره برد. پرورش و تولید دام را باید روشمند و با استفاده از غذاهای مجاز دامی گسترش داد و کاری کرد که هم بر کمیت و هم بر کیفیت محصولات دامی افزود تا در راستای صادرات و نیازهای داخلی مفید باشند.

و) زمین: در جامعه هایی که صنعتی نیستند، تنها اتکای آنها استفاده از زمین است و جز این راهی برای خودکفایی نیست. توجه به صنعت بدون عنایت به کشاورزی اشتباه بزرگی است. خداوند زمین را برای مردم نهاد: «وَالْأَرْضَ رِضًا وَصَدَّعَهَا لِلْأَنْعَامِ: زمین را برای خلاق آفرید»(3) رحمن/10(3) ملک/15

1- نحل/ 69

2- همان/ 66

3- باید همه ویژگی های مناطق مختلف را شناخت و نهایت استفاده را برد، چراکه خداوند بزرگ زمین را رام و مسخر انسان نموده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا...: اوست که زمین را برای شما رام کرد...»

کرد» (1) «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ... ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم...» (2) پس با توجه به اینکه همه چیز در زمین هست، باید با مدیریت صحیح، از منابع موجود استفاده کرد و منابع شناخته نشده را شناسایی کرد و به کار گرفت و این با اهمیت دادن به رشته های زمین شناسی، معدن، زیست شناسی و... محقق می شود.

امام علی (ع) که در بیان و کردار خود مفسر قرآن کریم است، در عهدنامه ماندگار خود به مالک اشتر، یکی از مأموریت های مهم حاکمان را عمران و آبادانی زمین معرفی فرموده است و می فرماید: «... باید توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن خراج باشد، چراکه خراج جز در نتیجه آبادی فراهم نمی آید. هر کس بدون آباد کردن زمین خواستار خراج شود، کشور را خراب و مردم را هلاک کرده است و کار او جز اندکی، راست نخواهد شد. پس اگر از زیادی مالیات (خراج)، یا رسیدن آفات آسمانی، یا قطع شدن آب، یا خراب شدن بذر در نتیجه غرق شدن زمین در زیر آب، یا نابود شدن ماده غذایی از زمین شکایت کنند، باید چنان بار مردم را سبک کنی که کارشان اصلاح شود و این کار نباید بر تو گران افتد؛ زیرا که این اقدام همچون ذخیره ای است که مردم خود آن را با آباد کردن، آراستن و پیراستن سرزمین ها بازمی گردانند. علاوه بر این، سپاسگزار تو نیز خواهند شد و خود از اینکه با عدل و داد با مردمان رفتار کرده ای، شادمان خواهی بود و به دلیل راحتی که برای ایشان فراهم کرده ای و عدل و مهربانی که نسبت به آنان روا داشته ای و (بدین گونه) اعتمادشان را جلب کرده ای، می توانی به حسن نیت و خدمت ایشان بیشتر متکی باشی. بسا که در آینده حادثه ای پیش آید که چون در آن به یاری ایشان چشم داشته باشی، با کمال صفای دل، آن را تحمّل کنند و این همه برای عمران و آبادی ضرورت دارد. ویرانی زمین از فقر مردم آن نتیجه می شود و زمانی مردمان، فقیر می شوند

ص: 201

1- ابراهیم/ 34

2- أعراف/ 10

که والیان در اندیشه جمع مال و نسبت به باقی ماندن بر سر کار خود بدگمان باشند و از چیزهایی که مایه عبرت گرفتن است، بهره مند نشوند»(1)

اقتصاد را در همان قرآن بخوان * راه قرآن را مسیر جان بدان

چون که قرآن بهر کسب این و آن * بوده برتر از حدیث دیگران

مثل گنجی پر ز درّهای گران * آمده سوی تو چون آتش فشان(2)

گر تدبّر تو کنی در بطن آن * می کند غوغا درون جسم و جان

فیض آن را هر که در حدّ توان * می برد در سینه هر پیر و جوان

نافع روح و روان است در نهان * داد خاموش درون است بی گمان

گر که خواهی کسب خوب اندر جهان * وفق قرآن کن عمل در هر مکان

انس با قرآن کند کسب را چنان * سالم و بی مکر و حيله و روان

گنج و در گنج است پیام آن بدان * دور و گرداند تو را از هر فغان

منبع فیض عظیم است و کلان * می برد هر آن تو را تا کهکشان

هر چه تو خواهی چو یار مهربان * می کند آن را مهیا و عیان

ص: 202

1- نهج البلاغه/ ن 53(سایت های مختلف با تغییرات لازم)

2- همچو گنجی از تلاوت های ناب آمده سوی تو چون درّی گران

آنچه آری ذره ذره بر زبان * فیض خالق بوده در لفظ و بیان

رمز و راز آفرینش در جهان * جمع در قرآن احمد چون اذان

راه حق را می کند بر مومنان * راحت و آسان و هم امن و امان

معجزه ی بی بدیل خاوران * بوده قرآن با هزار و یک نشان

آیه آیه بهر تو چون ارمغان * لطف حق باشد بدون هر خزان

می کند هر دم هدایت روح و جان * در مسیر فطرت و خواست روان

آن که بوده خود شفاعت نمان * می رهاند جان و دل از شوکران

عترت احمد (ص) بود همراه آن * تا رسی بر حوض کوثر در جنان

این حقیر گوید که قدر آن بدان * چون تو را بالا برد تا بی کران

18) کم و کیف مقررات و معاهدات اقتصادی و ...

اقتصاد خواهد همی عهد و وفا در هر قرار * تا که با آن رونقش گردد همیشه برقرار

دان تجارت وفق حق غوغا کند در اقتصاد * چون تعامل در تجارت روز و شب آرد قرار

توضیح اینکه تجارت خارجی به عنوان مهمترین بستر تعامل اقتصادی با دیگر کشورها، نیازمند طراحی هوشمندانه است؛ در واقع طراحی

رژیم تجاری کشور بر اساس الگوی اقتصاد سالم به این معنا که معاهدات و تعاملات تجاری با چه کشورهایی، در چه محصولاتی، در

چه سطحی و با چه سیاست هایی باید انجام شود، بسیار مهم و موثر است

ص: 203

و منجر به افزایش قدرت اقتصادی کشور و پایداری اقتصادی می‌گردد. لذا مدیریت معاهدات اقتصادی و قراردادهای تجاری ... با دیگر کشورها به گونه‌ای که منجر به افزایش قدرت اقتصادی و ارزش افزوده برای ظرفیت‌های داخلی گردد، جهت کاهش وابستگی اقتصادی و افزایش توانمندی‌های داخلی ضروری است. توضیح اینکه عهد به معنای نوعی التزام و گردن گرفتن کاری است. معاهدات، پیمان‌های دو جانبه یا چند جانبه‌ای است که طرفین متعهد می‌شوند تا در یک بده و بستان مالی یا غیر مالی، کار یا کارهایی را انجام دهند. عهدنامه‌ها و معاهدات تا زمانی التزام آور است که طرفین براساس مفاد آن عمل و رفتار کرده باشند؛ البته برخی از معاهدات در ساختار خویش زمان مند است و با پایان زمان، هیچ یک از طرفین تعهدی نسبت به طرف دیگر نخواهد داشت؛ اما در تعهداتی که زمان مند نیست، هر یک از طرفین باید به مفاد آن عمل کنند و در صورت فسخ باید اعلام کنند و تبعات آن را بپذیرند. در صورت تخلف یکی از طرفین معاهدات، فسخ آن انجام می‌شود و طرف دیگر ملتزم به هیچ عملی مبتنی بر مفاد تعهد و معاهده نیست.

واژه عهد بارها در آیات قرآن به معنای عام و اصطلاحی آن به کار رفته است؛ زیرا قول و قرارهایی که طرفین به یکدیگر می‌دهند، از مصادیق عهد است. بنابراین، اگرچه این قول و قرار در قالب ساختار مکتوب و عهدنامه‌ها داده نمی‌شود، ولی شخص متعهد است براساس مفاد قول و قرار خویش عمل کند و تخلف از آن نوعی پیمان شکنی است. در آیه 183 سوره آل عمران از عهد خدا سخن به میان آمده است. این بدان معنا است که عهد تنها میان انسان‌ها نیست، بلکه می‌تواند بین خدا و خلق نیز عهدی انجام شود. همچنین خدا در قرآن از بد عهدی انسان‌ها نسبت به تعهدات خویش در مقابل خدا سخن به میان آورده است. (1) از نظر قرآن، معاهداتی که انسان می‌بندد، چه در برابر خدا یا انسان‌های دیگر باشد، لازم الاجرا و واجب العمل است و انسان‌ها باید به تعهدات خویش عمل کرده و بر خلاف آن رفتار نکنند. از همین رو به صراحت از مسئولیت انسان در برابر

ص: 204

تعهدات و معاهدات سخن به میان آمده و خدا در قرآن می فرماید: با آنکه قبلا با خدا سخت پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند، و پیمان خدا همواره بازخواست دارد. (1)

در آموزه های قرآن، برای هر فعل انسانی حکمی بیان شده است؛ زیرا هیچ فعلی نیست که برای آن حکمی نباشد؛ چرا که هر فعل و عمل انسانی دارای آثار مثبت و منفی است. بنابراین لازم است تا براساس آثار و مصالح و مفسدات عمل و متعلقات آن، از سوی خدای حکیم و پروردگار جهانیان، حکمی صادر شود تا انسان بتواند در چارچوب این احکام پنج گانه به اهداف و مقاصد آفرینش از جمله آفرینش انسان دست یابد. احکام پنج گانه وجوب، استحباب، حرمت، کراهت و جواز بیانگر درصد مصالح و مفسدات هر فعل و عملی است که انسان انجام می دهد؛ هرچه مصلحت قوی تر باشد، حکم وجوب و هر چه کمتر باشد به سمت استحباب و جواز متمایل می شود؛ چنانکه در صورت قوت مفسدات، حکم حرمت و کاهش آن کراهت مطرح می شود.

از آنجا که عهد و معاهده، فعلی از افعال مکلفین و عملی از سوی انسان است، بطور طبیعی آثار و تبعاتی بر آن مطرح است. بر همین اساس، از سوی خدا احکامی برای این فعل مکلفین بیان شده است. برخی از مهم ترین احکام عهد و معاهده از منظر قرآن عبارتند از:

1- جواز انعقاد پیمان عدم تعرض، با جوامع غیرمسلمان: (2) زیرا واژه «حبل» در آیه شریفه به معنای عهد و معاهده است. پس به کارگیری لفظ «حبل» در آیه به معنای معاهده و عهد است؛ زیرا با آن، عقد امان بسته می شود، همچنانکه اشیاء با ریسمان بسته می شود، پیمان ها میان طرفین به نوعی بستن تعهدات با ریسمان نهان التزامات حقوقی و اخلاقی است. (3)

ص: 205

1- احزاب، آیه 15

2- نساء، آیه 89

3- نگاه کنید: مجمع البیان، ج 1 - 2، ص 814؛ کشف الاسرار، ج 2، ص 247

- 2- حرمت نقض معاهده و پیمان عدم تعرض با اقوام دیگر: (1) اگر معاهده ای با ملت ها و دولت های دیگر در این باره بسته شده، باید به مفاد آن عمل شود.
- 3- عدم مشروعیت هرگونه معاهده و پیمانی که موجب سلطه کافران بر مؤمنان شود: (2) بنابراین، معاهداتی که چنین سلطه ای را ایجاد کند، از پایه باطل است و لازم نیست براساس آن عمل و مفاد آن مراعات شود؛
- 4- ممنوعیت تعقیب و کشتن کافران پناهنده به کافران هم پیمان با مسلمانان، از دیگر احکام قرآنی در باره معاهدات بین المللی است. (3)
- 5- وفاداری نسبت به معاهدات و انجام کامل تعهدات از دیگر احکام قرآنی است. از نظر قرآن، التزام عملی به وجوب وفاداری به معاهدات با مشرکان، موجب قرار گرفتن در زمره متّین می شود. (4) بنابراین، دولت و امت اسلامی می بایست اصل وفاداری را نسبت به هر تعهدی در دستور کار خویش قرار دهند؛ زیرا وجوب وفاداری جامعه اسلامی به معاهدات و پیمانهای بین المللی خود یک حکم صریح قرآنی است. (5)
- 6- وجوب پرداخت دیه به خانواده مؤمن کشته شده از قبیله کافر هم پیمان با مسلمانان از دیگر احکام مربوط به معاهدات بین المللی است. (6) از نظر قرآن، جان و مال و عرض هم پیمان ها محترم بوده و کسی نمی تواند متعرض هم پیمان حتی کافران شود.
- 7- لزوم محترم شمردن پیمان عدم تعرض با کفار، حتی در صورت حمله و هجوم معاهدان به مؤمنان غیر مهاجر از دیگر احکام قرآنی است. (7)

ص: 206

-
- 1- توبه، آیات 4 و 7
- 2- نساء، آیه 141
- 3- نساء، آیات 89 و 90
- 4- توبه، آیات 4 و 7
- 5- نساء، آیات 89 و 90 و 92؛ انفال، آیه 72؛ توبه، آیات 1 و 4 و 7
- 6- نساء، آیه 92
- 7- انفال، آیه 72

8- پیمان شکنی مشرکان، سبب جواز جهاد با ایشان و اسارت آنان است. (1) پس

وفاداری نسبت به معاهدات تا زمانی است که طرف مقابل پیمان شکنی نکرده و بر خلاف مفاد پیمان و معاهدات، عمل و رفتاری را انجام نداده باشد.

9- عدم مانعیت پیمان شکنیهای کافران، برای جواز بستن معاهدات جدید با آنها، از دیگر احکام قرآنی است. که البته باید با احتیاط و شرایط بیشتر صورت گیرد. (2)

10- ممنوعیت اسیر گرفتن از مشرکان عهدشکن، در ماههای حرام از احکام معاهدات بین المللی در قرآن است. (3)

11- وجوب پرداخت حقوق معاهدان، بر توارث از مال و ترکه میت حکم دیگر درباره معاهدات بین المللی است که باید از سوی امت و دولت اسلامی مراعات شود. (4)

12- ظهور نشانه های حاکی از تصمیم کافران بر پیمان شکنی، موجب جواز الغای معاهدات فیما بین است. بنابراین، لازم نیست تا آنان بطور رسمی الغای معاهده را اعلام کنند، بلکه همین که نشانه هایی حاکی از عهد شکنی و خیانت بروز کرد، می توان تعهدات را کان لم یکن تلقی کرد و به مفاد آن عمل نکرد. (5)

13- لزوم مطلع ساختن دشمن از بی اعتباری عهدنامه آنان، پس از الغا و بی اعتبار دانستن آن از دیگر احکام قرآنی است. (6) گفتنی است که «علی سواء» در آیه اخیر به معنای مساوی و برابر بودن است و مقصود از آن، تساوی در آگاهی نسبت به لغو پیمان نامه است. (7)

ص: 207

1- توبه، آیات 4 و 5

2- انفال، آیه 56

3- توبه، آیه 5

4- نساء، آیه 33

5- [5]

6- توبه، آیات 1 و 4؛ انفال، آیه 58

7- مجمع البیان، ج 3 - 4، ص 850؛ معالم التنزیل، بغوی، ج 2، ص 302

- 14- حرمت خیانت در معاهدات فیما بین حتی نسبت به کافران، از دیگر احکام قرآنی نسبت به معاهدات بین المللی است. از نظر قرآن خیانت نسبت به معاهدات در پی دارنده محرومیت از محبت خدا است. (1)
- 15- پیمان شکنی مشرکان، سبب جواز تعقیب و به محاصره در آوردن آنان است و دولت اسلامی می تواند عملیات ایذایی و سلطه خویش را در صورت عهد شکنی به مورد اجرا در آورد. (2) گفتنی است که مقصود از «یأمنوکم» می تواند ایمنی خواهی مشرکان بوسیله معاهدات ظاهری باشد، نه ایمنی به وسیله اسلام آوردن.
- 16- جواز لغو اعتبار پیمان عدم تعرض، در صورت نقض آن از سوی طرف معاهده از دیگر احکام قرآنی در این باره است. (3)
- 17- وارد شدن هر ضربه ای به جان یا مال مسلمانان از سوی طرف معاهده، موجب جواز لغو آن می شود. (4)
- 18- طعن و توهین کفار معاهد به اسلام، موجب جواز لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان جنگ با آنان می شود. از نظر قرآن افزون بر عهد شکنی نسبت به مفاد معاهدات هر گونه عملی که اصول اساسی اسلام و امت را در معرض خطر قرار دهد، عاملی برای جواز نقض معاهدات خواهد بود. (5)
- 19- جواز انعقاد معاهده با اهل کتاب، برای هم زیستی مسالمت آمیز در ذمه اسلام و مسلمین از دیگر احکام قرآنی نسبت به معاهدات بین المللی است. (6)
- 20- الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل، موجب خیانت در معاهده است. بنابراین، چنین عمل و رویه ای از مصادیق خیانت است که موجب غضب الهی می شود. (7)

ص: 208

1- انفال، آیه 58

2- توبه، آیات 1 تا 12؛ نساء، آیات 90 تا 92؛ انفال، آیات 56 و 61 و 72

3- توبه، آیات 1 تا 13

4- همان، آیه 4

5- همان، آیه 12

6- آل عمران، آیات 110 و 112

7- انفال، آیه 58

زیرا احتمال می رود که «انّ الله لا یحبّ الخائنین» علت برای «علی سوائ» باشد؛ یعنی اگر این دستور را اجرا نکنی از مصادیق خیانتکاری است و خداوند خیانتکاران را دوست نمی دارد. (1)

از نظر قرآن، وفا نسبت به عهدنامه ها و معاهدات لازم و ضروری است و هر گونه نقض عهد نسبت به بخشی یا کل عهدنامه به معنای خیانت است و خدا خیانتکاران را دوست نمی دارد. بنابراین، امانت نسبت به معاهدات، انجام عملی تعهدات و التزام آن است. وفاداری به معنای انجام تمام و کمال التزاماتی است که در معاهدات به عهده گرفته شده است. اما در شرایطی می توان معاهدات را فسخ کرد و آن را به طرف مقابل بطور رسمی اعلان کرد. از جمله عوامل فسخ معاهدات بین المللی از نظر قرآن عبارتند از:

1- خوف از خیانت طرف معاهده، موجب جواز فسخ آن است. (2) بنابراین، لازم نیست که دشمن خیانتی را انجام داده باشد، بلکه اگر احتمال قوی خیانت وجود داشته باشد، لازم نیست تا به آن وفا شود و با اعلان رسمی به طرف مقابل او را از فسخ معاهده آگاه و مطلع می کند.

2- وارد شدن هر ضربه ای به جان و مال مسلمانان، به وسیله مشرکان معاهد، سبب جواز فسخ آن می شود. (3)

3- طعن و توهین به آیین اسلام، سبب فسخ و لغو اعتبار پیمان عدم تعرض می شود. (4)

بنابراین، حتی اگر دشمن به مفاد پیمان نامه عمل کند، اما به طعن و توهین آیین اسلام اقدام کند، قرارداد ملغی می شود.

4- کمک و پشتیبانی دشمنان از سوی طرف معاهده عدم تعرض، سبب جواز فسخ آن می شود. (5) اگر دشمن خود اقدامی علیه معاهده انجام نداده باشد، اما کمک رسانی به

ص: 209

1- المیزان، ج 9، ص 113

2- انفال، آیات 56 و 58

3- توبه، آیات 1 و 4

4- توبه، آیه 12

5- همان، آیات 1 تا 4

دشمنانی که در خط مبارزه علیه اسلام و امت هستند کند، در عمل خلاف معاهده عمل کرده و می توان چنین معاهده ای را الغاء و فسخ کرد.

به هر حال، از نظر قرآن پایبند بودن طرف معاهده به پیمان، شرط لزوم وفاداری به معاهده آن خواهد بود. (1) و هر گونه انجام فعالیت های پیش گفته به معنای نقض قلمداد شده و جواز فسخ و الغای آن صادر می شود. از نظر قرآن، کسانی که اهل تقوای فطری هستند و براساس عقلانیت و فطرت عمل می کنند، هرگز بر خلاف اصول انسانی امانت، صداقت، وفا و عدالت عمل نخواهند کرد؛ اما کسانی که حتی به اصول فطری و عقلانی پایبند نیستند و از تقوای فطری و عقلی تبعیت نمی کنند، گرفتار نقض عهد و پیمان شکنی هستند. از همین رو خدا در قرآن، نقض عهد را به غیر متقین نسبت می دهد؛ در حالی که کافران بطور طبیعی از تقوای هدایتی تشریحی برخوردار نیستند؛ پس مراد از این تقوا همان تقوای فطری و عقلانی است که در ذات همگان نهادینه شده است. (2)

و اما از نظر قرآن، فسخ معاهدات بین المللی آثاری دارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- ابطال اعتبار: پیمانهای صلح مسلمانان از سوی خدا و رسول و امروز از سوی دولت اسلامی، در پی نقض آن به وسیله مشرکان معاهد از اصولی است که در آیات قرآن بر آن تاکید شده است. (3)

2- اعلان جنگ: اعلان جنگ به کافران، در پی نقض معاهده از ناحیه آنان (4)

و فراخوانی مسلمانان به پیکار با پیشوایان کفر، به جهت نقض معاهده از سوی آنان از جمله آثاری است که خدا در همین آیات بیان کرده است.

3- تبعید: اگر پیمان شکنان از اهل ذمه باشند، در این صورت آنان از مرزهای جغرافیایی اسلام تبعید و اخراج می شوند. چنانکه پیمان شکنی برخی اهل کتاب از یهود

ص: 210

1- همان، آیات 4 تا 12

2- انفال، آیه 56؛ توبه، آیه 7

3- انفال، آیات 56 و 58؛ توبه، آیات 8 و 10

4- توبه، آیات 12 و 13

بنی نضیر، موجب تبعید و آوارگی آنان از مدینه و اخراج از سرزمین های اسلامی شد.⁽¹⁾ زیرا براساس شأن نزول آیات، مقصود از «الذین کفروا من اهل الکتاب» یهودیان بنی نضیر است که پیمان خویش را با رسول گرامی اسلام (ص) نقض کردند.⁽²⁾

4- فسق: پیمان شکنی اکثر مشرکان و عدم التزام به معاهدات خویش، موجب فسق و انحراف آنان است.⁽³⁾

5- متجاوز: پیمان شکنی و عدم التزام به آن، برخاسته از روح تجاوز پیشگی است و پیمان شکن به عنوان متجاوز مطرح می شود.⁽⁴⁾

مواردی که به استناد آیات الهی در خصوص کم و کیف معاهدات مختلف مطرح شد؛ با صراحت تمام بر بشریت مخصوصا مسلمین حجت را تمام کرده و عالیترین نکاتی که هر فطرت پاکی در طول تاریخ طالب آن است را به بهترین وجه به منصفه ظهور گذاشته است. و اما در اینجا به جا است که در خصوص اقتصاد سرمایه داری و قوانین اجتماعی... مطالب مطرح گردد. تعادل جامعه و توازن میان منافع و حقوق افراد، و ارتباط معقول میان "حق" و "تکلیف"، در پرتو قانون، صورت می پذیرد و بدون حاکمیت قانون اجتماعی سالم و منسجم و متوازن، پدید نخواهد آمد. قانون است که باید حس افزون خواهی و آزمندی گروه هایی را محدود کند، و ابزار قدرت افرادی را که مایه تجاوز و سلطه است، در هم بشکند و انواع تجاوزگری ها را مهار کند، و همه را به انجام وظیفه و تکلیف خویش در جامعه تشویق کند و یا ملزم سازد و بدین گونه همگان را به حق خویش برساند.

توده های مردم، قانون دوست هستند؛ زیرا که در پرتو قانون می توانند از شر آفرینی قدرتمندان و متمکنان، در امان بمانند و قانون، تنها مدافع آنهاست در برابر گروه های تجاوزگر؛ لیکن قدرتمندان بویژه سرمایه داران، قانون را باور ندارند، و همواره و با همه ابزارها به قانون شکنی می پردازند، و با نفوذ در مراکز اجرای عدالت و قانون، آن را دگروار

ص: 211

1- حشر، آیات 2 و 3

2- مجمع البیان، ج 9 - 10، ص 386؛ کشف الاسرار، ج 10، ص 31

3- توبه، آیه 8

4- همان، آیات 8 و 10- شرایط و احکام معاهدات بین المللی از دیدگاه قرآن، حسن مرادخانی (با کمی تغییر)

تفسیر می کنند، و یا آشکارا زیر پا می نهند و به ظلم و تجاوز به حقوق انسان ها ادامه می دهند.

سرمایه داری، تنها معاهدات و قوانین سرمایه داری را می پذیرد، یعنی معاهده و قانونی که منافع سرمایه داری را تضمین کند. امنیت قانونی از نظر سرمایه داری، امنیت انسانی نیست؛ بلکه امنیت اشکال سرمایه داری است، امنیت انواع انحصارگرایی و تشکیل سازمان های اقتصادی چون "کارتل" و "تراست" است، امنیت نرخ گذاری انحصاری و سودجویانه و خودسرانه است که تنها منافع سرمایه گذاران را تامین کند یا امنیت انواع "تولید" است. حتی تولید کالاهایی که زیانبار است چون تولید سلاح های شیمیایی، میکربی یا تولید کالاهای غیر مفید و یا زیان آور؛ نظام لیبرال_سرمایه داری، هر چه را سودآور است باید با امنیت خاطر و خیال راحت بتواند تولید کند، گرچه برای انسان ها زیانبار باشد یا محیط زیست را بیالاید و یا منابع را آلوده کند و یا بی پایان برساند.

سرمایه داری می گوید: «... آنچه قابل استفاده است باید ساخت، آنچه را به فروش می رسد، باید تولید کرد، آنچه را که قدرت نظامی ما را افزایش می دهد باید به دست آورد»⁽¹⁾ در این گردش اقتصادی آزاد، هیچگاه منافع توده ها منظور نمی گردد. از دید سرمایه داری، منافع و امنیت انسان ها و نسل ها باید فدای امنیت این نظام اقتصادی شود. بنابراین معاهده و قانونی که در پرتو آن باید انسان ها طبیعت، گونه های حیوانی و گیاهی و مجموعه پدیده های حیاتی زیست محیطی، سلامت خویش را بیابند، با کارشکنی ها و مانع تردستی های زربدستان، به امنیت برای "رشد سود و سرمایه"، تبدیل می شود و قانون، جای خود را به قانون دلخواه سرمایه داری می دهد. در خصوص این حقیقت تلخ در عملکردهای سرمایه داری امام صادق (ع) می فرمایند: «... زیادی مال سبب افزایش گناهان در برابر حقوقی است که بر توانگران واجب می شود (و کمتر توانگری آن حقوق را ادا می کند).»⁽²⁾ «... اینان در مقابل گسترش قسط و عدل... و حذف انحصارطلبی و

ص: 212

1- لوین تافلر، موج سوم، ص 209، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، 1370.

2- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 135.

ویژه خواهی های بی دلیل در زندگی و معیشت، سر فرود نمی آورند؛ بلکه پیوسته در پی برتری جویی بر دیگرانند...»(1) و همین زمینه اصلی قانون شکنی و سرپیچی از هر قانون حق و عدلی است و بگفته فرانسواپرو: «سرمایه داری نمی تواند در نظام اقتصادی به هیچگونه داوری و قضاوتی تن در دهد...»(2)

19) مدار و گستره آزادی اقتصادی در اسلام:

دان که آزادی بی قید در امور اقتصاد * می کند ویران همه شرط و شروط و اعتماد

پس نماخود را مقید وفق شرع در هر مدار * تا شود محکم اصول اقتصاد و عدل و داد

مضمون رباع مزبور بیانگر این است که در اسلام، آزادی اقتصادی بر مدار حلیت شرعی می چرخد؛ به بیانی در تفکر اسلامی، آزادی اقتصادی در چارچوب بندگی خدا و احترام نهادن به حریم حلال و حرام ها تفسیر می گردد. (3) به این ترتیب، نهادهای اقتصادی هرگز از حدود و اصول اخلاقی و عبادی که در شریعت مقرر شده، سرپیچی نمی کنند و آزادی مسؤولانه را به نمایش می گذارند و تکاپوهای اقتصادی آگاهانه به سمت و سوی است که از چارچوب، خارج نباشد. از آنجا که اسلام به واقعیات وجودی انسان نظر دارد، برای تنظیم زندگی اقتصادی به مراقبت درونی اکتفا نکرده بلکه بر اساس مبنای نظری و مبنای علمی حرکت می کند. از این رو، اسلام تنها از طریق نصیحت و اندرز، آزادی های افراد را مهار نمی کند، بلکه مقرر می دارد که دولت بر فعالیت های اقتصادی نظارت کند و برای پاسداری از منافع عمومی، در جایی که لازم باشد، اقدام نماید. بر مبنای نظری، اسلام به مؤمنان بسیار سفارش می کند که مراقب باشند تا گرفتار حرام نشوند؛ در هر مرحله از ترقی بر و احسان را فراموش نکنند.

ص: 213

1- فضل الله لبنانی، سیدمحمد حسین، الحیاه، ج4، ص146.

2- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص90: سرمایه داری از نظر: «فرانسواپرو»، 1375_1376.

3- عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ص193 (با کمی تغییر)

بر اساس مبنای علمی، اصل این است که هر چیز و هر کار برای انسان مباح است مگر آن که شریعت، به روشنی منع کرده باشد؛ همچون ربا، احتکار و حيله گری و دیگر رفتارهای ظالمانه اقتصادی و اجتماعی. تعبیرات دوگانه حلال و حرام، عناوینی است برای نشان دادن ارزش های مورد قبول اسلام که تمام روابط اجتماعی از قبیل روابط فرد با دولت، فروشنده با خریدار، عامل با مستأجر و... را در بر می گیرد. از این رهگذر، بخوبی می توان به سیستم اقتصاد مکتبی اسلام راه یافت؛ زیرا هر یک از این روابط اگر به طور عادلانه تنظیم شده باشد «حلال» و در غیر این صورت «حرام» است. ملاک تشخیص در این مورد نظر قانون گذار است. چنانچه انجام کاری منع نشده، آن کار حلال و اگر به استناد نص، منع شده باشد، حرام است. (1) درباره گستره اقتصاد اسلامی و تأثیر محور حلیت و حرمت در آن، متفکران اقتصاد اسلامی، آن را به دو بخش تقسیم کرده اند:

الف) بخشی که شارع به نحو منجز و مشخص، احکام و قوانین آن را وضع کرده است و هیچ گونه تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد.

ب) بخش دیگر که به آن «منطقه الفراغ» می گویند و رسالت وضع و تشریح قوانین و احکام آن به عهده دولت اسلامی (ولی فقیه) گذاشته شده، تا بر اساس مقتضیات هر زمان، جهت دستیابی به اهداف اقتصاد اسلامی اقدام کند.

شهید صدر در خصوص این تقسیم بندی می نویسند: «در زمان پیامبر علیه السلام نیز این بخش وجود داشت و تصمیمات و تشریحاتی در بخش دوم، اتخاذ می نمود که به عنوان نبی که مبلغ شریعت ثابت الهی در هر زمان و مکانی باشد، نبود، بلکه آن حضرت به عنوان ولی امر مسلمین موظف بود که احکام و تصمیمات را متناسب با اهداف اسلامی وضع نماید. به همین خاطر، این دسته احکام اقتصادی شریعت، احکام ثابت و دائمی به حساب نمی آید بلکه متغیر است و بر حسب زمان و مکان و با توجه به اهداف اقتصادی در معرض تغییر و تحول قرار می گیرد.» (2) از نظر وی، در گذر زمان، به علت تکامل امور فنی

ص: 214

1- محمدباقر صدر، اقتصادنا، ترجمه محمدکاظم موسوی، ج 2، ص 20.

2- اقتصادنا، صص 402-400.

و تکنیکی، رابطه انسان با طبیعت دستخوش تغییر و تحول می گردد و مشکلات و مسائل جدیدی فراروی او قرار می گیرد. اسلام باید راه حل های متناسب با آنها را ارائه دهد. این جاست که ایده «منطقه الفراغ» به کار گرفته شده و ولی فقیه بر حسب شرایط زمان و مکان در جهت اهداف اقتصاد اسلامی، مقرراتی را وضع می نماید. البته ولی فقیه مجاز است هرگونه فعالیت (فعل مباح) را که حرمت یا وجوبش از ناحیه شرع اعلام نشده، به عنوان دستور و حکم ثانوی، حرام یا واجب نماید. (1)

آزادی همه مردم، بدون تفاوت در تمام اقشار، در احیاء موات و حیازت مباحات و بهره گیری از انفال و معادن، خود دلیل روشنی برگسترده آزادی اقتصادی در اسلام است. در حالیکه در نظام اقتصادی سوسیالیسم به هیچ عنوان اینگونه نیست... نظام اقتصادی لیبرالیسم «سرمایه داری»، نیز آزادی مشروع انسانی را باور ندارد؛ بلکه آن آزادی را می پذیرد که هیچگونه مانع و محدودیتی در راه کارهای سرمایه داری پدید نیآورد و همه انواع سرمایه گذاری و تولید و توزیع را آزاد سازد. از اینرو، سرمایه داری به «اقتصاد آزاد» و «آزادی اقتصادی»، تولید آزاد، توزیع آزاد، نرخ گذاری آزاد و مصرف آزاد می اندیشد. در آزادی های انسانی، تنها آن بخش ها مطلوب است که به اقتصاد سرمایه داری، کمک کند یا فروش و مصرف فرآورده های صنعتی را ممکن سازد. در اسلام تولید کالاها و خدمات مفید، واجب کفایی است. در فعالیتهای اقتصادی، مردم می توانند در میدان رقابت، آزادانه به تحرک و داد و ستد بپردازند، مشروط بر آن که به قواعد شرع احترام نهند. تا زمانی که این تحرک در جوی سالم و بدون حيله گری و فریب و نیرنگ؛ خواه در میدان عرضه و خواه در میدان تقاضا، باشد، قیمت بازار از فعالیت سالم اقتصادی حکایت می کند و در پرتو آن تصمیم های مربوط به حلقه های مختلف تولید اخذ می شود. بدینسان میزان آزادی رقابت، بسته به درجه پابندی افراد به ضوابط آزادی است و اگر این ضوابط رعایت نشود، دولت وظیفه دارد به میدان آید و حتی در مواردی قیمت گذاری کند و در حقیقت، جهت فعالیت های اقتصادی را مشخص می کند.

ص: 215

«سرمایه داری نیاز به آزادی بی نظام دارد. در حالی که هیچ جامعه ای بدون داشتن معیارها و موازین و بدون شناختن حد و مرز و بدون متعادل ساختن آزادی ها قابل زیستن نیست و این اشاره ای است صریح به تضاد سرمایه داری و دموکراسی...» (1) نظام لیبرال_سرمایه داری چگونه شعار "آزادی" سر می دهد حال آنکه اقتصاد جهانی را به طرف «... کاهش مداوم رقابت های ملی و بین المللی کردن باز در سرمایه جهانی توسط بانک جهانی و آژانس های دیگر طبقه حاکمه بین المللی...» (2) سوق می دهد و یا «... ترک بازار آزاد بین المللی و جانمایی قیمت کنترل شده در فرآورده های تجاری و سرمایه گذاری...» را موجب می شود؟

اگر اینگونه آزادی ها در منابع و مراکز اصلی قدرت اقتصادی جامعه ها از میان برود، و اقتصاد جهان در دست گروهی خاص قرار گیرد و آزادی های اقتصادی ملی و محلی و منطقه ای، جز صورتی بی محتوا چیزی نباشد، چگونه آزادی های دیگر می تواند مفهوم پیدا کند؟ براساس پیوستگی و ارتباطی که میان بخش های گونه گون زندگی انسانی وجود دارد، با تحت سلطه درآمدن اقتصادهای ملی و محلی، دیگر آزادی ها نیز محدود می گردد و یا در راستای اهداف سلطه اقتصادی سرمایه داری قرار می گیرد. و آزادی در بعد فکر و فرهنگ و اندیشه و هنر نیز تحت تاثیر و حاکمیت سلطه اقتصادی خواهد بود. نظام لیبرال_سرمایه داری، آزادی هایی را تبلیغ و ترویج می کند که گردونه تولید و مصرف سرمایه داران را پر رونق سازد؛ گرچه زیان های زیست محیطی و یا انسانی در پی داشته باشد چون مصرف اسراف و تجملی کالاها و مواد، و نیز زیان های طبیعی و اجتماعی اینگونه زندگی ها بر کسی پوشیده نیست.

از پیاپی بودن بحث استقلال اقتصادی و حلال و حرام می توان دریافت که در تفکر اسلامی، آزادی اقتصادی در چهارچوب بندگی خدا و احترام نهادن به حریم حلال ها و حرام ها تفسیر می شود. اما در تفکر مادی، هیچ چیز جز ملاحظات اقتصادی بشری

ص: 216

1- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ص 90، سرمایه داری از نظر: فرانسوا پرو. 1375-1376

2- مفهوم امپریالیسم اقتصادی، ص 43، جمیز ا. کانر.

نمی تواند مرزی برای داد و ستدها و رفتار اقتصادی انسان تعیین کند. به همین دلیل، ناشایست ترین مبادله ها و زشت ترین داد و ستدها در اندیشه مادی مجاز شمرده می شوند، حتی اگر ارجمندترین نهادهای اخلاقی و انسانی را در خطر افکنند. اسلام، برای فعالیت های اقتصادی، حد و مرز قرار داده است. همین تفاوت را در آزادی وطن گزینی نیز می توان دید. در تفکر الهی، انسان آزاد نیست که به هر جا می خواهد سفر کند و در هر سرزمین که بر می گزیند، رحل اقامت اندازد. گرچه قرآن کریم زمین را گسترده و فراخ معرفی می کند اما تعالیم دینی به نسانا هشدار می دهد در جایی اقامت گزیند که هم بتواند از مواهب مادی زندگی بهره مند گردد و هم با کرامت و فضیلت زندگی کند. این معنای سخن ارزنده امام علی (ع) است: «خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ». یعنی: بهترین سرزمین آن است که تو را بر خود حمل کند (شرایط مناسب زندگی توأم با فضیلت و انسانیت را برای تو فراهم سازد)» به همین دلیل، سفر به دیاری که دین انسان در آن به خطر می افتد، روا نیست؛ یعنی آزادی وطن گزینی تا آن جا پذیرفته است که حیات معنوی انسان و آزادی اصیل او را تهدید نکند. اما در این زمینه نیز پیروان تفکر الحادی مرزی برای خود نمی بینند و جز با معیارهای سودطلبانه مادی، به گزینش وطن نمی پردازند و نمی پذیرند که معیارهای اخلاقی و دینی بتواند این آزادی را محدود سازد. در اسلام، افراد در انتخاب شغل و مسکن و به دست آوردن ثروت و مصرف آن آزادند و از این نظر، حکومت اسلامی و هیچ قدرت دیگری نمی تواند مزاحم آنان باشد و یا آنها را به کاری مخالف میل قلبی شان وادارد، چنان که نمی تواند بخشی از دسترنج آنان را به خود اختصاص دهد و یا در مصرف آن محدودیتی ایجاد نماید (مگر در مورد مالیاتهای اسلامی و امور دیگری از این قبیل که در قوانین اسلامی پیش بینی شده است). مهمتر این که دولت باید در تأمین نیازها با افراد، همکاری داشته باشد و شرایط برخورداری از دستمزد کافی و یا تأمین هزینه لازم در زندگی را فراهم آورد.

بنابراین، مقصود از این آزادی در اسلام، داشتن حق اشتغال، انتخاب نوع شغل، مدت و زمان و محل اشتغال، حق مالکیت نسبت به درآمد و دارایی، حق افزودن بر دارایی از راه

مبادلات و داد و ستد بازرگانی و حق مصرف و بهره برداری از درآمد و دارایی مطابق تمایل و اراده مالک و بالاخره حق ارث بردن و ارث گذاردن دارایی هاست. شاید بتوان بین اقتصاد آزاد و آزادی اقتصادی فرقی اساسی پیدا کرد (گرچه غالباً این دو اصطلاح به جای هم به کار می روند): اقتصاد آزاد؛ یعنی اقتصاد بدون حاکمیت و مداخله دولت، مذهب و اخلاق و هر قدرت غالب و کنترل کننده ای؛ اما آزادی اقتصادی به معنای وجود حق تملک، حق ازدیاد مال و حق مصرف است. سرمایه داری مطلق، یک نظام اقتصاد آزاد است که هرگونه فعالیت اقتصادی در آن مجاز است. در این نظام، دولت حق ندارد در زمینه فعالیت های اقتصادی افراد مداخله کند و آنان را محدود سازد مگر در حدودی که حفظ آزادی دیگران آن را اقتضا کند. اما اقتصاد اسلامی، یک اقتصاد آزاد نیست، بلکه اقتصادی تحت نظارت و ارشاد دولت و پیچیده به ارزش ها و مقررات و محدودیت هایی است که اسلام یا حاکم اسلامی برای فعالیت های اقتصادی، وضع کرده است.

همچنین اسلام درباره سود، مفهومی بهتر و وسیعتر از آنچه که اکنون یک فرد مادی گرای خالص به آن توجه دارد، ارائه می دهد، بدینسان بسیاری از فعالیت هایی که از نظر مادی گراها، زیان به شمار می رود، در چارچوب «سود» قرار می گیرد. (1) بنابراین، ارتباط متقابل و تنگاتنگ اقتصاد اسلامی با نوع جهان بینی، عقاید دینی، عواطف و احساساتی مانند اخوت و همدردی که بر اساس مفاهیم خاصی پی ریزی شده است، بر کسی پوشیده نیست. احکام مالی مانند الغای سرمایه ربوی و... حائز اهمیت و تعیین کننده است. در اسلام، بر اصل اشتغال افراد تأکید و ضمن نکوهش از بیکاری، انتخاب شغل برای افراد، آزاد اعلام شده است. البته پاره ای از مشاغل که دارای زیان های فردی یا اجتماعی، اخلاقی یا سیاسی و... باشد، ممنوع است. افراد در محل و مدت شغل نیز آزادند.

سرمایه داری بیش از اینها نیز به آزادی ستیزی دست می یازد و با هر فکر و فرهنگ و هنر و تکنولوژی و دانشی که پایه ها و پایگاه های سرمایه داری را متزلزل سازد و یا از نفوذ

ص: 218

آن بکاهد و از عدالت و ارزش ها بگوید مبارزه می کند و نسبت به آنها بسیار بی رحمانه و سرکوب گر است. نوع رفتار نظام های سرمایه داری با کشورهای جهان سوم که تهیه کننده مواد خام و بازار مصرف مصنوعات آنها هستند، بسیار روشن است و شاهد گویایی بر ناسازگاری سرمایه داری و آزادی های انسانی است.

البته قرآن کریم، آزادی لگام گسیخته مال اندوزان را چنین تصویر می کند: «قالوا یا شعیب اصلوتک تامرک ان نترک ما یعبدآباؤنا اوان نفعل فی اموالنا ما نشاء؛ گفتند ای شعیب، آیا نمازت به تو فرمان می دهد که ما آنچه را پدرانمان می پرستیدند ترک گوئیم، یا در اموال خود آنچنان که خود می خواهیم تصرف نکنیم...»⁽¹⁾ چون پیامبران، بر رعایت ضوابط در مسائل مالی فرا می خواندند، و حس آزمند و افزون خواه و مرز نشناس مال اندوزان را محدود می ساختند و گردش ثروت و فعالیت های اقتصادی را در چارچوب ضوابط عدل و حق، قرار می دادند و مانع خودسری و یکه تازی گروهی متکثر می گردیدند و جامعه را از زیر بار تحمیل های ناروای آنان آزاد می ساختند، از اینرو سرمایه داران با پیامبران مخالفت می کردند و به درگیری و ستیز با آنان روی می آوردند.

همه اهرم های فشار و ابزاری را که ثروتمندان به کار می بستند تا توده های محروم را در تنگنا قرار دهند و آزادی های آنان را سلب کنند، در تعالیم انبیاء، محکوم و مردود شمرده می شد چون احتکار، کم فروشی، گران فروشی، استثمار، ظلم و انواع انحصارطلبی ها و بی عدالتی های اقتصادی. و شاید رهایی از این تنگناها در کلیت تعبیر ژرف قرآنی در آیه «اصر و اغلال» نیز نهفته باشد: «الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذى... یضع عنهم اصرهم و الاغلال التى کانت علیهم...؛ آنان که از این پیامبر امی (مکی) پیروی کنند، پیامبری... که بار سنگین و زنجیرهایی را که بدان بسته شده اند از آنان برمی دارد...»⁽²⁾ دام و زنجیرهای اقتصادی نیز از جمله این «اصر و اغلال» است که قرآن کریم، بعثت پیامبر را برای برداشتن این زنجیرها از پای انسان ها و آزادی ایشان از این اسارت ها نیز می داند.

ص: 219

1- هود/سوره 11، آیه 87.

2- اعراف/سوره 7، آیه 157.

همچنین امام علی(ع) در همین راستا می فرماید: « خدایا! تو خود می دانی که هدف ما (از حاکمیت و زمامداری)، رقابت برای به دست گرفتن قدرت و نیز خواستاری فزونی مال دنیا نبود، بلکه چنان می خواستیم که نشانه های دینت را باز گردانیم، و در سرزمین های تو آشکارا دست به اصلاحات زنیم، تا بندگان ستمدیده ات امنیت یابند، و حدود و اوامر تعطیل شده ات دوباره راه افتد...»(1) عین همین سخن نیز از حضرت امام حسین (ع) نقل شده است که هدف از تلاش های ما امنیت مظلومان و ایجاد محیطی امن و بدور از دلهره برای انسان های مظلوم است، یعنی همان انسان هایی که همواره مورد تجاوز زورمندان و طبقات متنفذ اجتماعی قرار می گیرند. مگر نتیجه وره آورد اصلی آزادی برای انسان ها، ریختن همه ترس ها و دلهره ها و نگرانی ها نیست؟ این آزادی و رهایی راستین برای جامعه بشری است نه ادعاهای نظام های سرمایه داری در آزادی، که کمترین رسالتی برای نجات توده های انسانی ندارد. آری در پرتو امنیت اجتماعی برای ستمدیدگان و قشرهای مظلوم و فاقد امکانات است که آزادی راستین در جامعه، فروغ می گسترد و همه انسان ها رهایی می بخشند، و مال اندوزان سلطه طلب را محدود می سازد، و در صورت سرپیچی، تصفیه می کند و آسایش و آزادی واقعی، نصیب مظلومان می گردد.

20) نقش ارزش های معنوی در توسعه اقتصادی:

راه خوب و کسب و کار باشد همان راه ولا * غیر از آن آرد برای اقتصاد صدها بلا

گر که خواهی گردی از کسب بد و غمها رها * راه فطرت را برو با شرع و دین در این سرا

دان که ارزشهایمی گوید به ما در هر کجا * اقتصاد خوب بود خواست تمام انبیا

عقل و شرع خواند تو را سوی حلال با صد ندا * سوی رزق پاک و طیب در زمین و ماسوا

ص: 220

1- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص 239. فضل الله لبنانی، سید محمد حسین، الحیاه، ج 4، ص 42.

آنچنان رزقی که آثارش همی با هر صدا * اقتصاد را می کند پاک از سموم و هر بلا

با همان کسب حلال گردی تو شاد و با وفا * در چنین حالی شوی آرام و گیری صد نوا

دان بهشت و چند وجب از آسمان و آن بالا * بهر کسب و کار نیک است که صفا دادند فضا

شغل بد آرد همی حزن و دلی پر ماجرا * در درون اقتصاد هر آن کند بلوا به پا

چون که رزق شبهه ناک با خود همی آرد بلا * اقتصاد را می کند دور از همه لطف و صفا

اقتصاد و پست و مال و هر نوع جنس پر بها * بی خدا و لطف حق گردد همه وزر و وبا

پس عزیزم دار دنیا با خدا دارد صفا * چون که با آن می شوی آرام و دور از هر خطا

هر که با کارش شود روزی ز مولایش جدا * بر اصول زندگی کرده هزار و یک جفا

دان که ایمان و خلوص اندر امور این سرا * می دهد امراض کار و کسب پاکان را شفا

اقتصاد را از همان روز نخست و ابتدا * با خدا و کار خوب بر توبه اوج و انتها

در مسیر کار خوب و اقتصاد تا منتها * چون حقیر بهر خدا کن توبه مولا اقتدا

هر چند که در نهایت تاسف انسان جدید در قرون اخیر، بر خلاف ابیات غزل مزبور؛ به علل گوناگونی همچون پیشرفت های علمی و فلسفی، ضعف مراجع دینی (یهودی و مسیحی) در پاسخ گویی به نیازهای فکری و عملی او، رفتار نامناسب کلیسا با اهل اندیشه و رشد فزاینده سرمایه داری و مصرف گرایی، دچار بحران تعبد گریزی و معنویت ستیزی شده است. به گونه ای که پوچی و بی معنایی و به دنبال آن، اندوه، دلهره و نومیدی در زندگی فردی از یک سو و ناامنی و بی عدالتی در زندگی اجتماعی و جهانی مخصوصا در

امور اقتصادی از سوی دیگر، پیامدهای گریزناپذیر تعبد‌گریزی و معنویت‌ستیزی بوده‌اند. در این میان آنچه مغفول مانده، ساختار ماهوی و فطری در انسان است. انسان جدید، ماهیت و فطرت را انکار کرد تا با پشت کردن به سنت و معنویت، به آزادی بی‌قید و شرط در فکر و عمل در امور مختلف از جمله مسائل اقتصادی دست یابد و با این بینش خطرناک ضمن جفا و ستم در حق اقتصاد سالم و الهی؛ بالاترین ظلم را در حق فطرت بشری و نفس انسانی خود مرتکب شده است.

حال با عنایت به مقدمه مذکور و پیش از بیان هرگونه توضیح درباره نقش امور معنوی در توسعه اقتصادی، اشاره به این نکته ضرورت دارد که در چهارچوب جهان‌بینی اسلامی، اعتقاد به تأثیر معنویات در اقتصاد، مترادف با نفی سبب‌های مادی نیست و از نقش این سبب‌ها در اقتصاد نمی‌کاهد. مقصود آن است که اسلام، افزون بر عوامل مادی مؤثر در توسعه اقتصادی، به عواملی دیگر نیز ایمان دارد که در توسعه اقتصاد سالم مؤثرند، اما ناشناخته مانده‌اند.

قبل از توضیح بیشتر شایسته است بنا بر نظر مقام معظم رهبری به نقش معنویت در عرصه اقتصاد اشاره شود. در جهان‌بینی اسلامی اعتقاد و اقتصاد درهم تنیده و معنویت و مادی‌گرایی بهم پیوسته‌اند. در منطق قرآن کریم تجارت و بازرگانی مانع یاد خدا و معنویت نیست و معنویت نیز مانع کار تجاری و تولید ثروت نخواهد بود. به بیان دیگر، سرنوشت تأمین معاش با تأمین معاد پیوند خورده و اقتصاد با اعتقاد مردم در ارتباط وثیق است؛ چنانکه رهبری معظم انقلاب بر این باورند و می‌گویند: «اعتقاد

من این است که بخش‌های اقتصادی اگر می‌خواهند مردم متدین شوند، معاش مردم را تأمین کنند؛ چون «من لا معاش له لا معاد له». اگر بخش‌های اقتصادی دولت، معاش مردم را تأمین کردند، مردم متدین خواهند شد. اما از این گذشته، مسأله‌ی استقرار معنویت و جلوگیری از مظاهر یا شیوع فساد و بی‌دینی و به ویژه تظاهر به این معنا، جزو کارهای واجب است. بنابراین مسأله‌ی معنویت در کنار مسأله معیشت بسیار مهم است. (1) اگر اقتصاد پیشرفته باشد؛ اما

ص: 222

اعتقاد یا نباشد یا بسیار ضعیف باشد و پیشرفتی نداشته باشد، ممکن است آسایش در آن جامعه باشد، لکن آرامش نخواهد بود. امروز جوامع بشری در اقصی نقاط عالم، به خاطر دوری از معنویت، حقیقت انسانیت، اخلاق و دوری از خدا، وضعی پیدا کرده اند که این همه پیشرفت مادی هم نمی تواند آنها را خوشبخت کند. چرا؟ چون بشر، پیام انبیا را کم دارد؛ بشر، نسخه ی آرامش بخش و آسایش بخش انبیا را در دست ندارد، یا به آن عمل نمی کند. بدبختی ها اینجا است. این قرآن، کامل ترین نسخه ها را در اختیار دارد» (1)

فلسفه ی نظام جمهوری اسلامی این است که بتواند در میان مردم، عدالت، اخلاق، معنویت و رفاه مادی را به وجود آورد. این کار مقدس، بسیار بزرگ و البته دشوار است. (2)

اگر بخواهیم پوچ گرایی در جامعه نباشد، راهش این است که معنویت و انگیزه ها را تقویت کنیم؛ (3) زیرا هرچه هست، زیر سایه ی معنویت است؛ بدون معنویت نمی توان یک قدم موفق برداشت. (4) در اسلام زندگی باید حاوی مادیت، معنویت، آسایش و آرامش به صورت توأمان باشد. چراکه زندگی و حیات طیبه ی اسلامی، یعنی سعادت دنیا و عقبی و رفاه مادی و تعالی معنوی. انقلاب ما این حرکت را در کشور به وجود آورد و دست قدرتمند الهی، رهبر و امام بزرگوار آن را به پیش برد، از این جهت امروز بحمدالله در دنیا ملتی نمونه هستیم. (5) پس سازندگی باید در تمام ابعاد مادی و معنوی آن صورت گیرد. باید چرخ های اقتصاد به حرکت درآید و هم باید روحیه ی معنوی، اخلاق و رابطه ی با خدا در ما تقویت شود. همه ی ما در قبال این وظیفه ی بزرگ مسئولیم. (6) باید فراتر از ماده گرایی را دید و نیروهای ناشناخته وجود خود را شناخت و حرکت رو به رشد در سطح جامعه اسلامی داشت. (7) در جهان بینی اسلامی فلاح دنیوی با فلاح اخروی بهم گره خورده اند؛ (8) چراکه اسلام مردم

ص: 223

1- همان، بیانات، 1377: 180

2- همان، بیانات، 1382: 173

3- همان، بیانات، 1379: 192

4- همان، بیانات، 1370: 429

5- همان، بیانات، 1368: 118

6- همان، بیانات، 1368: 75

7- همان، بیانات، 1379: 80

8- همان، بیانات، 1379: 135-136

خود را خوشبخت و سعادتمند می‌خواهد. این سعادت فقط با پول به دست نمی‌آید؛ فقط با ذکر و عبادت هم به دست نمی‌آید. حیات طیبه‌ی اسلامی، زندگی‌ای است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از اینکه انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته، آسودگی، امنیت خاطر و از آزادی اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و پیروزی معنوی حرکت کنند.

حیات طیبه‌ی اسلامی شامل دنیا و آخرت است. مسئله این است که زندگی دنیوی - که به سمت اهداف الهی حرکت می‌کند - باید زندگانی حقیقی و راستین عادلانه را برای مردم تأمین کند. در اسلام، عدالت مسأله‌ی بسیار مهمی است. ارزشی که از نظر اسلام به هیچ وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در سایه‌ی عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه‌ی مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند. (1) بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم تهیه نقشه‌ی پیشرفت کشور بر اساس جهان بینی اسلام برای انسان در منطق اسلام است. در این نقشه‌ی پیشرفت و تحول معنا ندارد که پیشرفت با فحشا، با غوطه خوردن در منجلاب فساد همراه باشد. معنویت، پایه‌ی اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بُعد معنوی قوی است، انسانی که علم، دنیا، ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ی قرار می‌دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال؛ (2) آری عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهم‌ترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند؛ خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه‌ی انسانی و محبت در انسان‌ها باید تقویت شود. تحول اجتماعی یا اقتصادی که انسان‌ها را نسبت به هم بی‌تفاوت و بی‌محبت می‌کند، مورد پسند نیست. (3)

ص: 224

1- همان، بیانات، 1384: 67

2- همان، بیانات، 1386: 30-33

3- همان، بیانات، 1385: 172

ایشان معتقدند: «الگوهای غربی با شرایط، مبانی ذهنی و اصول خودشان شکل پیدا کرده و ناموفق بوده اند. بنده به طور قاطع این را می گویم: الگوی پیشرفت غربی، الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده اند، به ثروت رسیده اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه کرده اند. پیشرفت های غربی، پیشرفت هایی است که امروز همه ی دنیا و بشریت از آن رنج می برند؛ کشورهای عقب مانده به طریقی و کشورهای پیشرفته به طریقی دیگر. این همان پیشرفت و توسعه ای است که توانسته است گروه های معدود و انگشت شماری از خانواده های ثروتمند را به ثروت برساند؛ اما ملت های دیگر را دچار اسارت، تحقیر و استعمار کرده؛ جنگ به وجود آورده و حکومت تحمیل کرده است. در داخل خود آن کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، رفتارهای مخرب جنسی، ویرانی خانواده و ... را رواج داده است. پیشرفت تمدن غربی در طول قرن های متمادی، این کشورها را از لحاظ اخلاقی دچار مشکل کرده؛ آنها را از لحاظ اخلاقی به انحطاط کشانده؛ از لحاظ وضع زندگی هم به آنها خدمتی نکرده؛ یعنی فقر در آنجا برنیفتاده است. در آنجا کار و تلاش زیاد است؛ اما دستاورد و محصول برای فرد و برای خانواده کم. بنابراین، پیشرفت غربی، پیشرفت ناموفقی است. آنچه موجب می شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه ی خودمان ناکافی بدانیم، در درجه ی اول این است که نگاه جامعه و فلسفه های غربی به انسان- البته فلسفه های غربی مختلف اند؛ اما برآیند همه ی آنها این است- با نگاه اسلام به انسان، به کلی متفاوت است؛ تفاوتی بنیادی و ریشه ای دارند. پیشرفت که برای انسان و به وسیله ی انسان است، در منطق فلسفه ی غرب معنای دیگری پیدا می کند، تا در منطق اسلام. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این معنای پیشرفتی است که منطق غربی و مدل غربی به دنبال آن است و همین را به همه توصیه می کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد.

بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه‌ی پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان بینی اسلام برای این انسان - انسان در منطق اسلام - فراهم و تهیه کنیم. در این نقشه‌ی پیشرفت و تحول، دیگر معنا ندارد که پیشرفت با فحشا، با غوطه خوردن در منجلاب فساد همراه باشد. معنویت، پایه‌ی اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بُعد معنوی قوی است و انسانی که علم، دنیا، ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای قرار می‌دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال، این پیشرفت با آن پیشرفت متفاوت است. (1) در اقتصاد نیز روحیه‌ی معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد. (2)

معنویت عامل رونق اقتصاد خواهد شد؛ زیرا انسان معنوی با جدیت و کوشش فراوان تلاش کرده و دارای وجدان کاری در تولید ثروت و روحیه عدالت خواهی در توزیع ثروت دارد. اقتصاد نیز هرگاه براساس اعتقاد دینی تحقق یابد در همه حوزه‌ها تأثیر معنوی گذاشته و در تربیت معنوی نقش به‌سزایی دارد. از این رو، سلوک اقتصادی با سلوک معنوی و برعکس می‌توانند در سعادت فرد و جامعه تعیین‌کننده باشند. (3)

به بیان دیگر، اسلام شش رکن توسعه اقتصادی را باور دارد: دانش، مدیریت، کار، تنظیم بازار، اتکا به الگوی مصرف صحیح و مناسب، و برنامه‌ریزی هدفمند و درست دولت؛ همچنین اسلام اعتقاد دارد که باید تلاش کرد تا درآمد ناخالص ملی افزایش یابد و سطح فنی تولید بالا رود؛ نیز تنظیم برنامه‌هایی برای کاستن از میزان فقر و تعدیل ثروت در جامعه را ترغیب می‌کند. در عین قبول مسائل مزبور یکی از درخشان‌ترین فرازهای قرآن کریم تأکید هرچه تمام‌تر بر لزوم اهتمام انسان‌ها به «تزکیه نفس» در پرتو سلامت اقتصادی است. اهمیت این مسأله به حدی است که یکی از اهداف بعثت انبیاء (علیهم السلام) تحقق بخشیدن به این مهم عنوان شده: «هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلوا علیم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی

ص: 226

1- همان، بیانات، 1386: 30-33

2- همان، بیانات، 1390: 7

3- رودگر، محمدجواد، کارکردهای معنویت در عرصه‌های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری

ضلال مبین و آخرین منہم لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (1) او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آن‌ها ملحق نشده اند و او عزیز و حکیم است.

همچنین برای درک اهمیت فراوان تزکیه از دیدگاه قرآن کریم، کافی است قدری در آیات مبارکه سوره «شمس» تدبّر شود. خداوند متعال پس از یازده قسم به عظیم خلقت و یادآور شدن سرشت انسان و الهام موجبات رشد و تعالی او از یک سو و زمینه‌های سقوط و تباهی او از سوی دیگر، می‌فرماید: فلاح انسان در گرو تزکیه اوست: «... فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوِيهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» (2) ... سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، که هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد، و آن که نفس خود را با معصیت و گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشت! از بیانات علامه طباطبائی در این زمینه، استفاده می‌شود که طبع انسان اقتضای رشد شایسته همراه با خیر و برکت را دارد و «تزکیه» به فعلیت رساندن چنین رشدی است و رشد ناشایست بر خلاف اقتضای طبع و سرشت انسان می‌باشد.

از طرفی بنابر دیدگاه قرآن کریم، فعالیت‌های اقتصادی و مبادرت به بهره‌گیری از مواهب طبیعی برای تأمین معاش، می‌تواند یک عمل عبادی و مظه‌ری از عبودیت خداوند متعال باشد. در آیه 15 سوره «ملک» آمده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَ كَلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ أَلِيهِ النُّشُورُ»؛ او کسی است که زمین را رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست. در این آیه مبارکه، پس از یادآوری نهایت رام بودن زمین و آمادگی کامل آن برای بهره‌دهی، ترغیب بلیغ به بهره‌گیری از آن شده است. به راستی، اگر تنها همین

ص: 227

1- جمعه: 3 و 2

2- شمس: 1-10

یک آیه برای ترغیب به پرداختن به طبیعت و استفاده از مواهب آن می بود، بر انگیزنده ای قوی برای تلاش های اقتصادی به شمار می آمد. روشن است انسانی که براساس این آیه کریمه و آیات دیگر اقدام به فعالیت های اقتصادی می کند، نه تنها خود را از زی عبودیت بیرون نمی بیند، بلکه خرسند است که با امتثال امر الهی در حوزه فعالیت های اقتصادی، شأنی از شؤن عبودیت را عینیت بخشیده است. البته همان گونه که خود قرآن کریم متذکر شده است، نباید پرداختن به امور معیشتی به گونه ای باشد که غفلت از یاد خداوند متعال را به همراه داشته باشد. (1) همچنین نباید از راه های باطل نیازهای معیشتی خود را تأمین کرد و باید مراقب بود تا رذیله بخل را از خود دور ساخت، (2) و از پرداخت های مالی واجب و مستحب دریغ نورزید. (3)

این نظر که عملیات اقتصادی می تواند مظهري از عبودیت خداوند متعال باشد، موجب منزوی شدن افکار و افرادی است که ایمان به خدا و تقیّد به دیانت را مانع فعالیت های اقتصادی و تحقق رفاه اجتماعی می دانند. به راستی که قرآن کریم هدایتگر تام و کامل است و اگر مردم به طور جامع به رهنمودهای قرآنی عمل کنند، از برقراری اقتصاد سالم و تحقق رشد اقتصادی همراه با عدالت، کرامت و نورانیت برخوردار خواهند شد؛ چرا که آموزه های ملهم از قرآن کریم از یک سو، سبب پیدایش انگیزه مثبت برای تلاش های اقتصادی و از سوی دیگر، سبب مصونیت از آفات زیان باری خواهد بود که همواره در راه تحقق تولید و توزیع بهینه پیش روی جوامع هستند.

از طرفی ای عزیز بزرگوار، با ملا-حظه آیات مزبور و آیات فراوان دیگری که به معرفی و بیان هویت انسان و آغاز و فرجام او پرداخته اند، درمی یابی که از دیدگاه قرآن کریم، در انسان قابلیت ها و استعدادهای فراوانی نهفته است که بروز و ظهور و فعلیت آن ها تا افق های بی نهایت می تواند ادامه یابد و او شگفت ترین موجود خاکی است که هم قابلیت

ص: 228

1- (منافقون: 9)

2- (نساء: 29) (حشر: 9)

3- (بقره: 2 و 3 و 43... و 54 و 261) (حدید: 10) (آل عمران: 193)

دارد در اثر تربیت صحیح، به مراتب بسیار عالی دست یابد و هم ممکن است در اثر تربیت و رفتار سوء، به هولناک ترین ورطه های تباهی سقوط کند. بر این اساس و با توجه به این که رفتارهای انسان متأثر از تفکرات و شخصیت اوست؛ «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (1) بگو هرکس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند. و نیز «الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا» (2) سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگارش می روید. اما سرزمین های بد طینت (و شوره زار) جز گیاهی ناچیز و بی ارزش از آن نمی روید.

لزوم توجه عمیق به تزکیه شدن افراد جامعه برای بروز رفتارها شایسته در زمینه های گوناگون حیات فردی و اجتماعی، از جمله در عرصه فعالیت های اقتصادی، به خوبی نمایان می شود و معلوم می گردد که نه نظر خوش بینانه داشتن به عملکرد انسان و جوامع انسانی صحیح است (آن گونه که برخی از اقتصاددانان سنتی عقیده داشتند) و نه نظر بدبینانه داشتن. چنان که به رغم دیدگاه برخی نظریه پردازان ساده اندیش نمی توان به این دل خوش بود که جهت گیری قوانین طبیعی حاکم بر فعالیت های اقتصادی افراد جامعه بدون هیچ معارضی به سمت خیر و کمال است و لزوماً اصلاحات امور به صورت خودکار محقق می شوند و بنابراین، لازم است جریان امور اقتصادی آزاد و رها باشد تا به طور طبیعی و خودکار، تولید و توزیع بهینه عینیت یابند. گو این که از دیگر سو، نمی توان بدبینانه به عملکرد متغیرهای اقتصادی نگریست و آینده ای مبهم و نگران کننده از حیث اقتصادی برای بشریت ترسیم کرد، بلکه باید مجدّانه درصدد تزکیه آحاد افراد جامعه برآمد و با مراقبتی مستمر، برای رشد صحیح هویت انسانی و جلوگیری از بروز انحراف و رشد ناشایست تلاش نمود، تا اسباب و زمینه های اصلاحات شئون فردی و اجتماعی افراد، از جمله اصلاحات اقتصادی، فراهم شوند. در ادامه توجه جنابعالی به برخی از تدابیر اسلام

ص: 229

1- اسراء: 84

2- اعراف: 58

برای توزیع عادلانه ثروت و کاستن از فقر که در نهایت منجر به تزکیه انسان می شود، معطوف می گردد:

1) بر خلاف نظام سرمایه داری که توزیع عادلانه ثروت را در مرحله پس از تولید قرار می دهد، اسلام بر آن است که باید از آغاز کوشید تا نابرابری پدید نیاید. از این رو، تدابیری اتخاذ می کند تا از نخست، زمینه بروز فقر ایجاد نشود. برخی از برنامه های اسلام در همین مسیر طراحی شده، از جمله قرار دادن ثروت های طبیعی مانند معدن های مهم، منابع بزرگ آب، زمین های مرده، زمین های ستانده شده از کافران، و نظایر آن ها، در قلمرو مالکیت عمومی؛ با این هدف: « تا میان توانگران دستگردان نباشد». (1)

2) اسلام بر احکامی تکیه دارد که چگونگی کسب ثروت و روش توزیع آن میان عوامل تولید را تعیین می کنند، همچون: حرام بودن احتکار و ربا و فریب کاری در معامله و مانند آن ها. هدف آن است که دارایی های متراکم پدید نیاید و اختلاف فاحش طبقاتی بروز نکند.

3) دیگر بار از راه پرداخت حقوق شرعی، مانند خمس و زکات، به توزیع درآمدها و ثروت ها عنایت می کند.

4) زمینه توزیع انتخابی و آزادانه درآمدها و ثروت ها را از طریق یاری ثروتمندان به فقیران، فراهم می آورد.

5) از طریق انواع کفاره ها، توزیع ثروت به سود فقیران را سامان می بخشد

با این همه، اسلام معتقد است که باورهای درست دینی، اخلاق نیکو، و اعمال صالح نیز در توسعه اقتصادی نقش دارند. (2) این همان مفهوم حقیقی قائل بودن به نقش ایمان و معنویات در اقتصاد از دیدگاه اسلام است که هرگز مرادف با نادیده انگاشتن عوامل مادی و طبیعی نیست. قرآن به همین حقیقت اشاره دارد و تصریح می کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى

ص: 230

1- سوره حشر، آیه 7.

2- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث ج 2 ص 503.

ءَامَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ: (1) و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، هر آینه برکت ها از آسمان و زمین بر آنان می گشادیم.» «اسَّ تَغْفِرُوا رَبُّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَ يُمْدِدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا؛ (2) از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ که او همواره آمرزگار است * تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را به مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد.» افزون بر آنچه گفته شد، از دیدگاه جهان بینی اسلامی، پایه های توسعه سازنده و پایدار در جامعه استوار نخواهد شد، مگر آن گاه که با ارزش های اعتقادی و اخلاقی و علمی همراه گردد. در غیر این صورت، آفات توسعه، جامعه را به لرزه درآورده، ارکان آن را آسیب خواهد زد. آفاتی چون: فخر فروشی با ثروت، زر اندوزی، مال پرستی و... (3)

از طرفی نظام سرمایه داری، با حس زیاده خواهی و اصالت دادن به ثروت مادی، به بهره برداری بی حد و بی حساب، از منابع دست می یازد و ویژه سازی اموال و منابع را شعار خود می سازد و این ماهیت زندگی این دنیایی است که چون نوشیدن آب دریا، جز افزایش تشنگی، نتیجه ای ندارد و سرانجام در پرتو سربلندی از قانون عام حاکم بر جهان که سلامت و سعادت را در حد میانه، نهاده و دوری از افراط و تفریط را رمز بقا و پایداری معرفی کرده است، «سرمایه داری» در جهنم سوزان فزون طلبی های خویش نابود می شود. امام باقر(ع) فرموده اند: « مثل حریص نسبت به دنیا، مثل کرم ابریشم است که هرچه بیشتر بر گرد خود بتند، بیرون آمدنش از پيله دشوارتر می شود، و سرانجام از اندوه در آن خواهد مرد.» (4)

ص: 231

1- سوره اعراف، آیه 96.

2- سوره نوح، آیه 10 - 12.

3- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث ج 2 ص 861.

4- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 134.

آری ای عزیز بزرگوار، نظام سرمایه داری، پيله و تارهایی است که به دست مال اندوزان بافته می شود و رشد این نظام حرکتی افتخاری است که آن را به سوی مرگ در میان رشته های خود بافته می داند و سبب نابودی آن و جایگزینی نظامی دیگر می گردد: «هااتم هولاء تدعون لتنفقوا فی سبیل الله، فمنکم من یبخل، و من یبخل فانما یبخل عن نفسه، والله الغنی و انتم الفقراء، و ان تتولوا یتبدل قوما غیرکم ثم لایکونو امثالکم؛ (1) آگاه باشید این شما یید که می خواندنتان تا در راه خدا انفاق کنید، برخی از شما بخل می ورزند؛ هرکس بخل ورزد در حق خویش (و به زیان خویش) بخل ورزیده است، خداوند بی نیاز است و شما یید نیازمندان، اکنون اگر روی بگردانید (و انفاق نکنید) شما را خواهد برد و به جای شما دیگران را خواهد آورد که همچون شما (بخیل) نباشند.» بخل و ترک انفاق (در اثر مال اندوزی و سرمایه داری) یکی از خوی های زشت است که در قرآن کریم، آن را سبب دوزیان بزرگ معرفی کرده است:

1- زیان شخصی، از آن جهت که نتیجه بخل، به خود بخیل باز می گردد، بنابراین عمل نادرستی است برضد شخص بخیل.

2- زیان اجتماعی، بدان جهت که بخل، موجب انحصارگرایی است و این، زمینه ظلم و تبعیض و عدم توزیع اموال در سطح جامعه شده و اینها موجب تغییر نظام اجتماعی و نابودی نظام موجود می گردند.

باری بر اثر انحطاط اخلاقی (در بعد شخصی) و ویژه سازی ها و انحصارطلبی های سرمایه داری (در بعد اجتماعی)، انسان های گرفتار در دام آن، هم سقوطی انسانی می یابند و از خدا باوری و انسان گرایی و دیگر دوستی، روی برمی تابند و به مال اندوزی روی می آورند و هم سقوطی اجتماعی؛ چون پیامد حتمی این گرایش های روحی در سرمایه داری، سقوطی اجتماعی است و به تعبیر قرآن، نتیجه آزمندی و سودپرستی، «استبدال اجتماعی» است. یعنی هر گاه امت و تمدنی تحت سلطه انگیزه های سودپرستانه

ص: 232

سرمایه داری قرار گیرد، تعادل و توازن جامعه را برهم زده و پایداری آن را بطور جدی دچار مخاطره ساخته است. آیه دیگری نیز این حقیقت انکارناپذیر را چنین تبیین می کند: «... و انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة..» (1) در راه خدا انفاق کنید و خود را به دست خود به هلاکت نیندازید.»

مع الوصف هلاکت و نابودی، از آثار مسلم ترک انفاق و توزیع ناعادلانه ثروت در سطح جامعه است که شیوه و روش سرمایه داری است. پس اینکه پیامبر بزرگوار اسلام، نگران آینده امت خویش است و از آن بیم دارد که گرایش های سرمایه داری و انگیزه های مال اندوزی در جامعه اسلامی پدید آید، و احساس های انسانی را خاموش کند، و تعهد شناسی دینی را به دست فراموشی سپارد، و جامعه را به سوی رقابت های ناسالم اقتصادی و حرص و آزمندی در راه افزایش سود و سرمایه، سوق دهد و انسجام و استواری جامعه را برهم زند و نظامی طبقاتی بسازد؛ از این جهت است که راه کارهای مال اندوزان، با یک جامعه متعادل و متوازن و عدالت بنیاد، سازگار نیست و بی تردید پیامبر اکرم (ص)، نگران رشد ناسالم اموال و انگیزه های مال پرستانه است؛ نه رفاه اقتصادی و توسعه یافتگی و توزیع عادلانه امکانات و منابع، که این عامل بقا و پایداری است چنانکه در فرازهای از این کتاب به آن اشاره شده و فطرت و فریاد خاموش بشریت طالب آن است. اکنون به سخن والای پیامبر رحمت (ص) در این زمینه توجه فرما: «... سوگند به خدا که از فقر برای شما ترسی ندارم، لیکن از آن می ترسم که دنیا چندان بر شما گسترده شود که برای پیشینیان شما گسترده شده بود (و مانند آنان در ناز و نعمت فرو غلتید)، و همچون آنان به رقابت و همچشمی پردازید، و چنان هلاک تان کند که آنان را هلاک کرد.» این حدیث شریف نبوی به انسان می فهماند که زیان های حاصل از تکاثر در مالیکت و اسراف گرایی در مصرف، بسی بیشتر است از زیان های ویرانگر حاصل از فقر و بینوایی، این تعلیم چنانکه

ص: 233

از تعالیم دیگر فهمیده می شود. نمی خواهد زیان های فقر و ضرورت مبارزه با آن را کم انگارد، بلکه می خواهد فاجعه بودن تکاثر و اسراف را یادآور شود. (1)

بنابر این نوع گرایش های سرمایه داری، خود از عوامل اصلی ایجاد فقر در جامعه نیز هست. روشنگر مفهوم این حدیث نبوی، سخن دیگری است که از پیامبر اعظم (ص) روایت شده است: «بر اتمم پس از خود از سه چیز بیمناکم: ... (سوم اینکه) مال در میان ایشان چندان فزون شود (و اهمیت پیدا کند) که طغیان ورزند و ناسپاسی کنند...» (2) روشن است که این مال، از آن اموالی نیست که عامل قوام و استواری جامعه و سامان بخش امور معنوی و انسانی مردمان و چون خون در اندام افراد باشد (چنانکه در آیات و احادیث دیگر آمده بود)، بلکه مقصود، مال اندوزی به شیوه سرمایه داری و با آن انگیزه ها و گرایش ها و راه کارهاست که از جمله آن طغیان، سرکشی فساد و نادیده گرفتن حق و حقوق انسان هاست. حتی عملکرد نظام لیبرال_سرمایه داری، موجب برهم زدن تعادل و توازن در طبیعت و منابع حیاتی آن شده است. ظلم سرمایه داری نه تنها متوجه اخلاق جامعه انسانی است، بلکه گونه های حیاتی و نباتی و آب ها و کانی ها حتی هوا و لایه اوزن را نیز سالم و متعادل باقی نگذاشته است بگونه ای که: «در دهه هشتاد همه شاخص های حیاتی در حال سقوط بوده اند، و در مجموع قابلیت سکونت کره زمین کاهش یافته است». (3) لذا مسائل یاد شده، ضمن برهم زدن تعادل و توازن در جامعه که در سایه ظلم گرایی و عدالت ستیزی سرمایه داری پدید می آید، و ویژه سازی اموال و منابع و محروم کردن اکثریت مردم،

از عوامل مهم ناپایداری و تزلزل در جامعه سرمایه داری است به گونه ای که اخلاق و معنویت و کلا انسانیت را نابود خواهد کرد.

در مجموع ای عزیز بزرگوار رابطه «اقتصاد» با «ترکیه» دو سویه است؛ یعنی همچنان که ترکیه در سامان بخشی و اصلاح امور اقتصادی نقش تعیین کننده ای دارد، فعالیت

ص: 234

1- فضل الله لبنانی، سیدمحمدحسین، الحیاه، ج3، ص414_415.

2- شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج1، ص164.

3- لستر براون، علائم حیاتی کره زمین، ص10، لستر براون و همکاران ترجمه دکتر حمید طراواتی.

های اقتصادی نیز می تواند در تزکیه انسان مؤثر باشند؛ مثلاً، کسی که زکات مال خود را می پردازد، با این کار اقدامی در جهت تزکیه نفس خود نموده است: «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» (1) کسی که مال خود را (در راه خدا) می بخشد تا پاک شود. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (2) از اموال آن ها صدقه (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آن ها را پاک سازی و پرورش دهی. بنابراین همان گونه که ذکر شد عملیات اقتصادی می تواند مظهري از عبودیت خداوند متعال باشد. در این جا همچنین تأکید می گردد که رفتارهای اقتصادی می تواند راهی برای تزکیه شدن انسان باشند و بدین سان، بی پایگی القائنات کسانی که تلاش های اقتصادی را مانعی برای خودسازی و تزکیه نفس می دانند، روشن می شود. لذا در خصوص «تأثیر توسعه اقتصادی در تعالی معنوی» بصورت مستقل در موضوع بعد بحث خواهد شد.

21) تأثیر توسعه اقتصادی در تعالی معنوی:

گر که گشتی از ولایت پیش و سر * می شوی خوار و ذلیل و در بدر

با اصول اقتصاد خوب و ناب از خود گذر * تا رسی راحت به اوج مقصدت در هر سفر

گر چنین کردی شوی در کار خوب اهل ظفر * چون که این داد درون است و همان خواست بشر

گر بشر خواهد شود با کار نیک آقای دهر * یا که گردد با خدا و پیروز و دور از خطر

اقتصاد سالم و بی عیب همانند سپر * معنویت را کند محفوظ ز هر آسیب و شر

دان که شغل ناب و پاک با هر نوعی دید و نظر * وفق حق اصلاح کند راه همه دخت و پسر

ص: 235

1- لیل: 18

2- توبه: 103

اقتصاد اندر زمان غیبت صاحب امر * با فقاہت می برد جان تو را سوی قمر

با اصول اقتصاد ناب و خوب و همچو زر * کن زغیر آن در این دنیای دون هر آن حذر

گر شوی دور از اصول اقتصاد با هر نگر * می زنی بی شک همی بر نفس و جان خود ضرر

راه کسب و کار خوب پر بوده باشد از گوهر * بهر کار نیک خوبان با دو صد داد دگر

دان که انسان هر چه دیر آید بسوی این خبر * ظلم وافر کرده است بر خلقت و هم جان و سر

از امور اقتصاد بی شک حقیر گیرد اثر * چون که خواست هر روان است و دهد صدها ثمر

آری ای عزیز بزرگوار، بدان و آگاه باش که بر خلاف آیات غزل مذکور؛ در نهایت تاسف مکاتب مادی مخصوصاً لیبرالیسم با مبانی اومانستی و سکولار فقط مصالح دنیایی اقتصاد را مدّ نظر قرار داده و کاری به آثار معنوی و اخلاقی اقتصاد بر روی افراد و جامعه ندارند و با این دید خطرناک مسیر بشریت را برای استفاده صحیح از اقتصاد سالم منحرف نموده اند. در حالی که بنابر ادله عقلی و نقلی و طبق حقایق موجود؛ بدون هر گونه تعصب باید پذیرفت که، اقتصاد سالم می تواند در همه ی زمان ها و در تمامی اعصار بر روی معنویت و اخلاق تک تک افراد جامعه آثار و کارکردهای مثبت داشته باشد... مع الوصف در دیدگاه اسلامی، نه تنها ارزش های معنوی بر جریان توسعه اقتصادی اثر می نهند، همانطور که در موضوع قبل مطرح شد؛ بلکه عکس آن نیز وفق آنچه مطرح شد صادق است. توضیح بیشتر اینکه از نگاه اسلام در تکامل انسان و اجتماع، هیچگونه جدایی میان تکامل معنوی و توسعه اقتصادی وجود ندارد؛ بلکه توسعه مادی از بطن تکامل معنوی شکوفا می گردد و خطّ سیر تکامل معنوی نیز از میانه توسعه مادی عبور می کند. و عکس آن نیز صادق است. به بیانی از منظر اسلام فعالیت های اقتصادی زمینه ساز کمالات و

فضائل انسانی است و اگر فردی با این انگیزه به عرصه اقتصاد وارد شود، افزون بر منافع مادی و ظاهری به بهره های معنوی نیز نایل خواهد شد.

لذا از طرفی سرمایه داری و داشتن های افراطی، به زیستی افراطی و شهوت باره، و زیاده روی های ویرانگر همه نیروهای آدمی جهت پیدا می کند و انسان را در گرداب بی بند و باری و لذت پرستی، غوطه ور می سازد و این شیوه ها در زندگی فردی نیز از عوامل تباهی جسم و روح و در نتیجه، نابودی خرد آدمی است؛ زیرا که کاموری های افراطی و لذت پرستی و غوطه وری در خور و خواب و تمایلات جنسی، مایه تباهی جسم و هرز رفتن نیروها و از میان بردن سلامت و تعادل لازم در مزاج انسانی است، و موجب بر هم خوردن توازن در همه قوای انسانی بویژه عقل خواهد گردید. امام علی (ع) می فرمایند: «شهوتها، خرد او (دوستدار دنیا و مال) را تباه کرده است.»⁽¹⁾

و نیز فرموده اند «... (دنیاداران) به مرداری روی آورند که با خوردن آن رسوا شدند، و بر سر دوست داشتن آن با یکدیگر همداستان گشتند. هر کس چیزی را سخت دوست بدارد، چشمش نابینا و دلش بیمار می شود. چنین کسی با چشمی ناسالم می بیند و با گوشش ناشنوا می شنود.»⁽²⁾

چشم و گوش و همه حواس مال پرستان، یک سونگر است و همان سمت و سوی افزایش سرمایه را می نگرد و جوانب و معیارهای دیگر را منظور نمی دارد. بنابراین به راستی می توان گفت که با چشم معیوب و گوش ناشنوا به مسائل می نگرد و با شناختی بیمارگونه و یک سونگر رویدادها را بررسی می کند و بدینگونه از درک و دریافت حقایق باز می ماند. اینکه قرآن می گوید، انسان هایی هستند که قلب هاشان مهر شده است و از درک و احساس انسانی تهی گردیدند، توجه به همین واقعیت است که با پیروی از تمایلات و سرسپردگی به امیال و شهوات، عقل انسانی از کار می افتد گر چه عقل ابزاری او کارآ باشد. یا در تعبیر دیگر قرآن: «... و طبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون؛⁽³⁾..

بر دل هاشان مهر

ص: 237

1- نهج البلاغه، ج 1، ص 99.

2- همان

3- توبه/سوره 9، آیه 87.

نهاده شده پس آنان درک نمی کنند.» و نیز آمده است: «... لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم اعين لا يبصرون بها...» (1) ایشان را دل هایی است که بدان نمی فهمند و چشم هایی است که بدان نمی بینند...» آنها عقل دارند، لیکن در حوزه عمل، گوش به فرمان شهواتند و هدایت های عقل انسانی را نادیده می گیرند.

از طرف دیگر همانطور که در موضوع قبل مطرح شد؛ قرآن کریم تأکید می کند که هرگاه ایمان در جامعه استقرار یابد و ارکانش استوار گردد، برکت ها بر انسان فرو می بارد و زمین سرچشمه نعمت می شود تا آن گاه که وجود انسان از خیر سرشار می گردد و جامعه در رفاه و آسایش اقتصادی افزون بر تصور، به سر می برد. متون اسلامی آکنده از گفتار درباره نقش مثبت خصلت های پسندیده و عواملی همچون آموزش خواهی، نماز، حج، و دعا (2) در ایجاد رفاه مادی و برقراری توسعه اقتصادی اند، در حالی که این امور در دایره ارزش های معنوی جای دارند. به نمونه هایی از رهنمودهای معصومین (ع) درباره تاثیر خصلت های اخلاقی دقت کنید: امام علی (ع): «گنج های روزی ها در گشاده خُلقی نهفته است.» (3) همچنین فرموده اند: « هر که پارسایی پیشه کند، فقیر نگردد.» (4) و نیز می فرمایند: « سپاس گزاری از نعمت بخش، روزی را می افزایشد.» (5) امام سجاد (ع): «گفتار نیک مال را می افزایشد، روزی را رشد می دهد، و مرگ را به تأخیر می اندازد.» (6)

همچنین اشاره به کلمات جالب توجه معصومین (ع)، درباره نقش عبادات در رفاه مادی، خالی از فایده نیست. پیامبر خدا (ص): « فراوان آموزش خواهید؛ که مایه جلب

ص: 238

1- اعراف/سوره 7، آیه 179.

2- همان، صص 627 و 675

3- الکافی: 4/23/8: 98 و ص 214، بحار الأنوار: 1/287/77 و ج 86/53/78.

4- غرر الحکم: 7446.

5- الخصال: 2/505: 645/230، روضه الواعظین: 499، بحار الأنوار: 46/44/71.

6- الخصال: 100/317، الأملی للصدوق: 1/49: 404، بحار الأنوار: 1/310/71.

روزی است.» (1) عبدالله بن ابی یعفور می گوید: در محضر امام صادق (ع) بودم که مردی از ایشان پرسید: به خدا قسم! ما به دنبال دنیا می رویم و دوست داریم آن را به دست آوریم. امام فرمودند: تو می خواهی با دنیاطلبی و کسب درآمد چه کنی؟ او گفت: می خواهم نیازهایم را برطرف کنم، به خانواده ام رسیدگی نمایم، صدقه و احسان بدهم و حج و عمره انجام دهم. حضرت فرمودند: اینکه دنیاطلبی نیست؛ این به دنبال آخرت و ثواب های الهی رفتن است. (2)

کسب درآمد و به دنبال منافع مادی رفتن انسان، باید با انگیزه های الهی باشد و آن را وسیله ای برای رسیدن به مقاصد الهی قرار دهد وگرنه دنیاطلبی امری زشت و ناپسند خواهد بود؛ چنانکه برخی افراد به دنبال جمع ثروت و ذخایر دنیوی هستند، در حالی که هیچ انگیزه خیر و معنوی را مد نظر ندارند. گاهی این گونه افراد چنان حریص به جمع آوری مال دنیا هستند که حتی سلامتی خانواده و تمام هستی خود را در راه ثروت اندوزی از دست می دهند. امام صادق (ع) به چنین کسانی هشدار داده، می فرماید: «در آنچه که بدن را اصلاح می کند اسراف نیست؛ اسراف در جایی است که مال انسان از بین برود و به جانش نیز لطمه بخورد.» (3)

از منظر امام صادق (ع) بین کسی که از دنیا به عنوان وسیله ای برای کسب آخرت بهره می گیرد و بین کسی که دنیاپرستی و جمع مال را پیشه خود کرده است، تفاوت واضح وجود دارد. به این جهت از سوی دلبستگان به مال دنیا و دنیاپرستان ظاهرین را لعن می کنند و می فرمایند: «مورد لعن خداست کسی که بنده دینار و درهم باشد.» (4) و از سوی دیگر به دوستدارانش توصیه می کنند: «طلب روزی از [راه های] حلال را هرگز رها نکن؛

ص: 239

1- کنز الفوائد: 197/2، الخصال: 10/615 : 106، بحار الأنوار: 103/21/14.

2- وسائل الشیعه، ج 17، ص 34.

3- تهذیب الاحکام، ج 1، ص 377.

4- اصول کافی، باب الذنوب، حدیث 9.

چرا که مال حلال یاور تو در دینت خواهد بود.»(1) و نیز فرموده اند: «دورکعتِ پس از نماز عشا را ترک مکنید؛ که آن جلب کننده روزی است.»(2) و در جایی دیگر می فرمایند: «نماز شب روزی را جلب کند.»(3) همچنین فرموده اند: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: آیا رهنمودتان ندهم به سلاحی که شما را از دشمنانتان رهایی بخشد و روزی هاتان را فراوان سازد؟ گفتند: آری. فرمود: پروردگارتان را شب و روز بخوانید؛ که سلاح مؤمن دعا است.»(4)

و در راستای موضوع بحث تاکید بر اینکه اسلام رفاه اقتصادی را یاور تقوا و افزایشه اجر معنوی می داند؛ همان گونه که از این منظر، رفاه اقتصادی می تواند زمینه شکوفایی و بالندگی ارزش های والای انسانی باشد.(5) از این جهت است که اسلام ارزشی بالا برای فعالیت سالم اقتصادی قائل است، تا آن جا که از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است: «عبادت ده بخش است؛ نه بخش آن، جُستن روزی حلال است.»(6) این سخن، از حقیقتی پرده برمی دارد که آشکارا می گوید: هرگاه اهداف اقتصادی در مسیری صحیح تنظیم گردند و سازندگی انسان را نشانه روند، اهداف معنوی او هم تا حدی بالا تأمین می گردند.

بی گمان در میان ویژگی های انسانی، عواطف، جایگاهی بسی بلند دارد که زندگی فرد و جامعه و بقاء نوع و سامان یابی خانواده و... بر آن استوار است. بگونه ای که به راستی می توان گفت ضعف عواطف یا مرگ آن، با ضعف و مرگ انسانیت همراه است. انسان با عواطف خویش زندگی می کند بیش از آنکه با خرد به حیات خود ادامه دهد. انسان در پرتو عواطف است که به اخلاق های انسانی و مدنی روی می آورد و از خوی های حیوانی و جنگلی دوری می گیرند. پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: «در انسان، پاره گوشتی است (قلب

ص: 240

- 1- وسائل الشیعه، ج 17، ص 34.
- 2- فلاح السائل: 308/453، بحار الأنوار: 2/107/87.
- 3- تهذیب الأحکام: 454/120/2 - 454/120/2، بحار الأنوار: 25/150/87.
- 4- الکافی: 3/468/2، مکارم الأخلاق: 1980/8/2، فلاح السائل: 5/72، بحار الأنوار: 25/297/93؛
- 5- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث ج 1 ص 69.
- 6- جامع الأحادیث للقمی: 99 بحار الأنوار: 37/9/103 و ص 81/18.

ظاهری و مظهر قلب باطنی) که چون صحیح و سالم بماند، قسمت های دیگر بدن نیز سالم می ماند، و چون بیمار شود، باقی بدن بیمار و گرفتار فساد خواهد شد؛ و آن قلب است...» (1) اما عواطف انسان در مال اندوزی و سرمایه سالاری، ضعیف می شود و یا چنان تحت تاثیر گرایش های آزمندانه پول پرستی قرار می گیرد که از کارایی در درون آدمی می افتد.

همچنین امام علی (ع) می فرماید: «... بدانید که فراوانی مال مایه تباه شدن دین است و سخت شدن دل ها.» (2) سخت شدن دل ها و سنگوارگی قلب ها، همین بی احساسی و میرش وجدان و عواطف در انسان های زراندوز و خوش گذران است. در جامعه مدنی «لیبرال_سرمایه داری»، انسان ها بمنزله ابزار و کالا هستند و تنها با معیار بازدهی و سودآوری، ارزیابی و ارزش گذاری می شوند، حتی علم، فن، هنر و... هم ارزش ذاتی ندارد؛ بلکه آنگاه که به سود بیشتر و رشد تولید کمک کند، ارزشمند می گردد. بنابراین، نگرش سرمایه داری به انسان های دیگر، نگرش ارزشی و انسانی نیست، بلکه نگرشی اقتصادی است. و این نوع نگرش یعنی نگرش ابزاری و کالایی به انسان، از ویژگی های تفکر سرمایه داری است.

مع الوصف ای عزیز بزرگوار، اگر وفق نظر ایسم های مختلف از جمله لیبرالیسم وجدان آدمی، کنار زده شود و قلب او در هم آلود و سخت شود، استوانه های اصلی شخصیت انسان از لحاظ عقیده و عاطفه و دیگر گرایش های ارزشی فرو می ریزد و ایمان و اخلاق او رو به نشیب می گذارد و این فروپاشی و نشیب گرایی، به دیگر نواحی وجود آدمی و گستره زندگی علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی او سرایت می کند و بینش و عمل آدمی را به ناشایستگی ها سوق می دهد. این قساوت قلب، انگیزه نیرومندی است در زندگی مال اندوزان و روش برخورد ایشان با اجتماع و چگونگی روابط با مردمان، و پیامد حتمی آن، ستم در حق مردم و استثمار حقوق آنان و مکیده شدن خون ایشان است.

ص: 241

1- شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص 31.

2- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ج 1، ص 199.

از اینجا روشن می‌گردد که بر اجتماع سرمایه داری، عواطف انسانی فرمانروایی نمی‌کنند؛ بلکه سروری و حاکمیت، با سنگدلی، بی‌احساسی، بی‌تعهدی و ظلم و تجاوز اقتصادی است و لازمه آن فشار بر گرده دیگران است.

قرآن، بی‌احساسی سرمایه داران و نظر توده‌های مردم درباره آنان را چنین ترسیم می‌کند: «ان قارون کان من قوم موسی فبغی علیهم و آتیناه من الكنوز ما ان مفاتحه لتتوا بالعصبه اولی القوه اذقال له قومه لا تفرح ان الله لا یحب الفرحین؛ (1) قارون از قوم موسی بود. پس بر آنان سرکشی کرد (ستم روا داشت)، و ما چندان گنج به او داده بودیم، که حمل آنها برای گروهی مردم نیرومند گران بود؛ آنگاه قومش به او گفتند: (از سرمستی دارایی) شادی مکن که خداوند (اینگونه) شادمانان را دوست ندارد.» می‌بینید که ثروتمندان سرمست در شادی و غرور، غرق شدند و از اندرز و درد دردمندان غافل گشتند. البته این شادمانی‌ها عمقی ندارد، و حتی در همین دنیا، افکار عمومی و قضاوت انسان‌ها زندگی را بر آنان تلخ می‌سازد، و وجدان آدمی هر چند در لایه‌هایی از زنگار لذت پرستی پنهان شده باشد، آنان را سرزنش می‌کند، و نگرانی‌های روزافزون از دست دادن ثروت‌ها، خواب خوش را از آنان می‌گیرد. امام علی (ع) فرموده‌اند: «.... دل‌های بهره‌مندان از دنیا، گریان است هر چند شادمان باشند، و با آنکه دیگران حتی به پاره‌ای از آنچه بهره‌ایشان شده است رشک می‌برند، اما خود آنان همواره از خود (و زندگی خود) بیزارتر می‌شوند.» (2)

از همین اشاره که به نقش ارزش‌ها در توسعه شد، می‌توان دریافت که نبود ارزش‌ها، در واپس ماندگی و دست نیافتن به توسعه، نقشی سلبی دارد. در کوتاه‌سخن، از منظر اسلام، عواملی دیگر علاوه بر موانع و دشواری‌های مادی، به عقب ماندگی می‌انجامند. باورهای نادرست، اخلاق ناسالم، و اعمال ناشایست از جمله عوامل عقب ماندگی و آفت دستیابی به توسعه و اقتصاد سالم هستند. پس همان گونه که توسعه و اقتصاد سالم در تکامل معنوی انسان نقش دارد، عکس آن نیز صادق است و عقب ماندگی احیاناً ریشه در

ص: 242

1- قصص/سوره 28، آیه 76.

2- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 78، ص 21.

انحطاط معنوی دارد. به نوعی این موضوع با موضوع قبل در یک راستا می باشند. بنابر این ای عزیز بزرگوار:

اعتقاد و اقتصاد با هم کنند غوغا به پا * چون که با آن دو شود سالم مسیر تا انتها

جایگاه اقتصاد اندر فضای اعتقاد * می شود محکم همیشه با ندای ربّنا

(22) نقش ایمان به معاد در اصلاح رفتارهای اقتصادی:

دان معاد دارد اثر بر کلّ رفتار بشر * چون که ایمان می کند اصلاح همه رفتار شر

اقتصاد سالم و پر خیر و ناب از هر جهت * از معاد گیرد اثر پس خوان تو با خود در مقرر

چون که بر آیات قرآن می کنم هر آن نظر(1) * برخوردارم گویم که فرصت ها کم است در این سفر(2)

کوله بارم خالی و دستم تهی از کار نیک * عمر من گردید تمام و روز و شب کردم ضرر(3)

پس عزیزم قدر خود را دان از این آیات نور(4) * تا که فرصت داری، از فرصت نکن آنی گذر

می شود عمر تو و هر مرد و زن روزی تمام * با چنین فکری چرا غفلت کنی ای همسفر

گو چه کردی با خودت در عمر محدود حیات * یا چه بردی تو ز فرصت های نیک و پر ثمر

گر بخواهی یا نخواهی فرصتت باشد چو شمع * لحظه لحظه سوزد و گردی همی بی بال و پر

ص: 243

1- ای که در چشمان و عکسم می کنی اینک نظر

2- هیچ و می دانی شده فرصت تمام در این سفر

3- عمر من پایان و هر لحظه وجودم در ضرر

4- پس عزیزم قدر خود را دان در این دنیای دون

پس ببر از نور آن تا می توانی توشه ای * آدم عاقل کند جان را مبرّا از خطر

کن کمی اندیشه تو در آنچه تا اینک گذشت * تا که بینی در کجایی و کمی گیری اثر

دام شیطان می شود هر لحظه پهن در پیش تو * کن رها دام و زفته کن عبور ای باهنر

با اصول اقتصاد و کسب خوب و رزق پاک * از همه افسردگی گردی رها در جان و دهر

راه حق و فطرت را کن مشخص در اصول * تا شوی فارغ ز کسب دون و هم پر درد و سر

داد خاموش درونت این بخواهد روز و شب * پس تو کن آن را اجابت تا شوی اهل ظفر

بهر عقبا شو مهیا در سرای زندگی * تا کنی پرهیز ز کار زشت و بد از هر نظر

دان که با اخلاص همی گویم به افکار زیون * من در این دنیا ندارم جز خدا یاری دگر

با بصیرت می روم در راه خوب اقتصاد * چون که فریاد درونم گفته آن باشد چو زر

اقتصاد راهش یکیست اندر جهان پر خطر * وان همان راهیست که قرآن گفته بر اهل بصر

بی شک و تردید همان راه علی(ع) و آل اوست * پس نما تو انتخاب تا که شوی بیمه ز شر

چون حقیر دانی نماند کسب و کار در فرش و عرش * غیر آنکه بهر حق خالص کنی در جان و سر

آری ای عزیز بزرگوار، بدان و آگاه باش که بر خلاف آیات این غزل؛ در نهایت تاسف مکاتب مادی در قالب ایسم های مختلف؛ ضمن

انکار روح و روان و بالتبع نفی آخرت و ابدیت؛ فقط مصالح دنیایی و جنبه مادی انسان را در مباحث اقتصادی با افکار محدود

و شناخت ناقص خود مورد توجه قرار داده و فقط بر مبنای آن مباحث اقتصادی را دنبال نموده اند. در حالی که حقیقت و واقعیت مسائل و مباحث اقتصاد سالم؛ اقتصادی که فطرت بشر و فریاد خاموش بنی آدم به دنبال آن می باشد، غیر از آن اقتصادی است که مکاتب مادی طرّاحی نموده اند... توضیح اینکه بر خلاف نظر ایسم هایی همچون لیبرالیسم و سوسیالیسم؛ بنا به تأکید قرآن، اعمال انسان در روز قیامت مورد ارزیابی و محاسبه قرار گرفته، به هر کس متناسب با رفتاری که در دنیا داشته است، جزا داده می شود. یاد قیامت و خوف از سوء الحساب در یوم الحساب، نقش مؤثری در تصحیح رفتارهای انسان از جمله رفتارهای اقتصادی او دارد. مسلماً مراقبت درونی مداوم توسط افراد، عاملی مهم برای تحقق رفتارهای عادلانه و به حق اقتصادی است، این امر تأثیر بسزایی در سلامت و رشد اقتصادی و برقراری رفاه و آرامش عمومی و حفظ کرامت انسان ها دارد.

طبیعی است با ورود به عرصه زندگی و اعتقاد به ادامه زندگی پس از مرگ، افق زمانی تغییر می کند و نه تنها از کوتاه مدت به بلند مدت، که به ابدیت تبدیل می شود. اعتقاد به این که انسان پس از مدتی کوتاه، آن هم به صورت نامشخص از این دنیای فانی خواهد رفت و مزه مرگ را چه بخوهد و چه نخواهد بدون تردید خواهد چشید «کلّ نفس ذائقت الموت»، با این اعتقاد که فرصتی کوتاه در اختیار است و باید توشه ابدی برای خود فراهم ساخت، به شدت در رفتار اقتصادی انسان تأثیر متفاوت خواهد داشت....

با تغییر افق زمانی و دیدگاه «الدنیا مزرعه الآخرة»، بسیاری از واژه های اساسی اقتصاد مفاهیمی وسیع تر به خود می گیرند، به ویژه مفاهیمی همچون «مطلوبیت» و «سود» که از مفاهیم مبنایی در اقتصاد هستند، ساختار انگیزش را تشکیل می دهند. نیروی محرک مصرف مطلوبیت، و هدف مصرف کننده حداکثر کردن آن است و انگیزه کار و تلاش های تولیدی کسب سود، و هدف تولیدکننده حداکثر نمودن آن می باشد. با اعتقاد به معاد، متعلّق «لذت» و مفهوم «سود» تفاوت اساسی پیدا می کند. نه تنها افراد معتقد به معاد منافع جهان پس از مرگ را نیز مورد عنایت قرار می دهند، بلکه به دلیل

ابدیت حیات اخروی و مخلّد بودن انسان در آن جا، اهمیت بیش تری به آخرت می دهند. به همین دلیل، انجام واجباتی مثل خمس، زکات... احسان، انفاق، رعایت حقوق دیگران و تولید بی عیب و نقص (انتان در تولید)، خواه نظام نظارت کننده ای باشد یا نباشد، توجیه جدّی پیدا می کند، فعالیت های اقتصادی رنگ و بوی عبادی به خود می گیرد و پاداش های اخروی، انگیزه را برای فعالیت ها تشدید می سازند. همچنان که عقوبت های سنگین اخروی فرد را از تعرّض به حقوق دیگران و ارتکاب جرایم، از جمله جرایم اقتصادی، باز می دارند.

قرآن کریم از روش انذار به عذاب های اخروی و وعده پاداش اخروی برای تحقق رفتارهای بهینه اقتصادی استفاده کرده است. در آیات 1 تا 7 سوره «مطفّین» در خصوص تصحیح و سلامت مبادلات اقتصادی در جامعه با تأکید هرچه تمام تر، مسأله قیامت را متذکّر شده، می فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِّينٍ وَ مَا اَدْرِيكَ مَا سَجِّينٌ» (1) وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمان می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند، اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمان یا وزن کنند، کم می گذارند. آیا آن ها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند، در روزی بزرگ؟! روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند. چنین نیست (که آن ها درباره قیامت می پندارند)، به یقین نامه اعمال بدکاران در سجین است. از این آیات برمی آید که بروز مفاسد اقتصادی نشان از عدم اعتنا به معاد دارد و بنابراین، می توان گفت که از دیدگاه قرآن کریم، توجه به روز قیامت و روز محاسبه اعمال؛ عاملی مهم برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی است. در ضمن مولف در یکی از جلدهای مجموعه "فریاد خاموش درون" تحت عنوان "مقصد نهایی بشر" بصورت مفصل در این خصوص بحث کرده است.

ص: 246

دان که حقّ و هم حقوق مالی اندر اقتصاد* می شود تکلیف برای این و آن در هر نهاد

گر ادا کردی بدون هر نوع عذر و هر ادا* می برد بالا تورا با نردبان عدل و داد

وفق مضمون رباعی مزبور انجام تکالیف شرعی و ادای حقوق مالی در اقتصاد سالم علاوه بر آنکه ریشه های فقر و محرومیت را از بین می برد؛ بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی روح و روان افراد بشر در دنیا و نیز سعادت حقیقی را در آخرت به ارمغان می آورد... توضیح اینکه اگر جامعه انسانی بتواند روش و برنامه اسلامی در توسعه همه جانبه را عملی کند، فقر از اجتماع بشری رخت بر می بندد و ریشه کن می شود. این همان تصویر تابناکی است که پیشوایان و رهبران اسلام در سایه توسعه و تحقق اقتصاد سالم؛ برای روزی از روزهای بشر ترسیم کرده اند. آری؛ در اجتماع موعود اسلامی، انسان در جست و جوی نیازمندی برمی آید تا به وی کمک کند، اما او را نمی یابد. (1) اما ضمن انتظار کشیدن برای رسیدن جامعه به چنان سطحی، یکی از اهداف اقتصاد اسلامی، تأمین نیازهای اساسی نیازمندان و محتاجان است، به گونه ای که از طریق آن، هر یک از افراد جامعه به زندگی کرامت مندانه ای دست یابد. این مهم، نه تنها یکی از اهداف اقتصادی است، بلکه از عناصر اصلی در فرایند توسعه به شمار می آید. در دیدگاه اسلامی، اگر مردم به ادای حقوق مالی خود پردازند نیاز همه نیازمندان تأمین می شود، تا آن جا که دیگر فقیری باقی نمی ماند. امام صادق علیه السلام به همین مطلب اشاره فرموده است: «اگر مردم زکات اموالشان را پردازند، هیچ کس نیازمند نخواهد بود». (2)

همین حقیقت با مضامینی دیگر در بیان دیگر آن بزرگوار به چشم می خورد: «همانا مردم به فقر و احتیاج و گرسنگی و برهنگی دچار نشده اند، مگر از رهگذر گناهان

ص: 247

1- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث ج 1 ص 125.

2- الکافی: 1/507/3 : 1579/7/2

ثروتمندان» (1). در این میان، سخنی دیگر از امام امیرالمؤمنین علیه السلام به چشم می خورد که در آن آمده است: «همانا خداوند سبحان، خوراک فقیران را در دارایی ثروتمندان واجب فرموده است. پس هیچ فقیری گرسنه نمانده، مگر به دلیل آن که ثروتمندی از حق او بهره مند شده؛ و خداوند والا ایشان را بدین جهت بازخواست خواهد کرد» (2).

از طرفی هر انسان وقتی از محصول کار خود محروم شود، ناخوشایند خواهد شد؛ همچنین هر انسان با هر فعالیت اقتصادی در پی سود و منافع آن است و هنگامی حاضر است منافع آن فعالیت اقتصادی را از دست بدهد که منافع بزرگ تر یا همسان آن نصیب وی شود. در نظام های غیراسلامی، مالیات دهندگان هرگز به چنین شرایطی دست نمی یابند. از دیدگاه اسلام مالیات های منصوص همانند خمس و زکات به عنوان یک عمل عبادی است و هر مسلمان می کوشد تا مازاد درآمد سالانه داشته باشد و موفق به پرداخت مالیات های منصوص عبادی شود؛ چراکه مسلمان سود فعالیت اقتصادی را تنها سود اندک ناپایدار دنیایی نمی بیند، سود فراوان و پایدار اخروی را نیز در شمار سود فعالیت اقتصادی خود می داند؛ بنابراین هرچه این قبیل مالیات ها را بیشتر پرداخت کند، مطمئن خواهد بود سود بیشتری در زندگی دنیایی و اخروی نصیب وی می شود؛ در نتیجه با پرداخت این قبیل مالیات ها، انگیزه کار و تلاشش بیشتر خواهد شد.

درباره مالیات های حکومتی، در صورتی که مالیات برای رفع فقر و ضرورت های شدید اجتماعی مصرف می شود، پرداخت آن بر اغنیای مسلمان واجب شرعی است. به یقین قصد قربت در پرداخت آن، مالیات های حکومتی را دارای صفات و ویژگی های مالیات های منصوص همانند خمس و زکات خواهد کرد و براساس آن چه در مالیات های منصوص گذشت، کسانی که مالیات های حکومتی را پرداخت می کنند، مطمئن هستند منافع بزرگ تری نصیب آنان می شود؛ بنابراین هرگز انگیزه کار و تلاش آنان کاسته نخواهد شد.

ص: 248

1- کتاب من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 4، ح 6.

2- نهج البلاغه: الحکمه 328، روضه الواعظین: 497 عیون الحکم والمواعظ: 3343/152؛ ینابیع المودّه: 699/249/2

همچنین در اسلام به نیازمندان توصیه های فراوانی برای کار و تلاش شده است و تأکید شده است که نیازمندان عزت نفس داشته باشند و بکشند نیازهای خود را پنهان نگه دارند و از درخواست از دیگران برای برطرف کردن نیازهای خود پرهیز کنند و در صورت نیاز به حداقل درخواست و دریافت مال از اغنیا بسنده کنند.

ائمه (ع) گفتار فراوانی دارند که به ذکر چند نمونه آن اکتفا می شود: رسول خدا (ص) کار را افضل عبادات معرفی می فرمایند: «عبادت هفتاد بخش است که برترین آن ها کسب روزی حلال است.» و نیز امام باقر (ع) می فرمایند: «هرکس از راه حلال در پی کسب روزی باشد تا آن را برای خود و خانواده اش به مصرف رساند، همانند مجاهد در راه خدا است.» هرآنسان مسلمانی هنگامی که ثواب و سود اخروی فراوان کار و تلاش را درک کند، هیچ گاه نسبت به کار و تلاش در خود سستی راه نمی دهد و همه جهدش را برای کسب روزی به کار خواهد برد و تنها در صورتی که مضطر و ناچار باشد، کمک سایرین را خواهد پذیرفت. امام باقر (ع) در گفتاری دیگر، دریافت کمک و زکات را برای انسانی که توان کار دارد حلال نمی دانند: «صدقه [زکات] برای انسان بی نیاز، نیرومند و سالم، صاحب شغل و توانا حلال نیست. گفتیم مقصود از این کلام چیست؟ فرمودند: اگر می تواند خود را از زکات بی نیاز کند، برای او حلال نیست آن را دریافت کند.» این قبیل آموزه ها نه برای کسانی که به نیازمندان یاری می رسانند و نه برای فقیران و نیازمندان مجالی برای کاهش انگیزه کار و تولید باقی نمی گذارد. (1)

به بیانی زکاتی که در قرآن از آن بحث می شود اعم از زکات مالی است که در کنار خمس و جوب دارد؛ چرا که از زکات اصطلاحی و هم عرض خمس در قرآن با عنوان «صدقات» یاد می شود. باید توجه داشت که در اسلام ما دو نوع مالیات واجب داریم در کنار کمک های مالی دیگر که جنبه مستحبی دارد؛ اما درباره تشریح این دو مالیات چنان که در قرآن هم ذکر شده چند هدف دنبال می شود: نخست رفع فقر و از بین بردن آن،

ص: 249

البته برنامه اصلی اسلام از بین بردن فقر است. اما اگر در شرایطی فقیری وجود داشت برای تامین هزینه های او و رفع فقر، خمس و زکات واجب می شود.

دوم آنکه برای همه کارهای فی سبیل الله که جایش در جامعه خالی است و یا بر زمین مانده، علاوه بر این، باید از درآمدهای این دو نوع مالیات برای در راه ماندگان نیز استفاده شود. از این رو، عمده مصارف زکات رفع فقر است و در کنار آن ترویج امور دینی و مسائل ضروری جامعه؛ لذا شاید بتوان گفتن مواردی که برای مصارف مالیات در نظر گرفته شده است در اسلام برای زکات و خمس وجود دارد.

از طرفی خواست خدای متعال در اسلام بر این است تا با جدا کردن بخشی از اموال، از تعلقات دنیایی دل کنده شود تا جایی که اسلام می گوید پرداخت خمس و زکات بدون قصد قُرب باطل است و این در نظام های متعارف اقتصادی درباره مالیات وجود ندارد! برای مثال در نظام مالیاتی دولت ها، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر تولید، مالیات ثابت و مالیات متغیر و... وجود دارد. در اسلام خمس و زکات بر مازاد درآمد پیش بینی شده است و همین یکی از تفاوت های مالیات متعارف با زکات و خمس است؛ برای مثال در مالیات مصرف به اینکه درآمد کفاف هزینه ها را می کند یا نه؟، کاری ندارند و مصرف کننده باید در قبال خرید هر کالا و شیء، مالیات آن را نیز پردازد. اما درباره زکات وقتی به شرایط و نصاب معین نرسیده باشد، واجب نمی شود. از این رو، زکات و خمس به عدالت نزدیک تر است.

تفاوت دیگر خمس و زکات به عنوان واجبات مالی اسلام با مالیات های متعارف آن است که این مالیات ها خواسته های نفسانی انسانی را دنبال می کنند؛ اما خمس و زکات با قصد قربت و با هدف پای گذاشتن بر نفسانیات، درون انسان را اصلاح می کند.

در ابتدای انقلاب این بحث مطرح شد که آیا غیر از زکات و خمس، مالیات دولت هم معنا و وجوب دارد که بعد از بحث های فراوان، امام خمینی (ره) فرمودند: مالیات حکم اولیه اسلام است. این یعنی در صورتی که زکات و خمس کفاف مخارج دولت اسلامی را نکند دولت اسلامی می تواند مالیات دیگری هم وضع کند و این در متن فقه است؛ از این رو،

وقتی از مالیات در خمس و زکات سخن به میان می آید یعنی هر دوی اینها در دولت اسلامی مجاز است و جزء احکام اولیه اسلام به شمار می رود و اینگونه نیست که فقط در شرایط اضطرار و جوب بیابد، اما اولویت اصلی با زکات و خمس است.

نکته مهم آن که در قرآن کریم هر گاه سخن از زکات به میان آمده قبل از آن به اقامه نماز امر شده است و تنها جایی که پرداخت زکات بر نماز پیشی گرفته مربوط به فطریه است که خدای متعال در سوره مبارکه اعلی آیات 14 و 15 می فرماید: «فَلَمَّا أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» یعنی ابتدا باید به فقرا کمک کرد و پاک شد و به رستگاری رسید و سپس نماز به پا داشت.

در هر حال ادای حقوق واجب و مستحب مالی افراد در اسلام به شرح زیر است:

الف) خمس: خمس به هفت مورد تعلق می گیرد که عبارتند از: منفعت کسب، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، جواهری که به وسیله غواصی در دریا به دست می آید، غنیمت جنگ و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. به این هفت مورد درآمد، با شرایطی خمس تعلق می گیرد؛ یعنی یک پنجم این موارد متعلق به بیت المال می شود و باید صاحب آن، یک پنجم را از مال خود جدا کند و به قصد قربت تحویل بیت المال دهد. عمده موارد مصرف خمس، فقرای جامعه هستند. شایان توجه است که اگر کار فرهنگی در جامعه صورت گیرد و همه مردم به این وظیفه الهی خود عمل کنند، درآمد بیت المال از این ناحیه فراوان خواهد شد. بنابراین با تحقق این درآمد و مصرف صحیح آن، هم توازن اقتصادی در جامعه محقق خواهد شد و هم فقر کاهش می یابد.

ب) زکات مال: زکات در نه چیز واجب می شود که عبارتند از: گندم، جو، خرما، کیشمش، طلا، نقره، گاو، شتر و گوسفند. در تعلق و جوب زکات به این نه چیز، شرایطی وجود دارد که آن شرایط موجب می شود تا حجم زکات در طول زمان بسیار متفاوت گردد. یکی از موارد اصلی مصرف زکات، فقیران هستند. می توان گفت که این احادیث، خود، برگرفته از سخن پیامبر (ص) که فرمودند: «اگر خداوند می دانست که زکات ثروتمندان پاسخگوی نیاز فقیران نیست، از غیر زکات آنان به تأمین نیاز ایشان می پرداخت. پس اگر

فقیران گرسنه مانند، به دلیل ستم ثروتمندان به ایشان است»⁽¹⁾ در پی، چند روایت دیگر می آید که دلالت می کند ادای حقوق مالی، علاوه بر تأمین نیازهای نیازمندان، ابزار توسعه اقتصادی نیز هست: رسول خدا (ص) می فرمایند: « اگر خواستی مالت افزون گردد، زکات آن را پرداز»⁽²⁾ امام علی(ع): « خداوند زکات را واجب فرموده است... تا زمینه ساز افزایش روزی باشد»⁽³⁾ امام موسی کاظم(ع): « همانا خداوند زکات را خوراک فقیران و مایه افزایش دارایی شما قرار داده است»⁽⁴⁾ به عکس، در اسلام، تأمین نکردن نیازهای نیازمندان از موانع اساسی در مسیر توسعه اقتصادی و شکوفایی معیشتی تلقی می شود. امام باقر علیه السلام می فرمایند: در نوشته رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین یافتیم: « هر گاه مردم زکات نپردازند، زمین برکت های خود، همچون کشت و میوه و معدن را، یکسره، از ایشان باز می دارد»⁽⁵⁾.

ج) زکات بدن (فطره): هر مسلمانی که فقیر محسوب نمی شود، باید در روز عید فطر برای خود و همه کسانی که واجب النفقه او هستند، یک صاع - که تقریباً سه کیلوگرم است - از یکی از اقلام گندم، جو، کیشمش، برنج و مانند این قبیل مواد غذایی پردازد یا پول آن ها را به عنوان زکات فطره پرداخت کند. مصرف زکات فطره برای فقیران اولویت دارد. مسأله حائز اهمیت در زکات مانند خمس این است که از کسانی که غنی هستند، زکات اخذ می شود و برای کسانی که فقیر هستند، مصرف می شود. این امر هم در توازن ثروت و هم در رفع فقر تأثیر بسزایی دارد.

ص: 252

-
- 1- کنز العمال، ج 6، ص 310، ح 15824.
 - 2- بحار الأنوار، ج 85، ص 164، ح 12.
 - 3- نهج البلاغه: الحکمه 252، غرر الحکم: 6608.
 - 4- الکافی: 6/498/3، من لا یحضره الفقیه: 2/4/1575، علل الشرایع: 1/368، المحاسن: 2/38/1119 بحار الأنوار: 18/96/39.
 - 5- ثواب الأعمال: 1/301، علل الشرایع: 26/584/584، اللطوسی: 363/210، تحف العقول: 51، بحار الأنوار: 3/369/73 وج 32/15/96.

د) انفاقات مستحبی: افزون بر وجوب مالیات های ثابت در اسلام، تأکیدات فراوانی بر انفاق مال شده است. آیات و روایات برای تشویق مردم به انفاق مال در راه خدا فراوان است. سیره مولای متقیان علی(ع) نیز در این باره الگوی بی بدیل برای همه مسلمانان است. امیر مؤمنان(ع) درباره انفاق مال، سخنان فراوانی دارد که برخی از آن ها در کتاب ارزشمند «غرر الحکم و درر الکلم» جمع آوری شده است. ایشان در یکی از این سخنان می فرمایند: «انما لک من مالک ما قدمته لآخرتک و ما اخرته فللوارث.» از مال تو آن چیزی را که برای آخرت مصرف کردی، مال تو محسوب می شود و آن چه را باقی گذاشتی، برای وارث است.

درباره حضرت علی(ع) نقل شده است که آن حضرت درآمدهای فراوانی داشت و بعد از برداشت محصول باغ هایش، همه آن ها را انفاق می کرد؛ به طوری که از درآمد آن چیزی برایش باقی نمی ماند. قرآن کریم با بیان ثواب و سود معنوی انفاق در راه خدا، مؤمنان را بر انفاق تشویق می کند: « مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللہ کمثل حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبه واللہ یضاعف لمن یشاء و اللہ واسعٌ علیم الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللہ ثم لا یتغنون ما انفقوا مناً و لا اذیً لهم اجرهم عند ربهم و لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون .» مثل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد؛ خداوند برای هرکس بخواهد آن را چندین برابر می کند و خداوند گشایش گر دانا است. کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق کنند و در پی انفاق منتهی نگذارده و آزاری روا ندارند، پاداش آنان نزد پروردگارشان است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند.

روشن است هر انسان غنی و عاقلی که در صدد حداکثر کردن سود دنیایی و آخرتی باشد، با بهره برداری متعارف از دارایی خود در دنیا و ادای حقوق مالی واجب آن، مازادش را برای سود آخروی، در راه خدا انفاق می کند. در اسلام مصادیقی از انفاق مورد تأکید قرار گرفته است که عبارتند از: وقف، قرض الحسنه، صدقه، عاریه و بخشش.

24) سخت کوشی و جایگاه و ارزش کار و تلاش:

دان که سخت کوشی و کار باشد نیاز روح و جان * اقتصاد خوب شود با آن همیشه پر توان

چون که با آن دانش و برنامه ها گیرد قوام * لحظه هایش می شود همچون جهادی بی امان

توضیح اینکه طبق رباعی مزبور دانش و برنامه ریزی، دو عنصری هستند که با کار به ثمر می نشینند و نتیجه مطلوب از آن دو که قوام اقتصاد سالم است، برآورده می شود. از شاخصه های اقتصاد آرمانی، سخت کوشی و جدیت در کار و در نتیجه اجتناب از تنبلی و راحت طلبی است. بی تردید اگر جدیت در کار و سخت کوشی، در جامعه فرهنگ سازی شود، باعث رشد اقتصادی و تحقق جامعه آرمانی می گردد. اهتمام به فرهنگ کار و تلاش و به دست آوردن روزی حلال از مهمترین شاخصه های اقتصاد و زندگی سالم است که در قرآن و روایات اسلامی فراوان بدان اشاره شده است. قرآن کریم، با صراحت کار و تلاش را مایه دارایی و مکننت جامعه انسانی؛ (1) معرفی کرده است. در سیره ائمه معصومین (ع) نیز فرهنگ کار و تلاش که ارتباط تنگاتنگی با مسئله تولید دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار است و آن حضرات به طور مستمر، مردم را به فعالیت های اقتصادی از جمله تجارت، خدمات و کشاورزی تشویق می کردند؛ رسول گرامی اسلام (ص) علاوه بر مسئولیت بزرگ پیام رسانی الهی و عبادت، به کشاورزی و تجارت توجه داشته و دیگران را هم به کار تشویق می کردند. ایشان در این باره چنین فرموده اند: «خداوند، انسان سالم بیکار را - که نه به کار دنیا و نه به امر آخرت می پردازد - دشمن می دارد.» (2)

نقل شده است که مردی نزد آن حضرت آمد و کمک خواست. پیامبر خدا (ص) فرمودند: «هر که از ما کمک بخواهد، او را یاری می دهیم و اگر بی نیازی بورزد، خداوند، او را بی نیاز سازد.» این فرد، سه بار نزد پیامبر (ص) آمد و هر بار، همین سخن را شنید. سرانجام با اطمینان و اعتماد به نفس گفت: «بر خدا تکیه می کنم» و با این نیت، تیشه ای به امانت گرفت، به

ص: 254

1- نجم، 39 و 40

2- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج 17، ص 146.

جانب صحرا رفت، مقداری هیزم گرد آورد و فروخت. چند روز بعد توانست ابزار کاری فراهم سازد و باز به همین روش به پیش رفت تا سرمایه دار شد.⁽¹⁾ (در خصوص آثار بیکاری در ادامه بیشتر بحث خواهد شد.)

همچنین حضرت علی (ع) در نامه ای به مالک اشتر در حمایت از فرهنگ کار و تلاش می گویند: «اما باید نظر تو بیشتر در آبادانی زمین باشد تا گرفتن خراج، چون خراج بدون آبادانی به دست نیاید و آن که بدون آبادانی خراج مطالبه کند، کشور را خراب و مردم را هلاک کند و حکومتش چند روز بیش نپاید. بنابراین، اگر مردم از سنگینی مالیات یا آفت زدگی یا قطع سهمیه آب یا خشک سالی یا دگرگونی وضع زمین بر اثر غرقاب، یا بی آبی شکوه کردند، به آنان تا هر قدر که فکر می کنی موجب بهبود وضعشان خواهد شد، تخفیف بده و مبادا این تخفیف بر تو گران آید، زیرا این کار، اندوخته ای است که در آبادانی کشور تو و آراستن ولایت به تو بازمی گردد. افزون بر اینکه ستایش آنان را به خویش جلب کرده ای و خود نیز از گسترش عدالت در میان آنان به شادی و سرفرازی رسیده ای، در حالی که به سبب رفاه و آسایشی که برای آنان فراهم آورده ای به توانمندی بیشترشان تکیه خواهی کرد، و به موجب عدالت و رفتار خوشی که آنان را بدان مأنوس کرده ای به آنان اطمینان خواهی یافت»⁽²⁾

بدیهی است در سایه کار و کوشش زمینه پیشرفت و توسعه کشور فراهم شده و جامعه اسلامی با شکوفایی و بالندگی همراه خواهد شد. در ضمن صحیح و استوار کارها در اقتصاد اسلامی خیلی مهم است. در این راستا پیامبرگامی اسلام (ص) فرمودند: « خداوند دوست دارد که بنده اش چون کاری انجام دهد آن را به خوبی و استواری انجام دهد.»⁽³⁾ از جمله آثار اقتصادی استواری در کارها، استفاده کارا از سرمایه های انسانی و فیزیکی است چنانچه تولید کالا یا انجام خدمتی با سستی صورت گیرد، نتیجه ای جز اتلاف منابع و

ص: 255

1- ابن بابویه، علی، فقه الرضا، ص 365.

2- سید رضی، 1414 ق: 436؛ احمدی میانجی، 1426 ق: 485/1

3- همان، ج 2، ص 884

وقت در پی نخواهد داشت. یکی دیگر از آثار اقتصادی-اجتماعی انجام صحیح و استوار کارها، جلب اعتماد آحاد جامعه به کالاها و خدمات داخلی و رونق و رشد.

در هر حال کلمه های کار، تلاش، عمران، آبادی و تولید، انسان را به نشاط در می آورد و او را از رخوت و سستی دور ساخته، آینده ای زیباتر برای او رقم می زند. زندگی انسان بر محور کار می گردد. مظاهر تمدن بشری به طور کامل، مستمر و طولانی در زندگی بشر بر گره زمین است. ساختمان های بلند، سدهای عظیم، تونل های طولانی، هواپیماهای غول پیکر، کتابخانه های بزرگ، رصدخانه ها و همه آنچه در گره خاکی وجود دارد، حاصل عملکرد آدمی است. اثر کار فقط در ابعاد اقتصادی و تولید نیست، بلکه در نظام اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مؤثری را ایفا می کند. از همین رو، در متون دینی به ابعاد گوناگون آن توجه داده شده است و جایگاه آن را روشن ساخته اند. (1) با توجه به فراخور موضوع در این بحث، بیشتر به جنبه اقتصادی آن پرداخته خواهد شد.

اسلام همه انسانها را به تأمین معاش و زندگی با عزت و شرافت و اقتصادی پویا و سالم، دعوت می کند. سخت کوشی و مقاومت در برابر سختیها از آموزه های اساسی اسلام و اهتمام به کار و تلاش نوعی عبادت و جهاد است، همانگونه که روح و جسم وی را تقویت می کند. باید توجه داشت که هرچه هست عمل است. در روایتی از امام علی (ع) آمده است: « آنچنان برای دنیا تلاش کن که گویی صدها سال خواهی زیست و آنچنان به فکر آخرت باش که گویی فردا از دنیا خواهی رفت.» پس همیشه دین اسلام دین تک بعدی نیست و به جنبه های مختلف زیست بشر توجه کرده است. اما شایان ذکر است که این جنبه ها در عرض هم به حساب نیامده اند، بلکه در طول هم فرض شده اند و زندگی این دنیایی مقدمه ای برای حیات جاوید به حساب می آید. به برکت کار و تلاش درخت زندگی آدمی از میوه های شادابی و سرسبزی بارور و در نتیجه، روح و جسم از ضعف و ناراحتی پاک می شود.

ص: 256

بهبود بخشیدن به وضع زندگی و تدارک برخی از برنامه های اقتصادی در جامعه نه تنها نقص و عیبی برای یک انسان مسلمان به حساب نمی آید، بلکه ناشی از قوت ایمان و اراده استوار او در راه رسیدن به اهداف والای معنوی است. رئیس مذهب جعفری بر این اندیشه پای می فشرد که: «کوچیدن برای یک مسلمان عاقل شایسته نیست مگر در سه مورد: بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی (سفرهای تجارتهای و...). کسب توشه آخرت (سفرهای زیارتی)، رسیدن به لذتهای حلال (سفرهای تفریحی)» (1) امام صادق (ع) افزون بر ترغیب بندگان صالح به سوی فعالیتهای اقتصادی، خود نیز به غلامش، مصادف، چنین دستور می دادند: «مکانی پر درخت و یا ملک ثابت و غیر منقولی به دست آور! چرا که هر گاه برای شخصی حادثه ای یا مصیبتی رخ نماید و احساس کند که برای تأمین خانواده خود پشتوانه ای دارد، روح [او جان] راحت تر خواهد بود...» (2) پیشوای ششم از افرادی که در ظاهر زهد فروشی کرده، مردم مسلمان را به بهانه تقوا و ترک دنیا از فعالیتهای اقتصادی منع می کردند؛ انتقاد می نمودند و شیوه غلط آنان را تخطئه می کردند. سفیان ثوری از عالمان زهد فروش و ظاهر سازی بود که علاوه بر مردم عادی، امام صادق را نیز از مظاهر دنیوی منع می کرد. او زمانی مشاهده کرد که امام لباس نو و مناسبی پوشیده است، به حضرت گفت: تو نباید خود را به زیورهای دنیا آلوده سازی! برای تو زهد و تقوا و دوری از دنیا و مظاهر آن شایسته است. امام صادق (ع) با پاسخهای منطقی خویش وی را به اشتباهات خود واقف ساخت و از تفکرات صوفی مآبانه و انحرافی وی به شدت انتقاد کرد و فرمودند: «می خواهم به تو سخنی بگویم، خوب توجه کن، سخن من برای دنیا و آخرت مفید خواهد بود. ای سفیان! رسول گرامی اسلام در زمانی زندگی می کرد که عموم مردم از نظر اقتصادی در مضیقه بودند و پیامبر خود را با آنان در زندگی ساده و فقیرانه هماهنگ می کرد، اما اگر روزگاری وضع معیشتی مردم بهتر شد اهل ایمان و نیکان و خوبان روزگار به بهره گیری از آن سزاوارترند نه انسانهای فاجر و منافق و کافر. ای ثوری! به خدا سوگند!

ص: 257

1- وسائل الشیعه، ج 17، ص 63.

2- الکافی، ج 5، ص 92.

در عین حالی که وضع معیشتی خوبی دارم و از نعمتها و موهبتهای خداوند متعال کمال بهره را می برم، اما از روزی که خود را شناخته ام شب و روزی بر من نمی گذرد مگر آنکه حقوق مالی خود را بر طبق فرمان خداوند متعال که بر من واجب کرده است، ادا می کنم و به مصرف مناسب می رسانم...»(1)

کار و تلاش اقتصادی علاوه بر شکوفا ساختن استعدادهای درونی افراد، شکوفایی و پویایی همه جانبه فرد و جامعه را به دنبال خواهد داشت. تجربه ملتها و جوامع در طول تاریخ مؤید آن است که ملت های برخوردار از روحیه کار و تلاش و فعالیت، تحت هیچ شرایطی زیر سلطه بیگانگان قرار نگرفته و فراز و فرودهای تاریخ نتوانسته صدمات جدی به آنان وارد نماید. در ادامه توجه جنابعالی به برخی از شاخصه ها و ثمرات کار و تلاش اقتصادی در اسلام معطوف می گردد:

1. بهره مندی از لذت زندگی: از جمله آثار و فواید کار آن است که کار کردن با تمام مشکلاتی که ممکن است به همراه داشته باشد، نوعی لذت به حساب می آید. بیکاری و بطالت، خستگی و دل مردگی می آورد. فرد بیکار شاد و سرحال نیست، برعکس، کسی دارای حرفه و شغلی است و با ارباب رجوع و یا همکاران سروکار دارد، با محیط کار و تلاش خود مانوس می گردد، همین کش و قوسها و رفت و آمدها و ... برایش جاذبه ایجاد می کند، او را به خود مشغول ساخته، به گونه ای که اگر چند روزی از آن دور بماند، مریض شده و روحیه اش منقبض می شود. امام صادق(ع) در علت لزوم کار کردن می فرمایند: «اگر مردم هرچه را (از غذا و لباس و مسکن) می خواستند، حاضر و آماده در اختیار داشتند، زندگی برای آنها گوارا نمی شد و لذتی از زندگی نمی بردند.»(2)

امام صادق(ع) همچنین در قالب مثالی می فرمایند: «آیا ندیده ای که اگر کسی میهمان گروهی شود و مدتی (نزد آنها) بماند و هر آنچه از خوراک و پوشاک و پذیرایی در اختیارش باشد، از بیکاری خسته و ملول می گردد و دلش می خواهد خودش را به چیزی

ص: 258

1- همان: ج 5، کتاب المعیشه، ح 1.

2- مجلسی، 1403ق، ج 3، ص 86

مشغول سازد؟! پس بر این مقیاس کن که اگر آدمی هرچه می‌خواست در اختیارش می‌داشت، به رنجی گرفتار می‌شد.»⁽¹⁾ بنابراین، برخلاف تصور برخی، لذت بردن حقیقی از زندگی برای انسان از راه کار و کوشش حاصل می‌شود، نه از طریق بیکاری، بطالت و تنبلی. طبعاً، نشاط و شادی حاصل از کار، امری است که در ساختن فرد و اجتماع بسیار مهم است و پیشرفت هر ملتی وابسته به آن خواهد بود.

2. رمز بقای اقتصادی: اگر کار نباشد، زندگی نیز نخواهد بود. کار پیش از هر چیز، یک ضرورت حیاتی است و این حقیقتی است قطعی که همه آن را لمس می‌کنند. خداوند حکمت آفرینش جهان این چنین مقرر و به آدمی نیز الهام نموده است که به کار برخیزد و حکمت یاد شده را تحقق بخشد، تا زنده بماند و زندگی او دوام پیدا کند. امام صادق(ع) در فلسفه کار و اشتغال می‌فرماید: کار، آدمی را از تلف شدن و هلاکت و نیستی مصون می‌دارد؛ زیرا اگر هیچ کار و اشتغالی برای انجام آن توسط انسان باقی نمی‌ماند، ناسپاسی و سرمستی چنان می‌شد که زمین نمی‌توانست تحملش کند و سرانجام به کارهایی دست می‌زد که به تلف شدن او منجر می‌گشت.

3. عامل رشد اقتصادی: کار رکن اساسی زندگی و نیرومندترین عامل تولید و مهمترین پایه برای تولید ثروت به شمار می‌رود. پیشوایان دین، کار و تلاش برای امر معاش و گذراندن زندگی را نه تنها امری مذموم و دنیاپرستانه نمی‌دانند، بلکه آن را مقدس، خداپسندانه و عبادتی بزرگ شمرده‌اند. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «درهای رزق بسته است. آن را با حرکت و فعالیت بگشایید؛ زیرا کار باعث حرکت و فزونی می‌گردد.»⁽²⁾ در آموزه‌های دینی، کارگر دوست خداوند لقب گرفته و بسیار مورد ستایش است. در مقابل، چنان که در بخش مربوطه خواهد آمد، گوشه‌گیری، تنبلی و سستی، بسیار مذمت و با آن به شدت مبارزه شده است. اسلام، رهبانیت و کناره‌گیری از اجتماع را جایز نمی‌داند و با

ص: 259

1- همان

2- همان، ج 3، ص 159

جمله «لا زُهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ»⁽¹⁾ آن را تحریم کرده و بیکاری را مایه بدبختی جامعه و فقر دنیا و آخرت می داند.

امیرالمؤمنین(ع) خود کار می کرد و می فرمودند: «آیا به این قناعت کنم که مرا امیرالمؤمنین بخوانند، ولی با رعیت خود در رنج و مشقتهاى زندگی تشریک مساعی نکنم؟!»⁽²⁾ و نیز می فرمودند:

«کشیدن سنگهای گران از قلّه های کوه، نزد من از منت دیگران کشیدن محبوب تر است. مردم به من می گویند: کار برای تو عیب است و حال آنکه عیب آن است که انسان دست سؤال نزد مردم دراز نماید.»⁽³⁾ تنها وسیله آباد کردن زمین و استخراج ذخایر و ثروت های آن، همچنین نخستین وسیله تضمین معیشت و گردش چرخ زندگی انسان کار است. اگر تلاش و کوشش آدمی در راه تأمین زندگی نبود، نمی توانست بر روی زمین زندگی کند. در واقع می توان گفت: اگر زمین به حال خود رها شود، طولی نمی کشد که می خشکد و به کویری تبدیل می گردد و بهره و تولیدی از آن به عمل نمی آید. این بشر است که با استعداد خاص و ابزار منحصر به فردش، توانست با هدایت آبهای روی زمین و استخراج معادن و کار روی آنها، چهره زمین را عوض کند.

4. عبادت برتر: اسلام، کار را با بهترین صفات ستوده است و در جایی کار را برتر از عبادت دانسته و مردم را تشویق کرده تا در میدان کار و تولید بر یکدیگر سبقت گیرند. دو تن از اصحاب پیامبر(ع) در حالی که یکی دیگری را به دوش کشیده بود، بر رسول خدا(ص) وارد شدند. پیامبر(ص) حال آن شخص را پرسیدند. عرض کرد: از هیچ نمازی فارغ نمی شود، مگر اینکه وارد نماز دیگر می شود و هیچ روزه ای را افطار نمی کند، مگر اینکه روز دیگرش را روزه می گیرد و اکنون حالش را مشاهده می کنید (که توان راه رفتن ندارد و حالت ضعف شدید او را فراگرفته). حضرت پرسیدند: پس چه کسی شتر او را می

ص: 260

1- همان، ج 7، ص 147

2- همان

3- کلینی، 1362 ش، ج 2، ص 145

چراوند و برای زندگی عائله اش کار می کند؟ عرض کرد: ما متحمل هستیم! حضرت فرمودند: شما از او عابدترید! (1)

اسلام هرگز به انسان اجازه نمی دهد از دنیا و لذتهای آن دست بکشد و به نماز و روزه بسنده کند. خداوند کسانی را که از دنیا دست کشیده و رهنیت و گوشه گیری پیشه ساخته اند، سرزنش نموده می فرماید: «و رهبانیتی را که ما بر آنها مقرر نکرده بودیم، بدعت گذاردند و جز برای طلب رضای خدا نکردند، اما چنان که شایسته بود رعایتش نمودند» (2)

امیرالمؤمنین (ع) در مسجد کوفه گروهی را دیدند که در گوشه ای از مسجد نشسته و حلقه ذکر و عبادت تشکیل داده اند. حضرت از اوصاف آنها پرسیدند، عرض کردند: «رجال الحق» هستند، خصوصیت آنها چنین است: اگر چیزی به آنها بدهند، می خورند و گرنه صبر می کنند! حضرت فرمودند: سگان بازار کوفه نیز چنین هستند، اگر استخوانی برسد، می خورند والا صبر می کنند و فوراً دستور داد حلقه آنها پراکنده شود و هرکدام دنبال کاری بروند. (3)

اسلام انسان را به جمع بین دنیا و آخرت مکلف فرموده، اجازه نمی دهد که تمام هدف و همت وی فقط دنیا باشد، چنان که با قبول کردن آخرت و ضایع کردن دنیا نیز مخالف است. حدیث ذیل که قبلاً هم به آن اشاره شده بود؛ بر این معنی نظر دارد که در آن آمده است: برای دنیای خود آنچنان عمل کن که گویا همیشه زنده ای، و برای آخرت خود طوری کار کن که گویی فردا خواهی مرد. (4) جمع کردن بین دنیا و آخرت یکی از امتیازات اسلام است؛ زیرا بعضی از ادیان به گوشه گیری و ترک مادیات دعوت می کنند و بعضی دیگر به ترک معنویات و توجه به امور مادی و معنوی می خوانند. امام صادق (ع) از حال مردی از اصحاب خود پرس و جو فرمودند. عرض کردند: فقیر بینوا شده! فرمودند: این روزها چه می کند؟ گفتند: در خانه مشغول عبادت خداست. فرمودند: معاش او از کجا

ص: 261

1- مجلسی، 1403ق، ج 11، ص 127؛ تقیان، 1389ش، ص 68

2- حدید، 26؛ اعراف، 31

3- تقیان، 1389ش، ص 67

4- کلینی، 1362ش، ج 5، ص 123

تأمین می شود؟ عرض کردند: بعضی از برادرانش زندگی او را اداره می کنند! فرمودند: به خدا سوگند! کسانی که زندگی او را تأمین می کنند از او عابدترند. (1) پیامبر اعظم (ع) نیز فرموده اند: «عبادت 70 قسم است که برترین قسم آن، طلب روزی حلال است.» (2)

5. برتری بر جهاد: پیامبر اکرم (ص) کار را برای اعتلای اقتصاد نوعی جهاد در راه خدا می دانند و معتقد اند: تلاشی که یک مسلمان در راه اداره زندگی خود و خانواده اش انجام می دهد، از بهترین عبادتهاست. رسول خدا (ص) با گروهی از یاران خود از جایی عبور می کردند، به مردی برخوردند که سخت مشغول کار و فعالیت بود، اصحاب آن حضرت از کوشش و تلاش بی وقفه آن مرد تعجب کردند و خدمت آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا! چه خوب بود این تلاش و کوشش در راه خدا بود! حضرت فرمودند: اگر هدفش از کار، خدمت به خود یا اولاد یا پدر و مادرش باشد، در راه خدا حساب می شود. (3)

اسلام، پاداش کارگران را از جهاد کنندگان در راه خدا برتر دانسته، و قرآن نیز نام آنها را پیش از نام مجاهدان راه خدا آورده است. (4) واضح است که مقدم داشتن نام ایشان بر مجاهدان، خود باعث شرافت و کرامت و قدردانی است. امام رضا (ع) فرمودند: «آن کس که کار بیشتر می کند تا درآمدش برای خود و خانواده اش بسنده باشد (و خانواده را در رفاه و آسایش بیشتر قرار دهد)، نزد خداوند پاداشی بزرگتر از پاداش مجاهد در راه خدا دارد.» (5) پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «هرگونه لغزش (و یا خراش) و دردی که در راه تلاش برای فراهم آوردن رزق حلال، برای خانواده دست تنگ به انسان برسد، از ضربتی که با شمشیر در رکاب امام عادل بر بدن وارد آید، و یک سال زخم آن التیام نپذیرد، نزد خداوند بهتر است.» (6) امیرالمؤمنین (ع) نیز می فرمایند: «کار شما اول صبح برای جهاد در

ص: 262

1- همان

2- همان، ج 5، ص 78

3- همان، ج 5، ص 456

4- مزمل، 20

5- حرانی، 1360 ش، ص 445

6- همان، ص 128

راه خدا، از کار کسی که برای تأمین زندگی خانواده خود تلاش می کند، بالاتر نیست و ارزش و اجرش بیشتر نیست.»⁽¹⁾

6. مایه عزت و شرف انسان: از جمله امتیازات و فواید ارزشمند کار و فعالیت اقتصادی، برخورداری از موقعیت و منزلت اجتماعی در بین مردم است. این امتیاز، حتی در جایی که نیاز اقتصادی به کار کردن وجود نداشته باشد، به تنهایی ارزش است. شاهد این مطلب، روایاتی است که در ضمن آنها، پیشوایان دین(ع) کسانی را که به دلیل بی نیازی اقتصادی، از کار و تلاش دست کشیده اند، سرزنش نموده و آنان را به کار و تجارت تشویق فرموده اند. امام صادق(ع) از حال یکی از اصحاب خود جويا شدند که چرا به حج نرفت، پاسخ دادند: چون کار تجاری خود را رها ساخته، و مال اندکی برایش باقیمانده است! ... و فرمودند: تجارت را رها نسازید که در بین مردم سبک و بی مقدار خواهید شد، تجارت کنید که خداوند به شما برکت خواهد داد.⁽²⁾ در روایت دیگری بیان شده است: به امام صادق(ع) گفتم: تصمیم دارم بازار را رها کنم و از ثروتی که در اختیار دارم استفاده ببرم. امام(ع) پاسخ دادند: اگر چنین کنی (در بین مردم) نظر و رأی تویی ارزش خواهد شد، و در هیچ کاری کمک و حمایت نمی شوی.⁽³⁾

7. قرار گرفتن در زمره پیامبران: از آنجا که راه معاش و روزی کارگر با انبیا یکسان است و هر دو از زحمت دستان خود ارتزاق می کنند، روز قیامت نیز در درجه و ثواب، از این جهت یکسانند. اکثریت پیامبران از طریق کار یدی امرار معاش می نمودند، در واقع پیامبران کارگرانی مخلص و پرتلاش بودند که برای امرار معاش و فقرزدایی در جامعه و تحقق عدالت اجتماعی و سیاسی کار و فعالیت می نمودند. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «کسی که از حاصل دست رنج خویش روزی بخورد، در روز قیامت (نیز) در شمار پیامبران و ثوابی (در حدّ و اندازه) آنان خواهد برد.»⁽⁴⁾

ص: 263

1- متقی هندی، 1399ق، ج 1، ص 133

2- کلینی، 1362ش، ج 5، ص 452

3- همان

4- همان، ج 5، ص 148

8. بهره مندی از اجر شهادت: رسول خدا(ص) فرمودند: «هرکس بکوشد تا خود را عزیز ساخته، و از مردم بی نیاز دارد، هم مرتبه شهید است.»(1) کارگر در روز قیامت، در حالی که صورتش همانند ماه شب چهارده می درخشد، خدا را ملاقات می کند.(2) و این بدان علت است که او در دنیا با کار و تلاش، خود را از مردم زمانه اش بی نیاز ساخته و هرگز خوش نداشته دست ذلت و خواری نزد دیگران دراز کرده، و با آبروریزی نزد این و آن، چهره خود را تاریک سازد. در منابع و متون دینی کسی که برای کسب روزی حلال و حفظ آبروی خود کار و تلاش نماید، اجر شهید را در پیشگاه خداوند خواهد داشت.

9. بهره مندی از نظر رحمت خداوند: پیامبر(ص) می فرمایند: «کسی که از راه رنج دستان خویش (نان) بخورد، خداوند به مهربانی و رحمت به وی نظر می کند و هیچگاه او را عذاب نخواهد کرد.»(3) پس کار و تلاش باعث بهره مندی انسان از نظر رحمت خداوند می شود.

10. فاقد عنصر زمان: در فرهنگ اسلام، تلاش برای روزی حلال و اقتصادی مناسب، محدودیت زمانی ندارد، تعطیلات اجباری در کار و تلاش بی معنی است. قرآن در سوره جمعه، پس از آنکه مردم را به شرکت در نماز جمعه فرا می خواند، از آنها می خواهد، فقط برای شرکت در این اجتماع عبادی، خرید و فروش و تجارت را رها کرده و در نماز حضور به هم رسانند و این امر را بهتر از تجارت در زمان دانسته است. سپس می فرماید: چون نماز به پایان رسید، بدون درنگ سراغ کسب و کارتان بروید و از فضل خدا، در جستجوی روزی خود باشید. این نکته را می توان از حرف «فاء» در جمله «فَانْتَشِرُوا» استفاده کرد که اقدام بدون تأخیر را می رساند «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...»(4) و هنگامی که نماز پایان یافت (آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خداوند (روزی خود را) طلب نمایید». چند نکته را می توان از آیه استفاده کرد: الف) مردم زمان

ص: 264

1- مجلسی، 1403ق، ج15، ص145

2- حرانی، 1360ش، ص321

3- همان، ص139

4- جمعه، 10

پیامبر(ص) جمعه ها را نیز کار می کردند، و آن را به عنوان تعطیل رسمی تلقی نمی کردند، خداوند می فرماید: از کار و تجارت دست بکشید و به نماز جمعه بروید «... فَاسْتَعْوَا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ...»(1) خداوند هرگز نخواستہ زیاد وقت مردم در نماز گرفته شود؛ فرموده: تا نماز تمام شد، فوراً پی کار و تلاشتان بروید. علامه طباطبایی می گوید: در ایامی که در نجف مشغول تحصیل بودم، طی 12 سال، فقط روز عاشورا، مطالعه و درس را تعطیل کردم، آن هم بدین جهت بود که سال اول، روز عاشورا را نیز به مطالعه پرداختم، پس از مدتی به چشم درد بدی مبتلا- شدم، فهمیدم این کار نوعی بی حرمتی به عاشورا بوده، بنابراین، از آن پس فقط عاشورا درس خواندن و مطالعه را ترک می کردم.(2)

11. فاقد عنصر مکان: برای کار و رشد اقتصادی، محدوده مکانی وجود ندارد. در احادیث فراوانی آمده که رزق انسان در مکانهای مختلفی نهاده شده است: پاره ای از روزیها در شهر، برخی در بیابان، برخی در دریا و ... اما حکمت خداوند بر این استوار است که انسان نداند رزقش در کجا، به دست چه کسی و در چه نهاده شده است، تا به درجه توکلش افزوده شود که هیچگاه خود را بی نیاز از خداوند حس نکند و همیشه رزق خود را از او بخواهد. سفر کردن و ترک خانه و کاشانه برای کار و فراهم آوردن مایحتاج زندگی، از جهاد در راه خدا برتر شمرده شده است، این برتری و تشویق الهی بدان جهت است که انسان در یک منطقه به طور راکد نماند، بلکه در جستجوی کار و تلاش، به نقاط مختلف زمین سرکشی کرده و هر جایی که مقصود او را فراهم می سازد، مشغول کار گردد. خداوند در قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ(3)»، او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه-های آن راه بروید و از روزی خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست». نیز می فرماید: «... وَأَخْرَجُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...»(4) و گروهی دیگر برای به دست

ص: 265

1- جمعه، (9)

2- طباطبایی، 1363 ش، ج 2، ص 25

3- ملک، 15

4- مزمل، 20

آوردن فضل الهی و کسب روزی به سفر می روند» طبرسی ذیل این آیه می نویسد: دسته ای از شما به قصد تجارت و به دست آوردن منفعت مسافرت می کنند، و دسته ای دیگر به جهاد در راه خدا می روند و این هردو اقدام موجب می شود تا خداوند کار را بر شما آسان گیرد و از عذاب شما بکاهد. (1)

بدین سان مشخص می شود که تجارت و کسب حلال و سفر برای آن، همانند سفر برای جهاد در راه خدا و حفظ دین خداست. به علاوه، مقدم آمدن طلب رزق و روزی بر جهاد، نشان برتری آن بر جهاد است. اما بهترین شغل آن است که کسب و کار انسان در شهر محل زندگی بوده، شب و روز کنار خانواده اش باشد. واضح است که چنین حرفه ای محاسن بی شماری خواهد داشت. امام زین العابدین (ع) می فرماید: «از خوش بختی مرد مسلمان آن است که شغلش در شهر محل سکونتش باشد.» (2)

اما اگر چنانچه محیط زندگی فرد، کشش تأمین زندگی را نداشت، باید سعادت ماندن در وطن را با سعادت وسعت رزق مبادله نماید. خداوند چنین فردی را که در شهر خود برای تأمین روزی خویش دچار مشکل شده، تشویق فرموده تا راهی دیار غربت شود و هر جایی که زمینه کسب و کارش فراهم بود، بماند. امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی، بسیار دوست دارد سفر به غربت را برای جستجوی رزق و روزی» (3) و نیز فرمودند: «در طلب روزی به سفر برو تا رزقت فراوان شود.» (4) پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «شهرها شهرهای خدا، و مردم بندگان خدا، هستند. پس در هر کجا خیری می بینی، همان جا رحل اقامت افکن.» (5) احمد بن ابی نصر بزنطی می گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم: کوفه به من نمی سازد و زندگی در آن توأم با مضیقه است، زندگی ما در بغداد بود و از این کوه باب روزی بر مردم گشاده! فرمودند: اگر می خواهی بیرون روی برو؛ زیرا امسال سال

ص: 266

1- طبرسی، 1408ق، ج 3، ص 125

2- مجلسی، 1403ق، ج 101، ص 101

3- کلینی، 1362ش، ج 5، ص 521

4- حر عاملی، 1403ق، ج 14، ص 77

5- کلینی، 1362ش، ج 5، ص 156

آشفته ای است و مردمان را چاره ای جز طلب روزی نیست؛ پس طلب (یعنی: کوشش برای به دست آوردن امکانات معاشی) را وامگذار»(1)

قطعاً سفرهای زیاد و دوری از خانواده، مشکلات و سختیهای فراوانی همراه دارد که به آسایش پس از آن می‌آورد، از طرفی نیز، انسان نباید به مجردی که راه رزق و روزیش قدری سخت است، از آن گله و شکایت کند و یا رو به ناسپاسی آورد و کارش را رها سازد. شاید تقدیر خداوند چنین است که روزی او به این شکل به او برسد و بدینگونه مقدار صبر و توکل و شکر بنده را می‌آزماید. پیامبر(ص) می‌فرماید: هرگاه خداوند رزقی را از راهی سبب سازی کرد، آن را رها نکنید، تا خود خداوند تغییرش دهد و هرگاه خداوند برای شما باب رزقی را گشود، آن را محکم نگهدارید»(2)

12. فاقد نقطه پایان: امام صادق(ع) می‌فرماید: «اگر گمان بردی، یا خبری به تو رسید که این امر، (کنایه از قیامت و یا ظهور امام زمان) فردا واقع می‌شود؛ به هیچ وجه جستجو برای تلاش روزی را ترک نکن و اگر می‌توانی سربرار دیگران نباشی چنین کن»(3) از این حدیث استفاده می‌شود که کار و رشد اقتصادی، سازندگی و تحصیل روزی حلال، همانند دانشجویی، پایانی جز مرگ و مردن ندارد. در روایتی آمده است: اگر نهالی را در دست دارید و فهمیدید فردا روز قیامت خواهد بود، آن را غرس کنید، (و در آبادی زمین کوشا باشید)(4)

13. فاقد شرایط خاص: تنها شرطی که با نبود آن کار کردن منتفی است، توان و قدرت است که آن نیز دارای مراتبی است. اگر فردی از کار خاصی عاجز باشد، می‌تواند به کار دیگری پردازد که در توانش می‌باشد. تا زمانی که زبان و اعضای بدن انسان حرکت می‌کند، نباید از تلاش برای دنیا و آخرتش باز ماند. بیکاری در هر شرایطی مذموم و منفور است. اسلام برای تلاش به جهت کسب روزی، تا آنجا اهمیت قائل شده که امام

ص: 267

1- حر عاملی، 1403ق، ج14، ص32

2- مجلسی، 1403ق، ج12، ص415

3- کلینی، 1362ش، ج2، ص231

4- تقیان، 1389ش، ص85

صادق(ع) به هشام صیدلانی فرمودند: ای هشام! اگر دیدی دو سپاه در مقابل هم صف آرایی

کردند و صحنه جنگ تشکیل شد، در آن روز (نیز) از تلاش برای رزق و روزی باز نمان»(1)

14. مطرح نبودن نوع کار: از روایات استفاده می شود که اشتغال به هر نوع کاری (به شرط آنکه حرام و ممنوع نباشد) مطلوب است و موضوعیت دارد. اما این که بینش مردم در مورد آن چگونه است - آن را پست و دون شأن می شمارند یا لایق حال خود می دانند - موضوع دیگری است. حکمت خداوند بر آن تعلق گرفته که آحاد بشر بیکار نبوده، هرکدام به نوبه خود سهمی از احتیاجات خویش و جامعه را بر آورده سازند تا چرخ حیات بگردد. اما اینکه یک نفر شهردار باشد و دیگری رفتگر، هیچ گونه اهمیتی ندارد، بلکه آنچه مهم شمرده می شود، آن است که هرکس هر کاری را که در توان دارد، انجام دهد و بیکار نباشد. امام کاظم(ع) فرمودند: «هر چیزی (حرفه ای) که مردم بدان افتتاح رزق نمایند (و از آن راه روزی خود را فراهم سازند)، تجارت محسوب می-شود و مشروع خواهد بود.»(2) پیامبر(ع) و پیشوایان دین از انسان خواسته اند، در طلب و جستجوی روزی حرکت کرده، خود را در معرض رزق الهی قرار دهد، اما رساندن روزی و مقدار و چگونگی آن در دست قدرت خداوند است. پیامبر(ص) می فرمایند: «اگر کسی از شما گرفتار عسرت و تنگی شد، باید دنبال کار برود و خود و خانواده اش را گرفتار غم و اندوه (فقر) نسازد.»(3) همچنین می فرمایند: اگر مردی طنابی بردارد و پشته هیز می جمع کند، و آن را بر پشت خود نهاده بیاورد، بفروشد و بدین سان (با هیزم کشی) آبروی خود را نگاه دارد، بهتر از آن است که دست سؤال پیش کسی دراز کند»(4) پیامبر(ص) برای ساختن دیوار باغ خود، سنگ بر شانه های خویش حمل می کرد و آن را ننگ نمی دانست.(5) رسول گرامی

ص: 268

-
- 1- کلینی، 1362 ش، ج 4، ص 78
 - 2- حر عاملی، 1403 ق، ج 17، ص 134
 - 3- همان، ج 17، ص 23
 - 4- همان، ج 6، ص 310
 - 5- ابوالفتوح رازی، 1371 ش، ج 1، ص 222

اسلام (ص) روزگاری گوسفندان اهل مکه را به چرا می بردند؛ سلیمان نبی (ع) زنبیل می بافتند، نوح (ع) نجار، ابراهیم (ع) دامدار و ادریس (ع) خیاط بودند و امیرالمؤمنین (ع) برای معاش زندگی خود گاهی اوقات کارگری می کرد و هیچ کدام شغل و حرفه خود را عار ندانسته بدان افتخار هم می کردند. (1) لیکن در زمینه انتخاب شغل، پیشوایان دین، پیروان خود را راهنمایی فرموده، آنان را نسبت به برخی از مشاغل تشویق می کردند. همچنین پاره ای از مشاغل را مکروه دانسته و بعضی از حرفه ها را نیز تحریم نموده اند. امام صادق (ع) به اصحاب خود سفارش می فرمودند: «سرمایه خود را در خرید باغ و زمین و خانه قرار دهید، و هرگز در قالب پول (طلا و نقره) آن را نگهداری نکنید، که هیچ چیز بدتر از آن نیست» (2)

15. مطرح نبودن شخصیت: هر شخصی در هر رتبه ای که باشد، نباید خود را بی نیاز از تلاش و فعالیت اقتصادی برای امرار معاش خود بداند. فیض کاشانی می گوید: آنچه از اخبار و روایات اهل بیت استفاده می شود، برتری مطلق کسب و تجارت است، حتی برای عابدان و عالمان و صاحبان ریاست، و برای گفته خویش به روایت حضرت داود (ع) استدلال فرموده اند. (3) مراجعه به زندگی اولیا، عالمان دین و رمزگشایی از علت موفقیت ایشان، این نتیجه را عائد ما می سازد که راه ارتزاق آنان کسب روزی پاک و حلال بوده است. این فرزندان تاریخ، هرگز از بیت المال تغذیه نکرده، و علم و عمل خویش را دست مایه زندگی قرار نداده اند، به حلال اندک قناعت ورزیدند و لحظه ای از تلاش و کوشش باز نماندند، تلاش و کوشش انبیا و اولیای دین نمایانگر همین رویکرد صحیح می باشد.

16. نبودن تفاوت بین زن و مرد: باید این موضوع را در نظر داشت که زنان، نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می دهند و طبیعتاً نیمی از منابع را نیز مصرف می کنند و هر آنچه را مردان بدان نیازمندند، آنان نیز بدان محتاجند. بنابراین، دور داشتن نصف سرمایه انسانی از کار و تلاش به بهانه های واهی، نه مورد نظر اسلام است و نه هیچ عقل

ص: 269

1- تقیان، 1389 ش، ص 89

2- کلینی، 1362 ش، ج 5، ص 91

3- فیض کاشانی، بی تا، ج 1، ص 32

سلیمی آن را تأیید می کند. خداوند می فرماید: «... لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ...» (1) یعنی مردان از آنچه به دست می آورند، نصیبی دارند و زنان نیز از کسب خویش بهره مندند و نباید حقوق هیچ یک از آنها پایمال گردد. این آیه شریفه، این حقیقت را آشکار می سازد که زن نیز همانند مرد می تواند فعالیت اقتصادی داشته باشد، مالک دست رنج خود گردد و از آن بهره مند شود. به علاوه خداوند این حق را تنها به زن داده که در برابر واگذاری پاره ای از آزادیهای خود به شوهرش، از او مهریه بگیرد، و هیچ کس غیر از او در آن تصرفی ندارد. پرداخت مهریه از جانب شوهر واجبی الهی است که در ردیف واجبات دیگر مانند زکات قرار دارد. پیامبر اکرم (ص) چنان که در تحصیل علم و دانش بین زن و مرد تفاوتی قائل نبودند، در تحصیل روزی حلال، از راه کسب و پیشه مناسب نیز بین زن و مرد فرقی نمی گذاشتند. ایشان می فرمایند: «طلب روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است» (2) تمام کارهایی را که یک مرد انجام می دهد، زن نیز می تواند انجام دهد و مالک دست رنج خود گردد. تصدی برخی از امور در اسلام برای زن منع شده و آن نیز روی مصلحتی است که شارع مقدس در آن دیده است. همانند سمت قضاوت، مرجعیت

دینی و ریاست بر مردم، اما سایر حرفه ها، بسان مشاغل خدماتی، فروشنده، کارمندی، پزشکی و پرستاری که در صدر اسلام نیز در جنگها و غیر آن مرسوم بوده، برای زنان نیز با رعایت شرایطی بلامانع و در برخی موارد لازم و ضروری است.

17. ارتباط نداشتن با نیاز: سیره و عمل پیشوایان دینی و صراحت کلام ایشان در برخی موارد، ما را بدین مطلب هدایت می کند که انسان اگرچه از نظر دارایی و ثروت نیاز به کار کردن ندارد، اما نفس اشتغال و کار کردن پسندیده و مورد سفارش می باشد، قطع نظر از اینکه نیازمند درآمد آن باشد یا خیر. چنان که نفس بطالت و بیکاری نیز مذموم است. خداوند متعال نیز با ایجاد حس توسعه طلبی و زیاده خواهی در انسان، راه این کار را

ص: 270

1- نساء، 32

2- مجلسی، 1403ق، ج 12، ص 126

برای بشر هموار ساخته، و این انسان است که باید این وسعت طلبی نفس خویش را در امر آخرتی قرار داده و به کمک دنیا، به آبادی سرای باقی بپردازد. قطعاً خوراک روزانه ای که از دو قرص نان جوین سبوس دار تجاوز نمی کرد، نیاز به آن همه تلاشی نداشت که امیرالمؤمنین(ع) به کار می گرفت. اما ابوتراب(ع) در طول زندگی، حتی در زمانی که به ظاهر نیز خلیفه بود، دست از فعالیت نکشید و چه بینوایانی را که به نوا، و بیچارگانی را به چاره رساند. (1) امام صادق(ع) به ابوبصیر فرمودند: «با اینکه کسانی را دارم که به جای من کار کنند، اما می خواهم خداوند بزرگ بداند که خودم برای طلب روزی حلال کار میکنم» (2) همچنین آن امام همام به معاذ بن کثیر فرمودند: «اگر دست از کار بکشی و تجارتت را رها سازی، از عقلت کاسته خواهد شد. با اینکه معاذ گفته بود: دارای ثروتی کافی است و نیازی به کار کردن ندارد. اما امام(ع) او را از ترک کار نهی فرمودند.» (3) بنابراین، ندادن دست تنگی، شرط اشتغال به کار نخواهد بود، و دارایی و ثروت نیز مجوز بیکاری و بطالت نیست. صریح ترین روایت در این باره کلام امیرالمؤمنین(ع) است که می فرمایند: «شما را به ترسیدن از خداوند، در آشکار و نهان و به اجرای عدالت، در خشنودی و خشمناکی و به داشتن کسب (و کار کردن) در هنگام فقیری و بی نیازی سفارش می کنم.» (4)

در تکمیل مباحث قبل در خصوص ارزش کار و تلاش در نظر پیامبر اکرم(ص) معروض می دارد که عالی ترین مدال لیاقت یک کارگر آن است که اشرف مخلوقات عالم به احترام او خم شده و بر دستان پینه بسته اش بوسه زده است. احترام و تکریمی بالاتر از این عمل، برای کسی در دنیا متصور نیست و احترام فزون تر وی در قیامت محفوظ می باشد و توسط خود خدا و با ورود به بهشت صورت می پذیرد. وقتی پیامبر اکرم(ص) از جنگ تبوک برمی گشتند، سعد انصاری بیرون مدینه به استقبال آن حضرت شتافت. مردم

ص: 271

1- آمدی، 1380 ش، ص 121

2- کلینی، 1362 ش، ج 5، ص 77

3- مجلسی، 1403 ق، ج 1، ص 141

4- کلینی، 1362 ش، ج 5، ص 148

هریک با خوشحالی از پیروزی و سلامتی رسول خدا(ص) با ایشان دست می دادند و مورد لطف پیامبر(ص) قرار می گرفتند، چون نوبت به سعد رسید و پیامبر(ص) دستان زبر و خشن سعد انصاری را لمس کردند، به او فرمودند: «چرا دستت این قدر زبر شده است؟! عرض کرد: ای رسول خدا(ص)! بیل می زنم و (با درآمد حاصل از آن) خرج عائله ام را به دست می آورم. چون پیامبر(ص) این سخن را شنیدند، دست او را بوسیدند و فرمودند: این دستی است که آتش جهنم به آن نخواهد رسید.»(1)

قطعاً سعد انصاری به عنوان یک فرد، در این حدیث موضوعیت ندارد، بلکه این عمل پیامبر(ص) توابعی است، نسبت به تمام کسانی که برای به دست آوردن رزق و روزی حلال کار می کنند، و از حاصل دست رنجشان خود و خانواده خویش را بی نیاز می سازند. نکته دیگری که در این حدیث حائز اهمیت است، این است که پیامبر(ص) این عمل را نسبت به هیچ یک از اصحاب عادی خود انجام نداده، و حتی رزمندگان در رکاب خود را نیز به چنین کرامتی مفتخر نساخته است که این نیز دلیلی بر برتری کار بر جهاد در راه خداوند است. خصوصاً که عمل پیامبر(ص) در بازگشت از جنگ، و نسبت به کسی صورت پذیرفته که در جبهه حضور نداشته است. لیکن احترام واقعی کارگر، زمانی بر او و تمام مردم آشکار می گردد که به پاس تلاش و زحمت بی دریغش در تحصیل قوت حلال، همانند برق از پُل صراط بگذرد و خداوند تمام درهای بهشت خود را بر او بگشاید تا از هر دری که بخواهد (دری که پیامبران یا شهدا از آن وارد می شوند و یا هر دری که بگذرد) وارد گردد.

و اما در ارتباط بیکاری و عواقب آن باید گفت: در فرهنگ و معارف اسلامی از هیچ پدیده ای بسان بیکاری، تنبلی، پرخوری، پرخواهی، کسلی و بی حوصلگی مذمت نشده است. در مقابل بر هیچ چیزی همانند «طلب» و در پی جستجوی کار بودن، برای تحصیل روزی حلال تشویق نشده است. اسلام دارای کاملترین نظام اقتصادی درباره کسب و کار است و آن را بالاترین ارزشها در زندگی قلمداد می کند و بالعکس بیکاری را به شدت

ص: 272

مذمت نموده است. به همین دلیل، اسلام بر عامل کار در چهارچوب توسعه اقتصادی، بسیار تأکید ورزیده، به ویژه در فعالیت های تولیدی، و به طور اخص در کشاورزی، دامپروری، و صنعت. اسلام بیکاری، تبلی و کسالت را به شدت مورد نکوهش قرار داده است. انبیای الهی خصوصاً پیامبر خاتم(ص) و امامان(ع) تنفر شدید خود را از فرد بیکار ابراز داشته، آشکارا وی را مذمت کرده و از او بیزاری جسته اند. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: «طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمه؛ کسب روزی حلال بر هر مرد و زن واجب است.»(1) در روایت رسیده که حضرت رسول(ص) از بیکاری به عنوان عامل پوچ گرای، خطاپذیری، دوری از خدا، انگیزه گناه و کج روی نام برده است. از منظر پیشوای ششم افراد سست عنصر و بیکار و بی تفاوت، مورد خشم و غضب الهی هستند؛ چنان که می فرمایند: « خداوند متعال زیادی خواب و بیکار بودن را دشمن می دارد...»(2) علاء بن کامل یکی از یاران آن حضرت روزی به محضرش شتافت و التماس دعا گفت و اضافه کرد: ای پسر پیامبر! از خداوند متعال بخواه که زندگی راحت و مرفهی داشته باشم! امام صادق(ع) پاسخ داد: « من برایت دعا نمی کنم، تو [زندگی مرفه و راحت را] از همان راهی بخواه که خداوند متعال به تو فرمان داده است [یعنی از راه تلاش و کوشش]...»(3)

در این خصوص امام علی(ع) کسالت و تبلی در انجام کارهای مربوط به دنیا را رد نموده و فرموده اند: هرکس آب و زمین در اختیار داشته باشد و با وجود این فقیر باشد، خداوند او را از رحمتش دور می دارد.(4) در جای دیگر، آن امام همام: تبلی را زمینه ساز فقر و سقوط اقتصادی جامعه دانسته است: « چیزها با هم جفت می شوند و اگر تبلی و ناتوانی جفت شوند، از آن ها فقر پدید می آید »(5) امام کاظم علیه السلام فرمودند: « خداوند از

ص: 273

1- بحار الانوار، ج 103، ص 9

2- الکافی، ج 5، ص 84.

3- همان، ص 78.

4- حمیری، 1413 ق: 115؛ حر عاملی، 1409 ق: 17 / 41

5- کلینی، 1407 ق: 86/5؛ حویزی، 1415 ق: 1 / 567

بنده پر خواب و بیکار به شدت متنفر است.»(1) امام زین العابدین(ع) تا جایی عواقب بیکاری و تنبلی ترسناک است که از این دو پدیده زشت به خدا پناه می بردند و عرضه می دارند: «خدایا! من از بیکاری و تنبلی به تو پناه می برم.»(2)

پیامبر اسلامی که وقتی دستان زبر و خشن کارگری را لمس می کردند، برای احترام او خم می شدند و بر آن بوسه می زدند، هرگاه مردی را می دیدند و از وی خوششان می آمد، اولین سؤال ایشان این بود که چه کاره هست؟ آیا شغلی دارد؟! اگر می گفتند: نه، می فرمودند: از چشمم افتاد. اصحاب می پرسیدند: ای رسول خدا! چرا؟ می فرمودند: برای اینکه مؤمن اگر حرفه و شغلی نداشته باشد، با دینش زندگی می کند؛ یعنی به نام دین، بار دوش این و آن می شود.(3) و چه بد خوراکی است نانی که با فروش دین به دست آید. امام کاظم(ع) فرمودند: پدرم به یکی از پسرانش فرمودند: از تنبلی و بی حوصلگی پرهیز؛ چرا که این دو، تو را از رسیدن به بهره دنیا و آخرت باز می دارند.(4)

امام باقر(ع) فرموده اند: «موسی(ع) به خداوند عرضه داشت: پروردگارا! از کدام یک از بندگانت بیشتر نفرت داری؟! خداوند فرمود: آن کس که شب هنگام چون مردار است و روز بیکار»(5) یعنی شبها همانند مرده تا صبح افتاده و عبادتی انجام نمی دهد، و روزها نیز هیچ گونه فعالیتی ندارد و به بطالت می گذراند. یکی از دانشمندان می گوید: اگر مایل به آسایش و راحتی نفس خود هستی و به سلامت بدن و فکر خود علاقه داری و می خواهی از بار غم و اندوه بیرون بیایی، به یک دستور ساده و مختصر عمل کن و آن اینکه هیچگاه بیکار نشین.(6) در اینجا توجه جنابعالی به چکیده و نتیجه مطالبی که تا کنون مطرح شده جلب می گردد:

ص: 274

1- وسایل الشیعه، ج12، ص36 - حر عاملی، 1403ق، ج17، ص58

2- مجلسی، 1403ق، ج11، ص415

3- همان، ج14، ص159

4- کلینی، 1362ش، ج5، ص85

5- مجلسی، 1403ق، ج13، ص354

6- تقیان، 1389ش، ص196

1. کار و فعالیت اقتصادی در فرهنگ اسلامی نه تنها جدا از مسئله دین داری نیست، بلکه بخشی بسیار ارزشمند از متن دین داری و وظایف الهی است و علاوه بر آثار و بهره مندیهای این جهان، مستوجب پاداشهای بسیار بزرگ اخروی است. در احادیث آمده که دنیا مزرعه آخرت است.
2. کار و شکوفایی اقتصادی همچون سایر شئون زندگی و عبادات دینی، دارای اصول، بنیادها و ضوابط خاص خود است و رعایت اصولی مانند ذکر نام و یاد خداوند در انجام کار، امانتداری، محکم کاری، وجدان کاری، آگاهی و تخصص به عنوان جان مایه سلامت کار و توفیق در آن ضروری است.
3. کار اقتصادی در فرهنگ اسلامی و سیره رسول اعظم (ص) از الزامات رشد و کمال انسان است و دربر دارنده آثار و نتایج ارزشمندی در برخورداریهای فردی و اجتماعی و نیز آرامش روحی و روانی فرد و جامعه و کسب سجایای پسندیده اخلاقی و روحی است.
4. هرگونه رهبانیت و کارگریزی در آموزه های اسلامی مردود است و دنیا محل تلاش و کوشش برای خود و دیگران است. همچنین رستگاری در آن دنیا از نتایج و عملکرد انسان و سعی و تلاش وی سرچشمه می گیرد.
5. در ادبیات اسلامی، بخشی از عزت نفس تابع کار و تلاش و فعالیت اقتصادی است. کار کردن موجب می شود انسان به کمک دیگران امید نبندد و دست تکدی و نیاز به سوی این و آن دراز نکند. انسان باید بکوشد با کار و حرفه خود، زندگی خود و خانواده اش را تأمین کند و اسیر محبت و منت دیگران نشود.
6. ثمرات کار و تلاش اقتصادی از این قرار است: بهره مندی از لذت زندگی، رمز بقای اقتصادی، عامل رشد اقتصادی، عبادت برتر، برتری بر جهاد، مایه عزت و شرف انسان، قرار گرفتن در زمره پیامبران، بهره مندی از اجر شهادت، و بهره مندی از نظر رحمت خداوند. البته باید در نظر داشت که برخی از این ثمرات مادی و برخی دیگر معنوی هستند.

7. ارتباط مستقیمی میان کار و تلاش افراد یک جامعه، با رشد اقتصادی وجود دارد. کشورهایی که رشد اقتصادی بالایی دارند، از فرهنگ کار غنی تری برخوردارند، در مقابل کشورهای ضعیف و عقب مانده از قافله رشد و پیشرفت، از فرهنگ کار و تلاش بسیار ضعیف برخوردارند.

8. تحقق همه جانبه حماسه اقتصادی، بدون کار و تلاش امکان پذیر نمی باشد، تلاش برای فرهنگ سازی کار می تواند حماسه اقتصادی پر رونق را در کشور به وجود آورد.⁽¹⁾

در هر حال ای عزیز بزرگوار، اقتصاد یک جامعه، رمز بقای آن است. همانگونه که قبلاً نیز گفته شد، اقتصاد، متکی بر تصرف در طبیعت و هر چیزی است که در آن است و این نتیجه جز با کار به دست نمی آید. پس کار برای اقتصاد همچون ستون برای خانه است؛ یعنی همانگونه که خانه بدون ستون پدید نمی آید، اقتصاد هم بدون کار معنایی ندارد و از این لحاظ، میان اقتصاد فردی و اجتماعی تفاوتی نیست. پس بر آدمی واجب است که پیشه و کاری داشته باشد، به گونه ای که نیازهای خود و اجتماع را تأمین کند و بر ثروت ملت خویش بیفزاید و برای همین، خداوند متعال نیروی کار کردن به آدمی داد و به تعبیر امام سجّاد (ع): «در [پیکر] ما ابزار گشادن و وسایل گرفتن نهاد و ما را از نیروهای حیات بهره مند ساخت و به ما اندام هایی (دست و پا) برای کار کردن داد»⁽²⁾

آری، خداوند طبع آدمیان را مشتاق کوشش و تلاش آفرید و به آنان فکر هدایت گر و انگیزنده به کار و عمل بخشید (الفکرُ مِرْأَهُ صَافِيَةٌ: فکر آینه ای روشن است)، و زمین و آنچه را که در آن و بر آن است، به گونه ای فراهم آورد که برای آدمی پرداختن به کار در آن میسر باشد. پس انسان نمی تواند عذری برای رها کردن کار و شغل داشته باشد و بار خویشتن را بر دوش دیگران نهد. اسلام آن کس را که بار خویش بر دوش دیگران گذارد،

ص: 276

1- جایگاه و منزلت کار و تلاش در تحقق حماسه اقتصادی (مقاله ای با تأکید بر مبانی دینی)، محمدحسین مردانی نوکننده (با تغییرات لازم)

2- صحیفه سجّادیه/ 30

لعنت کرده است و او را وبالی بر اقتصاد اجتماعی و اموال عمومی شمرده است که از دسترنج دیگران می خورد و هر کس را موظف ساخته که به کاری و پیشه ای پردازد و در کار خود نیز کوشا، جدی، متعهد، امین و درستکار باشد تا چرخ زندگی بشری از راه تعاون و همکاری بچرخد و هر کس از ثمره کار خویش برخوردار شود (و نه، تنها از نتیجه کار و تلاش دیگران)، و نیز میوه چیده شده با هر دست به دهان صاحب دست برود. (1)

به همین دلیل، همانطور که بارها مطرح شده است، در سیره پیشوایان معصوم (ع) فعالیت های اقتصادی افراد، ارزش بالایی دارد. آن بزرگوران، کارگران و تولید کنندگان را بسیار تشویق می کردند. سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) این بوده است که بار زندگی خود را شخصاً به دوش می کشیدند و هیچ گاه برای تأمین امور ضروری زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی کردند. مسئولیت سنگین هدایت معنوی انسان ها هم مانع از اشتغال آنان به فعالیت های مثبت و سازنده نمی شد و از بابت نقش هدایتی خود هیچ مطالبه اجر و مزد از مردم نمی کردند.

مع الوصف ای عزیز بزرگوار، ائمه اطهار (ع) تمامی اقشار مردم از جمله عابدان، عالمان و صاحبان پست و مقام و ریاست را به داشتن شغل، کسب و تجارت تشویق فرموده اند. امام صادق (ع) ذیل آیه «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...» (2) مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خداوند غافل نمی کند». فرمودند: «اینان همان بازاریان و صاحبان کسب و پیشه بودند که هنگام نماز، کسب و کار را تعطیل کرده و به سوی نماز اول وقت می شتافتند و قطعاً چنین کسانی، اجر و پاداششان بیش از کسانی است که تجارت و کسبی ندارند و اول وقت سراغ نماز می روند» (3)

در واقع اصلی ترین عامل در تحقق حماسه اقتصادی، کار و فعالیت همه جانبه و بدون قید و شرط می باشد. اسلام اهتمام بسیار زیادی نسبت به تلاش و کوشش و خلق حماسه اقتصادی دارد، تا جایی که اجر و قرب آن را از سحرخیزی و جهاد در راه خدا، بالاتر

ص: 277

1- ر.ک؛ حکیمی، 1380، ج 5: 452

2- نور، 37

3- حر عاملی، 1403ق، ج 5، ص 56

دانسته است. اسلام، به عنوان جامع ترین و کامل ترین دین الهی، همانگونه که عرض شد، به کار و تلاش و حماسه اقتصادی، یک نگاه عمیق و جدی دارد، تا جایی که از نگاه دین اسلام از تبلی و بیکاری و بی حوصلگی در تلاش و تکاپوی برای زندگی بسیار نهی گردیده است، جامعه بدون سعی و تلاش به آنچه که خواهان اوست نخواهد رسید. نکته قابل توجه در معنای واژه «سعی» است و آن راه رفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده باشد، ولی غالباً به معنی تلاش و کوشش به کار می رود؛ چرا که به هنگام تلاش و کوشش در کارها انسان حرکات سریعی انجام می دهد، به عبارتی با جدیت در کار و تلاش، حماسه اقتصادی به معنای حقیقی آن تحقق می یابد.

از طرفی در قرآن کریم نیز همانگونه که اشاره شد آیات بسیاری دلالت بر اشتغال پیامبران به فعالیت های مختلف اقتصادی می کند و در بسیاری از آیات هم به نوع فعالیت آنان اشاره شده است. رویکرد قرآن کریم بدین موضوع به گونه ای است که به هیچ وجه میان فعالیت انبیا به عنوان فرستاده خداوند و هدایت کننده انسان ها با اشتغالات دنیوی آنها تباین و تضادی نمی بیند و شغل هایی که عهده دار آن بودند همانطور که مطرح شد از نوع مشاغل معمولی آحاد جامعه یا حتی اغلب از مشاغل قشر متوسط به پایین جامعه بود. از مجموع همه اشاره هایی که در باب شغل انبیاء در متون و منابع مختلف دیده می شود، یک نکته مشترک که همه روی آن متفق هستند، قابل استنباط است و آن اینکه همه انبیاء به شغلی مشغول بوده اند و هیچ یک از آنان به بهانه اعتکاف و خلوت گزینی، دعا و نماز یا به خاطر انجام مأموریت و مسئولیت های سنگین نبوت و رسالت، شانه از زیر بار مسئولیت های فردی و اجتماعی خود خالی نکرده اند و این امر بیانگر نوع نگرش آن برگزیدگان الهی به دنیا و رابطه آن با آخرت است و بر اندیشه های انحرافی زهدمآبانه که کار و تولید را با کمالات معنوی و مصالح اُخروی در تضاد می دانستند و یا افکار باطل ارباب مآبانه که کار را وظیفه افراد پست و پایین جامعه می دانستند، خط بطلان می کشد.

یکی از بارزترین امتیازهای جوامع ایده آل، داشتن اقتصادی سالم، پویا و وجود مجریان فعال، متعهد و کاردان در عرصه های اقتصادی است. پیامبران الهی نیز برای ایجاد قسط و

عدالت در سطح وسیع آن در میان اقشار مختلف جامعه و تأمین نیازهای مادی مردم و آبادانی و آسایش آنان و به وسیله توزیع عادلانه امکانات، سرمایه ها، ایجاد زمینه های مناسب، آگاهی رسانی همگانی و بالأخره ترویج احسان، نیکوکاری و خدمت کوشیده اند تا مردم را به سوی سعادت و نیک بختی سوق دهند.

هرگاه بخش های اساسی جامعه به کار اشتغال داشته باشند، اقتصاد جامعه رشد و شکوفایی خواهد داشت، تولید و درآمد ملی افزایش می یابد، درآمد دولت به جهت مالیات ها فزونی می گیرد و امکان ارائه خدمات عمومی به مردم فراهم می شود. نیروی کار با به کارگیری سرمایه باعث تولید جامعه می شود و یکی از مبانی اصلی اقتصاد مقاومتی که قبلاً مطرح شد، تکیه بر تولید می باشد. با بیکاری، نیروی کار، سرمایه بالقوه یا بالفعل معطل می ماند و بنیه اقتصادی جامعه ضعیف می شود. هرچه تولید بیشتر شود، امکان برخورداری دولت از مالیات های مردمی افزایش می یابد و آبادی جامعه صورت می گیرد. لذا افزایش توان اقتصادی بدون شک از آثار کار و انگیزه مناسبی برای شخص مسلمان در رو آوردن به آن است. به همین دلیل، هرگاه جامعه به کاری احتیاج داشت، شخص باید این گونه «واجبات نظامیه» را انجام دهد و از تلاش خود در این زمینه خودداری نکند، چون گاهی تلاش در انجام مشاغل مورد نیاز جامعه، واجب می شود. امروزه جایگاه نیرو و سرمایه انسانی در رشد و توسعه اقتصادی از مباحث مهم و کلیدی اقتصاد کلان و توسعه به شمار می رود. یکی از انگیزه های اصلی شخص برای کار، رشد اقتصادی جامعه است و تقویت این انگیزه میان نیروی کار، آثار پُربرکتی دارد؛ از جمله آنکه فرد را از توجه به خود دور می کند و به فکر دیگران می اندازد یا حتی اگر به مال احتیاج ندارد، برای اعتلای جامعه می کوشد. در برخی ممالک، مردم ابتدا برای وطن و پس از آن برای خانواده و در نهایت، برای خود کار می کنند. این چنین روحیه ای به یقین، شکوفایی اقتصادی را موجب می شود.

نزد قلّه های رفیع که پیامبران بزرگ خدا و جانشینان ارجمندشان در رأس آنهایند، کار عبادت محسوب می شود و آنان، خود، پیشگامان تلاش های تولیدی بوده اند. این

برگزیدگان، جامعه را از تنبلی، سستی، و مسؤولیت ناپذیری برحذر می داشتند و یادآور می شدند که خداوند سبحان، کار را در نظام آفرینش، وسیله ای برای تأمین نیازهای اقتصادی جامعه قرار داده (1)، تا آن جا که بدون آن، دعا نیز سودی ندارد.

خلاصه اینکه در آموزه های دینی، کار به عنوان رکن اساسی زندگی، و نیرومندترین عامل تولید ثروت، و مهمترین پایه برای تحقق اقتصاد سالم محسوب می شود. در این راستا در قرآن به کسب و کار و کارآفرینی با عناوین مختلفی در بیش از 30 سوره و حدود 50 آیه توصیه و افراد به آن تشویق شده اند. همچنین پیشوایان دین، کار و تلاش برای امر معاش و گذراندن زندگی را امری مقدس، خداپسندانه و عبادتی بزرگ شمرده اند. چرا که رشد و تعالی همه جانبه اقتصادی بدون کار و تلاش امکان پذیر نمی باشد. لذا رفتار پیامبر و ائمه معصومین (ع) با قشر کارگران، کشاورزان و دیگر تلاشگران عرصه اقتصادی نشان از جایگاه کار و تلاش و کسب رزق حلال در معارف و تعالیم اسلامی دارد. از سوی دیگر، عزت و سربلندی و رفاه و سعادت دنیوی، حتی زمینه های کسب توفیقات معنوی همه در سایه توسعه و رشد و استقلال اقتصادی ممکن خواهد بود و این هدف جز با آفرینش و خلق حماسه اقتصادی محقق نخواهد شد. مطمئناً جامعه ای که به بیکاری، مصرف زدگی و سستی و رخوت روی آورد و تن به تحمل سختی و مشقت برای عزت و استقلال اقتصادی ندهد، هر روز باید در اضطراب و پریشانی به سر برد که مبادا قطع واردات کالاها و ارزاق بیگانه آنها را در شرایط سخت و مذلت بار قرار ندهد.

25) وجود محدودیت ها شغلی و پرهیز از کار حرام:

گر شود محدود مشاغل وفق شرع و دین حق * حکمتی دارد برای رشد و پویایی خلق

چون که کار شبهه ناک و رزق مکروه و حرام * می کند ویران همه روح و روان را در فلق

ص: 280

قبل از بیان محدودیت های اقتصادی، شرح این نکته وفق مضمون رباعی مزبور ضروری است که ریشه این محدودیت ها به فطرت انسان باز می گردد و در راستای روند تکاملی انسان قرار دارد؛ زیرا بر پایه اعتقادات توحیدی، خدای سبحان عالم هستی را بر اساس مهر و عطوفت و رحمانیت خود آفرید. از این رو، قوانین و احکامی را که وضع کرده برای آن نیست که بخواهد نظرات خود را بر انسان تحمیل کند، بلکه تمامی مقررات و دستورات الهی در راستای خیر و صلاح بشر وضع شده است. در این باره شیخ صدوق از امام محمدباقر(ع) نقل می کند که شخصی از ایشان پرسید: چرا خداوند شراب و مردار و نیز گوشت خوک و خون را حرام کرده است؟ حضرت در پاسخ وی فرمودند: خدای سبحان که انسان آفریده اوست، می داند بدن انسان به چه چیزی نیازمند است و خیر و صلاحش در چیست. از این رو، آنها را برای او حلال نمود و از طرفی می داند که چه چیزهایی به زیان اوست. به همین جهت، آنها را برای او حرام گردانید. بنابراین، محدودیت هایی که در اسلام وجود دارد؛ چه اقتصادی و چه غیراقتصادی، نه تنها با آزادی انسان ناسازگار نیست، بلکه برای هر چه بهتر بهره گرفتن از آزادی های مشروع وضع شده است. بدینسان از مجموعه احکام و قوانین اسلام در زمینه آزادی های اقتصادی، این نتایج به دست می آید:

1- آزادی های اقتصادی که جزء اصول مسلم نظام اقتصادی اسلامی است مانند نظام سرمایه داری نامحدود نیست، بلکه دارای حد و مرز می باشد.

2- این محدودیت ها بر اساس مصالح و مفاسدی که در نظر گرفته شده به وجود آمده است و ریشه در جهان بینی اسلامی دارد.

3- ترکیب و پیوند احکام و مقررات اقتصادی اسلام با فطرت و باورهای اعتقادی سبب شده است که این احکام به دور از هر گونه جبر و تحمیلی، زمینه عمل پیدا کند و با کمال میل و رغبت انجام شود مانند انفاقات.

4- با چنین پیوند و ترکیبی میان مسائل اعتقادی و اقتصادی، نظام اسلامی می تواند به آسانی جلوی تضاد طبقاتی را بگیرد و جامعه را در وضعیتی مطلوب نگه دارد. (1)

ص: 281

1- حسین نمازی، نظام های اقتصادی، صص 235 - 234.

بنابراین، اسلام آزادی اقتصادی را در چارچوب مشخصی پذیرفته و برای آن محدودیتهایی در نظر گرفته است. این محدودیتها را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

1- محدودیت ذاتی که از ژرفای روح آدمی سرچشمه می گیرد و در سایه تربیت اسلامی، معنویت صحیح به انسان می بخشد. انسان مسلمان با کمال آزادی، در اثر درخشش محدودیت ذاتی، زکات و حقوق خدا را می پردازد، در تحقق مفاهیم عدل اجتماعی اسلام، تلاش و مشارکت سازنده دارد و...

2- محدودیت عینی که عبارت است از یک نیروی خارجی که رفتار و سلوک اجتماعی را مشخص و کنترل می کند و اجرای این اصل در اسلام به چند شکل است:

الف) شریعت اسلامی در منابع اصلی خود تصریح کرده که کلیه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی که از نظر اسلام، بازدارنده تحقق ایده ها و ارزش های ساخته شده اسلامی هستند (مثل ربا، احتکار و امثال آن) ممنوع است.

ب) اسلام اصل نظارت حکومت اسلامی را بر فعالیت عمومی و دخالت دولت برای حمایت مصالح عمومی و نگرهبانی از آن به وسیله محدود کردن آزادی های افراد در کارهایی که با آن سروکار دارند، پذیرفته است. وضع این اصل از طرف اسلام ضروری بود تا ضامن تحقق بخشیدن ایده خود و مفاهیم عدالت اجتماعی در طول زمان باشد. گاهی انجام کاری برای جامعه در زمان خاصی زیان آور و تفکیک و تفصیل آن در قوانین ثابت غیرممکن است و تنها راه این است که به حکومت اسلامی قدرت نظارت و هدایت بدهد تا آزادی های فرد را در امور مباح شرعی طبق ایده های اسلامی کنترل کند. دلیل این نظارت نیز آیه «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» است. (1)

حال به بیان محدودیت هایی اشاره می شود که اسلام در نظام اقتصادی خود برای افراد در نظر گرفته است. این محدودیت ها را می توان در موارد زیر جستجو کرد: محدودیت های اولی، به آن دسته از احکام و مواردی گفته می شود که در طول زمان، ثابت

ص: 282

و غیر متغیر می باشند، مانند حرمت ربا، شراب، اسراف و... محدودیت های ثانوی، مواردی هستند که به حکم اولی و ذاتی، محدودیت به شمار نمی آیند، بلکه هنگامی که با حکم دیگری برخورد می کنند، سبب محدودیت می شوند. به عبارت دیگر، احکام و قوانینی که نظر به عوارض متغیر یک موضوع دارند، حکم ثانوی نامیده می شوند.⁽¹⁾ مانند موضوع ضرر و زیان، عسر و حرج، اهم و مهم و... در این باره داستان سمره بن جندب و درخت خرما پیش که سبب اذیت و آزار مرد مسلمان انصاری شده بود، معروف است. هنگامی که سمره به هیچ طریقی حاضر به رفع مزاحمت نشد، پیامبر اکرم (ص) به مرد انصاری دستور دادند، درخت خرما را کنده، در جلوی سمره بیندازد، سپس فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار» روایات در این زمینه فراوان است.⁽²⁾ اهمیت احکام ثانوی در جلوگیری از انحصارات بر کسی پوشیده نیست و از آن جا که اسلام خود را دینی جاوید و برای همه عصرها و نسل ها می داند و از طرفی جوامع انسانی پیوسته در حال تحول و تغییرند، وضع احکام ثانوی که یکی از مهمترین و کارگشایترین ابزار در نظام اسلامی است، خلأها و چالش هایی را که ممکن است در این مسیر پرفراز و نشیب حیات بشری در جوامع انسانی به وجود آید، ترمیم کرده، بدین وسیله پویایی و شکوفایی و همراه با زمان بودن احکام اسلامی را ثابت می کند. در اینجا توجه جنابعالی به ده نوع معامله حرام، معطوف می گردد تا کم و کیف فعالیت های غیر مجاز اقتصادی مشخص شود.

1- خرید و فروش اشیاء مضره⁽³⁾: خرید و فروشی که به اقتصاد اسلامی ضرر می زند و موجب ضربه زدن به آن می شود، ممنوع شده است. تمام معامله هایی که سبب آلوده شدن جامعه می شود، غیر قانونی و غیر شرعی معرفی شده است. برای نمونه می توان به خرید و فروش مواد مخدر، شراب و آلات قمار اشاره کرد. خدای متعال در قرآن کریم

می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ

ص: 283

-
- 1- ناصر، مکارم شیرازی، نقش عناوین ثانویه در اقتصاد اسلامی، ج 1، ص 105.
 - 2- محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج 5، ص 292؛ محمد بن حسن حر عاملی، پیشین، ج 17، ص 341.
 - 3- مکارم شیرازی، ناصر، خطوط اقتصاد اسلامی، ص 101

فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُقْلِحُونَ(1) ای کسانی که ایمان آورده اید، همانا می و قمار و بتها- با سنگهایی که مقدس می شمردند و بر آن قربانی می کردند- و تیرهای قرعه پلید و از کار شیطان است. پس، از آن پرهیزید باشد که رستگار شوید.»

2- خرید و فروش آلات حرام(2): آلات موسیقی حرام به ابزاری گفته می شود که «ویژه لهو و لعب بوده و با آن آهنگ های مناسب مجالس فساد و پاپکوبی نواخته شود. این نوع از وسایل، هیچ منفعت حلالی در بر ندارد و استفاده از آن در هر حال اشکال داشته و خرید و فروش آن جایز نیست؛ هر چند به صورت لهوی نواخته نشود.»(3)

3- خرید و فروش اجناس حلال که می دانیم از آن ها در طریق ضرر و زیان جامعه استفاده می شود؛ مثل فروختن انگور و سایر میوه های مشابه به کارخانه های مشروب سازی، و اجازه دادن قطار و کشتی و اتومبیل برای نقل و انتقال مواد مخدر، مشروبات و اشیاء مضر دیگر، خواه فروشنده قصد کمک به چنین کارهایی داشته باشد یا قصد نداشته باشد اما قطعاً از این وسائل مباح در مسیر آلودگی و گناه استفاده می شود چنین معامله یا اجاره ای حرام و ممنوع است یعنی حکم علم و اراده یکی است.(4)

4- خرید و فروش اشیائی که باعث تقویت دشمنان خدا و دشمنان خلق خدا می شود.(5)

هر گونه خرید و فروشی که موجب تقویت دشمنان اسلام و تضعیف سپاه اسلام ناب محمدی شود جزو خرید و فروش اشیاء مضر محسوب می شود و حرام است. «یا اَیُّهَا

ص: 284

1- مائده/90

2- همان

3- ر. ک: تبریزی، جواد بن علی، استفتانات جدید، ج 2، ص 210، س 950 و ص 214؛ خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتانات، ص 252 - 255؛ امام خمینی، استفتانات، ج 2، ص 12 و 14؛ فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، ج 1، ص 583، س 2176؛ بهجت، محمد تقی، رساله توضیح المسائل، ضمائهم، ص 3، م 20؛ نراقی، محمد مهدی، انیس التجار (محشّی)، شارح، طباطبایی، سید محمد کاظم و صدر عاملی، سید اسماعیل و حائری یزدی، عبدالکریم، ص 42.

4- مکارم شیرازی، ناصر، خطوط اقتصاد اسلامی، ص 101

5- همان

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (1) «هان ای کسانی که ایمان آوردید، یهود و نصارا را دوستان خود مگیرید که آنان دوست یکدیگرند و کسی که از شما آنان را دوست بدارد خود او نیز از ایشان است، چون خدا مردم ستمکار را به سوی حق هدایت نمی کند.»

5- هر گونه همکاری و کمک به ظالمان و ستمگران (2) «وَلَا تَزْكُتُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (3) «و شما مؤمنان هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست باشید و گر نه آتش کیفر آنان شما را هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید یافت و هرگز کسی شما را یاری نخواهد کرد.»

6- هر گونه تبلیغات مضر و زیان بخش (4)

7- هر گونه تقلب و ساختن جنس تقلبی و خرید و فروش آن ها (5)

تقلب چون یک نوع ظلم به دیگری و پامال کردن حق دیگران است در قرآن و کتب روایی آیات و روایات فراوانی در مورد رعایت حق دیگران و ظلم نکردن به دیگران آمده است. امام باقر (ع) می فرمایند «ظلم سه گونه است، ظلمی که خداوند می آمرزد، ستمی که خدا نیامرزد و ستمی که از آن نمی گذرد، اما آنکه خدا نیامرزد شرک به خداست و آنکه بیامرزد ظلم بر نفس است، آنکه وانگذارد، ظلم بندگان به یکدیگر است.» (6)

8- گرفتن اجرت و حقوق در برابر انجام وظیفه ای که بعنوان یک واجب بر عهده انسان گذارده شده است. (7)

ص: 285

1- مانده/51

2- مکارم شیرازی، پیشین، خطوط اقتصاد اسلامی، ص 101،

3- هود/ 113

4- مکارم شیرازی، پیشین، خطوط اقتصاد اسلامی، ص 101،

5- همان

6- تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، ص 293.

7- مکارم شیرازی، ناصر، خطوط اقتصاد اسلامی، ص 103،

9- گرفتن هر گونه رشوه برای باطل نمودن حق و یا احقاق باطل، ممنوع و حرام است. (1)

10- احتکار و ذخیره کردن مواد غذایی در حالی که مورد نیاز مردم است. (2)

به بیانی فردی که در جامعه اسلامی دنبال شغلی می رود و یکی از کارهای درآمدزای اقتصادی را انتخاب می کند، لازم است قبل از ورود به میدان های کار، چگونگی آن را بررسی کند و نظر اسلام و رهبران معصوم علیهم السلام را در مورد آن شغل مد نظر داشته باشد تا اینکه در آینده دچار تشویش خاطر و ناراحتی درونی نگردد؛ چرا که از منظر اسلام قبل از آنکه درآمد و جایگاه اقتصادی هر شغلی مد نظر باشد، مسائل معنوی، فرهنگی و سیاسی آن مورد توجه است و فرهنگ مبین اسلام قبل از آنکه به بهره های فردی هر شغلی بنگرد، به مصلحت جامعه مسلمین و کشورهای اسلامی می اندیشد. بدین جهت، مشاغل رایج در هر اجتماعی را در قالب شغل های حلال و حرام دسته بندی کرده، به مسلمانان ارائه می کند. امام صادق (ع) می فرماید: «در یک تقسیم بندی کلی تمام شغل های موجود در جامعه به چهار نوع تقسیم می شود: 1- تجارت و معاملات؛ 2- صناعات و حرفه ها؛ 3- کارگزاران حکومتی و کارمندان؛ 4- اجارات (درآمد املاک و کارگران روزمزد)...» سپس امام این چهار نوع شغل را به دو دسته حلال و حرام تقسیم کرده و می فرماید: «خداوند متعال واجب کرده است که بندگان در موارد حلال اقدام کنند و از مشاغل حرام دوری گزینند...» در اینجا به چکیده سخنان امام صادق (ع) در مورد ملاک تعیین مشاغل حلال و حرام اشاره می شود: معیار حلیت و حرمت در تجارت این است که هر کالایی که برای عموم مردم نیاز است و مصلحت و نفع جامعه در خرید و فروش آن می باشد، تجارت آن حلال است و هر معامله ای که موجب فساد در جامعه و به ضرر جامعه اسلامی است، حرام می باشد، همانند: معاملات ربوی، خرید و فروش و انبار کردن کالاهایی که از منظر اسلام مشروع نیستند (گوشت غیر مذکی، گوشت خوک، گوشت و

ص: 286

1- همان

2- همان

پوست حیوانات درنده، شراب، آلات قمار، آلات لهو و لعب و...، فروختن سلاح به دشمنان اسلام و هر معامله ای که موجب تقویت جبهه باطل باشد (مانند: جاسوسی و فروش اطلاعات به دشمن) و معاملاتی که همراه با فریب کاری و دروغ پردازی انجام شود.

در صناعات و حرفه ها نیز معیار مصلحت جامعه اسلامی است؛ یعنی هر صنعت و حرفه ای که موجب تقویت جامعه اسلامی شود و صلاح، رشد و تعالی مسلمانان را به ارمغان می آورد، از منظر امام صادق(ع) مجاز است و هر حرفه ای که موجب مفسده و تضعیف جامعه باشد، ممنوع است. شراب سازی، جادوگری، صناعی که موجب ترویج فساد و فحشا باشند، وسایلی که موجب تضعیف و یا تخریب اعتقادات مسلمانان شوند، همکاری با ستمگران، سرقت و... از قبیل صنایع و حرفه های حرام است. اگر کارگزاران و کارمندان حکومتی تحت نظر حاکم عادل و امامان معصوم علیهم السلام و وکلای آنان انجام وظیفه کنند، درآمد و حقوقشان حلال است و گرنه حرام می باشد؛ مگر اینکه کارمندان زمامدار غیر عادل، با اجازه از حاکم شرع و یا اینکه به خاطر مصالح مسلمانان وارد دستگاه حکومتی شده باشند.

در مورد اجاره ها و درآمد املاک و کارگران نیز قضیه همین است؛ یعنی اولاً، صلاح و فساد جامعه مدنظر می باشد و ثانیاً، کالاها و انگیزه های حلال و حرام سرنوشت ساز است.⁽¹⁾ حضرت صادق(ع) پیروان خود را همواره به انتخاب کسب های حلال و مورد نیاز جامعه توصیه می فرمودند و اما در میان آنها برخی از مشاغل را بیشتر می پسندیدند که به چند نمونه اشاره می شود:

باغداری و کشاورزی: ششمین ستاره آسمان ولایت در تفسیر آیه «و علی الله فلیتوکل المتوکلون»⁽²⁾ فرمود: «بارزترین مصداق انسان های متوکل، کشاورزان هستند.»⁽³⁾ ابن هارون

ص: 287

1- تفصیل فرمایشات آن حضرت را می توان در کتاب وسائل الشیعه، ج 17، ص 83 و تحف العقول ص 331، 338 مطالعه کرد.

2- ابراهیم/12.

3- وسائل الشیعه، ج 17، ص 42.

واسطی می گوید: روزی از امام صادق(ع) در مورد کشاورزان پرسیدم. امام فرمودند: «کشاورزان گنجینه الهی در روی زمین هستند.» سپس اضافه کرد: «و ما فی الاعمال شیء احب الی الله من الزراعه و ما بعث نبیا الا زراعا الا ادریس فانه کان خیاطا؛(1) از میان کارها چیزی در نزد خداوند محبوب تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر اینکه کشاورز بود، به جز ادریس که خیاط بود.»

امام صادق(ع) نه تنها مسلمانان را به کشاورزی و درختکاری ترغیب می کردند، بلکه خود نیز عملا به این کار مشغول بودند. ابو عمر شیبانی می گوید: روزی امام صادق(ع) را مشاهده کردم که در یکی از باغ های خود لباس کار پوشیده و بیل به دست گرفته و مشغول فعالیت است. آن حضرت چنان با جان و دل کار می کرد که بدن مبارکش خیس عرق بود. پیش رفتم و عرضه داشتم: جانم به فدایت، اجازه بفرمائید من به جای شما بیل بزنم و این کار سخت را انجام دهم. امام از پذیرش پیشنهاد من امتناع کرده و فرمودند: «دوست دارم انسان برای به دست آوردن درآمد حلال در مقابل آفتاب آزرده شود.»(2) آری، بهترین و پاکیزه ترین درآمدهای انسان، زمانی است که با عرق جبین و کد یمین به دست آمده باشد و رسول گرامی اسلام اولین شخص عالم امکان، دست چنین فردی را می بوسیدند و می فرمودند: «این دستی است که آتش جهنم به آن نخواهد رسید.»(3)

بازرگانی و تجارت: از دیگر مشاغلی که امام صادق(ع) به آن تاکید می کند، تجارت و معاملات حلال است. آن حضرت بر این باور بودند که تجارت علاوه بر بهره های سرشار اقتصادی که دارد، موجب زیادی عقل و افزایش قدرت تفکر و تدبیر و تجربه نیز هست. بدین جهت می فرمودند: «داد و ستد موجب افزایش نیروی عقلانی است.»(4) اسباط بن

ص: 288

1- همان

2- همان، ص 39

3- اسدالغابه، ج 2، ص 169.

4- وسائل الشیعه، ج 17، ص 17.

سالم گفته است: روزی به حضور امام شرفیاب شدم، آن حضرت پرسیدند: عمر بن مسلم چه می کند؟ گفتم: حالش خوب است، اما دیگر تجارت نمی کند. امام فرمودند: ترک تجارت کار شیطانی است. این جمله را سه بار تکرار کرد - آنگاه حضرت ادامه دادند: رسول خدا با کاروانی که از شام می آمدند معامله می کردند و با بخشی از درآمد آن معامله، قرض های خود را ادا می کردند و بخشی دیگر را در میان نیازمندان فامیل تقسیم می نمودند. امام در ادامه فرمودند: خداوند در مورد تاجران خداجو و باتقوا می فرماید: «رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله.»⁽¹⁾ «مردانی که داد و ستد و معامله، آنان را از یاد خدا غافل نمی کند.»

برای تحقق اقتصاد اسلامی در جامعه امروزی باید ملاک های اسلامی در جامعه تحقق یابد. برای تحقق این ملاک ها باید در ابتدا فعالیت های غیر مجاز اقتصادی از بین برود تا اقتصاد داخلی یک اقتصاد به تمام معنای اسلامی باشد. بسیاری از فعالیت های اقتصادی ده گانه فوق، در تمام مکتب های اقتصادی شرق و غرب مجاز است و هیچ گونه ممنوعیتی برای آنها وجود ندارد.

26) کم و کیف توکل در کسب و کار:

بر خدا کن تو توکل در امورت با یقین * تا شوی راحت ز فقر و ترس و حزن و هم ز کین

کار و کسب را بده انجام عزیز من همی * با توکل بر خدای مهربان و نازنین

چون توکل می کند روح و روانت را قوی * در مسیر اقتصادی که بود پر بمب و مین

می کند بی کاری را خنثی و نابود هر غمی * از درون خانه ها و هم برون از این زمین

دان که با کار می شوی آرام و راه حق روی * در همان راهی که عقلت گفته است باشد متین

* با ندای فطرت و آنچه بود در بطن دین

ص: 289

کار سالم جان و دل را می کند دور از بدی * با تلاشت می شود خوشبختی با جانت عجین

گر روی با کسب حق در راه مولی و ولی * تا شوی آرام و دور از آنچه باشد آن غمین

چون که رزق پاک و طیب می کند شادت بسی * با تلاش تو رود بیرون ز جان و هم جبین

در نهایت استرس و اضطراب و هر کژی * کن رها غیر خدا و در تلاشت شو امین

دون هر تردید عزیزم با توکل چون علی(ع) * با توکل کن تلاش و کار خوب ای نازنین

این حقیر گوید به هر پیر یا جوانی چون پری

یکی از مباحث کلیدی در آموزه های اعتقادی اسلام، وفق آیات غزل مزبور موضوع توکل است. توضیح اینکه موضوع مورد نظر در حقیقت مراتبی از اعتقاد عملی در توحید فعل است. مومنان واقعی به سبب معرفت برتر خود، به توحید در فعل اعتقاد دارند و این را در عمل نشان می دهند. این گونه است که امور خود را به خداوند تفویض و واگذار کرده و با توکل و اعتماد به خداوند، بی هیچ خوف و حزن در کمال آرامش زندگی می کنند.

اما از آنجایی که دنیا دارالاسباب است و انسان نیز مسئولیت هایی دارد، مومنان هرگز با توکل و تفویض، شانه از بار مسئولیت خالی نمی کنند. اینجاست که در کنار توکل، تفویض و بهره مندی از امدادهای غیبی الهی، خود نیز در همان مسیر صراط مستقیم کار و تلاش و سعی و مجاهدت می کنند.

یکی از آموزه های اسلامی، اعتماد و اطمینان به خدا در کارهاست. انسان ها به سبب فقر ذاتی خود؛(1) هیچ قدرت و توانایی بر انجام کاری ندارند، مگر آنکه حول و قوتی از سوی خداوند باشد. پس سخن از دانایی و توانایی ذاتی انسان تنها خیال و توهمی بیش نیست. وقتی ذات خود محتاج به خداوند غنی بالذات است، دیگر چیزی را نمی توان

ص: 290

در آدمی یافت که خاستگاهی غیر از خدا داشته باشد. بنابراین، توکل به خدا و تفویض کارها به او از سوی انسانی که این گونه است و این را نیز می داند، یک امر طبیعی است.

خداوند در آیات بسیاری به مومنان گوشزد می کند که در زندگی می بایست توکل داشته و تنها به خدا اعتماد کنند؛ (آل عمران، آیات 122 و 160؛ مائده، آیات 11 و 23؛ اعراف، آیه 89؛ انفال، آیه 2) چرا که همه موجودات غیر از خدا، هیچ کار هستی هستند و هر چه از وجود بهره ای می برد از ناحیه خداوندی است. توحید محض (انعام، آیه 102، رعد، آیه 30) به این معناست که همه هستی محتاج به او هستند و او تنها مالک و رب (فاتحه، آیات 2 و 3؛ انفال، آیه 2)، خالق و حاکم و مسلط بر هر چیزی است

(انعام، آیه 102؛ هود، آیات 56 و 123) و همچنین قدرت و رزاقیت (عنکبوت، آیات 59 و 60) و کفایت خداوند در امور (آل عمران، آیه 173؛ نساء، آیات 81 و 132 و 171)، علم خدا به احوال و اعمال بندگان (هود، آیه 123؛ فرقان، آیه 58؛ غافر، آیه 44) و نظارت خداوند بر کارها (شعراء، آیات 217 تا 219) و ولایت خداوندی (آل عمران، آیه 122؛ توبه، آیه 51) و مانند آن اثبات کننده این معناست که جز خداوند هیچ کسی در هستی کاره ای نیست و همه چیز تحت مشیت الهی و حاکمیت اوست. (اعراف، آیه 89؛ آل عمران، آیه 160)

حال اگر گفته می شود انسان باید اهل توحید محض باشد و همه چیز را از ناحیه خدا بداند و از او بخواهد و در همه امور زندگی خود به خداوند اعتماد و اطمینان کرده و اهل توکل و تفویض باشد، آیا به معنای آن است که دست از کار بکشد و خود را به تکاهل و تکاسل و تنبلی بزند و کاری انجام ندهد؟ در پاسخ باید گفت که توکل و تفویض هرگز به معنای دست از کار کشیدن و تنبلی نیست. در آیات قرآن همواره توکل همراه با کارهایی از سوی انسان مطرح شده است. به عنوان نمونه خداوند به پیامبر (ص) می فرماید که در کارهای مربوط به جامعه از جمله مسائل فرهنگی، نظامی، اجتماعی و سیاسی و مانند آن با مردم مشورت کرده و سپس خود عزم ارادی و عملی در انجام آن چیزی که تصمیم گرفته داشته باشد و حرکت کرده و کارها را با توکل انجام دهد. [\(1\)](#) اصولاً امدادهای غیبی به

ص: 291

این معنا نیست که انسان دست از کار بشوید و از انجام وظایف و مسئولیت های خود شانه خالی کند. لذا در زمان جهاد و مجاهدت که امدادهای غیبی به مومنان می رسد و فرشتگان به یاری مومنان می آیند، لازم است که مومنان نیز مجاهدت فزون تری داشته باشند و در همان حال توکل نمایند. (1)

خداوند دنیا را دارالاسباب قرار داده و هر چیزی در زمین دارای اسبابی است و خداوند برای رسیدن یا تحقق هر چیزی سببی قرار داده است. (2) در روایات نیز آمده است: ای الله ان یجری الایامور الایاسبابها؛ خداوند ابا دارد که امور جز از طریق اسباب آن جاری شود. (3) پس تا زمانی که انسان در دنیاست می بایست از اسباب بهره گیرد. از این روست که ذوالقرنین نیز تابع اسباب بوده و از اسباب برای رسیدن به مقاصد خود بهره می برده است. (4) بنابراین در هر مقام و منزلتی از توحید و قرب الهی باشیم می بایست از اسباب بهره گیریم و تا در دنیا نفس می کشیم نباید بگوییم همه کارها از راه غیب و بدون اسباب باید حل بشود. همچنین دنیا برای انسان همانند کشتزار است که باید اینجا بکار و در آخرت درو کند. پس عمل در دنیا بسیار مهم است و انسان نتیجه سعی خود را می بیند. (5)

با نگاهی به برخی از داستان های قرآنی مثل داستان حضرت موسی یا داستان حضرت مریم... به وضوح این معنا تبیین شده که توکل می بایست همراه با عمل باشد؛ زیرا دنیا دار عمل است. بنابراین، توکل به معنای این نیست که انسان دست از تلاش و کوشش بردارد، بلکه حتی اگر معجزه و امدادهای غیبی در کار باشد، انسان باید وظایف و مسئولیت خود را انجام دهد و بر اساس سنت و قوانین تکوینی الهی در دنیا کار و تلاش و سعی داشته باشد. لذا همه پیامبران با آنکه در مقام توکل قرار داشتند ولی این بدان معنا نبود که دست از کار بردارند. حضرت شعیب(ع) می فرماید که من آنچه در استطاعت و توان خودم

ص: 292

1- آل عمران، آیات 122 و 172 و 173؛ انفال، آیات 47 و 48

2- کهف، آیه 84

3- بحار الانوار، ج 2، ص 90

4- کهف، آیات 85 و 89 و 92

5- نجم، آیات 39 و 40؛ تکویر، آیه 14

است، برای اصلاح امور انجام می‌دهم و با این حال دست از توکل به خدا نیز بر نمی‌دارم. (1) زیرا هیچ تضادی میان سعی و تلاش انسان از سویی و توکل و حتی تفویض امور به خدا از سوی دیگر وجود ندارد. انسان باید توجه داشته باشد که سعی و تلاش او از نیرو و قوه‌ای برمی‌خیزد که خداوند به او داده و هر لحظه اگر این ارتباط قطع شود و حول و قوه از انسان سلب گردد، انسان کاری نمی‌تواند بکند؛ همچنین اگر حول و قوه‌ای باشد تاثیرگذاری اسباب نیز به دست خداوند است و این خداوند است که تاثیر را در اسباب قرار می‌دهد و یا از آن سلب می‌کند. اگر پرنده‌ای که بر باد سوار است و در حال پرواز است و خداوند او را در آن حالت به حکمت سنت الهی نگه داشته، از او سلب امساک ننماید، چه کسی می‌تواند او را در هوا نگه دارد؟ بی‌گمان خداوند است که پرنده را در پرواز نگه می‌دارد. (2) پس هر چیزی که در دنیا تحقق می‌یابد و یا از میان می‌رود تحت مشیت و اراده الهی و قدرت و علم و حکمت او قرار دارد.

البته باید توجه داشت که توکل باید دائمی باشد نه اینکه در آغاز توکل کند و یا در میانه کار و یا آخر کار که به ظاهر به نتیجه رسیده است دست از توکل بردارد. خداوند در آیاتی از جمله آیات 42 و 99 سوره نحل و آیه 59 سوره عنکبوت و آیات 11 و 12 سوره ابراهیم بر استمرار توکل اصرار دارد؛ زیرا اگر این گونه نباشد توکل تحقق نیافته است. کسی که واقعا اهل توکل به خداست دارای استقامت در کار و صبر در امور همراه با توکل از آغاز تا انجام است. (3)

به هر حال، از نظر قرآن نه تنها بهره‌مندی از اسباب هیچ منافاتی با اصل توکل ندارد، بلکه لازم است که همواره توکل همراه با تلاش و سعی آدمی و بهره‌مندی از اسباب باشد. البته تفاوتی میان اسباب ظاهری و عادی و یا باطنی و غیر عادی چون معجزه و عنایت خاص و امدادهای غیبی الهی نیست. (4) باید فهمید که همه کارها حقیقتاً دست

ص: 293

1- هود، آیات 84 و 88

2- ملک، آیه 19

3- ابراهیم، آیه 12؛ نحل، آیات 41 و 42

4- آل عمران، آیه 159؛ انفال، آیات 62 و 64؛ یوسف، آیه 67

اوست؛ هر چند انسان در اثر کم سوئی چشمانش اسباب نزدیک را می بیند؛ ولی دست او را در پشت پرده نمی بیند. از اینجا باید متوجه شد که توکل، منافاتی با کار کردن ندارد. کار تکلیف است؛ توکل اعتقاد قلبی است. من اعتمادم بر خداست؛ اما کار می کنم، چون او چنین تکلیف کرده است. پس اعتقاد قلبی و توکل بر خدا یک باب و تکلیف من نسبت به کار و تلاش، باب دیگری است. اما بسیاری از مردم این دو را با هم خلط می کنند و گمان می کنند اگر کسی توکل داشته باشد نباید در پی کار و تلاش باشد. البته کسی که اعتماد به خدا دارد، برای تأمین نیازمندی های خود به هر دری نمی زند، آبروی خود را نمی برد و تملق هر کسی را نمی گوید. او توکلش بر خداست. خدا هم به بنده اش فرموده با حفظ آبرویت کار کن. انسان متوکل، خود را به ذلت نمی کشد؛ اگر روزی اش نرسید، با توکل بر خدا صبر می کند. (1)

از مهم ترین رموز توفیق در زندگی، تلاش دائم و پایداری در راه هدف است. تحرک و پویایی که از اعتقاد راسخ انسان به مقاصد خویش سرچشمه می گیرد، در راه رسیدن به مراد ضروری ترین عامل به شمار می آید. انسان مسلمان برای رسیدن به سعادت اخروی باید در امور دنیوی خویش نیز تلاش کند و آن را به عنوان وسیله و پلی برای رسیدن به مطلوب بنگرد. علی بن عبدالعزیز می گوید: امام صادق (ع) روزی از من احوال عمر بن مسلم را پرسیدند. عرضه داشتم: فدایت شوم او از تجارت دست برداشته و به عبادت و نماز و دعا روی آورده است. امام فرمودند: «وای بر او! آیا او نمی داند که هرکس به دنبال دنیا و کسب روزی حلال نرود، دعایش مستجاب نخواهد شد.» سپس امام افزودند: «هنگامی که آیه «من یتق الله يجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب.»؛ (2) «هرکس تقوای الهی پیشه کند (خداوند) راه خروج از مشکلات را برایش قرار می دهد و از جایی که گمان نمی برد روزی اش می دهد.» نازل شد، تنی چند از اصحاب پیامبر (ص) از کسب و کار دست کشیده و درها را به روی خود بسته، مشغول عبادت شدند تا خداوند متعال روزی آنان را از

ص: 294

1- روزنامه کیهان، کد خبر: 753830

2- طلاق/ 2 و 3.

طریق عبادت برساند. هنگامی که رسول اکرم خبردار شدند، آنان را احضار کرده و فرمودند: شما به چه انگیزه ای از کسب و کار دست کشیده و از جامعه فاصله گرفته و به عبادت پرداخته اید؟! گفتند: یا رسول الله! خداوند روزی ما را تکفل کرده و ما هم به عبادت او روی آورده ایم! رسول خدا فرمودند: «انه من فعل ذلک لم يستجب له، علیکم بالطلب؛ هر کس چنین کند دعای او پذیرفته نخواهد شد، بر شما باد به کسب [روزی و درآمد...]» (1) حضرت امام صادق (ع) در سخن دیگری توضیح می دهند که برخی از افراد، دعایشان هیچگاه به اجابت نخواهد رسید، و از جمله فرمودند: «مردی در خانه اش نشسته و مدام می گوید: خدایا! به من روزی عطا کن! به او گفته می شود: آیا تو را فرمان ندادم به طلب [روزی...]» (2) در هر صورت، برای رسیدن به مقصود باید تلاش نمایی و در راه آن، مشکلات و سختی ها را به جان بخری تا از دیگران بی نیاز شده و به استقلال اقتصادی برسی.

27) کم و کیف حق مالکیت فردی و خصوصی:

هر کسی وفق نیاز روح و جان در این سرا * حق ملک فردی خواهد تا شود از خود رها

این کشش باشد ز فطرت در درون این جهان * تا شود از آن جدا با اختیار بهر خدا

مالکیت فردی هر انسانی نسبت به آنچه که به دست می آورد بنابر مضمون رباعی مزبور از نهاد فطرت او نشأت می گیرد. چرا که هر فردی این کشش و میل فطری را دارد که از ثروت های طبیعی، به نفع خود بهره برداری کند. توضیح اینکه اسلام نه تنها این کشش را نادیده نگرفته؛ بلکه آن را پذیرفته و به آن، جهت صحیح داده است. علاوه بر آن، انسان در جهان بینی اسلامی، موجودی مختار و آگاه است و بر اساس همین ویژگی به مقام والای خلافت الهی رسیده است. با داشتن حق مالکیت می تواند

داوطلبانه از اموال

ص: 295

1- تهذیب الاحکام، ج 6، ص 323.

2- اصول کافی، باب من لا تستجاب دعوته، حدیث 2.

خود در جهت رشد مادی و معنوی حیات خود استفاده کند. سلب مالکیت خصوصی علاوه بر رکود انگیزه مادی، مانع پرورش و رشد انگیزه های معنوی و ارزش های والای انسانی و اجتماعی و انجام انفاق، احسان، ایثار و سایر وظایف مالی انسان نیز می شود. آیه 177 سوره بقره به این واقعیت اشاره دارد. در مبانی اسلامی، مالکیت فردی منابع طبیعی، مشروط بر این که کار اقتصادی روی آن انجام گیرد، پذیرفته شده است، اما حق عموم جامعه بر حق فرد، مقدم است و هرگونه فعالیت در بخش خصوصی که ضربه ای به حقوق عامه مردم و جامعه و یا ارزش های اسلامی وارد سازد، ممنوع است و حاکم اسلامی وظیفه دارد از آن جلوگیری کند. بر همین اساس، خداوند برای جلوگیری از گردش مال در دست اغنیا می فرماید: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»⁽¹⁾ نتیجه این امر توزیع ثروت های طبیعی، بین قشرهای کم درآمد است.

همچنین فیء و منابع طبیعی برگشت داده شده به پیامبر اعظم (ص) باید در بین طبقات مختلف کم بضاعت تقسیم گردد تا این نوع ثروت ها، فقط در دست طبقه اغنیای جامعه در جریان نباشد. مالکیت خصوصی همواره حقی در مرتبه بعد از حق عموم جامعه در نظر گرفته شده، چنان که در آیه 5 سوره نساء آمده است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» این آیه دستور می دهد اموال سفیهان را به آنها ندهید؛ چون قوام جامعه به این اموال وابسته است. بنابراین، باید تحت اشراف و هدایت شما، از آنها بهره برداری شود، تا بر خلاف مصالح فردی و اجتماعی به مصرف نرسد. در فقه اسلامی همه مردم در آباد کردن زمین، به دست آوردن نعمت های خدادادی و بهره گیری از مباحات مساوی هستند؛ چه مرد باشند چه زن، مسلمان باشند یا غیر مسلمان.⁽²⁾ همه انسان ها مالک دسترنج خویشند.

اسلام، در فعالیت های اقتصادی اصل را بر آزادی و اختیار افراد قرار داده و حتی هیچ حد و مرزی هم برای مقدار و میزان ثروت معین نکرده است. به همین جهت افراد هر

ص: 296

1- حشر/7.

2- ر.ک.: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 25، ص 412

مقدار که از مسیر حلال به دست آورند، کسی حق تعرض به آنها را نخواهد داشت، تا جایی که عنوان «کنز» و اضرار به غیر بر آن صادق نباشد. این مسأله در فقه اسلامی میان مسلمانان به قدری معروف و مشهور است که می توان گفت از بدیهیات اولیه اقتصاد اسلامی است. (1)

از دیدگاه شهید سید محمدباقر صدر، آنچه که نظام اقتصادی اسلام را از دیگر نظام ها جدا می سازد، اصول سه گانه مالکیت مختلط، آزادی اقتصادی در کادر محدود و عدالت اجتماعی است. به همین جهت اسلام، هم زمان، مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی و مالکیت دولت را همراه هم پذیرفته، از هیچ کدام به عنوان امر ضروری و استثنایی تعبیر نمی کند، آن چنان که سرمایه داری گاهی تن به مالکیت عمومی و نیز نظام سوسیالیستی گاهی تن به مالکیت فردی می دهد. از این رو، شهید صدر معتقد است: «به همین علت، اشتباه است که جامعه اسلامی را یک جامعه سرمایه داری بنامیم؛ اگرچه نسبت به بعضی از اموال و ابزار تولید، مالکیت خصوصی اعطا کرده است... و نیز اشتباه است بر جامعه اسلامی نام جامعه سوسیالیستی بگذاریم. اگرچه اسلام، اصل مالکیت عمومی را نسبت به بعضی از ثروت ها و سرمایه ها پذیرفته است. همچنین اشتباه است که جامعه اسلامی را ترکیبی از سیستم سرمایه داری و سوسیالیستی بدانیم؛ چون تنوع اشکال مالکیت، در جامعه اسلامی بدین معنا نیست که نظام اقتصاد اسلامی، ترکیبی است از سیستم سرمایه داری و سوسیالیستی... بلکه این تنوع اشکال مالکیت، حکایت از یک رأی قاطع عملی و اصیل می کند که بر پایه و اصول فکری معینی پی ریزی گشته است.» (2)

به بیانی اسلام در مکتب اقتصادی خود گونه های مختلفی از مالکیت، شخصی، دولتی و عمومی را پذیرفته و برای هر یک اصالت قائل شده است و اسلام در این باره با سرمایه داری و سوسیالیسم در نوع مالکیتی که پذیرفته تفاوت اساسی دارد. سرمایه داری به عنوان یک قاعده عمومی فقط به - مالکیت شخصی - اعتقاد دارد و مالکیت عمومی را تنها در شرایط خاصی که ضرورت های اجتماعی اقتضای کند می پذیرد، نقطه مقابل

ص: 297

1- ابوالقاسم گرجی، قاعده تسلیط، مجموعه مقالات فارسی دومین مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی، ج 1، ص 123.

2- سید محمدباقر صدر، اقتصادنا، ترجمه محمدکاظم موسوی، ج 1، ص 135.

سرمایه داری سوسیالیسم است که قاعده عمومی را مالکیت اشتراکی می داند و مالکیت شخصی را جز به صورت استثنا و در موارد نادر می پذیرد. در این میان مکتب اقتصادی اسلام یک امر التقاطی از این دو نوع مکتب اقتصادی - سرمایه داری و سوسیالیستی - نیست؛ سرمایه داری مالکیت خصوصی را نتیجه قهری و حق طبیعی انسان مداری می شمارد. اما اسلام مالکیت خصوصی را موهبتی از سوی خدای سبحان که مالک همه چیز است می داند؛ اسلام در مالکیت دولتی نیز همین بینش را دارد، در حالی که سوسیالیسم براساس اعتقاد به اصالت جامعه در مقابل فرد مالکیت دولت را به عنوان نماینده جامعه می پذیرد ولی در اسلام آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی یکی از مبانی اقتصادی اسلام است. هر فرد از دیدگاه اسلام می تواند در انواع فعالیت های اقتصادی برای رسیدن بشر به سعادت و کمال شرکت داشته باشد و این نیز محدود به حدود الهی است. با توجه به تعریف فوق در اسلام:

اولاً، مالکیت خصوصی امضا شده و مورد تایید است. ثانیاً، توسعه و گسترش اموال به دو صورت است: یک وقت هدف از ازدیاد ثروت حفظ آبرو، خدمت به دیگران و انجام نیکی هاست؛ چنین توسعه ای هرگز مذمت نشده، بلکه مورد تشویق قرار گرفته است؛ ولی اگر هدف حرص، لذت پرستی، جاه و شهوت و... باشد، چنین توسعه و ازدیاد ثروتی از نظر اسلام و خردمندان مورد مذمت و توبیخ است. حضرت علی (ع) می فرمایند: «در به دست آوردن دنیای پست از هم سبقت می گیرند و بر سر مردار متعفن با هم به نزاع می پردازند»⁽¹⁾ ثالثاً، همچنان که در اسلام به رشد و تکامل معنوی توجه شده، به گسترش زمینه های اقتصادی نیز تاکید شده است؛ چون

معنویت و مادیت با یکدیگر عجین شده اند. فرهنگ و معنویت یک جامعه، می تواند زمینه رفاه و رشد اقتصادی آن را فراهم کند؛ همچنان که رشد و رفاه اقتصادی، می تواند زمینه ساز تعالی فرهنگ و معنویت باشد. باید توجه داشت که اسلام در نهایت رشد اقتصادی را وسیله شکوفایی استعداد و شخصیت

ص: 298

معنوی انسان می‌داند. امیر مومنان (ع) که در نهج البلاغه آن همه از دنیا مذمت فرموده اند، عائدات املاکشان در سال به چهل هزار دینار می‌رسید؛ ولی همه این ثروت را وقف نیازمندان و فقرا می‌کردند. (1)

رابعا، دقت در نکات گذشته، این حقیقت را به اثبات می‌رساند که گرچه ارکان سعادت و کمال انسان در مسائل اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ ولی بدون شک یکی از پایه‌های سعادت انسان، رشد و رفاه اقتصادی است. به تعبیری داشتن ثروت برای سعادت شرط کافی نیست ولی شرط لازم است. افزون بر بعد اقتصادی، انسان نیازمند اخلاق، علم، هنر، تعهد مذهبی و... نیز می‌باشد و از آن جا که اسلام به سعادت و کمال انسان می‌اندیشد، نمی‌تواند به بعد اقتصادی بی‌اعتنا باشد. (2) از طرفی در پذیرش دامنه مالکیت خصوصی شهید صدر معتقد است از آنجا که اسلام پایه اصلی مالکیت را «کار» قرار داده و آن را وسیله اصلی تولید ثروت به حساب آورده دو نتیجه زیر را بر آن مترتب کرده است:

1- تجویز پیدایش مالکیت خصوصی در زمینه اقتصادی؛ زیرا اگر کار اساس مالکیت باشد، طبیعی است که باید برای کارگر نسبت به کالاهایی که در تولیدشان دخالت داشته و به آن مالکیت داده است، مالکیت خصوصی پدید آید، مانند مزروعات و منسوجات و دیگر تولیدات.

2- ره آورد دیگری که از پایه «کار، سبب مالکیت است.» بدست می‌آید، محدودیت زمینه مالکیت خصوصی است. لازم است حدود مالکیت خصوصی بر اموالی باشد که کار بتواند در ایجاد یا شکل آن دخالت داشته باشد؛ به این ترتیب، اموالی که کار هیچ گونه تأثیری در آنها ندارد، به تملک خصوصی در نمی‌آید. (3)

ص: 299

-
- 1- انساب الاشراف ((بلاذری))، ص 29
 - 2- (برای آگاهی بیشتر ر.ک: 1- اقتصاد ما، ج 1 و 2، شهید آیت الله صدر 2- اقتصاد، شهید آیت الله دکتر بهشتی 3- مقایسه ای بین سیستم های اقتصادی، ج 1 - 3، آیت الله مظاهری 4- خلاصه کتاب اقتصادنا، غلامرضا مصباحی 5- مکتب و نظام اقتصادی در اسلام، مهدی هادوی تهرانی 6- مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، نشر سمت 7- درآمدی بر اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، نشر سمت)
 - 3- همان، ج 2، صص 448 - 443.

در اصل چهل و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز درباره مالکیت خصوصی چنین آمده است: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.» همچنین اصل چهل و چهارم، بخش خصوصی را یکی از ارکان سه گانه نظام اقتصادی اسلام به شمار می آورد: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.» بی تردید پرداختن به زوایای گوناگون اقتصاد اسلامی و احکام مربوط به آن، نیازمند پژوهشی عمیق و علمی است که در جای خود به آن پرداخته شده و برخی متفکران را به کاوشی نو در این زمینه واداشته است.

اسلام برای زن حق مالکیت قائل شده و زن می تواند مالک اشیای منقول و غیر منقول باشد، حق خرید و فروش و واگذاری اموال خود را دارد و می تواند آنگونه که می خواهد، وصیت نماید؛ در حالی که دولت های بزرگ و پیشرفته جهان و مدعیان آزادی ملت ها، در آستانه سده بیستم به بخشی از حقوقی که اسلام برای زن مقرر داشته، رسیده اند. اساساً آزادی مالکیت برای همه افراد امت تأمین شده است، بدان شرط که به قواعد شرع پایبند باشند. آزادی مالکیت، مطلق نیست بلکه مقید است به توانایی تصرف در آن. بنابراین، تصرف «محتجور» و تصرف در مال در موارد غیر عقلانی، نادرست است. بر همین اساس، کیفرهای شرعی مانند سوزاندن شراب خانه ها و خانه های فساد قابل توجیه است، چنان که کسی ملک بدون صاحبی را به تصرف درآورد و تا زمان معقولی نتواند از آن بهره برداری کند، دیگر مالک آن نخواهد بود؛ مثلاً اگر کسی زمین بایری را تجهیز کند و آن را متصرف شود؛ اما تا سه سال نتواند آن را احیا نماید، بنا به نظر برخی از فقها آن زمین از تصرف وی خارج می شود.⁽¹⁾

ص: 300

1- ر.ک.: شیخ حر عاملی، الوسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، ج 17، ص 345؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، نشر دار المورخ العربی، ج 13، ص 305.

به طور خلاصه از آنچه گذشت بر می آید: در فضای باز و روشن اسلامی، هر انسانی می تواند بر دستاوردهای اقتصادی خویش تسلط یابد: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (1) یعنی: مردان از آنچه به دست می آورند بهره ای دارند و زنان نیز به همین سان از دستاورد خود بهره دارند. باید توجه داشت که قرآن کریم هر جا بر اهمیت یک امر مشترک میان زن و مرد تأکید دارد آن را برای هر یک، جداگانه، ذکر می فرماید. (2) در بسیاری از موارد، قرآن امر مشترک میان زن و مرد را با یک عبارت بیان می کند؛ اما در نمونه های برجسته، برای هر یک عبارتی ویژه می آورد. از اینجا می توان دریافت که آزادی کسب و استقلال اقتصادی از اهمیتی بسزا برخوردار است و گرنه خداوند می فرمود: «لِكُلِّ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبَ.»

در اسلام، حق مالکیت فردی نسبت به درآمد و دارایی مشروع، حق افزودن بر دارایی از راه انجام مبادلات مورد تأیید شرع، محترم اما مالکیت از راه ظلم، غضب، سرقت، ربا، قمار، انجام اعمال فساد و فحشا و... ممنوع شمرده شده است. حق مصرف و استفاده از درآمد و دارایی، مطابق میل و رضایت مالک پذیرفته شده است، مشروط بر آن که در حد اسراف و تبذیر نباشد و به زیان جامعه و افراد دیگر منجر نشود و حقوق جامعه و سایر افراد در آن مراعات شده و کالا یا خدمت مصرفی از دیدگاه اسلام ممنوع و حرام اعلام نشده باشد. همچنین بهره مندی از ارث و ارث گذاردن دارایی ها، بخشش اموال به دیگران، انفاق و صدقات و انجام کارهای خیر از درآمد و دارایی شخصی مجاز شمرده شده بلکه بر مصارف خیر و انفاق، تأکید فراوان گردیده است. از این رو، آزادی اقتصادی در اسلام در چهارچوب خاصی از ارزش ها، توصیه ها و مقررات، پذیرفته شده و دولت اسلامی موظف است این آزادی را حفظ، حراست و حمایت کرده و مانع از سوء استفاده افراد از این آزادی ها شود. بدین منظور، حکومت اسلامی حق ارشاد، نظارت و کنترل و در صورت لزوم، حق مداخله و ایجاد محدودیت های لازم را دارد. این حق از باب ولایت حاکم بر

ص: 301

1- نساء/ 32.

2- برای دیدن نمونه ای مشابه ر.ک.: حجرات / 11.

جامعه اسلامی است که باید سلامت روابط اقتصادی و جهت گیری آن را در مالکیت مد نظر داشته باشد.

28) کم و کیف بانکداری اسلامی و دلایل برتری آن:

گر که طبق شرع شود بانکداریها وفق مراد * اقتصاد را می برد در راه حق با عدل و داد

دان چنین بانکداریها رونق دهد به گسب و کار * وضع بازار را کند پر شور و دور از هر کساد

تصور اینکه دفاع از بانکداری اسلامی فقط ناشی از احساسات و ادعای دینی است اشتباه است. زیرا دلایل اقتصادی متعددی وجود دارد که سیستم مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان به تجمیع بهتر پس اندازها و به کارگیری منابع مالی بانکی در بهترین کاربردهای ممکن می انجامد و به دنبال آن باعث عدالت در توزیع درآمد و تقویت روحیه مشارکت میان دارندگان پول و پس انداز کنندگان می گردد. در حالی که در غیر آن روحیه منفی گرایانه وجود دارد. بانک های اسلامی طی یک ربع قرن یا شاید بیشتر، در کشورهای اسلامی به تجمیع پس اندازهای کسانی همت گمارده اند که به خاطر اعتقادشان به حرام بودن بهره از تعامل با بانک های سنتی پرهیز نموده اند.

در بانکداری اسلامی نه تنها دریافت سود (آنچه را نامیده می شود) ممنوع است، بلکه اوراق قرضه، عقود مدت دار و قراردادهای بانکی خاص، به شکل رایج در غرب، به عنوان مثال در بانک های آمریکایی، نیز وجود ندارد. همچنین بر اساس قوانین بانک های اسلامی، فرد نمی تواند چیزی را معامله کند که هنوز وجود خارجی ندارد یا خود مالک آن نیست. این عاملی است که به گفته برخی کارشناسان، از خطر فروریختن "دومینو" گونه بانک ها، شبیه آنچه در بحران مالی در بانکهای آمریکایی و اروپایی اتفاق افتاد، می کاهد. البته این را نیز نباید از نظر دور داشت که رابطه بانکهای اسلامی با تجارت و دادوستد دیگر سیستم های بانکی و مالی، به همین نسبت محدودتر است.

بانک های اسلامی در مقابل، سود مورد نیاز برای بقای خود را از راههایی همچون بستن قراردادهای مشارکتی تأمین می کنند. بدین ترتیب که بانک در یک پروژه به عنوان شریک وارد می شود و سهمی از سود حاصل دریافت می کند؛ البته اگر پروژهها با شکست مواجه شود، دارایی بانک نیز از بین خواهد رفت. این بانک ها از طریق ابزارهای تأمین مالی جدید بر گرفته از عقود اسلامی مانند مرابحه، اجاره، مشارکت و... در تأمین مالی تعداد زیادی از پروژه های کوچک و متوسط موفق بوده اند که در شرایط عدم وجود بانک های اسلامی چنین پروژه هایی نمی توانستند در سیستم بانکی موجود (که بر شایستگی اعتباری و ضمانت های مالی استوارند) به منابع مالی مورد نیاز دست یابند. این در حالی است که کمک به چنین پروژه هایی اقدامی مهم در روند توسعه ی اقتصادی و اجتماعی می باشد.

در همه عملیات بانکی دو عمل تجهیز منابع و مدیریت مصارف از جمله اصلی ترین عملیات بانکی است که بانک را به صورت یک واحد مالی از دیگر واحدهای اقتصادی متمایز می کند. نظام بانکداری بدون ربا نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بانک اسلامی نیز نظیر سایر بانک ها با استفاده از منابع پس انداز گروهی از افراد جامعه، نیازهای مالی دیگر گروه ها را تأمین می نماید. بدین ترتیب از نقطه نظر

اتکا بر منابع پس انداز جامعه، تفاوتی بین بانکداری سنتی متداول در کشورهای دیگر با بانکداری بدون ربا وجود ندارد، لیکن آنچه که بانکداری بدون ربا را از بانکداری سنتی متمایز می کند ماهیت و شکل آن است. اصولاً شیوه های رفتاری در چارچوب روابط حقوقی که بین بانک و مشتری به وجود می آید شکل می گیرد. البته آن دسته از عملیات بانکی که تابع اصول و ضوابط مشابهی هستند، چه در محیط اسلامی و چه غیراسلامی، نبایستی از یکدیگر متفاوت باشند؛ چراکه آن دسته از رفتار یا روابط حقوقی بین بانک و مشتری که با موازین اسلامی در تعارض نباشند در محیط اسلامی هم پذیرفته شده اند.

امروزه در تمام دنیا از تأمین مالی خرد Micro Finance سخن به میان آمده و سعی می شود بین انتظارات بانک ها (در مورد تضمین و...) و نیازهای مالی پروژه ها و کارگاههای

کوچک هماهنگی به عمل آید. اخیراً بانک های سنتی به حوزه ی تأمین مالی پروژه های کوچک روی آورده اند، اما با احتیاط شدید و با همکاری شرکت های بیمه و شرکت های تضمین سرمایه گذاری و همچنین با دقت در تعریف پروژه های کوچک، تاريسک تأمین مالی آنها به حداقل برسد. اما این ورود بانک های سنتی با آنچه بانک های اسلامی در این زمینه کرده اند فاصله ی زیادی دارد و هنوز برای بانکهای اسلامی فرصت های زیادی وجود دارد تا با استفاده از ابزارهای مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان خود، نقش فعال تر و بزرگ تری ایفا نمایند. به طور کلی در بررسی و مقایسه بانکهای سنتی و اسلامی و میزان موفقیت آنها در توسعه اقتصادی و جذب سپرده ها می توان به موارد ذیل اشاره نموده :

الف) نقش بانک-ای سنت-ی در ت-وس--ع: قبل از ورود به بررسی امکانات بانکهای اسلامی برای مشارکت در توسعه ی اقتصادی به توضیح چند نکته در مورد بانکهای سنتی پرداخته می شود.

1- این بانک ها در تأمین مالی پروژه های تولیدی مشارکت می نمایند؛ اما برای آنها مهم نیست که این پروژه ها به تولید کالا و خدمات مشروع می پردازند یا تولید کالا ها و خدماتی که حرام هستند.

2- چون بانک های سنتی به دنبال حداکثر نمودن سود خود از طریق مابه التفاوت بهره ی وام و سپرده هایشان هستند از پرداخت تسهیلات مالی به فعالیت هایی که در فرآیند توسعه از سایر فعالیت ها سهم بیشتری دارند نا توان می باشند. حتی در این بانک ها سیاست هایی (در مقایسه با افرادی که صرفاً برای مبادلات پولی و با هدف منفعت شخصی وام می گیرند) وجود ندارد که بر اساس آن به فعالان اقتصادی که به فعالیت های تولیدی مفید برای کشورشان مشغول هستند تسهیلات مالی پرداخت گردد. گاهی اوقات به کارگیری وام های بانکی در مضاربه های مالی صیرف، به منظور کسب سود فوری به ناسامانی بازار اوراق مالی منجر می شود ولی بانک به این موضوع اهمیتی نمی دهد و به خاطر ماهیتش (دریافت سپرده و پرداخت وام) خود را مسئول نمی داند. بعضی

اوقات نیز این بانکها به کسانی وام می دهند که منابع پولی را برای تأمین منافع شخصی بیشتر به خارج از کشور منتقل می کنند. در این صورت نیز (اگر بانک عامل از بانک مرکزی دستوری برای منع چنین فعالیتی دریافت نکند) بانک اهمیتی نمی دهد. البته اگر متقاضیان وام از تجار و ثروتمندان مشهور باشند که هر چند گاه ضمانت های کم ارزشی به بانک ارائه نمایند. اما شریعت اسلامی ما را ملزم می کند که منابع مالی خود را با دقت و به درستی به کار گیریم و قاعده ی عمومی معروف در این زمینه آیه « و لا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا » (1) است. مشخص است که سفیه مورد اشاره در آیه فقط بچه ی نابالغ یا فرد ناقص العقل نیست؛ بلکه شامل هر کسی است که منابع مالی را به صورتی استفاده می کند که به خودش یا دیگران ضرر می رساند و مفید نیست.

3- بانک های سنتی تحت شرایطی خاص، در تأمین مالی بعضی از پروژه های سرمایه گذاری با ماهیت اجتماعی سهیم بوده اند (مانند مصر دهه 1960 و بعد از آن). اما این مشارکت به خاطر فشار و الزام قدرت های اقتصادی و آموزش مستقیم آن توسط بانک مرکزی صورت گرفته و پس از آن، این بانکها در تأمین منابع مالی مورد نیاز برای پروژه های مربوط به توسعه انسانی و اجتماعی مشارکت نکرده اند. زیرا معیار فعالیت این بانک ها از روز اول (اواخر قرون وسطی) معیار اقتصادی صرف بوده است که به ابزارهای بازار و توانایی مالی وام گیرندگان بستگی دارد.

اگر چه ممکن است بانک های سنتی با تکیه بر ابزار های بازار و توانایی و اعتبار مالی مشتریان به تأمین مالی پروژه های توسعه اقدام نمایند اما این توسعه از دیدگاه اسلامی نمی تواند یک توسعه سالم و متعادل باشد، زیرا بر اساس معامله ربوی بنا شده که خداوند آن را حرام نموده است « یمحق الله الربا و یربی الصدقات والله لا یحب کل کفار اثمیم » (2) و در شرایطی که صاحبان پروژه های سرمایه گذاری (بدون اراده ی شخصی) دچار

ص: 305

1- نساء-5

2- بقره، 276

ورشکستگی شوند از طرف بانک برای آنها مشکلاتی پیش می آید که مخالف فرمان خداوند است که می فرماید «فإن كان ذو عسره فنظرة إلی میسره» (1)

(ب) امکان-ات و ظرفیت بانک ه-ای اس-لامی ب-رایمشارکت در توس-عه:

1- بانک های اسلامی توانایی بیشتری برای جلب وجوه نقدی قابل سرمایه گذاری دارند زیرا مبنای آنها مشارکت است. در مورد این فرضیه لازم است به نتایج تحقیقاتی اشاره شود که نشان می دهند تغییرات نرخ بهره بر حجم کلی پس انداز بی تأثیر است. در مجموع آن دسته از تحقیقات اقتصادی که به آزمون رابطه ی بین تغییرات نرخ بهره ی واقعی و پس انداز در کشورهای در حال توسعه پرداخته است نشان می دهد که این رابطه یا بسیار ضعیف است و یا در اکثر موارد معنا دار نمی باشد. اما در ارتباط با بانک اسلامی، ابزار «مشارکت» نشان می دهد که این مؤسسه برخلاف بانکهای موجود، واسطه بین پس اندازکنندگان و سرمایه گذاران به عنوان گروه های مستقل از یکدیگر نمی باشد. بلکه این مؤسسه واسطه ای است بین صاحبان وجوه اضافی (که مایل هستند وجوه خود را براساس مشارکت سرمایه گذاری نمایند) و تجاری که برای راه اندازی و استمرار فعالیت پروژه های خود (برهمن اساس مشارکت) به تأمین مالی نیاز دارند. در حالی که پس انداز کنندگان در بانک های سنتی انتظار دریافت بهره دارند، پس انداز کنندگان سرمایه گذار انتظار پاداش و بازدهی وجوه سرمایه گذاری شده خود را دارند و بازدهی سرمایه گذاری عبارت از «سودی» است که بعد از موفقیت سرمایه گذاری تعیین می گردد. بنابراین، این سود درآمدی است که به طور مستقیم با فعالیت تولیدی مرتبط بوده و ممکن است کم یا زیاد باشد. در نتیجه منطقی است افرادی که به دنبال سرمایه گذاری وجوه اضافی خود هستند با انتظار سود بیشتر انگیزه ی قویتری پیدا کنند. البته این موضوع در نظام بهره محقق نمی شود زیرا در بانک های سنتی برای افزایش نرخ بهره محدودیت های فراوانی وجود دارد از جمله، محدودیت هایی که بانک مرکزی برای تحقق اهداف اقتصاد کلان وضع می کند و یا محدودیت هایی که بانکهای تجاری به دنبال سیاست های اعتبار و

ص: 306

توانایی باز پرداخت (Solvency) اعمال می نمایند. بنابراین نرخ های سود آوری در شرایط مشارکت با انعطافی بیش از نرخ های بهره در شرایط تأمین مالی مبتنی بر وام (با بهره) تغییر می کند و در نتیجه توانایی بیشتری برای جذب پس اندازها به منظور سرمایه گذاری در سیستم بانکداری اسلامی وجود دارد. تجارب بانکی نوین در دنیای غرب نیز ثابت نموده است که سیستم های تأمین مالی مبتنی بر ریسک بیش از سیستم های مبتنی بر بهره رواج و گسترش می یابد. هم چنان که تجارب بازارهای مالی در کشورهای مختلف نشان می دهد که شرکت های سهامی موفق «بر اساس سود تقسیم شده» از طریق انتشار سهام توانسته اند پس اندازهای افراد را برای تأمین نیازهای مالی خود به خوبی جذب نمایند.

2- بانک اسلامی توانایی بیشتری برای تخصیص منابع پولی به بهترین کاربردهای مربوط به اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. آنچه در میان مردم شایع می باشد این است که سیستم بهره همانند یک صافی پروژه های ناکارآرا کنار زده و فقط پروژه هایی را حمایت می کند که بازدهی بالا و در نتیجه توانایی پرداخت بهره ی متعلقه را دارند. پس ابتدا چنین پروژه هایی می توانند بیشترین وام بانکی را دریافت کنند و به دنبال آنها پروژه های کم بازده تر. ولی پروژه های دارای بازدهی پایین که نرخ بازدهی آنها کمتر از نرخ بهره است نمی توانند به منابع بانکی دست یابند و این موضوع بنا بر نظریه کارآیی نهایی سرمایه گذاری درست است. یعنی اگر نرخ سود مورد انتظار در طول عمر پروژه ی سرمایه گذاری از نرخ بهره ی تعیین شده کمتر باشد تمایلی برای گرفتن وام از بانک وجود نخواهد داشت.

بر خلاف بانک سنتی، بانک اسلامی از تأمین مالی پروژه های نو یا پروژه های کوچکی که استحقاق تأمین مالی آنها بر اساس مولد بودن و کارآیی مدیران آنها در خلال مطالعات به اثبات رسیده است، خودداری نمی کند. بدون تردید بانک اسلامی (بر اساس تعریف متکامل آن و در شرایط یک اقتصاد اسلامی) به خاطر منافع اجتماعی از سوی بانک مرکزی حتی برای تأمین مالی پروژه هایی با بازدهی نسبتاً پایین توجیه می شود. اما از

سوی دیگر به دلیل اینکه بانک اسلامی در سود تحقق یافته شریک می شود، پس برای افزایش سود حلال سعی می کند تامین مالی پروژه های دارای بازدهی بالاتر را بر پروژه های دارای بازدهی پایین ترجیح دهد.

در نتیجه هر گاه نرخ های بازدهی انتظاری طرحها بر اساس اصول درست برآورد گردیده و با در نظر گرفتن ریسک (در محاسبات) همراه شود کارا تر بوده و به تخصیص بهینه منابع مالی برای سرمایه گذاری در جامعه نزدیکتر می شود. ممکن است گفته شود با توجه به توضیحات بالا، اختصاص تسهیلات به پروژه های یاد شده، از هدف بهترین تخصیص منابع پولی سپرده شده به بانک اسلامی دور می شویم. ولی با توجه به اینکه قبلاً نیز عنوان شد که یکی از وظایف بانکداری اسلامی همراهی طرحها و سود اجتماعی و توزیع مناسب درآمد است می توان گفت با در نظر گرفتن سود اجتماعی (Social Profit) به جای سود خصوصی (Private Profit) در صورت نیاز و مطابق روش اسلامی در اولویت گذاری سرمایه گذاریها، این موضوع، انحراف (از کاربرد بهینه ی تخصیص منابع پولی) نمی باشد. در واقع سیستم بانکی موجود به خاطر تکیه بر ابزار نرخ بهره توانسته و نخواهد توانست در کشورها ی در حال توسعه منابع را به کاربردهای مولدتری اختصاص دهد.

عده ای معتقدند که مدیریت نرخ بهره (به خاطر توانایی بانک های سنتی در تخصیص اعتبارات به بهترین کاربردهای ممکن) احتمالاً به نتایج بهتری می انجامد اما بر عکس. زیرا مکتب اقتصاد کلان (Macro Economics School) مبتنی بر مدیریت نرخ بهره به نتایج ناگواری انجامیده است و دلیل آن این است که نرخ بهره تأثیرات هم زمانی بر روی اقتصاد ملی و فعالیت بانکی می گذارد و در نتیجه نمی توان برای تخصیص بهینه ی اعتبارات بانکی، نرخ بهره را به راحتی افزایش یا کاهش داد. بانک مرکزی نیز برای تغییر نرخ بهره در مقابل محدودیت ناشی از بدهی های عمومی داخلی و تراز پرداخت ها قرار دارد و این محدودیتی است برای تغییر نرخ بهره به منظور تخصیص اعتبارات بانکی. حتی به نسبت اهداف بانکی، نرخ بهره یک شمشیر دو لبه است. زیرا اگر نرخ بهره به منظور افزایش سپرده ها افزایش داده شود از سوی دیگر به کاهش استقراض برای سرمایه گذاری می

انجامد در حالی که بانک برای پوشش بهره های پرداختی به سپرده گذاران لازم است از وام گیرندگان بهره دریافت نماید.

مطالعات اقتصادی نشان می دهد که سیاست های تغییر بهره در دهه های 60، 70 و 80 میلادی به تخصیص هرچه بیشتر اعتبارات بانکی به نفع مشتریان بزرگ (وام های بزرگ) و ضرر مشتریان کوچک، و همچنین ترجیح شرکت های بخش دولتی بر شرکتهای بخش خصوصی انجامیده است. در یکی از گزارش های بانک جهانی آمده است که مدیریت نرخ های بهره به همراهی سیاست های اعتباری گزینشی ممکن است به نفع اهداف معینی باشد اما به طور کلی بر روی پس انداز کنندگان یا سرمایه گذاران (سپرده گذاران و وام گیرندگان) تأثیر منفی دارد. این سیاست ها در بعضی از کشورهای در حال توسعه ی با نرخ تورم بالا حتی به کاهش کارایی سرمایه گذاری و کاهش پس اندازها و استفاده ی ناکارآی منابع انجامیده است. اما ابزارهای مشارکت با این موانع مواجه نشده و به این مشکلات نمی انجامد، مشروط به آنکه مردم انتظار پاداش سرمایه هایشان را بدون ریسک سرمایه گذاری در فعالیت های تولیدی نداشته باشند.

مشتریانی که برای سرمایه گذاری در بانک های اسلامی سپرده گذاری می کنند می توانند به همراه مجریان پروژه های سرمایه گذاری از سود بیشتری بهره مند شوند و در اینجا تعارض (منافع سپرده گذار و وام گیرنده) موجود در بانکهای سنتی وجود ندارد و در صورتی که نرخ های سود انتظاری بعضی از پروژه ها پایین باشد صاحبان سپرده های سرمایه گذاری می توانند از تأمین مالی آن ها پرهیز کنند و یا در صورتی که جایگزین بهتری وجود نداشته باشد به تأمین مالی آنها اقدام کنند. بنابراین در بانکداری اسلامی یک مکانیسم درون زا و با انعطاف پذیری بالا برای تخصیص منابع پولی وجود دارد و این ناشی از توجه به ابزارهای مشارکت می باشد. در این میان واقعیت کشور های اسلامی که جزیی از کشورهای در حال توسعه هستند نشان می دهد که در اقتصاد های آنها اختلالات ساختاری وجود داشته و اصول بانکداری اسلامی به طور کامل اجرا نشده و به

همین خاطر منابع اقتصادی به گونه ای دور از کارایی توزیع و تخصیص یافته است. از اصلی ترین این تخطی از اصول بانکدای اسلامی به موارد زیر می توان اشاره نمود:

- به خاطر دستیابی تجار بزرگ و ثروتمندان به بخش بزرگی از منابع مالی بانکها

- به خاطر اختلال های ناشی از ابزارهای بازار و قیمت ها

- به خاطر الگوهای نادرست مصرفی

3- بانک اسلامی با تخصیص منابع پولی بر مبنای تولید و کارایی اقتصادی، به طور مستقیم در توزیع عادلانه در آمد ملی توأمان با توسعه اثرگذار است در حالی که موضوع عدالت در توسعه اقتصادی مورد توجه بانک های سنتی نمی باشد. در مورد فرضیه سوم، بر کسی پوشیده نیست که تأمین مالی از سیستم بانکی در میان انواع تأمین مالی جایگاه ویژه ای یافته است. همچنین بر کسی پوشیده نیست که هر کس به منابع مالی بیشتری دست یابد فرصت بیشتری برای افزایش درآمد پیدا می نماید و بر عکس. از اینجا می توان تأثیر جدی توزیع ناعادلانه ی منابع مالی بانکی را بر ساختار توزیع در آمد ملی هر جامعه ای بر آورد کرد.

اگر گفته شود مشتریان بزرگ همیشه کارآتر هستند و مشکلی نیست که سهم بزرگی از منابع مالی و درآمد ملی به آنها اختصاص یابد، این حرف را نه منطق تئوریک و نه واقعیت هیچکدام تأیید نمی کنند. البته بانک های مبتنی بر بهره ضرورتاً پروژه های کارآتر و پر بازده تر را تأمین مالی نمی کنند. از سوی دیگر سیستم مشارکت که لازم است بانک اسلامی براساس آن فعالیت بنماید بر شایستگی مالی (خوش حسابی) صاحبان پروژه های سرمایه گذاری متکی نیست (اگر چه می تواند به این موضوع هم توجه کند) بلکه اصولاً به ارزیابی اقتصادی پروژه و اطمینان از جدیت، تخصص و کارایی صاحبان پروژه توجه می نماید. اینجاست که بانک اسلامی برای خروج از مشکل تخصیص منابع مالی فقط به واجدان شایستگی مالی باب جدیدی باز می کند و از این طریق راه توزیع بهتر درآمد را باز می نماید

4- بر خلاف بانک های سنتی، بانک های اسلامی رفتارهای مثبت اندیشانه را تشویق می نمایند که برانگیزاننده ی فرایند توسعه می باشد. ثابت شده است که سیستم بهره به خاطر تشویق رفتارهای منفی گرایانه (و بنابراین توزیع نا عادلانه درآمد ملی به نفع افراد تنبل، تن پرور و منفی و به ضرر کسانی که اهل فعالیت و پذیرش ریسک و خستگی ناشی از تولید هستند) نقش بدی دارد. سیستم بهره از همان ابتدای قانونی شدن در اواخر قرون وسطی در اروپا، باعث افزایش تعداد کسانی شده است که بدون تحمل کمترین سختی در فعالیت های تولیدی و فقط با قرض (اجاره) دادن پول هایشان کسب درآمد می نمایند و به همین علت درآمد فعالیت های تولیدی به صورتی غیر عادلانه و ناکارآیین صاحبان وجوه نقدی (که معلوم نیست پول هایشان حاصل پس انداز، ارث، قانونی یا غیر قانونی است) و کسانی که کار و تولید نموده و در افزایش ثروت حقیقی جامعه سهیم اند تقسیم می شود ولی اسلام و سیستم بانکداری اسلامی مبتنی بر مشارکت این روش توزیع درآمد را نمی پذیرد.

بنابراین برای بهبود و تصحیح اوضاع فعلی، وجود بانک اسلامی، یک ضرورت جدی است. وجود بانک اسلامی و توجه آن به مشارکت فقط به معنی سهیم شدن در تحقق عدالت در توزیع درآمد بین صاحبان وجوه نقد قابل سرمایه گذاری و سرمایه گذاران نیست بلکه همچنین به خاطر توسعه ی رفتارهای مثبت در میان افراد است که این مهم در توسعه ی اقتصادی سالم و پایدار ضروری می باشد. زیرا معنای واقعی مشارکت آن است که طرفین با هم در تصمیم گیری فکر کنند و با هم مسئولیت بپذیرند نه اینکه فقط یک طرف فکر کند و هم او به تنهایی مسئولیت بپذیرد. به عبارت دیگر روش مشارکت، همگان را به فعالیت اقتصادی و این روش در نقطه مقابل سیستم ربوی است که می پذیرد یک طرف (بخشی از جامعه) فقط به خاطر پس انداز پول یا ثروت به ارث رسیده از دیگران (که ممکن است به صورت مشروع و قانونی یا به صورت غیر مشروع و غیر قانونی کسب شده باشد) بخواهد و فعالیت نکند. همچنانکه در یکی از گزارش های منتشر شده در پادشاهی بریتانیا در چهل سال پیش بیان گردیده ممکن است افزایش

تعداد شرکای خوابیده (Sleeping Partners) یکی از عوامل مهم کاهش رشد اقتصادی به حساب آید.

ج) اب-زارهای تأمین م-الی در بان-کداری اس-لامی وض-رورت تح-ول آن: براساس مطالعات و پژوهش های صورت گرفته (توسط مدافعان و مخالفان)، فعالیت بانکهای اسلامی دیوار فعالیت بانک های سنتی را به هم زده و با روش و ابزارهای جدید (نسبت به بانکداری مبتنی بر بهره) توانسته است گروه وسیعی از پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران را به میدان فعالیت بانکی وارد نماید. در حالی که این گروه قبلاً سهمی از فعالیت در سیستم بانکی نداشتند. اغلب این افراد کسانی هستند که از معامله مبتنی بر بهره پرهیز نموده و دلیلی برای افتتاح حساب در بانکهای سنتی ندارند (مخصوصاً در شرایطی که پس انداز آنها متوسط یا کم باشد). اگر چه بانک های سنتی برای این گروه اهمیتی قائل نبوده اما بانک های اسلامی آنان را به پس انداز و سرمایه گذاری تشویق نموده است. موضوع به گونه ای است که کسی نمی تواند در مورد رشد سریع منابع مالی بانک های اسلامی که از طرف این گروه (صاحبان پس اندازهای کوچک و متوسط و افرادی که از معامله ی مبتنی بر بهره خودداری می کنند) تأمین می شود، تردید نماید.

از سوی دیگر، بانک های اسلامی فرصت تأمین مالی را برای صاحبان پروژه های کوچکی فراهم نموده اند که در تمام دنیا معمولاً به پس انداز های شخصی، خانوادگی، اقوام و دوستان وابسته اند و در صورت بروز هر گونه مشکلی در زمینه مالی به ناچار سر از بازار غیر رسمی استقراض و ربای فاحش در می آورند، بازاری که در مطالعات تخصصی مدیریت آن را مارهای قرض می نامند و گاه در آن نرخ غیرقابل تحمل است. بنابراین حتی اگر کسانی به عدم کارایی بانک های اسلامی معتقد باشند نمی توانند این نقش مهم بانک های اسلامی را انکار کنند. شاید موفق ترین تجارب تأمین مالی پروژه های سرمایه گذاری کوچک، تجربه ی بانک اسلامی فیصل شعبه ی اُم درمان و بانک جیرمین باشد هر چند که موارد موفق در کشورهای اندونزی، بنگلادش، مالزی، مصر، اردن و... وجود دارد، اما با این وجود، بانک های اسلامی برای تحقق کامل اهداف خود، راهی طولانی

برای پیمودن پیش رو دارند. موفقیت این بانک ها در خدمت به توسعه در گرو سه شرط زیر است:

(1) تغییر و بهبود روش ها و ابزارهای تأمین مالی برای زدودن هرگونه شبهه در مورد هویت اسلامی آنها

(2) افزایش کارایی در جذب منابع مالی و به کارگیری آن به گونه ای که به افزایش میزان و نرخ سود تحقق یافته بیانجامد.

(3) افزایش سهم و نقش آنها در روند توسعه ی اقتصادی و اجتماعی.

از سوی دیگر موفقیت بانک های اسلامی در ایفای نقش آنها، از دو جهت بستگی به هسته های سالم اداره کنندگان و فعالیت های آنها نیز دارد:

1- التزام به شریعت اسلامی و مقاصد شریعت در تمام معاملات و تصرفات و تلاش برای بیشترین کارایی در فعالیت ها. وقتی که کارایی مورد نظر تحقق یافت و موفقیت و سود بالا (در صورت کنار گذاشتن ربا) بر مبنای مشارکت سود و زیان حاصل شد دیگر کسی نمی تواند در توجیه پذیری اقتصادی این بانک ها تردید نماید و وقتی که این موفقیت بر اساس اصول شرعی سالم تحقق یابد آنان که از معامله با ربای صریح ابایی ندارند بر عملکرد این بانک ها خرده نمی گیرند که، این بانک ها نیز بر مبنای ربا عمل می نمایند.

2- و بالاخره برای موفقیت بانک های اسلامی در انجام نقش آنها، نیاز به فراهم شدن بستر و تلاش عمومی است چه در سطح خرد و چه در سطح کلان. که در آن برای احیای عمل به شریعت اسلامی بدون افراط و تفریط تلاش شود، بستری که از نظر شناخت فرهنگ اسلامی و درک عقیده ی آن مخصوصاً در زمینه ی رزق و معیشت، تکامل تدریجی امکان پذیر باشد. بستری که در آن از سوی قانون گذاران و بانک های مرکزی حمایت لازم برای مقابله با ربا صوت گیرد تا ربا خواران بر غیر ربا خواران ترجیح داده

نشوند. بستری که در آن نهاد های آموزشی و تربیتی بانک های اسلامی را در زمینه ی نیازهای نیروی انسانی کارآمد، کمک کنند. (1)

29) تقویت تولید و طبقه تولید کننده:

دان که تولید بوده اصل و هم اساس در اقتصاد * چون که با آن اقتصاد گیرد قوام و امتداد

دون تردید رونق تولید دهد کار را صفا * پس همه باید کنند از آن حمایت در بلاد

فعالیّت های تولیدی، عنصر اساسی در طلب روزی است و برای اهمیّت و تشویق به آن، می توان از آیات متعدّد قرآن کریم استفاده کرد. قرآن تصرّف در عوامل تولید و نهاد هایی که خداوند برای بشر خلق کرده، توصیه و به شکر این نعمت ها و استفاده درست از آنها تأکید و نیز دوری کردن از تصرّف در عامل تولید را پیروی از گامهای شیطانی دانسته است و نکوهش می کند. قرآن کریم با تذکر اینکه خداوند نعمت ها و منابع را بری شما آفریده، به جستجو در زمین برای طلب روزی، امر می فرماید و به «تهیه قوه» دستور داده است و خواستار آبادانی در زمین شده است و با بیان های مختلف، اهمیّت تولید و تشویق به آن را گوشزد کرده است. در بیشتر این آیات، هدف از تسخیر آسمان و زمین، خلقت شب و روز، فرستادن باد و باران و حرکت کشتی ها در دریاها، جستجو و طلب روزی معرفی شده است. (2) برای نمونه می فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ لِّمَنْ حَمَدَنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّمَنْ كَفَرَ لِيَتَّبِعُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِيَتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَلَّنَاهُ تَقْصِيَةً يَلًا: ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم. سپس نشانه شب را محو کردیم و نشانه روز را روشنی بخش ساختیم تا (در پرتو آن،) فضل پروردگارتان را بجوید (و به تلاش زندگی برخیزید) و عدد سالها و حساب را بدانید و هر چیزی را مشخص و آشکارا بیان کردیم» (3)

ص: 314

1- استفاده از سایتها (با تغییرات لازم)

2- ر.ک؛ عبّاس نژاد، 1384: 437-438

3- اسراء/ 12

«فضل» که جمع آن «فضول» است. (1) به معنای بیش از حد اعتدال است. (2) مقصود از فضل و زیادت در این آیه، مال است و آنچه که به دست می آید و کسب می شود. (3) «إِبْتِغَاءَ فَضْلِ اللَّهِ» در قرآن معمولاً به معنی رزق و کسب و کار مفید و ارزنده است. (4) خداوند بزرگ در این آیه می فرماید: «اگر ما آیت روز را روشن قرار دادیم، برای این است که انسان بتواند در آن، به موقع، رزق پروردگار خود را طلب کند، چون «رزق» فضل و عطای خدای تعالی است» (5)

تمهید مقدمات کار و تلاش، زمینه سازی برای آرامش و استراحت و پس از آن، روشنی بخشیدن و چراغانی کردن زمین برای جستجوی روزی، تشویق عملی برای فعالیت اقتصادی است. برآستی اگر روز روشن نمی بود و تاریکی شب کنار نمی رفت، چگونه امکان فعالیت اقتصادی و جستجوی روزی ممکن بود؟! نمونه دیگر را در آیه 49 سوره روم می توان مشاهده کرد که می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و از آیات (عظمت) خدا این است که بادهای را به عنوان مژده دهندگانی می فرستد تا شما را از رحمت خویش بچشانند (و سیراب کند) و کشتی ها به فرمایش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید. شاید شکر او را به جای آرید» مراد از «إِذَاقَهُ رَحْمَتًا» رساندن انواع نعمت ها است که بر وزیدن باد مترتب می شود، چون وقتی باد می وزد، عمل تلقیح در گل ها و میوه ها انجام می شود، و عفونت ها از بین می رود و جو زمین تصفیه می شود و نعمت هایی دیگر از این قبیل که اطلاق جمله همگی را شامل می شود. همچنین «...وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ...» یعنی بادهای را می فرستد تا چنین و چنان شود و نیز کشتی ها به امر او به حرکت درآیند، «وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ»، یعنی تا رزق او را که از فضل اوست، طلب کنید» (6)

ص: 315

1- ر.ک؛ ازهری، 1421ق.: ذیل «فضل»

2- ر.ک؛ راغب اصفهانی، 1412ق.: ذیل «فضل»

3- همان

4- ر.ک؛ مکارم شیرازی، 1374، ج 12: 46

5- طباطبائی، 1417ق.: ج 13: 51

6- طباطبائی، 1417ق.: ج 16: 199

از آیات دیگر می توان به (الفاطر/ 12؛ الجاثیه/ 12 و الإسراء/ 66) اشاره کرد. البته بادآوری می شود که در بعضی از آیات، واژه «ابتغاء» از فضل الهی دیده نمی شود، ولی به جستجوی روزی سفارش می کنند؛ مانند این آیه 15 سوره ملک که می فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ: اوست که زمین را برای شما رام کرد، پس بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست» با توجه به این آیه می توان فهمید که مایه های اصلی اقتصاد و کلید بسیاری از درآمدها را خداوند در زمین قرار داده است. این زمین شرایطی را در خود جمع کرده که قابل فرمان بردن است و انسان که خلیفه خدا در زمین است، طوری آفریده شده که می تواند از امکانات مادی زمین استفاده کند و در حقیقت، این امکانات را خداوند به انسان سپرده است تا با استقرار بر پشت زمین و بهره مندی از هرگونه وسایل طلب، رزق و نصیب مادی خود را از زمین به دست آورد و در این میدان وسیع و خوان گسترده خدای کریم، با همزیستی و حسن برخورد، همه انسان ها با هم بهره گیرند.

امکاناتی که زمین در اختیار انسان نهاده، عبارت است از: تحمّل عملیات کشاورزی، خدمات صنعتی، روابط بازرگانی و بسیاری از فعالیت های دیگر. انسان در روی زمین تا آنجا که امکانات جغرافیایی منطقه ای اجازه می دهد، به تولید می پردازد و هنگامی که تولید محلی، نیازهایش را تأمین نکرد، با روابط بازرگانی و مبادلات اقتصادی با سرزمین های دور و نزدیک، نیازهای خود را مرتفع می سازد و با کار و فعالیت، وسایل زندگی خویش را فراهم می آورد. پس انسان موجودی است که عمده نیازهای او به وسیله زمین و در روی زمین فراهم شده است. او باید با حرکت و تلاش مداوم و ملایم خود، طبیعت را رام کند و از آن بهره گیرد، تا با تأمین اقتصاد، بتواند بر مشکلات مادی خود فایق آید و مسیر خود را به سوی کمال پیدارش طی کند. بنابراین، باید گفت که این اقتصاد سالم و پیشرفته است که نقش خود را مستقیماً در زندگی این دنیا و به گونه غیر مستقیم در پیمودن راه کمال آخرت ایفا می کند. (1)

ص: 316

برخی از آیات نیز با فراهم ساختن زمینه تولید، بر اهمیت و تشویق به تولید نیز دلالت دارند؛ مانند آیات زیر: آیه 10 سوره اعراف: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ: ما تسلط، مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم، اما کمتر شکرگزاری می کنی» آیات 12 و 13 سوره جاثیه: «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِيَتَجَرَّيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: خداوند است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید و شاید شکر نعمت هایش را به جا آورید. * او آنچه در آسمانها و زمین است، همه را از سوی خود مسخر شما ساخته است. در این نشانه های (مهمتی) است برای کسانی که می اندیشند» آیات 32 و 33 سوره ابراهیم: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُكَ لِيَتَجَرَّيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ * وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ: خداوند است که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی نازل کرد و با آن، میوه ها (ای مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و کشتی ها را مسخر شما گردانید تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را (نیز) مسخر شما نمود * و خورشید و ماه را - که با برنامه منظمی در کارند - به تسخیر شما در آورد و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت» آیات 12 تا 14 سوره نحل: «وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ * وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ * وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَلْبَسًا وَتَرَى الْفُلُكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شما شدند. در این، نشانه هایی است (از عظمت خدا)، برای گروهی که عقل خود را به کار می گیرند. * (علاوه بر این)، آفریدگانی را که در زمین به رنگهای گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت. در این، نشانه روشنی است برای گروهی

که متذکر می شوند. * اوست که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید، و کشتی ها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید. شاید شکر نعمت های او را به جا آورید»

ملتی که می خواهد در برابر استعمار و نفوذ مستکبران دنیا با عزت و سربلندی زندگی کند، به جای اینکه مدام خود را با سرمایه ها و پیشرفت های آنها مقایسه کند، نیروی فکری و جسمانی خویش را در راه رشد و ترقی خویشتن به کار گیرد و به خود بگوید من چیزی کمتر از دیگران ندارم و دلیلی ندارد که نتوانم از آنها بیشتر پیشرفت کنم، من چرا چشم به امکانات و پیشرفت آنها بدوزم که این پیشرفت آنان فقط در جهت مادی است و در بحران معنویت دست و پا می زنند. من خود بهتر و بیشتر تولید می کنم. بدین ترتیب، نباید اجازه دهد که بیگانگان به کشورش نفوذ کنند. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «موفقیت هر ملت در پیشرفت های خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد. نسبت اینها متعکس است؛ یعنی هرگاه بیگانه و یک قدرت خارجی، ولو آن قدرت خارجی علناً اظهار دشمنی نکرده باشد، نفوذش در بین مردم، قشرهای مختلف و فضای سیاسی بیشتر باشد، این ملت از آینده ای همراه با عزت و همراه با افتخار و تأمین شده، فاصله اش بیشتر است، نه اینکه با هر بیگانه ای باید ستیزه گری کرد، نه. گاهی هم انسان به خاطر مصالح، با بیگانه ای دوستی می کند، اما به همان بیگانه دوست هم نباید اجازه داد که در امور داخل این خانه، این خانواده، این کشور و این جامعه بتواند نقش ایفا کند. از اول انقلاب که به کلی رشته های نفوذ آمریکا و دیگر قدرتمندان - فقط هم آمریکا نبود، ممتها بدترینشان آمریکا بود - در این کشور گسسته شد. اینها دایم در فکر بودند که به نحوی در داخل کشور نفوذ کنند و به پیاده کردن فکر خودشان، حرف خودشان، کار خودشان و مقاصد و هدف های خودشان پردازند. از همه راه ها هم برای این کار استفاده می کنند»⁽¹⁾

ص: 318

یکی از اساسی‌ترین روش‌های مقابله با نفوذ و استعمار دشمنان و تحریم‌های اقتصادی، حمایت از تولید ملی می‌باشد. رونق تولید داخلی و کاستن از واردات که می‌تواند از افول و رونق کم و توقف واحدهای تولید داخلی جلوگیری کند، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان می‌شود. افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده تولید، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولید خارجی و کاهش واردات و حمایت از تولید ملی، از عوامل مهم تحرک و رونق اقتصاد داخلی می‌باشد.

30) طبقه بازاری و کم و کیف فعالیت‌های بازار:

دان که بازاری جماعت در درون اقتصاد* واسطه باشد برای عرضه وفق عدل و داد

رونق تولید بود بازار خوب در هر سرا* این دو با هم می‌کنند غوغا به پا در هر نهاد

این گروه همانگونه که در رباعی مزبور آمده است، در جامعه همان واسطه‌هایی هستند که وظیفه توزیع عادلانه کالا و عرضه آن به جامعه را برعهده دارند و نبض اقتصاد در دستشان است. بخشی مهم از مباحث مرتبط با توسعه اقتصادی در روایات اسلامی، مربوط به فعالیت‌های بازار است. حتی از پیامبر گرامی روایت شده است: «نُه دهم روزی در بازرگانی است».⁽¹⁾ افزون

بر بیان اهمیت بازرگانی و نقش برجسته آن در شکوفایی اقتصادی، اسلام آموزش‌ها و ضوابط و احکام استواری در زمینه تنظیم بازار و بهره‌گیری درست از فعالیت‌های آن ارائه کرده است که در این مجال اندک قابل طرح نمی‌باشد. برای این گروه نیز وظایفی در شرع مشخص گردیده و بیشتر فقها از جمله مرحوم شیخ مرتضی انصاری در کتاب مکاسب در این زمینه کتابهای زیادی در باب کسب و تجارت تألیف کرده‌اند. برخی شغل بازاری را همانند ربا تلقی نموده‌اند. در حالیکه در سوره بقره آیه 275 آمده است: «کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر

ص: 319

1- الخصال: 44/445 عن عبد المؤمن الأنصاری عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: 1/118/64 وج 103/4/13.

اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند گاهی زمین می خورد، گاهی بپا می خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.)» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است.) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست (و این حکم، گذشته را شامل نمی گردد) و کار او به خدا واگذار می شود (و گذشته او را خواهد بخشید.) اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند و همیشه در آن می مانند.»

خداوند در سوره مطففین می فرماید: «وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمان می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند؛ اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند!» همراه این سفارش ها، رسول اکرم (ص) نیز سفارشهایی به طبقه بازاریها دارند و در همان راستای از بدست آوردن ثروت به شکلهای نا عادلانه ایشان را به شدت منع نموده چنانکه فرمودند: «کسی که در معامله فریبکاری کند از ما مسلمانان نیست.» و نیز پیامبر اکرم (ص) از آنکه بر بهای کالا بیفزایند تا مردم فریب بخورند، جلوگیری کردند. همچنین از خریدن کالای کسی که ناچار شده جنس خود را بفروشد- به بهای اندک- نهی فرمودند. و نیز از خرید و فروشی که به علت نا معلوم بودن کالا مایه فریب می شود جلوگیری کردند. در سیره اقتصادی امام ششم (ع) نیز، بازرگانان امین و راستگو جایگاه والایی دارند. عبدالرحمن بن سیاه می گوید: هنگامی که پدرم از دنیا رفت، یکی از دوستان پدرم به منزل ما آمد و بعد از تسلیت گفت: آیا از پدرت ارثی باقی مانده است تا بتوانی به وسیله آن امرار معاش کنی؟ گفتم: نه. او کیسه ای که محتوی هزار درهم بود، به من تحویل داد و گفت: این سرمایه را خوب حفظ کن و از سود آن زندگی خود را اداره کن! من با خوشحالی پیش مادرم رفتم و این خبر را به وی رساندم. هنگام شب پیش یکی دیگر از دوستان پدرم رفتم و او زمینه تجارت را برایم فراهم کرد. به این ترتیب که با یاری او مقداری پارچه تهیه کرده، در مغازه ای به تجارت پرداختم. به

فضل الهی کار معامله رونق گرفت و من در اندک زمانی مستطیع شدم و آماده اعزام به سفر حج گردیدم.

قبل از عزیمت پیش مادرم رفتم و قصد خود را با او در میان گذاشتم. مادر به من سفارش کرد که پسر! قرض های فلانی را (دوست پدرم) اول پرداز، بعد به سفر برو! من نیز چنین کردم. با پرداخت وجه، صاحب پول چنان خوشحال شد که گویا من آن پول ها را از جیب خودم به وی بخشیدم و به من گفت: چرا این وجوه را پس می دهی، شاید کم بوده؟ گفتم: نه، بلکه چون می خواهم به سفر حج بروم، دوست ندارم پول کسی نزدم باشد. عازم مکه شدم و بعد از انجام اعمال حج در مدینه به حضور امام صادق (ع) شرفیاب شدم. فرمودند: پس چگونه به مکه مشرف شدی؟ من نیز داستان آن مرد نیکوکار و تجارت خود را برای آن بزرگوار شرح دادم.

هنوز سخن من تمام نشده بود که امام پرسیدند: هزار درهم امانتی آن مرد را چه کردی؟ گفتم: یابن رسول الله! آن را قبل از سفر به صاحبش برگرداندم. امام با خوشحالی گفتند: احسنت! ... سپس فرمودند: « بر تو باد راستگویی و امانتداری، که در این صورت شریک مال مردم خواهی شد. سپس امام انگشتان دستانش را درهم فرو بردند و فرمودند: این چنین...» عبدالرحمن بن سیابه می گوید: در اثر عمل به سفارش امام، آن چنان وضع مالی من خوب شد که در مدتی کوتاه سیصد هزار درهم زکات مالم را به اهلش پرداختم. (1)

31) نهادینه شدن الگوی صحیح مصرف در جامعه:

دان که اسراف در همه ابعاد کند جان را خراب * چون توازن را زند بر هم بدون هر حساب

بهترین حالت همی باشد تعادل در کتاب * اقتصاد با مصرف خوب می رود راه ثواب

هر چند سرانه درآمد داخلی افزایش یابد، اگر مصرف درست تحقق نیابد، توسعه مطلوب حاصل نخواهد شد. از بارزترین مباحث الگوی مصرف، طبق مضمون و مفهوم

ص: 321

رباعی مزبور لزوم توازن میان درآمد و مصرف؛ مصرف به قدر نیاز؛ رعایت اعتدال در مصرف و دوری از افراط و تفریط؛ و دوری جستن از اسراف و سختگیری است. (1) رعایت اعتدال و میانه روی در مخارج و درآمدهای زندگی موجب آسایش و رفاه خواهد بود. اسراف و تبذیر، سخت گیری و تنگ نظری و بخل و طمع ورزی موجب اختلاف در نظم زندگی می شود و چه بسا جایگاه اجتماعی فرد را متزلزل کرده و گاهی آبرو و شخصیت او را از بین می برد. در اسلام تأمین نیازهای معیشتی، دارای اولین اولویت است. در همین راستا، اسلام، سختگیری در مخارج مصرفی را نمی پسندد و انسان را به استفاده از نعمت های پاکیزه، در حد اعتدال فراخوانده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...» (2)

به بیانی دین اسلام به عنوان دین کامل به همه ابعاد وجودی انسان توجه خاص داشته است. از جمله تأکیدی فراوان بر درست مصرف کردن و تباه نساختن کالاهای تولید شده دارد. بدون تردید الگوی صحیح مصرف، می تواند نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی هر جامعه ای داشته باشد و زمینه خودکفایی و اشتغال را فراهم سازد و این همان حفظ منافع ملی است. الگوی صحیح مصرف هم می تواند به درست مصرف کردن منابع و پرهیز از اسراف، و هم به خودداری از مصرف کالاهای غیر ضروری خارجی مربوط شود. چنانکه علی (ع) می فرماید: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی کرد که به مؤمنان بگو: آنان که در خوراک، پوشاک و شکل ظاهری می کوشند از غذاها، لباس ها و الگوهای بیگانه تقلید کنند، مانند کافران، دشمنان خدا هستند. (3) بنابراین نهادینه شدن الگوی صحیح مصرف در جامعه، یکی از مهمترین راهکارهایی است که در اسلام بدان اشاره شده است و می تواند بستر اقتصاد آرمانی را شکل دهد. بدین نحو که میانه روی، کم را زیاد می کند و اسراف، منابع فراوان را نابود می سازد.

ص: 322

1- الکافی: 2/ 241/ 36 عن أبي حمزه، تحف العقول: 282، بحار الأنوار: 67/ 361/ 65.

2- اعراف/ 32-31.

3- طوسی، 1407 ق: 6/ 172؛ طبرسی، 1385 ق: 325

از این رو است که ائمه (ع) همواره مردم را به قناعت فرا می خواندند. امام علی علیه السلام به عاصم بن زیاد که لباس ضخیم پوشیده و خانه و زندگی اش را ترک کرده بود فرمود: آیا از خانواده ات خجالت نمی کشی؟ آیا به فرزندان رحم نمی کنی؟ آیا گمان می کنی خداوند چیزهای پاکیزه را بر تو حلال کرده ولی دوست ندارد تو از آنها برداشت کنی؟ تو در پیشگاه خداوند کوچکتر از آن هستی! آیا خداوند نمی فرماید: و زمین را (با هزاران منفعت) برای (زندگانی) خلق مقرر کردیم که در آن میوه های گوناگون و نخل خرما با پوشش است. (1) در وسائل الشیعه، روایات متعددی با عنوان «استحباب التوسع علی العیال» آمده است: در این روایات، سخت نگرفتن در مخارج خانواده و ایجاد گشایش و فراخی در تأمین نیازهای معیشتی، مورد تأکید قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه از امام رضا علیه السلام نقل شده است: بر شخص صاحب مال، واجب است بر مخارج زندگی خانواده وسعت بخشد. (2) از دیدگاه اسلام، مقدار مصرفی که برای ادامه حیات انسان و حفظ نفس از ابتلا به امراض و ناراحتی های بدنی و روحی، ضرورت دارد، بر افراد واجب است. خداوند نعمت های طیب را حلال کرده و از تحریم و مصرف نکردن آنها نهی فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (3) خداوند نعمت ها را خلق نکرد تا متروک بماند و به بهانه پارسایی ظهره برداری نشود.

مصارفی که مربوط به افراد تحت تکفل انسان است نیز واجب است. در این زمینه باید شرایط جغرافیایی و اجتماعی، جهت کمیت و کیفیت مصارف در نظر گرفته شود و نیازهای متعارف تأمین گردد. توصیه های اکیدی در این باره از پیشوایان دینی وارد شده است. «ینبغی للرجل ان یوسع علی عیاله لئلا یتمّنوا موته.» (4) علاوه بر مصارف واجب همچون

ص: 323

1- نهج البلاغه، خطبه 209.

2- محمد بن حسن حر عاملی، پیشین، ج 15، ص 249.

3- مائده / 88 - 87.

4- محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج 6، ص 444، ح 13.

موارد بالا و واجبات عبادی مانند حج و زکات، خمس و... مصرف های راجح و مستحبی نیز وجود دارد مانند ایجاد زمینه رفاه عائله، خدمت و دستگیری از نزدیکان و مستمندان، آراستگی و استعمال بوی خوش و... اما در اسلام برای مصرف ها و مطلوبیت های مادی، حدی در نظر گرفته و محدودیت هایی قرار داده شده است. همچنین امام زین العابدین علیه السلام می فرمایند: از خوی های مؤمن است: بخشش به فراخور تنگ روزی و گشاده دستی به تناسب گشاده روزی... (1) و نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: نه تنگ گرفتن [پسندیده] است و نه ریخت و پاش؛ نه تنگ چشمی و نه تباہ کردن [اموال]. (2)

اگر انسان در به کارگیری چیزی، از حدود آن خارج و بیش از اشباع نیازهای خود، مصرف کند، اسراف و مورد نکوهش است. البته اسراف امری نسبی است که در جوامع مختلف، از نظر پیشرفت و عدم پیشرفت اقتصادی، رشد و رفاه، متفاوت است و در هر جامعه ای بر حسب سطح متوسط رفاهی آن جامعه، باید سنجیده شود. تپذیر نیز از نظر اسلام، حرام است. در قرآن آمده است: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (3) و از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد! و در قسمتی از آیه 43 سوره غافر می فرماید: «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» همچنین در آیه 141 سوره انعام آمده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرِّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» و نیز در آیه 9 سوره انبیاء آمده: «ثُمَّ صَدَقْنَاَهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَ مَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ» و در آیه 151 سوره شعرا آمده: «وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» و به عنوان آخرین نمونه در آیه 31 سوره دخان آمده است: «مَنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ»...

ص: 324

1- عوالی اللآلی: 1/296/198، بحار الأنوار: 2/166/77.

2- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث ج 1 ص 339.

3- انعام/141. اعراف/31

معمولاً افرادی که ولخرجی می کنند، دچار تنگدستی و فقر می شوند و سپس از گردش ناملایم روزگار شکایت کرده، از شانس بد خود گلایه می کنند. امام صادق(ع) می فرماید: « اسراف موجب فقر و میانه روی سبب توانایی می شود...»(1)

عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق(ع) هنگامی که آیه «و لا تجعل يدك مغلولة الي عنقك.»(2) را تفسیر می کردند، انگشتان دست خود را کاملاً بسته و دست خود را مشت کرده و به ما فرمودند: «یعنی این چنین نکنید که این نهایت خست و بخل است.» و در معنی آیه «و لا تبسطها كل البسط.»(3) دست خود را کاملاً باز کرده و فرمودند: «این چنین هم درست نیست؛ یعنی انسان هر چه دارد خرجش کند و چیزی در کف دستش نماند...»(4)

از امام صادق(ع) نیز روایت شده است: «ان السرف يورث الفقر و ان القصد يورث الغنى.»(5) بعضی از افراد، با استفاده بی رویه و اسراف آمیز، سهم بیشتری از امکانات جامعه را مصرف و زمینه استفاده عده دیگری را سلب می کنند؛ به این شکل، فقر اجتماعی به وجود می آید. اما تبذیر، در حقیقت، نوعی اتلاف و حیف و میل و استفاده بی رویه مال است. اسراف اتلاف کمی مال است، تبذیر اتلاف کیفی است. در روایت آمده است: «التبذير من الاسراف.»(6) صرف مال در موارد غیرعقلایی و غیر مفید، تبذیر است؛ چنان که خداوند متعال می فرماید: «و لا تُبذِرْ بُبذيراً إِنَّ الْمُبذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»(7) بنابراین، اتلاف بیهوده مال نیز ممنوع است. در اسلام، تمام کالاها و خدماتی که استفاده و انتفاع از آنها حرام شده است مانند خوردن گوشت خوک، سگ، مردار، حیوانات ذبح شرعی نشده، استفاده از آلات لهو و لعب، سحر، شعبده بازی، منکرات، فحشا و غیره همچنین مشاغل و

ص: 325

1- من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 174.

2- اسراء/ 29.

3- همان

4- وسائل الشيعه، ج 17، ص 66.

5- محمد بن حسن حر عاملی، پیشین، ج 12، ص 41.

6- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 75، ص 302.

7- اسراء/ 27.

کسب های کالا و یا خدمات محرمه در ردیف مصارف حرام قرار می گیرد. مصرف اشیای مضر مانند سم نیز ممنوع است. (1) افزون بر این، استفاده از برخی کالاها به گونه ای خاص مانند استفاده از ظروف طلا و نقره، زیورآلات طلا برای مرد و پوشیدن لباس شهرت، حرام است. هرچند، اصل این کالاها حرام نیست ولی کیفیت بهره گیری خاص از آنها به اعتبار مسائل ارزشی یا اجتماعی ممنوع شده است. گاهی مصالح سیاسی - اجتماعی، اقتضا می کند که مصرف برخی از کالاهایی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می شود تحریم شود. زمانی، دفاع از حدود و ثغور اسلامی با نخریدن و مصرف نکردن کالاهای ساخته شده کشورهای دشمن انجام می گیرد و گاهی نیز با برهم زدن روابط تجاری. (2)

البته در نهایت تاسف استثمار و بهره کشی از کار مصرف کنندگان، از نانسانی ترین روش های سرمایه داری است. تردید نیست که سرمایه های کلان، جز از راه های ظالمانه و استثمار و نادیده گرفتن حقوق دیگران، گرد نیاید و درآمدهای عادلانه و مشروع، به ثروت های زیاد نمی انجامد. امام علی (ع) می فرماید: «هان منتظر روزی باشید که نظام اجتماعی شما از هم بپاشد... و این به هنگامی است که فرود آمدن شمشیر بر سر مؤمن آسان تر است از دستیابی به درهمی حلال.» (3) امام صادق (ع) نیز می فرماید: «... دستیابی به حلال، بسی کمیاب (و دشوار) است» (4) «هیچ انسان آگاهی در این امر، شکی ندارد که "بهره کشی" و استثمار، یکی از وسایلی است که متکثران برای جمع کردن مال فراوان به آن متوسل می شوند. تکاثر بدون بهره کشی شدنی نیست، مگر کسی گنج پیدا کند یا از آسمان، سیم و زر بر وی فرو بارد. کسانی هم که ثروت بسیار خویش را نتیجه کوشش و

ص: 326

1- ر.ک.: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج 2، ص 163.

2- ر.ک.: همان، ج 1، صص 485 و 487، مسأله های 4 و 10.

3- نهج البلاغه، ج 1، ص 186.

4- شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ج 2، ص 557.

تلاش و قدرت فکری و نبوغ اقتصادی خود می دانند، درست آن است که این نبوغ به معنای نبوغ در شناختن راه های استثمار و تسلط یافتن بر آن است...»(1)

32) آفات اقتصاد سالم و راههای مبارزه با آنها:

اشاره

بعد آن گویم نکاتی را به جا * بهر کسب بد درون هر فضا
دان گرانی و توژم با ربا * یا که پنهان کاری و غش در خفا
اختلاس و رابطه با هر ادا * یا که با رشوه کند صدها خطا
یا که اسراف در خوراک و هم قبا * یا که اشرافی گری در هر ردا
احتکار هم بوده کاری نا سزا * یا کند انباشت پول با صد ادا
هر یک از اوصاف مزبور بی صدا * بوده از آفات حق در ماجرا
این چنین فرد لعین در ماورا * دشمن است بر اقتصاد و ماسوا
گر که همراهش شود در این سرا * بی شک و شبهه چو فردی بی نوا

ص: 327

می کند هر دم خیانت یا جفا* بر اصول اقتصاد اندر خفا
از حرام و شبهه کی دارد ابا* چون که ایمانی ندارد در قفا
می زند کید و کند حق را فدا* در مسیر نفس دون با صد هوا
همچو مار و کژدم و موج وبا* اقتصاد را می کند همچون عزا
نیش وی آرد هزار و یک بلا* بوده بدتر از زبان ازدها
کار او باشد خطا اندر خطا* چون که غافل بوده از بحث قضا
می شود بی شک عزیز من فنا* مال و ثروتهای وی در این سرا
آنچه ماند از برایش در قفا* بوده آتش با عذاب های رسا
عاقبت گردد پشیمان از خطا* این پشیمانی ندارد هیچ بها
پس خطا را کن رها بی هر چرا* تا که فرصت داری کن بر خود دعا

با عنایت به ابیات غزل مزبور فساد اقتصادی و مالی از مشکلات بسیار جدی است که امروزه در سازمانها و شرکتهای گوناگون مشاهده می شود و مسئله ای جهانی است. دور شدن از اخلاقیات و پر اهمیت گردیدن مادیات موجب افزایش روزافزون فساد در دنیای اقتصاد شده است. در ادامه سعی شده مسئله فساد و عواملی که به آن فساد اقتصادی می گویند مورد بررسی قرار گیرد و همچنین پیامدها و نتایجی که فساد در پی خواهد داشت مطرح شود. از جمله مسائل مهمی که باید در برنامه ریزیها مورد توجه قرار گیرد راههای مبارزه با این آفت جامعه و ریشه کن کردن آن است.

فساد از ریشه فسد و به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی با واژه Corruption و ریشه لاتینی Rumpere مطرح می شود که به معنای شکستن و نقض کردن است و چیزی که شکسته یا نقض می شود، می تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. به این معنا، فساد هر پدیده ای است که مجموعه ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد. (1) در جایی دیگر فساد به سوءاستفاده از قدرت برای برداشت شخصی تعبیر شده است و مسائلی از جمله رشوه، کلاهبرداری، اخاذی، اختلاس و... را شامل می شود. (2) البته فساد پدیده جدیدی نیست. 200 سال پیش یکی از مسئولین کشور هندوستان کتابی در زمینه فساد نوشته بود، دانت هو شکسپیر نیز در زمینه فساد مطالب بسیاری گفته اند. در بسیاری از کتب و مقالات سده های گذشته نیز روشهای مبارزه با فساد به چشم می خورد. طبق تعریفی که در سال 1993 برای نخستین بار توسط شیلفرو و شینی عنوان شده، فساد عبارت است از استفاده از اموال دولتی در جهت نفع شخصی. در خصوص هشدار از خیانت به بیت المال می توان به نامه شماره 20 حضرت علی (ع) به زیاد بن ابیه جانشین فرماندار بصره اشاره کرد که حضرت فرمودند: همانا من، به

ص: 329

راستی به خدا سوگند می خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال در مانده و خوار و سرگردان شوی. بنابراین حفظ بیت المال وعدم سوءاستفاده از امکانات مالی دولتی تحت هر شرایطی در حکومت علی (ع) مورد تأکید فراوان بوده است.⁽¹⁾ فساد مالی نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. از فساد غالباً به عنوان یک بیماری شدید نامبرده می شود. بیماری نظیر سرطان ویا ایدز که به طور بی رحمانه از یک سازمان به سازمان دیگر و از یک نهاد به نهاد دیگر سرایت می کند، تا منجر به فروپاشی سیستم سیاسی حاکم شود. رواج فساد مالی به درستی به عنوان یکی از مهمترین موانع در راه پیشرفتهای موفقیت آمیز اقتصادی، به عنوان مثال در کشورهای آسیایی و آفریقایی، برشمرده شده است. سطح بالای فساد مالی می تواند موجب ناکار آمدی سیاستهای دولتی شود. تحقیقات موجود نشان می دهد که فساد موجب کاهش سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. فساد مالی می تواند فعالیتهای سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت ها و فعالیتهای زیر زمینی سوق دهد و همچنین موجب به وجود آمدن سازمانهای وحشتناکی مانند مافیا شود. فساد گسترده و فراگیر یکی از نشانه های ضعف حاکمیت است و عملکرد ضعیف حاکمیت می تواند روند رشد و توسعه اقتصادی را رو به تحلیل برد.⁽²⁾

باتوجه به مطالب بیان شده در هر جامعه ای که نگاه کنی با چند گروه مواجه می شوی که با تناسب به وضعیتهایشان در جامعه به فعالیت اقتصادی مشغول هستند که اگر این گروهها به وظایف خودشان عمل کنند دارای یک جامعه اسلامی با اقتصادی سالم و پویا خواهیم بود. در این راستا حکومت علوی که برای ایجاد اصلاحات و مبارزه با مفاسد در جامعه اسلامی، پدید آمده بود، برای اصلاحات همه جانبه به ویژه در بُعد اقتصادی راهکارهای اساسی دارد و موضوعاتی چون: فقر، تورم، ربا، رشوه، اسراف و

اختلاس

ص: 330

1- محنتفر، 1387

2- محنت فر، 1387

کارگزاران حکومتی را سرلوحه‌ی اهداف و برنامه‌های تنظیمی خود قرار داده است. بر همین اساس مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در فرمان هشت ماده‌ای به سران سه قوه نظام جمهوری اسلامی مبارزه‌ی جدی با فساد مالی را به عنوان یکی از وظایف اصلی دست اندرکاران برشمردند و برای رسیدن به نظام آرمانی علوی و اسلامی تکیه بر کمکهای الهی و حمایت‌های مردمی را یادآور شدند:

امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است. و این همه به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباط حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوء استفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی، قطع نشود، و اگر امتیاز طلبان و زیاده‌خواهان پر مدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومی‌خواهی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راههای نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.

... مبارزه با مفسدان و سوء استفاده‌کنندگان از ثروتهای ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم اند. در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسؤولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.

با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست اندرکاران این مهم تأکید کنید که به جای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعفها و خطاهای کوچک

نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید به دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد. (1)

در هر حال صورتهای مختلفی از فساد در قالب آفتهای اقتصادی وجود دارد که ممکن است آشکارا و یا به طور مخفیانه باشد. ممکن است فساد اقتصادی باهدف کسب منافع شخصی و یا از روی کینه صورت بگیرد. در هر صورت مردم هزینه فساد اقتصادی را می پردازند. فساد رقابت را فرو می نشاند و بازار آزاد را واژگون می سازد. آفتهای اقتصاد سالم و زمینه های بروز فساد؛ صورتهای مختلفی دارد از جمله احتکار و گران فروشی، رشوه و کلاهبرداری، اختلاس... که در ادامه توجه جنابعالی به برخی از آنها معطوف می گردد:

الف) مبارزه با فقر، تبعیض و فاصله طبقاتی:

فقر و تبعیض می کند روح و روانها را خزان* در امور زندگی و اقتصاد با صد نشان

گر که می خواهی شود تبعیض و فقر دور از نهان* کن عدالت را رعایت با هزار و یک توان

توضیح رباعی مزبور اینکه اسلام جهت تحقق اقتصاد سالم با محوریت عدالت مداری اقتضا دارد که با فقر، تبعیض و فاصله طبقاتی بصورتی مبارزه کند؛ تا منافع جامعه به گونه ای تقسیم شود که میان آحاد مردم عدالت اجرا گردد و با اجرای عدالت زمینه های فقر و تبعیض از بین برود. تشویق به اجرای مساوات در جامعه در همین راستاست. در این خصوص پیامبر اکرم(ص) می فرماید: کسی که در دادن اموالش به فقیر مساوات را رعایت کند و با انصاف با مردم رفتار کند، مومن حقیقی است. پیامبر در جای دیگر می فرماید: کسی که سیر باشد و برادرش گرسنه، به خداوند ایمان نیاورده است و نیز کسی که پوشیده است و برادرش بدون لباس به خداوند ایمان نیاورده است. از متون دینی، به خوبی استفاده می شود که، فقر در تکامل پاره ای از انسانها مؤثر است؛ چرا که آنها با تهذیب

ص: 332

نفس و تصفیه اخلاق از این زمینه بهره مفید و سازنده را می برند. چنانکه در روایت آمده است: خداوند وقتی بنده ای را دوست بدارد، او را در شداید غرق می کند. (1) البته ناگفته نماند که فقر برای بسیاری از انسانها، می تواند به عاملی بزه آفرین، تبدیل گردد. حضرت علی (علیه السلام) خطاب به محمدبن حنفیه می فرماید: پسرم! از فقر بر تو می ترسم پس از آن به خدا، پناه ببر که، فقر موجب زیان دین و سرگردانی عقل و به وجود آمدن دشمنی است. (2)

آثار شوم فقر، نه تنها در زندگی شخصی بلکه در سطح جامعه نیز تأثیرات خود را بر جای می گذارد. وقتی فقر به سرقت می انجامد، آنگاه که دام فحشا را می گستراند، زمانی که موجب گسیختن پیوندهای مشروع نکاح و در نتیجه بر جای گزاردن فرزندان می شود که از مهر پدر و مادر یا یکی از آنها محرومند، هرگز نمی توان آن را پدیده ای ساده انگاشت؛ چرا که مانع تعلیم و تربیت صحیح می شود، که نتیجه فقدان پرورش فکری و اخلاقی صحیح ارتکاب جرایم در جامعه فراگیر می شود. از سنت ائمه معصوم (ع) مخصوصاً از سیره امیرالمؤمنین (ع) برای رفع فقر و مبارزه با آن چهار شیوه را می توان آموخت:

الف. دستگیری از مستمندان و فقیران؛ حمایت و دستگیری از مستضعفان و محرومان از جمله اصول اساسی اسلام است. برخلاف آن که برخی مجریان در طول تاریخ بر خلاف قانون اسلام عمل کردند و فقر فقرا را نه تنها مرتفع نساختند، بلکه تشدید نمودند، حکومت کوتاه امیرالمؤمنان (ع) ترسیمی واضح و روشن از حمایت واقعی و راستین آن حضرت از محرومین جامعه در قول و عمل است. همچنان که در راستای تحقق عدالت اجتماعی در بُعد اقتصادی، کارگزاران خویش را موظف به رسیدگی و حل مشکلات فقرا و مساکین می فرمودند: پس از خدا بترس، از خدا بترس، درباره دسته زبردستان درمانده بیچاره و بی چیز و نیازمند و گرفتار در سختی و رنجوری و ناتوانی، زیرا در این طبقه هم

ص: 333

1- بحار الانوار، ج 81، ص 196.

2- نهج البلاغه، حکمت 319.

خواهنده است که ذلت و بیچارگی اش را اظهار می کند و هم کسی است که به عطا و بخشش نیازمند است، ولی از عفت نفس اظهار نمی نماید، و برای رضای خدا آنچه را که از حق خود درباره ایشان به تو امر فرموده به جا آور، و قسمتی از بیت المال که در دست داری و قسمتی از غلات و بهره هایی که از زمین های غنیمت اسلام به دست آمده را در هر شهری برای ایشان مقرر دار، زیرا دورترین ایشان را همان نصیب و بهره ای است که نزدیکترین آنها دارد همه ایشان از بیت المال و غلات زمین هایی که از جنگ کننده با مسلمانها گرفته شده بهره می برند خواه دور و خواه نزدیک، و چون توانایی ندارند که خود را به شهر تو برسانند و سهم خود را بگیرند پس در شهر خودشان مأموری بگمار که حق آنها را پردازد تا کسی محروم و نومید نماند... (1)

حضرت در عمل نیز اهتمام زیاد به فقرا داشت. آیه های ولایت (2) و اطعام (3) این مطلب را به خوبی نشان می دهد. در روایتی از غلام امیر مؤمنان است که: روزی هنگام ظهر، حضرت از کندن قناتی فارغ شد و به نماز پرداخت. من بعد از نماز، کدوی پخته برای او آوردم. ایشان دست های مبارک را شستند و با وقار خاصی، کدوی پخته را تناول کردند و بعد از حمد خداوند، فرمودند: "لعنت خدا بر کسی که برای شکم به جهنم رود" بعد از خوردن ناهار، دوباره مشغول کندن قنات شدند. کلنگ به سنگی خورد و آب فوران نمود. حضرت از قنات بیرون آمده و چون دیدند بعضی از اولادشان از فوران آب خوشحال هستند؛ فرمودند: "فرزندانم! به این بستان و به این قنات، چشم داشتی نداشته باشید". و دستور داد تا قلم و دوات آوردند و بستان و قنات را برای فقرا وقف نمودند. (4)

این رفتار و روش حضرت نه تنها وظیفه دولت های اسلامی را مشخص می سازد، بلکه مسؤولیت رسیدگی و دستگیری از ضعیفان جامعه را به متمکنین نیز یادآور می شود.

ص: 334

1- نهج البلاغه، نامه-ی 58 .

2- المائده 5 : 55 .

3- الانسان 76 : 8

4- مستدرک الوسائل، ج 16، ص 330 و مناقب کوفی، ج 2، ص 82 .

انسانها به خاطر تفاوت‌های طبیعی و دیگر عوامل با امکانات نابرابر زندگی می‌کنند. در این میان، افراد فقیر و محتاج، گرفتار مشکلات می‌شوند که برای رفع این معضل باید اغنیا و پول داران بخشی از درآمد خود را در اختیار دولت یا مؤسسه مسؤول این کار قرار دهند تا به مصرف صاحبان حق برسد. حضرت امیر(ع) در این مورد می‌فرمایند: «خداوند سبحان در دارایی‌های توانگران روزی‌های بی‌چیزان را واجب گردانیده؛ پس بی‌چیز گرسنه نماند، مگر به سبب آنچه توانگری به او نداده است، و در روز رستخیز خداوندی که بزرگ است بی‌نیازی او؛ ایشان را از این کار مؤاخذه و بازپرسی می‌نماید.»⁽¹⁾ یتیم‌گرفتاری را نزد امیرالمؤمنین(ع) آوردند، آن حضرت دستور دادند که نزدیک‌ترین فامیل‌های وی مخارجش را تأمین کنند، همانگونه که میراث او به آنان می‌رسد.⁽²⁾ این شیوه بیانگر مسؤولیت سنگین ما نسبت به افراد ضعیف فامیل و آشنایان است که با عمل به آن بخشی از مشکلات جامعه حل می‌شود.

ب. همدردی و همراهی عملی با فقرا: در نظام سیاسی حق محور و مبتنی بر اصول اخلاقی و انسانی که اندیشه سیاسی اسلام آن را تصویر می‌کند، حاکمان جامعه که در اوج اخلاق و شرافت انسانی قرار دارند، همچون پدران امت هستند که تحمل گرسنگی فرزندان خویش را ندارند، تا چه رسد به این که خود بهره مند باشند و خانواده‌هایشان در مصیقه و سختی به سر برند. اگر حاکم از نظر معنویت و تهذیب نفس در مراتب بالا باشد، با پیشه ساختن زندگی زاهدانه، همانند مقتدایش حضرت علی(ع) در سطح فقیرترین مردم جامعه، زندگی می‌کند. امیری که شمشیر خویش را به فروش گذاشت و فرمودند: «به خدا سوگند، اگر بهای تن پوشی داشتم، شمشیر را نمی‌فروختم.»⁽³⁾

حضرت در نامه ای به عثمان بن حنیف حاکم حضرت در بصره چنین می‌نویسند: آیا قناعت می‌کنم که به من بگویند زمامدار و سردار مؤمنین در حالی که به سختی‌های

ص: 335

1- نهج البلاغه، حدیث 320.

2- وسائل الشیعه، ج 15، ص 237، ح 4.

3- بحار الانوار، ج 41، ص 136

روزگار با آنان همدرد نبوده یا در تلخ کامی جلو ایشان نباشم؟ پس مرا نیافریده اند که خوردن طعام های نیکو از نیک بختی جاوید بازم دارد مانند چهارپای بسته شده که اندیشه اش علف آن است، یا مانند چهارپای رها گشته که خاکروبه ها را به هم زند تا چیزی یافته بخورد، پُر می کند شکنجه را از علفی که به دست آورده، و غفلت دارد از آنچه برایش در نظر دارند نمی داند که صاحبش می خواهد فربه شود تا به کشتارگاهش فرستد یا برایش بارکشی نموده کارش را انجام دهد یا مرا نیافریده اند که بیکار مانده و بیهوده رها شوم، یا ریسمان گمراهی را کشیده بی اندیشه در راه سرگردانی رهسپار گردم. (1)

ج. تشویق به کار و تلاش: در آیین مقدس اسلام، ارزش و اهمیت و کار و تلاش در زمینه اقتصاد زندگی فردی و اجتماعی کمتر از پرداختن به مسایل معنوی و تزکیه نفس نیست. خدای متعال که جهان طبیعت را در اختیار بشر قرار داده است، می فرماید: «اللَّهُ الْآذَى سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِيَتَجَرَّى الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (2) خدا همان کسی است که دریا را به سود شما رام گردانید تا کشتی ها در آن به فرمانش روان شوند، و تا از فزون بخشی او [روزی خویش را] طلب نمایید، و باشد که سپاس دارید. انسان تنبل و سست و بیکار باعث عقب افتادگی خود و به خطر انداختن رفاه خانواده اش می گردد، و بدون تردید در پیشگاه خدا مسؤول و پاسخ گو است. امام علی (ع) در این مورد می فرماید: هر کس آب و زمین در اختیار داشته باشد و با وجود این فقیر باشد، خداوند او را از رحمتش دور می دارد. (3)

د) نفی ثروت اندوزی: و اما طبقه

ص: 336

1- نهج البلاغه، نامه-ی 45.

2- جائیه 45 : 12.

3- وسائل الشیعه، ج 12، ص 204، ح 13.

این ها گوشه هایی از تعالیم و حیانی قرآن و پیامبر اسلام در باب تنظیم معیشت مردم و راه کارهایی برای ایجاد اقتصادی سالم جهت تقویت بنیه مالی مسلمانان است تا در پرتو آن راه کمال و تقرب به سوی خدای متعال را بیمایند.

ب) مبارزه با تورّم و گران فروشی:

دان تورّم با گرانی همچو سمّ شوکران(1) * می کند ویران تمام اقتصاد و مثل آن

گر که می خواهی شوی راحت ز شرّ هر کدام * ریشه هر یک بکن با هر چه داری در توان

توضیح رباعی فوق این است که تورّم و به دنبال آن فقر ریشه بسیاری از انحرافها و کج روی های فردی و اجتماعی است. یکی دیگر از خصوصیات اقتصاد سالم و مطلوب، مبارزه با فقر و تورّم است. «تورّم» ریشه بسیاری از ناهنجاری ها و رفتارهای ناپسند در جامعه است و پیامدهای زیانبار بسیاری بر جای می گذارد که مهمترین آن ها، تأثیر بر سطح زندگی مردم، مختل کردن نظام تولید و سرمایه گذاری، به وجود آوردن رانت های اقتصادی و تشدید مفاسد اقتصادی است. در صورتی که اگر تورّم در جامعه مهار شود، اقتصاد از ثبات برخوردار می شود و منتج به اوضاع اجتماعی بهتر برای افراد جامعه می گردد. بدین جهت مهار و مبارزه با تورّم از شاخصه های مهم اقتصاد سالم است که مسئولان حکومت اسلامی، وظیفه دارند در محقق شدن آن از هیچ تلاشی فروگذاری نکنند. از مهم ترین عوامل گرانی، وجود واسطه های نابجاست و مؤثرترین عامل در جلوگیری از تورّم، حذف دلال هاست. پیامبر (ص) در این باره فرموده اند: «به استقبال کالا نروید تا وارد بازار شود.»(2) همچنین می فرمودند: «نباید فروشنده شهری، میانجی کالای روستایی شود.»(3)

منافع این کار آن است که اولاً: با کم شدن واسطه غیر مفید، از افزایش قیمت ها جلوگیری می شود، ثانیاً: صاحب کالا به علت ناآگاهی از بهای آن در بازار، دچار

ص: 337

- 1- شوکران سمّی است کشنده که در یونان باستان فیلسوفی بزرگ به نام سقراط بوسیله آن به قتل می رسد.
- 2- انصاری، زکریا، فتح الوهاب، ج 1، ص 285. شریینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج، ج 2، ص 285.
- 3- مقریزی، امتاع الاسماع، ج 14، ص 388.

غبن نمی شود، ثالثاً: با ورود کاروانیان به شهر، جنس در بازار عرضه شده و در اختیار همه مردم قرار می گیرد، نه یک گروه خاص در بیرون از بازار. (1)

رسول خدا (ص) به کسی که جنس ارزان تر از قیمت معمولی می فروخت، فرمودند: «در بازار مسلمانان، ارزان تر می فروشی و برای ثواب، این کار را می کنی؟» پاسخ داد: «آری» پیامبر (ص) نیز به او مژده دادند: «هرکه بکوشد و بازار را رواج دهد، مانند کسی است که در راه خدا پیکار کرده است.» (2) حضرت علی (ع) نیز در این باره به مالک اشتر می فرمایند: «باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند» (3) همچنین پیامبر اکرم (ص) سعید بن عاص را بر بازار مکه و عمر را بر بازار مدینه به نظارت گماردند. (4) و امام علی (ع) نیز برای جلوگیری از ایجاد تورم، خود از قیمتها در بازارها سؤال می کردند و افرادی را برای نظارت بر قیمتها و کنترل بازار می گماشتند. ابی الصهباء می گوید: علی (ع) را دیدم که در شط الکلاء، از قیمتها پرسش می کرد. علاوه بر این فردی را به عنوان ناظر بر بازار معین کرده بود، که در بازار رفت و آمد می نمود و بازاریان را از اجحاف به مردم و غلّ و غش و کلاهبرداری در معامله، بر حذر می داشت. از موارد ذکر شده، چنین برداشت می شود که آن حضرت در دو حوزه تئوری و عملی برای ایجاد عدالت و دوری از تورم در خرید و فروش، به تمام اقشار جامعه اهتمام داشته اند. از این جهت مقابله با تورم یکی از وظایف اصلی حاکمان است. شاید بتوان سه عامل را در رفع این مشکل اقتصادی نام برد:

الف. کنترل قیمتها: گران فروشی و بالا بردن قیمتها از سوی فروشندگان، قدرت خرید بسیاری از افراد را کم می کند. کنترل قیمتها و متعادل کردن آنها از سوی مسئولان امر، رضایت بخش و وسیعی از افراد جامعه را از نظام اسلامی در پی دارد.

ص: 338

1- حریری، محمدیوسف، اسلام و نظام اقتصادی، ص 188.

2- سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، ج 1، ص 6390.

3- سید رضی، 1414 ق: 438؛ هاشمی خوئی، 1400 ق: 20 / 263

4- حلبی، نورالدین، السیره الحلبیه، ج 3، ص 459.

امیرالمؤمنین(ع) در این زمینه به مالک اشتر هشدار می دهند: ... باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد....(1)

ب. برخورد با محترکین: احتکار از جمله آفت های جدی اقتصاد جامعه و از عوامل سایش و کاهش قدرت خرید و تأمین مایحتاج مردم است. در همین راستا امیرالمؤمنین(ع) با محترکان برخورد جدی می نمودند و در صورت اصلاح نشدن، آنها را تنبیه می کردند و اجناس احتکار شده به دست آنها را کشف و ضبط می نمودند.(2) در خصوص موضوع احتکار به خاطر اهمیت موضوع در مورد بعد و بصورت مستقل بیشتر توضیح داده خواهد شد.

ج. حمایت از تجار و صاحبان صنایع و تولید کنندگان و نظارت بر آنها: اگر این قشر از اجتماع تحت نظارت و حمایت نظام نباشند، ممکن است موجب بالا رفتن قیمت ها بشوند. امام باقر(ع) می فرماید: به درستی که علی(ع) به فرماندهان لشکرها می نوشتند: شما را به خدا سوگند، مبادا کشاورزان از جانب شما، مورد ستم واقع شوند.(3) و نیز خطاب به مالک اشتر فرمودند: سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آنها را به نیکوکاری سفارش کن. بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می باشند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدید آورندگان وسایل زندگی و آسایش، و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می باشند، از بیابان ها و دریاها، و دشت ها و کوهستان ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی کنند، یا برای رفتن به آن جاها شجاعت ندارند.(4)

حذف واسطه ها و دلال ها در رسیدن محصولات تولیدی به دست مصرف کنندگان یکی از راه های مهم کاهش تورم است. دست به دست شدن محصولات از تولید کننده به مصرف کننده باعث بالا رفتن قیمت ها می شود و سود بیشتر نصیب دلال ها می گردد، و

ص: 339

1- سید رضی، 1414 ق: 438؛ هاشمی خوئی، 1400 ق: 20 / 263

2- دعائم الاسلام، ج 2، ص 36

3- بحار الانوار، ج 100، ص 33، ح 10.

4- هج البلاغه، نامه-ی 53.

ضرر این فرایند برای تولید کننده و مصرف کننده است. تذکر این نکته ضروری است که تورم یکی از مباحث دقیق علمی اقتصادی است که پرداختن به آن فرصت دیگری را می طلبد.

ج) برخورد با محترکان و مال اندوزان:

احتکار باشد گناه و جرم سنگین در کتاب * با خودش آرد برای محترک زجر و عذاب

دولت حق دون اغماض بهر حق و عدل و داد * می کند ویران بساط احتکار با صد عقاب

از دیگر عواملی که وفق مضمون رباعی مزبور مانع تحقق اقتصاد سالم می شود و تعادل عرضه و تقاضا را بر هم می زند و موجب بالا رفتن قیمتها و تهدید امنیت اقتصادی و در نتیجه تحقق نیافتن عدالت اقتصادی می شود، پدیده شوم «احتکار و مال اندوزی» است. احتکار یعنی نگه داشتن چیز است که قوت مردم به شمار می آید و فقیهان مصادیق آن را در فتاوی خود ذکر کرده اند. یکی از وظایف دولت اسلامی در عرصه اقتصاد، جلوگیری از احتکار است تا قیمتها، متناسب با عرضه و تقاضا و سیاست هایی دولت و سطح تولید تعیین شود. مع الوصف احتکار از جمله آفت های جدی اقتصاد جامعه و از عوامل سایش و کاهش قدرت خرید و تأمین مایحتاج مردم است. آنچه که از این راه به جیب زدند و جمع آوری کردند همه حرام بوده و هیچ عقل و آئینی آن را مباح و مشروع نمی داند. آری ای عزیز بزرگوار، محترکان و ثروت اندوزان افراد خطرناکی هستند که با بلوکه کردن اموال فقط به منافع شخصی خود می اندیشند و نظم جامعه را برهم می زنند؛ قرآن برای برخورد با این طبقه نیز راه کار دارد. از جمله در سوره توبه آیه : 34 می فرماید: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ" [اشاره به اهمیت اقتصاد در نظام بشری دارد] و در خصوص مال اندوزی قرآن کریم می فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَتَّقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» توضیح اینکه راغب در مفردات می گوید: کلمه "کنز" به معنای روی

هم نهادن مال و نگهداری آن است و در اصل از کنز خرما گرفته شده و زمان کنز، آن فصلی است که در آن خرما ذخیره می شود، و "ناقه کنز" آن شتری است که گوشت بدنش روی هم انباشته شده، و به عبارت ساده تر چاق باشد، و "یکنزون" در جمله "وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ" به معنای انباشتن و ذخیره کردن است. پس در همه موارد استعمال این کلمه، یک معنا نهفته است، و آن نگهداری و ذخیره مال و خودداری از این است که در میان مردم جریان پیدا کند و زیادتر شود، و انتفاع از آن عمومی تر گردد، یکی از آن با دادنش منتفع شود، و دیگری با گرفتن آن و سومی با عمل کردن روی آن. و این عمل یعنی کنز و ذخیره کردن مال، در سابق به صورت دفینه کردن آن صورت می گرفته چون بانک و مخازن عمومی در کار نبوده، ناگزیر می شدند برای آنکه سوء قصدی بدان نشود آن را در زمین دفن کنند.

این آیه هر چند از جهت نظم لفظی با آیات قبل که اهل کتاب را مذمت می کرد و احبار و رهبان ایشان را در خوردن مال مردم به باطل و جلوگیری از راه خدا توییح می نمود متصل می باشد، الا اینکه در لفظ و ظاهر آن هیچ دلیلی نیست که دلالت کند بر اینکه در خصوص اهل کتاب نازل شده باشد. پس نمی توان گفت که آیه شریفه فقط در باره اهل کتاب نازل شده، و تنها احتکار پول و حبس آن را بر ایشان حرام کرده، و اما مسلمانان می توانند طلا و نقره ها را رویهم انباشته نموده و هر طور که بخواهند در اموال خود رفتار نمایند. بلکه آیه شریفه عموم احتکار کنندگان را به عذاب شدیدی تهدید می کند، و در جمله "وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ" کنز و احتکار را توضیح می دهد و می فهماند آن احتکاری مبعوض خدا است که مستلزم خودداری از انفاق در راه او باشد، و در مواردی که وظیفه انفاق آن مال در راه خدا است، انسان را از انجام آن منع کند. و بطوری که از کلام خدای تعالی برمی آید؛ انفاق در راه خدا عبارتست از آن انفاقی که قوام دین بر آن است، بطوری که اگر در آن مورد انفاق نشود بر اساس دین لطمه وارد می آید، مانند انفاق در جهاد و در جمیع مصالح دینی که حفظش واجب است، و همچنین آن شوون اجتماعی مسلمین که با زمین ماندنش شیرازه اجتماع از هم گسیخته می گردد، و نیز حقوق مالی

واجبی که دین آن را به منظور تحکیم اساس اجتماع تشریح کرده، پس اگر کسی با وجود احتیاج اجتماع به هزینه، در باره حوایج ضروریش سرمایه و نقدینه را احتکار و حبس کند او نیز از کسانی است که در راه خدا انفاق نکرده و باید منتظر عذابی دردناک باشد، چون او خود را بر خدایش مقدم داشته، و احتیاج موهوم و احتمالی خود و فرزندانش را بر احتیاج قطعی و ضروری اجتماع دینی برتری داده است. این معنا از نکته ای که در آیه بعدی است استفاده می شود، زیرا در آنجا می فرماید: "هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ - این عذاب همان پولهایی است که برای خود گنجینه کرده بودید" و از این تعبیر به خوبی برمی آید که توجه عذاب و عتاب بر آنان بخاطر این است که خود را در حوایجی که از آن بیمناک بودند بر خدا و راه او که همان حیات جامعه انسانی در دنیا و آخرت است مقدم داشتند

علاوه بر اینکه به مصالح حیات اجتماع لطمه زده اند، به خدا و رسول هم خیانت کرده اند، زیرا مال را از نظر زمامدار اجتماع پنهان نموده اند، در نتیجه در یک گوشه اجتماع مال فراوانی دفن و روی هم انباشته شده، در حالی که در گوشه های دیگر اجتماع احتیاج ضروری به پول، حیات اجتماع را تهدید می کند. و اگر صاحب مال، ثروت خود را از نظر حاکم و زمامدار پنهان نمی داشت و در دست افراد به گردش و جریان می انداخت در چنین موقع حساسی که یگانه راه علاج و تنها وسیله حاجت پول است زمامدار آن پول را می گرفت و حاجت اجتماع را برمی آورد، پس او با این عمل خود به خدا و رسول نیز خیانت کرده است.

پس نهی آیه شریفه نهی از داشتن پول نیست؛ بلکه نهی از حبس آن است، چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمیت محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض هزارها برابر آن دفینه ثروت می داشت ولی آن را حبس نمی کرد، بلکه آن را در معرض جریان قرار می داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت. چون با جریان ثروت او، هم خود او استفاده می کرد و هم دیگران از آن بهره مند می شدند، و در عین اینکه در راه خدا انفاق نمی کرد خائن به خدا و رسول بشمار نمی رفت، زیرا ثروت خود را در مرأی و منظر همه

قرار داده بود بطوری که اگر زمامدار مسلمین احتیاج ضروری پیدا می کرد می توانست به او بگوید فلان مقدار در راه خدا انفاق کن.

مع الوصف معلوم شد که آیه شریفه ناظر است به آن گنجی که صاحبش را از انفاق در حقوق مالیه واجب باز بدارد. البته همانطور که مطرح شد منظور از انفاق تنها دادن زکات نیست بلکه معنای اعمی است که هم زکات را شامل می شود و هم حوایج ضروری جامعه را از قبیل جهاد و دفاع و حفظ جانها از هلاکت و امثال آن. این بود آنچه که آیه شریفه بر آن دلالت داشت، ان شاء الله. و جمله "فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ" که وعده عذابست به حرمت شدید کنز دلالت می کند. "يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ... بنابر این معنای آیه این است که: این عذابی که ما انباشته کنندگان ثروت را از آن بیم دادیم و بر آن تهدیدشان کردیم، وقوعش در روزی است که در آتش جهنم بر آن پولهای انباشته شده دمیده می شود تا سرخ گردد، آن گاه با همانها پیشانیها و پشت و پهلویشان را داغ می کنند، و در آن موقع به ایشان گفته می شود "این همان پولهایی است که برای روز مبادای خود جمع کرده بودید، اینک همانها را بچشید، زیرا اینها همانها است که امروز به صورت عذاب درآمده و شما را شکنجه می دهد.

مهم ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می دارد، اقتصادیات جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده، و شما اگر انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنی و به جستجوی علت آن بپردازی خواهی دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: یا فقر مفرط فرد بی ایمانی است که وی را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم کشی، گرانفروشی، کم فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می کند، و یا ثروت بی حساب است که انسان را به اسراف و ول خرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه سکنی و همسر، و بی بند و باری در شهوات، هتک حرمتها، شکستن قرقها و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی دارد.

و همه این مفسد که از این دو ناحیه ناشی می شود هر یک به اندازه خود تاثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد، نظامی که باید حیاتت اموال و جمع آوری ثروت و

احکام مجعول برای تعدیل جهات مملکت و جدا ساختن آن از خوردن مال به باطل را ضمانت کند، وقتی این نظام مختل گردد و هر کس به خود حق دهد که هر چه بدستش می رسد تصاحب کند، و از هر راهی که برایش ممکن باشد ثروت جمع نماید؛ قهرا سنخ فکرش چنین می شود که از هر راهی که ممکن شد باید مال جمع آوری کرد چه مشروع و چه نامشروع، هر چند فقرا به فقر بیشتری کشیده شوند. و پر واضح است که وقتی کار بدینجا بکشد شیوع فقر و فساد چه بلائی بر سر اجتماع بشری درمی آورد، محیط انسانی را به صورت یک محیط حیوانی پستی در می آورد که جز شکم و شهوت هیچ همی در آن یافت نمی شود، و به هیچ سیاست و تربیتی و با هیچ کلمه حکمت آمیز و موعظه ای نمی شود افراد را کنترل نمود.

در همین راستا پیغمبر (ص) فرموده اند: «هرکس خواربار را چهل روز احتکار کند، بی گمان از خدا بیزاری جسته است و خداوند نیز از او بیزار است.»⁽¹⁾ همچنین حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر در باب روحیات بازرگانان و صاحبان صنایع، فرموده اند: «پس باید از احتکار منع کنی زیرا رسول خدا (ص) از آن منع می فرمودند و باید خرید و فروش، آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد با نرخ های رایج بازار نه به زیان فروشنده و نه به زیان خریدار؛ و آن کسی که پس از منع تو، دست به احتکار زند، او را کیفر بده و عبرت دیگران گردان و در کیفر او زیاده روی مکن.»⁽²⁾ و در ادامه نیز می نویسند: «با این همه، بدان که بسیاری از تاجران در دادوستد بیش از اندازه سخت گیرند و بخل ورزی ناپسندی دارند و به منظور سود بیشتر کالا را احتکار می کنند و به دلخواه نرخ را گران می بندند و این کار برای توده مردم زیانبار و برای حکمرانان مایه عیب و ننگ است.»⁽³⁾ همچنین حضرت در نامه ای به «رفاعه بن شداد» والی اهواز، بیان می فرمایند:

ص: 344

1- ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ج 8، ص 481. ابن حزم، علی بن احمد، المحلی، ج 9، ص 64.

2- سید رضی، 1414 ق: 438؛ هاشمی خوئی، 1400 ق: 20 / 263

3- ابن شعبه حرانی، 1404 ق: 140؛ سید رضی، 1414 ق: 438

«از احتکار نهی کن. پس هرکس مرتکب آن شد، تنبیه بدنی کن و با آشکار ساختن آنچه احتکار کرده است، او را مجازات کن.»(1)

د) مبارزه با رانت و ویژه خواری:

دان که رانت و ویژه خواری در درون اقتصاد * همچو زهریست که کند نابود اصول را با فساد

گر که دیدی ویژه خواری را درون هر فضا * با عوامل کن تو بر خوردی شدید با عدل و داد

از دیگر شاخص‌های مهم در تحقق اقتصاد آرمانی، بنابر رباعی مزبور مبارزه با رانت خواری «ویژه خواری» است. در واقع رانت خواری به معنای آن است که افرادی به خاطر دسترسی به منابع قدرت و حکومت، امکانات ویژه ای را به دست می آورند و به صورت انحصاری منافع سرشاری را وارد جیب خود می کنند، در حالی که دیگر افراد عادی جامعه نمی توانند از آن امکانات بهره ببرند. از این رو اسلام برای تشکیل جامعه آرمانی و تحقق بخشیدن به اقتصاد آرمانی، مبارزه با رانت خواری را در دستور کار خود قرار داده است و در این راستا حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر، قبل از رفتن بدان جا چنین فرمودند: «مبادا به هیچ یک از اطرافیان و نزدیکان زمینی واگذاری و مبادا کسی از سوی تو به این طمع بیفتد که مالک آب و زمینی شود تا به همسایگان در آبیاری مشترک، خسارت وارد سازد و بارش را بر دوش دیگران نهد که بهره شیرین آن را فقط آنان می برند و ننگ آن در دنیا و آخرت برای تو می ماند»(2) بنابراین، اسلام رانت خواری را تحریم کرده و تقسیم مساوی اموال و ثروتهای جامعه را در دستور کار والیان خویش قرار داده است.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب ضمن تأکید بر لزوم وجود دستگاهی کارآمد که به ویژه در درون دستگاه های حکومتی به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، یادآور شدند که در جمهوری اسلامی کسب ثروت جرم نبوده و مورد تشویق نیز هست، اما از

ص: 345

1- نوری، 1408 ق: 13 / 277

2- ابن شعبه حرانی، 1404 ق: 145؛ سید رضی، 1414 ق: 441

سویی تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی عدالتی می انجامد، به شدت ممنوع بوده و از دیگر سو غفلت از قشر های نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست...

(ر) غش در معامله و پوشاندن عیب های تولید:

گرپوشانی تو عیب و نقص جنست را بدان * کار تو باشد نفاقی که کند جان را خزان

چون که غش در امور اقتصاد در یک کلام * رزق و روزی را کند آلوده با صدها نشان

«غش»، بنا بر مضمون رباعی مزبور یعنی پوشاندن عیب های تولید برای به دست آوردن سود بیشتر می باشد و به عبارت دیگر، غش در معامله، فروختن جنسی است که با چیز دیگر آمیخته شده باشد، در صورتی که آن چیز، معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید. (1) اسلام غش در معامله و پوشاندن عیب های تولید را مانع حصول اقتصاد سالم دانسته و آن را مردود و حرام می داند... در این خصوص پیامبر رحمت (ص) فروشنده را از این کار باز داشته و می فرمایند: «از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند. خداوند، برکت روزی او را می برد و راه معاش او را می بندد و او را به خودش وامی گذارد.» (2)

(م) مبارزه با ربا و رباخواری:

از ربا بدتر نباشد در امور این جهان * چون که آن باشد حرام اندر حرام بی هر گمان

اقتصاد را می کند مختل ربا خوار فغان * عاقبت گردد اسیر مور و مار تا آن کران

ربا، مبادله جنسی به مثل همان جنس با مقدار زیادتر از همان جنس یا همراه با شیء یا ... دیگر است. این عمل وفق مضمون رباعی مذکور ضمن اینکه حرام اندر حرام است؛

ص: 346

1- حریری، محمدیوسف، اسلام و نظام اقتصادی، ص 200.

2- صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال، ص 286. دیلمی، حسن، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص 417.

اقتصاد را مختل می کند و در بردارنده مفاسد زیادی است. لذا دین مقدس اسلام آن را منع و مذمت کرده است. چرا که ربا از جمله مفاسد اجتماعی است که مانع برقراری اقتصاد سالم می گردد. بر اساس اصل "النَّاسُ مَسْلُطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ" افراد در جامعه اسلامی آزادند تا از مالی که بطور مشروع بدست آورده اند بهره داشته باشند و آنرا به دلخواه مصرف کنند. ولی بعضی مردم از اعتماد دیگران سوء استفاده می کنند و از طریق ربا خواری اموال آنان را به باطل می خورند. رباخواری بیماری است که در دام شیطان اسیر است و از راه حق بازمانده است. لیاکلون اموال النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصَّدُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ (1)

اقتصاد اسلامی در راستای رسیدن به اهداف میانی چون اقتدار اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی و فقر زدائی و ایجاد امنیت هیچ گاه از چارچوب ارزشهای شرعی و معنوی و اخلاقی خارج نمی شود زیرا اقتصاد صحیح در چهارچوب قوانین شرعی و اخلاقی فضل خدا را می جوید. لتبتغوا من فضله... (2) بعضی می گویند بیع مثل رباست در حالیکه خداوند بیع را "احل لله البیع" حلال کرد و ربا را حرام کرد. "حرّم الربوا" (3) رباخواران در آتش مخلد هستند. فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون (4) رباخواران مفهوم عدل را در بی عدلی می دانند و یا کار خود را موجه نشان می دهند. خداوند در قرآن می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید تقوی الهی را پیش بگیرید و ربا را رها کنید و اگر این کار را نکردید پس به جنگی از جانب خدا ورسولش آگاه باشید (رباخواری در حکم جنگ با خداست) و اگر درست عمل کنید سرمایه از آن شماسست و نه ستم می کنید و نه ستم می بینید. به بیانی یکی دیگر از آفات اقتصاد سالم، ربا و رباخواری است، امری که باعث ضربه اقتصادی به جامعه می شود و تولید را کاهش می دهد. از این رو در آموزه های اسلامی،

ص: 347

1- 9-34

2- 35-12

3- 2-275

4- 2-275

ربا و رباخواری حرام اعلام شده (1) و برای احیای امر تولید و فعالیت، راهکارهایی چون مضاربه، مزارعه و مساقات را قرار داده است. (2) که در کتب فقهی، احکام و شرایط آن ذکر شده است.

حرام خواری از جمله ربا، از نظر اقتصادی صد در صد، هزینه نهایی بر جامعه تحمیل می کند و از سوی دیگر، مطلوبیت نهایی آن برای فرد، حداکثر و هزینه نهایی آن صفر است، به همین دلیل، پیامبر اکرم (ص) برای حفظ کیان جامعه اسلامی، آن را نهی کرده است تا منافع جامعه همچنان محفوظ بماند. (3) ایشان در این باره فرموده اند: «خداوند، رباخوار و ربا دهنده و کاتب و گواهان بر آن را لعنت کرده است.» (4) همچنین در این زمینه می فرماید: هنگامی که به معراج رفتم، گروهی را دیدم که شکم هایشان بزرگ بود و هرچه تلاش می کردند تا برخیزند و راه روند، نمی توانستند و پی در پی به زمین می خوردند، از جبرئیل سؤال کردم اینها چه افرادی هستند و جرمشان چیست؟ جواب داد: اینها ربا خواران هستند. حضرت علی (ع) نیز با توجه به عواقب معاملات ربوی و رباخواری در جامعه اسلامی، به طور مستمر مردم را از آن نهی می فرمودند. امام صادق (ع) فرموده اند: حضرت علی (ع) هر صبحگاه به بازارهای کوفه سرکشی می کردند و به هر بازاری که می رسیدند، می فرمودند: ای گروه بازرگانان! از خدا بترسید و از او طلب خیر کنید و با آسان گرفتن بر مشتریان، از خداوند برکت بخواهید و به آنان نزدیک شوید و خود را به صفت بردباری بیارائید. با مظلومان به انصاف برخورد کنید و به ربا نزدیک نشوید؛ کم فروشی نکنید و حقوق مردم را کم مدهید. (5) حضرت علی (ع) نیز فرموده اند: رسول خدا در مورد ربا پنج نفر را لعنت کرد: خورنده آن، خوراننده اش، دو شاهد آن و نیز نویسنده اش

ص: 348

1- بقره، 275 و 276؛ نساء، 61

2- حسینی نسب، بی تا: 73/1 - 82

3- ابراهیمی، حسین، پژوهش و تحقیقی نو در سیره نبی اعظم، ص 654.

4- ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان، ج 11، ص 399. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص 426.

5- کلینی، 1407 ق: 5/151؛ ابن بابویه، 1413 ق: 3/194

را. (1) در بیان آثار بسیار منفی و سوء ربا، آمده است: وقتی خدا بخواهد، اهل قریه ای را هلاک گرداند، ربا در آن شایع می شود. (2)

توجه به این نکته لازم است که: در معاملات ربوی، رباخوار زیان نمی بیند، بلکه شانه های ربا دهنده را خرد می کند؛ چرا که در این نوع معامله، مال دو طرف در یک طرف جمع می شود و طرف دیگر بدون مال می ماند. به همین دلیل مؤسسات ربوی، روز به روز وسیعتر و فربه تر و سرمایه دارتر می شوند، در حالی که قدرت طبقه های ضعیف و نیازمند جامعه رو به نقصان و تحلیل می رود. با گسترش و فراگیری رباخواری، سرمایه ها در مسیرهای ناسالم قرار می گیرد و پایه های اقتصاد که اساس جامعه است متزلزل می گردد. رباخواری عواطف و پیوندها را سست می کند و بذر کینه و دشمنی را در دلها می نشاند. (3) واضح است که با توجه به روایات وارد شده، ربا مانع تحقق اقتصاد سالم است؛ زیرا موجب نابودی روحیه ایثار در بین مؤمنان می گردد و موجب تمرکز ثروت در دست گروهی می شود که از فعالیتهای اقتصادی سالم و مفید دور شده و به رباخواری و استفاده از پول رو آورده اند. از این رو، در کلمات پیشوایان معصوم (ع)، دلیل تحریم ربا را، روی آوردن به فعالیت های سالم اقتصادی و فضائل اخلاقی ذکر کرده اند.

(م) مبارزه با رشوه و رشوه خواری:

رشوه و هم رشوه خواری بی گمان باشد حرام* چون که با آن مال انسان می شود بی شک حرام

دان که با رشوه کند ظلم و ستم بر این و آن* پس بجد برخورد نما تا وی شود دور از حرام

ص: 349

1- تفسیر مجمع البیان، ج 1، ص 390. با کمی تغییر مضمون همین کلام را حرعاملی، 1414 ق: 166/6 و فیض کاشانی، 1406 ق: 17/376 آورده اند.

2- همان

3- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 2، ص 273.

توضیح اینکه یکی از با سابقه ترین بلاهای اقتصادی جامعه پدیده شوم رشوه است. چرا که این آفت، از بزرگترین موانع اجرای عدالت به شمار می رود، و موجب نتیجه معکوس قوانین می گردد؛ زیرا قوانین، بازیچه تازه ای در دست اقویا که قدرت بر پرداختن رشوه دارند - برای ادامه ظلم و ستم و تجاوز به حقوق ضعفا می شود، و حال آنکه قانون باید حامی و حافظ منافع و حقوق محرومان باشد. بنابر این همانگونه که در رباعی فوق آمده است؛ رشوه خواری در فرهنگ دینی به شدت، تقبیح و حرام اعلام شده است. لذا یکی دیگر از موانع برقراری اقتصاد سالم، رشوه و رشوه خواری افراد جامعه است؛ زیرا این پدیده شوم، موجب گسترش حق کُشی و ظلم در جامعه می شود و برقراری عدالت اقتصادی را به خطر می اندازد و در نتیجه اقتصاد یک کشور را فلج می کند. اسلام، رشوه را در هر شکلی محکوم کرده است. روزی به پیامبر اکرم (ص) خبر دادند که یکی از فرماندهانش رشوه ای به صورت هدیه پذیرفته است، حضرت برآشفته شدند و فرمودند: «چرا آنچه حق تو نیست، می گیری؟» در پاسخ گفت: «آنچه گرفتم هدیه بود». رسول خدا (ص) فرمودند: «اگر در خانه بنشینید و فرماندار من در محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه می دهند؟!» سپس دستور داد هدیه را به بیت المال بازگردانند و او را برکنار کنند. (1)

همچنین حضرت علی (ع) خطاب به رشوه خواران می فرمایند: «شما قید و بند اسلام را قطع، حدود آن را تعطیل و احکام آن را به دست نابودی سپرده اید. بدانید که خداوند مرا به نبرد با سرکشان، پیمان شکنان و کسانی که فساد را روی زمین به راه می اندازند، فرمان داده است. (2) از این رو آن امام همام (ع) رشوه خواری را در سلامت اقتصاد مضر دانسته اند.

همچنین امام صادق (ع) فرموده اند: اما رشوه در قضاوت، کفر به خداوند است. (3) از آنجا که این ناهنجار را جوامع مختلف ناپسند و شوم می دانند، عده ای برای فرار و گریز از

ص: 350

-
- 1- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 2، ص 16.
 - 2- سید رضی، 1414 ق: 299 و 300؛ تمیمی آمدی، 1410 ق: 180
 - 3- وسائل الشیعه، ج 12، باب 5.

نکوهش، آن را لابه لای عبارات و عناوین فریبنده پنهان می کنند و حال آنکه تعبیراتی چون: هدیه، پاداش، تعارف، حق و حساب، انعام یا حق الزحمه تغییری در ماهیت این عمل ناپسند و غیر مشروع، به وجود نمی آورد. حضرت علی(ع) نظر خود را در قالب یک حکایت این گونه بیان می فرمایند: شب هنگام، کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت، معجونی در آن ظرف بود، چنان از آن منتفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمّی یا قی کرده آن مخلوط کرده اند. به او گفتم: هدیه است؟ یا زکات یا صدقه؟ که این دو بر ما، اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) حرام است. گفت: نه زکات است نه صدقه؛ بلکه هدیه است. گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگریند. آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی؟ یا هذیان می گویی؟ به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان هاست به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای به ناروا بگیرم چنین نخواهم کرد!⁽¹⁾

و) انباشت ثروت های راکد:

دان که راکد کردن ثروت بود کاری قبیح * پس نما دوری ز آن تا اقتصاد گردد فصیح

رونق تولید ز کار تورود بالا همی * چون که ثروتهای در گردش بود کاری صحیح

ج

از موانع دیگر تحقق اقتصاد سالم در جامعه اسلامی، بنابر مفهوم رباعی مزبور انباشت ثروت های راکد است. از این رو اسلام این امر را نکوهش کرده است و دستور می دهد که در صورت وجود ثروت های راکد، آنها را در جهت انفاق به نیازمندان و یا در مسیر تولید، تجارت، خدمات و دیگر موارد اقتصادی به کار گیرند. حضرت علی(ع) نیز انباشت ثروت را کاری ناپسند می شمارند و می فرمایند: ای فرزند آدم! هرچه بیش از روزی هر روزت کسب کنی، خزانه دار آن برای دیگری هستی.⁽²⁾ بنابراین واضح است که انباشت ثروت،

ص: 351

1- نهج البلاغه، خطبه-ی 224. سید رضی، 1414 ق: 347؛ دیلمی، 1427 ق: 122

2- سید رضی، 1414 ق: 503؛ حر عاملی، 1409 ق: 16 / 19

کاری زشت و بیهوده است و بهترین راه، آن است که انسان از ثروت بهترین بهره را ببرد و آن را در تولید به کار اندازد.

ن) برخورد با اسراف و اسراف‌گرایی:

دان که اسراف و همان اسراف‌گرایی هر زمان * بوده از افکار زشت و ناپسند اندر جهان

پس نما دوری ز آن با مصرف خوب و بجا * داد خاموش درون این را بخواهد از روان

یکی دیگر از آفات اقتصاد سالم، وفق مضمون رباعی مزبور اسراف و اسراف‌گرایی است. اسراف نه تنها ثروت فردی بلکه ثروت و تولید جامعه را به تباهی می کشاند. «صرفه جویی و رعایت اعتدال در مصرف» همانگونه که قبلاً مطرح شد؛ از جمله شاخصه های مهم اقتصاد سالم در سیره ائمه معصومین(ع) است که همواره مورد تأکید قرآن بوده است. خداوند که مالک حقیقی اموال است از بندگان خود می خواهد از اسراف دوری کنند و از هر نعمتی در حد متعارف استفاده کنند. بدین جهت معصومین(ع) مخصوصاً حضرت علی(ع) به اعتدال در مصرف، اهمیت بسیار می دادند و خود نیز نمونه بارز ساده زیستی بودند. آن حضرت در مورد لزوم صرفه جویی و اعتدال در مصرف، به ویژه برای مسئولان جامعه می فرمایند: بر رهبران حق است که در خوراک و پوشاک همانند ضعیف ترین مردم رفتار نمایند، از هیچ چیز اضافی که آنان قادر به تهیه آن نیستند برخوردار نباشند، تا فقرا با دیدن این رهبران، در آنچه هستند، از خدا راضی باشند و ثروتمندان با دیدن آنان شکر و تواضعشان بیشتر شود. (1)

بدین ترتیب، ایشان معتقد هستند که زندگی مادی و شخصی رهبران و مدیران باید همانند اقشار ضعیف باشد. همچنین می فرمایند: خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند تا نداری فقیر، او را هیجان نیاورد

ص: 352

که سر از فرمان خداوند برتابد. (1) آن امام همام در این باره می فرمایند: «نشانه های اسراف کننده، سه چیز است: به مقداری که حق ندارد بخورد، می خورد؛ به مقداری که حق ندارد بپوشد، می پوشد؛ و به مقداری که حق ندارد بخرد، می خرد» (2) و در جای دیگر می فرمایند: «میانه روی، کم را زیاد می کند و اسراف، سرمایه و امکانات فراوان را نابود می سازد.» (3) از این رو توجه به درست مصرف کردن و عدم اسرافگرایی موجب تحقق اقتصاد سالم می شود و اگر اسراف در جامعه رواج یابد، موجب عقب ماندگی و تعطیلی تولید داخلی می شود.

شریح بن الحارث در دوران خلافت امیرمؤمنان (ع)، خانه ای به هشتاد دینار خرید. چون این خبر به امام (ع) رسید، او را طلبیدند و فرمودند: به من خبر دادند که خانه ای به هشتاد دینار خریده ای، و سندی برای آن نوشته ای و گواهانی آن را امضا کرده اند... ای شریح! به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته ات نگاه نمی کند و از گواهانت نمی پرسد تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد. ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای... (4) و نیز در نامه ای به زیاده بن ابیه - جانشین عبدالله بن عباس فرماندار بصره نوشتند: از اسراف پرهیز و میانه روی را برگزین، از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندی ات در آخرت پیش فرست... (5)

ه) برخورد با اشرافی گری:

ص: 353

1- کلینی، 1407 ق: 1/ 411؛ سید رضی، 1414 ق: 325؛ عروسی حویزی، 1415 ق: 2/ 25

2- ابن بابویه، 1413 ق: 167/3

3- لیشی، 1376 : 39؛ تمیمی آمدی، 1410 ق: 30؛ حکیمی، 1380 : 348/4

4- همان، نامه-ی 3.

5- همان، نامه-ی 21.

دان که اشرافی گری کم رود سوی فساد * آن فسادی که کند ویران ستون هر نهاد

پس نما از آن حذر با معرفت در این دیار * تا شوی راحت ز شرّ نفس دون در هر بلاد

مضمون رباعی مزبور بیانگر این است که اشرافی گری از عوامل مهم فساد و از مهمترین موانع تحقق اقتصاد سالم و آرمانی در اسلام است. در واقع تجمل گرایی «رفاه زدگی» با سوق دادن منابع اقتصادی و تولید جامعه به سمت وسویی نادرست، به بدنه اقتصاد و جریان سالم آن آسیب وارد می کند و به جای شکوفایی اقتصادی و قوام جامعه، موجب بحران اقتصادی در بلندمدت می شود. لذا اسلام با خوی اشرافی گری مخالف است. از این رو حضرت علی (ع) برای مبارزه با اشرافی گری، از همان روز اول خلافت خویش، بر فراز منبر چنین فرمودند: «اگر حضور بیعت کنندگان و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهدی که خداوند عالم از دانشمندان گرفته است که در برابر شکم بارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نمایند، افسار شتر حکومت را بر کوهانش می انداختم و رهایش می ساختم» (1)

همچنین آن امام همام، تجمل گرایی صاحب منصبان حکومتی را امری مذموم می دانستند؛ چنانچه وقتی به ایشان خبر آوردند که والی بصره «عثمان بن حنیف» به سمت غذاهای رنگارنگ و زرق و برق دنیا میل نموده و به مهمانی بزرگان بصره رفته و از محرومان غافل شده است، در نامه ای خطاب به او نوشتند: «ای پسر حنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخوانده است و تو به سرعت به سویش شتافته ای، خوردنی های رنگارنگ برای تو آورده اند و کاسه های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهاده اند. گمان نمی کردم مهمانی افرادی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده اند و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده اند، اندیشه

ص: 354

1- طوسی، 1414 ق: 374؛ ابن بابویه، 1385 ق: 1/151؛ سید رضی، 1414 ق: 50

کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره (نشسته و) می خوری؟» (1) حال ای عزیز بزرگوار، لطفا در خصوص مطالب مزبور اندکی اندیشه فرما... بدون تردید به این نتیجه خواهی رسید که فطرت‌های بیدار و ضمیرهای حق جو و حق پذیر در طول تاریخ طالب و خواهان چنین رفتارهایی بوده و هستند....

ی) مبارزه با اختلاس کارگزاران:

اشاره

اختلاس در هر حکومت بوده از امراض حاد * می کند نابود تمام تار و پود اعتماد

گر که می خواهی شود راحت درون از فکر آن * بسترش را آن چنان در هم به پیچ با عدل و داد

معنای رباعی مزبور بیانگر این است که یکی از آفات مهم اقتصاد سالم «اختلاس» یا همان سوء استفاده از بیت المال است و بی تردید یکی از وظایف مهم نظام اسلامی، ضمن نظارت بر اعمال کارگزاران؛ برخورد جدی و بدون اغماض با اختلاس گران است به گونه ای که بستر چنین حرکت‌هایی طوری در هم پیچیده شود که احدی به مخیله اش خطور نکند که بخواهد از بیت المال سوء استفاده نماید. چرا که یکی از عوامل نگهدارنده سلامت اقتصاد جامعه و استحکام نظام، قاطعیت در برابر کسانی است که از بیت المال مسلمین سوء استفاده می کنند. لذا در شأن نظام اسلامی نیست که برخی از کارگزاران طوری زندگی و رفتار کنند که با تضییع حقوق مردم، موجبات فراهم شدن ثروتهای بادآورده برای خود گردند. از این رو اختلاس افزون بر اینکه بر اقتصاد کشور ضربه وارد می سازد، به اعتماد مردم نسبت به حکومت و نظام اقتصادی نیز خدشه وارد می کند. حضرت علی(ع) در توصیه و سفارش به مالک اشتر می فرمایند: «اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش بازرسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه را که از اموال در اختیار دارد از او باز پس

ص: 355

گیر، سپس او را خوار دار و خائن بشمار و قلاده بدنامی به گردنش بیفکن»⁽¹⁾ همچنین امام علی(ع) با کارگزاران متخلف، به شدت برخورد می کردند و درباره آنان هیچ اغمازی نمی کردند. به عنوان نمونه وقتی یکی از فرمانداران، اموالی از بیت المال را نزد خود گرفته بود و امام علی(ع) از آن باخبر شد، نامه ای تهدیدآمیز به وی نوشتند: «از خدا بترس و اموال این مردم را به سویشان بازگردان که اگر چنین نکنی و خداوند مرا بر تو چیره سازد، با تو کاری خواهم کرد که نزد خداوند عذر خواهم داشت و با شمشیرم که هر کس را با آن زدم در آتش شد، گردنت را بزنم. به خدا سوگند، اگر کاری را که تو کردی حسن و حسین کرده بودند، از من نرمشی نمی دیدند و به مرادی نمی رسیدند تا آنکه حق را از آنان بازگیرم و باطلی را که از ستم آن دو پدید آمده، نابود سازم»⁽²⁾ آری حضرت علی(ع) با اختلاس کنندگان مقابله جدی می کردند. چرا که یکی از راه های مهم برای جلوگیری کارگزاران از دست بردن و خیانت به بیت المال برخورد جدی است. آری ای عزیز بزرگوار، خواهشمند است پیرامون مطالب مزبور با تامل و دقت لازم باز اندیشه فرما... بین فطرت پاک بشری و فریاد خاموش درون آدمی بدون تردید در طول تاریخ طالب و خواهان چنین برخوردها و رفتارهای به حقی بوده و خواهد بود....

در خاتمه بحث آفتهای اقتصاد سالم؛ به قسمتی از بیانیه گام دوم انقلاب از زبان مقام معظم رهبری اشاره می شود:

عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه ی حکومتها عارض شود، زلزله ی ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی تر و بنیانی تر از دیگر نظامها است. وسوسه ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) کسانی

ص: 356

1- سید رضی، 1414 ق: 435؛ ابن ابی الحدید، 1404 ق: 17 / 69

2- سید رضی، 1414 ق: 414

را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی با ایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه‌جا و همه‌وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه‌ی بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آینده ی کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیتها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی عدالتی می انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته ی آن چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله. (1) دستاوردهای کم نظیر مدیریت جهادی در عرصه های مختلف زیر بنایی:

روزی بر این عالم، دو قطب پوشالی * در ادعا عالی، در باطن تو خالی

حاکم بود و گویی، هر یک به تنهایی * می گفت منم حاکم، در کاخ رسوایی

(یکی لیبرال و همراه سرمایه * یکی کمونیست و شعار بی مایه)

شاه کثیف ما، با آن همه افساد * تابع غرب بود و با لیبرال همزاد

فرمانبر غرب و خار و خس ایشان * عصیانگر و خالی در حد یک طوفان

ما را به دست غرب محتاج و می پنداشت * خود را برای ما در دانه می انگاشت

ص: 358

1- بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری، 22 بهمن ماه 1397

هر فرد غربی که، آمد به خاک ما * ما را ذلیل و خوار، خود را چنان مولا

می دید و از ما ها، حق توحش خواست * یعنی که ما وحشی، او بوده است بی کاست

اما نمی دانست، گوید همی قرآن * هرکس شود بی دین، پست است و چون حیوان

تا این که روح الله، با شور و با ایمان * از عمق جان برخاست، آمد به این میدان

حرف امام این بود، انسان شده محزون * با کاخ استبداد، دلها شده پر خون

با تکیه بر ایمان، در پرتو قرآن * آگه نمود انسان، در غربت و پنهان

شاه ستمگر را، رسوا نمود آن یار * در کوی و هر برزن، در کوچه و بازار

کم کم شدند مردم، آگه ز استبداد * با حکم آن مولا، کردند قیام و داد

طاغوت عصیانگر، با حامیانی چند * کردند همه حيله، با زر و زور و پند

اما شه طاغوت، نابود شد و مغلوب * کاخ ستمکاران، ویران شد و منکوب

در وادی ایمان، مستکبر و شیطان * مایوس از طاغوت، گشتند همه حیران

گشت انقلاب ما، پیروز آن میدان * با وحدت و رهبر، در سنگر ایمان

حرف امام این بود، نه شرقی نه غربی (1) * راه خدا باشد، جمهور اسلامی

ص: 359

1- نه شرقی و غربی ما را بود حامی

در واجبات حق، حفظ نظام اصل است * بر هر مسلمانی، گر چه که خود اهل است
پس ای عزیز من، تکلیف ما سخت است * هرکس کند تضعیف، دانی که بدبخت است

هم شرق و هم غربش، گردند همه نابود * این گفته حق رهبر و مولا بود

خواهی که تو هر روز، شوی چنان آرام * راه ولی در پیش، رها تو شو از دام

با وحدت امت، حفظ نظام هر آن * آید بر این ملت، در پرتو ایمان

تکلیف ما هر دم در فتنه ی دوران * پرهیز از شبهه، در صحنه ی میدان

جان کلام این است، با وحدت و ایمان * در راه رهبر رو، با سر و هم با جان

تا که شوی آرام، از عمق روح و جان * راه ولی باشد، راه همان قرآن

مثنوی مزبور اگر چه با زبان عامیانه و با آهنگی خاص سروده شده است ولی حقایق بسیار بزرگی را مطرح می کند و آن افول قدرتهای
استکباری عالم از یک طرف و ظهور انقلاب شکوهمند اسلامی از سوی دیگر است.... حال پس از حدود چهل سال این انقلاب الهی
توانسته علی رغم تمام دشمنی های استکبار جهانی کارنامه بسیار موفقی از خود به یادگار بگذارد؛ کارنامه ای که به جرات و بدون هر گونه
تعصب باید گفت به حق می تواند الگوی عملی بسیار ارزشمند برای تمام آزادی خواهان جهان مخصوصا مسلمین عالم باشد.

البته ای عزیز بزرگوار، جمهوری اسلامی ایران، هم به دلیل ماهیت انقلابی و اسلامی اش و هم به دلیل قرار گرفتن در یکی از نقاط
استراتژیک جهان، همواره مورد تهدید بوده است. لذا برای مقابله با این تهدیدات یک دولت قوی به مجموعه ای از مؤلفه ها نیازمند است
که عمده ترین آن ها مشارکت سیاسی، توسعه اقتصادی، و وفاق اجتماعی است که

این مؤلفه‌ها در سه اصل کلی «مشروعیت»، «ظرفیت سیاسی در مدیریت و مواجهه با موضوعات گوناگون» و «وحدت ملی» تبلور دارند. بحمد... در مؤلفه‌های مزبور، جمهوری اسلامی ایران از امتیازات خوبی برخوردار است؛ یعنی دارای حکومتی الهی و مردمی است و مجموعه کلان نظام آن گونه که تاکنون نشان داده، توانایی حل و مدیریت مسائل و بحران‌ها و مواجهه با تهدیدات را در بعد

داخلی و خارجی دارد و از وحدت ملی قابل ستایشی برخوردار است. البته در مورد همه اینها آسیب‌هایی وجود دارد که مسئولان نظام و مردم انقلابی باید با بصیرت لازم همواره هوشیار و آماده باشند.

حال در ارزیابی دستاوردها، باید ضمن توجه به اهداف، امکانات و موانع، به شاخص‌ها و آمارهای رسمی و معتبر رجوع شود. در غیر این صورت، ضمن سلب اعتماد مردم، امکان برنامه‌ریزی صحیح را نیز سلب خواهد کرد. در اینجا، به برخی از مهم‌ترین دستاوردهای (عمدتاً اقتصادی) انقلاب اسلامی بنابر منابع معتبر و معمولاً جهانی اشاره می‌شود. این موفقیت‌های مهم و بزرگ که به برخی از آنها در ادامه اشاره خواهد شد؛ واقعا باور کردنی نیست... اما... بدون تعصب باید اذعان و اعتراف شود که باور این همه پیشرفت ارزشمند و رتبه‌های جهانی به برکت انقلاب اسلامی با مدیریت انقلابی و جهادی به یک معجزه شبیه است. لذا خواهشمند است با دقت و تأمل لازم مورد به مورد آنها را ملاحظه فرما و برای هر یک بارها و بارها شکر خالق منان را بجا آور. در ضمن این بدین معنا نیست که هیچ نقص و اشکالی در طول این مدت وجود نداشته است... بدیهی است اگر در جایی یا در برهه‌ای از زمان موفقیت‌ها کمتر بوده و ضعفها و ایراداتی بروز و ظهور داشته؛ بدون تردید بخاطر عدم تبعیت کامل از منویات ولی امر و عدم استفاده از روحیه بسیجی و انقلابی در مسئولیتها و فعالیتها مربوطه بوده است... در هر حال لازم به یاد آوری است که سعی بر این بوده تا موارد زیر همان گونه که اشاره شد حتی المقدور از منابع معتبر جهانی اخذ شود. در ضمن مستندات آنها در برنامه 20 که اشاره به جایگاه و رتبه زیر 20 ایران در مسائل مختلف علمی، اقتصادی، سبک زندگی و... دارد؛ موجود می‌باشد. همچنین کل موارد زیر را برنامه 20 در فضای گرافیکی به صورت موشن گرافیک دو بعدی همراه با مستندات، اطلاعات و آمار ارائه نموده است:

1) رتبه‌های تکان دهنده علمی کشور:

یکی از مراجع رتبه‌بندی علمی، نشریه معتبر علمی «نیوساینتیست» است که در انگلستان چاپ می‌شود و اولین شماره آن سال 1335 منتشر شد. دفتر مرکزی این مجله در لندن است و بعد از چاپ در انگلستان، در آمریکا و استرالیا نیز منتشر می‌شود.

نیوساینتیست به طور مرتب گزارش هایی آماری در خصوص رشد علمی کشورهای مختلف جهان منتشر می کند. در گزارش سال 1389 نیوساینتیست، ایران سریع ترین نرخ رشد علمی جهان را داشت و به تعبیر این مجله، ایران پیشروترین کشور جهان در عرصه تولیدات علمی بود. نرخ رشد علمی در ایران، یازده برابر میانگین جهانی بوده و آمار و مستندات مربوط به این رشد علمی را نیز در پایگاه اطلاعاتی وب سایت علم (Web of Science) منتشر کرده است. مهم ترین بخش های توسعه علمی در ایران، بنا به این گزارش ها، هوافضا، دانش هسته ای و پژوهش های پزشکی هم چون سلول های بنیادی و مساله شبیه سازی ژنتیکی بوده است.

یونسکو، سازمان علمی فرهنگی ملل متحد نیز در گزارش خود از پیشرفت علمی کشورهای جهان به نام «به سوی سال 2030» که آخرین ویراست آن در سال 1395 منتشر شد، نشان می دهد ایران برترین کشور از نظر دانش نانو تکنولوژی در منطقه و در سراسر جهان اسلام است و از نظر جهانی نیز بعد از چین، آمریکا، هند، کره جنوبی، آلمان و ژاپن، در رتبه هفتم قرار دارد.

اما مهم ترین بخش این گزارش، نتیجه گیری آن است. در نتیجه گیری گزارش مربوط به ایران، ناظران یونسکو به این نکته اشاره می کنند که نظام وحشتناک تحریمی که از سال 1390 بر ایران حاکم شده نه تنها باعث افت پیشرفت علمی نشده، بلکه برعکس، به علت کم شدن مراودات ایران با جهان، توجه ایرانیان را به بازارهای داخلی جلب کرده و باعث شده شرکت های دانش بنیان با محصولات محلی تقویت شوند.

(2) رشد بی نظیر کشور در قدرت نظامی:

برای رتبه بندی قدرت های نظامی جهان، سایت گلوبال فایرپاور هر ساله رتبه بندی معتبری را ارائه می کند که معیار رتبه بندی نظامی کشورها قرار می گیرد. شاخص های مورد نظر برای این رتبه بندی، عبارتند از: نیروی انسانی، منابع طبیعی، منابع لجستیکی، جغرافیا، منابع مالی، نیروی دریایی، نیروی زمینی و قدرت هوایی. این ها، هشت شاخص اصلی قدرت نظامی یک کشور هستند. داده های آماری این سایت از میان 136 کشور جهان در

سال 1397 نشان می دهد که ایران در سراسر جهان سیزدهمین قدرت نظامی است. در این رتبه بندی کشورهای آمریکا، روسیه، چین، هند و فرانسه پنج جایگاه اول را اشغال کرده اند. البته برای این رتبه بندی امکانات و تجهیزات مرتبط به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی مقاومت بسیج در نظر گرفته نشده است. بنا به آمار «مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی» که یک اندیشکده معتبر آمریکایی است، از نظر نیروی انسانی، ایران رتبه هفتم جهان را دارد. هم چنین قدرت موشکی یکی از نقاط برجسته توان نظامی ایران در سال های اخیر است. در سراسر جهان تنها 26 کشور دارای صنعت موشکی هستند که در بسیاری از این کشورها این صنعت بسیار محدود و فرعی است. اما در ایران وضع به شکل دیگری است. سایت نشنال اینترست، در 23 ژانویه 2015 مقاله ای منتشر کرد به نام «5 سلاح جنگی ایرانیان که آمریکا باید از آن ها بترسد» و در صدر این سلاح ها به موشک سجیل اشاره کرد. بنا به این مقاله، ابرت گیشس وزیر وقت دفاع آمریکا در جلسه استماع کنگره گفته بود، «این موشک، بردی بین 2000 تا 2500 کیلومتر دارد.» یعنی همه پایگاه های آمریکا در منطقه در برد این موشک قرار می گیرند و برای همین خطرناک ترین موشک برای آمریکایی ها شناخته می شود. اما همه پیشرفت های دفاعی ایران در موشک خلاصه نمی شود.

بنا به نشنال اینترست، خطرناک ترین سلاح ایران در دریاها، زیردریایی های کلاس غدیر است که می توانند تنگه هرمز را برای آمریکایی ها ناامن کنند. به نوشته این گزارش، آمریکا از سال 1355 تا به امروز، یعنی در یک بازه 45 ساله، 8 تریلیون دلار تاکنون برای امنیت تنگه هرمز خرج کرده و حالا ایرانیان با زیردریایی های غدیر به راحتی می توانند هر کشتی مورد نظر در این تنگه را در هر جای آن هدف قرار دهند. تحریم های ایران تاکنون موفق نشده تا مانع از پیشرفت های دفاعی ایران شود. برای همین است که وقتی برجام بر مبنای توافق در زمینه اختلافات هسته ای ایران با غرب امضا شد، رئیس جمهور بعدی آمریکا با هدف تعطیل کردن صنایع موشکی ایران، توافق قبلی را ملغا کرد به این امید که

ایران با تسلیم شدن در برابر شرایط جدید آمریکا، قدرت دفاعی خود را در منطقه تعطیل کند.

(3) آموزش و پرورش کودکان:

سال 1355 از جمعیت بالای شش سال کشور، تنها 47 درصد باسواد بودند. سال 1395، تنها سه دهه پس از انقلاب، جمعیت باسوادان در ایران به حدود 88 درصد افزایش پیدا کرد. برای باسواد کردن یک جامعه و بالا بردن سطح آموزشی، زیرساخت های متعددی در یک کشور نیاز است که یکی از مهم ترین آن ها مدارس است.

تعداد مدارس کل کشور در سال 1355، 47 هزار و 47 مدرسه بود اما در سال 1390، این تعداد به 91 هزار و 830 مدرسه افزایش پیدا کرد. همچنین مدارس غیرانتفاعی نیز که بخش دیگری از بار آموزش را به دوش می کشند در قبل از انقلاب تنها 1536 مدرسه بود که پس از انقلاب به 13 هزار و 137 مدرسه افزایش پیدا کرد. از نظر آموزش دانش آموزان تیزهوش نیز در سال 1350 در سراسر کشور تنها دو مرکز برای آموزش استعدادهای درخشان وجود داشت اما در سال 1390 این تعداد به 670 مرکز رسید. همچنین برای دانش آموزان استثنایی و دارای معلولیت نیز پیش از انقلاب تنها 237 مدرسه وجود داشت اما تا سال 1397 این تعداد به یک هزار و 284 مدرسه افزایش پیدا کرده است. بخش دیگری از مدارس، که برای تحقق عدالت آموزشی و معمولا برای تامین تحصیلات دانش آموزان روستایی پیش بینی شده مدارس شبانه روزی هستند. در سال 1357، در سراسر کشور فقط 65 مدرسه شبانه روزی وجود

داشت اما پس از انقلاب، این مدارس به 3 هزار و 100 مدرسه افزایش پیدا کرده است. برای دانش آموزان عشایری نیز مدارس عشایری در نظر گرفته شده است. از این مدارس در سال 1357 تنها 1900 واحد وجود داشت اما در سال 1397 تعداد این مدارس به 5800 واحد رسیده است و به جز این مدارس، در مناطق محروم نیز 966 مدرسه نمونه دولتی مخصوص فرزندان مستعد این مناطق اختصاص داده شده است.

ص: 364

این پیشرفت‌ها جمعیت تحت پوشش آموزش را در سطح کشور افزایش داده است. به عنوان مثال، در سال 1357 در میان کودکانی که در سنّ مدرسه قرار داشتند، تنها 60 درصد جمعیت این کودکان در مدارس مشغول تحصیل بودند و 40 درصد باقی مانده به مدرسه نمی رفتند یا به سرعت ترک تحصیل می کردند که همین نرخ بی سوادی در کشور را افزایش می داد. اما پس از انقلاب نزدیک به 100 درصد کودکان سنّ مدرسه، مشغول تحصیل در مدارس هستند و با وجود این که جمعیت روستایی و عشایری کشور بسیار کمتر از سال 1357 است اما جمعیت دانش آموزان تحت آموزش در این حوزه ها نسبت به آن سال دو برابر افزایش پیدا کرده است.

آموزش و پرورش و افزایش سواد دانش آموزان کشور از مقطع ابتدایی تا متوسطه یکی از مهم ترین دلمشغولی های چهل ساله اخیر مسولان بوده و یکی از موفق ترین زمینه های عملکرد مسئولین را می توان در چهاردیواری کلاس های درس و تخته سیاه جستجو کرد.

4) رتبه های کم نظیر جهانی در «اندازه بازار»:

انجمن جهانی اقتصاد پس از جنگ جهانی دوم تاسیس شد و هدف خود را تضمین ثبات مالی کشورها، تسهیل تجارت بین المللی، توسعه آمار کار، رشد اقتصادی باثبات در کشورها و در نهایت کاهش فقر اعلام کرده است. اینک 189 کشور از جمله ایران عضو این سازمان هستند. این سازمان برای محاسبه وضعیت اقتصادی کشورها، از شاخصی استفاده می کند که به آن «اندازه بازار» می گویند. اندازه بازار هر کشور، یعنی کل محصولات که یک کشور برای عرضه به بازار و مشتریان تولید می کند. برای محاسبه اندازه بازار، سه شاخص وجود دارد: اندازه بازار داخلی، یعنی کالاهایی که در بازار داخلی عرضه می شود، اندازه بازار خارجی، یعنی کالاهایی که صادر می شود، و در نهایت سهم صادرات از کل تولید ناخالص ملی یعنی این که چه قدر از کل پولی که در داخل کشور تولید می شود محصول بازار خارجی است.

ایران به علت تحریم ها در دوران پس از انقلاب با مشکلات اقتصادی زیادی دست به گریبان بوده اما با این وجود پیشرفت های بسیاری نیز داشته است. ایران در صادرات

بسیاری از محصولات کشاورزی و دامی و صنعتی در جهان دارای رتبه ی برتر است. ایران در زمینه صادرات فرش دستباف، خاویار، زعفران، پسته و زرشک، رتبه اول جهانی را دارد. در زمینه تولید میوه های زردآلو، خیار و گردو، ایران در جهان رتبه دوم را دارد. در زمینه تولید هندوانه ایران رتبه سوم جهان را دارد. در صادرات بادام ایران کشور چهارم جهان است، در تولید پیاز رتبه ششم، و در تولید گوجه، مرکبات و پشم گوسفند رتبه هفتم جهان را داراست. هم چنین ایران هشتمین صادرکننده بزرگ سیمان در جهان است و به جز این در مجموع هشتمین رده جهانی را در میان تولید مرغ و میوه جات را داراست. حجم بالای تولیدات کشاورزی و دامی در ایران، نشان می دهد که ایران آمادگی و ظرفیت تامین امنیت غذایی مردم را دارد.

با وجود این، محصولات کشاورزی و دامی در واقع کوچک ترین بخش اقتصاد ایران را در برمی گیرد. بنا به برخی از آمارها کشاورزی تنها 11 درصد از اقتصاد ایران را در برمی گیرد و دو بخش دیگر اقتصاد ایران، یعنی صنعت و خدمات، بسیار بزرگ تر و حجیم تر از بخش کشاورزی هستند. در بخش خدمات، مثلا در زمینه گردشگری، ایران توانسته از سال 1370 تاکنون، 33 میلیون نفر به آمار گردشگران خارجی خود اضافه کند که از نظر میزان رشد جذب گردشگر، کشور هفتم جهان است.

در بخش صنعت نیز ایران در طی سال های اخیر با رشد چشمگیر 6.5 (شش و نیم) درصدی در صادرات محصولات پتروشیمی همراه بوده است. 2.5 (دو و نیم) درصد بازار جهانی کودهای نیتروژنی، بیش از 3 درصد بازار اتیلن جهان، 4 درصد بازار اوره جهان، 4 درصد بازار سولفور و نزدیک به 4 درصد بازار آمونیاک جهان در اختیار ایران قرار دارد. با توجه به همین حضور ایران در بازارهای خارجی و داخلی، انجمن جهانی اقتصاد در سال 1395 حجم بازار ایران را در رتبه نوزدهم جهانی قرار داد.

(5) رشد در شاخص توسعه انسانی (ایران بالاترین کشور):

محاسبات ریاضی شاخص های انسانی کمی پیچیده است. اما عناصری مانند عمر طولانی، زندگی سالم از نظر بهداشتی، شاخص آموزش و تحصیلات، و استاندارد یک

زندگی آبرومندانه، در داخل شاخص های انسانی مد نظر است. مجموع این پارامترها طی محاسباتی کنار هم قرار می گیرد و عددی را به دست می دهند که عدد شاخص توسعه انسانی نامیده می شود. این شاخص ها توسط دفتر توسعه سازمان ملل برای سنجش کیفیت زندگی ملت های مختلف جهان به کار گرفته شد. امید به زندگی، بهداشت، نظام آموزشی و درآمد. میانگین این ها یکی از جامع ترین معیارها برای مقایسه توسعه یافتگی کشورها را به دست می دهد. میانگین پیشرفت ایران در سال های پس از انقلاب نیز محاسبه شده است. بنا به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، در فاصله سال های 1358، یعنی درست سال اول تشکیل جمهوری اسلامی تا سال 1395، این میانگین روی هم رفته، رتبه اول میزان رشد شاخص توسعه انسانی را به خود اختصاص داده است. یعنی در طی 4 دهه بعد از انقلاب، هیچ کشوری به اندازه ایران نتوانسته شاخص توسعه انسانی را افزایش دهد. میانگین رشد شاخص توسعه انسانی در جهان، بین 69 تا 73 صدم درصد بوده است. رشد ایران، از دوبرابر متوسط جهانی هم بیشتر بوده و سالانه یک و شش صدم درصد توسعه را نشان می دهد. اما این میزان رشد شاخص را نشان می دهد. کمبودها چطور؟ یعنی ایران تا چه حد موفق شده کمبودهای شاخص توسعه را جبران کند؟ بنا به گزارش فاینانشال تریبیون که در 30 اردیبهشت 1395 منتشر شد، از نظر جبران کسری این شاخص ها نیز ایران بعد از کره جنوبی در رتبه اول جهان قرار دارد. یکی از نکاتی که در این گزارش به آن اشاره شده، بیمه عمومی در ایران است. بنا به این گزارش، 700 هزار نفر که به علت فقر از پس هزینه های درمانی بر نمی آمدند توسط پوشش بیمه ای در کشور درمان شدند. باید به یاد داشت حتی در کشوری مانند آمریکا نیز بیمه همگانی هنوز وجود ندارد. باراک اوباما سعی کرد یک بیمه محدود برای 40 میلیون نفر از جمعیت 300 میلیون نفری آمریکا درست کند که با مخالفت شدید گروه های مختلف سیاسی و کارتل های بزرگ اقتصادی روبرو شد. تا سال 1388 هر سال 45 هزار بیمار آمریکایی به علت نداشتن بیمه درمانی از بین می رفتند. شرکت های داروسازی در آمریکا هزینه های درمان را برای نفع خود همواره بالاتر نگه می دارند. در ایران اما دولت خود وضعیت داروهای ضروری و بیمه همگانی را به

عاهده گرفته است. این باعث شده که امید به زندگی در کشور افزایش یابد. به گزارش فاینانشال تریبیون، سال 1358، یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امید به زندگی در میان مردم ایران، فقط 54 سال بود. یعنی میانگین سنی که یک ایرانی عمر می کرد 54 حساب می شد که با کشورهای بحران زده و جنگ زده آفریقایی قابل قیاس است. اما در طی سال های پس از انقلاب این رقم رشد کرده و در سال 1393 به بیش از 75 سال رسیده است که به استاندارد کشورهایمانند ژاپن و کره نزدیک می شود. با این وجود، این واقعیت ها همواره از سوی رسانه های اصلی جهان کنار گذاشته می شود و به آن اشاره نمی شود چرا که ایران در اردوگاه غرب نیست و بنابراین هدف نه افزایش رضایت عمومی که ایجاد احساس نارضایتی است.

6) تولید ناخالص ملی «مقام هجدهم اقتصاد قدرتمند جهان»:

تولید ناخالص ملی، یعنی این که کل ارزش فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی طی یک دوره زمانی مشخص، که معمولاً یک سال مالی است، چه اندازه بوده است؟ یعنی اقتصاد کشور در طی یک سال چه اندازه ثروت تولید کرده است. تولید ناخالص ملی یکی از شاخص های مهم برای ارزیابی و رتبه بندی اقتصادی کشورهاست. شاخص دیگر، برابری قدرت خرید است. این شاخص یعنی با توجه به ارزش پول ملی، نسبت هزینه های دو سبد کالای یکسان در دو جامعه مختلف چه اندازه است. مثلاً شرکت زنجیره ای مک دونالد در آمریکا که بزرگ ترین تولیدکننده همبرگر در جهان است و در اکثر کشورها شعبه دارد، اگر این همبرگر در آمریکا دو دلار و در انگلیس سه دلار قیمت خورده باشد، معنایش این است که قدرت خرید مردم آمریکا برای همبرگر مک دونالد بیشتر از قدرت خرید مردم انگلستان است. در واقع تولید ناخالص ملی کشورها به این ترتیب بر اساس برابری قدرت خرید سنجیده می شود یعنی با مجموع پولی که در طی یک سال مالی در یک کشور به خصوص تولید شده، مردم آن کشور چقدر قدرت خرید بالایی دارند. اسم این شاخص هست: تولید ناخالص ملی بر اساس برابری قدرت خرید.

دو منبع برای آمار و رتبه بندی این شاخص در جهان بیشتر از باقی منابع اهمیت دارد. اولی، صندوق بین المللی پول است که به علت این که خودش نیز به کشورهای مختلف پول قرض می دهد بسیار برایش مهم است که وضعیت این کشورها چیست و آیا توان پس دادن وام ها را دارند یا خیر. بنابراین سعی می کند ارزیابی دقیقی از وضعیت اقتصادی کشورها داشته باشد. دومین منبع نیز بانک جهانی است که هم خودش به علت این که در فعالیت های اقتصادی و وام به کشورها نقش دارد، سعی می کند با دقت زیادی تولید ناخالص داخلی را بر اساس برابری قدرت خرید در کشورهای مختلف ارزیابی کند.

آخرین آمار صندوق بین المللی پول به سال 1396 برمی گردد که در آن چین رتبه اول جهان را دارد و پس از آن به ترتیب کشورهای آمریکا، هند، ژاپن، آلمان و روسیه قرار می گیرند. در این رتبه بندی، ایران در مقام هجدهم جهانی و بالاتر از کشورهای استرالیا و تایلند قرار گرفته است. آمار بانک جهانی، آخرین بار در سال 1395 منتشر شد که در آن پنج رتبه اول، از آن چین، آمریکا، هند، ژاپن و آلمان بود. در این آمار اما رتبه ایران تغییری نکرده و ایران در مقام هجدهم اقتصاد قدرتمند جهان قرار دارد. این آمار را در حالی باید در نظر گرفت که ایران برخلاف همه این کشورها در شرایط عادی اقتصادی قرار ندارد بلکه جنگ اقتصادی و تحریم از سوی غرب علیه ایران در جریان است و رسانه های غربی نیز تصویری ویران از اقتصاد ایران برای ایرانیان ترسیم می کنند.

(7) توسعه های خیره کننده در صنایع دانش بنیان:

صنایع دانش بنیان، فناوری های جدیدی هستند که بر پایه علوم جدید ساخته می شوند و در واقع آینده توسعه فناوری ها در جهان را تشکیل می دهند. یکی از این فناوری ها، فناوری فضایی است. کشورهای پیشرفته برای گسترش سفرهای فضایی به سیارات جدید و خصوصا مریخ و استفاده از منابع سیارات در حال برنامه ریزی هستند. از میان 195 کشور در جهان، فقط 11 کشور دارای فناوری پرتاب ماهواره به فضا هستند، که مرحله مورد نیاز برای رسیدن به فناوری ارسال انسان به فضا و اکتشافات فضایی است. هم چنین تنها شش کشور در جهان تاکنون موفق شده اند به فضای خارج از جو موجود زنده بفرستند به نحوی

که موجود زنده سالم به زمین برگردد. پس از انقلاب، با فعالیت گسترده دانشمندان هوافضای کشور، ایران، هم در میان 11 کشور دارای فناوری پرتاب ماهواره به شکل بومی قرار دارد، و هم در میان شش کشوری که با موفقیت موجود زنده به فضا پرتاب کرده و به زمین برگردانده اند.

اما یکی از دیگر حیطه های صنعت دانش بنیان که ایران در آن پیشتاز است، صنعت هسته ای است. در این صنعت، که آینده انرژی کشورهای جهان را شکل می دهد و از آن در زمینه های دیگری هم چون پزشکی، کشاورزی و صنعت نیز بهره گرفته می شود، در سراسر جهان، پیش از این فقط 13 کشور وجود داشتند که فناوری چرخه کامل سوخت هسته ای یعنی از مرحله اکتشاف اورانیوم تا استخراج آن از معدن، تولید کیک زرد و تبدیل آن به گاز یو.اف.6 را در اختیار داشتند. ایران چهاردهمین کشور دنیاست که این فناوری را با توان دانشمندان و متخصصین داخلی به دست آورده و اینک چرخه کامل سوخت هسته ای را در اختیار دارد.

یکی دیگر از حیطه های صنعت دانش بنیان، حیطه سلول های بنیادی است. سلول های بنیادی برای تولید اعضای بدن و شبیه سازی ژنتیکی موجودات استفاده می شود. متخصصین ایرانی از پیشگامان حیطه سلول های بنیادی در جهان هستند. در سطح جهانی ایران بعد از آمریکا رتبه دوم گسترش و تحقیقات دانش سلول های بنیادی را به عهده دارد و پس از ایران، کشورهای کره جنوبی، استرالیا، چین و اسپانیا قرار دارند. هم چنین در سال 1396 ایران از نظر تولیدات زیست فناوری در رتبه 13 جهان و در رتبه نخست منطقه قرار گرفت. تولیدات زیست فناوری شامل محصولات تکنولوژیک است که از طریق دانش زیست شناسی و شناخت ارگانیسم های زنده توسعه می یابد.

به جز این سه حیطه اصلی صنایع دانش بنیان، حیطه های دیگری نیز هستند که دانشمندان ایرانی در آن زمینه ها در حال پیشرفت هستند. در صنعت نانو تکنولوژی ایران رتبه ششم جهانی را در اختیار دارد و در آینده یکی از کشورهای مطرح در زمینه فناوری نانو است. این پیشرفت ها محصول رشد علمی ایران است که از سال 1374 تاکنون، از

نظر میزان رشد علمی، رتبه اول جهان را در اختیار دارد. در رشته های کامپیوتر، ریاضیات و پزشکی، ایران در میان بیست کشور برتر دنیا قرار دارد و این پیشرفت ها در حال تغییر چهره صنعت در ایران هستند.

8) شاخص جینی «توزیع ثروت عادلانه بهتر از آمریکا، روسیه و...»:

تولید ناخالص ملی یک کشور ممکن است زیاد باشد. یعنی حجم زیادی پول در طول یک سال در داخل یک کشور تولید شده باشد. اما این پول زیاد، ممکن است به شکل عادلانه و برابر تقسیم نشده باشد. اقتصاددانان برای محاسبه این که توزیع ثروت در میان مردم به چه صورتی انجام پذیرفته نیز فرمولی ابداع کرده اند که می تواند اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدهای کشورها را اندازه گیری کند. این شاخص نخستین بار توسط یک جامعه شناس و متخصص آمار ایتالیایی به نام کورادو جینی [Corrado Gini] اختراع چاپ شد. امروزه مهم ترین منبع محاسبه و استخراج شاخص جینی کشورها، بانک جهانی است. بانک جهانی که پس از جنگ جهانی دوم تاسیس شد، یک سازمان مالی بین المللی است که برای حفظ تعادل مالی در جهان ساخته شده و با پرداخت وام به کشورهای دارای صلاحیت سعی می کند اوضاع اقتصادی دنیا را کنترل کند. این سازمان هدف خودش را کاهش فقر اعلام کرده است. شاخص جینی به این سازمان کمک می کند تا چشم انداز توزیع ثروت در کشورهای مختلف را با دقت بیشتری شناسایی کند. فرمولی که برای شاخص جینی به کار می رود، عددی را به عنوان خروجی می دهد که هر چه به صفر نزدیک تر باشد نشان می دهد که اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدهای در کشور کمتر است و هر چه این عدد از صفر به سمت بالا میل کند، معنای آن این است که ثروت در کشور به شکلی نامنسجم و ناعادلانه توزیع می شود.

سال هاست که کشورهایی مانند سوئد و نروژ بهترین وضعیت از نظر ضریب جینی را دارند یعنی توزیع ثروت در این کشورها به شکلی عادلانه و همگون تر صورت گرفته است. علت این امر در چنین کشورهایی معمولاً کم شدن فساد اقتصادی با وجود نظارت های قوی دولت، پرداخت منظم مالیات ها از سوی شهروندان و صنایع بزرگ خصوصی، کاهش

نرخ بیکاری و تحت پوشش گرفتنِ بدنهٔ اجتماع ذیل چترهای حمایتی نظیر بیمه های کار یا بیمه های بهداشت و سلامت است. اما در این میان وضعیت ایران چیست؟

سال 1344 عدد ضریب جینی در کشور، بیش از نیم (پانصد و دو هزارم) بود. در دههٔ پنجاه نیز با افزایش بی سابقهٔ قیمت نفت، این عدد به 0.495 (چهارصد و نود و پنج هزارم) رسید و فقط در مدت کوتاهی پس از آن به 0.42 (چهل و دو صدم) نزدیک شد. اما در طی چهل سال پس از انقلاب اقتصاد کشور موفق شد عدد شاخص جینی را در کشور از بالای 0.4 (چهار دهم) به 0.3736 (سه هزار و هفتصد و سی و شش) در سال 1392 برساند. این آمار وضعیت ایران را از نظر عادلانه بودن توزیع ثروت و کاستن شکاف طبقاتی، بهتر از کشورهای برزیل، شیلی، مالزی، آرژانتین، چین، قطر، آمریکا، روسیه و ترکیه نشان می دهد. این یعنی این که در طول چهل سال پس از انقلاب، سیاست گذاری های اقتصادی با وجود همهٔ مشکلات، در مسیر کاهش شکاف طبقاتی و توزیع عادلانه تر ثروت بوده است.

9) رشد عجیب در شاخص انرژی:

شاخص توسعهٔ انرژی، اسم یک فرمول اندازه گیری جهانی است که قرار است میزان اثرگذاری انرژی در کشورها در جهت توسعهٔ انسانی آن ها را اندازه بگیرد. یعنی این که کشورها تا چه اندازه توانسته اند از انرژی برای بهتر کردن زندگی مردم استفادهٔ حداکثری را بکنند. این شاخص را آژانس بین المللی انرژی یا IEA طراحی کرده است. چهار عنصر مهمی که این شاخص اندازه می گیرد، میانگین مصرف انرژی تجاری، میانگین مصرف برق مسکونی، سهم سوخت های مدرن و در نهایت سهم جمعیت دارای دسترسی به برق است. بنا به اعلام آژانس بین المللی انرژی، جمهوری اسلامی ایران توانسته رتبهٔ دوم شاخص توسعهٔ انرژی در سراسر جهان را به دست بیاورد.

مقایسهٔ وضعیت برق رسانی در ایران پیش از انقلاب و پس از انقلاب می تواند ابعاد این تحول را روشن کند. در سال های پیش از انقلاب، فقط 4350 روستا در سراسر کشور برق داشتند. بعد از انقلاب اما در اتفاقی بی سابقه 99 درصد جمعیت روستایی در 52 هزار و

520 روستا صاحب برق شدند؛ عددی که 12 برابر تمام دوران پیش از انقلاب بوده است. همچنین پس از انقلاب، برای اولین بار بود که تمام شهرهای ایران صاحب برق می شدند.

البته همه چیز فقط انرژی برق نیست. در زمینه گازرسانی نیز همین مساله وجود داشت. با این که گاز در همان دوران مظفرالدین شاه قاجار کشف شد، اما دولتمردان ایران تا سال 1344 به فکر استفاده از آن نیفتادند. تازه بعد از آن نیز نه تنها در روستاها که حتی در شهرها هم گاز توزیع نشد. در سراسر ایران فقط 50 هزار خانه و آن هم در 5 شهر کشور گاز طبیعی داشتند. اما در سال های پس از انقلاب، میزان گازرسانی از 50 هزار خانوار به 14 میلیون خانوار افزایش پیدا کرد یعنی 280 برابر بیشتر شد. همچنین برای اولین بار بود که به روستاها نیز گاز داده شد و اینک بیش از 10 هزار روستا دارای گاز هستند.

ایران همچنین توانسته از گاز به عنوان سوخت خودرو نیز بهره بگیرد و به این ترتیب از محیط زیست و سلامت شهروندان نیز پاسداری کند. سال 1380، ایران با دو میلیون و 860 هزار خودرو گازسوز، رتبه اول در ناوگان خودروهای گازسوز جهان را در اختیار داشت و هنوز هم یکی از کشورهای عمده در زمینه خودرو گازسوز به شمار می آید. نحوه استفاده از انرژی در ایران بعد از انقلاب، شیوه زندگی مردم را متحول کرده است؛ این همان چیزی است که شاخص توسعه انرژی در پی کشف و اندازه گیری آن است.

(10) رتبه های بی سابقه و استثنایی در صنعت و معدن:

جمهوری اسلامی ایران امروز در زمینه های مختلف صنعت و معدن در حال پیشرفت است. بنا به آمار سازمان زمین شناسی آمریکا و نیز سازمان زمین شناسی انگلستان، در زمینه معدن، ایران بزرگ ترین تولید کننده فیروزه جهان و سومین تولید کننده بزرگ گچ در جهان است. هم چنین در زمینه تولید سنگ های تزئینی و ساختمانی نیز ایران سومین تولید کننده بزرگ جهانی است. در تولید آهن، ایران رتبه هشتم جهان را دارد و از نظر تولید مس نیز ایران دوازدهمین تولید کننده بزرگ مس در جهان محسوب می شود. در تولید فلز روی نیز ایران رتبه چهاردهم جهانی را دارد.

اما محصول استراتژیک فولاد از محصولاتی است که در جهان به عنوان صنعت مادر شناخته می شود و از میان 195 کشور جهان، کمتر از 70 کشور توانایی تولید فولاد دارند. کشورهایی که صنعت فولاد ندارند امکان پیشرفت ندارند و در بهترین حالت نسبت به کشورهای که تولیدکننده فولاد هستند وابسته می شوند. پیش از انقلاب، برای دهه ها آمریکا و اروپا به شاه اجازه تولید فولاد نمی دادند و می گفتند ایران نیازی به صنعت فولاد ندارد. این شوری ها بودند که اولین بار در ایران کارخانه فولاد ساختند اما کارخانه به علت مدیریت نادرست در دوران پهلوی نتوانست به میزان تولید قابل توجهی برسد. بعد از انقلاب ناگهان تولید فولاد در ایران رشد کرد و در جهشی شگفت انگیز به 18 برابر متوسط جهانی رسید. امروز، ایران سیزدهمین تولیدکننده بزرگ فولاد در جهان است.

یکی دیگر از صنایع پایه ای برای ایجاد زیرساخت های عمرانی در هر کشوری، صنعت سیمان است. کشورهایمانند چین و آمریکا در صدر تولیدکنندگان سیمان جهان قرار دارند. از این نظر نیز ایران با پیشرفتی شگفت انگیز در سال های بعد از انقلاب، بنا به آمار سایت راهنمای سیمان جهان، توانسته هشتمین تولیدکننده بزرگ سیمان جهان در سال 1397 باشد. البته سازمان زمین شناسی آمریکا رتبه ایران را رتبه یازدهم جهانی می داند که باز از نظر میزان تولید در میان بالاترین کشورهای تولیدکننده سیمان جهان قرار دارد.

هم چنین ایران در تولید آلومینیوم نیز پیشرفت های بی سابقه ای کرده است. در جهان صنعت، بعد از آهن، آلومینیوم به عنوان پرکاربردترین فلز جهان شناخته می شود. ایران در سال 1393 جایگاه نوزدهم تولید آلومینیوم جهان را داشته است. هم چنین ایران در جمع 26 کشور تولیدکننده اکسید آلومینیوم در جهان قرار دارد. عمده تولیدکنندگان اکسید آلومینیوم، آمریکا، کانادا و کشورهای صنعتی اروپایی در کنار چین و ژاپن هستند.

هم چنین از سال 1391 صنعت هوانوردی ایران، شامل خطوط هوایی، ایمنی پرواز و دیگر مسائلی که در امتیازدهی به صنعت هوانوردی یک کشور موثر است، از بین 147 کشور جهان که دارای این صنعت هستند در رتبه دهم جهانی قرار گرفت که در آن سال یک رتبه بالاتر از آمریکا بود. واقعیت آن است که خطرناک ترین کشورها از نظر صنعت

هوانوردی با بیشترین آمار سقوط هواپیما و تلفات هوایی عبارتند از ایالات متحده آمریکا، روسیه، برزیل، کانادا و کلمبیا. نام ایران حتی در میان بیست کشور دارای بیشترین میزان سقوط هواپیما نیز وجود ندارد.

(11) رتبه های باور نکردنی در صنعت خودرو:

195 کشور در جهان وجود دارند. از این تعداد، فقط 55 کشور صنعت خودرو قابل توجه دارند. از این 55 کشوری که دارای صنعت خودرو هستند، تنها بیست کشور است که سالانه بیش از یک میلیون دستگاه خودرو تولید می کنند و ایران در سال 1396 با تولید بیش از یک میلیون و پانصد هزار خودرو در سال، در رتبه شانزدهم جهانی تولید خودرو قرار دارد. صنعت خودرو در ایران، بعد از صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، سومین صنعت بزرگ کشور است که 10 درصد تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده و 4 درصد کل نیروی کار کشور معادل 700 هزار نفر در این صنعت مشغول کار هستند. در زمان پهلوی، در ایران سالانه فقط حدود 35 هزار خودرو تولید می شد. اما پس از انقلاب و در دهه شصت، تولید خودرو به 161 هزار دستگاه در سال رسید. اما در دهه هشتاد، صنعت خودرو ایران در جهش ناگهانی به بیش از 817 هزار دستگاه در سال 1384 رسید و سرانجام برای اولین بار در سال 1387 از سقف یک میلیون دستگاه عبور کرد. صنعت خودرو در ایران چنان گسترده شد که در دهه 80 از نظر میزان رشد تولید در رتبه پنجم جهانی پس از چین، تایوان، رومانی و هند قرار گرفت.

سال 1386، میزان صادرات خودرو ایران، حدود 500 میلیون دلار در سال بود اما در سال بعد، سال 1387 صادرات خودرو ایران به کشورهای خارجی با دوبرابر افزایش به یک میلیارد دلار رسید. همچنین از سال 1391 پلتفرم ها و طراحی های داخلی برای تولید خودرو به مرحله عمل رسیده است. صادرات خودرو در ایران توانسته صنایع دیگری را هم تکان دهد. امروزه حدود 1200 شرکت با نزدیک به 15 هزار کارخانه به تولید قطعات خودرو مشغول هستند و از نظر صادرات نیز، 39 کشور خارجی خریدار قطعات خودرو از ایران هستند. هم چنین بنا به آمار سال 1393 ده واحد تولیدی تایر در کشور مشغول به

فعالیت هستند که سالانه 240 هزار تن تایر تولید می کنند، رقمی که 70 درصد نیاز داخلی تایر را پوشش می دهد. اما به جز صنایع جانبی، دانشگاه ها و علوم نیز درگیر صنعت خودرو شده اند.

صنعت نانو تکنولوژی نیز برای پیشرفت خودروهای ایرانی فعال شده و متخصصان این عرصه برای تولید قطعاتی هم چون صندلی های ضدباکتری، رنگ مقاوم در برابر خراشیدگی، شیشه های آب گریز، فیلترهای هوای بدون نیاز به تعویض، داشبوردهای ضدلکه و محصولاتتی از این قبیل به کار می آیند. متخصصین نانو تکنولوژی هم چنین در سال 1390 روغن موتور تولید کرده اند که فرسایش موتور، مصرف سوخت و دمای موتور را کاهش می دهد.

از سال 1395 پژوهش های علمی در ایران برای ساخت خودروهای بدون راننده نیز آغاز شده است. هم چنین با تولید گسترده موتورهای گازسوز برای جلوگیری از آلودگی هوا، در سال 1389 ایران رتبه دوم جهانی را در تولید خودروهای گازسوز به دست آورد.

12 ارتقاء خیره کننده در فناوری ارتباطات:

سال 1265 هجری-شمسی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، برای اولین بار تلفن به ایران آمد. این تلفن، یک رشته سیم بود که بین تهران و حضرت عبدالعظیم در ری کشیده شده بود و نزدیک 8 کیلومتر طول داشت. سال 1287 وزارت پست و تلگراف تاسیس شد و از سال 1302 قراردادهای احداث خطوط تلفن زیرزمینی با شرکت های زیمنس و هالسکه بسته شد. سه سال بعد، سال 1305، اولین تلفن نسل جدید با 2300 رشته کابل در اکباتان تهران آماده بهره برداری شد.

از 1265 که اولین بار تلفن به ایران آمد تا 1357 که انقلاب اسلامی پیروز شد، در 92 سال حکومت های قاجار و پهلوی، جمعا 850 هزار شماره تلفن در سراسر کشور به وجود آمد. این در حالی بود که از سال 1357 تا 1396، تعداد خطوط ثابت تلفن در کشور به بیش از 30 میلیون شماره رسیده بود یعنی در ظرف چهل سال به اندازه 35 برابر 92 سال پیش از آن، در کشور توسعه خطوط تلفن انجام شد.

قبل از انقلاب، فقط 312 روستا خط تلفن داشتند که البته صرفاً به معنای ایجاد خط ارتباط تلفنی بود و نه این که به خانه های روستایی خط تلفن داده شده باشد. بعد از انقلاب اما به 48 هزار و 958 روستا، تلفن خانگی داده شد و روستاهای دارای ارتباط نیز به 55 هزار و 135 عدد رسید که 176 برابر کل دستاوردهای پیش از آن در این زمینه بوده است.

اما فناوری تلفن همراه سال 1372 به ایران آمد. امکان ارسال پیامک در ایران در سال 1381 اضافه شد. از آن زمان، دولت های مختلف جمهوری اسلامی سعی کرده اند تا از نظر فناوری ارتباطی نیز ایران را به روز نگه دارند. امروز در ایران 74 میلیون نفر تلفن همراه دارند که از این نظر کشور ما در جهان رتبه 22 جهانی را دارد. فناوری تلفن همراه موجب شده تا سرویس تلفن بی سیم به روستاهای صعب العبور نیز رسانده شود. سرویسی به نام دبلیو ال ال (WLL) که تا سال 1396 یک میلیون و 511 هزار و 933 روستا با آن به شبکه مخابرات کشور متصل شده اند.

اینترنت عمومی هم از سال 1372 وارد کشور شد و ابتدا استفاده های دانشگاهی داشت. از 1374 اما کاربران عمومی از طریق همان خطوط تلفنی که در سراسر کشور توزیع شده بود توانستند برای اولین بار به شبکه جهانی اینترنت متصل شوند. نخستین کافی نت ایرانی نیز سال 1379 راه اندازی شد و اولین ADSL هم سال 1383 آغاز به کار کرد. ایران با یکصد مرکز ارائه دهنده خدمات اینترنت به مشترکان خود، در رتبه نهم جهانی ایستاده است و از نظر تعداد کاربران نیز که رقم آنان به 42 میلیون نفر در سراسر کشور می رسد رتبه 17 جهان را دارا است.

همه این آمارها و دستاوردها و این توسعه مدام ابزارهای ارتباطی و شبکه اینترنتی در ایران توسط دولت های مختلف در حالی انجام می شود که رسانه های غربی ایران را به اختناق رسانه ای و فضای محدود گردش اطلاعات متهم می کنند.

(13) سلامت عمومی « امید به زندگی از 57 سال به 76 سال »:

در سال های قبل از انقلاب، از هر 1000 تولد، 111 نوزاد در ایران فوت می کردند. به این شاخص می گویند شاخص «مرگ و میر نوزادان» که یکی از آمارهای اصلی در

شناخت وضعیت سلامت عمومی یک جامعه هست. در سال 1395 اما این تعداد به حدود 10 نوزاد در 1000 نوزاد رسیده است. در جهان، میانگین این آمار، 31 مرگ در هر 1000 تولد است و در غرب آسیا 20 مرگ در هر 1000 تولد. یعنی آمار ایران از وضعیت فاجعه بار دوران پیش از انقلاب در این زمینه تا سال 1395 حتی از میانگین جهانی و منطقه ای نیز بهتر شده است. اما آمار مرگ کودکان در هنگام تولد، تنها شاخصه سلامتی در کشورها نیست. یکی دیگر از شاخصه ها، مرگ و میر کودکان زیر 5 سال است. در دوران پهلوی، از هر هزار تولد زنده، 174 کودک، پنج سالگی خود را نمی دیدند. اما این آمار تا سال 1395 به 36 کودک کاهش پیدا کرده است. شاخصه دیگر سلامتی اما مرگ و میر مادران در هنگام بارداری و زایمان است. در دوران پهلوی، از هر 100 هزار مادر، 245 نفر در مراحل زایمان و بارداری جان خود را از دست می دادند. اما در سال های پس از انقلاب تا 1395 این آمار به 20 نفر در 100 هزار نفر رسیده است.

در نهایت، امید به زندگی مردان که در دوران پهلوی حدود 56 سال بود حالا 72 سال شده و امید به زندگی زنان که در دوران پهلوی 57 سال بوده حالا 76 سال شده است که رتبه ایران در جهان، جزء شاخص ترین کشورها از نظر پیشرفت امید به زندگی به شمار می آید.

اما یکی از عوامل موثر در بهبود وضعیت سلامت مردم، افزایش تعداد پزشکان است. سال 1356 در کشور جمعا 14 هزار و 700 پزشک وجود داشت. به علت کمبود پزشک در آن سال ها کشور مجبور بود از خارج پزشک وارد کند. اما بعد از انقلاب، تعداد پزشکان به 27 هزار و 122 نفر تا سال 1390 افزایش پیدا کرده است. از نظر آموزش پزشکی نیز پیش از انقلاب کل دانشکده های پزشکی کشور 7 دانشکده بود که در دل دانشگاه های دیگر قرار داشت. بعد از انقلاب اما 40 دانشگاه مستقل علوم پزشکی به وجود آمده است که در سراسر کشور به تربیت دانشجو در رشته های مختلف مرتبط با بهداشت و درمان می پردازند. ایران امروز برخلاف دوران پهلوی از نظر تعداد چشم پزشک و متخصص مغز و اعصاب، رتبه اول غرب آسیا را دارد.

اما از نظر میزان تختخواب یا ظرفیت پذیرش بیمار، قبل از انقلاب مجموع این ظرفیت 56 هزار نفر بود اما تا 1390 این ظرفیت به 103 هزار و 365 تختخواب رسیده است. اما بیشترین کار در روستاها انجام شده است. سال 1356، هزار و پانصد مرکز بهداشت و درمان روستایی وجود داشت اما این تعداد فقط تا سال 1390 تقریباً به 2914 مرکز بهداشت و درمان روستایی رسیده است.

از نظر داروسازی هم پیش از انقلاب، تنها 25 درصد نیاز دارویی کشور در داخل کشور تولید میشد و 75 درصد باقیمانده از خارج می آمد. اما پس از انقلاب داروسازی نیز ناگهان رشد کرد و حالا 95 درصد داروهای مورد نیاز کشور در داخل کشور تولید می شود و فقط 5 درصد داروهای بسیار خاص است که از خارج وارد می شود. شرکت های بیمه ای هم از 12 شرکت به 28 شرکت افزایش پیدا کرده اند و جمعیت تحت پوشش بیمه درمانی که در سال 1356 فقط یک میلیون و 800 هزار نفر بوده اند بعد از انقلاب بیش از 36 برابر شده و به 65 میلیون نفر رسیده است.

پیشرفت های ایران در زمینه تحقیقات پزشکی و رویان نیز در جهان زبانزد است و چشم انداز آینده نشان می دهد که با گسترش پژوهشگاه ها و اختراعات پزشکی، ایران مقصد توریسم درمانی در منطقه خواهد بود.

14) کولاک و دگرگونی در حمل و نقل شهری مخصوصاً مترو:

در سراسر جهان، 4416 شهر بزرگ وجود دارد؛ یعنی در این شهرها بیش از 150 هزار نفر زندگی می کنند. از این تعداد، بنا به آمار سال 1396، فقط 182 شهر دارای مترو هستند. این 182 شهر، در 56 کشور قرار دارند. قدیمی ترین سیستم مترو جهان، متعلق به شهر لندن پایتخت انگلستان است که در سال 1242 هجری شمسی افتتاح شد، یعنی 155 سال پیش. از آن زمان، کشورهای پیشرفته مدام در حال گسترش سیستم حمل و نقل شهری خود بوده اند که بخش مهمی از این سیستم حمل و نقل شهری، ساخت مترو بود. هرچند حرف و حدیث ساخت مترو همواره در ایران وجود داشت، اما تنها سال 1350 بود که مسئولین رژیم پهلوی به فکر ساخت مترو در تهران افتادند. آن ها البته این کار را

به غربی‌ها سپردند. قرار شد فرانسوی‌ها سال 1356 کار را شروع کنند. کار ساخت مترو بعد از انقلاب تا آغاز جنگ ادامه پیدا کرد اما به سرانجام نرسید و شرکت‌های غربی ایران را ترک کردند. بعد از پایان جنگ، کشور به تدریج به فکر بازسازی افتاد. سرانجام سال 1374 کار روی مترو تهران شروع شد و سال 1377 اولین خط مترو تهران افتتاح شد. سرعت رشد مترو در تهران بعد از این به شکل

خیره‌کننده‌ای بالا بود. تا مرداد سال 1397، 204 کیلومتر خط مترو با 116 ایستگاه مترو در تهران ساخته شده و تعداد واگن‌های فعال تهران نیز به 1000 واگن رسید که روزانه بیش از سه میلیون مسافر را جابه‌جا می‌کند. برای فهم اندازه 204 کیلومتر مترو تهران باید به خاطر داشت که شهر بزرگی مانند لس‌آنجلس در آمریکا تنها 28 کیلومتر مترو دارد یا طول خط مترو در توکیو 195 کیلومتر است یا شهر برلین پایتخت آلمان 151 کیلومتر مترو دارد و یا هنگ‌کنگ در چین 174 کیلومتر طول مترو دارد.

خط سوم مترو تهران از آزادگان تا چهارراه ولیعصر به تنهایی طولانی‌ترین خط مترو غرب آسیا تا این زمان بوده است. ایستگاه مترو شهر آفتاب نیز بزرگ‌ترین ایستگاه مترو غرب آسیا است. مترو تهران، از نظر طول خط، نوزدهمین مترو بزرگ سراسر جهان است و از نظر قیمت، ارزان‌ترین مترو جهان محسوب می‌شود. در جهان، لندن و در آسیا توکیو گران‌ترین قیمت بلیط مترو را دارند.

اما تهران، تنها نقطه آغاز ساخت مترو در ایران نبود. سال 1390، مترو مشهد، سال 1393، مترو شیراز و سال 1394 مترو شهرهای اصفهان و تبریز نیز راه‌اندازی شده است و طول این متروها مدام در حال گسترش است. تعداد شهرهای دارای مترو در ایران همینک بیشتر از کشورهای آلمان، کانادا، اسپانیا و انگلستان است و به زودی شهرهای دیگری مثل اهواز، کرج، قم و کرمانشاه نیز به شهرهای دارای سیستم مترو در ایران خواهند پیوست.

ساخت و گسترش مترو تنها بخشی از توسعه حمل و نقل شهری ایران در سال‌های بعد از انقلاب است. سیستم انتقال سریع اتوبوس موسوم به بی‌آر تی نیز بخش دیگری از

توسعه حمل و نقل شهری در ایران است. بی آر تی نوعی از حمل و نقل سریع اتوبوسی است که قوانین و مقررات آن در جهان و در سال 1391 توسط موسسه «سیاست حمل و نقل و توسعه استاندارد» وضع شده است. طولانی ترین خط بی آر تی جهان در شهر جاکارتا پایتخت اندونزی قرار دارد که 231 کیلومتر طول دارد. بی آر تی در تهران طولی به درازای 150 کیلومتر دارد و روزانه یک میلیون و هشتصد هزار نفر را جا به جا می کند. در ایران، به جز تهران، شهرهای تبریز، اصفهان، کرمان و مشهد نیز دارای سیستم بی آر تی هستند.

15) رتبه های ارزشمند در حمل و نقل:

اولین بار راه آهن در سال 1291 وارد کشور شد. از آن زمان تا سال 1357 که انقلاب اسلامی در ایران رخ داد، حکومت های سابق در مدت 66 سال حدود 4676 کیلومتر راه آهن ساختند. سال 1357 با وقوع انقلاب، فعالیت های ساخت و ساز راه آهن در کشور مدتی متوقف شد. کمی بعد جنگ هم شروع شد. اما ایران از سال 1360 دوباره فعالیت ساخت راه آهن را شروع کرد و تا سال 1392، یعنی ظرف 32 سال، 5500 کیلومتر خط ریلی ساخت. این یعنی سرعت ساخت راه آهن در سال های بعد از انقلاب به بیش از دوبرابر افزایش پیدا کرده است. در میان 148 کشور جهان که اتحادیه بین المللی راه آهن آمار ریلی آنان را زیر نظر دارد، ایران اینک با بیش از یازده هزار و یکصد کیلومتر خط آهن از نظر طول ریلی در جهان، رتبه بیست و یکم جهانی را دارد. اما خط راه آهن، تنها یکی از ابزارهای اندازه گیری قدرت سیستم حمل و نقل یک کشور است. ابزار دیگر برای اندازه گیری سیستم حمل و نقل یک کشور، جاده های آن هستند.

قبل از انقلاب، در ظرف حدود 60 سال، همه راه های کشور روی هم رفته، از آزادراه و بزرگراه تا راه های اصلی و فرعی و راه های روستایی سرجمع 49 هزار و 405 کیلومتر می شد. بعد از انقلاب، در ظرف 40 سال، تعداد این راه ها به 131 هزار و 590 کیلومتر رسید یعنی دو و نیم برابر شد. قبل از انقلاب، از تمام این راه ها، تنها 50 کیلومتر آزادراه بود اما در ظرف سی سال اول پس از انقلاب یعنی تا سال 1387، به بیش از سی و یک برابر افزایش پیدا کرده و 1556 کیلومتر آزادراه جدید ساخته شده است.

راه های روستایی قبل از انقلاب، عمدتاً راه های خاکی بود و تنها 200 کیلومتر از راه های روستایی آسفالت شده بود. بعد از انقلاب، آن 200 کیلومتر راه آسفالت‌نشده روستایی به 72 هزار و 236 کیلومتر رسید. یعنی بیش از سیصد و شصت و یک برابر! اما راه های غیر آسفالتی مشهور به راه شوسه، یعنی جاده هایی که زیرسازی شده اند اما به جای آسفالت در روی آن از شن استفاده شده، قبل از انقلاب 8000 کیلومتر بوده که بعد از انقلاب، آمار این راه به 100 هزار کیلومتر رسیده یعنی بیش از دوازده برابر شده است.

امروز ایران مجموعاً بیش از 214 هزار کیلومتر جاده دارد که از نظر حجم جاده رتبه 26 جهانی را دارد و از نظر حجم بزرگراه در جهان نیز، رتبه 21 جهانی را داراست.

در نهایت، حمل و نقل دریایی، یکی دیگر از مهم ترین شاخصه های قدرت سیستم ترانزیت یک کشور است. حمل و نقل دریایی به خصوص از نظر ارتباطات تجاری و بازرگانی با دنیا و از طریق اقیانوس ها اهمیت بسیاری دارد. بنا به آمارهای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سی.آی.ای، ایران از نظر قدرت تجارت دریایی، با دارا بودن 739 کشتی، رتبه سی ام تجارت دریایی جهان را داراست و بالاتر از دانمارک، کانادا، مکزیک، امارات متحده و آلمان قرار دارد. از دوره قاجار تا دوره محمدرضا پهلوی، کل ناوگان بازرگانی دریایی ایران، فقط شامل 42 کشتی بود و ظرفیت باربری کل این کشتی ها از 525 هزار تن افزایش پیدا کرد. اما از سال 1365 تا 1375، به علت خسارت های جنگ بر فروند و ظرفیت نیز از 525 هزار به 2 میلیون 600 هزار تن افزایش پیدا کرد. اما از سال 1365 تا 1375، به علت خسارت های جنگ بر ناوگان کشتی رانی بازرگانی ایران، دولت باید کشتی های صدمه دیده را جایگزین می کرد، برای همین مقداری از ظرفیت کشتی رانی کاسته شد. اما از 1375 برنامه افزایش ظرفیت کشتیرانی کشور دوباره شروع شد و تا پایان سال 1379، کشتی ها به 90 فروند و به ظرفیت 2 میلیون 587 هزار تن رسیدند. از 1380 تا 1387، در یک جهش بزرگ، 18 کشتی به ناوگان کشتی رانی ایران اضافه شده و 108 کشتی، جمعاً ظرفیتی بیش از چهار میلیون تن باربری دریایی را برای کشور به ارمغان

آورده است. این تعداد کشتی، کشتی های عمده هستند که ظرفیت اصلی بازرگانی کشور را بر دوش دارند و گرنه جمع کشتی های بازرگانی ایران از 700 کشتی نیز بیشتر است.

به این ترتیب با پیشرفت در ساخت و ساز ریل راه آهن، جاده ها و افزایش ناوگان دریایی، ظرفیت حمل و نقل کشور روز به روز در حال افزایش می باشد.

16) شاخص های بسیار عالی در کشاورزی:

موسسه منابع جهانی یا دبلیو-آر-آی، یک سازمان پژوهشی جهانی غیرانتفاعی است که در سال 1361 توسط یک وکیل محیط زیستی آمریکایی به نام جیمز گوستاو اسپت (James Gustave Speth) تاسیس شده و روی حوزه های غذا، جنگل ها، آب، انرژی، شهرها و تغییرات اقلیمی پژوهش می کند. بنا به آمارهای جهانی این موسسه، ایران در میان 195 کشور جهان، رتبه سیزدهم از نظر تولید غلات را داراست. این بدین معناست که ایران یکی از اصلی ترین تولیدکنندگان مواد غذایی است چرا که غلات مهم ترین بخش رژیم غذایی انسان ها را تشکیل می دهند. سازمان خواروبار جهانی، فائو، وابسته به سازمان ملل متحد نیز از نظر تولید گندم، ایران را در رتبه دوازدهم جهانی و از نظر تولید جو، ایران را در رتبه چهاردهم جهانی قرار داده که آمارهای موسسه منابع جهانی را تایید می کند. سازمان جاسوسی آمریکا، سی.آی.ای، نیز در اطلاعات نامه خود نشان می دهد که ایران از نظر سرانه آبیاری زمین در رده چهاردهمین کشور جهان قرار دارد. هم چنین بنا به آمارهای بانک جهانی از نظر کل مساحت زمین های کشاورزی، ایران بیست و یکمین کشور جهان است. پیشرفت صنعتی در زمینه کشاورزی نیز از سوی بانک جهانی مورد نظارت قرار گرفته و ایران اینک از نظر تعداد ماشین های کشاورزی که روی این زمین ها کار می کنند رتبه بیست و دوم جهانی را دارد.

مهم ترین صادرات کشاورزی ایران در جهان که رده اول جهانی را دارد، زرشک، پسته، خاویار و زعفران است؛ بسیاری از این محصولات اساسا ابتدا در اقلیم ایران به وجود آمده و توسط ایران به دیگر نقاط جهان معرفی شده اند. در رده بعدی، خرما و زردآلو، دومین

محصولات پرتولید در داخل ایران است. و در ردهٔ سوم، میوه‌هایی مانند گیلان، هندوانه، ملون، سیب و انجیر قرار می‌گیرد.

با وجود اقلیم بیابانی، حدود یک سوم خاک ایران برای زراعت مناسب است؛ یعنی 51 میلیون هکتار. پیش از انقلاب، سیستم آبرسانی تنها به یک سوم زمین‌هایی می‌رسید که در اطراف سدهای بزرگ قرار داشتند و رشد تولید محصولات کشاورزی در آن سال‌ها به طور میانگین تنها 2 درصد بود. اما اینک رشد محصولات کشاورزی 60 تا 70 درصد شده و در برخی زمین‌ها میزان تولید حتی چندبرابر بیشتر شده است. تولید محصولات باغی کشور نیز در سال 1396 در مقایسه با سال 1356 یعنی بعد از چهل سال، بیست برابر شده است. این رشد خودش را در میزان مصرف و رژیم غذایی مردم نیز نشان می‌دهد. امروز، مردم 9 برابر دوران پیش از انقلاب میوه و سبزی مصرف می‌کنند. در حالی که در همین مدت چهل سال، در سطح جهان، میزان مصرف میوه و سبزی تنها 2.3 برابر رشد کرده یعنی رشد مصرف میوه و سبزی در ایران بعد از انقلاب، حدود 4 برابر میانگین جهانی بوده است. جالب اینجاست که تمام توان تولید کشاورزی کشور در پیش از انقلاب تنها توانایی تامین مواد غذایی برای نیاز 33 روز کشور را داشت اما اینک 90 درصد مواد غذایی مورد نیاز کشور در داخل کشور تولید می‌شود و حتی در بخش واردات نیز با گسترش صنعت سیلوسازی، ذخیره‌سازی گندم در مقایسه با قبل از انقلاب، بیست برابر شده است. این یعنی نیاز گندم کشور از نظر ذخیره محصولات داخلی و واردات خارجی نیز کاملاً تامین می‌شود.

17) رشد قابل توجه آموزش عالی و پرورش نخبگان:

سال 1357 وقتی انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، در ایران تنها 310 هزار نفر به دانشگاه رفته بودند و در دانشگاه‌ها هم 170 هزار دانشجو وجود داشت. بعد از انقلاب اما تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در مقاطع مختلف، با نزدیک به 18 برابر افزایش به 5 میلیون و 474 هزار نفر رسید و تعداد دانشجویان نیز با 23 و نیم برابر افزایش، به حدود 4

میلیون نفر رسیده است. طبیعتاً زیرساختِ چنین توسعه‌ای افزایش دانشگاه‌ها و رشته‌های تحصیلی در کشور بوده است.

پیش از انقلاب، در سراسر کشور فقط 223 دانشگاه و واحد آموزش عالی وجود داشت اما حالا بیش از 2 هزار و 540 دانشگاه و واحد آموزش عالی در کشور به وجود آمده است. 196 رشته علمی دوران کارشناسی حالا 914 رشته شده است و 182 رشته کارشناسی ارشد نیز به 1033 رشته افزایش پیدا کرده است. در رشته‌های دکتری تخصصی نیز 28 رشته اینک به 793 رشته افزایش پیدا کرده است. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها هم پیش از انقلاب تنها 9 هزار و 282 نفر بودند اما بعد از انقلاب، این رقم به 63 هزار و 818 نفر رسیده است.

این رشد فقط کمی نبوده است بلکه انباشت این رشد کمی به رشد کیفی نیز منجر شده است. ایران در سال 1382 از نظر میزان رشد تولید علم به مقام نوزدهم جهانی رسید. از نظر کیفیت دانشگاه‌ها نیز جمهوری اسلامی ایران اینک در میان 938 دانشگاه برتر جهان، 23 دانشگاه را به خود اختصاص داده است که بر اساس نظام رتبه بندی لایدن، یکی از نظام‌های معتبر ارزیابی دانشگاهی در جهان، طبقه بندی شده است. بر اساس همین رتبه بندی، ایران در جهان اسلام از نظر تعداد دانشگاه‌های برتر از همه کشورهای اسلامی دیگر جلوتر است. در میان کشورهای اسلامی بعد از ایران، ترکیه با 19 دانشگاه، مالزی با 5 دانشگاه و عربستان با 4 دانشگاه، در میان دانشگاه‌های برتر جهان قرار دارند. این دستاورد، نه تنها نسبت به دوران پهلوی که حتی در دوران جمهوری اسلامی نیز بسیار نوین است و حاصل چهار دهه رشد نظام آموزش عالی کشور است. حتی در سال 1391 هنوز هیچ دانشگاهی از کشور در رتبه بندی لایدن در میان دانشگاه‌های برتر جهان قرار نداشت. برای اولین بار، در سال 1392 پنج دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه شریف، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران در این رتبه‌های جهانی قرار گرفتند. بخشی از این موفقیت به علت بالا رفتن کیفیت دانش‌آموزانی است که وارد دانشگاه می‌شوند. در دانشگاه‌های برتر ایران، بسیاری از کسانی که تحصیل می‌کنند در

دوران پیش از ورود به دانشگاه دارای رتبه های علمی و المپیادی بوده اند. بعد از انقلاب، مسأله

المپیادهای علمی به شدت مورد توجه قرار گرفت و جوانان ایرانی توانستند برای اولین بار سه مقام اول جهانی را در المپیاد شیمی سال 1374، المپیاد شیمی سال 1375 و المپیاد ریاضی سال 1377 را به دست آورند. همچنین دو مقام دوم جهانی در المپیاد فیزیک سال 1378 و المپیاد شیمی سال 1380 نصیب دانش آموزان ایرانی شد و در مقام سوم جهانی نیز دو المپیاد فیزیک در سال های 1374 و 1377 از دستاوردهای نخبگان ایرانی بود. مجموع حضور ایران در المپیادهای جهانی از سال 1366 تا 1380 در رشته های ریاضی، کامپیوتر، شیمی و زیست شناسی جمعا 57 مدال طلا، 92 مدال نقره و 58 مدال برنز بود. این در حالی است که برخی از این المپیادها از سال های قبل از انقلاب برگزار می شده اند. مثلا قدمت برگزاری المپیاد جهانی ریاضی به سال 1338 می رسد و المپیاد جهانی فیزیک از سال 1346 و المپیاد جهانی شیمی نیز از سال 1347 برگزار می شود. اما جوانان ایرانی در آن سال ها هرگز نتوانسته بودند در این المپیادها مقامی کسب کنند. کسب این افتخارات علمی که کیفیت دانشجویان حاضر در دانشگاه ها را نیز افزایش داده، محصول پیشرفت زیرساخت های آموزش و پرورش در دوران پس از انقلاب است.

اما در نهایت باید گفت که یکی از دگرگونی های اصلی دانشگاه های ایران پس از انقلاب، حضور چشمگیر دختران و زنان در آن هاست. پیش از انقلاب، از کل جمعیت دانشجویان کشور، تنها 23 درصد را دختران و زنان تشکیل می دادند. پس از انقلاب اما حضور دانشجویان دختر افزایش چشمگیری پیدا کرد و سرانجام در سال 1385 برای نخستین بار جمعیت دختران دانشگاه ها ناگهان از پسران پیشی گرفته و به 63 درصد رسید. این یعنی افزایش سه برابری دختران دانشجو در 27 سال.

(18) فرهنگ و رسانه:

هر سال چند عنوان جدید کتاب روانه بازار نشر می شود؟ این پرسش، در هر کشور، پاسخی جداگانه دارد و حاصل آن، جدولی است که سازمان یونسکو، هر ساله عرضه می کند. ده کشور برتر در این زمینه، همگی از کشورهای قدرتمند علمی جهان هستند.

ص: 386

رتبه اول متعلق به چین است و پس از آن کشورهای آمریکا، انگلستان، ژاپن، روسیه، آلمان، هند و فرانسه قرار دارند. ایران در این فهرست، رتبه نهم را دارد و ایتالیا نیز جایگاه دهم را اشغال کرده است.

رتبه فرهنگی ایران فقط به کتاب محدود نمی شود. از نظر میزان حضور مردم در سینما، ایران رتبه نوزدهم جهان را دارد و سالانه 26 میلیون نفر به سینما می روند. همچنین از نظر تعداد تولید فیلم نیز بنا به آمار سال 1390، ایران با سالانه 76 فیلم، همین رتبه را در زمینه پر محصول ترین سینماهای جهان دارد. همچنین ایران از نظر تعداد شرکت های پخش فیلم که شاخصه مهمی در توزیع فیلم سینمایی محسوب می شود، طبق آمار سال 1390، با 94 شرکت، مقام دهم جهان را پس از آمریکا، انگلستان و آلمان و بالاتر از آرژانتین و سوئیس داراست. از نظر تعداد جوایز بین المللی، سینمای ایران پس از انقلاب تقریباً همه جوایز مهم جهانی را به دست آورده و از نظر میزان استقبال مخاطبان نیز از ده فیلم پرمخاطب تاریخ سینمای ایران، نه فیلم متعلق به دوران پس از انقلاب هستند.

اما رشد مطبوعات، یکی از مهم ترین شاخصه های انقلاب اسلامی در ایران است. در سال 1357 تنها چهار روزنامه در سراسر کشور منتشر می شد: روزنامه های کیهان، اطلاعات، آیندگان و رستاخیز. سال 1397 تعداد روزنامه های کشور به 56 روزنامه رسیده است و مهم تر از آن، هر چهار روزنامه سال 1357 یا وابسته به ارگان های حکومتی بودند یا متعلق به سناتورها و اعضای نزدیک به حکومت. در حالی که امروزه اکثر روزنامه های کشور را روزنامه نگاران مستقل و نیز بخش خصوصی اداره می کنند. البته این فقط آمار روزنامه هاست یعنی نشریاتی که هر روز منتشر می شوند. دیگر نشریات هفتگی و ماهانه رقمی بسیار گسترده تر را پوشش می دهند. بنا به آمار وزارت ارشاد در سال 1391 مجموع نشریاتی که منتشر می شدند 2 هزار و 635 نشریه بود که از این تعداد، 101 نشریه به شکل روزانه، 206 نشریه به شکل هفته نامه، 147 نشریه به شکل دو هفته نامه، 847 نشریه به شکل ماهنامه، 161 نشریه به شکل دو ماهنامه، 1251 نشریه به شکل فصلنامه، 234

نشریه به شکل دو فصل نامه، 26 نشریه به شکل سالنامه، 4 نشریه به شکل دو شماره در هفته، 4 نشریه به شکل سه شماره در هفته و 5 نشریه به شکل های دیگر منتشر می شوند. مهم تر از همه، گسترش فرهنگ مطبوعات به استان ها و شهرستان های دیگر است چرا که حدود 1290 نشریه در خارج از تهران و شهرهای دیگر منتشر می شوند.

(19) قدرت شگفت انگیز جهانی ایران از زبان دشمن:

هادسن که از معتبرترین موسسات نزدیک به حزب جمهوری خواه آمریکاست، ایران امروز را، هفتمین کشور قدرتمند جهان پس از آمریکا، چین، ژاپن، آلمان، روسیه و هند می داند. اما این فقط نظریه اتاق فکر هادسن نیست. امریکن اینترست در سال 1384 توسط یک استراتژیست آمریکایی، به اسم فرانسیس فوکویاما ساخته شد. فوکویاما نیز که به محافظه کاران آمریکا نزدیک است، معتقد بود که دموکراسی غربی همراه با اقتصاد سرمایه داری آخرین ایستگاه بشر است و پس از آن دیگر تاریخ به پایان می رسد. اما نظریه او درست از آب در نیامد. ظهور مقاومت اسلامی در اقصی نقاط جهان، حریف دیگری را برای مبارزه با غرب پدیدار کرده بود: اسلام. اصلی ترین پرچم دار اسلام در روزگار جدید، ایران بود و طبیعی بود که حالا موسسه فوکویاما، امریکن اینترست، جمهوری اسلامی ایران را با دقت زیر ذره بین گرفته و مورد مطالعه و پژوهش قرار بدهد. حالا امریکن اینترست هم به نتیجه مشابهی رسیده است و پس از آمریکا، چین، ژاپن، روسیه، آلمان و هند، ایران را هفتمین کشور قدرتمند جهان می داند. اما چنین برآوردهایی فقط توسط راست گراها و اتاق های فکر محافظه کار ارائه نمی شود. نشریات چپ و مستقل و اقتصادی نیز نظرات مشابهی دارند.

روزنامه چپ گرای ایندپندنت نیز در جدیدترین گزارش خود در تیر ماه 1397، ایران را سیزدهمین کشور قدرتمند جهان می داند که نسبت به سال گذشته اش، سال 1396 یک رتبه بالاتر رفته است. بیزینس اینسایدر، نشریه اقتصادی انگلستان نیز ایران را در رتبه چهاردهم و سایت خبری یو.اس نیوز نیز ایران را در رتبه سیزدهم قدرتمندترین کشور جهان طبقه بندی کرده است. این در حالی است که ایران در طی سالیان اخیر تحت

شدیدترین تحریم های تاریخ جهان بوده است و به جز این، تحریم های معمول آمریکا و غرب نیز از همان اول انقلاب تا به امروز شامل حال کشور شده است. ضمن این که کشور هشت سال مورد حمله خارجی قرار گرفت که طولانی ترین جنگ قرن بیستم بود و بارها ترور و کودتا و جنگ نرم و شورش خیابانی را تجربه کرد. در تمام این سال ها رسانه های فارسی زبان تحت حمایت غرب، مدام از ایران این سال ها به عنوان کشوری یاد می کردند که به علت انقلاب اسلامی ضعیف شده و توانش را در عرصه های مختلف از دست داده است. اما آمارهای کشورهای غربی حرف دیگری می زند. این آمارها بر اساس شاخص های مختلفی از قدرت نظامی تا اقتصاد و نفوذ سیاسی به دست آمده و بر اساس معدلی از این شاخص ها، قدرت این کشورها را به نمایش می دهد. حضور ایران، در تمامی این آمارها، همواره در میان 15 کشور اول قدرتمند جهان و در بسیاری از موارد، در میان 10 کشور قدرتمند جهان، هم چنان ادامه دارد. این در حالی است که خبرگزاری 31 تیرماه 1397 خبر داد که منابعش به طور موثق تایید کرده اند که کاخ سفید، مرحله جدیدی از عملیات جنگ روانی و رسانه ای را برای تحریک نارضایتی عمومی در ایران آغاز کرده است. هدف، پایان اقتدار ایران در جهان است و این جنگ جدید تازه در آغاز راه است.

در نهایت، یکی از دستاوردهای مهم دیگر انقلاب در زمینه فرهنگ و رسانه، گسترش رادیو و تلویزیون در سراسر کشور بوده است. پیش از انقلاب، تنها دو شبکه تلویزیونی و چند شبکه ملی و استانی رادیویی وجود داشت اما پس از انقلاب، مجموع شبکه های تلویزیونی، رادیویی، برون مرزی، استانی و اینترنتی که در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده به 130 شبکه بالغ می شود.

نتیجه اینکه توجه به مفهوم «کارآمدی» اقتصاد سالم و مؤلفه های آن و در نظر گرفتن دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه های گوناگون، مبین کارآمدی، و موفقیت انقلاب اسلامی است که با اتکا به خداوند و حمایت های گسترده مردمی، توانسته شرایط و مراحل گوناگون جایگزینی، استقرار، تثبیت اولیه، گذار و ثبات را به خوبی پشت سر بگذارد که در مجموع، در میان تمامی انقلاب های جهان بی نظیر است. در عین حال،

چالش های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی نیز همواره آرمان ها و دستاوردهای انقلاب را با مشکل روبه رو ساخته اند. از این رو، دست یابی به اهداف تعیین شده از سوی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و تحقق کامل آرمان های آن نیازمند نقد واقع بینانه وضع موجود، علت یابی مشکلات و بررسی دلایل عدم تحقق برخی از اهداف و آرمان های انقلاب با ارائه راه کارها و پیشنهادهای سازنده می باشد.

حسن ختام بحث کارآمدی انقلاب اسلامی، گفتاری از مقام معظم رهبری است: «... بنده اعتقاد این است که نظام اسلامی از همه دولت هایی که در دوران استعمار و دوران نزدیک به استعمار در کشور ما وجود داشته، قوی تر عمل کرده است. بدون تردید، نظام جمهوری اسلامی در همه بخش ها قوی عمل کرده است. عناصر مؤمن و کارآمد در نظام وجود داشته اند؛ پشتوانه مردمی هم به آن ها کمک کرده است. در بخش هایی ما با قدرت وارد میدان شده ایم که فکرش را نمی توانستیم بکنیم. در همه بخش ها این طور است. الآن جای توضیح و بیان آمار نیست. البته اقتضای این دوره از نظام جمهوری اسلامی، اقتضای کار بیشتر، انقلابی تر، مؤمنانه تر و همه امکانات را بیش از این به میدان آوردن است؛ این را قبول داریم. البته کم کاری وجود دارد، اما ناکارآمدی وجود ندارد. بین این ها باید تفکیک قایل شد. ناکارآمدی وجود ندارد؛ نظام اسلامی کارایی دارد. یک نشانه کارایی نظام، وجود شماسست. جوان دانشجوی مؤمن و معتقد به نظام می تواند حرف و انگیزه خودش را قوی در فضای جامعه مطرح کند. حرف شما فردا در تمام فضای جامعه منتشر می شود. این نکته خیلی مهمی است. این خودش کارآمدی این نظام است. کارآمدی نظام غیر از کارآمدی این دستگاه یا آن دستگاه است. نظام، نظام کارآمدی است. البته کارآمدی نظام، مجموعه عملکرد مثبت و منفی ای است که دستگاه های نظام دارند. اما این برآیند مثبت است. (1)

همچنین معظم له در بیانیه گام دوم انقلاب فرموده اند:

ص: 390

اقتصاد یک نقطه ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه ی اسلامی نیست، اما وسیله ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت، و توزیع عدالت محور، و مصرف به اندازه و بی اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی این جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است.

مهم ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه های حکومتی است. نتیجه ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بی کاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه ی ضعیف و امثال آن است.

راه حل این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرایی برای همه ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهم این راه حل ها است. بی گمان یک مجموعه ی جوان و دانا

و مؤمن و مسلط بر دانسته های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه ی راه حل ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم سازان و تصمیم گیران و افکار عمومی داخلی القاء می شود. (1)

توضیح اینکه شاید واژه هایی که در این پیام به کار برده شده، همان هایی هستند که امام راحل درباره اقتصاد اعتقاد داشتند که مقام معظم رهبری آنرا با ادبیات امروز بیان کرده اند. یکی از این پیام ها این است که سهم مردم در اقتصاد بیشتر و تصدی گری دولت کمتر شود. اگر دولت در دهه پنجم انقلاب اسلامی همین نکته را رعایت کند یقیناً یک گام بزرگ به سمت اقتصاد مقاومتی که معنای آن تاب آوری اقتصاد در مقابل تش های خارجی است؛ تحقق می یابد.

برای این که چنین اتفاقی در دهه پنجم انقلاب روی ندهد؛ فقط کافی است که دولت اصل 44 را اجرا کند. یعنی دولت به معنای واقعی کار را به مردم واگذار کنند. به هیچ وجه با توجه به تجربه چهار دهه گذشته به صلاح نیست که دولت همچنان به مداخله خود در اقتصاد ادامه دهد. دولت فقط می تواند ناظر مطلوبی باشد آن هم از این منظر که کالایی در اقتصاد تولید شود که مورد نیاز جامعه باشد. در غیر این موارد بایستی همه اقتصاد را به مردم یا بخش خصوصی واگذار شود. در این صورت دو اتفاق بزرگ در دهه پنجم انقلاب روی می دهد؛ اول این که اتکای ایران به نفت کاهش می شود و اتفاق بزرگ تر این است که وقتی اقتصاد در اختیار مردم است، دولت به راحتی می تواند مالیات اخذ کند و

ص: 392

هزینه های جاری خود را به جای فروش اسناد خزانه یا استقراض از بانک مرکزی یا فروش منابع طبیعی مانند نفت از این طریق (اخذ مالیات) تامین کند. اگر مردم هزینه دولت را از طریق مالیات تأمین کنند به مردم نسبت به زمانی که دولت خود را بی نیاز از مالیات می داند، پاسخگوتر می شود.

باید دانست که یک نقطه ضعف در همه دولت های پس از انقلاب مشهود است و آن این بوده که دولت ها به بخش خصوصی حساسیت دارند. در واقع در واگذاری بنگاه ها به بخش خصوصی اکراه داشته اند که بزرگ ترین ضعفی است که می توان به آن اشاره کرد. در آلمان شرقی و برخی کشورها برای این که خصوصی سازی موفق باشد با دو شرط بنگاه ها را واگذار می کردند. یکی این که پس از واگذاری اجازه تغییر کاربری وجود ندارد و شرط دوم هم آن که بخش خصوصی تا چند سال اجازه اخراج کارگران را ندارند. با همین دو شرط خصوصی سازی با حداقل قیمت انجام شده و بسیار موفقیت آمیز هم بوده است. این در حالی بوده که در ایران بنگاهی به بخش خصوصی واگذار شده یا کارگران اخراج یا تعدیل شده اند یا این که تجهیزات یا زمین توسط بخش خصوصی به فروش می رسد. متأسفانه تجربه تلخی در خصوصی سازی وجود دارد که البته می توان با همین دو شرط ذکر شده روند آنرا اصلاح کرد که به سود اقتصاد ملی است.

از نظر موضوعی رهبر انقلاب در بیانیه به تمامی مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... پرداختند و از این میان شاید از نظر مردم، مسأله ی اقتصاد اهمیت بیشتری داشته باشد. چرا که متناسب با وضعیتی است که طی می شود. مهم ترین گلایه ی مردم در حوزه ی اقتصادی و معیشتی است. رهبری تأکید بسیار مهم و به جایی دارند که اگر رویکردهای انقلاب در زمینه های مختلف از جمله اقتصاد رعایت می شد و مسئولین به آن پایبند بودند؛ دستاورد جدی تری اتفاق می افتاد. اگر در بُعد اقتصادی سه مؤلفه ی اصلی مورد توجه قرار می گرفت و محقق می شد، قطعاً شرایط بهتری را داشتیم. رهبری نیز به این موارد اشاره کردند.

1. اولین مؤلفه ی اقتصادی بحث استقلال در سیاست گذاری اقتصادی است. رهبری قبلا نیز با عناوینی چون الگوی اسلامی اقتصادی پیشرفته و با نام اقتصاد مقاومتی به آن پرداختند. اقتصاد مقاومتی همان رویکرد مستقل از سیاست گذاری اقتصادی است فارغ از چارچوب های فکری اقتصاددانان غربی که متأسفانه می بینیم برخی هنوز از آن تفکرات در حوزه ی اقتصاد استفاده می کنند.

2. دومین محور در بحث اقتصاد مسأله ی احترام و ایمان به ظرفیت های داخلی است که در این مورد هم متأسفانه برخی از افرادی که به نوعی نمایندگان جریان غربی در داخل کشور هستند دائما این ظرفیت ها را نهی کرده و به تمسخر می گیرند.

3. سومین مؤلفه بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجرای عدالت است. رهبری این موضوع را به عنوان محوری جداگانه مطرح کردند. این مورد ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با مسأله ی اقتصاد دارد. رهبر انقلاب اسلامی تأکید بر عدالت و طهارت اقتصادی را شرط مشروعیت تمام مسئولین در نظر گرفته اند که بایستی برقرار باشد و به آن توجه شود. این مورد در ارتقای وضعیت معیشت مردم بسیار موثر است.

4. رهبری چندین بار در این بیانیه مطرح کردند که جوانان مؤمن و دانا و مسلط بایستی در موضوعات مختلفی چون اقتصاد شرکت داشته باشند و تأکید رهبری بر این موضوع است که مواردی که بیان می شود در قالب سیاست های کلی، قوانین و مسائل راهبردی قانون اساسی مطرح شده اما در مرحله ی اجرایی باقی مانده و برای اجرای آن بایستی جوانان کار را به دست بگیرند.

یکی از عیوب اقتصاد کشور، وابستگی به نفت است. اکنون حدود چهل درصد از بودجه ی عمومی ما وابسته به نفت است. از همین وابستگی چند ایراد به وجود آمده است:

1. اولین ایراد این است که قیمت نفت را بازارهای جهانی تعیین می کنند و قدرت های بزرگ در این مسأله نقش دارند و فشارهایی به خریداران نفت ما را می آورند. نسبت صادرات نفتی برای کشوری که در تحریم است از این طریق بسیار کاهش یافته است. تا زمانی که این وابستگی وجود دارد بودجه ی ما نوسان خواهد داشت.

2. یکی دیگر از آثار وابستگی اقتصاد به نفت تورم دورقمی است. دولت بر اساس بودجه‌ی مصوب درآمد نفتی را که به حساب‌های خارجی بانک مرکزی وارد می‌شود از بانک مرکزی مطالبه می‌کند و بایستی نقدینگی ریالی آن به حساب خزانه‌ی دولت واریز شود و این مورد زمانی صورت می‌گیرد که هنوز این درآمد واقعا بدست نیامده یا ارز آن قابلیت عرضه در بازار را پیدا نکرده است. همین امر موجب شده تا تورمی سنگین را دائماً تجربه کنیم. در حقیقت هر کشوری که بتواند بودجه‌اش را از وابستگی به نفت آزاد کند در نتیجه تورم بسیار پایینی را تجربه خواهد کرد.

3. بخش‌هایی از اقتصاد، دولتی هستند در صورتیکه اغلب در حیطه‌ی وظایف دولت نیست چرا که جنبه‌ی حاکمیتی ندارند. به طور مثال بر اساس سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی سیاست‌گذاری شد که از سر چاه نفت و گاز به بعد به بخش‌های غیر دولتی واگذار شده و دولتی نباشند. این اتفاق شکل نگرفت و به همین علت پالایشگاه‌ها دولتی شدند. اکنون دولت شرکت‌هایی دارد که خدمات عمومی ارائه نمی‌دهند بلکه شرکت‌هایی با فعالیت‌های خصوصی هستند که کالای خصوصی تولید می‌کنند و هیچ ضرورتی ندارد که این شرکت‌ها در بخش دولتی باقی بمانند.

یکی دیگر از عیوب اقتصاد ما این است که نگاه برخی مدیران و مسئولان کشور به جای ظرفیت‌های درونی به خارج است. چقدر رهبر انقلاب توصیه و تأکید داشته و دارند که دولت نگاه خارجی را به نگاه داخلی تبدیل کند؟! اقتصاد ما دارای دو بخش است، بخشی اقتصاد داخلی است که حدود هشتاد درصد تولید ناخالص ملی در این بخش قرار دارد و بیست درصد تولید ناخالص نیز در بخش صادرات و واردات است. چرا بایستی عمده‌ی توجه دولت به سمت بیرون باشد؟ یکی از تأکیدات رهبر انقلاب توجه به کالای ایرانی است. چرا خرید کالای ایرانی را به جای کالای خارجی در دستور کار قرار نمی‌دهند؟ بایستی نشان‌های تجاری داخلی را با استانداردهای ارتقا دهیم. چقدر ما از این بابت متضرر شده ایم و نیروی انسانی ما بیکار شده‌اند؟ تعداد زیادی جوان تحصیلکرده در داخل کشور داریم که ظرفیت بالفعل بزرگی محسوب می‌شوند اما این نیرو بیکار است. نیروی

جوان و تحصیل کرده‌ی نخبه را چقدر در مدیریت کشور به کار گرفته ایم؟ باید اظهار تأسف کرد که مدیریت های ما دست نسل اول انقلاب است که مناصب خود را رها نیز نمی کنند. باید این افراد میدان را برای نسل جوان باز کنند. آن چیزی که اوایل انقلاب ما را یاری کرد و به موفقیت رساند در حقیقت به میدان آمدن نسل جوان بود که مدیریت جنگ را نیز به عهده گرفتند. (1)

نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، می توان گفت که شاخصه های اقتصاد سالم و آرمانی از نگاه اسلام با دیدگاه های اقتصادی جوامع غربی و دیگر اندیشمندان تفاوت ماهوی دارد و دقیقاً با شاخص های اقتصاد اسلامی همخوانی دارد. رهبران الهی در سیره گفتاری و عملی خود، با رعایت حدود و معیارهایی، همواره مردم را به کار و فعالیت اقتصادی و داشتن برنامه ترغیب می نمایند. آنها در تدوین شاخص ها و مختصات اقتصاد سالم و اقتصاد آرمانی، عواملی چون برقراری اصل مساوات در دادن عطایای بیت المال، مبارزه با تورم، کنترل گردش سرمایه در چرخه اقتصادی جامعه از طریق انفاق، صرفه جویی و اعتدال در مصرف، اهتمام به اجرای عدالت و اهتمام به فرهنگ کار و تلاش را از اصلی ترین شاخصه های اقتصاد سالم معرفی کرده اند و موانع تحقق آن را اشرافی گری، احتکار، اختلاس، اسراف گرایی، ربا و رباخواری، رشوه و رشوه خواری و انباشت ثروت های راکد معرفی کرده است که باید همگان از مسئولان تا افراد عادی جامعه اسلامی، در رفع موانع تحقق اقتصاد سالم گام بردارند.

همچنین در گام بعدی در جهت مشخص نمودن شاخصه های مطلوب اقتصاد آرمانی در جامعه، به مواردی چون نهادینه شدن الگوی صحیح مصرف در جامعه، سخت کوشی و جدیت در کار و اجتناب از تبلی و تن پروری، خوداتکایی و وابسته نبودن به غیر، جهاد اقتصادی، پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی و مبارزه با رانت

ص: 396

1- اسحاقی، سید حسین، فراتحلیلی بر بیانیه گام دوم، جشنواره علامه حلی (ره)

خواری اشاره کرده اند و معتقدند اگر این موارد در جامعه اسلامی به مرحله اجرا در آید، اقتصاد مطلوب در جامعه برپا می گردد و همگان در کمال عدالت و مساوات اسلامی به حق خود می رسند و اگر مسئولان، بر خلاف این ویژگی های ذکر شده، اقدام نمایند، قطعاً باعث انحطاط و اضمحلال بنیه اقتصادی جامعه می شوند و جامعه را به سراشیبی سقوط می کشانند.

لذا مهمترین وظیفه طراحان هر نظام، استخراج نظریه های جامع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی از درون تفکر مکتبی است که طرح تمام نهادهای لازم حکومتی را دارا باشد و دستورهای لازم و کارا برای برخورد با وقایع را نیز ارائه کند. انقلاب اسلامی ایران در پی چنین مسأله ای به وقوع پیوست. طلایه داران تفکر حکومت اسلامی، پس از پیروزی انقلاب به طراحی این نظام پرداختند و قانون اساسی را به صورت چارچوب کلی اداره کشور براساس مبانی و موازین مکتب اسلام پدید آوردند. از آموزه های اسلامی و با توجه به مطالب بیان شده در این کتاب، می توان به این نتیجه رسید که:

- قرآن کریم افزون بر بیان اهمیت و تأکید بر انجام جهاد و رونق اقتصادی، در آیات بسیاری شیوه های عملی بهره گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادانی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع، پیش روی آنان نهاده است.

- در سیره پیشوایان معصوم (ع) نیز فعالیت های اقتصادی افراد، ارزش بالایی دارد. آن بزرگوران، کارگران و تولیدکنندگان را بسیار تشویق می کردند. سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) این بوده که بار زندگی خود را شخصاً به دوش می کشیدند و هیچ گاه برای تأمین ضروریات زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی کردند.

- قرآن کریم تصرّف در عوامل تولید و نهاده هایی که خداوند برای بشر خلق کرده، توصیه می کند و به شکر این نعمت ها و استفاده درست از آنها تأکید و دوری کردن از تصرّف در عوامل تولید را پیروی از گام های شیطانی دانسته است و نکوهش می کند.

- رونق تولید داخلی و کاستن از واردات که می تواند به افول و کم رونقی و توقّف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، موجب استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی در سطح کلان می شود.

- افزایش بهره وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولید، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولید خارجی و کاهش واردات و حمایت از تولید ملی، از عوامل مهم تحرک و رونق اقتصاد داخلی می باشد.

- اسلام مال و ثروت را یک ودیعه الهی دانسته و خداوند را مالک اصلی و مطلق آن معرفی کرده است. از آن طرف خداوند انسان را خلیفه خود در زمین قرار داده تا آن را آباد کرده و از مواهب طبیعی آن بهره مند شود. (1)

- همه مردم را در حق استفاده و بهره برداری از مواهب طبیعی یکسان می داند؛ زیرا همه مخلوق خداوند و هیچ کس را بر دیگری جز به تقوی برتری نیست. (2)

- همه مردم را در حق دستیابی به زمینه های کار و شرایط فعالیت های اقتصادی یکسان دانسته و تمام مردم را به کار و کوشش دعوت کرده است. (3) و احترام مال مؤمن را مانند احترام خون او می داند. (4)

- هر آنچه را که به فرد یا جامعه آسیب رساند و یا برای روح، جسم، عقل، عواطف، شخصیت، آزادی و آینده انسان زیان بار باشد، تحریم می نماید؛ زیرا در نظر اسلام، محور اصلی، انسان است نه اقتصاد و مال و ثروت. (5)

ص: 398

1- ر.ک.: مؤمن / 62؛ بقره 255.

2- ر.ک.: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 239، حدیث 2.

3- ر.ک.: نساء / 32.

4- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 2، باب 6.

5- ر.ک.: محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج 5، ص 230.

- همگان را به انفاق و بذل و بخشش و رسیدگی به شؤون از کار افتادگان و بینوایان، به عنوان یک وظیفه الهی انسانی، اخلاقی دعوت می نماید و کسانی را که در این راه گام بر نمی دارند، نکوهش می کند. (1)

- نظام اقتصادی اسلام فقط درآمد و مالکیتی را تصویب می کند که از راه های صحیح و مشروع به دست آید نه آن که از هر طریقی باشد مانند ربا، احتکار، تقلب، فریب، قمار، شراب فروشی، دزدی، خیانت، سرقت بیت المال، خود فروشی و مانند آن، که پرداختن به این موارد، مجال دیگری را می طلبد.

التماس دعا از همه عزیزان - حقیر سرا پا تقصیر علی بابایی

منابع:

قرآن کریم. (1379). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.

نهج البلاغه، ن: فیض الاسلام، مرکز نشر آثار فیض الاسلام، تهران، 1368، چاپ دوم. سید رضی، محمد بن حسین، قم، هجرت، چاپ اول، 1414ق.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ابوالفضل ابراهیم، محمد، 1387ق، دار احیاء الکتب العربیه

ابن بابویه، محمد بن علی، (1362ش)، الخصال، الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، غفاری، علی اکبر: مصحح، انتشارات اسلامی، قم

ابن بابویه، محمد بن علی (1385ق). علل الشرایع. تهران: کتابفروشی داوری.

ابن ابی جمهور، محمد بن علی بن ابراهیم، عوالی اللئالی، انتشارات سیدالشهداء قم، چ 2، 1386

ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1371ش.

ابن جوزی، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی. (1415ق.). المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن حیون، نعمان بن محمد (1385ق). دعائم الإسلام. تحقیق آصف فیضی. قم: مؤسسه آل البیت، چاپ دوم.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، ج 18، بیروت، مؤسسه التاریخ، چاپ اول، بی تا.

● ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی عطایی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، 1363

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (1379ق). مناقب آل ابی طالب تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی. قم: مؤسسه علامه.

1- ر.ک.: يس / 47؛ محمد بن حسن حر عاملی، پيشين، ابواب اطعمه و اشربه.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (1404 ق). تحف العقول عن آل الرسول تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین،

ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا). معجم مقاییس اللغه قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (1408 ق). لسان العرب بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء و المناقب، مشهد، تاسوعا، چاپ اول، 1420 ق

ابن طاووس، علی بن موسی (1375). کشف المحججه لثمره المهجه تحقیق محمد حسون. قم: بوستان کتاب،

ابو محمد احمد بن داوود الدینوری، ارشاد القلوب، ناشر احیاء الکتب العربیه قاهره. چ 1، 1380

ازهری، أبو منصور محمد بن أحمد. (1421 ق). تهذیب اللغه. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اسحاقی، سید حسین، مجله رواق اندیشه شماره 32. مرداد 1383

● اصفهانی، محمد تقی بن محمد باقر؛ خواص الآیات، تهران، انتشارات ادبیه، 1345 ش.

المعجم المفهرس لاحادیث بحار الانوار، تهران، مؤسسه الطباعه و النشر وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، 1373

آمدی، عبدالواحد. (1360). عَزْر الحِکْم و دُرر الکلم. تحقیق میرجلال الدین المحدث. چاپ سوم. دانشگاه تهران.

انصاری، جعفر، مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم (از قسمتهایی از این مقاله با تغییرات لازم استفاده شده است)

بابایی، علی، جزء سی قران بصورت منظوم، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)

بابایی، علی، دیوان حقیر، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389) چاپ دوم 94 انتشارات دارخوین

بابایی، علی، تنها راه سعادت...، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389) چاپ دوم 94 انتشارات دارخوین

بابایی، علی، بحرانهای معرفتی فلاسفه غرب در حوزه های انسان شناسی، چاپ دوم 97 انتشارات دارخوین

بابایی، علی، سالمترین پیام، چاپ دوم 97 انتشارات دارخوین

بابایی، علی، مقصد نهایی بشر، چاپ دوم 97 انتشارات دارخوین

بابایی، علی، پرستش عالیترین نیاز، چاپ دوم 97 انتشارات دارخوین

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش آموزان و جانبازان. 1379/08/11.

تقیان، حبیب الله، کیمیای کار در گفتار و کردار ابرار، قم، انتشارات حسنین، 1389 ش.

ثعلبی، ابواسحاق أحمد. (1422ق.). الكشف و البیان. با تحقیق أبو محمد بن عاشور. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

حرانی، علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات کتاب-فروشی اسلامی، 1360ش.

حرّ عاملی، محمد. (1391ق.). وسائل الشیعه. چاپ چهارم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

حقی بروسوی، اسماعیل. (1421ق.). تفسیر روح البیان. تصحیح احمد عزّ و عنایه. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

حکیمی، محمدرضا و محمد و علیحکیمی. (1380). الحیاه. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (1412ق.). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دار القلم.

رضایی، مجید. (1382). کار و دین. تهران: کانون اندیشه جوان.

شریف رضی، محمد بن حسین. (1379). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.

سیدرضی، محمدبن حسین (1414 ق.). نهج البلاغه. تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.

سیف، اله مراد، فصلنامه آفاق امنیت "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)"، سال پنجم، شماره 16، پاییز 1391، صفحات 5 تا 22.

صدر، سید کاظم، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی، "تعامل علم اقتصاد و مکتب اقتصاد اسلامی"، سال اول، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان 1381.

صدر، محمدباقر، "اقتصاد ما"، ترجمه ع. اسپهبدی، جلد دوم، چاپ برهان، تهران، 1350.

صحیفه سجّادیه. (1376). امام علی بن حسین (ع). قم: نشر الهادی.

طالبیان، عذرا، نامه جامعه 1385 شماره 25 و 26 (از قسمتهایی از این مقاله با تغییرات لازم استفاده شده است)

طباطبائی، محمدحسین. (1417ق.). المیزان فی تفسیر قرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، 1408ق.

طبرسی، علی بن حسن (1385 ق.). مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: المکتبه الحیدریه، چاپ دوم.

- طوسی، محمدبن حسن (1407 ق.). تهذیب الأحکام. تحقیق حسن خرسان. تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه (1415 ق.). تفسیر نورالثقلین تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان،

- علم الهدی، سید سجاد (1395) روشناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عملکرد اقتصادی امام علی (ع) فصلنامه پژوهشنامه علوی، سال هفتم، شماره دوم، صص 103 - 132.

عبّاس نژاد، محسن. (1384). قرآن و اقتصاد. مشهد: مؤسسه انتشارات بنیاد پژوهش های قرآن، حوزه و دانشگاه.

عیاشی، أبونصر محمد بن مسعود. (1421ق.). التفسیر العیاشی. چاپ اول. قم: مؤسسه البعثه.

فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بی-تا.

قحف، منذر، "دین و اقتصاد (نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصادی اسلام)"، ترجمه سیدحسین میرمعزی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره 18، 1384، صفحات 157 تا 178.

کلینی، محمد بن یعقوب. (1388ق.). کافی. تحقیق علی اکبر غفّاری. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

لطفعلی پور، محمد رضا، "علم اقتصاد، مکتب اقتصادی و سیستم اقتصاد اسلامی"، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال شانزدهم، شماره 3 و 4، پاییز و زمستان 1383، صفحات 89 تا 106.

لیثی واسطی، علی بن محمد (1376). عیون الحکم و المواعظ تحقیق حسین حسینی. قم: دارالحدیث.

مطهری، مرتضی. (1387). مجموعه آثار؛ تعلیم و تربیت در اسلام. چاپ چهارم. تهران: صدرا.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1403ق.

معمدل نگرودی، فاطمه و پرویش، محسن، بررسی شاخص‌های اقتصاد سالم و آرمانی در سیره علوی

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (1374). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). خطوط اصلی اقتصاد اسلامی. قم: هدف.

موسوی اصفهانی، جمال‌الدین. (1368). پیام‌های اقتصادی قرآن. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

نوری، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت (ع) لاحیاء التراث - 1988م، بیروت، لبنان

نمازی، حسین، نظام‌های اقتصادی، شرکت سهامی انتشار، 1382

وینتراب، روی، "مروری بر مکاتب اقتصادی"، مترجم: دکتر سید حسین میرجلیلی، سایت علمی دانشجویان ایران،

واعظی‌نیا، سیدابوذر، راهکارهای ایجاد اقتصاد سالم (از قسمتهایی از این مقاله با تغییرات لازم استفاده شده است)

ولوی، علی محمد. (1381). فرهنگ کار در اسلام (پژوهشی در قرآن و سیره معصومان). تهران: امیرکبیر.

هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله (1400ق). منهاج البراعه فی شرح نه‌ج‌البلاغه تحقیق ابراهیم میانجی. تهران: مکتبه‌الاسلامیه،

هندی، علاء الدین علی الممتقی ابن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا، ج 16.

هدایت خواه، ستار، زیور عفاف، انتشارات فرهنگی مشهد، چاپ دوم، 1375

یوسفی، احمد علی، "روش های کشف آموزه های اقتصاد اسلامی"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره 22، تابستان 1385، صفحات 147 تا 176.

یوسفی، احمد علی، "ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره 23، 1385، صفحات 110 تا 126. 2737517 5041721065284847

سایت های مختلف از جمله سایت اسوه، 1392. www.zibaweb.com سایت پرسمان اخلاق. <http://akhlagh.porsemani.ir/node> و وبلاگ انجمن فلسفه.

ü -Briguglio Lino, Cordina Gordon, Farrugia Nadia, and Vella Stephanie, "Economic Vulnerability and Resilience, Concepts and Measurements", United Nations University, UNU-WIDER, World Institute for Development Economics Research, Research Paper No. 2008/55, May 2008

ü -Ficenec, Sarah V., "Regional Economic Resilience: What Can We Learn from Other Fields?" George Washington Institute of Public Policy, December, 2010

ü 17-McInroy, Neil, Longlands, Sarah, "Productive local economies: creating resilient places", Centre for Local Economic Strategies, December 2010

کتابهای زیر تا کنون از این شاعر و مولف چاپ و منتشر شده است:

(1) جزء سی قران بصورت منظوم، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)

(2) دیوان حقیر، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1388) چاپ دوم 94 انتشارات دارخوین

(3) تنها راه سعادت در پرتو بهترین نوع مدیریت، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)

(4) بهترین روش زناشویی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).

(5) منظومه همسر داری، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394)

(6) بهترین راه انتخاب همسر، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).

(7) بهترین روش برای دوران خوب نامزدی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).

- 8) تنها راه خوشبختی در همسررداری، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394).
- 9) ارزشمندترین لحظه ها استفاده از فرصتها، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)
- 10) معنا درمانی (درمان افسردگی و.. بدون استفاده از داروهای شیمیایی) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1395)
- 11) عطر یاد، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1385)
- 12) نه گفتار، انتشارات برترین اندیشه، چاپ اول (1389)
- 13) فطرت و کمال انسانی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)
- 14) پرستش، کاملترین پاسخ به عالیترین نیاز، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)

- 15) سالمترین پیام برای سعادت واقعی بشر، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)
- 16) مقصد نهایی انسان، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1396)
- 17) نقش عجیب مذهب در ایجاد آرامش همسران، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1394)
- 18) بصیرت افزایی رمز و راز ولایت مداری و سعادت، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1395)
- 19) بحرانه‌های مکاتب و فلاسفه غرب در حوزه های انسان شناسی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1397)
- 20) غزلیات حقیر، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1397)
- 21) قرآن، تنها کتاب نجات بخش، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- 22) حجاب، فریاد خاموش فطرت، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- 23) نقش حجاب در بهداشت روانی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- 24) نامه ای بی نظیر برای فرزندانم، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- 25) توفیق انجام کار خیر و عمل صالح، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- 26) صفات ناب برای فطرت‌های پاک، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- 27) رباعیات حقیر اصفهانی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- 28) دویستی های حقیر اصفهانی، چاپ اول، اصفهان، انتشارات دارخوین (1398)
- 29) آنچه والدین باید قبل از تولد فرزند بدانند، (فرزند پروری 1) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- 30) بهترین روش تربیت فرزند در هفت سال اول، (فرزند پروری 2) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- 31) بهترین روش تربیت فرزند در هفت سال دوم، (فرزند پروری 3) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)
- 32) آنچه والدین باید در هفت سال سوم بدانند، (فرزند پروری 4) چاپ دوم، اصفهان، انتشارات دارخوین (1399)

همچنین دهها مقاله در مجلات تخصصی دانشگاهی و روزنامه های داخلی و بین المللی منتشر کرده است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

